متن و ترجمه

کتاب نفیس

فروع کافی

جلد هشتم

تألیف

محدّث عالی مقام ثقة الاسلام محمّد یعقوب کلینی رازی رحمه‌الله

ترجمه: گروه مترجمان

اشراف و ویرایش: محمّد حسین رحیمیان

فهرست موضوعات
کتاب احکام خوراکی‌ها
(۲۱ ـ ۲۵۱)

بخش سی و چهارم

ولیمه‌ها و مهمانی‌ها ۲۳

بخش سی و پنجم

کسی که در شهری داخل می‌شود، مهمان برادران دینی خود است ۲۶

بخش سی و ششم

مهمانی سه روز است.............. ۲۷

بخش سی و هفتم

کراهت به خدمت واداشتن مهمان ۲۸

بخش سی و هشتم

رزق و روزی به همراه مهمان......... ۲۹

بخش سی و نهم

حق مهمان وگرامی‌داشت او.......... ۳۱

بخش چهلم

میل غذا با مهمان ۳۲

بخش چهل و یکم

انسان ناگزیر از میل غذا است ۳۴

بخش چهل و دوم

ناهار و شام ۳۷

بخش چهل و سوم

فضیلت شام وکراهت ترک آن ۳۹

بخش چهل و چهارم

شستن دست پیش از غذا و پس از آن.. ۴۳

بخش چهل و پنجم

شرایط شستن دست پیش از غذا ۴۵

بخش چهل و ششم

حوله وکشیدن دست به صورت پس از شستن ۴۶

بخش چهل و هفتم

«بسم الله» و«الحمد لله» گفتن ودعا خواندن به هنگام صرف غذا.......... ۴۸

بخش چهل و هشتم

چند روایت نکته‌دار............... ۶۶

بخش چهل و نهم

خوردن آن چه که از سفره می‌افتد..... ۶۷

بخش پنجاهم

فضیلت وارزش نان............... ۷۱

بخش پنجاه و یکم

نان جو........................ ۷۸

بخش پنجاه و دوم

نان برنج....................... ۷۹

بخش پنجاه و سوم

قاووت‌ها وارزش قاووت گندم ۸۰

بخش پنجاه و چهارم

قاووت عدس ۸۵

بخش پنجاه و پنجم

ارزش گوشت ۸۶

بخش پنجاه و ششم

کسی که چهل روز گوشت نخورد اخلاقش دگرگون می‌شود.................. ۸۹

بخش پنجاه و هفتم
برتری گوشت گوسفند بر گوشت بز... ۹۱

بخش پنجاه و هشتم
گوشت گاو و پیه‌های آن............ ۹۳

بخش پنجاه و نهم
گوشت شتر و شتر خراسانی......... ۹۵

بخش شصتم
گوشت پرندگان.................. ۹۶

بخش شصت و یکم
گوشت آهو وگور خر ۹۸

بخش شصت و دوم
گوشت گاو میش ۹۹

بخش شصت و سوم
کراهت خوردن گوشت ناپخته...... ۱۰۰

بخش شصت و چهارم
گوشت «قدید»................. ۱۰۱

بخش شصت و پنجم
برتری گوشت سردست بر گوشت دیگر اعضا...................... ۱۰۴

بخش شصت و ششم
غذای پخته شده................ ۱۰۵

بخش شصت و هفتم
ترید ۱۰۸

بخش شصت و هشتم
گوشت بریان، کباب وکله......... ۱۱۱

بخش شصت و نهم
حلیم...................... ۱۱۴

بخش هفتادم
غذای مثلثه و احساء............. ۱۱۵

بخش هفتاد و یکم
حلواء ۱۱۷

بخش هفتاد و دوم

غذای داغ ۱۱۹

بخش هفتاد و سوم

پاک کردن استخوان ۱۲۱

بخش هفتاد و چهارم

ماهی ۱۲۲

بخش هفتاد و پنجم

تخم مرغ ۱۲۶

بخش هفتاد و ششم

ارزش نمک...................... ۱۲۹

بخش هفتاد و هفتم

سرکه و روغن زیتون ۱۳۳

بخش هفتاد و هشتم

سرکه........................ ۱۳۶

بخش هفتاد و نهم

مری ۱۴۰

بخش هشتادم

روغن زیتون و زیتون.............. ۱۴۱

بخش هشتادم و یکم

عسل ۱۴۳

بخش هشتاد و دوم

شکر ۱۴۵

بخش هشتاد و سوم

روغن حیوانی ۱۵۰

بخش هشتاد و چهارم

شیر حیوانات.................. ۱۵۲

بخش هشتاد و پنجم

شیر گاو ۱۵۵

بخش هشتاد و ششم

ماست ۱۵۷

بخش هشتاد و هفتم
شیر شتر ۱۵۷

بخش هشتاد و هشتم
شیر الاغ ۱۵۸

بخش هشتاد و نهم
پنیر ۱۶۰

بخش نودم
پنیر وگردو ۱۶۲

بخش‌هایی دربارۀ حبوبات
بخش نود و یکم
برنج ۱۶۳
بخش نود و دوم
نخود ۱۶۷

بخش نود و سوم
عدس ۱۶۹

بخش نود و چهارم
باقلا ولوبیا ۱۷۰

بخش نود و پنجم
ماش ۱۷۲

بخش نود و ششم
کاورس ۱۷۲

بخش نود و هفتم
خرما ۱۷۳

بخش نود و هشتم
میوه‌های مختلف ۱۸۴

بخش نود و نهم
انگور ۱۸۵

بخش صدم
مویز ۱۸۹

بخش صد و یکم
انار ۱۹۰

بخش صد و دوم
سیب ۱۹۷

بخش صد و سوم

به ۲۰۱

بخش صد و چهارم

انجیر........................ ۲۰۳

بخش صد و پنجم

گلابی ۲۰۴

بخش صد و ششم

آلو........................ ۲۰۵

بخش صد و هفتم

نارنج........................ ۲۰۶

بخش صد و هشتم

موز........................ ۲۰۹

بخش صد و نهم

سنجد ۲۱۰

بخش صد و دهم

خربزه ۲۱۱

بخش صد و یازدهم

سبزیجات ۲۱۲

بخش صد و دوازدهم

روایاتی درباره کاسنی ۲۱۳

بخش صد و سیزدهم

ریحان کوهی........................ ۲۱۷

بخش صدو چهاردهم

تره ۲۱۹

بخش صدو پانزدهم

کرفس........................ ۲۲۲

بخش صد و شانزدهم

گشنیز........................ ۲۲۳

بخش صد و هفدهم

خُرفه........................ ۲۲۳

بخش صد و هیجدهم

کاهو ۲۲۴

بخش صد و نوزدهم

سداب ۲۲۵

بخش صد و بیستم

شاهی ۲۲۶

بخش صد و بیست و یکم

چغندر ۲۲۷

بخش صد و بیست و دوم

قارچ ۲۲۹

بخش صد و بیست و سوم

کدو حلوایی ۲۳۰

بخش صد وبیست وچهارم

تُرُب ۲۳۲

بخش صد وبیست وپنجم

هویج ۲۳۳

بخش صد وبیست وششم

شلغم ۲۳۴

بخش صد و بیست و هفتم

خیار ۲۳۶

بخش صد و بیست و هشتم

بادمجان ۲۳۷

بخش صد و بیست و نهم

پیاز ۲۳۸

بخش صد و سی‌ام

سیر ۲۴۰

بخش صد و سی و یکم

آویشن ۲۴۲

بخش صد و سی و دوم

خلال کردن ۲۴۳

بخش صد و سی و سوم

تفاله‌های لای دندان ۲۴۶

بخش صد و سی و چهارم

شویندهٔ اُشنان و سُعد ۲۴۷

کتاب آشامیدنی‌ها
(۲۵۱ ـ ۳۹۰)

بخش یکم
فضیلت و ارزش آب ۲۵۳

بخش دوم
روایاتی دیگر دربارهٔ آب ۲۵۵

بخش سوم
آب فراوان آشامیدن............... ۲۵۷

بخش چهارم
ایستاده و یک نفس آشامیدن آب ۲۵۸

بخش پنجم
دعا به هنگام آشامیدن آب ۲۶۲

بخش ششم
ظرف‌ها........................ ۲۶۴

بخش هفتم
فضیلت آب زمزم و آب ناودان کعبه .. ۲۶۷

بخش هشتم
آب آسمان..................... ۲۶۹

بخش نهم
فضیلت آب فرات ۲۷۱

بخش دهم
آب‌هایی که از شُرب آنها نهی شده است........................ ۲۷۳

بخش یازدهم
روایت‌های نکته‌دار ۲۷۶

بخش دوازدهم
بخش‌هایی دربارهٔ نبیذها ۲۷۹
مواد تهیّهٔ شراب.................. ۲۷۹

بخش سیزدهم
ریشه تحریم شراب............... ۲۸۰

بخش چهاردهم
شراب همیشه حرام بوده است ۲۸۷

بخش پانزدهم

شراب‌خوار ۲۸۸

بخش شانزدهم

بخشی دیگر دربارهٔ شراب‌خوار..... ۲۹۸

بخش هفدهم

شراب، اصل هر گناه و بدی است.... ۳۰۳

بخش هیجدهم

کسی که همواره شراب می‌نوشد ۳۰۶

بخش نوزدهم

روایاتی دیگر دربارهٔشراب‌خوار..... ۳۰۹

بخش بیستم

تحریم شراب در قرآن ۳۱۱

بخش بیست و یکم

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اندک وبسیار مواد مستی‌آور را تحریم فرمود ۳۱۵

بخش بیست و دوم

شراب به خاطر نتیجه‌اش حرام است! پس هر چه که نتیجه‌اش مانند آن باشد حرام است...................... ۳۲۶

بخش بیست و سوم

حکم کسی که به عنوان دارو، رفع تشنگی و یا تقیه شراب بنوشد ۳۲۸

بخش بیست و چهارم

شراب خرما وکشمش ۳۳۴

بخش بیست و پنجم

ظروف شراب ۳۴۴

بخش بیست و ششم

شیرهٔ انگور ۳۴۶

بخش بیست و هفتم

شیرهٔ انگور پخته ۳۴۷

بخش بیست و هشتم

شیرهٔ طلایی..................... ۳۴۸

بخش بیست و نهم

قطره‌ای از ماده مست کننده در ظرف غذا ۳۵۳

بخش سی‌ام

آب جو ۳۵۴

بخش سی و یکم

نوشیدنی حلال ۳۵۹

بخش سی و دوم

باز هم در مورد نوشیدنی‌ها ۳۶۵

بخش سی و سوم

ظرفی که قبلاً در آن شراب بوده واکنون در آن سرکه است و یا از آن می‌نوشند... ۳۶۶

بخش سی و چهارم

دگرگونی شراب به سرکه ۳۶۸

بخش سی و پنجم

چند روایت نکته‌دار............. ۳۶۹

بخش سی و ششم

آواز وغنا..................... ۳۷۴

بخش سی و هفتم

قمار با نرد و شطرنج ۳۸۴

کتاب احکام پوشش، خودآرایی و جوانمردی
(۳۹۱ ـ ۶۲۴)

بخش یکم

خودآرایی وآشکار کردن نعمت..... ۳۹۳

بخش دوم

لباس........................ ۳۹۹

بخش سوم

کراهت لباس شهرت............. ۴۰۸

بخش چهارم

لباس سفید و پنبه‌ای............. ۴۰۹

بخش پنجم

پوشیدن لباس رنگی ۴۱۳

بخش ششم
پوشیدن لباس مشکی.............. ۴۱۹

بخش هفتم
کتان ۴۲۰

بخش هشتم
پوشیدن لباس پشمی، مویین وکُرکی ۴۲۰

بخش نهم
پوشیدن لباس خز ۴۲۳

بخش دهم
پوشیدن لباس نقش ونگاردار ۴۲۷

بخش یازدهم
حریر ودیبا ۴۲۹

بخش دوازدهم
حکم پوشیدن لباس کوتاه وبلند..... ۴۳۳

بخش سیزدهم
دعا به هنگام پوشیدن لباس نو ۴۴۰

بخش چهاردهم
پوشیدن لباس کهنه ۴۴۳

بخش پانزدهم
عمامه ودستار................. ۴۴۵

بخش شانزدهم
کلاه زمستانی ۴۴۸

بخش هفدهم
پوشیدن کفش ۴۴۹

بخش هیجدهم
رنگ‌های نعلین................. ۴۵۵

بخش نوزدهم
کفش........................ ۴۵۸

بخش بیستم
آداب پوشیدن کفش.............. ۴۶۰

بخش بیست و یکم

خاتم و مهر انگشتری ۴۶۲

بخش بیست و دوم

عقیق ۴۶۷

بخش بیست و سوم

یاقوت و زمرّد ۴۷۰

بخش بیست و چهارم

فیروزه ۴۷۱

بخش بیست و پنجم

جَزْع یمنی و بلور ۴۷۳

بخش بیست و ششم

نقش انگشتر ۴۷۴

بخش بیست و هفتم

حکم زیور آلات ۴۷۹

بخش بیست و هشتم

حکم فرش‌ها ۴۸۳

بخش بیست و نهم

چند حدیث نکته‌دار ۴۸۷

بخش سی‌ام

رنگ کردن مو ۴۹۲

بخش سی و یکم

رنگ سیاه و رنگ وسمه ۴۹۷

بخش سی و دوم

رنگ کردن با حنا ۴۹۹

بخش سی و سوم

چیدن و تراشیدن موی سر ۵۰۱

بخش سی و چهارم

موی سر و باز کردن فرق ۵۰۴

بخش سی و پنجم

ریش و سبیل ۵۰۷

بخش سی و ششم

چیدن موی بینی ۵۱۱

بخش سی و هفتم

شانه کردن ۵۱۱

بخش سی و هشتم

چیدن ناخن‌ها ۵۱۵

بخش سی و نهم

موهای سفید ۵۲۱

بخش چهلم

دفن موی و ناخن ۵۲۳

بخش چهل و یکم

سرمهٔ چشم ۵۲۴

بخش چهل و دوم

مسواک زدن ۵۲۷

بخش چهل و سوم

حمام کردن و دوش گرفتن ۵۳۰

بخش چهل و چهارم

شستن سر ۵۴۸

بخش چهل و پنجم

نوره کشیدن ۵۵۱

بخش چهل و ششم

موی زیر بغل ۵۵۷

بخش چهل و هفتم

حنا بعد از نوره ۵۶۱

بخش چهل و هشتم

عطر و بوی خوش ۵۶۴

بخش چهل و نهم

کراهت ردّ هدیه عطر ۵۶۹

بخش پنجاهم

انواع عطر ۵۷۲

بخش پنجاه و یکم

اصل عطر ۵۷۲

بخش پنجاه و دوم

مُشک ۵۷۵

بخش پنجاه و سوم

عطر غالیه ۵۷۸

بخش پنجاه وچهارم

عطر زعفرانی...................... ۵۸۱

بخش پنجاه و پنجم

بخور........................ ۵۸۳

بخش پنجاه و ششم

روغن مالی وکِرِم................. ۵۸۵

بخش پنجاه و هفتم

کراهت مداومت بر روغن مالی ۵۸۷

بخش پنجاه و هشتم

روغن بنفشه ۵۸۹

بخش پنجاه و نهم

روغن خیری ۵۹۳

بخش شصتم

روغن گیاه بان ۵۹۴

بخش شصت و یکم

روغن زنبق ۵۹۶

بخش شصت و دوم

روغن کنجد...................... ۵۹۷

بخش شصت و سوم

گُل‌ها........................ ۵۹۸

بخش شصت و چهارم

خانهٔ وسیع...................... ۶۰۰

بخش شصت و پنجم

تزیین خانه ۶۰۳

بخش شصت و ششم

بنای حدیثی کوتاه ۶۰۸

بخش شصت و هفتم

بنای مرتفع...................... ۶۰۸

بخش شصت و هشتم

نرده‌کشی....................... ۶۱۱

بخش شصت و نهم

چند روایت نکته‌دار.............. ۶۱۳

بخش هفتادم

کراهت تنها خوابیدن ۶۱۸

کتاب دام‌ها و دام‌پروری

(۶۲۵ ـ ۶۷۰)

بخش یکم

نگه داری چارپا و حیوان سواری ۶۲۷

بخش دوم

روایت‌های نکته دار درباره چارپایان . ۶۳۲

بخش سوم

ساز و برگ چارپا ۶۴۰

بخش چهارم

نگهداری شتر ۶۴۲

بخش پنجم

گوسفند....................... ۶۴۷

بخش ششم

داغ نهادن چارپایان ۶۵۱

بخش هفتم

کبوتر ۶۵۲

بخش هشتم

فرستادن پرندگان................. ۶۵۹

بخش نهم

خروس ۶۶۰

بخش دهم

قُمری ۶۶۲

بخش یازدهم

فاخته و صُلصُل ۶۶۴

بخش دوازدهم

نگه داری سگ................. ۶۶۶

بخش سیزدهم

ایجاد جنگ بین چارپایان........... ۶۷۰

كِتَابُ الْأَطْعِمَةِ

کتاب

احکام خوراکی‌ها

(۳٤)
بَابُ الْوَلَائِمِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ:

أَوْلَمَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام وَلِيمَةً عَلَى بَعْضِ وُلْدِهِ فَأَطْعَمَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ الْفَالُوذَجَاتِ فِي الْجِفَانِ فِي الْمَسَاجِدِ وَ الْأَزِقَّةِ. فَعَابَهُ بِذَلِكَ بَعْضُ أَهْلِ الْمَدِينَةِ.

فَبَلَغَهُ عليه السلام ذَلِكَ فَقَالَ: مَا آتَى اللهُ عزّ وجلّ نَبِيّاً مِنْ أَنْبِيَائِهِ شَيْئاً إِلَّا وَ قَدْ آتَى مُحَمَّداً صلى الله عليه وآله مِثْلَهُ وَ زَادَهُ مَا لَمْ يُؤْتِهِمْ.

قَالَ لِسُلَيْمَانَ عليه السلام: ﴿هٰذٰا عَطٰاؤُنٰا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسٰابٍ﴾.

وَ قَالَ لِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله: ﴿وَ مٰا آتٰاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مٰا نَهٰاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾.

بخش سی و چهارم
ولیمه‌ها و مهمانی‌ها

١ ـ راوی گوید:

امام کاظم عليه السلام برای یکی از پسران خود ولیمه و سور داد. مراسم ولیمه چنین بود که سه روز در مساجد و کوچه‌های مدینه برای مردم در کاسه‌های بزرگ فالوده می‌دادند.

یکی از مردم به این کار حضرت عليه السلام ایراد گرفت. این خبر آن به سمع مبارک آن حضرت رسید.

فرمود: خداوند هیچ چیزی را به هیچ کدام از پیامبران خود عطا نفرمود مگر آن که مانند آن را به حضرت محمّد صلى الله عليه وآله عطا کرد و بر آن خوب افزود و آن را به دیگر پیامبران عطا نفرمود. خداوند به سلیمان عليه السلام فرمود: «این عطا و بخشش ماست؛ پس می‌توان عطا کنی و یا آن را نگه داری که حسابی بر عهدهٔ تو نباشد» و به حضرت محمّد صلى الله عليه وآله فرمود: «و آن چه را که پیامبر به شما می‌دهد، بردارید و از آن چه که از آن نهی می‌کند، خودداری کنید».

۲ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ أَبِي مَسْرُوقٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

لَا تَجِبُ الدَّعْوَةُ إِلَّا فِي أَرْبَعٍ: الْعُرْسِ وَ الْخُرْسِ وَ الْإِيَابِ وَ الْإِعْذَارِ.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله:

الْوَلِيمَةُ فِي أَرْبَعٍ: الْعُرْسِ وَ الْخُرْسِ وَ هُوَ الْمَوْلُودُ يُعَقُّ عَنْهُ وَ يُطْعَمُ وَ الْإِعْذَارِ وَ هُوَ خِتَانُ الْغُلَامِ وَ الْإِيَابِ، وَ هُوَ الرَّجُلُ يَدْعُو إِخْوَانَهُ إِذَا آبَ مِنْ غَيْبَتِهِ.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: أَوْ تَوْكِيرٍ وَ هُوَ بِنَاءُ الدَّارِ أَوْ غَيْرُهُ.

٤ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ بِإِسْنَادٍ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ:

نَهَى رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله عَنْ طَعَامِ وَلِيمَةٍ يُخَصُّ بِهَا الْأَغْنِيَاءُ وَ يُتْرَكُ الْفُقَرَاءُ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

---

۲ ـ هشام بن سالم می‌گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

دعوت مهمانی فقط در چهار مورد است: عروسی، ولادت، ولیمه بازگشت از مسافرت و ختنه سوران.

۳ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

ولیمه در چهار مورد است: عروسی، ولادت که برای نوزاد عقیقه می‌شود و اطعام می‌نمایند، ختنه سوران که ختنه کردن پسر بچه است و بازگشت از مسافرت که به هنگام بازگشت از مسافرت که برادران خویش را به مهمانی دعوت می‌کند.

در روایت دیگر آمده است: و یا «تَوْکیر» که همان ساختن خانه و یا موارد دیگر است.

۴ ـ راوی گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از خوردن غذای ولیمه‌ای که ثروتمندان را به آن اختصاص دهند و فقرا را ترک نمایند، نهی نمود.

۵ ـ معاوية بن عمّار گوید:

قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام: إِنَّا نَجِدُ لِطَعَامِ الْعُرْسِ رَائِحَةً لَيْسَتْ بِرَائِحَةِ غَيْرِهِ.

فَقَالَ لَهُ: مَا مِنْ عُرْسٍ يَكُونُ يُنْحَرُ فِيهِ جَزُورٌ أَوْ تُذْبَحُ بَقَرَةٌ أَوْ شَاةٌ إِلَّا بَعَثَ اللهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَلَكاً مَعَهُ قِيرَاطٌ مِنْ مِسْكِ الْجَنَّةِ حَتَّى يُدِيفَهُ فِي طَعَامِهِمْ، فَتِلْكَ الرَّائِحَةُ الَّتِي تُشَمُّ لِذَلِكَ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ بَعْضِ الْعِرَاقِيِّينَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ جَعْفَرٍ الْقَلَانِسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: إِنَّا نَتَّخِذُ الطَّعَامَ وَ نَسْتَجِيدُهُ وَ نَتَنَوَّقُ فِيهِ وَ لَا نَجِدُ لَهُ رَائِحَةَ طَعَامِ الْعُرْسِ.

فَقَالَ: ذَلِكَ لِأَنَّ طَعَامَ الْعُرْسِ فِيهِ تَهُبُّ رَائِحَةٌ مِنَ الْجَنَّةِ، لِأَنَّهُ طَعَامٌ اتُّخِذَ لِلْحَلَالِ.

مردی به امام صادق عليه السلام عرض کرد: ما در غذای عروسی بویی استشمام می‌کنیم که در غذاهای دیگر نیست. فرمود:

هر عروسی که در آن شتری نحر شود و یا گاو یا گوسفندی ذبح شود خداوند تبارک و تعالی فرشته‌ای را بر می‌انگیزاند که یک قیراط مشک بهشتی را در غذای آنان مخلوط می‌کند، همان بو و رایحهٔ بهشتی است که استشمام می‌شود.

۶ ـ جعفر قلانسی گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم:

ما غذا آماده می‌کنیم و آن را به خوبی تهیّه می‌نماییم و در آن دقت می‌کنیم اما بوی غذای عروسی را در آن نمی‌یابیم.

فرمود: چون در غذای عروسی رایحهٔ بهشتی وزیده می‌شود؛ زیرا آن، غذایی است که برای امری حلال آماده می‌شود.

(۳۵)

بَابُ أَنَّ الرَّجُلَ إِذَا دَخَلَ بَلْدَةً فَهُوَ ضَيْفٌ عَلَى مَنْ بِهَا مِنْ إِخْوَانِهِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَحْمَرِ بِإِسْنَادِهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

إِذَا دَخَلَ رَجُلٌ بَلْدَةً فَهُوَ ضَيْفٌ عَلَى مَنْ بِهَا مِنْ إِخْوَانِهِ وَ أَهْلِ دِينِهِ حَتَّى يَرْحَلَ عَنْهُمْ.

۲ ـ أَبُو عَبْدِاللهِ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللهِ الْكَرْخِيِّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: إِذَا دَخَلَ رَجُلٌ بَلْدَةً فَهُوَ ضَيْفٌ عَلَى مَنْ بِهَا مِنْ أَهْلِ دِينِهِ حَتَّى يَرْحَلَ عَنْهُمْ.

بخش سی و پنجم

کسی که در شهری داخل می‌شود، مهمان برادران دینی خود است

۱ ـ فضیل بن یسار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

هر گاه کسی به یک آبادی وارد شود، مهمان برادران وهم‌کیشانش در آن آبادی خواهد بود تا هنگامی که از آن جا کوچ کند.

۲ ـ نظیر این روایت را راوی دیگری از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند.

(۳٦)
بَابُ أَنَّ الضِّيَافَةَ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْفَارِسِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ حَفْصٍ الْبَصْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

الضَّيْفُ يُلْطَفُ لَيْلَتَيْنِ، فَإِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ الثَّالِثَةِ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يَأْكُلُ مَا أَدْرَكَ.

۲ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ وَاصِلٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

الضِّيَافَةُ أَوَّلَ يَوْمٍ وَ الثَّانِيَ وَ الثَّالِثَ وَ مَا بَعْدَ ذَلِكَ، فَإِنَّهَا صَدَقَةٌ تُصُدِّقَ بِهَا عَلَيْهِ.

قَالَ: ثُمَّ قَالَ صلى الله عليه وآله: لَا يَنْزِلُ أَحَدُكُمْ عَلَى أَخِيهِ حَتَّى يُوثِمَهُ مَعَهُ.

قِيلَ: يَا رَسُولَ اللهِ! كَيْفَ يُوثِمُهُ؟

قَالَ: حَتَّى لَا يَكُونَ عِنْدَهُ مَا يُنْفِقُ عَلَيْهِ.

بخش سی و ششم
مهمانی سه روز است

۱ ـ سلیمان بن حفص می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

مهمان دو شب مورد لطف قرار می‌گیرد. هنگامی که شب سوم فرا رسید از اهل خانه به شمار می‌آید؛ هر غذایی تهیه شد می‌خورد.

۲ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

مهمانی روز اول، دوم و سوم است. پس از آن به عنوان صدقه از او پذیرایی می‌شود.

سپس فرمود: هرگز نزد برادرتان آن گونه مهمان نشوید که او را همراه خود به گناه وادارید.

عرض شد: ای پیامبر خدا! چگونه او را به گناه وا می‌دارد؟

فرمود: چندان مهمان صاحب‌خانه می‌شود که او چیزی ندارد که به مهمان انفاق کند.

(۳۷)

بَابُ كَرَاهِيَةِ اسْتِخْدَامِ الضَّيْفِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى عَنْ ذُبْيَانَ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ مُوسَى النُّمَيْرِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ:

رَأَيْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام ضَيْفاً. فَقَامَ يَوْماً فِي بَعْضِ الْحَوَائِجِ، فَنَهَاهُ عَنْ ذَلِكَ وَ قَامَ بِنَفْسِهِ إِلَى تِلْكَ الْحَاجَةِ. وَ قَالَ عليه السلام:

نَهَى رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله عَنْ أَنْ يُسْتَخْدَمَ الضَّيْفُ.

۲ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ الْبَغْدَادِيِّ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ قَالَ:

نَزَلَ بِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام ضَيْفٌ وَ كَانَ جَالِساً عِنْدَهُ يُحَدِّثُهُ فِي بَعْضِ اللَّيْلِ. فَتَغَيَّرَ السِّرَاجُ، فَمَدَّ الرَّجُلُ يَدَهُ لِيُصْلِحَهُ، فَزَبَرَهُ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام ثُمَّ بَادَرَهُ بِنَفْسِهِ فَأَصْلَحَهُ، ثُمَّ قَالَ لَهُ:

بخش سی و هفتم

کراهت به خدمت واداشتن مهمان

۱ ـ ابن ابی یعفور گوید: در خدمت امام صادق عليه السلام بودم، آن حضرت مهمان داشت. روزی مهمان برای انجام برخی از کارها برخاست. امام عليه السلام او را از این کار بازداشت و خود به انجام آن کار اقدام کرد و فرمود:

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله نهی نمود که مهمان به خدمت گرفته شود.

۲ ـ راوی گوید: مهمانی خدمت امام رضا عليه السلام شرف‌یاب شد. شبی در خدمت حضرت امام عليه السلام نشسته بود و با حضرتش گفت وگو می‌کرد، ناگاه نور چراغ متغیّر شد. او دست خود را دراز نمود تا چراغ را درست کند. امام عليه السلام او را از این کار بازداشت سپس خود به این کار مبادرت نمود و آن را درست کرد. سپس به مهمان فرمود:

إِنَّا قَوْمٌ لَا نَسْتَخْدِمُ أَضْيَافَنَا.

۳ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى عَنْ ذُبْيَانَ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ مُوسَى بْنِ أُكَيْلٍ النُّمَيْرِيِّ عَنْ مَيْسَرَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه‌السلام:

إِنَّ مِنَ التَّضْعِيفِ، تَرْكَ الْمُكَافَأَةِ وَ مِنَ الْجَفَاءِ، اسْتِخْدَامَ الضَّيْفِ؛ فَإِذَا نَزَلَ بِكُمُ الضَّيْفُ، فَأَعِينُوهُ وَ إِذَا ارْتَحَلَ، فَلَا تُعِينُوهُ، فَإِنَّهُ مِنَ النَّذَالَةِ وَ زَوِّدُوهُ وَ طَيِّبُوا زَادَهُ، فَإِنَّهُ مِنَ السَّخَاءِ.

(۳۸)
بَابُ أَنَّ الضَّيْفَ يَأْتِي رِزْقُهُ مَعَهُ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْفَارِسِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ حَفْصٍ الْبَصْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله:

ما قومی هستیم که مهمانان خود را به خدمت نمی‌گیریم.

۳ـ میسره گوید: امام باقر عليه‌السلام فرمود:

همانا ترک مکافات از سستی و ناتوانی است و به خدمت گرفتن مهمان از جفا و ستم است. مهمان را به هنگام ورود به خانه یاری کنید، ولی به هنگام کوچ به او کمک نکنید؛ زیرا این کار از فرومایگی است. به مهمان زاد و توشهٔ پاکیزه دهید؛ زیرا این کار از سخاوت است.

بخش سی و هشتم
رزق و روزی به همراه مهمان

۱ ـ سلیمان بن حفص بصری گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود: پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

إِنَّ الضَّيْفَ إِذَا جَاءَ فَنَزَلَ بِالْقَوْمِ، جَاءَ بِرِزْقِهِ مَعَهُ مِنَ السَّمَاءِ؛ فَإِذَا أَكَلَ، غَفَرَ اللهُ لَهُمْ بِنُزُولِهِ عَلَيْهِمْ.

٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه‌السلام قَالَ:

إِنَّمَا تَنْزِلُ الْمَعُونَةُ عَلَى الْقَوْمِ عَلَى قَدْرِ مَئُونَتِهِمْ. وَ إِنَّ الضَّيْفَ لَيَنْزِلُ بِالْقَوْمِ فَيَنْزِلُ رِزْقُهُ مَعَهُ فِي حَجْرِهِ.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله:

مَا مِنْ ضَيْفٍ حَلَّ بِقَوْمٍ إِلَّا وَ رِزْقُهُ فِي حَجْرِهِ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: ذَكَرَ أَصْحَابُنَا قَوْماً. فَقُلْتُ: وَ اللهِ مَا أَتَغَدَّى وَ لَا أَتَعَشَّى إِلَّا وَ مَعِي مِنْهُمُ اثْنَانِ أَوْ ثَلَاثَةٌ أَوْ أَقَلُّ أَوْ أَكْثَرُ.

هر گاه مهمان وارد خانه گروهی شود رزق و روزی خود را به همراه خود از آسمان می‌آورد و آن گاه که در خانهٔ آنها غذا میل کند، خداوند آنها را به جهت این مهمان می‌آمرزد.

۲ ـ موسی بن بکر گوید: امام کاظم عليه‌السلام فرمود:

به راستی که درآمد هر قومی به اندازهٔ روزی آنها نازل می‌شود و آن گاه که مهمانی به خانهٔ تو وارد شود رزق و روزی خود را همراه بر دامنش نازل می‌شود.

۳ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود: پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

مهمانی که در خانهٔ قومی سکونت کند روزی‌اش در دامنش قرار می‌گیرد.

۴ ـ محمّد بن قیس گوید:

دوستان ما دربارهٔ گروهی سخن می‌گفتند. من گفتم: به خدا سوگند! من صبحانه و شام نمی‌خورم مگر آن که دو یا سه نفر و یا کمتر و یا بیشتر از آن قوم کنار سفرهٔ من باشند.

فَقَالَ عليه‌السلام: فَضْلُهُمْ عَلَيْكَ أَكْثَرُ مِنْ فَضْلِكَ عَلَيْهِمْ.

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! كَيْفَ ذَا وَ أَنَا أُطْعِمُهُمْ طَعَامِي وَ أُنْفِقُ عَلَيْهِمْ مِنْ مَالِي وَ يَخْدُمُهُمْ خَادِمِي؟!

فَقَالَ: إِذَا دَخَلُوا عَلَيْكَ، دَخَلُوا مِنَ اللهِ عزّوجلّ بِالرِّزْقِ الْكَثِيرِ وَ إِذَا خَرَجُوا خَرَجُوا، بِالْمَغْفِرَةِ لَكَ.

(۳۹)

بَابُ حَقِّ الضَّيْفِ وَ إِكْرَامِهِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ وَ جَمِيلٍ وَ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

مِمَّا عَلَّمَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله فَاطِمَةَ علیهاالسلام أَنْ قَالَ لَهَا:

امام صادق عليه‌السلام فرمود: فضل وبرتری آنان بر تو، از فضل وبرتری تو بر آنان بیشتر است.

عرض کردم: قربانت شوم! چگونه چنین است با این که من با غذای خود از آنان پذیرایی می‌کنم، از مال خود به آنان انفاق می‌نمایم و خدمت کارانم به آنان خدمت می‌کنند؟!

فرمود: آن گاه که آنان وارد خانه تو می‌شوند، از جانب پروردگار با رزق وروزی فراوان وارد می‌شوند وهر گاه از خانهٔ تو خارج می‌شوند، با آمرزش برای تو خارج می‌شوند.

بخش سی و نهم

حق مهمان و گرامی‌داشت او

۱ ـ زراره گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

از مواردی که پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به حضرت فاطمه علیهاالسلام آموخت این بود که به آن حضرت فرمود:

يَا فَاطِمَةُ! مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ، فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

مِمَّا عَلَّمَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله عَلِيّاً عليه السلام قَالَ: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْفَارِسِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ حَفْصٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

إِنَّ مِنْ حَقِّ الضَّيْفِ أَنْ يُكْرَمَ وَ أَنْ يُعَدَّ لَهُ الْخِلَالُ.

(٤٠)
بَابُ الْأَكْلِ مَعَ الضَّيْفِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

ای فاطمه! هر کس به خداوند و روز رستاخیز ایمان دارد باید مهمان خود را گرامی بدارد.

٢ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

از چیزهایی که پیامبر خدا صلى الله عليه وآله به حضرت علی عليه السلام آموخت این بود که به آن بزرگوار فرمود: هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید مهمان خود را گرامی بدارد.

٣ ـ سلیمان بن حفص گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

از حقوق مهمان، گرامی‌داشت او و پس از پذیرایی، تهیهٔ خلال دندان برای اوست.

بخش چهلم
میل غذا با مهمان

١ ـ ابن قدّاح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

كَانَ رَسُولُ اللهِ ﷺ إِذَا أَكَلَ مَعَ الْقَوْمِ، أَوَّلَ مَنْ يَضَعُ يَدَهُ مَعَ الْقَوْمِ وَ آخِرَ مَنْ يَرْفَعُهَا إِلَى أَنْ يَأْكُلَ الْقَوْمُ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ رَسُولُ اللهِ ﷺ إِذَا أَكَلَ مَعَ قَوْمٍ طَعَاماً، كَانَ أَوَّلَ مَنْ يَضَعُ يَدَهُ وَ آخِرَ مَنْ يَرْفَعُهَا لِيَأْكُلَ الْقَوْمُ.

۳ ـ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

إِنَّ الزَّائِرَ إِذَا زَارَ الْمَزُورَ فَأَكَلَ مَعَهُ، أَلْقَى عَنْهُ الْحِشْمَةَ وَ إِذَا يَأْكُلُ مَعَهُ يَنْقَبِضُ قَلِيلاً.

پیامبر خدا ﷺ همواره آن گاه که با گروهی غذا میل می‌کرد، نخستین کسی بود که شروع می‌کرد و آخرین کسی بود که از غذا دست می‌کشید، تا این که همهٔ حاضران غذا بخورند.

۲ ـ نظیر همین روایت را ابن قدّاح از راوی دیگری از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند.

۳ـ جمیل بن درّاج گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

آن گاه که کسی به زیارت کسی آمده همراه او غذا بخورد تا مهمان خجالت نکشد و در این حال اندکی حال او مراعات کند.

٤ ـ عَنْهُ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ حَفْصٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى عليه السلام:
أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله كَانَ إِذَا أَتَاهُ الضَّيْفُ، أَكَلَ مَعَهُ وَ لَمْ يَرْفَعْ يَدَهُ مِنَ الْخِوَانِ حَتَّى يَرْفَعَ الضَّيْفُ يَدَهُ.

(٤١)
بَابُ أَنَّ ابْنَ آدَمَ أَجْوَفُ لَا بُدَّ لَهُ مِنَ الطَّعَامِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَأَلَهُ الْأَبْرَشُ الْكَلْبِيُّ عَنْ قَوْلِ اللهِ عزوجل: ﴿يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ﴾.

قَالَ: تُبَدَّلُ خُبْزَةً نَقِيَّةً يَأْكُلُ النَّاسُ مِنْهَا حَتَّى يَفْرُغَ مِنَ الْحِسَابِ.

قَالَ الْأَبْرَشُ: فَقُلْتُ: إِنَّ النَّاسَ يَوْمَئِذٍ لَفِي شُغُلٍ عَنِ الْأَكْلِ.

---

۴ ـ علی بن جعفر علیه السلام گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود:

هر گاه مهمانی خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه وآله شرف‌یاب می‌شد، حضرت با او غذا می‌خورد ودست خود را از سفره نمی‌کشید تا این که مهمان دست از غذا می‌کشید.

بخش چهل و یکم
انسان ناگزیر از میل غذا است

۱ ـ زراره گوید: ابرش کلبی از امام باقر علیه السلام دربارهٔ گفتار خداوند که می‌فرماید: «روزی که زمین به زمین دیگری دگرگون می‌شود»، پرسید.

فرمود: زمین به نان پاکیزه‌ای تبدیل می‌شود که مردم از آن می‌خورند تا این که از حسابرسی فارغ شوند.

ابرش گفت: مگر در آن روز مردم مشغول خوردن هستند؟

فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:

هُمْ فِي النَّارِ لَا يَشْتَغِلُونَ عَنْ أَكْلِ الضَّرِيعِ وَ شُرْبِ الْحَمِيمِ وَ هُمْ فِي الْعَذَابِ فَكَيْفَ يَشْتَغِلُونَ عَنْهُ فِي الْحِسَابِ؟!

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللهَ عزّوجلّ خَلَقَ ابْنَ آدَمَ أَجْوَفَ.

٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ التَّيْمِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّمَا بُنِيَ الْجَسَدُ عَلَى الْخُبْزِ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللهِ عزّوجلّ: ﴿**يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ**﴾.

فرمود: دوزخیان از خوردن غذای دوزخ و آشامیدن آب داغ آن مشغول نیستند و با این حال در عذاب هستند. پس چگونه در هنگام حساب از خوردن مشغول شوند؟!

۲ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

خداوند متعال آدمیزاد را تو خالی آفریده است.

۳ ـ ولید بن صبیح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: همانا که بدن انسان بر پایه نان بنا شده است.

۴ ـ زراره گوید:

از امام باقر عليه السلام دربارۀ این آیه که می‌فرماید: «روزی که زمین به زمین دیگری دگرگون می‌شود» پرسیدم.

قَالَ: تُبَدَّلُ خُبْزَةً نَقِيَّةً يَأْكُلُ مِنْهَا النَّاسُ حَتَّى يَفْرُغُوا مِنَ الْحِسَابِ.

فَقَالَ لَهُ قَائِلٌ: إِنَّهُمْ لَفِي شُغُلٍ يَوْمَئِذٍ عَنِ الْأَكْلِ وَ الشُّرْبِ.

فَقَالَ: إِنَّ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ ابْنَ آدَمَ أَجْوَفَ وَ لَا بُدَّ لَهُ مِنَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ أَ هُمْ أَشَدُّ شُغُلاً يَوْمَئِذٍ أَمْ مَنْ فِي النَّارِ؟! فَقَدِ اسْتَغَاثُوا وَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: ﴿وَ إِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغاثُوا بِماءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرابُ﴾.

۵ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ حِكَايَةً عَنْ مُوسَى عليه السلام: ﴿رَبِّ إِنِّي لِما أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾.

فَقَالَ: سَأَلَ الطَّعَامَ.

فرمود: زمین به نان پاکیزه‌ای تبدیل می‌شود، مردم از آن می‌خورند تا این که از حساب فارغ شوند.

شخصی گفت: مگر مردم در آن روز مشغول خوردن و آشامیدن هستند؟

فرمود: خداوند متعال آدمیزاد را تهی آفریده است و او ناگزیر از خوردن و نوشیدنی است. آیا آنان در روز قیامت بیشتر گرفتاری دارند یا کسانی که در آتشند؟ به راستی که دوزخیان استغاثه می‌کنند و تقاضای آب می‌نمایند و خداوند متعال می‌فرماید: «و آن گاه که استغاثه می‌کنند به آنان آبی مانند فلز گداخته می‌آورند که چهره‌ها را بریان می‌کند، چه نوشیدنی بدی!»

۵ ـ راوی گوید:

امام صادق عليه السلام دربارهٔ گفتار خداوند که از قول حضرت موسی عليه السلام می‌فرماید: «پروردگارا! من به آن‌چه فرو فرستادی نیازمندم!» فرمود:

حضرت موسی عليه السلام از خداوند غذا درخواست نمود.

٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْبَخْتَرِيِّ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ: رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي الْخُبْزِ وَ لَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ؛ فَلَوْ لَا الْخُبْزُ مَا صُمْنَا وَ لَا صَلَّيْنَا وَ لَا أَدَّيْنَا فَرَائِضَ رَبِّنَا عزّوجلّ.

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّمَا بُنِيَ الْجَسَدُ عَلَى الْخُبْزِ.

(٤٢)

بَابُ الْغَدَاءِ وَ الْعَشَاءِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ عَنِ الْمُثَنَّى عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

---

۶ ـ ابی البختری در روایت مرفوعه‌ای گوید: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

خداوندا! برای ما در نان برکت قرار ده وبین ما ونان جدایی نینداز. اگر نان نبود، نه روزه می‌گرفتیم، نه نماز می‌خواندیم ونه فریضه‌های پروردگارمان را انجام می‌دادیم.

۷ ـ ولید بن صبیح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

همانا که بدن انسان بر پایه نان بنا شده است.

بخش چهل و دوم

ناهار و شام

۱ ـ مثنّی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِنَّ يَعْقُوبَ عليه‌السلام كَانَ لَهُ مُنَادٍ يُنَادِي كُلَّ غَدَاةٍ مِنْ مَنْزِلِهِ عَلَى فَرْسَخٍ: أَلَا مَنْ أَرَادَ الْغَدَاءَ فَلْيَأْتِ إِلَى مَنْزِلِ يَعْقُوبَ.

وَ إِذَا أَمْسَى يُنَادِي: أَلَا مَنْ أَرَادَ الْعَشَاءَ فَلْيَأْتِ إِلَى مَنْزِلِ يَعْقُوبَ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الصَّلْتِ عَنِ ابْنِ أَخِي شِهَابِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ قَالَ: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام مَا أَلْقَى مِنَ الْأَوْجَاعِ وَ التُّخَمِ.

فَقَالَ لِي: تَغَدَّ وَ تَعَشَّ وَ لَا تَأْكُلْ بَيْنَهُمَا شَيْئاً، فَإِنَّ فِيهِ فَسَادَ الْبَدَنِ. أَمَا سَمِعْتَ اللهَ عزّوجلّ يَقُولُ: ﴿لَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيها بُكْرَةً وَ عَشِيًّا﴾.

یعقوب عليه‌السلام ندا دهنده‌ای داشت که هر صبح از خانهٔ یعقوب عليه‌السلام تا فاصله یک فرسخی چنین ندا می‌داد: آگاه باشید! هر کس صبحانه می‌خواهد، به منزل یعقوب عليه‌السلام بیاید.

و هنگامی که شب فرا می‌رسید ندا می‌داد: آگاه باشید! هر کس شام می‌خواهد، به منزل یعقوب عليه‌السلام بیاید.

۲ ـ برادر زاده شهاب بن عبد ربّه گوید:

به امام صادق عليه‌السلام از دردهایی که داشتم و سوء هاضمه شِکوه نمودم.

فرمود: صبحانه و شام بخور و در فاصله بین آن دو چیزی نخور؛ چرا که موجب تباهی بدن می‌شود. مگر نشنیده‌ای که خداوند متعال (در وصف بهشتیان) می‌فرماید: «روزی آنان صبح و شام آماده است»؟!

(٤٣)
بَابُ فَضْلِ الْعَشَاءِ وَ كَرَاهِيَةِ تَرْكِهِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

عَشَاءُ الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام بَعْدَ الْعَتَمَةِ فَلَا تَدَعُوهُ؛ فَإِنَّ تَرْكَ الْعَشَاءِ خَرَابُ الْبَدَنِ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

أَصْلُ خَرَابِ الْبَدَنِ تَرْكُ الْعَشَاءِ.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

تَرْكُ الْعَشَاءِ مَهْرَمَةٌ. وَيَنْبَغِي لِلرَّجُلِ إِذَا أَسَنَّ أَلَّا يَبِيتَ إِلَّا وَ جَوْفُهُ مُمْتَلِئٌ مِنَ الطَّعَامِ.

بخش چهل و سوم
فضیلت شام و کراهت ترک آن

۱ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیر مؤمنان علی عليه السلام فرمود:

شام پیامبران عليهم السلام بعد از سپری شدن یک سوم نخست شب است، از این رو آن را ترک نکنید؛ زیرا ترک شام باعث تخریب بدن است.

۲ ـ هشام بن حکم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

ریشهٔ خرابی بدن، ترک شام است.

۳ ـ جمیل بن صالح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

ترک شام، باعث پیری و سستی است و برای انسان سالمند سزاوار است که پیش از خواب غذا بخورد.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

إِذَا اكْتَهَلَ الرَّجُلُ فَلَا يَدَعُ أَنْ يَأْكُلَ بِاللَّيْلِ شَيْئاً، فَإِنَّهُ أَهْدَى لِلنَّوْمِ وَ أَطْيَبُ لِلنَّكْهَةِ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ:

كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام لَا يَدَعُ الْعَشَاءَ وَ لَوْ بِكَعْكَةٍ وَ كَانَ يَقُولُ عليه السلام: إِنَّهُ قُوَّةٌ لِلْجِسْمِ. وَ قَالَ: وَ لَا أَعْلَمُهُ إِلَّا قَالَ: وَ صَالِحٌ لِلْجِمَاعِ.

٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

---

۴ ـ سعید بن جناح گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

هنگامی که انسان پیر شد، غذای شب هنگام را ترک نکند؛ زیرا آن، خواب را آرام و دهان را خوش بو می‌سازد.

۵ ـ سلیمان بن جعفر جعفری گوید:

امام کاظم عليه السلام شام را ترک نمی‌نمود؛ گرچه با خوردن یک «کعکه» [1] بود و همواره می‌فرمود: شام نیروی بدن است.

سلیمان گوید: یادم نمی‌رود که حضرتش فرمود: خوردن شام برای عمل همبستری خوب است.

۶ ـ ولید بن صبیح گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

---

۱ ـ نانی است که با روغن و شکر تهیه می‌شود.

لَا خَيْرَ لِمَنْ دَخَلَ فِي السِّنِّ أَنْ يَبِيتَ خَفِيفاً، بَلْ يَبِيتُ مُمْتَلِياً خَيْرٌ لَهُ.

۷ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ زِيَادِ بْنِ أَبِي الْحَلَّالِ قَالَ: تَعَشَّيْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَقَالَ:

الْعَشَاءُ بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ عَشَاءُ النَّبِيِّينَ عليهم السلام.

۸ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِي سُلَيْمَانَ عَنْ أَحْمَدَبْنِ الْحَسَنِ الْجَبَلِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

مَنْ تَرَكَ الْعَشَاءَ لَيْلَةَ السَّبْتِ وَ لَيْلَةَ الْأَحَدِ مُتَوَالِيَتَيْنِ، ذَهَبَتْ عَنْهُ قُوَّتُهُ فَلَمْ تَرْجِعْ إِلَيْهِ أَرْبَعِينَ يَوْماً.

۹ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ ذَرِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

الشَّيْخُ لَا يَدَعُ الْعَشَاءَ وَ لَوْ بِلُقْمَةٍ.

شایسته نیست که فرد سالمند با شکم خالی بخوابد، بلکه اگر با شکم پُر بخوابد برایش بهتر است.

۷ ـ زیاد بن ابی حلّال گوید: خدمت امام صادق عليه السلام شام خوردم، حضرتش فرمود:

خوردن شام بعد از نماز عشاء، شام پیامبران عليهم السلام است.

۸ ـ جمیل بن درّاج گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

هر کس شام را در دو شب شنبه و یک شنبه پشت سر هم ترک کند نیرویش از بین می‌رود و تا چهل روز به او باز نمی‌گردد.

۹ ـ ذریح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیر مرد نباید شام را ترک کند؛ گرچه به خوردن یک لقمه باشد.

۱۰ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عَلِيٍّ اللَّهَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ:

مَا تَقُولُ أَطِبَّاؤُكُمْ فِي عَشَاءِ اللَّيْلِ؟

قُلْتُ: إِنَّهُمْ يَنْهَوْنَا عَنْهُ.

قَالَ: لَكِنِّي آمُرُكُمْ بِهِ.

۱۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ رَجُلٍ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

طَعَامُ اللَّيْلِ أَنْفَعُ مِنْ طَعَامِ النَّهَارِ.

۱۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ بَعْضِ الْأَهْوَازِيِّينَ عَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

إِنَّ فِي الْجَسَدِ عِرْقاً يُقَالُ لَهُ: الْعَشَاءُ، فَإِنْ تَرَكَ الرَّجُلُ الْعَشَاءَ لَمْ يَزَلْ يَدْعُو عَلَيْهِ ذَلِكَ الْعِرْقُ إِلَى أَنْ يُصْبِحَ يَقُولُ: أَجَاعَكَ اللهُ كَمَا أَجَعْتَنِي وَ أَظْمَأَكَ اللهُ كَمَا أَظْمَأْتَنِي. فَلَا يَدَعَنَّ أَحَدُكُمُ الْعَشَاءَ وَ لَوْ بِلُقْمَةٍ مِنْ خُبْزٍ أَوْ شَرْبَةٍ مِنْ مَاءٍ.

---

۱۰ ـ علی بن ابو علی لهبی گوید:

امام صادق عليه السلام فرمود: طبیب‌های شما دربارهٔ شام شب چه می‌گویند؟

گفتم: آنها ما را از آن نهی می‌کنند.

فرمود: اما من شما را به آن دستور می‌دهم.

۱۱ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

غذای شب، سودمندتر از غذای روز است.

۱۲ ـ راوی اهوازی گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

رگی در بدن است که به آن رگ «شام» می‌گویند. بنابراین اگر انسان شام را ترک کند، آن رگ همواره او را نفرین می‌کند، تا این که صبح شود، می‌گوید: «خداوند تو را گرسنه کند همان طور که تو مرا گرسنه نگه داشتی و خداوند تو را تشنه کند همان‌طور که تو مرا تشنه نگه داشتی». پس هیچ کدام از شما شام را ترک نکند؛ گر چه با یک لقمه نان و یا یک جرعه آب باشد.

(٤٤)
بَابُ الْوُضُوءِ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:
مَنْ غَسَلَ يَدَهُ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ، عَاشَ فِي سَعَةٍ وَ عُوفِيَ مِنْ بَلْوَى فِي جَسَدِهِ.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثُّمَالِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: قَالَ:
يَا أَبَا حَمْزَةَ! الْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ، يُذْهِبَانِ الْفَقْرَ.
قُلْتُ: بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي! يَذْهَبَانِ بِالْفَقْرِ؟!
فَقَالَ: نَعَمْ يَذْهَبَانِ بِهِ.

بخش چهل و چهارم
شستن دست پیش از غذا و پس از آن

١ ـ ابن قدّاح گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:
هر کس پیش از خوردن غذا و پس از آن دست خود را بشوید، در رفاه زندگی خواهد کرد و از بیماری‌های جسمی ایمن خواهد بود.

٢ ـ ابو حمزه ثمالی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:
ای ابا حمزه! شستن دست پیش از غذا و پس از آن فقر و ناداری را از بین می‌برد.
عرض کردم: پدر و مادرم به فدای شما! فقر و ناداری را از بین می‌برد؟
فرمود: آری، فقر و ناداری را از بین می‌برد.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

غَسْلُ الْيَدَيْنِ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ، زِيَادَةٌ فِي الْعُمُرِ وَ إِمَاطَةٌ لِلْغَمَرِ عَنِ الثِّيَابِ وَيَجْلُو الْبَصَرَ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكْثُرَ خَيْرُ بَيْتِهِ، فَلْيَتَوَضَّأْ عِنْدَ حُضُورِ طَعَامِهِ.

۵ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي عَوْفٍ الْبَجَلِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

الْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ يَزِيدَانِ فِي الرِّزْقِ.

وَ رُوِيَ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله قَالَ:

أَوَّلُهُ يَنْفِي الْفَقْرَ وَ آخِرُهُ يَنْفِي الْهَمَّ.

---

۳ ـ ابو بصير گويد: امام صادق عليه السلام فرمود: اميرمؤمنان على عليه السلام فرمود:

شستن دست‌ها پيش از غذا خوردن و پس از آن، عمر انسان را زياد مى‌كند، چربى غذا را از لباس‌ها مى‌راند و چشم را جلا مى‌دهد.

۴ ـ سكونى گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر كس خوشحال مى‌شود كه خير و بركت خانه‌اش زياد گردد، پس در هنگام حاضر شدن غذا دستانش را بشويد.

۵ ـ ابو عوف بجلى گويد: از امام صادق عليه السلام شنيدم كه مى‌فرمود:

شستن دست قبل و بعد از غذا خوردن رزق و روزى را فراوان مى‌كند.

در روايت ديگرى آمده است كه پيامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

شستن دست قبل از غذا خوردن فقر را و بعد از غذا اندوه را از بين مى‌برد.

(٤٥)

بَابُ صِفَةِ الْوُضُوءِ قَبْلَ الطَّعَامِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَجْلَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

الْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ يَبْدَأُ صَاحِبُ الْبَيْتِ لِئَلَّا يَحْتَشِمَ أَحَدٌ. فَإِذَا فَرَغَ مِنَ الطَّعَامِ بَدَأَ بِمَنْ عَنْ يَمِينِ صَاحِبِ الْبَيْتِ، حُرّاً كَانَ أَوْ عَبْداً.

قَالَ: وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ: يَغْسِلُ أَوَّلاً رَبُّ الْبَيْتِ يَدَهُ ثُمَّ يَبْدَأُ بِمَنْ عَلَى يَمِينِهِ وَإِذَا رُفِعَ الطَّعَامُ بَدَأَ بِمَنْ عَلَى يَسَارِ صَاحِبِ الْمَنْزِلِ وَ يَكُونُ آخِرُ مَنْ يَغْسِلُ يَدَهُ صَاحِبَ الْمَنْزِلِ، لِأَنَّهُ أَوْلَى بِالصَّبْرِ عَلَى الْغَمَرِ.

٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ خَلَفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

بخش چهل و پنجم
شرایط شستن دست پیش از غذا

۱ ـ محمّد بن عجلان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

در شستن دست پیش از غذا از صاحب خانه شروع می‌شود تا کسی خجالت نکشد و آن‌گاه که غذا خوردن به پایان رسید، کسی که سمت راست صاحب خانه نشسته دستش را می‌شوید؛ چه آن شخص آزاد باشد، چه برده.

ودر حدیث دیگر چنین آمده است: ابتدا صاحب خانه دستش را می‌شوید سپس از کسی که سمت راستش نشسته است شروع می‌کند وهنگامی که غذا خوردن پایان یافت از کسی که سمت راست صاحب خانه نشسته است شروع می‌کند وصاحب خانه آخرین فردی باشد که دستش را می‌شوید؛ زیرا او بر صبر به چربی غذا شایسته‌تر است.

۲ ـ عمرو بن ثابت گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اغْسِلُوا أَيْدِيَكُمْ فِي إِنَاءٍ وَاحِدٍ؛ تَحْسُنْ أَخْلَاقُكُمْ.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ الْمُبَارَكِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ يُونُسَ قَالَ:

لَمَّا تَغَدَّى عِنْدِي أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام وَ جِيءَ بِالطَّسْتِ بُدِئَ بِهِ عليه السلام وَ كَانَ فِي صَدْرِ الْمَجْلِسِ، فَقَالَ عليه السلام: ابْدَأْ بِمَنْ عَلَى يَمِينِكَ.

فَلَمَّا تَوَضَّأَ وَاحِدٌ أَرَادَ الْغُلَامُ أَنْ يَرْفَعَ الطَّسْتَ، فَقَالَ لَهُ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام: دَعْهَا وَ اغْسِلُوا أَيْدِيَكُمْ فِيهَا.

(٤٦)

بَابُ التَّمَنْدُلِ وَ مَسْحِ الْوَجْهِ بَعْدَ الْوُضُوءِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبِي مَحْمُودٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ رَجُلٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

دست‌های خود را در یک ظرف بشویید تا اخلاقتان نیکو گردد.

۳ ـ فضل بن یونس گوید:

هنگامی که امام کاظم عليه السلام نزد من ناهار میل کرد وبرای شست وشوی دست تشت آوردند از آن حضرت شروع کردند با این که امام عليه السلام در صدر مجلس نشسته بود؛ حضرتش فرمود: از کسی که در سمت راست توست، شروع کن.

هنگامی که یک نفر دستان خود را شست، غلام خواست تشت را بردارد. امام عليه السلام به او فرمود: تشت را بگذار ودستان خود را در آن بشویید.

بخش چهل و ششم

حوله و کشیدن دست به صورت پس از شستن

۱ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِذَا غَسَلْتَ يَدَكَ لِلطَّعَامِ، فَلَا تَمْسَحْ يَدَكَ بِالْمِنْدِيلِ؛ فَإِنَّهُ لَا تَزَالُ الْبَرَكَةُ فِي الطَّعَامِ مَا دَامَتِ النَّدَاوَةُ فِي الْيَدِ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُرَازِمٍ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام إِذَا تَوَضَّأَ قَبْلَ الطَّعَامِ، لَمْ يَمَسَّ الْمِنْدِيلَ وَ إِذَا تَوَضَّأَ بَعْدَ الطَّعَامِ، مَسَّ الْمِنْدِيلَ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنْ زَيْدٍ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام أَنَّهُ كَرِهَ أَنْ يَمْسَحَ الرَّجُلُ يَدَهُ بِالْمِنْدِيلِ وَ فِيهَا شَيْءٌ مِنَ الطَّعَامِ، تَعْظِيماً لِلطَّعَامِ حَتَّى يَمُصَّهَا أَوْ يَكُونَ عَلَى جَنْبِهِ صَبِيٌّ يَمُصُّهَا.

٤ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُقْبَةَ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَسْحُ الْوَجْهِ بَعْدَ الْوُضُوءِ يَذْهَبُ بِالْكَلَفِ وَ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ.

زمانی که دستان خود را قبل از تناول غذا می‌شویی آنها را با حوله خشک نکن؛ زیرا تا هنگامی که رطوبت آب در دستان تو از بین نرفته است برکتِ غذا از بین نمی‌رود.

۲ ـ مرازم گوید: امام ابوالحسن عليه السلام را دیدم که اگر قبل از غذا دست‌های خود را می‌شست، دست‌های خود را با حوله خشک نمی‌کرد و اگر بعد از غذاهای دست‌های خود را خشک می‌نمود.

۳ ـ زید شحّام گوید: امام صادق عليه السلام کراهت داشت که انسان دست‌های خود را به جهت احترام گذاشتن به غذا با حوله پاک کند؛ در حالی که در آن غذا است تا زمانی که آن را بلیسد و یا کودکی در کنارش باشد که بقایای غذا را بلیسد.

۴ ـ ابراهیم بن عقبه در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

خشک کردن صورت پس از شست و شو، لکهٔ صورت (کک و مک) را از بین می‌برد و رزق و روزی را فراوان می‌کند.

۵ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنِ الْمُفَضَّلِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَشَكَوْتُ إِلَيْهِ الرَّمَدَ. فَقَالَ لِي: أَ وَ تُرِيدُ الطَّرِيفَ؟

ثُمَّ قَالَ لِي: إِذَا غَسَلْتَ يَدَكَ بَعْدَ الطَّعَامِ، فَامْسَحْ حَاجِبَيْكَ وَ قُلْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: «**الْحَمْدُ لِلّٰهِ الْمُحْسِنِ الْمُجْمِلِ الْمُنْعِمِ الْمُفْضِلِ**».

قَالَ: فَفَعَلْتُ ذَلِكَ، فَمَا رَمِدَتْ عَيْنِي بَعْدَ ذَلِكَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

(٤٧)

بَابُ التَّسْمِيَةِ وَ التَّحْمِيدِ وَ الدُّعَاءِ عَلَى الطَّعَامِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

---

۵ ـ مفضّل گوید: حضور امام صادق عليه السلام شرف‌یاب شدم واز چشم درد خود به آن حضرت شکایت نمودم.

به من فرمود: آیا می‌خواهی چیز تازه‌ای به تو بیاموزم؟

آن گاه فرمود: هنگامی که دستان خود را بعد از غذا شستی، به ابروهایت دست بکش و سه مرتبه بگو: «**الْحَمْدُ لِلّٰهِ الْمُحْسِنِ الْمُجْمِلِ الْمُنْعِمِ الْمُفْضِلِ**».

مفضّل گوید: من طبق دستور مولایم انجام دادم وبعد از آن دیگر چشمم درد نکرد و تمام سپاس‌ها از آنِ خداوند پروردگار جهانیان است.

بخش چهل و هفتم

«بسم الله» و «الحمد لله» گفتن و دعا خواندن به هنگام صرف غذا

۱ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

إِذَا وُضِعَتِ الْمَائِدَةُ حَفَّتْهَا أَرْبَعَةُ آلَافِ مَلَكٍ، فَإِذَا قَالَ الْعَبْدُ: بِسْمِ اللهِ، قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: بَارَكَ اللهُ عَلَيْكُمْ فِي طَعَامِكُمْ. ثُمَّ يَقُولُونَ لِلشَّيْطَانِ: اخْرُجْ يَا فَاسِقُ! لَا سُلْطَانَ لَكَ عَلَيْهِمْ.

فَإِذَا فَرَغُوا فَقَالُوا: الْحَمْدُ لِلهِ! قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: قَوْمٌ أَنْعَمَ اللهُ عَلَيْهِمْ فَأَدَّوْا شُكْرَ رَبِّهِمْ، وَ إِذَا لَمْ يُسَمُّوا قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ لِلشَّيْطَانِ: ادْنُ يَا فَاسِقُ! فَكُلْ مَعَهُمْ. فَإِذَا رُفِعَتِ الْمَائِدَةُ وَ لَمْ يَذْكُرُوا اسْمَ اللهِ عَلَيْهَا قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: قَوْمٌ أَنْعَمَ اللهُ عَلَيْهِمْ فَنَسُوا رَبَّهُمْ جَلَّ وَ عَزَّ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا وُضِعَ الْخِوَانُ فَقُلْ: بِسْمِ اللهِ، وَ إِذَا أَكَلْتَ فَقُلْ: بِسْمِ اللهِ عَلَى أَوَّلِهِ وَ آخِرِهِ، وَ إِذَا رُفِعَ فَقُلِ: الْحَمْدُ لِلهِ.

هنگامی که سفره برای صرف غذا گسترده می‌شود، چهار هزار فرشته آن را در برمی‌گیرند و هنگامی که بنده می‌گوید: «بسم الله الرحمن الرحیم» فرشتگان می‌گویند: «خداوند در غذایتان به شما برکت دهد». آنگاه به شیطان می‌گویند: «ای فاسق! بیرون شو تو بر آنان سلطه و تأثیر نداری».

هنگامی که آنان از غذا خوردن فارغ شوند و بگویند: «الحمد لله» فرشتگان می‌گویند: «اینان قومی هستند که خداوند به آنان نعمت داد و شکر پروردگارشان را به جای آوردند».

و هرگاه در ابتدای غذا «بسم الله» نگویند، فرشتگان به شیطان می‌گویند: «ای فاسق! نزدیک شو و با آنان غذا بخور» و زمانی که سفره برداشته شود و نام خدا را بر آن نبرده باشند، فرشتگان می‌گویند: «اینان قومی هستند که خداوند به آنها نعمت داد؛ ولی اینها پروردگار متعال خود را فراموش کردند».

۲ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگامی که سفره گسترده شد، بگو: «بسم الله الرحمن الرحیم» و هنگامی که غذا می‌خوری بگو: «بسم الله علی اوّله وآخره» وزمانی که سفره برداشته شد، بگو: «الحمدلله».

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِذٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ أَبِي عليه السلام أَتَاهُ أَخُوهُ عَبْدُاللهِ بْنُ عَلِيٍّ، يَسْتَأْذِنُ لِعَمْرِو بْنِ عُبَيْدٍ وَ وَاصِلٍ وَ بَشِيرٍ الرَّحَّالِ فَأَذِنَ لَهُمْ؛ فَلَمَّا جَلَسُوا قَالَ: مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ لَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ.

فَجِيءَ بِالْخِوَانِ فَوُضِعَ فَقَالُوا فِيمَا بَيْنَهُمْ: قَدْ وَ اللهِ اسْتَمْكَنَّا مِنْهُ. فَقَالُوا: يَا أَبَا جَعْفَرٍ! هَذَا الْخِوَانُ مِنَ الشَّيْءِ؟

فَقَالَ: نَعَمْ.

قَالُوا: فَمَا حَدُّهُ؟

قَالَ: حَدُّهُ إِذَا وُضِعَ قِيلَ: بِسْمِ اللهِ وَ إِذَا رُفِعَ قِيلَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ يَأْكُلُ كُلُّ إِنْسَانٍ مِمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لَا يَتَنَاوَلُ مِنْ قُدَّامِ الْآخَرِ شَيْئاً.

---

۳ ـ ابو خدیجه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

عمویم، عبدالله بن علی نزد پدرم آمد تا برای عمرو بن عبید، واصل وبشیر رحّال اجازهٔ ورود بگیرد. پدرم اجازه داد، زمانی که آنها وارد شدند ونشستند، پدرم فرمود: هیچ چیز وجود ندارد مگر آن که حدّ ومرزی دارد که به آن محدود می‌شود.

هنگامی که سفره را آوردند وآن را چیدند آنان به یک دیگر گفتند: به خدا سوگند! امکان یافتیم که از ایشان در خصوص سخن خویش سؤالی بپرسیم.

پس گفتند: ای ابو جعفر! این سفره از همان چیزهاست؟

فرمود: آری.

گفتند: حدّ ومرزش چیست؟

فرمود: حدّ آن این است که هنگامی که سفره پهن شود گفته شود: «بسم الله» وهنگامی که برداشته شود گفته شود: «الحمد لله» وهر شخص از غذایی که پیش روی اوست، بخورد؛ واز پیش روی فرد دیگری چیزی نخورد.

٤ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

إِذَا وُضِعَ الْغَدَاءُ وَ الْعَشَاءُ فَقُلْ: بِسْمِ اللهِ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَعَنَهُ اللهُ يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ: اخْرُجُوا! فَلَيْسَ هَاهُنَا عَشَاءٌ وَ لَا مَبِيتٌ. وَ إِذَا نَسِيَ أَنْ يُسَمِّيَ قَالَ لِأَصْحَابِهِ: تَعَالَوْا! فَإِنَّ لَكُمْ هَاهُنَا عَشَاءً وَ مَبِيتاً.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام:

مَنْ أَكَلَ طَعَاماً فَلْيَذْكُرِ اسْمَ اللهِ عزّوجلّ عَلَيْهِ. فَإِنْ نَسِيَ فَذَكَرَ اللهَ مِنْ بَعْدُ تَقَيَّأَ الشَّيْطَانُ لَعَنَهُ اللهُ مَا كَانَ أَكَلَ وَ اسْتَقَلَّ الرَّجُلُ الطَّعَامَ.

٦ ـ وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ: قَالَ:

مَنْ ذَكَرَ اللهَ عزّوجلّ عَلَى الطَّعَامِ، لَمْ يُسْأَلْ عَنْ نَعِيمِ ذَلِكَ أَبَداً.

---

۴ ـ محمّد بن مروان گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هنگامی که سفرهٔ صبحانه یا شام چیده شود بگو: «بسم الله»؛ زیرا که شیطان ـ که لعنت خدا بر او باد! ـ به یارانش می‌گوید: بیرون روید که در این جا شام و جای خواب نیست و هرگاه انسان فراموش کند که «بسم الله» بگوید، شیطان به یاران خود می‌گوید: بیایید که در این جا برای شما شام و جای خواب است.

۵ ـ غیاث بن ابراهیم گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی عليه‌السلام فرمود: هر کسی هنگامی که غذا می‌خورد، باید نام خداوند را بر آن ببرد و اگر فراموش کند و پس از آن نام خدا را جاری کند، شیطان آن چه را که خورده است قی می‌کند و آن شخص در غذای خود مستقل و تنها خواهد شد.

۶ ـ غیاث بن ابراهیم با همین سند گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هر کس نام خداوند را بر غذا ببرد، هیچ گاه در مورد این نعمت مورد سؤال واقع نخواهد شد.

۷ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ كُلَيْبٍ الْأَسَدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الرَّجُلَ الْمُسْلِمَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَطْعَمَ طَعَاماً فَأَهْوَى بِيَدِهِ فَقَالَ: بِسْمِ اللهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، غَفَرَ اللهُ عزّوجلّ لَهُ قَبْلَ أَنْ تَصِلَ اللُّقْمَةُ إِلَى فِيهِ.

۸ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمِيثَمِيِّ رَفَعَهُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله إِذَا وُضِعَتِ الْمَائِدَةُ بَيْنَ يَدَيْهِ قَالَ:

«سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ مَا أَحْسَنَ مَا تَبْتَلِينَا، سُبْحَانَكَ مَا أَكْثَرَ مَا تُعْطِينَا، سُبْحَانَكَ مَا أَكْثَرَ مَا تُعَافِينَا. اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيْنَا وَ عَلَى فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ».

۹ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

إِذَا حَضَرَتِ الْمَائِدَةُ وَ سَمَّى رَجُلٌ مِنْهُمْ أَجْزَأَ عَنْهُمْ أَجْمَعِينَ.

---

۷ ـ کلیب اسدی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

شخص مسلمان هنگامی که بخواهد غذا بخورد اگر دستش را بلند کند وبگوید: «بسم الله و الحمد لله رب العالمین»، خداوند متعال پیش از آن که لقمه به دهانش برسد، او را می‌آمرزد.

۸ ـ احمد بن حسن میثمی در حدیث مرفوعه‌ای گوید:

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله همواره آن گاه که سفره در مقابل ایشان نهاده می‌شد می‌فرمود:

«سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ مَا أَحْسَنَ مَا تَبْتَلِينَا، سُبْحَانَكَ مَا أَكْثَرَ مَا تُعْطِينَا، سُبْحَانَكَ مَا أَكْثَرَ مَا تُعَافِينَا. اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيْنَا وَ عَلَى فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ».

۹ ـ عبدالرحمان بن حجّاج گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود: اگر سفرهٔ غذا آماده شود و یک نفر «بسم‌الله» بگوید، از جانب همهٔ حاضران کفایت می‌کند.

۱۰ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله إِذَا طَعِمَ عِنْدَ أَهْلِ بَيْتٍ قَالَ لَهُمْ:

طَعِمَ عِنْدَكُمُ الصَّائِمُونَ وَ أَكَلَ عِنْدَكُمُ الْأَبْرَارُ وَ صَلَّتْ عَلَيْكُمُ الْمَلَائِكَةُ الْأَخْيَارُ.

۱۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا أَكَلْتَ الطَّعَامَ فَقُلْ: بِسْمِ اللهِ فِي أَوَّلِهِ وَ آخِرِهِ؛ فَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا سَمَّى قَبْلَ أَنْ يَأْكُلَ، لَمْ يَأْكُلْ مَعَهُ الشَّيْطَانُ وَ إِذَا لَمْ يُسَمِّ، أَكَلَ مَعَهُ الشَّيْطَانُ. فَإِذَا سَمَّى بَعْدَ مَا يَأْكُلُ وَ أَكَلَ الشَّيْطَانُ مَعَهُ، تَقَيَّأَ الشَّيْطَانُ مَا كَانَ أَكَلَ.

۱۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللهِ عَنْ عَمْرٍو الْمُتَطَبِّبِ عَنْ أَبِي يَحْيَى الصَّنْعَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام إِذَا وُضِعَ الطَّعَامُ بَيْنَ يَدَيْهِ قَالَ:

---

۱۰ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگامی که پیامبر خدا صلى الله عليه وآله در نزد خانواده‌ای غذا میل می‌نمود، به آنان می‌فرمود: گرسنگان در نزد شما سیر شدند، خوبان در پیش شما غذا خوردند و فرشتگان بزرگوار بر شما درود فرستادند.

۱۱ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگامی که غذا می‌خوری بگو: «بسم الله فی أَوَّلِهِ وَآخِرِه»؛ زیرا هنگامی که بنده پیش از آن که غذا بخورد «بسم الله» بگوید، شیطان همراه او نخواهد خورد و هرگاه «بسم الله» نگوید شیطان همراه او از آن غذا می‌خورد. پس هرگاه پس از آن که مقداری غذا خورد و شیطان نیز همراه او غذا خورده، «بسم الله» بگوید، شیطان آن چه را که خورد قی می‌کند.

۱۲ ـ ابو یحیی صنعانی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگامی که در نزد امام سجّاد عليه السلام غذا نهاده می‌شد می‌فرمود:

«اللَّهُمَّ هَذَا مِنْ مَنِّكَ وَ فَضْلِكَ وَ عَطَائِكَ، فَبَارِكْ لَنَا فِيهِ وَ سَوِّغْنَاهُ وَ ارْزُقْنَا خَلَفاً إِذَا أَكَلْنَاهُ وَ رُبَّ مُحْتَاجٍ إِلَيْهِ رَزَقْتَ فَأَحْسَنْتَ. اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ».

فَإِذَا رُفِعَ الْخِوَانُ قَالَ: **«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَمَلَنَا فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقَنَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِهِ تَفْضِيلاً»**.

۱۳ ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ جَرَّاحٍ الْمَدَائِنِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

اذْكُرِ اسْمَ اللهِ عزّوجلّ عَلَى الطَّعَامِ؛ فَإِذَا فَرَغْتَ فَقُلِ: **«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُطْعِمُ وَ لَا يُطْعَمُ»**.

۱٤ ـ وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ الْعَزْرَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

مَنْ ذَكَرَ اسْمَ اللهِ عزّوجلّ عِنْدَ طَعَامٍ أَوْ شَرَابٍ فِي أَوَّلِهِ وَ حَمِدَ اللهَ فِي آخِرِهِ، لَمْ يُسْأَلْ عَنْ نَعِيمِ ذَلِكَ الطَّعَامِ أَبَداً.

«اللَّهُمَّ هَذَا مِنْ مَنِّكَ وَ فَضْلِكَ وَ عَطَائِكَ، فَبَارِكْ لَنَا فِيهِ وَ سَوِّغْنَاهُ وَ ارْزُقْنَا خَلَفاً إِذَا أَكَلْنَاهُ وَ رُبَّ مُحْتَاجٍ إِلَيْهِ رَزَقْتَ فَأَحْسَنْتَ. اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ».

وهنگامی که سفره برداشته می‌شد می‌فرمود: **«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَمَلَنَا فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقَنَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِهِ تَفْضِيلاً»**.

۱۳ ـ جرّاح مدائنی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: با شروع غذا، نام خدا را یاد کن و چون فارغ شدی، بگو: «سپاس آن خدا را که روزی می‌دهد و روزی نمی‌طلبد».

۱۴ ـ عبدالرحمان عزرمی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود: هر کس نام خداوند متعال را هنگام غذا خوردن یا آشامیدن بگوید ودر پایان آن، خداوند را سپاس گوید، هیچ گاه دربارهٔ این نعمت از او سؤال نمی‌گردد.

۱۵ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمِيثَمِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مِهْزَمٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله إِذَا رُفِعَتِ الْمَائِدَةُ قَالَ: «**اللَّهُمَّ أَكْثَرْتَ وَ أَطَبْتَ وَ بَارَكْتَ فَأَشْبَعْتَ وَ أَرْوَيْتَ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُطْعِمُ وَ لَا يُطْعَمُ**».

۱٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ أَبِي عليه السلام يَقُولُ: «**الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْبَعَنَا فِي جَائِعِينَ وَ أَرْوَانَا فِي ظَامِئِينَ وَ آوَانَا فِي ضَائِعِينَ وَ حَمَلَنَا فِي رَاجِلِينَ وَ آمَنَنَا فِي خَائِفِينَ وَ أَخْدَمَنَا فِي عَانِينَ**».

۱۷ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ قَالَ: أَكَلْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام طَعَاماً، فَمَا أُحْصِي كَمْ مَرَّةً قَالَ:

«**الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي أَشْتَهِيهِ**».

---

۱۵ ـ راوی گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هنگامی که سفره برداشته می‌شد پیامبر خدا صلى الله عليه وآله می‌فرمود: «**اللَّهُمَّ أَكْثَرْتَ وَ أَطَبْتَ وَ بَارَكْتَ فَأَشْبَعْتَ وَ أَرْوَيْتَ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُطْعِمُ وَ لَا يُطْعَمُ**».

۱۶ ـ هشام بن سالم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

همواره پدرم می‌فرمود: «**الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْبَعَنَا فِي جَائِعِينَ وَ أَرْوَانَا فِي ظَامِئِينَ وَ آوَانَا فِي ضَائِعِينَ وَ حَمَلَنَا فِي رَاجِلِينَ وَ آمَنَنَا فِي خَائِفِينَ وَ أَخْدَمَنَا فِي عَانِينَ**».

۱۷ ـ عبید بن زراره گوید: همراه امام صادق عليه السلام غذا خوردم پس شمارش نکردم که چند مرتبه فرمود: «**الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي أَشْتَهِيهِ**».

۱۸ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

ضَمِنْتُ لِمَنْ يُسَمِّي عَلَى طَعَامِهِ أَنْ لَا يَشْتَكِيَ مِنْهُ.

فَقَالَ لَهُ ابْنُ الْكَوَّاءِ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! لَقَدْ أَكَلْتُ الْبَارِحَةَ طَعَاماً فَسَمَّيْتُ عَلَيْهِ وَآذَانِي.

فَقَالَ: لَعَلَّكَ أَكَلْتَ أَلْوَاناً فَسَمَّيْتَ عَلَى بَعْضِهَا وَ لَمْ تُسَمِّ عَلَى بَعْضٍ يَا لُكَعُ!

۱۹ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِي طَالِبٍ عَنْ مِسْمَعٍ قَالَ: شَكَوْتُ مَا أَلْقَى مِنْ أَذَى الطَّعَامِ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام إِذَا أَكَلْتُهُ.

فَقَالَ: لَمْ تُسَمِّ؟

فَقُلْتُ: إِنِّي لَأُسَمِّي وَ إِنَّهُ لَيَضُرُّنِي.

فَقَالَ لِي: إِذَا قَطَعْتَ التَّسْمِيَةَ بِالْكَلَامِ ثُمَّ عُدْتَ إِلَى الطَّعَامِ تُسَمِّي؟

قُلْتُ: لَا.

---

۱۸ ـ داوود بن فرقد گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود:

برای کسی که بر غذایش «بسم الله» می‌گوید، ضمانت می‌کنم که غذا به او ضرر نکند و او از آن شکایت ننماید.

ابن کوّاء به ایشان عرض کرد: ای امیرمؤمنان! من شب گذشته غذایی خوردم وبر آن «بسم الله» نیز گفتم، اما غذا به من ضرر کرد.

فرمود: ای فرومایه! شاید تو چند نوع غذا خوردی وبر بعضی «بسم الله» گفتی وبر بعضی دیگر نگفتی.

۱۹ ـ مسمع گوید: از اذیتی که از جانب غذا به من رسیده بود، به امام صادق عليه السلام گلایه نمودم.

فرمود: «بسم الله» نگفتی؟

عرض کردم: من «بسم الله» می‌گویم؛ اما غذا باز هم به من ضرر می‌کند.

به من فرمود: آن گاه که «بسم الله» را با سخن گفتن قطع کرده سپس به غذا خوردن باز گشتی «بسم الله» می‌گویی؟

عرض کردم: نه.

قَالَ: فَمِنْ هَاهُنَا يَضُرُّكَ. أَمَا لَوْ أَنَّكَ إِذَا عُدْتَ إِلَى الطَّعَامِ سَمَّيْتَ، مَا ضَرَّكَ.

۲۰ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام: كَيْفَ أُسَمِّي عَلَى الطَّعَامِ؟

قَالَ: فَقَالَ: إِذَا اخْتَلَفَتِ الْآنِيَةُ فَسَمِّ عَلَى كُلِّ إِنَاءٍ.

قُلْتُ: فَإِنْ نَسِيتُ أَنْ أُسَمِّيَ؟!

قَالَ: تَقُولُ: بِسْمِ اللهِ عَلَى أَوَّلِهِ وَ آخِرِهِ.

۲۱ ـ عَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عُبَيْسِ بْنِ هِشَامٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام، فَحَضَرَ وَقْتُ الْعِشَاءِ فَذَهَبْتُ أَقُومُ.

فَقَالَ: اجْلِسْ يَا أَبَا عَبْدِاللهِ!

فَجَلَسْتُ حَتَّى وُضِعَ الْخِوَانُ، فَسَمَّى حِينَ وُضِعَ.

فَلَمَّا فَرَغَ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ! هَذَا مِنْكَ وَ مِنْ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله.

فرمود: پس به همین جهت به تو ضرر می‌رساند. آگاه باش! اگر هنگامی که به غذا خوردن بازگشتی «بسم الله» گفته بودی، به تو ضرری نمی‌زد.

۲ ـ داوود بن فرقد گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: چگونه بر غذا «بسم الله» بگویم؟

فرمود: هنگامی که ظرف‌ها مختلف باشند بر هر کدام «بسم الله» بگو.

عرض کردم: اگر فراموش نمودم که «بسم الله» بگویم؟

فرمود: بگو: «بِسْمِ اللهِ عَلَى أَوَّلِهِ وَ آخِرِهِ».

۲۱ ـ یونس بن ظبیان گوید: من همراه امام صادق علیه السلام بودم، هنگام شام فرا رسید و من برخاستم که بروم، امام علیه السلام فرمود: ای ابو عبدالله! بنشین.

من نشستم تا این که سفره را چیدند. حضرت علیه السلام هنگامی که سفره را چیدند «بسم الله» گفت وزمانی که از خوردن غذا فارغ شد، فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ! هَذَا مِنْكَ وَ مِنْ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله».

۲۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللهِ علیه السلام، فَأَطْعَمَنَا ثُمَّ رَفَعْنَا أَيْدِيَنَا فَقُلْنَا: الْحَمْدُ لِلهِ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ علیه السلام: «**اللَّهُمَّ هَذَا مِنْكَ وَ مِنْ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ**».

۲۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ علیه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُالْمُؤْمِنِينَ علیه السلام:

اذْكُرُوا اللهَ عزّوجلّ عَلَى الطَّعَامِ وَ لَا تَلْغَطُوا؛ فَإِنَّهُ نِعْمَةٌ مِنْ نِعَمِ اللهِ وَ رِزْقٌ مِنْ رِزْقِهِ يَجِبُ عَلَيْكُمْ فِيهِ شُكْرُهُ وَ ذِكْرُهُ وَ حَمْدُهُ.

---

۲۲ ـ ابن بکیر گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم. ایشان به ما غذا داد، سپس دست‌های‌مان را بلند نمودیم و گفتیم: «الحمد لله».

امام صادق علیه السلام فرمود: «**اللَّهُمَّ هَذَا مِنْكَ وَ مِنْ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ**».

۲۳ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: نام خدا را بر غذا ذکر کنید؛ اما گنگ و نامفهوم نگویید (که معنای سخن فهمیده نشود)؛ زیرا غذا نعمتی از نعمت‌های خداوند و رزقی از رزق‌های اوست، شکر، ذکر و حمد خداوند برای شما واجب است.

٢٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ رَجُلٍ قَالَ:

أَمَرَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام بِلَحْمٍ، فَبُرِّدَ ثُمَّ أُتِيَ بِهِ مِنْ بَعْدُ فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلهِ الَّذِي جَعَلَنِي أَشْتَهِيهِ.

ثُمَّ قَالَ: النِّعْمَةُ فِي الْعَافِيَةِ أَفْضَلُ مِنَ النِّعْمَةِ عَلَى الْقُدْرَةِ.

٢٥ ـ سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُّونٍ عَنِ الْأَصَمِّ عَنْ مِسْمَعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

مَا مِنْ رَجُلٍ يَجْمَعُ عِيَالَهُ وَ يَضَعُ مَائِدَةً بَيْنَ يَدَيْهِ وَ يُسَمِّي وَ يُسَمُّونَ فِي أَوَّلِ الطَّعَامِ وَ يَحْمَدُونَ اللهَ عزّ وجلّ فِي آخِرِهِ، فَتَرْتَفِعُ الْمَائِدَةُ حَتَّى يُغْفَرَ لَهُمْ.

---

۲۴ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام دستور داد گوشت طبخ شده بیاورند، پس آن را سرد کردند و آوردند.

حضرتش فرمود: ستایش خدایی را که مرا طوری قرار داد که به این غذا اشتها دارم.

آن‌گاه فرمود: نعمت با عافیت و تندرستی با فضیلت‌تر از نعمت با قدرت و توانایی است.

۲۵ ـ مسمع گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هر کسی خانواده‌اش را جمع کند و سفره‌ای در مقابل خود بیندازد و در اول غذا خود و خانواده‌اش «بسم الله» بگویند و در پایان غذا خداوند متعال را سپاس گویند و سفره را بردارند، آمرزیده می‌شوند.

(۴۸)

بَابُ نَوَادِرَ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:
لَا تَأْكُلُوا مِنْ رَأْسِ الثَّرِيدِ وَ كُلُوا مِنْ جَوَانِبِهِ، فَإِنَّ الْبَرَكَةَ فِي رَأْسِهِ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام أَنَّ أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ عليه السلام سُئِلَ عَنْ سُفْرَةٍ وُجِدَتْ فِي الطَّرِيقِ مَطْرُوحَةً، كَثِيرٍ لَحْمُهَا وَ خُبْزُهَا وَ بَيْضُهَا وَ جُبُنُّهَا وَ فِيهَا سِكِّينٌ.

فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: يُقَوَّمُ مَا فِيهَا ثُمَّ يُؤْكَلُ؛ لِأَنَّهُ يَفْسُدُ وَ لَيْسَ لَهُ بَقَاءٌ، فَإِنْ جَاءَ طَالِبُهَا غَرِمُوا لَهُ الثَّمَنَ.

قِيلَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! لَا يُدْرَى سُفْرَةُ مُسْلِمٍ أَوْ سُفْرَةُ مَجُوسِيٍّ؟

بخش چهل و هشتم
چند روایت نکته‌دار

۱ ـ غیاث بن ابراهیم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود:
از بالای «ترید»[1] نخورید، بلکه از کناره‌های آن بخورید، زیرا برکت در بالای ترید است.

۲ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
از امیرمؤمنان علی عليه السلام پرسیدند: سفره‌ای را در میانه راهی پیدا می‌کنند که رها شده است وگوشت، نان، تخم مرغ و پنیر زیادی در آن است وچاقویی نیز در آن سفره است (چه حکمی دارد؟)

فرمود: آن چه که در سفره است، قیمت‌گذاری می‌شود. سپس آن را می‌خورند؛ زیرا آن فاسد خواهد شد وماندگاری ندارد، پس اگر صاحب آن بیاید (وآن را طلب کند) باید قیمتش را به او بپردازند.

عرض شد: ای امیرمؤمنان! معلوم نیست که سفره شخص مسلمان ویا مجوسی است؟

---

۱ ـ ترید: نان آغشته به خورش که غالباً آبگوشت است.

فَقَالَ: هُمْ فِي سَعَةٍ حَتَّى يَعْلَمُوا.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَأْكُلْ مِمَّا يَلِيهِ.

٤ ـ حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْخَشَّابِ عَنِ ابْنِ بَقَّاحٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله يَلْطَعُ الْقَصْعَةَ وَ يَقُولُ:

مَنْ لَطَعَ قَصْعَةً فَكَأَنَّمَا تَصَدَّقَ بِمِثْلِهَا.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَسْتَاكُ عَرْضاً وَ يَأْكُلُ هَرْتاً. وَ قَالَ: الْهَرْتُ أَنْ يَأْكُلَ بِأَصَابِعِهِ جَمِيعاً.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام أَنَّهُ كَانَ يَجْلِسُ جِلْسَةَ الْعَبْدِ وَ يَضَعُ يَدَهُ عَلَى الْأَرْضِ وَ يَأْكُلُ بِثَلَاثِ أَصَابِعَ.

فرمود: یابندگان سفره در گشایش هستند، تا این که از این موضوع آگاه شوند.

۳ ـ ابن قدّاح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هرکدام از شما به هنگام غذا خوردن باید از پیش روی خود بخورد.

۴ ـ عمرو بن جمیع گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله بعد از تناول غذا، کاسه را می‌لیسید و می‌فرمود: هر کس کاسه‌ای را بلیسد گویا مانند آن کاسه را صدقه داده است.

۵ ـ علی بن محمّد در روایت مرفوعه‌ای گوید:

امیرمؤمنان علی عليه السلام به عرض مسواک می‌زد و به صورت «هَرْت» غذا می‌خورد.

راوی گوید: هرت این است که شخص با تمام انگشتانش غذا بخورد.

۶ ـ ابو خدیجه گوید:

امام صادق عليه السلام به سان برده می‌نشست و دست خود را بر زمین می‌نهاد و با سه انگشت غذا می‌خورد.

وَ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله كَانَ يَأْكُلُ هَكَذَا؛ لَيْسَ كَمَا يَفْعَلُ الْجَبَّارُونَ أَحَدُهُمْ يَأْكُلُ بِإِصْبَعَيْهِ.

۷ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ طَعَاماً فَمَصَّ أَصَابِعَهُ الَّتِي أَكَلَ بِهَا قَالَ اللهُ عزّ وجلّ: بَارَكَ اللهُ فِيكَ!

۸ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ يَاسِرٍ الْخَادِمِ قَالَ: أَكَلَ الْغِلْمَانُ يَوْماً فَاكِهَةً وَ لَمْ يَسْتَقْصُوا أَكْلَهَا وَ رَمَوْا بِهَا.

فَقَالَ لَهُمْ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام: سُبْحَانَ اللهِ! إِنْ كُنْتُمُ اسْتَغْنَيْتُمْ فَإِنَّ أُنَاساً لَمْ يَسْتَغْنُوا أَطْعِمُوهُ مَنْ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ.

۹ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنِ الصَّلَاةِ تَحْضُرُ وَ قَدْ وُضِعَ الطَّعَامُ.

به راستی که پیامبر خدا صلى الله عليه وآله همواره چنین غذا می‌خورد؛ نه مانند یکی از ستمگران که با دو انگشت غذا می‌خورد.

۷ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هرگاه یکی از شما غذایی بخورد وانگشتانی را که با آنها غذا خورده بلیسد، خداوند متعال می‌فرماید: خداوند در تو برکت قرار دهد.

۸ ـ یاسر خادم گوید:

روزی کودکانی میوه‌ای را خورده ونیم خورده آن را دور انداختند.

امام کاظم عليه السلام به آنان فرمود: سبحان الله! اگر شما بی‌نیاز شدید؛ مردمی هستند که بی‌نیاز نیستند، آن میوه را به کسی که به آن احتیاج دارد، بخورانید.

۹ ـ سماعة بن مهران گوید:

از امام صادق عليه السلام پرسیدم: زمانی که سفره غذا چیده شده است، وقت نماز فرامی‌رسد، اول نماز بخوانم یا غذا بخورم؟

قَالَ: إِنْ كَانَ فِي أَوَّلِ الْوَقْتِ يُبْدَأُ بِالطَّعَامِ وَ إِنْ كَانَ قَدْ مَضَى مِنَ الْوَقْتِ شَيْءٌ وَتَخَافُ أَنْ تَفُوتَكَ فَتُعِيدَ الصَّلَاةَ، فَابْدَأْ بِالصَّلَاةِ.

۱۰ ـ عَنْهُ عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ يَاسِرٍ الْخَادِمِ وَ نَادِرٍ جَمِيعاً قَالَا: قَالَ لَنَا أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام:

إِنْ قُمْتُ عَلَى رُءُوسِكُمْ وَ أَنْتُمْ تَأْكُلُونَ، فَلَا تَقُومُوا حَتَّى تَفْرُغُوا. وَ لَرُبَّمَا دَعَا بَعْضَنَا فَيُقَالُ لَهُ: هُمْ يَأْكُلُونَ. فَيَقُولُ: دَعْهُمْ حَتَّى يَفْرُغُوا.

۱۱ ـ وَ رُوِيَ عَنْ نَادِرٍ الْخَادِمِ قَالَ: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام إِذَا أَكَلَ أَحَدُنَا لَا يَسْتَخْدِمُهُ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْ طَعَامِهِ.

۱۲ ـ وَ رَوَى نَادِرٌ الْخَادِمُ قَالَ: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام يَضَعُ جَوْزِينَجَةً عَلَى الْأُخْرَى وَ يُنَاوِلُنِي.

۱۳ ـ أَحْمَدُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام:

فرمود: اگر اول وقت باشد، ابتدا غذا بخور واگر مقداری از وقت گذشته باشد وبیم داری که نمازت فوت شود و قضای آن را به جا آوری اول نماز بخوان.

۱۰ ـ یاسر خادم و نادر گویند: امام کاظم عليه السلام به ما فرمود:

اگر من بر شما در حال غذا خوردن امر کنم برنخیزید تا این که غذایتان را بخورید.

گاهی آن حضرت بعضی از ما را فرا می‌خواند؛ به ایشان عرض می‌شد: مشغول خوردن غذا هستند و امام عليه السلام می‌فرمود: آنان را واگذارید تا این که دست از غذا بکشند.

۱۱ ـ نادر خادم گوید:

هنگامی که یکی از ما مشغول غذا خوردن بود، امام کاظم عليه السلام او را به خدمت وانمی‌داشت تا این که از غذا دست می‌کشید.

۱۲ ـ نادر خادم گوید:

امام کاظم عليه السلام جوزینه‌ای [1] را بر جوزینه دیگر می‌نهاد و آن را به من می‌داد.

۱۳ ـ سلیمان جعفری گوید:

---

۱ ـ غذایی که با گردو و شکر تهیه می‌شود.

رُبَّمَا أُتِيَ بِالْمَائِدَةِ، فَأَرَادَ بَعْضُ الْقَوْمِ أَنْ يَغْسِلَ يَدَهُ فَيَقُولُ: مَنْ كَانَتْ يَدُهُ نَظِيفَةً فَلَا بَأْسَ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَغْسِلَ يَدَهُ.

١٤ ـ أَحْمَدُ عَنْ يَحْيَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ أَبِي الْبِلَادِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَزِيعِ بْنِ عُمَرَ بْنِ بَزِيعٍ قَالَ:

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام وَ هُوَ يَأْكُلُ خَلّاً وَ زَيْتاً فِي قَصْعَةٍ سَوْدَاءَ مَكْتُوبٍ فِي وَسَطِهَا بِصُفْرَةٍ ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ فَقَالَ لِي: ادْنُ يَا بَزِيعُ!

فَدَنَوْتُ فَأَكَلْتُ مَعَهُ. ثُمَّ حَسَا مِنَ الْمَاءِ ثَلَاثَ حَسِيَّاتٍ حِينَ لَمْ يَبْقَ مِنَ الْخُبْزِ شَيْءٌ، ثُمَّ نَاوَلَنِيهَا فَحَسَوْتُ الْبَقِيَّةَ.

١٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَّادٍ قَالَ: سَمِعْتُ الرِّضَا عليه السلام يَقُولُ:

مَنْ أَكَلَ فِي مَنْزِلِهِ طَعَاماً فَسَقَطَ مِنْهُ شَيْءٌ، فَلْيَتَنَاوَلْهُ وَ مَنْ أَكَلَ فِي الصَّحْرَاءِ أَوْ خَارِجاً، فَلْيَتْرُكْهُ لِطَائِرٍ أَوْ سَبُعٍ.

گاهی سفره را نزد امام کاظم عليه السلام می‌آوردند در این هنگام بعضی‌ها می‌خواستند دست خود را بشویند، امام عليه السلام می‌فرمود: هر کس دستش تمیز است، ایرادی ندارد که بدون این که دستش را بشوید غذا بخورد.

۱۴ ـ بزیع بن عمر بن بزیع گوید:

خدمت امام باقر عليه السلام شرف‌یاب شدم در حالی که ایشان سرکه و روغن زیتون را در کاسه سیاهی که در وسط آن به رنگ زرد نوشته شده بود: «قل هو الله احد» می‌ریخت.

به من فرمود: ای بزیع! نزدیک بیا.

من نزدیک رفتم و همراه ایشان از آن غذا خوردم. وقتی غذا را میل کرد و چیزی از نان نماند، سه مرتبه آب نوشید، آن گاه آن را به من داد و من بقیه آن را آشامیدم.

۱۵ ـ معمّر بن خلّاد گوید: از امام رضا عليه السلام شنیدم که می‌فرمود: هر کس در منزل غذا تناول کند و مقداری از دست او بریزد، باید بردارد و تناول کند و هر کس در صحرا و خارج منزل غذا تناول کند و مقداری از دست او بریزد، باید برای پرندگان و درندگان وا بنهد.

١٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: أَوْلَمَ إِسْمَاعِيلُ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

عَلَيْكَ بِالْمَسَاكِينِ فَأَشْبِعْهُمْ، فَإِنَّ اللهَ عزّوجلّ يَقُولُ: ﴿وَ مَا يُبْدِئُ الْبَاطِلُ وَ مَا يُعِيدُ﴾.

١٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ رَفَعَهُ عَنْهُمْ عليهم السلام قَالُوا:

كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله إِذَا أَكَلَ لَقَّمَ مَنْ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ إِذَا شَرِبَ سَقَى مَنْ عَلَى يَمِينِهِ.

١٨ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

لَا تُؤْوُوا مِنْدِيلَ الْغَمَرِ فِي الْبَيْتِ، فَإِنَّهُ مَرْبِضٌ لِلشَّيَاطِينِ.

١٩ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

---

۱۶ ـ حمّاد بن عثمان گوید: اسماعیل، ولیمه‌ای ترتیب داده بود. امام صادق عليه السلام به او فرمود: مساکین را دریاب و شکم گرسنهٔ آنان را سیر کن که خداوند می‌گوید: «باطل نه نعمت آغازد و نه نعمت رفته را بازآرد».

۱۷ ـ محمّد بن فضیل در روایت مرفوعه‌ای گوید: امامان معصوم عليهم السلام فرمودند:

هنگامی که پیامبر خدا صلى الله عليه وآله غذا می‌خورد به کسی که مقابلش بود لقمه می‌داد و آن‌گاه که آب می‌آشامید به کسی که در سمت راستش بود آب می‌داد.

۱۸ ـ یعقوب بن سالم در روایت مرفوعه‌ای گوید: امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: حوله آلوده به چربی در خانه نگه ندارید، زیرا آن جایگاه شیطان است.

۱۹ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

أَطْرِفُوا أَهَالِيَكُمْ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ بِشَيْءٍ مِنَ الْفَاكِهَةِ أَوِ اللَّحْمِ حَتَّى يَفْرَحُوا بِالْجُمُعَةِ.

۲۰ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه وآله:

مَنْ بَنَى مَسْكَناً فَلْيَذْبَحْ كَبْشاً سَمِيناً وَ لْيُطْعِمْ لَحْمَهُ الْمَسَاكِينَ، ثُمَّ يَقُولُ: «**اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي مَرَدَةَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الشَّيَاطِينِ وَ بَارِكْ لَنَا فِي بُيُوتِنَا**».

إِلَّا أُعْطِيَ مَا سَأَلَ.

۲۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

إِذَا أَكَلْتَ شَيْئاً فَاسْتَلْقِ عَلَى قَفَاكَ وَ ضَعْ رِجْلَكَ الْيُمْنَى عَلَى الْيُسْرَى.

در هر جمعه با خریدن میوه یا گوشت به خانوادهٔ خود نیکی کنید تا به فرارسیدن جمعه خوشحال شوند.

۲۰ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: هر کس منزلی بسازد باید قوچ فربه‌ای ذبح کند وگوشت آن را به فقرا اطعام نماید، آنگاه بگوید: «**اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي مَرَدَةَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الشَّيَاطِينِ وَ بَارِكْ لَنَا فِي بُيُوتِنَا**».

هرگاه چنین نماید خواسته‌اش به او عطا خواهد شد.

۲۱ ـ احمد بن محمّد بن ابی نصر گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

هرگاه چیزی خوردی، بر پشت خود بخواب و پای راست خود را روی پای چپ بگذار.

(٤٩)
بَابُ أَكْلِ مَا يَسْقُطُ مِنَ الْخِوَانِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام:

كُلُوا مَا يَسْقُطُ مِنَ الْخِوَانِ؛ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ بِإِذْنِ اللهِ عزوجل لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَسْتَشْفِيَ بِهِ.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السِّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ:

تَعَشَّيْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام عَتَمَةً. فَلَمَّا فَرَغَ مِنْ عَشَائِهِ حَمِدَ اللهَ عزوجل وَ قَالَ: هٰذَا عَشَائِي وَ عَشَاءُ آبَائِي.

فَلَمَّا رُفِعَ الْخِوَانُ، تَقَمَّمَ مَا سَقَطَ مِنْهُ ثُمَّ أَلْقَاهُ إِلَى فِيهِ.

بخش چهل و نهم
خوردن آن چه که از سفره می‌افتد

۱ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی عليه‌السلام فرمود: آن چه را که از سفره می‌افتد بخورید؛ زیرا به اذن خداوند متعال، برای هر کس که می‌خواهد به وسیله خوردن آن شفا یابد، شفای هر بیماری است.

۲ ـ داوود بن کثیر گوید:

در یک سوم آغازین شب خدمت امام صادق عليه‌السلام شام خوردم. هنگامی که حضرت از خوردن شام فارغ شد، خداوند را حمد نمود و فرمود: این شام من و شام پدران من است.

هنگامی که سفره را برداشتند، آن چه را که از سفره افتاده بود برمی‌داشت و آن را در دهان خود می‌گذاشت.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ صَالِحٍ الْخَثْعَمِيِّ قَالَ: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام وَجَعَ الْخَاصِرَةِ. فَقَالَ: عَلَيْكَ بِمَا يَسْقُطُ مِنْ الْخِوَانِ؛ فَكُلْهُ.

قَالَ: فَفَعَلْتُ ذَلِكَ، فَذَهَبَ عَنِّي.

قَالَ إِبْرَاهِيمُ: قَدْ كُنْتُ وَجَدْتُ ذَلِكَ فِي الْجَانِبِ الْأَيْمَنِ وَ الْأَيْسَرِ فَأَخَذْتُ ذَلِكَ، فَانْتَفَعْتُ بِهِ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:

أَكَلْنَا عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام؛ فَلَمَّا رُفِعَ الْخِوَانُ لَقَطَ مَا وَقَعَ مِنْهُ فَأَكَلَهُ.

ثُمَّ قَالَ لَنَا: إِنَّهُ يَنْفِي الْفَقْرَ وَ يُكْثِرُ الْوَلَدَ.

---

۳ ـ عبدالله بن صالح خثعمی گوید: به امام صادق عليه السلام از درد پهلو شکایت نمودم.

فرمود: آن چه را که از سفره می‌افتد بخور.

عبدالله گوید: من آن کار را انجام دادم و درد پهلویم بهبود یافت.

ابراهیم [یکی از راویان حدیث] گوید: من قبلاً چنین دردی را در پهلوی راست و چپم احساس می‌کردم، وقتی این دستور را دریافتم، از آن بهره بردم.

۴ ـ معاویة بن وهب گوید:

خدمت امام صادق عليه السلام غذا خوردیم، هنگامی که سفره برداشته شد، حضرتش آن چه را که از سفره افتاده بود بر می‌داشت و آن را می‌خورد.

سپس به ما فرمود: این کار، فقر را از بین می‌برد و فرزند را فراوان می‌سازد.

۵ ـ حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْخَشَّابِ عَنِ ابْنِ بَقَّاحٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ:

مَنْ وَجَدَ كِسْرَةً فَأَكَلَهَا كَانَتْ لَهُ حَسَنَةٌ وَ مَنْ وَجَدَهَا فِي قَذِرٍ فَغَسَلَهَا ثُمَّ رَفَعَهَا كَانَتْ لَهُ سَبْعُونَ حَسَنَةً.

٦ ـ وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: دَخَلَ رَسُولُ اللهِ ﷺ عَلَى عَائِشَةَ، فَرَأَى كِسْرَةً كَادَ أَنْ يَطَأَهَا فَأَخَذَهَا فَأَكَلَهَا. ثُمَّ قَالَ:

يَا حُمَيْرَاءُ! أَكْرِمِي جِوَارَ نِعَمِ اللهِ عزّوجلّ عَلَيْكِ؛ فَإِنَّهَا لَمْ تَنْفِرْ مِنْ قَوْمٍ فَكَادَتْ تَعُودُ إِلَيْهِمْ.

٧ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مِهْزَمٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: شَكَا رَجُلٌ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام مَا يَلْقَى مِنْ وَجَعِ الْخَاصِرَةِ.

فَقَالَ: مَا يَمْنَعُكَ مِنْ أَكْلِ مَا يَقَعُ مِنَ الْخِوَانِ؟!

---

۵ ـ عمرو بن جمیع گوید: پیامبر خدا ﷺ فرمود:

هر کس تکّه نانی بیابد و آن را بخورد، حسنه‌ای برایش خواهد بود و هر کس آن را در نجاست و آلودگی بیابد و آن را بشوید، سپس آن را بردارد برای او هفتاد حسنه خواهد بود.

۶ ـ عمرو بن جمیع گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

روزی پیامبر خدا ﷺ نزد عایشه رفت و تکه نانی را مشاهده نمود که نزدیک بود عایشه آن را پایمال کند. پیامبر آن را برداشت و تناول نمود. سپس فرمود: ای حمیرا! نعمت‌هایی را که خداوند به تو عطا کرده گرامی دار؛ زیرا نان از نزد هیچ قومی فرار وکوچ نکرده است که به این زودی به آنان بازگردد.

۷ ـ ابراهیم بن مهزم گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

شخصی از پهلو دردی که داشت به امام صادق عليه السلام شکایت نمود.

امام عليه السلام به او فرمود: چه چیزی تو را از خوردن آن چه که از سفره می‌افتد باز می‌دارد؟!

۸ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَّادٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام يَقُولُ:

مَنْ أَكَلَ فِي مَنْزِلِهِ طَعَاماً فَسَقَطَ مِنْهُ شَيْءٌ فَلْيَتَنَاوَلْهُ، وَ مَنْ أَكَلَ فِي الصَّحْرَاءِ أَوْ خَارِجاً فَلْيَتْرُكْهُ لِلطَّيْرِ وَ السَّبُعِ.

۹ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنِ الْأَصَمِّ عَنْ عَبْدِاللهِ الْأَرَّجَانِيِّ قَالَ:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام وَ هُوَ يَأْكُلُ. فَرَأَيْتُهُ يَتَتَبَّعُ مِثْلَ السِّمْسِمِ مِنَ الطَّعَامِ مَا سَقَطَ مِنَ الْخِوَانِ.

فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! تَتَبَّعُ هَذَا؟!

فَقَالَ: يَا عَبْدَاللهِ! هَذَا رِزْقُكَ فَلَا تَدَعْهُ. أَمَا إِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ.

---

۸ ـ معمّر بن خلّاد گويد: از امام كاظم عليه السلام شنيدم كه مى‌فرمود:

هر كس در خانه‌اش غذا مى‌خورد و مقدارى از غذا بر زمين مى‌افتد بايد آن را بخورد و هر كس در بيابان يا خارج از خانه غذا بخورد بايد آن‌چه را بر زمين مى‌افتد براى پرندگان و درندگان واگذارد.

۹ ـ عبدالله ارجانى گويد:

خدمت امام صادق عليه السلام بودم كه ايشان مشغول غذا خوردن بود، ديدم حضرتش آن چه را كه از سفره افتاده بود مانند كنجد غذا، جمع مى‌نمايد.

عرض كردم: قربانت گردم! اين‌ها را جمع مى‌كنيد؟

فرمود: اى عبدالله! اين رزق توست، پس آن را وامگذار. آگاه باش! همانا در آن شفاى از هر بيمارى است.

(۵۰)

بَابُ فَضْلِ الْخُبْزِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

إِنِّي لَأَلْحَسُ أَصَابِعِي مِنَ الْأُدْمِ حَتَّى أَخَافَ أَنْ يَرَانِي خَادِمِي، فَيَرَى أَنَّ ذَلِكَ مِنَ التَّجَشُّعِ وَ لَيْسَ ذَلِكَ كَذَلِكَ.

إِنَّ قَوْماً أُفْرِغَتْ عَلَيْهِمُ النِّعْمَةُ وَ هُمْ أَهْلُ الثَّرْثَارِ فَعَمَدُوا إِلَى مُخِّ الْحِنْطَةِ، فَجَعَلُوهَا خُبْزاً هَجَاءً وَ جَعَلُوا يُنْجُونَ بِهِ صِبْيَانَهُمْ، حَتَّى اجْتَمَعَ مِنْ ذَلِكَ جَبَلٌ عَظِيمٌ.

قَالَ: فَمَرَّ بِهِمْ رَجُلٌ صَالِحٌ وَ إِذَا امْرَأَةٌ وَ هِيَ تَفْعَلُ بِصَبِيٍّ لَهَا.

فَقَالَ لَهُمْ: وَيْحَكُمْ! اتَّقُوا اللهَ عزّ وجلّ وَ لَا تُغَيِّرُوا مَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ.

بخش پنجاهم
فضیلت و ارزش نان

۱ ـ عمرو بن شمر گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

من انگشتانم را از نان خورش می‌لیسم به گونه‌ای که می‌ترسم خدمتکارم مرا ببیند وگمان کند این عمل من از روی حرص و آزمندی است اما این عمل من به خاطر آن نیست. به راستی که قومی بودند که نعمت بر آنان کامل شده بود و آنان اهل «ثرثار»[1] بودند. آنها به مغز گندم روی آوردند و از آن نانی ساختند که برای رفع گرسنگی مناسب بود و با آن کودکان خود را استنجاء می‌کردند، تا این که از آن نان‌ها کوه بزرگی فراهم آمد.

در این هنگام مرد صالحی از کنار آنان می‌گذشت، دید زنی با کودک خود آن عمل را انجام می‌دهد.

آن مرد به آنان گفت: وای بر شما! از خداوند بترسید و نعمتی را که به شما رسیده تغییر ندهید.

---

۱ ـ ثرثار: رودخانه بزرگ و خروشانی است.

فَقَالَتْ لَهُ: كَأَنَّكَ تُخَوِّفُنَا بِالْجُوعِ. أَمَّا مَا دَامَ ثَرْثَارُنَا تَجْرِي فَإِنَّا لَا نَخَافُ الْجُوعَ.

قَالَ: فَأَسِفَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ فَأَضْعَفَ لَهُمُ الثَّرْثَارَ وَحَبَسَ عَنْهُمْ قَطْرَ السَّمَاءِ وَنَبَاتَ الْأَرْضِ.

قَالَ: فَاحْتَاجُوا إِلَى ذَلِكَ الْجَبَلِ وَ أَنَّهُ كَانَ يُقْسَمُ بَيْنَهُمْ بِالْمِيزَانِ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله:

أَكْرِمُوا الْخُبْزَ؛ فَإِنَّهُ قَدْ عَمِلَ فِيهِ مَا بَيْنَ الْعَرْشِ إِلَى الْأَرْضِ وَ مَا فِيهَا مِنْ كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِهِ.

ثُمَّ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ: أَ لَا أُخْبِرُكُمْ؟

قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللهِ! فِدَاكَ الْآبَاءُ وَ الْأُمَّهَاتُ!

فَقَالَ: إِنَّهُ كَانَ نَبِيٌّ فِيمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ يُقَالُ لَهُ: دَانِيَالُ، وَ إِنَّهُ أَعْطَى صَاحِبَ مِعْبَرٍ رَغِيفاً لِكَيْ يَعْبُرَ بِهِ؛ فَرَمَى صَاحِبُ الْمِعْبَرِ بِالرَّغِيفِ وَ قَالَ: مَا أَصْنَعُ بِالْخُبْزِ؟ هَذَا الْخُبْزُ عِنْدَنَا قَدْ يُدَاسُ بِالْأَرْجُلِ.

آن زن به او گفت: گویا تو ما را از گرسنگی می‌ترسانی! تا هنگامی که رودخانه «ثرثار» ما جریان دارد ما از گرسنگی نمی‌ترسیم.

پس از آن خداوند عزوجل بر آنان خشم گرفت و رودخانه «ثرثار» را بر ایشان کم آب و به تدریج خشک گردانید و باران آسمان وگیاه زمین را از آنان قطع نمود. در این هنگام بود که آنان به آن کوه نان (نان‌هایی که استنجاء کرده بودند) محتاج گردیدند و آن نان‌ها را با ترازو بین آنان تقسیم می‌شد.

۲ ـ مسعدة بن صدقه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: نان را گرامی بدارید؛ زیرا بسیاری از آفریده‌های خداوند در بین عرش تا زمین و در خود زمین، آن را فراهم کرده‌اند.

سپس پیامبر صلى الله عليه وآله به اطرافیان خود فرمود: آیا به‌شما از چگونگی فراهم شدن نان خبر بدهم؟

عرض کردند: آری، ای پیامبر خدا! پدران و مادران فدای شما!

فرمود: در بین کسانی که پیش از شما بودند پیامبری به نام دانیال عليه السلام بود، او به نگهبان گذرگاهی نانی داد تا به وسیله آن عبور کند. نگهبان نان را کنار انداخت وگفت: من با نان چه کار کنم؟! این نان در نزد ما با پا لگد مال می‌شود.

فَلَمَّا رَأَى ذَلِكَ مِنْهُ دَانِيَالُ، رَفَعَ يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ أَكْرِمِ الْخُبْزَ! فَقَدْ رَأَيْتَ يَا رَبِّ مَا صَنَعَ هَذَا الْعَبْدُ وَ مَا قَالَ.

قَالَ: فَأَوْحَى اللهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى السَّمَاءِ أَنْ تَحْبِسَ الْغَيْثَ، وَ أَوْحَى إِلَى الْأَرْضِ أَنْ كُونِي طَبَقاً كَالْفَخَّارِ.

قَالَ: فَلَمْ يُمْطَرُوا حَتَّى أَنَّهُ بَلَغَ مِنْ أَمْرِهِمْ أَنَّ بَعْضَهُمْ أَكَلَ بَعْضاً.

فَلَمَّا بَلَغَ مِنْهُمْ مَا أَرَادَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ ذَلِكَ، قَالَتِ امْرَأَةٌ لِأُخْرَى ـ وَ لَهُمَا وَلَدَانِ ـ: يَا فُلَانَةُ! تَعَالِي حَتَّى نَأْكُلَ أَنَا وَ أَنْتِ الْيَوْمَ وَلَدِي وَ إِذَا كَانَ غَداً أَكَلْنَا وَلَدَكِ.

قَالَتْ لَهَا: نَعَمْ.

فَأَكَلَتَاهُ فَلَمَّا أَنْ جَاعَتَا مِنْ بَعْدُ، رَاوَدَتِ الْأُخْرَى عَلَى أَكْلِ وَلَدِهَا فَامْتَنَعَتْ عَلَيْهَا، فَقَالَتْ لَهَا: بَيْنِي وَ بَيْنَكِ نَبِيُّ اللهِ.

فَاخْتَصَمَا إِلَى دَانِيَالَ عليه السلام.

زمانی که دانیال عليه السلام این عمل را از او دید، دست خود را به سوی آسمان بالا برد و فرمود: خداوندا! نان را گرامی دار؛ چراکه دیدی که این بنده با نان چه کرد و چه گفت.

خداوند متعال به آسمان وحی نمود که باران را قطع کند و به زمین وحی نمود که مانند سفال باش.

پس باران برآنان نبارید تا این که کارشان به جایی رسید که برخی از آنان برخی دیگر را خوردند.

در پی این خواستهٔ خداوند متعال زنی به زن دیگر که دو فرزند داشتند گفت: ای فلانی! بیا امروز با هم فرزند مرا بخوریم و فردا فرزند تو را بخوریم.

زن گفت: باشد.

پس فرزند زن اولی را خوردند، هنگامی که پس از آن گرسنه شدند زن اولی از زن دومی خواست که فرزندش را بخورند، اما زن دومی خودداری کرد. زن اولی به او گفت: بین من و تو پیامبر خدا داوری کند.

برای داوری نزد دانیال عليه السلام رفتند.

فَقَالَ لَهُمَا: وَ قَدْ بَلَغَ الْأَمْرُ إِلَى مَا أَرَى ؟!

قَالَتَا لَهُ: نَعَمْ يَا نَبِيَّ اللهِ! وَ أَشَدَّ.

قَالَ: فَرَفَعَ يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ: اللَّهُمَّ عُدْ عَلَيْنَا بِفَضْلِكَ وَ فَضْلِ رَحْمَتِكَ وَ لَا تُعَاقِبِ الْأَطْفَالَ وَ مَنْ فِيهِ خَيْرٌ بِذَنْبِ صَاحِبِ الْمِعْبَرِ وَ أَضْرَابِهِ لِنِعْمَتِكَ.

قَالَ: فَأَمَرَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ السَّمَاءَ أَنْ أَمْطِرِي عَلَى الْأَرْضِ وَ أَمَرَ الْأَرْضَ أَنْ أَنْبِتِي لِخَلْقِي مَا قَدْ فَاتَهُمْ مِنْ خَيْرِكَ؛ فَإِنِّي قَدْ رَحِمْتُهُمْ بِالطِّفْلِ الصَّغِيرِ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنِ الْمِيثَمِيِّ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

لَا يُوضَعُ الرَّغِيفُ تَحْتَ الْقَصْعَةِ.

دانیال عليه السلام به آنها فرمود: آیا کار به‌جایی رسیده که می‌بینم فرزندان یک دیگر را می‌خورید؟

گفتند: آری، ای پیامبر خدا! و سخت نیز شده است.

در این هنگام دانیال عليه السلام دست خود را به جانب آسمان بالا نمود وعرض کرد: خداوندا! فضل خود وفزونی رحمت خود را بر ما بازگردان وبه خاطر گناه نگهبان گذرگاه و رویگردانی او از نعمت تو، کودکان وکسانی که در آنان خیری است، عقوبت مکن.

خداوند به آسمان دستور داد که بر زمین ببار وبه زمین دستور فرمود که برای آفریدگان من آن چه را که از خیر وبرکت تو از آنان فوت شده بود برویان؛ زیرا به خاطر کودک کوچکی بر آنان رحم نمودم.

۳ ـ ابان بن تغلب گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

نباید نان را زیر کاسه گذارد.

٤ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: أَكْرِمُوا الْخُبْزَ.

قِيلَ: وَ مَا إِكْرَامُهُ؟

قَالَ: إِذَا وُضِعَ لَا يُنْتَظَرُ بِهِ غَيْرُهُ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: أَكْرِمُوا الْخُبْزَ.

فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللهِ! وَ مَا إِكْرَامُهُ؟

قَالَ: إِذَا وُضِعَ لَمْ يُنْتَظَرْ بِهِ غَيْرُهُ.

وَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: وَ مِنْ كَرَامَتِهِ أَنْ لَا يُوطَأَ وَ لَا يُقْطَعَ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

---

۴ ـ راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: نان را گرامی بدارید.

عرض شد: گرامی داشتن آن چگونه است؟

فرمود: هرگاه نان در سفره نهاده شد منتظر چیز دیگری نباشید.

۵ ـ یکی از اصحاب ما گوید: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: نان را گرامی بدارید.

عرض کردند: ای پیامبر خدا! گرامی داشتن آن چگونه است؟

فرمود: هرگاه نان در سفره نهاده شود، منتظر چیزی دیگری نمانند.

وفرمود: واز موارد گرامی داشتن نان این است که لگد مال نشود و(به وسیلهٔ چاقو) بریده نگردد.

۶ ـ سکونی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

إِيَّاكُمْ أَنْ تَشَمُّوا الْخُبْزَ كَمَا تَشَمُّهُ السِّبَاعُ؛ فَإِنَّ الْخُبْزَ مُبَارَكٌ أَرْسَلَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ السَّمَاءَ مِدْرَاراً وَ لَهُ أَنْبَتَ اللهُ الْمَرْعَى وَ بِهِ صَلَّيْتُمْ وَ بِهِ صُمْتُمْ وَ بِهِ حَجَجْتُمْ بَيْتَ رَبِّكُمْ.

۷ ـ وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ:

إِذَا أُوتِيتُمْ بِالْخُبْزِ وَ اللَّحْمِ فَابْدَءُوا بِالْخُبْزِ فَسُدُّوا بِهِ خِلَالَ الْجُوعِ، ثُمَّ كُلُوا اللَّحْمَ.

۸ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ:

صَغِّرُوا رُغْفَانَكُمْ؛ فَإِنَّ مَعَ كُلِّ رَغِيفٍ بَرَكَةً.

وَ قَالَ يَعْقُوبُ بْنُ يَقْطِينٍ: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ يَعْنِي الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَكْسِرُ الرَّغِيفَ إِلَى فَوْقُ.

برحذر باشید از این که نان را ببویید؛ آن سان که درندگان آن را می‌بویند؛ زیرا نان مبارک است، خداوند برای نان، آسمان را ریزان نمود و به خاطر آن، گیاه را رویانید و به وسیلهٔ آن نماز می‌خوانید، روزه می‌گیرید و حج خانه پروردگارتان را به جا می‌آورید.

۷ ـ سکونی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هرگاه نزد شما نان وگوشت آوردند با نان شروع کنید و به وسیلهٔ آن شدت گرسنگی را برطرف نمایید سپس گوشت را بخورید.

۸ ـ یعقوب بن یقطین گوید: امام رضا علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

نان‌های خود را کوچک قرار دهید؛ زیرا با هر نانی برکتی است.

یعقوب گوید: امام رضا علیه السلام را دیدم که نان را به قسمت بالا پاره می‌نمود.

۹ ـ مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ السَّیَّارِيِّ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ رَاشِدٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

کَانَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ عليه السلام إِذَا لَمْ یَکُنْ لَهُ أُدْمٌ، قَطَعَ الْخُبْزَ بِالسِّکِّینِ.

۱۰ ـ السَّیَّارِيُّ رَفَعَهُ إِلَی أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

أَدْنَی الْأُدْمِ قَطْعُ الْخُبْزِ بِالسِّکِّینِ.

۱۱ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ وَ غَیْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ الْفَضْلِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ یُونُسَ قَالَ:

تَغَدَّی عِنْدِي أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام فَجِيءَ بِقَصْعَةٍ وَ تَحْتَهَا خُبْزٌ. فَقَالَ: أَکْرِمُوا الْخُبْزَ أَنْ لَا یَکُونَ تَحْتَهَا.

وَ قَالَ لِي: مُرِ الْغُلَامَ أَنْ یُخْرِجَ الرَّغِیفَ مِنْ تَحْتِ الْقَصْعَةِ.

---

۹ ـ ابو علی راشد در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگامی که امیرمؤمنان علی عليه السلام نان خورشی نداشت، نان را با کارد می‌برید.

۱۰ ـ سیّاری در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پایین‌ترین درجه نان خورش بریدن نان با کارد است.

۱۱ ـ فضل بن یونس گوید: روزی امام کاظم عليه السلام نزد من ناهار میل می‌نمود، کاسه‌ای آوردند که زیر آن نانی بود، فرمود: نان را گرامی بدارید که زیر چیزی نگذارید.

حضرتش به من فرمود: به غلام دستور ده که نان را از زیر کاسه بیرون آورد.

۱۲ ـ أَحْمَدُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْمِيثَمِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام أَنَّهُ كَرِهَ أَنْ يُوضَعَ الرَّغِيفُ تَحْتَ الْقَصْعَةِ.

۱۳ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمْهُورٍ عَنْ إِدْرِيسَ بْنِ يُوسُفَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

لَا تَقْطَعُوا الْخُبْزَ بِالسِّكِّينِ وَ لَكِنِ اكْسِرُوهُ بِالْيَدِ، وَ لْيُكْسَرْ لَكُمْ خَالِفُوا الْعَجَمَ.

۱٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

لَا تَقْطَعُوا الْخُبْزَ بِالسِّكِّينِ وَ لَكِنِ اكْسِرُوهُ بِالْيَدِ وَ خَالِفُوا الْعَجَمَ.

(۵۱)
بَابُ خُبْزِ الشَّعِيرِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

---

۱۲ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام مکروه می‌شمرد که نان در زیر کاسه گذارده شود.

۱۳ ـ ادریس بن یوسف گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: نان را با چاقو نبرید؛ بلکه آن را با دست پاره کنید (و با نبریدن با کارد) با عجم‌ها مخالفت کنید.

۱۴ ـ نظیر این روایت را یونس از امام رضا عليه السلام نقل می‌کند.

بخش پنجاه و یکم
نان جو

۱ ـ یونس گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

فَضْلُ خُبْزِ الشَّعِيرِ عَلَى الْبُرِّ كَفَضْلِنَا عَلَى النَّاسِ. وَ مَا مِنْ نَبِيّ إِلَّا وَ قَدْ دَعَا لِأَكْلِ الشَّعِيرِ وَ بَارَكَ عَلَيْهِ. وَ مَا دَخَلَ جَوْفاً إِلَّا وَ أَخْرَجَ كُلَّ دَاءٍ فِيهِ. وَ هُوَ قُوتُ الْأَنْبِيَاءِ وَ طَعَامُ الْأَبْرَارِ، أَبَى اللهُ تَعَالَى أَنْ يَجْعَلَ قُوتَ أَنْبِيَائِهِ إِلَّا شَعِيراً.

(٥٢)
بَابُ خُبْزِ الْأَرُزِّ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه‌السلام أَنَّهُ قَالَ:

مَا دَخَلَ جَوْفَ الْمَسْلُولِ شَيْءٌ أَنْفَعُ لَهُ مِنْ خُبْزِ الْأَرُزِّ.

٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى عَنِ الْخَشَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام:

برتری نان جو بر نان گندم مانند برتری ما بر مردم است. هیچ پیامبری نبود مگر آن که برای خورندهٔ نان جو دعا نمود وبرایش طلب برکت نمود. نان جو داخل هیچ شکمی نمی‌شود مگر آن که هر نوع بیماری آن را بیرون می‌راند. نان جو خوراک پیامبران وغذای نیکان است، خداوند تعالی امتناع دارد از این که خوراک پیامبرانش را جز جو قرار دهد.

بخش پنجاه و دوم
نان برنج

١ ـ یونس گوید: امام رضا عليه‌السلام فرمود:

در شکم شخصی که بیماری سل دارد، چیزی مفیدتر از نان برنج داخل نمی‌شود.

٢ ـ یکی از یاران ما گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

أَطْعِمُوا الْمَبْطُونَ خُبْزَ الْأَرُزِّ؛ فَمَا دَخَلَ جَوْفَ الْمَبْطُونِ شَيْءٌ أَنْفَعُ مِنْهُ. أَمَا إِنَّهُ يَدْبُغُ الْمَعِدَةَ وَ يَسُلُّ الدَّاءَ سَلًّا.

٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي رَافِعٍ وَغَيْرِهِ يَرْفَعُونَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

لَيْسَ يَبْقَى فِي الْجَوْفِ مِنْ غُدْوَةٍ إِلَى اللَّيْلِ إِلَّا خُبْزُ الْأَرُزِّ.

(٥٣)

بَابُ الْأَسْوِقَةِ وَ فَضْلِ سَوِيقِ الْحِنْطَةِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي هَمَّامٍ عَنْ سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه‌السلام قَالَ:

نِعْمَ الْقُوتُ السَّوِيقُ! إِنْ كُنْتَ جَائِعاً أَمْسَكَ وَ إِنْ كُنْتَ شَبْعَاناً [1] هَضَمَ طَعَامَكَ.

به کسی که درد شکم دارد نان برنج بخورانید؛ زیرا در شکم کسی که درد شکم دارد چیزی وارد نمی‌شود که برایش از نان برنج سودمندتر باشد.

۳ ـ یحیی بن ابی رافع و راوی دیگری در روایت مرفوعه‌ای گویند: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

از صبح تا شب چیزی در شکم باقی نمی‌ماند مگر نان برنج.

بخش پنجاه و سوم

قاووت‌ها و ارزش قاووت گندم

۱ ـ سلیمان جعفری گوید: امام رضا عليه‌السلام فرمود:

چه خوراک خوبی است قاووت! اگر گرسنه باشی تو را از گرسنگی نگه می‌دارد و اگر سیر باشی غذایت را هضم می‌کند.

---

١ ـ والظاهر: شَبْعَانَ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ جُنْدَبٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ: ذُكِرَ عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللهِ السَّوِيقُ. فَقَالَ:
إِنَّمَا عُمِلَ بِالْوَحْيِ.

۳ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:
السَّوِيقُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ وَ يَشُدُّ الْعَظْمَ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ خَالِدِ بْنِ نَجِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:
السَّوِيقُ طَعَامُ الْمُرْسَلِينَ ـ أَوْ قَالَ: النَّبِيِّينَ ـ.

٥ ـ عَنْهُ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللهِ بْنِ سَيَابَةَ عَنْ جُنْدَبِ بْنِ عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:
إِنَّمَا أُنْزِلَ السَّوِيقُ بِالْوَحْيِ مِنَ السَّمَاءِ.

---

۲ ـ راوی گوید: خدمت امام صادق عليه السلام سخن از قاووت به میان آمد، حضرت فرمود:
همانا قاووت توسط وحی تهیه شده است.

۳ ـ بکر بن محمّد گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
قاووت، گوشت را می‌رویاند و استخوان را محکم می‌کند.

۴ ـ خالد بن نجیح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
قاووت غذای رسولان است. و یا فرمود: غذای پیامبران است.

۵ ـ جندب بن عبدالله گوید: از امام کاظم عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:
همانا قاووت توسط وحی آسمانی نازل شده است.

٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

السَّوِيقُ الْجَافُّ يَذْهَبُ بِالْبَيَاضِ.

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ وَ غَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عُبَيْدِ اللهِ بْنِ عَبْدِاللهِ الدِّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتَ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ مُسْكَانَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

شُرْبُ السَّوِيقِ بِالزَّيْتِ يُنْبِتُ اللَّحْمَ وَ يَشُدُّ الْعَظْمَ وَ يُرِقُّ الْبَشَرَةَ وَ يَزِيدُ فِي الْبَاهِ.

٨ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ قُتَيْبَةَ الْأَعْشَى عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

ثَلَاثُ رَاحَاتِ سَوِيقٍ جَافٍّ عَلَى الرِّيقِ يُنَشِّفُ الْبَلْغَمَ وَ الْمِرَّةَ حَتَّى لَا يَكَادَ يَدَعُ شَيْئاً.

---

۶ ـ اسحاق بن عمّار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

قاووتِ خشک بیماری برص را از بین می‌برد.

۷ ـ عبدالله بن مسکان گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

نوشیدن قاووت با روغن زیتون، گوشت را می‌رویاند، استخوان را محکم می‌سازد، پوست را نازک و رقیق می‌کند و قدرت جنسی را افزایش می‌دهد.

۸ ـ قتیبه اعشی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

خوردن سه دست قاووت خشک در حالت ناشتا، بلغم و صفرا را فرو می‌برد به گونه‌ای که گویا چیزی بر جای نمی‌گذارد.

۹ ـ عَنْهُ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ قِرْوَاشٍ قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الْمَاضِي عليه‌السلام:

السَّوِيقُ إِذَا غَسَلْتَهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَ قَلَّبْتَهُ مِنْ إِنَاءٍ إِلَى إِنَاءٍ آخَرَ، فَهُوَ يَذْهَبُ بِالْحُمَّى وَ يُنْزِلُ الْقُوَّةَ فِي السَّاقَيْنِ وَ الْقَدَمَيْنِ.

۱۰ ـ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ سُوقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

السَّوِيقُ يَهْضِمُ الرُّءُوسَ.

۱۱ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ يَحْيَى بْنِ مُسَاوِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

السَّوِيقُ يَجْرُدُ الْمِرَّةَ وَ الْبَلْغَمَ مِنَ الْمَعِدَةِ جَرْداً وَ يَدْفَعُ سَبْعِينَ نَوْعاً مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ.

---

۹ ـ نضر بن قرواش گوید: امام کاظم عليه‌السلام فرمود:

هرگاه قاووت را هفت مرتبه شستی و آن را از یک ظرف به ظرف دیگری ریختی و آنگاه از آن خوردی تب را از بین می‌برد و نیرو و توان ساق پا و پاها را زیاد می‌کند.

۱۰ ـ محمّد بن سوقه گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

قاووت پس از خوردن کلّه موجب هضم آن می‌شود.

۱۱ ـ یحیی بن مساور گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

قاووت، صفرا و بلغم را به طور کامل از معده می‌زداید و هفتاد نوع بلاء را دفع می‌کند.

۱۲ ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ خَيْثَمَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

مَنْ شَرِبَ السَّوِيقَ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً امْتَلَأَ كَتِفَاهُ قُوَّةً.

۱۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُوسَى بْنِ الْحَسَنِ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنْ عُبَيْدِ اللهِ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ قَالَ: كَتَبَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام مِنْ خُرَاسَانَ إِلَى الْمَدِينَةِ:

لَا تَسْقُوا أَبَا جَعْفَرٍ الثَّانِيَ عليه السلام السَّوِيقَ بِالسُّكَّرِ؛ فَإِنَّهُ رَدِيٌّ لِلرِّجَالِ.

وَ فَسَّرَهُ السَّيَّارِيُّ عَنْ عُبَيْدِ اللهِ: أَنَّهُ يُكْرَهُ لِلرِّجَالِ؛ فَإِنَّهُ يَقْطَعُ النِّكَاحَ مِنْ شِدَّةِ بَرْدِهِ مَعَ السُّكَّرِ.

۱٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ سَيْفٍ التَّمَّارِ قَالَ: مَرِضَ بَعْضُ رُفَقَائِنَا بِمَكَّةَ وَ بُرْسِمَ، فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَأَعْلَمْتُهُ. فَقَالَ لِي:

---

۱۲ ـ خیثمه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کس چهل روز بامدادان قاووت بنوشد، کتف‌هایش پر توان می‌شوند.

۱۳ ـ عبیدالله بن ابی عبدالله گوید:

امام رضا عليه السلام در نامه‌ای از خراسان به مدینه نوشت:

به امام جواد عليه السلام قاووت را با شکر ننوشانید؛ زیرا آن برای مردان ضرر دارد.

سیّاری تفسیر این سخن را از عبیدالله چنین نقل کرد که چنین قاووتی برای مردان ضرر دارد؛ زیرا به جهت طبع سردی که قاووت با شکر دارد، نیروی جنسی را قطع می‌کند.

۱۴ ـ سیف تمّار گوید:

یکی از دوستان ما در مکّه بیماری برسام گرفت. من خدمت امام صادق عليه السلام شرف‌یاب شدم و ایشان را از این ماجرا با خبر نمودم. حضرتش به من فرمود:

اسْقِهِ سَوِيقَ الشَّعِيرِ؛ فَإِنَّهُ يُعَافِي إِنْ شَاءَ اللهُ. وَ هُوَ غِذَاءٌ فِي جَوْفِ الْمَرِيضِ.
قَالَ: فَمَا سَقَيْنَاهُ السَّوِيقَ إِلَّا يَوْمَيْنِ ـ أَوْ قَالَ: مَرَّتَيْنِ ـ حَتَّى عُوفِيَ صَاحِبُنَا.

(٥٤)
بَابُ سَوِيقِ الْعَدَسِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:
سَوِيقُ الْعَدَسِ يَقْطَعُ الْعَطَشَ وَ يُقَوِّي الْمَعِدَةَ وَ فِيهِ شِفَاءٌ مِنْ سَبْعِينَ دَاءً وَيُطْفِئُ الصَّفْرَاءَ وَ يُبَرِّدُ الْجَوْفَ وَ كَانَ إِذَا سَافَرَ عليه السلام لَا يُفَارِقُهُ.
وَ كَانَ يَقُولُ عليه السلام إِذَا هَاجَ الدَّمُ بِأَحَدٍ مِنْ حَشَمِهِ قَالَ لَهُ: اشْرَبْ مِنْ سَوِيقِ الْعَدَسِ؛ فَإِنَّهُ يُسَكِّنُ هَيَجَانَ الدَّمِ وَ يُطْفِئُ الْحَرَارَةَ.
٢ ـ وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ قَالَ:
إِنَّ جَارِيَةً لَنَا أَصَابَهَا الْحَيْضُ وَ كَانَ لَا يَنْقَطِعُ عَنْهَا حَتَّى أَشْرَفَتْ عَلَى الْمَوْتِ. فَأَمَرَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام أَنْ تُسْقَى سَوِيقَ الْعَدَسِ. فَسُقِيَتْ فَانْقَطَعَ عَنْهَا وَ عُوفِيَتْ.

به او قاووت جو بنوشان که ـ ان شاء الله ـ عافیت خواهد یافت و آن در شکم بیمار، غذا خواهد بود.
سیف گوید: ما فقط به او دو روز ـ یا دو مرتبه ـ قاووت نوشاندیم و دوستمان عافیت یافت.

بخش پنجاه و چهارم
قاووت عدس

۱ ـ محمّد بن موسی در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
قاووت عدس، تشنگی را برطرف می‌کند، معده را قوی می‌سازد، در آن شافی از هفتاد بیماری است، صفرا را خاموش می‌سازد و شکم را خنک می‌گرداند.
راوی گوید: امام صادق عليه السلام به هنگام مسافرت نیز قاووت عدس را همراه می‌برد و هرگاه خون بر یکی از خدمت کاران ایشان غلبه می‌کرد، به او می‌فرمود: قاووت عدس بنوش؛ زیرا غلبه خون را آرام می‌کند و گرما را خاموش می‌سازد.
۲ ـ علی بن مهزیار گوید:
روزی کنیزی از ما حایض شد و خونش قطع نمی‌شد به حدی که مرگ در پیش روی او بود. امام جواد عليه السلام دستور فرمود که او قاووت عدس بنوشد، او مقداری قاووت نوشید خونش بند آمد و عافیت یافت.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ بِسْطَامَ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ مَرْوَ قَالَ: بَعَثَ إِلَيْنَا الرِّضَا عليه السلام وَ هُوَ عِنْدَنَا يَطْلُبُ السَّوِيقَ. فَبَعَثْنَا إِلَيْهِ بِسَوِيقٍ مَلْتُوتٍ.

فَرَدَّهُ وَ بَعَثَ إِلَيَّ: أَنَّ السَّوِيقَ إِذَا شُرِبَ عَلَى الرِّيقِ وَ هُوَ جَافٌّ أَطْفَأَ الْحَرَارَةَ وَ سَكَّنَ الْمِرَّةَ وَ إِذَا لُتَّ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ.

(۵۵)

بَابُ فَضْلِ اللَّحْمِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنْ سَيِّدِ الْآدَامِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

فَقَالَ: اللَّحْمُ. أَ مَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللهِ عزوجل: ﴿وَ لَحْمِ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ﴾؟!

---

۳ ـ شخصی از مردم مرو گوید: هنگامی که امام رضا عليه السلام نزد ما بود کسی را به سوی ما فرستاد و قاووت درخواست نمود. ما برای حضرتش قاووت مخلوط با روغن فرستادیم.

امام عليه السلام آن را برگرداند و برای من پیام فرستاد: هرگاه قاووت خشک در حالت ناشتا نوشیده شود، گرما را خاموش می‌کند و صفرا را ساکن و آرام می‌سازد و هرگاه مخلوط شود، چنین عملی انجام نمی‌دهد.

بخش پنجاه و پنجم

ارزش گوشت

۱ ـ عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: سرآمد خورش‌ها در زندگی دنیا و جهان آخرت کدام است؟

فرمود: گوشت است، آیا نشنیده‌ای که خدای متعال می‌فرماید: «و گوشت پرنده، از هر نوع که بخواهند»؟

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِاللهِ الْعَلَوِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ عليه‌السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله:
اللَّحْمُ سَيِّدُ الطَّعَامِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

۳ ـ وَ عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الرَّيَّانِ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله:
سَيِّدُ آدَامِ الْجَنَّةِ اللَّحْمُ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام قَالَ:
سَيِّدُ الطَّعَامِ اللَّحْمُ.

۵ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ وَ غَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يُوسُفَ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيِّ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى مَوْلَى آلِ سَامٍ قَالَ:

---

۲ ـ پدر بزرگ عیسی بن عبدالله علوی گوید: حضرت علی عليه‌السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: گوشت سرآمد غذاها در دنیا و جهان آخرت است.

۳ ـ علی بن ریان در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: آقای خورش‌های بهشت، گوشت است.

۴ ـ یکی از اصحاب ما گوید: امام باقر عليه‌السلام فرمود:

سرآمد غذاها گوشت است.

۵ ـ عبدالأعلی، غلام آل سام گوید:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام: إِنَّا نُرْوَى عِنْدَنَا عَنْ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُبْغِضُ الْبَيْتَ اللَّحِمَ.

فَقَالَ عليه السلام: كَذَبُوا؛ إِنَّمَا قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله «الْبَيْتَ الَّذِي يَغْتَابُونَ فِيهِ النَّاسَ وَ يَأْكُلُونَ لُحُومَهُمْ». وَ قَدْ كَانَ أَبِي عليه السلام لَحِماً وَ لَقَدْ مَاتَ يَوْمَ مَاتَ وَ فِي كُمِّ أُمِّ وَلَدِهِ ثَلَاثُونَ دِرْهَماً لِلَّحْمِ.

٦ ـ وَ عَنْهُ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ مِسْمَعٍ أَبِي سَيَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام: أَنَّ رَجُلاً قَالَ لَهُ: إِنَّ مَنْ قِبَلَنَا يَرْوُونَ أَنَّ اللهَ عزّوجلّ يُبْغِضُ بَيْتَ اللَّحِمِ.

فَقَالَ: صَدَقُوا وَ لَيْسَ حَيْثُ ذَهَبُوا، إِنَّ اللهَ عزّوجلّ يُبْغِضُ الْبَيْتَ الَّذِي تُؤْكَلُ فِيهِ لُحُومُ النَّاسِ.

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله لَحِماً يُحِبُّ اللَّحْمَ.

به امام صادق عليه السلام عرض کردم: نزد ما از پیامبر خدا صلى الله عليه وآله روایت می‌شود که ایشان فرمود: «خداوند خانه‌ای را که از گوشت پر است دشمن می‌دارد».

فرمود: دروغ گفته‌اند، همانا پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: «خانه‌ای که در آن غیبت مردم را می‌کنند وگوشت آنان را می‌خورند دشمن می‌دارد».

آن‌گاه فرمود: به راستی که پدرم عليه السلام گوشت بسیاری میل می‌کرد ودر روزی که از دنیا رفت در آستین کنیزش سی درهم برای خرید گوشت بود.

۶ ـ مسمع ابو سیّار گوید: شخصی به امام صادق عليه السلام گفت: نزد ما روایت می‌کنند که خداوند متعال خانه‌ای را که از گوشت پر باشد دشمن می‌دارد.

فرمود: راست گفته‌اند، اما مورد آن، چنان نیست؛ به راستی که خداوند خانه‌ای را دشمن می‌دارد که در آن گوشت‌های مردم خورده می‌شود.

۷ ـ حسین بن ابو علاء گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله گوشت بسیار می‌خورد وگوشت را دوست می‌داشت.

۸ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ هَارُونَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

تَرَكَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام ثَلَاثِينَ دِرْهَماً لِلَّحْمِ يَوْمَ تُوُفِّيَ وَ كَانَ رَجُلاً لَحِماً.

۹ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله:

إِنَّا مَعَاشِرَ قُرَيْشٍ قَوْمٌ لَحِمُونَ.

(٥٦)

بَابُ أَنَّ مَنْ لَمْ يَأْكُلِ اللَّحْمَ أَرْبَعِينَ يَوْماً تَغَيَّرَ خُلُقُهُ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

---

۸ ـ حسن بن هارون گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امام باقر عليه السلام در روزی که از دنیا رفت، سی درهم برای خرید گوشت بر جای گذاشت و آن حضرت دوست‌دار گوشت بود.

۹ ـ ابن قداح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى الله عليه و آله فرمود: ما گروه قریش قومی دوست‌دار گوشت هستیم.

بخش پنجاه و ششم

کسی که چهل روز گوشت نخورد اخلاقش دگرگون می‌شود

۱ ـ هشام بن سالم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اللَّحْمُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ. وَ مَنْ تَرَكَ اللَّحْمَ أَرْبَعِينَ يَوْماً سَاءَ خُلُقُهُ وَ مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ فَأَذِّنُوا فِي أُذُنِهِ.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام: إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ: إِنَّ مَنْ لَمْ يَأْكُلِ اللَّحْمَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ سَاءَ خُلُقُهُ.

فَقَالَ: كَذَبُوا، وَ لَكِنْ مَنْ لَمْ يَأْكُلِ اللَّحْمَ أَرْبَعِينَ يَوْماً تَغَيَّرَ خُلُقُهُ وَ بَدَنُهُ، وَ ذَلِكَ لِانْتِقَالِ النُّطْفَةِ فِي مِقْدَارِ أَرْبَعِينَ يَوْماً.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ وَ غَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ ابْنِ بَقَّاحٍ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ أَيْمَنَ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ زَيْدٍ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله:

مَنْ أَتَى عَلَيْهِ أَرْبَعُونَ يَوْماً وَ لَمْ يَأْكُلِ اللَّحْمَ فَلْيَسْتَقْرِضْ عَلَى اللهِ عزّ و جلّ وَ لْيَأْكُلْهُ.

گوشت، گوشت می‌رویاند، وهر کس چهل روز خوردن گوشت را ترک کند بداخلاق می‌شود وهر کس بداخلاق شود در گوشش اذان بگویید.

۲ ـ حسین بن خالد گوید: به امام رضا عليه السلام عرض کردم: اهل سنّت می‌گویند: «هر کس سه روز گوشت نخورد بد اخلاق می‌شود».

فرمود: دروغ گفته‌اند، اما هر کس چهل روز گوشت نخورد اخلاق وبدنش دگرگون شود واین به جهت انتقال نطفه در مدت چهل روز است.

۳ ـ ابو اسامه، زید شحّام گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى الله عليه و آله فرمود: هر کس چهل روز گوشت نخورد باید به حساب خداوند متعال قرض بگیرد وگوشت بخورد.

(۵۷)
بَابُ فَضْلِ لَحْمِ الضَّأْنِ عَلَى الْمَعْزِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ أَظُنُّهُ مُحَمَّدَ بْنَ إِسْمَاعِيلَ قَالَ: ذَكَرَ بَعْضُنَا اللُّحْمَانَ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه‌السلام: فَقَالَ مَا لَحْمٌ بِأَطْيَبَ مِنْ لَحْمِ الْمَاعِزِ؟

قَالَ: فَنَظَرَ إِلَيْهِ أَبُو الْحَسَنِ عليه‌السلام وَ قَالَ:

لَوْ خَلَقَ اللهُ عزّوجلّ مُضْغَةً هِيَ أَطْيَبُ مِنَ الضَّأْنِ لَفَدَى بِهَا إِسْمَاعِيلَ عليه‌السلام.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه‌السلام: إِنَّ أَهْلَ بَيْتِي لَا يَأْكُلُونَ لَحْمَ الضَّأْنِ.

قَالَ: فَقَالَ: وَ لِمَ؟

بخش پنجاه و هفتم
برتری گوشت گوسفند بر گوشت بز

۱ ـ راوی ـ به گمانم محمّد بن اسماعیل ـ گوید: یکی از ما دربارهٔ انواع گوشت در خدمت امام رضا عليه‌السلام سخن به میان آورد وعرضه داشت: چه گوشتی پاکیزه‌تر از گوشت بز است؟

پس امام عليه‌السلام به او نگاهی نمود وفرمود: اگر خداوند متعال گوشتی پاکیزه‌تر از گوسفند آفریده بود، آن را فدای اسماعیل عليه‌السلام می‌نمود.

۲ ـ سعد بن سعد گوید: به امام رضا عليه‌السلام گفتم: خانوادهٔ من گوشت گوسفند تناول نمی‌کنند.

امام رضا عليه‌السلام فرمود: چرا؟

قَالَ: قُلْتُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ: إِنَّهُ يُهَيِّجُ بِهِمُ الْمِرَّةَ السَّوْدَاءَ وَ الصُّدَاعَ وَ الْأَوْجَاعَ.

فَقَالَ لِي: يَا سَعْدُ!

فَقُلْتُ: لَبَّيْكَ.

قَالَ: لَوْ عَلِمَ اللهُ ﷻ شَيْئاً أَكْرَمَ مِنَ الضَّأْنِ لَفَدَى بِهِ إِسْمَاعِيلَ علیه السلام.

۳ ـ بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ جَعْفَرِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام: إِنَّ أَهْلَ بَيْتِي يَأْكُلُونَ لَحْمَ الْمَاعِزِ وَ لَا يَأْكُلُونَ لَحْمَ الضَّأْنِ.

قَالَ: وَ لِمَ؟

قُلْتُ: يَقُولُونَ: إِنَّهُ لَحْمٌ يُهَيِّجُ الْمِرَارَ.

فَقَالَ علیه السلام: لَوْ عَلِمَ اللهُ ﷻ خَيْراً مِنَ الضَّأْنِ لَفَدَى بِهِ؛ يَعْنِي إِسْحَاقَ.

هَكَذَا جَاءَ فِي الْحَدِيثِ.

گفتم: تصور می‌کنند که گوشت گوسفند سودا را تحریک می‌کند و مایهٔ سر درد و دردهای مفاصل می‌شود.

امام رضا علیه السلام به من فرمود: ای سعد!

عرض کردم: بلی!

فرمود: اگر دامی از گوسفند گرامی‌تر بود، خداوند متعال آن دام را فدای اسماعیل علیه السلام می‌کرد.

۳ ـ سعد بن سعد گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: خانواده من گوشت بز می‌خورند اما گوشت گوسفند نمی‌خورند.

فرمود: چرا؟

گفتم: می‌گویند: گوشت گوسفند، صفرا را تحریک می‌کند.

فرمود: اگر خداوند متعال بهتر از گوسفند سراغ داشت، آن را فدای او ـ یعنی اسحاق علیه السلام که این گونه در روایت آمده است ـ قرار می‌داد.

(۵۸)
بَابُ لَحْمِ الْبَقَرِ وَ شُحُومِهَا

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ الْمِيثَمِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ عَبَّادٍ عَنْ عِيسَى بْنِ أَبِي الْوَرْدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ شَكَوْا إِلَى مُوسَى عليه السلام مَا يَلْقَوْنَ مِنَ الْبَيَاضِ. فَشَكَا ذَلِكَ إِلَى اللهِ عزّوجلّ، فَأَوْحَى اللهُ عزّوجلّ إِلَيْهِ:

مُرْهُمْ يَأْكُلُوا لَحْمَ الْبَقَرِ بِالسِّلْقِ.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ أَرَاهُ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَرَقُ لَحْمِ الْبَقَرِ يَذْهَبُ بِالْبَيَاضِ.

بخش پنجاه و هشتم
گوشت گاو و پیه‌های آن

۱ ـ محمّد بن قیس گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

بنی اسرائیل از بیماری برصی که به آن دچار شده بودند به حضرت موسی عليه السلام شکایت نمودند. موسی عليه السلام این شکوه را به خداوند رساند خداوند متعال به او وحی نمود:

به آنان دستور ده گوشت گاو را با چغندر بخورند.

۲ ـ ابو صبّاح کنانی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

خورش گوشت گاو، بیماری برص را از بین می‌برد.

٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

أَلْبَانُ الْبَقَرِ دَوَاءٌ وَ سُمُونُهَا شِفَاءٌ وَ لُحُومُهَا دَاءٌ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه‌السلام يَقُولُ:

اللَّحْمُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ. وَ مَنْ أَدْخَلَ فِي جَوْفِهِ لُقْمَةَ شَحْمٍ أَخْرَجَتْ مِثْلَهَا مِنَ الدَّاءِ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُوقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

مَنْ أَكَلَ لُقْمَةَ شَحْمٍ أَخْرَجَتْ مِثْلَهَا مِنَ الدَّاءِ.

٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ بَلَغَ بِهِ زُرَارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! الشَّحْمَةُ الَّتِي تُخْرِجُ مِثْلَهَا مِنَ الدَّاءِ، أَيُّ شَحْمَةٍ هِيَ؟

---

۳ ـ اسماعیل بن ابی زیاد گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

شیر گاو دارو است و روغن گاو شفا از بیماری و گوشت آن بیماری است.

۴ ـ موسی بن بکر گوید: از امام کاظم عليه‌السلام شنیدم که می‌فرمود:

گوشت، گوشت می‌رویاند و هر کس لقمه‌ای پیه در شکمش داخل کند آن لقمه به اندازه خود بیماری‌ها را خارج می‌کند.

۵ ـ محمّد بن سوقه این حدیث را از امام صادق عليه‌السلام نقل می‌کند.

۶ ـ زراره گوید: به امام صادق عليه‌السلام عرض کردم: فدایت گردم! آن پیه‌ای که به اندازه خود، بیماری‌ها را بیرون می‌کند کدام است؟

قَالَ: هِيَ شَحْمَةُ الْبَقَرِ. وَ مَا سَأَلَنِي يَا زُرَارَةُ عَنْهَا أَحَدٌ قَبْلَكَ!

۷ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ مُسَاوِرٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ:

السَّوِيقُ وَ مَرَقُ لَحْمِ الْبَقَرِ يَذْهَبَانِ بِالْوَضَحِ.

(۵۹)

بَابُ لُحُومِ الْجَزُورِ وَ الْبُخْتِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام أَسْأَلُهُ عَنْ لُحُومِ الْبُخْتِ وَ أَلْبَانِهِنَّ.

فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ.

فرمود: آن پیه گاو است، ای زراره! پیش از تو هیچ کس در این خصوص از من نپرسیده بود.

۷ ـ یحیی بن مساور گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

قاووت و خورش گوشت گاو، بیماری برص را از بین می‌برد.

بخش پنجاه و نهم

گوشت شتر و شتر خراسانی

۱ ـ داوود رقّی گوید: نامه‌ای به امام کاظم عليه السلام نوشتم و از آن حضرت دربارهٔ گوشت و شیر شتر خراسانی پرسیدم.

فرمود: ایرادی ندارد.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام:

جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنَّ رَجُلاً مِنْ أَصْحَابِ أَبِي الْخَطَّابِ نَهَى عَنْ أَكْلِ الْبُخْتِ وَ عَنْ أَكْلِ لُحُومِ الْحَمَامِ الْمُسَرْوَلَةِ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

لَا بَأْسَ بِرُكُوبِ الْبُخْتِ وَ شُرْبِ أَلْبَانِهِنَّ وَ أَكْلِ لُحُومِ الْحَمَامِ الْمُسَرْوَلِ.

(٦٠)
بَابُ لُحُومِ الطَّيْرِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

الْإِوَزُّ جَامُوسُ الطَّيْرِ وَ الدَّجَاجُ خِنْزِيرُ الطَّيْرِ وَ الدُّرَّاجُ حَبَشُ الطَّيْرِ؛ وَ أَيْنَ أَنْتَ عَنْ فَرْخَيْنِ نَاهِضَيْنِ رَبَّتْهُمَا امْرَأَةٌ مِنْ رَبِيعَةَ بِفَضْلِ قُوتِهَا؟!

---

۲ ـ داوود رقی گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: فدایت شوم! یکی از یاران ابو خطاب از خوردن گوشت شتر خراسانی وگوشت کبوتر پا پر نهی نمود.

فرمود: سوار شدن بر شتر خراسانی ونوشیدن شیر آن وخوردن گوشت کبوتر پا پر ایرادی ندارد.

بخش شصتم
گوشت پرندگان

۱ ـ عمرو بن عثمان در روایت مرفوعه‌ای گوید: امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود:

مرغابی، گاومیش پرندگان است ومرغ، خوک پرندگان است ومرغ درّاج، بوقلمون پرندگان است. تو چرا از دو جوجه‌ای که بال درآورده‌اند که زنی از قبیله ربیعه آنان را با زیادی غذایش پرورش داده، غافل هستی؟

۲ ـ عَنْهُ عَنِ السَّيَّارِيِّ رَفَعَهُ قَالَ: إِنَّهُ ذُكِرَتِ اللُّحْمَانُ بَيْنَ يَدَيْ عُمَرَ، فَقَالَ عُمَرُ: إِنَّ أَطْيَبَ اللُّحْمَانِ لَحْمُ الدَّجَاجِ.

فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام: كَلَّا، إِنَّ ذَلِكَ خَنَازِيرُ الطَّيْرِ وَ إِنَّ أَطْيَبَ اللُّحْمَانِ لَحْمُ فَرْخٍ قَدْ نَهَضَ أَوْ كَادَ أَنْ يَنْهَضَ.

۳ ـ السَّيَّارِيُّ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَقِلَّ غَيْظُهُ فَلْيَأْكُلْ لَحْمَ الدُّرَّاجِ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ سُلَيْمَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه‌السلام قَالَ:

أَطْعِمُوا الْمَحْمُومَ لَحْمَ الْقِبَاجِ؛ فَإِنَّهُ يُقَوِّي السَّاقَيْنِ وَ يَطْرُدُ الْحُمَّى طَرْداً.

۵ ـ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ قَالَ: تَغَدَّيْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام فَأَتَى بِقَطَاةٍ. فَقَالَ:

---

۲ ـ سیّاری در روایت مرفوعه‌ای گوید: نزد عمر سخن از انواع گوشت شد.

عمر گفت: پاکیزه‌ترین گوشت، گوشت مرغ است.

امیرمؤمنان علی عليه‌السلام فرمود: هرگز! همانا مرغ، خوک پرندگان است. به راستی که پاکیزه‌ترین گوشت، گوشت جوجه‌ای است که بال درآورده و یا نزدیک است که بال درآورد.

۳ ـ راوی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر کس دوست دارد که خشم او خاموش شود باید گوشت درّاج بخورد.

۴ ـ محمّد بن حکیم گوید: امام کاظم عليه‌السلام فرمود:

به بیمار تب دار گوشت کبک بخورانید؛ زیرا ساق‌ها را نیرومند وبه طور کامل تب را دور می‌کند.

۵ ـ علی بن مهزیار گوید: خدمت امام جواد عليه‌السلام صبحانه خوردم. پس مرغ سنگخوار آورد و فرمود:

إِنَّهُ مُبَارَكٌ! وَ كَانَ أَبِي عليه السلام يُعْجِبُهُ وَ كَانَ يَأْمُرُ أَنْ يُطْعَمَ صَاحِبُ الْيَرَقَانِ يُشْوَى لَهُ؛ فَإِنَّهُ يَنْفَعُهُ.

٦ـ عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ مَرْوَكِ بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ نَشِيطِ بْنِ صَالِحٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ عليه السلام يَقُولُ:

لَا أَرَى بِأَكْلِ الْحُبَارَى بَأْساً وَ إِنَّهُ جَيِّدٌ لِلْبَوَاسِيرِ وَ وَجَعِ الظَّهْرِ، وَ هُوَ مِمَّا يُعِينُ عَلَى كَثْرَةِ الْجِمَاعِ.

(٦١)
بَابُ لُحُومِ الظِّبَاءِ وَ الْحُمُرِ الْوَحْشِيَّةِ

١ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ نَصْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام أَسْأَلُهُ عَنْ لُحُومِ حُمُرِ الْوَحْشِ.

فَكَتَبَ عليه السلام: يَجُوزُ أَكْلُهُ لِوَحْشَتِهِ وَ تَرْكُهُ عِنْدِي أَفْضَلُ.

این مبارک است. پدرم به آن علاقه داشت ودستور می‌داد که آن را برای بیمار یرقان سرخ کنند وبه او بخورانند؛ زیرا برایش فایده دارد.

۶ـ نشیط بن صالح گوید: از امام کاظم عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

من ایرادی به خوردن پرنده حُبارا نمی‌بینم وگوشت آن برای بواسیر وکمر درد خوب است وآن از چیزهایی است که بر فراوانی آمیزش یاری می‌کند.

بخش شصت و یکم
گوشت آهو وگور خر

۱ـ نصر بن محمّد گوید: نامه‌ای به امام کاظم عليه السلام نوشتم واز حضرتش دربارهٔ گوشت گورخر پرسیدم.

حضرتش نوشت: خوردن گوشت آن به دلیل وحشی بودنش جایز است وبه نظر من خودداری از خوردن آن بهتر است.

(٦٢)

بَابُ لُحُومِ الْجَوَامِيسِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ التَّيْمِيِّ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ جُنْدَبٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه‌السلام يَقُولُ:

لَا بَأْسَ بِأَكْلِ لُحُومِ الْجَوَامِيسِ وَ شُرْبِ أَلْبَانِهَا وَ أَكْلِ سُمُونِهَا.

٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ جُنْدَبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه‌السلام عَنْ لُحُومِ الْجَوَامِيسِ وَ أَلْبَانِهَا.

فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِهِمَا.

بخش شصت و دوم

گوشت گاو میش

١ ـ عبدالله بن جندب گوید: از امام کاظم عليه‌السلام شنیدم که می‌فرمود:

تناول گوشت گاومیش و آشامیدن شیر آن و خوردن روغن آن، مانعی ندارد.

٢ ـ عبدالله بن جندب گوید: از امام کاظم عليه‌السلام دربارهٔ گوشت گاومیش و شیر آن پرسیدم.

فرمود: ایرادی ندارند.

(۶۳)

بَابُ كَرَاهِيَةِ أَكْلِ لَحْمِ الْغَرِيضِ يُعْنَى النِّيءُ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام :

أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله نَهَى أَنْ يُؤْكَلَ اللَّحْمُ غَرِيضاً وَ قَالَ: إِنَّمَا تَأْكُلُهُ السِّبَاعُ، وَ لَكِنْ حَتَّى تُغَيِّرَهُ الشَّمْسُ أَوِ النَّارُ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام عَنْ أَكْلِ لَحْمِ النِّيءِ.

فَقَالَ: هَذَا طَعَامُ السِّبَاعِ.

بخش شصت و سوم

کراهت خوردن گوشت ناپخته

۱ ـ زراره گوید: امام باقر عليه‌السلام فرمود: به راستی که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله از خوردن گوشت ناپخته منع کرد وفرمود: گوشت ناپخته خوراک درندگان است، ولی اگر با تابش خورشید و یا با حرارت آتش کباب شود، کافی است.

۲ ـ هشام بن سالم گوید: از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: خوردن گوشت ناپخته چه صورت دارد؟

فرمود: گوشت ناپخته خوراک درندگان است.

(٦٤)

بَابُ الْقَدِيدِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ عَطِيَّةَ أَخِي أَبِي الْمَغْرَاءِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: إِنَّ أَصْحَابَ الْمُغِيرَةِ يَنْهَوْنَ عَنْ أَكْلِ الْقَدِيدِ الَّتِي لَمْ تَمَسَّهُ النَّارُ.

فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِأَكْلِهِ.

٢ ـ عَنْهُ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: إِنَّ اللَّحْمَ يُقَدَّدُ وَ يُذَرُّ عَلَيْهِ الْمِلْحُ وَ يُجَفَّفُ فِي الظِّلِّ.

فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِأَكْلِهِ؛ لِأَنَّ الْمِلْحَ قَدْ غَيَّرَهُ.

٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُوسَى بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ عليه السلام قَالَ: كَانَ يَقُولُ:

بخش شصت و چهارم

گوشت «قدید» [1]

١ ـ عطیه، برادر ابو مغرا گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: یاران مغیره از خوردن گوشت قدید ـ که با آتش پخته نشده ـ نهی می‌کنند.

فرمود: خوردن آن ایرادی ندارد.

٢ ـ راوی گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: گوشت را پهن می‌کنند و بر آن نمک می‌پاشند و در سایه خشکش می‌کنند (خوردن آن چه صورت دارد؟)

فرمود: خوردن آن ایرادی ندارد؛ زیرا نمک، آن را تغییر داده است.

٣ ـ محمّد بن عیسی گوید: امام هادی عليه السلام فرمود:

---

١ ـ گوشتی که روی سنگ پهن می‌شود و خشک می‌گردد.

مَا أَكَلْتُ طَعَاماً أَبْقَى وَ لَا أَهْيَجَ لِلدَّاءِ مِنَ اللَّحْمِ الْيَابِسِ، يَعْنِي الْقَدِيدَ.

٤ ـ عَنْهُ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ:

الْقَدِيدُ لَحْمُ سَوْءٍ؛ لِأَنَّهُ يَسْتَرْخِي فِي الْمَعِدَةِ وَ يُهَيِّجُ كُلَّ دَاءٍ وَ لَا يَنْفَعُ مِنْ شَيْءٍ بَلْ يَضُرُّهُ.

٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

شَيْئَانِ صَالِحَانِ لَمْ يَدْخُلَا جَوْفَ وَاحِدٍ قَطُّ فَاسِداً إِلَّا أَصْلَحَاهُ، وَ شَيْئَانِ فَاسِدَانِ لَمْ يَدْخُلَا جَوْفاً قَطُّ صَالِحاً إِلَّا أَفْسَدَاهُ؛ فَالصَّالِحَانِ الرُّمَّانُ وَ الْمَاءُ الْفَاتِرُ، وَ الْفَاسِدَانِ الْجُبُنُّ وَ الْقَدِيدُ.

٦ ـ قَالَ: وَ رُوِيَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

ثَلَاثَةٌ يَهْدِمْنَ الْبَدَنَ وَ رُبَّمَا قَتَلْنَ: أَكْلُ الْقَدِيدِ الْغَابِّ وَ دُخُولُ الْحَمَّامِ عَلَى الْبِطْنَةِ وَ نِكَاحُ الْعَجَائِزِ.

هیچ غذایی همانند گوشت خشک نخوردم که بیماری را ماندگارتر و آن را تهییج کند.

۴ ـ محمّد بن عیسی گوید: امام هادی عليه السلام همواره می‌فرمود:

گوشت قدید، گوشت بدی است؛ زیرا در معده شل و نرم می‌شود و همه بیماری‌ها را تحریک می‌کند و برای هیچ چیزی سودمند نیست، بلکه به همه چیزها مضرّ است.

۵ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

دو چیز برای بدن سودمند هستند که هرگز داخل شکم بیمار نمی‌شوند مگر آن که آن را بهبود می‌کنند و دو چیز فاسد هستند که هیچ گاه داخل شکم سالم نمی‌شوند مگر آن که آن را فاسد می‌کنند؛ آن دو چیز سودمند: انار و آب نیم گرم و آن دو چیز فاسد: پنیر و گوشت قدید هستند.

۶ ـ در روایتی آمده است: امام صادق عليه السلام فرمود:

سه چیزند که بدن را نابود می‌کنند و چه بسا باعث مرگ انسان می‌شوند: گوشت قدید فاسد، داخل شدن به حمام در حالت پُر بودن شکم و آمیزش با پیر زنان.

قَالَ: وَ زَادَ فِيهِ أَبُو إِسْحَاقَ النَّهَاوَنْدِيُّ: وَ غِشْيَانُ النِّسَاءِ عَلَى الِامْتِلَاءِ.

۷ـ عَنْهُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

ثَلَاثٌ لَا يُؤْكَلْنَ وَ هُنَّ يُسْمِنَّ، وَ ثَلَاثٌ يُؤْكَلْنَ وَ هُنَّ يَهْزِلْنَ وَ اثْنَانِ يَنْفَعَانِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَا يَضُرَّانِ مِنْ شَيْءٍ، وَ اثْنَانِ يَضُرَّانِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ؛ وَ لَا يَنْفَعَانِ مِنْ شَيْءٍ.

فَأَمَّا اللَّوَاتِي لَا يُؤْكَلْنَ وَ يُسْمِنَّ: اسْتِشْعَارُ الْكَتَّانِ وَ الطِّيبُ وَ النُّورَةُ، وَ أَمَّا اللَّوَاتِي يُؤْكَلْنَ وَ يَهْزِلْنَ فَهُوَ: اللَّحْمُ الْيَابِسُ وَ الْجُبُنُّ وَ الطَّلْعُ وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ: الْجَرَزُ وَ الْكُسْبُ ـ وَ اللَّذَانِ يَنْفَعَانِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَا يَضُرَّانِ مِنْ شَيْءٍ: فَالْمَاءُ الْفَاتِرُ وَ الرُّمَّانُ، وَ اللَّذَانِ يَضُرَّانِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَا يَنْفَعَانِ مِنْ شَيْءٍ: فَاللَّحْمُ الْيَابِسُ وَ الْجُبُنُّ.

ابو اسحاق نهاوندی می‌افزاید: هم چنین امام عليه السلام فرمود: و آمیزش با زنان با شکم پُر.

۷ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

سه چیزند که خوردنی نیستند و باعث چاقی می‌شوند، سه چیزند که خوردنی هستند و باعث لاغری‌اند و دو چیزند که برای همه چیز سودمند هستند و به هیچ چیز ضرر نمی‌زنند و دو چیزند به همه چیز ضرر می‌زنند و برای هیچ چیزی فایده ندارند.

اما چیزهایی که خوردنی نیستند و چاق می‌کنند عبارتند از: پوشیدن کتان، عطر زدن و نوره کشیدن.

چیزهایی که خورده می‌شوند و لاغر می‌کنند عبارتند از: گوشت خشک، پنیر و شکوفهٔ خرما.

در حدیثی دیگر آمده: گردو و عصاره روغن.

آن دو چیزی که برای همه چیز فایده دارند و به هیچ چیز ضرر نمی‌زنند، عبارتند از: آب نیم گرم و انار.

و آن دو چیزی که برای همه چیز مضرند و هیچ سودی ندارند عبارتند از: گوشت خشک و پنیر.

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! ثَمَّ قُلْتَ يَهْزِلْنَ وَ قُلْتَ هَاهُنَا يَضُرَّانِ!
فَقَالَ: أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ الْهُزَالَ مِنَ الْمَضَرَّةِ؟!

(٦٥)
بَابُ فَضْلِ الذِّرَاعِ عَلَى سَائِرِ الْأَعْضَاءِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الرَّيَّانِ رَفَعَهُ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام: لِمَ كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله يُحِبُّ الذِّرَاعَ أَكْثَرَ مِنْ حُبِّهِ لِسَائِرِ أَعْضَاءِ الشَّاةِ؟

فَقَالَ عليه السلام: لِأَنَّ آدَمَ عليه السلام قَرَّبَ قُرْبَاناً عَنِ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ، فَسَمَّى لِكُلِّ نَبِيٍّ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ عُضْواً عُضْواً وَ سَمَّى لِرَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله الذِّرَاعَ؛ فَمِنْ ثَمَّ كَانَ صلى الله عليه وآله يُحِبُّهَا وَيَشْتَهِيهَا وَ يُفَضِّلُهَا.

عرض کردم: قربانت گردم! آن جا فرمودید: «آنها لاغر می‌کنند» و این جا فرمودید: «ضرر می‌زنند».

فرمود: مگر نمی‌دانی که لاغری از ضرر و آسیب است؟!

بخش شصت و پنجم
برتری گوشت سردست بر گوشت دیگر اعضا

۱ ـ علی بن ریان در روایت مرفوعه‌ای گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: چرا پیامبر خدا صلى الله عليه وآله سر دست را بیشتر از اعضای دیگر گوسفند دوست می‌داشت؟

فرمود: زیرا آدم عليه السلام از جانب پیامبرانی که در ذریّه‌اش بودند گوسفندی قربانی نمود وبرای هر پیامبری از نسل خود عضوی را نام برد وبرای پیامبر خدا صلى الله عليه وآله سردست را نام برد. به همین دلیل پیامبر صلى الله عليه وآله آن را دوست می‌داشت وبه آن علاقه داشت وآن را بر دیگر اعضا برتری می‌داد.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله يُعْجِبُهُ الذِّرَاعُ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

سَمَّتِ الْيَهُودِيَّةُ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله فِي ذِرَاعٍ؛ وَ كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله يُحِبُّ الذِّرَاعَ وَ الْكَتِفَ، وَيَكْرَهُ الْوَرِكَ لِقُرْبِهَا مِنَ الْمَبَالِ.

(٦٦)
بَابُ الطَّبِيخِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

---

۲ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله از گوشت سردست، اظهار شگفتی می‌نمود و آن را دوست می‌داشت.

۳ ـ ابن قدّاح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

زن یهودی در گوشت سر دست به پیامبر صلى الله عليه وآله زهر خورانید و پیامبر صلى الله عليه وآله همواره گوشت سر دست وکتف را دوست می‌داشت وران را به خاطر نزدیک بودنش به جای ادرار گوسفند مکروه می‌داشت.

بخش شصت و ششم
غذای پخته شده

۱ ـ هشام بن سالم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اللَّحْمُ بِاللَّبَنِ مَرَقُ الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

إِذَا ضَعُفَ الْمُسْلِمُ فَلْيَأْكُلِ اللَّحْمَ بِاللَّبَنِ.

۳ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ زِيَادِ بْنِ أَبِي الْحَلَّالِ قَالَ:

تَعَشَّيْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام بِلَحْمٍ بِلَبَنٍ فَقَالَ: هَذَا مَرَقُ الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عُبَيْدِ اللهِ بْنِ عَبْدِاللهِ الدِّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتَ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

شَكَا نَبِيٌّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ إِلَى اللهِ عزّوجلّ الضَّعْفَ.

فَقِيلَ لَهُ: اطْبُخِ اللَّحْمَ بِاللَّبَنِ؛ فَإِنَّهُمَا يَشُدَّانِ الْجِسْمَ.

قَالَ: فَقُلْتُ: هِيَ الْمَضِيرَةُ؟

گوشت پخته شده با شیر خورش پیامبران عليهم السلام است.

۲ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود:

هرگاه مسلمانی ناتوان شود باید گوشت با شیر بخورد.

۳ ـ زیاد بن ابی حلّال گوید: با امام صادق عليه السلام هنگام شام، گوشت با شیر خوردم، حضرتش فرمود: این خورش پیامبران عليهم السلام است.

۴ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

یکی از پیامبران عليه السلام از ناتوانی بدن به خداوند متعال شکایت نمود.

به او وحی شد: گوشت را با شیر بپز؛ چرا که بدن را نیرومند می‌کند.

عبدالله گوید: عرض کردم: آن همان «مضیره» [1] است؟

---

۱ ـ آشی که با شیر ترش تهیّه می‌شود.

قَالَ: لَا، وَ لَكِنِ اللَّحْمُ بِاللَّبَنِ الْحَلِيبِ.

٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: إِنَّ أَحَبَّ الطَّعَامِ كَانَ إِلَى رَسُولِ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله النَّارْ بَاجَةُ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ الْوَلِيدِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: أَرْسَلْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ علیه‌السلام بِقُدَيْرَةٍ فِيهَا نَارْبَاجُ؛ فَأَكَلَ مِنْهَا وَ قَالَ: احْبِسُوا بَقِيَّتَهَا عَلَيَّ.

فَأُتِيَ بِهَا مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثاً. ثُمَّ إِنَّ الْغُلَامَ صَبَّ فِيهَا مَاءً فَأَتَاهُ بِهَا فَقَالَ لَهُ: وَيْحَكَ أَفْسَدْتَهَا عَلَيَّ.

٧ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: كَانَ أَبُو عَبْدِاللهِ علیه‌السلام تُعْجِبُهُ الزَّبِيبِيَّةُ.

٨ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ علیه‌السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه‌السلام:

الْأَلْوَانُ يُعَظِّمْنَ الْبَطْنَ وَ يُخَدِّرْنَ الْأَلْيَتَيْنِ.

فرمود: نه، بلکه گوشتی که با شیر تازه پخته می‌شود.

۵ ـ یونس بن یعقوب گوید: محبوب‌ترین غذا نزد پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آش انار بود.

۶ ـ یونس بن یعقوب گوید: دیگ کوچکی برای امام صادق علیه‌السلام فرستادم که در آن آش انار بود، حضرتش علیه‌السلام از آن میل نمود وفرمود: بقیه آن را برایم نگه دارید.

این غذا را دو و یا سه مرتبه برای حضرتش آوردند. سپس خدمتکار حضرت در آن آب ریخت وآن را نزد حضرتش آورد. آن بزرگوار به او فرمود: وای بر تو! آن را برای من فاسد نمودی.

۷ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق علیه‌السلام همواره خورش مویز را دوست می‌داشت.

۸ ـ سکونی گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی علیه‌السلام فرمود: خوردن غذاهای رنگارنگ، شکم را فربه می‌کند وباسن را سست می‌سازد.

(۶۷)

بَابُ الثَّرِيدِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ رُشَيْدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: أَكَلْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَأُتِيَ بِلَوْنٍ فَقَالَ:

كُلْ مِنْ هَذَا؛ فَأَمَّا أَنَا، فَمَا شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ الثَّرِيدِ. وَ لَوَدِدْتُ أَنَّ الْإِسْفَانَاجَاتِ حُرِّمَتْ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله:

أَوَّلُ مَنْ لَوَّنَ إِبْرَاهِيمُ عليه السلام وَ أَوَّلُ مَنْ هَشَمَ الثَّرِيدَ هَاشِمٌ عليه السلام.

بخش شصت و هفتم

ترید

۱ ـ مفضّل بن عمر گوید: در حضور امام صادق عليه السلام غذا می‌خوردم که غذایی آوردند حضرت فرمود:

از این غذا بخور؛ هیچ چیز نزد من از ترید محبوب‌تر نیست ودوست داشتم که اسفناج‌ها [1] حرام می‌شدند.

۲ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: نخستین کسی که غذاها را رنگارنگ ساخت، ابراهیم عليه السلام بود و اولین کسی که ترید را خُرد نمود، هاشم عليه السلام بود.

---

۱ ـ خورش سفید بی‌ترشی است.

٣ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صلى‌الله‌عليه‌وآله:

اللَّهُمَّ بَارِكْ لِأُمَّتِي فِي الثَّرْدِ وَ الثَّرِيدِ.

قَالَ جَعْفَرٌ: الثَّرْدُ مَا صَغُرَ وَ الثَّرِيدُ مَا كَبُرَ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

الثَّرِيدُ طَعَامُ الْعَرَبِ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ مُحْرِزٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام:

عَلَيْكَ بِالثَّرِيدِ؛ فَإِنِّي لَمْ أَجِدْ شَيْئاً أَوْفَقَ مِنْهُ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ زَيْدٍ الشَّحَّامِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام وَ هُوَ يَأْكُلُ سِكْبَاجاً بِلَحْمِ الْبَقَرِ.

---

۳ ـ ابن قدّاح گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خداوندا! برای امتم در «ثرد» و «ثرید» برکت قرار ده.

جعفر (یکی از راویان حدیث) گوید: ثرد، ترید کوچک است و ثرید، ترید بزرگ.

۴ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

ترید غذای عرب‌ها است.

۵ ـ سلمة بن محرز گوید: امام صادق عليه‌السلام به من فرمود:

بر تو باد ترید؛ زیرا که من چیزی موافق‌تر از آن نیافته‌ام.

۶ ـ ابو اسامه زید شحّام گوید: خدمت آقایم امام صادق عليه‌السلام شرف‌یاب شدم در حالی آن حضرت خورش سرکه همراه گوشت گاو تناول می‌فرمود.

۷ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ قَالَ:
كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام فَدَعَا بِالْمَائِدَةِ، فَأُتِيَ بِثَرِيدٍ وَ لَحْمٍ وَ دَعَا بِزَيْتٍ وَ صَبَّهُ عَلَى اللَّحْمِ فَأَكَلْتُ مَعَهُ.

۸ ـ وَ رَوَاهُ زُرَارَةُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صلى‌الله‌عليه‌وآله:
الثَّرِيدُ بَرَكَةٌ.

۹ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام:
لَا تَأْكُلُوا مِنْ رَأْسِ الثَّرِيدِ وَ كُلُوا مِنْ جَوَانِبِهِ؛ فَإِنَّ الْبَرَكَةَ فِي رَأْسِهِ.

۱۰ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أُمَيَّةَ بْنِ عَمْرٍو عَنِ الشَّعِيرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:
أَطْفِئُوا نَائِرَةَ الضَّغَائِنِ بِاللَّحْمِ وَ الثَّرِيدِ.

---

۷ ـ اسماعیل بن جابرگوید: خدمت امام صادق عليه‌السلام بودم، حضرت خواست که سفره آورند، آنگاه ترید وگوشت آوردند، حضرتش درخواست روغن زیتون نمود وآن را روی گوشت ریخت، پس من همراه آن حضرت غذا خوردم.

۸ ـ زراره از یکی از یارانش روایت مرفوعه‌ای را نقل کرده است که پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:
ترید برکت است.

۹ ـ غیاث بن ابراهیم گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:
امیرمؤمنان علی عليه‌السلام فرمود: از روی ترید نخورید؛ بلکه از اطراف آن بخورید، زیرا برکت در روی آن قرار دارد.

۱۰ ـ شعیری گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:
آتش کینه‌ها را با گوشت و ترید خاموش کنید.

(٦٨)
بَابُ الشِّوَاءِ وَ الْكَبَابِ وَ الرُّءُوسِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مِهْزَمٍ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ:

دَخَلْتُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ بَيْنَ يَدَيْهِ شِوَاءٌ، فَقَالَ لِي: ادْنُ فَكُلْ.

فَقُلْتُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! هَذَا لِي ضَارٌّ.

فَقَالَ لِي: ادْنُ أُعَلِّمْكَ كَلِمَاتٍ لَا يَضُرُّكَ مَعَهُنَّ شَيْءٌ مِمَّا تَخَافُ. قُلْ:

«بِسْمِ اللهِ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ مِلْءَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ الرَّحْمَانِ الرَّحِيمِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ وَ لَا دَاءٌ»؛ تَغَدَّ مَعَنَا.

بخش شصت و هشتم
گوشت بریان، کباب و کله

۱ ـ اصبغ بن نباته گوید: خدمت امیرمؤمنان علی عليه السلام شرف‌یاب شدم در برابر آن حضرت گوشت بریانی قرار داشت، پس به من فرمود: نزدیک بیا و بخور.

عرض کردم: ای امیرمؤمنان! این غذا برای من ضرر دارد.

حضرت به من فرمود: نزدیک بیا تا کلماتی به تو بیاموزم که با آنها هیچ چیز که از آن بیمناکی، به تو ضرر نمی‌زنند. بگو «**بِسْمِ اللهِ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ مِلْءَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ الرَّحْمَانِ الرَّحِيمِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ وَ لَا دَاءٌ**» با ما صبحانه بخور.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ قَالَ: اشْتَكَيْتُ بِالْمَدِينَةِ شَكَاةً ضَعُفْتُ مَعَهَا. فَأَتَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام. فَقَالَ لِي: أَرَاكَ ضَعِيفاً؟!

قُلْتُ: نَعَمْ.

فَقَالَ لِي: كُلِ الْكَبَابَ.

فَأَكَلْتُهُ فَبَرَأْتُ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ قَالَ:

قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ ـ يَعْنِي الْأَوَّلَ ـ عليه السلام: مَا لِي أَرَاكَ مُصْفَرّاً؟!

فَقُلْتُ لَهُ: وَعَكٌ أَصَابَنِي.

فَقَالَ لِي: كُلِ اللَّحْمَ.

فَأَكَلْتُهُ، ثُمَّ رَآنِي بَعْدَ جُمْعَةٍ وَ أَنَا عَلَى حَالِي مُصْفَرّاً، فَقَالَ لِي:

---

۲ ـ موسی بن بکر گوید: در مدینه بیمار شدم که در اثر آن ناتوان شدم، پس خدمت امام کاظم عليه السلام شرف‌یاب شدم، امام به من فرمود: تو را ضعیف و ناتوان می‌بینم؟

گفتم: آری.

فرمود: کباب بخور.

من نیز کباب خوردم و خوب شدم.

۳ ـ موسی بن بکر گوید: امام کاظم عليه السلام به من فرمود: چرا رنگ چهرهٔ تو زرد شده است؟

گفتم: دچار تب شده‌ام.

فرمود: گوشت بخور.

من طبق دستور آقایم گوشت خوردم، بعد از یک هفته حضرتش مرا دید در حالی که من همان حالت زردی را داشتم.

أَ لَمْ آمُرْكَ بِأَكْلِ اللَّحْمِ؟!
قُلْتُ: مَا أَكَلْتُ غَيْرَهُ مُنْذُ أَمَرْتَنِي.
فَقَالَ: وَ كَيْفَ تَأْكُلُهُ؟
قُلْتُ: طَبِيخاً.
فَقَالَ: لَا، كُلْهُ كَبَاباً.
فَأَكَلْتُهُ، ثُمَّ أَرْسَلَ إِلَيَّ فَدَعَانِي بَعْدَ جُمْعَةٍ وَ إِذَا الدَّمُ قَدْ عَادَ فِي وَجْهِي، فَقَالَ لِي: الْآنَ نَعَمْ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الشَّامِيِّ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ حَنْظَلَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ:
أَكْلُ الْكَبَابِ يَذْهَبُ بِالْحُمَّى.

٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الرَّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ عُبَيْدِ اللهِ بْنِ عَبْدِاللهِ الْوَاسِطِيِّ عَنْ وَاصِلِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ دُرُسْتَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: ذَكَرْنَا الرُّءُوسَ مِنَ الشَّاةِ، فَقَالَ:

به من فرمود: مگر تو را به خوردن گوشت دستور ندادم؟
گفتم: از هنگامی که به من امر فرمودید فقط گوشت خوردم.
فرمود: چگونه آن را می‌خوری؟
گفتم: به صورت پخته شده.
فرمود: نه؛ آن را به صورت کباب بخور.
من نیز چنین کردم، سپس بعد از هفته‌ای کسی را فرستاد و مرا خواست و در آن هنگام خون به صورتم بازگشته بود. به من فرمود: اکنون خوب شد.

۴ ـ حسین بن حنظله گوید: امام (باقر و یا امام صادق علیهما السلام) فرمود:
خوردن کباب تب را از بین می‌برد.

۵ ـ دُرُست گوید: دربارهٔ کله گوسفند سخن به میان آمد، امام صادق علیه السلام فرمود:

الرَّأْسُ مَوْضِعُ الذَّكَاةِ وَ أَقْرَبُ مِنَ الْمَرْعَى وَ أَبْعَدُ مِنَ الْأَذَى.

(۶۹)

بَابُ الْهَرِيسَةِ

۱ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بِسْطَامَ بْنِ مُرَّةَ الْفَارِسِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَانِ بْنُ يَزِيدَ الْفَارِسِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

عَلَيْكُمْ بِالْهَرِيسَةِ! فَإِنَّهَا تُنْشِطُ لِلْعِبَادَةِ أَرْبَعِينَ يَوْماً. وَ هِيَ مِنَ الْمَائِدَةِ الَّتِي أُنْزِلَتْ عَلَى رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه وآله.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الدِّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتَ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ نَبِيّاً مِنَ الْأَنْبِيَاءِ شَكَا إِلَى اللهِ عزّوجلّ الضَّعْفَ وَ قِلَّةَ الْجِمَاعِ؛ فَأَمَرَهُ بِأَكْلِ الْهَرِيسَةِ.

کله جای تذکیه، و به چراگاه نزدیک و از پلیدی دور است.

بخش شصت و نهم

حلیم

۱ ـ صالح بن رزین گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود: بر شما باد به حلیم! زیرا حلیم تا چهل روز برای عبادت نشاط می‌آورد و آن از غذاهای سفره‌ای است که بر پیامبر خدا صلی الله علیه وآله نازل شد.

۲ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

یکی از پیامبران از ضعف بدن وکمبود نیروی آمیزش به پروردگارش گلایه نمود. خداوند او را به خوردن حلیم فرمان داد.

۳ ـ وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله شَكَا إِلَى رَبِّهِ عزوجل وَجَعَ الظَّهْرِ؛ فَأَمَرَهُ بِأَكْلِ الْحَبِّ بِاللَّحْمِ، يَعْنِي الْهَرِيسَةَ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مَنْصُورٍ الصَّيْقَلِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَهْدَى إِلَى رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله هَرِيسَةً مِنْ هَرَائِسِ الْجَنَّةِ، غُرِسَتْ فِي رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَ فَرَكَهَا الْحُورُ الْعِينُ؛ فَأَكَلَهَا رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله فَزَادَ فِي قُوَّتِهِ بُضْعَ أَرْبَعِينَ رَجُلاً وَ ذَلِكَ شَيْءٌ أَرَادَ اللهُ عزوجل أَنْ يَسُرَّ بِهِ نَبِيَّهُ مُحَمَّداً صلى الله عليه وآله.

(۷۰)

بَابُ الْمُثَلَّثَةِ وَ الْإِحْسَاءِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلَادِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

---

۳ ـ در حدیث مرفوعهٔ دیگر امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله از درد کمر به خداوند متعال شکایت کرد؛ پس خداوند او را به خوردن دانه با گوشت ـ یعنی حلیم ـ دستور داد.

۴ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

خداوند تبارک و تعالی به پیامبر خدا صلى الله عليه وآله حلیمی از حلیم‌های بهشتی هدیه داد که دانه‌های آن در باغ‌های بهشت کاشته شده بود و حوریان بهشتی آن را خلال کرده بودند. پس پیامبر خدا صلى الله عليه وآله آن را تناول نمود، پس نیروی آن حضرت به اندازه نیروی جنسی چهل مرد افزایش یافت و آن چیزی بود که خداوند اراده نمود که پیامبرش محمد صلى الله عليه وآله را خوشحال سازد.

بخش هفتادم

غذای مثلثه و احساء

۱ ـ ولید بن صبیح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

أَيَّ شَيْءٍ تُطْعِمُ عِيَالَكَ فِي الشِّتَاءِ؟

قُلْتُ: اللَّحْمَ؛ فَإِذَا لَمْ يَكُنِ اللَّحْمُ فَالزَّيْتَ وَ السَّمْنَ.

قَالَ: فَمَا يَمْنَعُكَ عَنْ هَذَا الْكَرْكُورِ؟! فَإِنَّهُ أَمْرَأُ شَيْءٍ فِي الْجَسَدِ، يَعْنِي الْمُثَلَّثَةَ.

قَالَ: وَ أَخْبَرَنِي بَعْضُ أَصْحَابِنَا أَنَّ الْمُثَلَّثَةَ يُؤْخَذُ قَفِيزُ أَرُزٍّ وَ قَفِيزُ حِمَّصٍ وَ قَفِيزُ بَاقِلَّى أَوْ غَيْرِهِ مِنَ الْحُبُوبِ، ثُمَّ يُرَضُّ جَمِيعاً وَ يُطْبَخُ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ علیه السلام قَالَ:

إِنَّ التَّلْبِينَ يَجْلُو الْقَلْبَ الْحَزِينَ كَمَا تَجْلُو الْأَصَابِعُ الْعَرَقَ مِنَ الْجَبِينِ.

۳ ـ وَ رُوِيَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ علیه السلام قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: لَوْ أَغْنَى عَنِ الْمَوْتِ شَيْءٌ لَأَغْنَتِ التَّلْبِينَةُ.

فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللهِ! وَ مَا التَّلْبِينَةُ؟

در زمستان، چه چیزی به خانواده‌ات می‌خورانی؟

گفتم: گوشت، هرگاه گوشت نباشد، روغن زیتون و روغن.

فرمود: چه چیزی تو را از غذای «کرکور» ـ یعنی «سه تایی» ـ باز می‌دارد؟! زیرا آن گواراترین غذا در بدن است.

ولید گوید: یکی از یاران به من خبر داد که غذای «سه تایی» غذایی است که از یک پیمانه برنج، یک پیمانه نخود و یک پیمانه باقلا ـ و یا غیر باقلا از حبوبات دیگر ـ تهیه می‌شود که همگی را می‌کوبند و می‌پزند.

۲ ـ راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

غذای تلبین [1] قلب اندوهگین را از اندوه پاک می‌کند؛ همان طور که انگشتان، عرق را از پیشانی پاک می‌کنند.

۳ ـ راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر چیزی از مرگ کفایت می‌نمود، به طور قطع غذای تلبینه بود.

عرض شد: ای پیامبر! غذای تلبینه چیست؟

---

۱ ـ غذای تلبین آشی است که با سبوس، شیر و شکر تهیه می‌شود.

قَالَ: الْحَسْوُ بِاللَّبَنِ! الْحَسْوُ بِاللَّبَنِ! ـ وَ كَرَّرَهَا ثَلَاثاً ـ.

وَ رَوَاهُ سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُّونٍ عَنِ الْأَصَمِّ عَنْ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام مِثْلَهُ.

(۷۱)

بَابُ الْحَلْوَاءِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هَارُونَ بْنِ مُوَفَّقٍ الْمَدِينِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: بَعَثَ إِلَيَّ الْمَاضِي عليه‌السلام يَوْماً؛ فَأَكَلْتُ عِنْدَهُ وَ أَكْثَرَ مِنَ الْحَلْوَاءِ. فَقُلْتُ: مَا أَكْثَرَ هَذِهِ الْحَلْوَاءَ؟!

فَقَالَ عليه‌السلام: إِنَّا وَ شِيعَتَنَا خُلِقْنَا مِنَ الْحَلَاوَةِ؛ فَنَحْنُ نُحِبُّ الْحَلْوَاءَ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام قَالَ:

حضرت سه بار فرمود: «حسو»[1] با شیر.

نظیر این روایت را مسمع بن عبدالملک از امام صادق عليه‌السلام نقل نموده است.

بخش هفتاد و یکم

حلواء

۱ ـ هارون بن موفق مدینی گوید:

روزی امام هادی عليه‌السلام کسی را در پی من فرستاد، من خدمت آن حضرت شرف‌یاب شدم و غذا خوردم و حلوای فراوانی در آن جا بود، عرض کردم: چرا حلوا این قدر زیاد است؟

فرمود: ما و شیعیان ما از شیرینی آفریده شدیم، بنابراین حلوا را دوست داریم.

۲ ـ ابو بصیر گوید: امام باقر عليه‌السلام فرمود:

---

۱ ـ غذای پخته شدهٔ رقیق و مایعی است که با آرد، آب و روغن تهیه می‌شود.

مَنْ لَمْ يُرِدْ مِنَّا الْحَلْوَاءَ أَرَادَ الشَّرَابَ.

۳ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى قَالَ: أَكَلْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام يَوْماً؛ فَأُتِيَ بِدَجَاجَةٍ مَحْشُوَّةٍ خَبِيصاً؛ فَفَكَكْنَاهَا وَأَكَلْنَاهَا.

[ابْنُ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى قَالَ: أَكَلْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام ... مِثْلَ الْخَبَرِ الْأَوَّلِ.]

٤ـ ابْنُ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: كُنَّا بِالْمَدِينَةِ فَأَرْسَلَ إِلَيْنَا: اصْنَعُوا لَنَا فَالُوذَجَ وَ أَقِلُّوا.

فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهِ فِي قَصْعَةٍ صَغِيرَةٍ.

هر کس از ما اراده حلوا نکند، اراده شراب می‌کند.

۳ـ عبدالأعلی گوید: روزی با امام صادق عليه السلام غذا می‌خوردم، مرغ شکم پُری آوردند که درون آن پر از حلوا بود، ما آن را جدا کردیم و خوردیم.

۴ـ یونس بن یعقوب گوید: ما در مدینه بودیم امام صادق عليه السلام برای ما پیام فرستاد که برای ما اندکی فالوده‌ای بسازید.

پس ما آن را در کاسه کوچکی برای ایشان فرستادیم.

(۷۲)
بَابُ الطَّعَامِ الْحَارِّ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

أَقِرُّوا الْحَارَّ حَتَّى يَبْرُدَ؛ فَإِنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله قُرِّبَ إِلَيْهِ طَعَامٌ حَارٌّ فَقَالَ: أَقِرُّوهُ حَتَّى يَبْرُدَ. مَا كَانَ اللهُ عزّوجلّ لِيُطْعِمَنَا النَّارَ، وَ الْبَرَكَةُ فِي الْبَارِدِ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله أُتِيَ بِطَعَامٍ حَارٍّ جِدّاً فَقَالَ:

مَا كَانَ اللهُ عزّوجلّ لِيُطْعِمَنَا النَّارَ. أَقِرُّوهُ حَتَّى يَبْرُدَ وَ يُمْكِنَ؛ فَإِنَّهُ طَعَامٌ مَمْحُوقُ الْبَرَكَةِ وَ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيبٌ.

بخش هفتاد و دوم
غذای داغ

۱ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود: غذای داغ را بگذارید تا خنک شود؛ همانا غذای داغی خدمت پیامبرخدا صلى الله عليه وآله آوردند، پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: آن را بگذارید تا خنک شود، خداوند متعال نخواسته است که آتش به ما بخوراند و برکت در غذای خنک است.

۲ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

غذای بسیار داغی برای پیامبر صلى الله عليه وآله آوردند حضرت فرمود:

خداوند نخواسته است که آتش به ما بخوراند، آن را بگذارید تا خنک شود و بتوان آن را خورد؛ زیرا آن غذایی بی‌برکت است و در آن سهمی برای شیطان است.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

الطَّعَامُ الْحَارُّ غَيْرُ ذِي بَرَكَةٍ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

أُتِيَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله بِطَعَامٍ حَارٍّ فَقَالَ: إِنَّ اللهَ عزّ وجلّ لَمْ يُطْعِمْنَا النَّارَ. نَحُّوهُ حَتَّى يَبْرُدَ؛ فَتُرِكَ حَتَّى بَرَدَ.

٥ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ:

حَضَرْتُ عَشَاءَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فِي الصَّيْفِ؛ فَأُتِيَ بِخِوَانٍ عَلَيْهِ خُبْزٌ وَ أُتِيَ بِقَصْعَةِ ثَرِيدٍ وَ لَحْمٍ، فَقَالَ: هَلُمَّ إِلَيَّ هَذَا الطَّعَامَ.

فَدَنَوْتُ فَوَضَعَ يَدَهُ فِيهِ وَ رَفَعَهَا وَ هُوَ يَقُولُ:

---

۳ ـ محمّد بن حکیم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

غذای داغ بی‌برکت است.

۴ ـ ابن قدّاح گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: برای پیامبر صلی الله علیه وآله غذای داغی آوردند، حضرت فرمود: خداوند متعال به ما آتش نخورانده است، آن را دور کنید تا خنک شود. پس آن را واگذاشتند تا خنک شد.

۵ ـ سلیمان بن خالد گوید: در تابستان هنگام شام خدمت امام صادق علیه السلام حضور یافتم در این هنگام سفره غذا آوردند که بر آن نان بود و یک کاسه ترید وگوشت نیز آوردند.

فرمود: این غذا را نزد من بیاور! پس آن را نزد حضرت بردم، پس دستان خود را در آن نهاد و بالا برد در حالی که می‌فرمود:

أَسْتَجِيرُ بِاللهِ مِنَ النَّارِ. أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ النَّارِ. أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ النَّارِ. هَذَا مَا لَا نَصْبِرُ عَلَيْهِ، فَكَيْفَ النَّارُ؟! هَذَا مَا لَا نَقْوَى عَلَيْهِ، فَكَيْفَ النَّارُ؟! هَذَا مَا لَا نُطِيقُهُ، فَكَيْفَ النَّارُ؟!

قَالَ: وَ كَانَ عليه السلام يُكَرِّرُ ذَلِكَ حَتَّى أَمْكَنَ الطَّعَامُ فَأَكَلَ وَ أَكَلْنَا مَعَهُ.

(۷۳)

بَابُ نَهْكِ الْعِظَامِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْهَيْثَمِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:

صَنَعَ لَنَا أَبُو حَمْزَةَ طَعَاماً وَ نَحْنُ جَمَاعَةٌ؛ فَلَمَّا حَضَرْنَا رَأَى رَجُلاً يَنْهَكُ عَظْماً، فَصَاحَ بِهِ فَقَالَ: لَا تَفْعَلْ! فَإِنِّي سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يَقُولُ:

لَا تَنْهَكُوا الْعِظَامَ! فَإِنَّ فِيهَا لِلْجِنِّ نَصِيباً، وَ إِنْ فَعَلْتُمْ ذَهَبَ مِنَ الْبَيْتِ مَا هُوَ خَيْرٌ مِنْ ذَلِكَ.

امان می‌خواهم از خداوند از آتش! پناه می‌برم به خداوند از آتش! این چیزی است که بر آن صبر و تحمل نداریم، پس آتش (دوزخ) چگونه است؟! این، چیزی است که بر آن توانایی نداریم، پس آن آتش چگونه است؟! این چیزی است که توان آن را نداریم، پس آن آتش چگونه است؟.

سلیمان گوید: امام علیه السلام همچنان سخن خویش را تکرار می‌نمود تا این که غذا خوردنی و خنک شد. پس آن حضرت میل نمود و ما نیز با آن بزرگوار غذا خوردیم.

بخش هفتاد و سوم
پاک کردن استخوان

۱ ـ هیثم گوید: ابو حمزه برای گروهی از ما غذایی تهیّه نمود، هنگامی که کنار سفره حاضر شدیم، ابو حمزه دید یکی از حاضران استخوان را پاک می‌کند و می‌خورد، بر او فریاد زد و گفت: استخوان‌ها را پاک نکن؛ زیرا از امام سجّاد علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

استخوان‌ها را پاک نکنید؛ چرا که در آن برای جنیان سهمی است و اگر چنین کنید، چیزی از خانه شما خواهد رفت که بهتر از آن (استخوان) است.

(٧٤)

بَابُ السَّمَكِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ مَوْلًى لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

دَعَا بِتَمْرٍ؛ فَأَكَلَهُ، ثُمَّ قَالَ: مَا بِي شَهْوَةٌ وَ لَكِنِّي أَكَلْتُ سَمَكاً.

ثُمَّ قَالَ: مَنْ بَاتَ وَ فِي جَوْفِهِ سَمَكٌ لَمْ يُتْبِعْهُ بِتَمَرَاتٍ أَوْ عَسَلٍ لَمْ يَزَلْ عِرْقُ الْفَالِجِ يَضْرِبُ عَلَيْهِ حَتَّى يُصْبِحَ.

٢ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله إِذَا أَكَلَ السَّمَكَ قَالَ: اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَ أَبْدِلْنَا بِهِ خَيْراً مِنْهُ.

بخش هفتاد و چهارم

ماهی

۱ ـ یکی از غلامان امام صادق عليه السلام گوید: حضرت عليه السلام خرمایی خواست پس آن را میل نمود، سپس فرمود: من اشتهایی نداشتم، اما چون ماهی خورده بودم (خرما را خواستم).

سپس فرمود: هر کس بخوابد در حالی که در شکمش ماهی باشد و در پی آن چند خرما و یا عسل نخورده باشد، پیوسته رگ فلج بر او می‌زند تا این که صبح شود.

۲ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: هرگاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ماهی میل کرد، می‌فرمود: اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَ أَبْدِلْنَا بِهِ خَيْراً مِنْهُ.

۳ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمَذَانِيِّ عَنْ مُعَتِّبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام أَوْ قَالَ: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ قَالَ:

قَالَ: يَوْماً يَا مُعَتِّبُ! اطْلُبْ لَنَا حِيتَاناً طَرِيَّةً؛ فَإِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَحْتَجِمَ.

فَطَلَبْتُهَا ثُمَّ أَتَيْتُهُ بِهَا فَقَالَ لِي: يَا مُعَتِّبُ! سَكْبِجْ لَنَا شَطْرَهَا وَ اشْوِ لَنَا شَطْرَهَا.

فَتَغَدَّى مِنْهَا وَ تَعَشَّى أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ عَنْ أَبِيهِ وَ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمَذَانِيِّ مِثْلَهُ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام يَقُولُ:

عَلَيْكُمْ بِالسَّمَكِ! فَإِنَّكَ إِنْ أَكَلْتَهُ بِغَيْرِ خُبْزٍ أَجْزَأَكَ وَ إِنْ أَكَلْتَهُ بِخُبْزٍ أَمْرَأَكَ.

---

۳ ـ معتّب گوید: روزی امام صادق عليه السلام (یا امام کاظم عليه السلام) فرمود: ای معتّب! برای ما ماهی‌های تازه‌ای تهیّه کنی؛ زیرا که می‌خواهم حجامت کنم.

پس من در پی ماهی رفتم، آن را نزد حضرتش آوردم، به من فرمود: ای معتّب! نیمی از آن را برای ما آش سرکه تهیه و نیمی دیگر را برای ما سرخ کن.

(من غذا را آماده کردم و) امام کاظم عليه السلام آن را در صبحانه و شام میل نمود.

۴ ـ ابراهیم بن عبدالحمید گوید: از امام کاظم عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

بر شما باد به ماهی! چرا که اگر آن را بدون نان بخوری، تو را کفایت می‌کند و اگر با نان بخوری برای تو گواراتر است.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنِ ابْنِ الْيَسَعِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

لَا تُدْمِنُوا أَكْلَ السَّمَكِ؛ فَإِنَّهُ يُذِيبُ الْجَسَدَ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

أَكْلُ الْحِيتَانِ يُذِيبُ الْجِسْمَ.

٧ ـ سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

السَّمَكُ الطَّرِيُّ يُذِيبُ الْجَسَدَ.

٨ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى رَفَعَهُ قَالَ:

السَّمَكُ الطَّرِيُّ يُذِيبُ شَحْمَ الْعَيْنِ.

---

۵ ـ ابن یسع گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود:

بر خوردن ماهی مداومت نکنید؛ زیرا بدن را آب می‌کند.

۶ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

خوردن ماهی بدن را آب می‌کند.

۷ ـ موسی بن بکر گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

ماهی تازه، بدن را ذوب می‌کند.

۸ ـ عثمان بن عیسی در روایت مرفوعه‌ای گوید: حضرتش فرمود:

ماهی تازه، پیه چشم را آب می‌نماید.

۹ ـ سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: السَّمَكُ الطَّرِيُّ يُذِيبُ شَحْمَ الْعَيْنَيْنِ.

۱۰ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى قَالَ: كَتَبَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام، يَشْكُو إِلَيْهِ دَماً وَ صَفْرَاءَ فَقَالَ: إِذَا احْتَجَمْتُ هَاجَتِ الصَّفْرَاءُ وَ إِذَا أَخَّرْتُ الْحِجَامَةَ أَضَرَّنِي الدَّمُ؛ فَمَا تَرَى فِي ذَلِكَ؟

فَكَتَبَ عليه السلام: احْتَجِمْ وَ كُلْ عَلَى أَثَرِ الْحِجَامَةِ سَمَكاً طَرِيّاً كَبَاباً.

قَالَ: فَأَعَدْتُ عَلَيْهِ الْمَسْأَلَةَ بِعَيْنِهَا.

فَكَتَبَ عليه السلام: احْتَجِمْ وَ كُلْ عَلَى أَثَرِ الْحِجَامَةِ سَمَكاً طَرِيّاً كَبَاباً بِمَاءٍ وَ مِلْحٍ.

قَالَ: فَاسْتَعْمَلْتُ ذَلِكَ، فَكُنْتُ فِي عَافِيَةٍ وَ صَارَ غِذَايَ.

---

۹ ـ موسی بن بکر نظیر این روایت را از امام کاظم عليه السلام نقل می‌کند.

۱۰ ـ محمّد بن یحیی گوید: یکی از یاران ما نامه‌ای به امام عسکری عليه السلام نوشت و در آن از مشکل خون و صفرا به آن حضرت شکایت نمود و گفت: هرگاه حجامت می‌کنم صفرا تحریک می‌شود و هرگاه حجامت را به تأخیر بیندازم خون به من ضرر می‌رساند، نظر شما در این مورد چیست؟

امام عليه السلام نوشت: حجامت کن و بعد از حجامت ماهی تازه کباب شده بخور.

آن شخص گوید: مسأله را دوباره همان‌گونه برای امام عليه السلام تکرار نمودم.

امام عليه السلام نوشت: حجامت کن و بعد از حجامت ماهی تازه کباب شده را با آب و نمک بخور.

پس من طبق فرمودهٔ آن حضرت آن غذا را تهیه کردم و خوردم و عافیت یافتم و آن غذای من گردید.

(۷۵)

بَابُ بَيْضِ الدَّجَاجِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ مُرَازِمٍ قَالَ: ذَكَرَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام الْبَيْضَ فَقَالَ:

أَمَا إِنَّهُ خَفِيفٌ يَذْهَبُ بِقَرَمِ اللَّحْمِ.

قَالَ: وَ رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ مُرَازِمٍ أَنَّهُ زَادَ فِيهِ: وَ لَيْسَتْ لَهُ غَائِلَةُ اللَّحْمِ.

۲ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبِي حَسْنَةَ الْجَمَّالِ قَالَ: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قِلَّةَ الْوَلَدِ.

فَقَالَ لِي: اسْتَغْفِرِ اللهَ وَ كُلِ الْبَيْضَ بِالْبَصَلِ.

بخش هفتاد و پنجم

تخم مرغ

۱ ـ مرازم گوید: امام صادق عليه السلام دربارهٔ تخم مرغ سخن به میان آورد و فرمود:

آگاه باشید! آن غذای سبکی است که شدّت اشتهای به گوشت را از بین می‌برد.

در حدیث دیگری چنین می‌افزاید: و در آن سنگینی و فساد گوشت نیست.

۲ ـ عمر بن ابو حسنه جمّال گوید: به امام کاظم عليه السلام از کم بودن فرزندان شکایت نمودم.

به من فرمود: استغفار کن و تخم مرغ را با پیاز بخور.

٣ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عُبَيْدِ اللهِ بْنِ عَبْدِاللهِ الدِّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتَ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

شَكَا نَبِيٌّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام إِلَى اللهِ عزّ وجلّ قِلَّةَ النَّسْلِ.

فَقَالَ: كُلِ اللَّحْمَ بِالْبَيْضِ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام يَقُولُ:

كَثْرَةُ أَكْلِ الْبَيْضِ تَزِيدُ فِي الْوَلَدِ.

٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ وَ قَيْسِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مُخُّ الْبَيْضِ خَفِيفٌ وَ الْبَيَاضُ ثَقِيلٌ.

---

۳ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

یکی از پیامبران از اندک بودن نسلش به خداوند متعال گلایه نمود.

خداوند فرمود: گوشت با تخم مرغ بخور.

۴ ـ موسی بن بکر گوید: از امام کاظم عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

خوردن تخم مرغ فرزند را زیاد می‌کند.

۵ ـ پدر بزرگ محمّد بن عیسی و قیس بن عبدالعزیز گویند: امام صادق عليه السلام فرمود:

زردهٔ تخم مرغ سبک است و سفیدی آن سنگین.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام: إِنَّ الدَّجَاجَةَ تَكُونُ فِي الْمَنْزِلِ وَ لَيْسَ مَعَهَا دِيكٌ تَعْتَلِفُ مِنَ الْكُنَاسَةِ وَ غَيْرِهَا. وَ تَبِيضُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَرْكَبَهَا الدِّيكُ؛ فَمَا تَقُولُ فِي أَكْلِ ذَلِكَ الْبَيْضِ ؟

فَقَالَ لِي: إِنَّ الْبَيْضَ إِذَا كَانَ مِمَّا يُؤْكَلُ لَحْمُهُ فَلَا بَأْسَ بِهِ وَ بِأَكْلِهِ، وَ هُوَ حَلَالٌ.

٧ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام عَنِ الشَّاةِ وَ الْبَقَرَةِ رُبَّمَا دَرَّتِ اللَّبَنَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَضْرِبَهَا الْفَحْلُ، وَ الدَّجَاجَةُ رُبَّمَا بَاضَتْ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَرْكَبَهَا الدِّيكُ.

قَالَ: فَقَالَ عليه‌السلام: كُلُّ هَذَا حَلَالٌ طَيِّبٌ لَكَ. كُلُّ شَيْءٍ يُؤْكَلُ لَحْمُهُ فَجَمِيعُ مَا كَانَ مِنْهُ مِنْ لَبَنٍ أَوْ بَيْضٍ أَوْ إِنْفَحَةٍ فَكُلُّ هَذَا حَلَالٌ طَيِّبٌ. وَ رُبَّمَا يَكُونُ هَذَا قَدْ ضَرَبَهُ الْفَحْلُ وَ يُبْطِئُ؛ وَ كُلُّ هَذَا حَلَالٌ.

---

۶ ـ ابن ابی یعفور گوید: به امام صادق عليه‌السلام گفتم: مرغی بدون خروس در خانه‌ای نگه‌داری می‌شود، مرغ از زباله دان وغیر آن غذا می‌خورد وبدون آن که خروسی با او نزدیکی کند تخم می‌گذارد، دربارهٔ این تخم مرغ چه می‌فرمایید؟

فرمود: هرگاه تخم از حیوانی باشد که خوردنش جایز است، ایرادی به آن وبه خوردن آن نیست وآن تخم حلال است.

۷ ـ داوود بن فرقد گوید: از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: اگر گوسفند وگاو بدون آن که حیوان نر با آنها نزدیکی کند، شیر دهند ومرغ بدون آن که خروس با آن نزدیکی نماید، تخم گذارد، (چه حکمی دارد؟)

فرمود: همهٔ این‌ها برای تو حلال وپاکیزه است. همهٔ حیواناتی که گوشتش را بتوان خورد، شیر، تخم مرغ وانفحه آنها حلال وپاکیزه است وچه بسا حیوان نر با آن آمیزش کرده است، اما ماده درنگ وتأخیر می‌کند وهمه این‌ها حلال است.

(۷۶)

بَابُ فَضْلِ الْمِلْحِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ علیه‌السلام قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صلی‌الله‌علیه‌وآله لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه‌السلام:

يَا عَلِيُّ! افْتَتِحْ بِالْمِلْحِ فِي طَعَامِكَ وَ اخْتِمْ بِالْمِلْحِ؛ فَإِنَّهُ مَنِ افْتَتَحَ طَعَامَهُ بِالْمِلْحِ وَ خَتَمَهُ بِالْمِلْحِ دَفَعَ اللهُ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعاً مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ أَيْسَرُهَا الْجُذَامُ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ علیه‌السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله لِعَلِيٍّ علیه‌السلام:

يَا عَلِيُّ! افْتَتِحْ طَعَامَكَ بِالْمِلْحِ وَ اخْتِمْ بِالْمِلْحِ؛ فَإِنَّ مَنِ افْتَتَحَ طَعَامَهُ بِالْمِلْحِ وَخَتَمَ بِالْمِلْحِ عُوفِيَ مِنِ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ نَوْعاً مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ؛ مِنْهُ الْجُذَامُ وَ الْجُنُونُ وَ الْبَرَصُ.

بخش هفتاد و ششم

ارزش نمک

۱ ـ زراره گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمود:

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به امیرمؤمنان علی علیه‌السلام فرمود: ای علی! غذایت را با نمک آغاز کن و با نمک به پایان ببر؛ زیرا هر کس غذایش را با نمک آغاز و با نمک به پایان برساند خداوند هفتاد نوع از انواع بلا را از او دفع می‌کند که آسان‌ترین آنها جذام است.

۲ ـ هشام بن سالم گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمود:

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به حضرت علی علیه‌السلام فرمود: ای علی! غذای خود را با نمک آغاز کن و با آن تمام نما؛ زیرا به راستی که هر کس غذایش را با نمک آغاز کند و با آن به پایان ببرد از هفتاد و دو نوع از انواع بلا عافیت می‌یابد که جذام، دیوانگی و برص از آنهاست.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ سَعْدٍ الْإِسْكَافِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ فِي الْمِلْحِ شِفَاءً مِنْ سَبْعِينَ دَاءً ـ أَوْ قَالَ سَبْعِينَ نَوْعاً مِنْ أَنْوَاعِ الْأَوْجَاعِ ـ.

ثُمَّ قَالَ: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ مَا تَدَاوَوْا إِلَّا بِهِ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُالْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

ابْدَءُوا بِالْمِلْحِ فِي أَوَّلِ طَعَامِكُمْ؛ فَلَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ لَاخْتَارُوهُ عَلَى الدِّرْيَاقِ الْمُجَرَّبِ.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام قَالَ:

لَا يُخْصِبُ خِوَانٌ لَا مِلْحَ عَلَيْهَا. وَ أَصَحُّ لِلْبَدَنِ أَنْ يُبْدَأَ بِهِ فِي أَوَّلِ الطَّعَامِ.

---

۳ ـ سعد اسکاف گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

همانا که در نمک شفا و بهبودی از هفتاد بیماری است. یا فرمود: شفای از هفتاد نوع از انواع دردهاست.

سپس فرمود: اگر مردم می‌دانستند نمک چه خواصی دارد، جز با آن مداوا نمی‌نمودند.

۴ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود: غذای‌تان را با نمک شروع کنید؛ زیرا اگر مردم می‌دانستند چه چیزی در نمک است، آن را بر تریاک تجربه شده، ترجیح می‌دادند.

۵ ـ جعفری گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

سفره‌ای که نمک بر روی آن نیست برکت ندارد و برای سلامتی بدن است که در ابتدای غذا با نمک شروع شود.

٦ ـ حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمِيثَمِيِّ عَنْ سُكَيْنِ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ فُضَيْلٍ الرَّسَّانِ عَنْ فَرْوَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: أَوْحَى اللهُ عزّ وجلّ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عليه السلام:

أَنْ مُرْ قَوْمَكَ يَفْتَتِحُوا بِالْمِلْحِ وَ يَخْتَتِمُوا بِهِ وَ إِلَّا فَلَا يَلُومُوا إِلَّا أَنْفُسَهُمْ.

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مَحْمُودٍ قَالَ: قَالَ لَنَا الرِّضَا عليه السلام: أَيُّ الْإِدَامِ أَجْرَى؟

فَقَالَ بَعْضُنَا: اللَّحْمُ، وَ قَالَ بَعْضُنَا: الزَّيْتُ، وَ قَالَ بَعْضُنَا: اللَّبَنُ.

فَقَالَ هُوَ عليه السلام: لَا؛ بَلِ الْمِلْحُ.

وَ لَقَدْ خَرَجْنَا إِلَى نُزْهَةٍ لَنَا وَ نَسِيَ بَعْضُ الْغِلْمَانِ الْمِلْحَ. فَذَبَحُوا لَنَا شَاةً مِنْ أَسْمَنِ مَا يَكُونُ؛ فَمَا انْتَفَعْنَا بِشَيْءٍ حَتَّى انْصَرَفْنَا.

٨ ـ عَنْهُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

مَنْ ذَرَّ عَلَى أَوَّلِ لُقْمَةٍ مِنْ طَعَامِهِ الْمِلْحَ ذَهَبَ عَنْهُ بِنَمَشِ الْوَجْهِ.

---

۶ ـ فروه گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

خداوند متعال به موسی بن عمران عليه السلام وحی نمود که به قوم خود دستور ده که غذا را با نمک آغاز نمایند و با آن به پایان برند وگرنه جز خودشان را سرزنش نکنند.

۷ ـ ابراهیم بن ابو محمود گوید: امام رضا عليه السلام به ما فرمود:

چه خورشی گواراتر است؟

بعضی از ما گفتند: گوشت، بعضی دیگر گفتند: روغن زیتون و بعضی گفتند: شیر.

امام عليه السلام فرمود: نه، بلکه نمک است. روزی ما به استراحتگاهی رفته بودیم، بعضی از خدمتکاران نمک را فراموش کردند، آنان گوسفند چاقی را برای ما ذبح کردند، ولی ما از چیزی لذت نبردیم تا این که برگشتیم.

۸ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کسی بر نخستین لقمه غذایش نمک بپاشد، نقطه‌های سفید و سیاه صورتش را از بین می‌برد.

۹ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

إِنَّ الْعَقْرَبَ لَسَعَتْ رَسُولَ اللهِ ﷺ، فَقَالَ: لَعَنَكِ اللهُ! فَمَا تُبَالِينَ مُؤْمِناً آذَيْتِ أَمْ كَافِراً.

ثُمَّ دَعَا بِالْمِلْحِ، فَدَلَكَهُ فَهَدَتْ.

ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ مَا بَغَوْا مَعَهُ دِرْيَاقاً.

۱۰ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِيهِ وَ عَمْرِو بْنِ إِبْرَاهِيمَ جَمِيعاً عَنْ خَلَفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

لَدَغَتْ رَسُولَ اللهِ ﷺ عَقْرَبٌ؛ فَنَفَضَهَا وَ قَالَ: لَعَنَكِ اللهُ! فَمَا يَسْلَمُ مِنْكِ مُؤْمِنٌ وَ لَا كَافِرٌ.

ثُمَّ دَعَا بِالْمِلْحِ، فَوَضَعَهُ عَلَى مَوْضِعِ اللَّدْغَةِ ثُمَّ عَصَرَهُ بِإِبْهَامِهِ حَتَّى ذَابَ.

ثُمَّ قَالَ: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ مَا احْتَاجُوا مَعَهُ إِلَى دِرْيَاقٍ.

---

۹ ـ محمّد بن مسلم گوید: عقربی پیامبر خدا ﷺ را نیش زد، حضرت فرمود: خداوند تو را لعنت کند! اهمیت نمی‌دهی که مؤمنی را اذیت کنی یا کافری را، سپس نمک خواست و آن را جای نیش‌زدگی مالید و دردش آرام شد.

سپس امام باقر عليه السلام فرمود: اگر مردم می‌دانستند نمک چه خاصیّتی دارد دیگر تریاک و پادزهری نمی‌خواستند.

۱۰ ـ یعقوب بن شعیب گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

عقربی پیامبر خدا ﷺ را گزید، آن حضرت آن را کنار زد وفرمود: خداوند تو را لعنت نماید! هیچ مسلمان وکافری از تو ایمنی ندارد.

سپس نمک درخواست نمود و آن را بر مکان گزیدگی نهاد، سپس آن را با انگشت شست خود فشرد تا این که آب شد آن‌گاه فرمود: اگر مردم می‌دانستند چه چیزی در نمک است دیگر به تریاک و پادزهر محتاج نمی‌شدند.

(۷۷)
بَابُ الْخَلِّ وَ الزَّيْتِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ خَالِدِ بْنِ نَجِيحٍ قَالَ: كُنْتُ أُفْطِرُ مَعَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام وَ مَعَ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام فِي شَهْرِ رَمَضَانَ؛ فَكَانَ أَوَّلُ مَا يُؤْتَى بِهِ قَصْعَةً مِنْ ثَرِيدِ خَلٍّ وَ زَيْتٍ، فَكَانَ أَوَّلُ مَا يَتَنَاوَلُ مِنْهَا ثَلَاثَ لُقَمٍ ثُمَّ يُؤْتَى بِالْجَفْنَةِ.

۲ ـ عَنْهُ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَلَامَةَ الْقَلَانِسِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام، فَلَمَّا تَكَلَّمْتُ قَالَ لِي: مَا لِي أَسْمَعُ كَلَامَكَ قَدْ ضَعُفَ؟!

قُلْتُ: قَدْ سَقَطَ فَمِي.

قَالَ: فَكَأَنَّهُ شَقَّ عَلَيْهِ ذَلِكَ.

ثُمَّ قَالَ: فَأَيَّ شَيْءٍ تَأْكُلُ؟

بخش هفتاد و هفتم
سرکه و روغن زیتون

۱ ـ خالد بن نجیح گوید: در ماه مبارک رمضان با امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام افطار می‌کردم و نخستین چیزی که می‌آوردند کاسه‌ای ترید سرکه و روغن زیتون بود و اولین مقداری که از آن تناول فرمود، سه لقمه بود، سپس کاسه بزرگی از غذا می‌آوردند.

۲ ـ سلامه قلانسی گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام شرف‌یاب شدم، هنگامی که سخن گفتم به من فرمود: چه شده است که سخنت را ضعیف می‌شنوم؟!

عرض کردم: دندان‌هایم ریخته است. گویی این سخن بر آن حضرت گران آمد.

سپس فرمود: چه چیزی می‌خوری؟

قُلْتُ: آكُلُ مَا كَانَ فِي الْبَيْتِ.

فَقَالَ: عَلَيْكَ بِالثَّرِيدِ؛ فَإِنَّ فِيهِ بَرَكَةً. فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَحْمٌ فَالْخَلُّ وَ الزَّيْتُ.

٣ ـ عَنْهُ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ زَيْدِ بْنِ الْحَسَنِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام أَشْبَهَ النَّاسِ طِعْمَةً بِرَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله، كَانَ يَأْكُلُ الْخُبْزَ وَالْخَلَّ وَ الزَّيْتَ وَ يُطْعِمُ النَّاسَ الْخُبْزَ وَ اللَّحْمَ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُبَيْدَةَ الْوَاسِطِيِّ عَنْ عَجْلَانَ قَالَ:

تَعَشَّيْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام بَعْدَ عَتَمَةٍ وَ كَانَ يَتَعَشَّى بَعْدَ عَتَمَةٍ، فَأُتِيَ بِخَلٍّ وَ زَيْتٍ وَ لَحْمٍ بَارِدٍ فَجَعَلَ يَنْتِفُ اللَّحْمَ فَيُطْعِمُنِيهِ، وَ يَأْكُلُ هُوَ الْخَلَّ وَ الزَّيْتَ وَ يَدَعُ اللَّحْمَ.

فَقَالَ: إِنَّ هَذَا طَعَامُنَا وَ طَعَامُ الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام.

عرض کردم: هر چه که در خانه باشد می‌خورم.

فرمود: بر تو باد به ترید! زیرا در آن برکت است پس اگر گوشت نبود، سرکه و روغن زیتون را ترید کن.

۳ ـ زید بن حسن گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

امیرمؤمنان علی عليه السلام شبیه‌ترین مردم به پیامبر خدا صلى الله عليه وآله از نظر روش و نوع غذا، آن حضرت خود نان، سرکه و روغن زیتون تناول می‌نمود و به مردم نان و گوشت می‌داد.

۴ ـ عجلان گوید: یک سوّم از شب سپری شده بود که با امام صادق عليه السلام شام خوردم، حضرت عليه السلام همیشه بعد از ثلث اول شب شام می‌خورد، پس سرکه، روغن زیتون و گوشت خنک آوردند. حضرت عليه السلام با انگشت خود گوشت را می‌کند و به من می‌خوراند و خود حضرتش سرکه و روغن زیتون می‌خورد و گوشت میل نمی‌کرد.

آن‌گاه فرمود: به راستی که این غذای ما و غذای پیامبران عليهم السلام است.

۵ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى قَالَ:
أَكَلْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَقَالَ: يَا جَارِيَةُ! ائْتِينَا بِطَعَامِنَا الْمَعْرُوفِ.
فَأُتِيَ بِقَصْعَةٍ فِيهَا خَلٌّ وَ زَيْتٌ فَأَكَلْنَا.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:
كَانَ أَحَبَّ الْأَصْبَاغِ إِلَى رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه وآله الْخَلُّ وَ الزَّيْتُ.
وَ قَالَ: هُوَ طَعَامُ الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام.

٧ ـ وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: مَا افْتَقَرَ أَهْلُ بَيْتٍ يَأْتَدِمُونَ بِالْخَلِّ وَ الزَّيْتِ، وَ ذَلِكَ أُدْمُ الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام.

٨ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ الْحُرِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنِ الطَّعَامِ.

---

۵ ـ عبدالاعلی گوید: با امام صادق علیه السلام غذا می‌خوردم، حضرت فرمود: ای کنیز! آن غذای مشخص ما را برایمان بیاور. پس کاسه‌ای آوردند که در آن سرکه وروغن زیتون بود وما آن را خوردیم.

۶ ـ سکونی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:
محبوب‌ترین غذاها در نزد پیامبر خدا صلی الله علیه وآله سرکه وروغن زیتون بود.
هم چنین امام علیه السلام فرمود: آن، غذای پیامبران علیهم السلام است.

۷ ـ سکونی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:
خانواده‌ای که بر خوردن سرکه وروغن زیتون مداومت می‌کنند فقیر نمی‌شوند وآن خورش پیامبران علیهم السلام است.

۸ ـ محمّد بن علی حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام دربارهٔ غذا پرسیدم.

فَقَالَ: عَلَيْكَ بِالْخَلِّ وَ الزَّيْتِ! فَإِنَّهُ مَرِيءٌ؛ فَإِنَّ عَلِيّاً عليه السلام كَانَ يُكْثِرُ أَكْلَهُ وَ إِنِّي أُكْثِرُ أَكْلَهُ وَ إِنَّهُ مَرِيءٌ.

۹ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَأْكُلُ الْخَلَّ وَ الزَّيْتَ، وَ يَجْعَلُ نَفَقَتَهُ تَحْتَ طِنْفِسَتِهِ.

(۷۸)

بَابُ الْخَلِّ

۱ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

دَخَلَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله إِلَى أُمِّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا فَقَرَّبَتْ إِلَيْهِ كِسَراً فَقَالَ: هَلْ عِنْدَكِ إِدَامٌ؟

فرمود: بر تو باد به سرکه و روغن زیتون! زیرا آن گوارا است؛ زیرا که حضرت علی عليه السلام فراوان آن را تناول می‌نمود و من نیز بسیار آن را می‌خورم و به راستی که آن گوارا است.

۹ ـ یعقوب بن سالم گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

امیرمؤمنان علی عليه السلام سرکه و روغن زیتون میل می‌کرد و پول آن را زیر طنفسه [1] خود قرار می‌داد.

بخش هفتاد و هشتم

سرکه

۱ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

روزی پیامبر خدا صلى الله عليه وآله نزد ام سلمه عليها السلام آمد، ام سلمه پاره نانی نزد آن حضرت آورد، پیامبر صلى الله عليه وآله به او فرمود: آیا نزد تو خورشتی هست؟

---

۱ ـ طنفسه، نوعی گستردنی را گویند.

فَقَالَتْ: لَا، يَا رَسُولَ اللهِ! مَا عِنْدِي إِلَّا خَلٌّ.

فَقَالَ ﷺ: نِعْمَ الْإِدَامُ الْخَلُّ! مَا أَقْفَرَ بَيْتٌ فِيهِ الْخَلُّ.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

الْخَلُّ يَشُدُّ الْعَقْلَ.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

مَا أَقْفَرَ بَيْتٌ فِيهِ خَلٌّ. وَ قَدْ قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ ذَلِكَ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمَذَانِيِّ: أَنَّ رَجُلاً كَانَ عِنْدَ الرِّضَا عليه السلام بِخُرَاسَانَ. فَقُدِّمَتْ إِلَيْهِ مَائِدَةٌ عَلَيْهَا خَلٌّ وَ مِلْحٌ؛ فَافْتَتَحَ عليه السلام بِالْخَلِّ.

فَقَالَ الرَّجُلُ. جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَمَرْتَنَا أَنْ نَفْتَتِحَ بِالْمِلْحِ!

عرض کرد: نه، ای پیامبر! نزد من چیزی جز سرکه نیست.

فرمود: بهترین خورش‌ها سرکه است، خانه‌ای که در آن سرکه است از خورش خالی نیست.

۲ ـ سلیمان بن خالد گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

سرکه، عقل را محکم و استوار می‌کند.

۳ ـ علی بن ابی حمزه گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

از خورش خالی نیست، خانه‌ای که سرکه در آن است و به درستی که پیامبر خدا ﷺ چنین فرموده است.

۴ ـ محمّد بن علی همدانی گوید: مردی در خراسان نزد امام رضا عليه السلام بود، پس سفره‌ای برای آن حضرت آوردند که در آن سرکه و نمک بود، امام عليه السلام با سرکه آغاز نمود. آن شخص عرض کرد: قربانت گردم! به ما دستور فرموده‌اید که با نمک آغاز کنیم!

فَقَالَ: هَذَا مِثْلُ هَذَا يَعْنِي الْخَلَّ؛ وَ إِنَّ الْخَلَّ يَشُدُّ الذِّهْنَ وَ يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ.

۵ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبَانِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّا لَنَبْدَأُ بِالْخَلِّ عِنْدَنَا كَمَا تَبْدَءُونَ بِالْمِلْحِ عِنْدَكُمْ؛ فَإِنَّ الْخَلَّ لَيَشُدُّ الْعَقْلَ.

۶ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ أَحَبَّ الْأَصْبَاغِ إِلَى رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله الْخَلُّ.

۷ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ الْأَصَمِّ عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

نِعْمَ الْإِدَامُ الْخَلُّ! يَكْسِرُ الْمِرَّةَ وَ يُطْفِئُ الصَّفْرَاءَ وَ يُحْيِي الْقَلْبَ.

۸ ـ عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَنَانٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: ذُكِرَ عِنْدَهُ خَلُّ الْخَمْرِ.

فَقَالَ عليه السلام: إِنَّهُ لَيَقْتُلُ دَوَابَّ الْبَطْنِ وَ يَشُدُّ الْفَمَ.

فرمود: این نیز مانند سرکه است؛ چراکه سرکه ذهن را قوی می‌کند و در عقل می‌افزاید.

۵ ـ اسماعیل بن جابر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

ما، در نزد خود غذا را با سرکه آغاز می‌کنیم همان طور که شما در نزد خودتان غذا را با نمک آغاز می‌کنید؛ زیرا سرکه عقل را محکم می‌کند.

۶ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

محبوب‌ترین غذاها در نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سرکه بود.

۷ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود: بهترین خورش‌ها سرکه است. سودا را می‌شکند، صفرا را خاموش می‌سازد و قلب را زنده می‌کند.

۸ ـ پدر حنّان گوید: نزد امام صادق عليه السلام سخن از سرکه شرابی به میان آمد، امام عليه السلام فرمود:

آن، جنبندگانِ در شکم را می‌کشد و لثه را محکم می‌کند.

۹ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

خَلُّ الْخَمْرِ يَشُدُّ اللِّثَةَ وَ يَقْتُلُ دَوَابَّ الْبَطْنِ وَ يَشُدُّ الْعَقْلَ.

۱۰ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدٍ وَ أَحْمَدَ ابْنَيْ عُمَرَ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِمَا رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

الِاصْطِبَاغُ بِالْخَلِّ يَقْطَعُ شَهْوَةَ الزِّنَا.

۱۱ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ رَبِيعٍ الْمُسْلِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ رَزِينٍ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ السِّمْطِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

عَلَيْكَ بِخَلِّ الْخَمْرِ! فَاغْمِسْ فِيهِ؛ فَإِنَّهُ لَا يَبْقَى فِي جَوْفِكَ دَابَّةٌ إِلَّا قَتَلَهَا.

۱۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمَانَ بْنِ رُشَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللهِ عَنْ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

---

۹ ـ سماعه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

سرکه شرابی، لثه را محکم می‌کند، جنبندگانِ شکم را می‌کشد وعقل را محکم واستوار می‌سازد.

۱۰ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

خورش قرار دادن سرکه، شهوت زنا را قطع می‌کند.

۱۱ ـ سفیان بن سمط گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

بر تو باد به سرکه شرابی، پس در آن فرو رو. زیرا جنبنده‌ای در شکمت نمی‌ماند مگر آن که آن را می‌کشد.

۱۲ ـ سلیمان دیلمی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانُوا يَسْتَفْتِحُونَ بِالْخَلِّ وَ يَخْتِمُونَ بِهِ؛ وَ نَحْنُ نَسْتَفْتِحُ بِالْمِلْحِ وَ نَخْتِمُ بِالْخَلِّ.

(۷۹)

بَابُ الْمُرِّيِّ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُوسَى بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي مَحْمُودٍ عَنْ أَبِيهِ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ يُوسُفَ عليه السلام لَمَّا كَانَ فِي السِّجْنِ شَكَا إِلَى رَبِّهِ عزوجل أَكْلَ الْخُبْزِ وَحْدَهُ وَ سَأَلَ إِدَاماً يَأْتَدِمُ بِهِ؛ وَ قَدْ كَانَ كَثُرَ عِنْدَهُ قِطَعُ الْخُبْزِ الْيَابِسِ، فَأَمَرَهُ أَنْ يَأْخُذَ الْخُبْزَ وَ يَجْعَلَهُ فِي إِجَّانَةٍ وَ يَصُبَّ عَلَيْهِ الْمَاءَ وَ الْمِلْحَ فَصَارَ مُرِّيّاً؛ فَجَعَلَ يَأْتَدِمُ بِهِ عليه السلام.

بنی اسرائیل غذای خود را با سرکه شروع می‌کردند و با آن به پایان می‌رساندند و ما با نمک آغاز می‌کنیم و با سرکه تمام می‌نماییم.

بخش هفتاد و نهم

مری [۱]

۱ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگامی که حضرت یوسف عليه السلام در زندان بود، از خوردن نان خالی به خداوند شکایت نمود و درخواست خورشی نمود. نزد حضرت یوسف عليه السلام تکه نان‌های خشک فراوانی بود. خداوند به او دستور داد که نان‌های خشک را در پیاله‌ای قرار دهد و آب و نمک بر روی آن بریزد. پس «مری» به وجود آمد و حضرت یوسف عليه السلام آن را خورش خود قرار می‌داد.

---

۱ ـ مُرّی به خورشتی مانند آبکامه گویند.

(۸۰)
بَابُ الزَّيْتِ وَ الزَّيْتُونِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

كُلُوا الزَّيْتَ وَ ادَّهِنُوا بِالزَّيْتِ؛ فَإِنَّهُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام مِثْلَهُ.

۲ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ عُبَيْدِ اللهِ الدِّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ مِمَّا أَوْصَى بِهِ آدَمُ عليه السلام إِلَى هِبَةِ اللهِ ابْنِهِ: أَنْ كُلِ الزَّيْتُونَ؛ فَإِنَّهُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ.

بخش هشتادم
روغن زیتون و زیتون

۱ ـ ابن قدّاح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: روغن زیتون بخورید و با آن روغن مالی نمایید؛ زیرا آن از درخت با برکتی است.

۲ ـ ابراهیم بن عبدالحمید گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

از چیزهایی که حضرت آدم عليه السلام به پسرش هبة الله وصیت نمود این بود که زیتون بخور؛ زیرا آن درخت با برکتی است.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ أَوْ غَيْرِهِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ: الزَّيْتُونُ يُهَيِّجُ الرِّيَاحَ.

فَقَالَ: إِنَّ الزَّيْتُونَ يَطْرُدُ الرِّيَاحَ.

٤ ـ عَنْهُ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللهِ بْنِ وَاسِعٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي دَاوُدَ النَّخَعِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام:

ادَّهِنُوا بِالزَّيْتِ وَ ائْتَدِمُوا بِهِ؛ فَإِنَّهُ دُهْنَةُ الْأَخْيَارِ وَ إِدَامُ الْمُصْطَفَيْنَ، مُسِحَتْ بِالْقُدْسِ مَرَّتَيْنِ، بُورِكَتْ مُقْبِلَةً وَ بُورِكَتْ مُدْبِرَةً، لَا يَضُرُّ مَعَهَا دَاءٌ.

٥ ـ مَنْصُورُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الزَّارِعِ الْبَصْرِيِّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: ذَكَرْنَا عِنْدَهُ الزَّيْتُونَ، فَقَالَ الرَّجُلُ: يَجْلِبُ الرِّيَاحَ؟

فَقَالَ: لَا، بَلْ يَطْرُدُ الرِّيَاحَ.

---

۳ ـ اسحاق بن عمّار و یا شخص دیگری گوید: به امام صادق عليه‌السلام عرض کردم: اهل سنت می‌گویند: زیتون باد بدن را تحریک می‌کند.

فرمود: به راستی که زیتون باد بدن را دور می‌کند.

۴ ـ ابو داوود نخعی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی عليه‌السلام فرمود: با روغن زیتون روغن مالی کنید و آن را خورش قرار دهید؛ زیرا آن، روغن نیکان و خورش برگزیدگان است، دوبار به وسیله قدس مسح شده است. با برکت فصل خود را آغاز می‌کند و با برکت تمام می‌شود، با آن هیچ بیماری ضرر نمی‌زند.

۵ ـ راوی گوید: نزد امام صادق عليه‌السلام از زیتون یاد کردیم. مردی گفت: زیتون، بادآور است.

امام عليه‌السلام فرمود: نه، بلکه باد را دور می‌کند.

٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ الْجَرِيرِيِّ عَنْ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

الزَّيْتُ دُهْنُ الْأَبْرَارِ وَ إِدَامُ الْأَخْيَارِ، بُورِكَ فِيهِ مُقْبِلاً وَ بُورِكَ فِيهِ مُدْبِراً، انْغَمَسَ بِالْقُدْسِ مَرَّتَيْنِ.

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ جَعْفَرٍ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

الزَّيْتُونُ يَزِيدُ فِي الْمَاءِ.

(٨١)

بَابُ الْعَسَلِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُوقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَا اسْتَشْفَى النَّاسُ بِمِثْلِ الْعَسَلِ.

---

۶ ـ نظیر روایت چهارم را عبدالمؤمن انصاری از امام باقر عليه السلام وآن حضرت از پیامبر خدا صلى الله عليه وآله نقل می‌کند.

۷ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

زیتون، آب کمر را زیاد می‌کند.

بخش هشتادم و یکم

عسل

۱ ـ محمّد بن سوقه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

مردم با هیچ چیزی مانند عسل طلب شفا نکرده‌اند.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

لَعْقُ الْعَسَلِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ؛ قَالَ اللهُ عزّوجلّ: ﴿يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ﴾ وَ هُوَ مَعَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَ مَضْغِ اللُّبَانِ يُذِيبُ الْبَلْغَمَ.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله يُعْجِبُهُ الْعَسَلُ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ سُكَيْنٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله يَأْكُلُ الْعَسَلَ وَ يَقُولُ: آيَاتٌ مِنَ الْقُرْآنِ وَ مَضْغُ اللُّبَانِ يُذِيبُ الْبَلْغَمَ.

---

۲ ـ محمّد بن مسلم گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

اميرمؤمنان عليه السلام فرمود: ليسيدن عسل، شفاى از هر بيمارى است. خداوند متعال مى‌فرمايد: «از درون شكم آنها نوشيدنى با رنگ‌هاى گوناگون بيرون مى‌آيد كه در آن، شفا وبهبودى براى مردم است». خوردن عسل، همراه قرائت قرآن وجويدن كندر، بلغم را ذوب مى‌كند.

۳ ـ هشام بن سالم گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

پيامبر خدا صلى الله عليه وآله همواره به عسل علاقه داشت.

۴ ـ سكين گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

پيامبر صلى الله عليه وآله همواره عسل ميل مى‌نمود ومى‌فرمود: (قرائت) آياتى از قرآن وجويدن كندر، بلغم را آب مى‌كند.

۵ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

مَا اسْتَشْفَى مَرِيضٌ بِمِثْلِ الْعَسَلِ.

(۸۲)

بَابُ السُّكَّرِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ قَالَ: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ الْأَوَّلُ عليه السلام كَثِيراً مَا يَأْكُلُ السُّكَّرَ عِنْدَ النَّوْمِ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْعَبْدِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

لَئِنْ كَانَ الْجُبُنُّ يَضُرُّ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَا يَنْفَعُ، فَإِنَّ السُّكَّرَ يَنْفَعُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَا يَضُرُّ مِنْ شَيْءٍ.

---

۵ ـ موسی بن بکر گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

هیچ بیماری با هیچ چیزی به سان عسل بهبود نیافته است.

بخش هشتاد و دوم

شکر

۱ ـ موسی بن بکیر گوید: امام کاظم عليه السلام بارها هنگام خواب، شکر میل می‌نمود.

۲ ـ عبدالعزیز عبدی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اگر پنیر به همه چیز ضرر می‌زند و به هیچ چیز فایده نمی‌رساند، به راستی که شکر به همه چیز فایده می‌رساند و به هیچ چیز ضرر نمی‌زند.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْأَزْدِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ قَالَ: شَكَا رَجُلٌ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَقَالَ: إِنِّي رَجُلٌ شَاكٍ.

فَقَالَ: أَيْنَ هُوَ عَنِ الْمُبَارَكِ؟

فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! وَ مَا الْمُبَارَكُ؟

قَالَ: السُّكَّرُ.

قُلْتُ: أَيُّ السُّكَّرِ؟ جُعِلْتُ فِدَاكَ!

قَالَ: سُلَيْمَانِيُّكُمْ هَذَا.

٤ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَهْلٍ عَنِ الرِّضَا عليه السلام أَوْ قَالَ: بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ: السُّكَّرُ الطَّبَرْزَدُ يَأْكُلُ الْبَلْغَمَ أَكْلاً.

٥ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام الْوَجَعَ.

فَقَالَ لِي: إِذَا أَوَيْتَ إِلَى فِرَاشِكَ فَكُلْ سُكَّرَتَيْنِ.

---

۳ ـ راوی گوید: شخصی نزد امام صادق عليه السلام شکایت نمود وگفت: من مردی شکّاک هستم.

امام عليه السلام فرمود: تو چه رابطه‌ای با «مبارک» داری؟

عرض کردم: قربانت گردم؛ مبارک چیست؟

فرمود: شکر.

عرض کردم: شکر چیست؟

فرمود: همین «شکر سلیمانی» شما.

۴ ـ محمّد بن سهل ـ ویا یکی از اصحاب ما ـ گوید: امام رضا عليه السلام فرمود: شکر طبرزد، بلغم را از بین می‌برد.

۵ ـ یکی از اصحاب ما گوید: به امام صادق عليه السلام از درد شکایت نمودم.

فرمود: هرگاه به بسترت رفتی، دو تکه شکر بخور.

قَالَ: فَفَعَلْتُ ذَلِكَ فَبَرَأْتُ. فَخَبَّرْتُ بَعْضَ الْـمُتَطَبِّبِينَ وَ كَـانَ أَفْـرَهَ أَهْـلِ بِـلَادِنَا، فَقَالَ: مِنْ أَيْنَ عَرَفَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام هَذَا؟ هَذَا مِنْ مَخْزُونِ عِلْمِنَا. أَمَا إِنَّـهُ صَـاحِبُ كُتُبٍ فَيَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ أَصَابَهُ فِي بَعْضِ كُتُبِهِ.

٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مُعَتِّبٍ قَالَ:

لَمَّا تَعَشَّى أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ لِي: إِذَا دَخَلْتَ الْخِزَانَةَ فَاطْلُبْ لِي سُكَّرَتَيْنِ.

فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! لَيْسَ ثَمَّ شَيْءٌ.

فَقَالَ: ادْخُلْ! وَيْحَكَ!

قَالَ: فَدَخَلْتُ فَوَجَدْتُ سُكَّرَتَيْنِ؛ فَأَتَيْتُهُ بِهِمَا.

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

شَكَا إِلَيْهِ رَجُلٌ الْوَبَاءَ.

فَقَالَ لَهُ: وَ أَيْنَ أَنْتَ عَنِ الطَّيِّبِ الْمُبَارَكِ؟

پس من آن را انجام دادم و خوب شدم. این نوع درمان را به زیرک‌ترین پزشک شهرمان خبر دادم، او گفت: امام صادق عليه السلام آن را از کجا دانست؟! آن، از دانش‌های پنهان ماست. آگاه باش! او کتاب‌هایی دارد که شاید در یکی از آن کتاب‌ها آن دستور را یافته است.

۶ ـ معتّب گوید: هنگامی که امام صادق عليه السلام شام خورد به من فرمود: هنگامی که داخل انبار شدی، دو تکه شکر برای من جست و جو کن.

عرض کردم: فدایت شوم! آن جا چیزی نیست.

فرمود: وای بر تو! داخل شو.

من به انبار وارد شدم و دو تکه شکر یافتم و آن را نزد امام عليه السلام آوردم.

۷ ـ ابن ابی عمیر در روایت مرفوعه‌ای گوید: شخصی از وبا به امام صادق عليه السلام شکایت نمود.

امام عليه السلام به او فرمود: چرا از پاکیزهٔ با برکت غافلی؟!

قَالَ: قُلْتُ: وَ مَا الطَّيِّبُ الْمُبَارَكُ؟
فَقَالَ: سُلَيْمَانِيُّكُمْ هَذَا.
قَالَ: فَقَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: إِنَّ أَوَّلَ مَنِ اتَّخَذَ السُّكَّرَ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ عليه السلام.

٨ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُوسَى بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عُبَيْدٍ الْخَيَّاطِ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:
لَوْ أَنَّ رَجُلاً عِنْدَهُ أَلْفُ دِرْهَمٍ لَيْسَ عِنْدَهُ غَيْرُهَا، ثُمَّ اشْتَرَى بِهَا سُكَّراً لَمْ يَكُنْ مُسْرِفاً.

٩ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ بَشِيرٍ النَّبَّالِ قَالَ:
قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام لِأَبِي: يَا بَشِيرُ! بِأَيِّ شَيْءٍ تُدَاوُونَ مَرْضَاكُمْ؟
فَقَالَ: بِهَذِهِ الْأَدْوِيَةِ الْمِرَارِ.
فَقَالَ لَهُ: لَا، إِذَا مَرِضَ أَحَدُكُمْ فَخُذِ السُّكَّرَ الْأَبْيَضَ، فَدُقَّهُ وَ صُبَّ عَلَيْهِ الْمَاءَ الْبَارِدَ وَ اسْقِهِ إِيَّاهُ؛ فَإِنَّ الَّذِي جَعَلَ الشِّفَاءَ فِي الْمَرَارَةِ قَادِرٌ أَنْ يَجْعَلَهُ فِي الْحَلَاوَةِ.

راوی گوید: من گفتم: پاکیزهٔ با برکت چیست؟
فرمود: همین شکر سلیمانی شما.
آن گاه امام صادق عليه السلام فرمود: نخستین کسی که شکر تهیه نمود، سلیمان بن داود عليه السلام بود.

۸ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
اگر کسی هزار درهم داشته باشد وجز آن پول دیگری نداشته باشد، آن گاه با همه پولش شکر بخرد اسراف نکرده است.

۹ ـ یحیی بن بشیر نبّال گوید: امام صادق عليه السلام به پدرم فرمود: ای بشیر! بیماران خود را با چه چیزی مداوا می‌کنید؟
پدرم گفت: با این دواهای تلخ.
حضرت به پدرم فرمود: نه، هرگاه یکی از شما بیمار شود، تکه‌ای شکر سفید را آسیاب کن و روی آن آب سرد بریز و آن را به بیمار بنوشان؛ به راستی که آن کسی که شفا را در تلخی قرار داد، توانایی آن را دارد که شفا را در شیرینی نیز قرار دهد.

۱۰ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَاسِرٍ عَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ: السُّكَّرُ الطَّبَرْزَدُ يَأْكُلُ الْبَلْغَمَ أَكْلاً.

۱۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَشْيَمَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ:

حُمَّ بَعْضُ أَهْلِنَا فَوَصَفَ لَهُ الْمُتَطَبِّبُونَ الْغَافِثَ؛ فَسَقَيْنَاهُ فَلَمْ يَنْتَفِعْ بِهِ؛ فَشَكَوْتُ ذَلِكَ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَقَالَ:

مَا جَعَلَ اللهُ فِي شَيْءٍ مِنَ الْمُرِّ شِفَاءً. خُذْ سُكَّرَةً وَ نِصْفاً فَصَيِّرْهَا فِي إِنَاءٍ وَصُبَّ عَلَيْهَا الْمَاءَ حَتَّى يَغْمُرَهَا وَ ضَعْ عَلَيْهَا حَدِيدَةً وَ نَجِّمْهَا مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ؛ فَإِذَا أَصْبَحْتَ فَأَمْرِسْهَا بِيَدِكَ وَ اسْقِهِ؛ فَإِذَا كَانَتِ اللَّيْلَةُ الثَّانِيَةُ فَصَيِّرْهَا سُكَّرَتَيْنِ وَنِصْفاً وَنَجِّمْهَا كَمَا فَعَلْتَ وَ اسْقِهِ؛ وَ إِذَا كَانَتِ اللَّيْلَةُ الثَّالِثَةُ فَخُذْ ثَلَاثَ سُكَّرَاتٍ وَنِصْفاً وَنَجِّمْهُنَّ مِثْلَ ذَلِكَ.

قَالَ: فَفَعَلْتُ فَشَفَى اللهُ عزّوجلّ مَرِيضَنَا.

---

۱۰ ـ یاسر گوید: امام رضا عليه السلام فرمود: شکر طبرزد به طور کامل بلغم را از بین می‌برد.

۱۱ ـ یکی از اصحاب ما گوید: یکی از افراد خانواده ما دچار تب شد، پزشکان گیاه «غافث» را به او توصیه کردند. ما آن را به او نوشاندیم، اما فایده نبخشید، من از این بیماری به امام صادق عليه السلام شکایت وگلایه نمودم.

امام عليه السلام فرمود: خداوند شفا را در هیچ چیز تلخی قرار نداده است. یک ونیم پیمانه شکر را در ظرفی بریز وبر روی آن آب بریز تا این که شکر به آب آغشته شود. آن گاه سرپوش آهنی بر روی ظرف بگذار وآن را از اول شب در زیر ستارگان قرار ده، هنگامی که صبح شد با دست خود آن را هم بزن تا حل شود وآن را به بیمار بنوشان. هنگامی که شب دوم فرا رسید، دو پیمانه ونیم شکر در ظرف بریز وهمان طور که شب قبل انجام دادی، آن را در زیر ستارگان بگذار وبه بیمار بنوشان وهرگاه شب سوم شد، سه پیمانه ونیم شکر را مانند شب‌های قبل، در زیر ستارگان قرار ده.

راوی گوید: من طبق دستور حضرت عليه السلام انجام دادم. خداوند متعال بیمار ما را شفا داد.

(۸۳)

بَابُ السَّمْنِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

سُمُونُ الْبَقَرِ شِفَاءٌ.

۲ ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

السَّمْنُ دَوَاءٌ، وَ هُوَ فِي الصَّيْفِ خَيْرٌ مِنْهُ فِي الشِّتَاءِ، وَ مَا دَخَلَ جَوْفاً مِثْلُهُ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْمُطَّلِبِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

نِعْمَ الْإِدَامُ السَّمْنُ!

بخش هشتاد و سوم

روغن حیوانی

۱ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود: روغن‌هایی که از گاو به دست می‌آید، شفا است.

۲ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود: روغن حیوانی دارو است. هم چنین مصرف روغن در تابستان بهتر از مصرف آن در زمستان است. چیز مفیدی همانند آن وارد هیچ شکمی نشده است.

۳ ـ مطّلب بن زیاد گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

روغن حیوانی چه خورشی با ارزش است!

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا بَلَغَ الرَّجُلُ خَمْسِينَ سَنَةً فَلَا يَبِيتَنَّ وَ فِي جَوْفِهِ شَيْءٌ مِنَ السَّمْنِ.

٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَكَلَّمَهُ شَيْخٌ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ فَقَالَ لَهُ: مَا لِي أَرَى كَلَامَكَ مُتَغَيِّراً؟!

فَقَالَ لَهُ: سَقَطَتْ مَقَادِيمُ فَمِي فَنَقَصَ كَلَامِي.

فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: وَ أَنَا أَيْضاً قَدْ سَقَطَ بَعْضُ أَسْنَانِي حَتَّى إِنَّهُ لَيُوَسْوِسُ إِلَيَّ الشَّيْطَانُ فَيَقُولُ لِي: إِذَا ذَهَبَتِ الْبَقِيَّةُ فَبِأَيِّ شَيْءٍ تَأْكُلُ؟ فَأَقُولُ: لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ.

ثُمَّ قَالَ لِي: عَلَيْكَ بِالثَّرِيدِ؛ فَإِنَّهُ صَالِحٌ وَ اجْتَنِبِ السَّمْنَ؛ فَإِنَّهُ لَا يُلَائِمُ الشَّيْخَ.

---

۴ ـ حمّاد بن عثمان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه انسانی به سن ۵۰ سالگی رسید نباید شب هنگام که در شکمش چیزی از روغن باشد بخوابد.

۵ ـ حمّاد بن عثمان گوید: من در حضور امام صادق عليه السلام بودم که پیرمردی عراقی با آن حضرت سخن می‌گفت.

امام عليه السلام به او فرمود: چرا سخنت را متغیّر می‌شنوم؟

گفت: دندان‌های پیشینم افتاده از این رو نمی‌توانم خوب حرف بزنم.

فرمود: تعدادی از دندان‌های من نیز افتاده است، به گونه‌ای که شیطان مرا وسوسه می‌کند و می‌گوید: «هرگاه باقی دندان‌هایت از بین رفت، با چه چیزی غذا می‌خوری؟» ولی من می‌گویم: «لا حول ولا قوّة إلّا بالله».

آن‌گاه به من فرمود: بر تو باد به ترید! ترید مفید است، هم چنین از روغن دوری کن؛ زیرا روغن با بدن اشخاص پیر سازگاری ندارد.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي حَفْصٍ الْأَبَّارِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:
السَّمْنُ مَا دَخَلَ جَوْفاً مِثْلُهُ وَ إِنِّي لَأَكْرَهُهُ لِلشَّيْخِ.

(٨٤)
بَابُ الْأَلْبَانِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الرَّبِيعِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُسْلِيِّ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
لَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله يَأْكُلُ طَعَاماً وَ لَا يَشْرَبُ شَرَاباً إِلَّا قَالَ: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَ أَبْدِلْنَا بِهِ خَيْراً مِنْهُ» إِلَّا اللَّبَنَ؛ فَإِنَّهُ كَانَ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَ زِدْنَا مِنْهُ».

---

۶ ـ ابو حفص ابار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
روغن حیوانی همان چیز مفیدی است که همانند آن وارد هیچ شکمی نمی‌شود؛ ولی من آن را برای اشخاص پیر و سالخورده مکروه می‌دارم.

بخش هشتاد و چهارم
شیر حیوانات

١ ـ عبدالله بن سلیمان گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:
پیامبر خدا صلى الله عليه وآله هیچ غذایی را میل نمی‌نمود و هیچ آشامیدنی نمی‌آشامید؛ مگر آن که می‌فرمود: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَ أَبْدِلْنَا بِهِ خَيْراً مِنْهُ». جز برای شیر، چرا که وقتی آن حضرت شیر می‌نوشید می‌فرمود: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَ زِدْنَا مِنْهُ».

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَبَّادِ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

لَبَنُ الشَّاةِ السَّوْدَاءِ خَيْرٌ مِنْ لَبَنِ حَمْرَاوَيْنِ وَ لَبَنُ الْبَقَرِ الْحَمْرَاءِ خَيْرٌ مِنْ لَبَنِ سَوْدَاوَيْنِ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله إِذَا شَرِبَ اللَّبَنَ قَالَ: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَ زِدْنَا مِنْهُ».

٤ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنْ عُبَيْدِ اللهِ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ الْفَارِسِيِّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ لَهُ رَجُلٌ: إِنِّي أَكَلْتُ لَبَناً فَضَرَّنِي.

قَالَ: فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: لَا وَ اللهِ! مَا يَضُرُّ لَبَنٌ قَطُّ وَ لَكِنَّكَ أَكَلْتَهُ مَعَ غَيْرِهِ فَضَرَّكَ الَّذِي أَكَلْتَهُ، فَظَنَنْتَ أَنَّ ذَلِكَ مِنَ اللَّبَنِ.

---

۲ ـ محمّد بن قیس گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

شیر گوسفندِ سیاه از شیر گوسفند سرخ بهتر است، هم چنین شیرگاو سرخ از شیر گاو سیاه بهتر است.

۳ ـ ابن قدّاح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه پیامبر صلى الله عليه وآله شیر می‌نوشید، می‌فرمود: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَ زِدْنَا مِنْهُ».

۴ ـ راوی گوید: شخصی به امام صادق عليه السلام عرضه داشت: من شیر نوشیدم ولی شیر به من ضرر کرد.

امام عليه السلام به او فرمود: نه، به خدا سوگند! شیر هیچ گاه ضرر نمی‌کند؛ چرا که تو آن را با چیز دیگری خوردی و آن چیز که خوردی به تو ضرر کرده است و تو گمان کردی که شیر به تو ضرر کرده است.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

لَيْسَ أَحَدٌ يَغَصُّ بِشُرْبِ اللَّبَنِ؛ لِأَنَّ اللهَ عزوجل يَقُولُ: «لَبَناً خٰالِصاً سٰائِغاً لِلشّٰارِبِينَ».

٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ خَالِدِ بْنِ نَجِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

اللَّبَنُ طَعَامُ الْمُرْسَلِينَ.

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ وَ غَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَصْبَهَانِيِّ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ ـ وَ أَنَا أَسْمَعُ ـ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنِّي أَجِدُ الضَّعْفَ فِي بَدَنِي.

فَقَالَ لَهُ: عَلَيْكَ بِاللَّبَنِ! فَإِنَّهُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ وَ يَشُدُّ الْعَظْمَ.

٨ ـ عَنْهُ عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام قَالَ: مَنْ تَغَيَّرَ عَلَيْهِ مَاءُ الظَّهْرِ؛ فَإِنَّهُ يَنْفَعُ لَهُ اللَّبَنُ الْحَلِيبُ وَ الْعَسَلُ.

---

۵ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: شیر به گوارش کسی آسیب نمی‌زند؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «شیر خالصی که برای نوشندگان گواراست».

۶ ـ خالد بن نجیح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

شیر غذای پیامبران است.

۷ ـ ابو الحسن اصفهانی گوید: من در حضور امام صادق عليه السلام بودم و می‌شنیدم که شخصی به آن حضرت عرض کرد: فدایت شوم! بدنم سست و ضعیف شده است.

فرمود: بر تو باد به شیر! زیرا شیر، گوشت بدن را می‌رویاند و استخوان‌ها را محکم می‌کند.

۸ ـ راوی گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

شیر تازه با عسل برای کسی که آب کمرش دگرگون شود، مفید است.

۹ ـ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: أَكَلْنَا مَعَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَأُتِينَا بِلَحْمِ جَزُورٍ، فَظَنَنْتُ أَنَّهُ مِنْ بَيْتِهِ؛ فَأَكَلْنَا ثُمَّ أُتِينَا بِعُسٍّ مِنْ لَبَنٍ فَشَرِبَ مِنْهُ.

ثُمَّ قَالَ لِي: اشْرَبْ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ!

فَذُقْتُهُ فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! لَبَنٌ؟

فَقَالَ: إِنَّهَا الْفِطْرَةُ.

ثُمَّ أُتِينَا بِتَمْرٍ فَأَكَلْنَاهُ.

(۸۵)
بَابُ أَلْبَانِ الْبَقَرِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: أَلْبَانُ الْبَقَرِ دَوَاءٌ.

---

۹ ـ ابو بصیر گوید: در خدمت امام صادق علیه السلام غذا می‌خوردیم، گوشت شتر آوردند و میل کردیم. گمان می‌کنم آن گوشت در خانه حضرت علیه السلام طبخ شده بود. آنگاه کاسه بزرگی آوردند که شیر داشت. حضرت علیه السلام از آن نوشید، سپس به من فرمود:

ای ابا محمّد! بنوش.

من نیز از آن نوشیدم و گفتم: فدایت شوم! شیر است؟

فرمود: همانا آن «فطرت»[1] است.

آنگاه خرما آوردند و ما از آن خوردیم.

بخش هشتاد و پنجم
شیر گاو

۱ ـ سکونی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: شیر گاو همانند داروست.

---

۱ ـ اشاره به جریانی از پیامبر صلی الله علیه و آله در شب معراج دارد.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلَادِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام ذَرَباً وَجَدْتُهُ.

فَقَالَ لِي: مَا يَمْنَعُكَ مِنْ شُرْبِ أَلْبَانِ الْبَقَرِ؟!

فَقَالَ لِي: أَ شَرِبْتَهَا قَطُّ؟

فَقُلْتُ لَهُ: نَعَمْ؛ مِرَاراً.

فَقَالَ: كَيْفَ وَجَدْتَهَا؟

فَقُلْتُ: وَجَدْتُهَا تَدْبُغُ الْمَعِدَةَ وَ تَكْسُو الْكُلْيَتَيْنِ الشَّحْمَ وَ تُشَهِّي الطَّعَامَ.

فَقَالَ لِي: لَوْ كَانَتْ أَيَّامُهُ لَخَرَجْتُ أَنَا وَ أَنْتَ إِلَى يَنْبُعَ حَتَّى نَشْرَبَهُ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما‌السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله: عَلَيْكُمْ بِأَلْبَانِ الْبَقَرِ! فَإِنَّهَا تُخْلَطُ مَعَ كُلِّ الشَّجَرِ.

---

۲ ـ ابو بلاد گوید: از بیماری معده‌ام به امام باقر عليه‌السلام شکایت نمودم، حضرتش فرمود: چرا شیر گاو نمی‌نوشی؟

و فرمود: آیا آن را آشامیده‌ای؟

عرض کردم: آری؛ بارها نوشیده‌ام.

فرمود: آن را چگونه یافتی؟

عرض کردم: آن را این گونه یافته‌ام که معده را دباغی می‌کند، کلیه‌ها را با چربی می‌پوشاند و اشتهاآور است.

آن‌گاه به من فرمود: اگر فصل آن بود با هم به روستای «ینبع»[1] می‌رفتیم، و از شیر گاو آن روستا می‌نوشیدیم.

۳ ـ زراره گوید: امام (باقر یا امام صادق عليهما‌السلام) فرمود:

پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: بر شما باد به شیر گاو! زیرا گاو از برگ هر درختی تغذیه می‌کند.

---

۱ ـ ینبع: روستایی در حومهٔ مدینه.

(۸۶)

بَابُ الْمَاسْتِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى رَفَعَهُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه‌السلام قَالَ:
مَنْ أَرَادَ أَكْلَ الْمَاسْتِ وَ لَا يَضُرُّهُ فَلْيَصُبَّ عَلَيْهِ الْهَاضُومَ.
قُلْتُ لَهُ: وَ مَا الْهَاضُومُ؟
قَالَ: النَّانْخَواهُ.

(۸۷)

بَابُ أَلْبَانِ الْإِبِلِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عليه‌السلام يَقُولُ:

بخش هشتاد و ششم

ماست

۱ ـ محمّد بن یحیی در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام کاظم عليه‌السلام فرمود:
هر کس خواست ماست بخورد و آن به گوارش او آسیب نرساند باید بر روی آن «هضم کننده» بریزد.
عرض کردم: «هضم کننده» چیست؟
فرمود: نان خواه.

بخش هشتاد و هفتم

شیر شتر

۱ ـ جعفری گوید: از امام کاظم عليه‌السلام شنیدم که می‌فرمود:

أَبْوَالُ الْإِبِلِ خَيْرٌ مِنْ أَلْبَانِهَا وَ يَجْعَلُ اللهُ ﷻ الشِّفَاءَ فِي أَلْبَانِهَا.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ مُوسَى بْنِ عَبْدِاللهِ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: سَمِعْتُ أَشْيَاخَنَا يَقُولُونَ:

أَلْبَانُ اللِّقَاحِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ عَاهَةٍ وَ لِصَاحِبِ الْبَطَنِ أَبْوَالُهَا.

(۸۸)

بَابُ أَلْبَانِ الْأُتُنِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

تَغَدَّيْتُ مَعَهُ، فَقَالَ لِي: أَ تَدْرِي مَا هَذَا؟

قُلْتُ: لَا.

ادرار شتر، بهتر از شیر آن است. خداوند متعال شفا را در شیر آن قرار داده است.

۲ ـ موسی بن عبدالله بن حسین گوید: از بزرگانمان شنیدم که می‌گفتند:

شیر شتر ماده، شفای از هر بیماری و آفتی است و ادرار آن، برای کسی که دل درد دارد مفید است.

بخش هشتاد و هشتم

شیر الاغ

۱ ـ عیسی بن قاسم گوید: خدمت امام صادق عليه السلام صبحانه خوردم، حضرتش به من فرمود:

می‌دانی این چه غذایی است؟

گفتم: نه.

قَالَ: هَذَا شِيرَازُ الْأُتُنِ؛ اتَّخَذْنَاهُ لِمَرِيضٍ لَنَا، فَإِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تَأْكُلَ مِنْهُ فَكُلْ.

٢ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ خَلَفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عَبْدِاللهِ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَأُتِينَا بِسُكُرُّجَاتٍ، فَأَشَارَ بِيَدِهِ نَحْوَ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ وَ قَالَ:

هَذَا شِيرَازُ الْأُتُنِ؛ اتَّخَذْنَاهُ لِعَلِيلٍ عِنْدَنَا، وَ مَنْ شَاءَ فَلْيَأْكُلْ وَ مَنْ شَاءَ فَلْيَدَعْ.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنْ شُرْبِ أَلْبَانِ الْأُتُنِ.

فَقَالَ: اشْرَبْهَا.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ شُرْبِ أَلْبَانِ الْأُتُنِ.

فَقَالَ لِي: لَا بَأْسَ بِهَا.

فرمود: این «شیراز»[1] الاغ است. ما آن را برای بیمارمان تهیّه کرده‌ایم، پس اگر می‌خواهی از آن بخوری، بخور.

۲ ـ یحیی بن عبدالله گوید: من در حضور امام صادق عليه السلام بودم، ظرف‌های کوچکی آوردند، حضرت عليه السلام به یکی از آنها اشاره نمود وفرمود:

این «شیراز» الاغ است، ما آن را برای بیمار خودمان تهیه کرده‌ایم، هر کس می‌خواهد، از آن بخورد و هر کس نمی‌خواهد نخورد.

۳ ـ عیص بن قاسم گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: نوشیدن شیر الاغ چه صورت دارد؟

امام صادق عليه السلام فرمود: می‌توانی بنوشی.

۴ ـ ابو مریم انصاری گوید: از امام باقر عليه السلام در مورد نوشیدن شیر الاغ پرسیدم.

فرمود: ایرادی ندارد.

---

۱ ـ شیراز: شیری که آب آن گرفته شده و سفت و غلیظ شده است.

(۸۹)
بَابُ الْجُبُنِّ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الْجُبُنِّ.

فَقَالَ لِي: لَقَدْ سَأَلْتَنِي عَنْ طَعَامٍ يُعْجِبُنِي.

ثُمَّ أَعْطَى الْغُلَامَ دِرْهَماً فَقَالَ: يَا غُلَامُ! ابْتَعْ لَنَا جُبُنّاً.

وَ دَعَا بِالْغَدَاءِ فَتَغَدَّيْنَا مَعَهُ. وَ أُتِيَ بِالْجُبُنِّ فَأَكَلَ وَ أَكَلْنَا مَعَهُ. فَلَمَّا فَرَغْنَا مِنَ الْغَدَاءِ قُلْتُ لَهُ: مَا تَقُولُ فِي الْجُبُنِّ؟

فَقَالَ لِي: أَ وَ لَمْ تَرَنِي أَكَلْتُهُ؟

قُلْتُ: بَلَى؛ وَ لَكِنِّي أُحِبُّ أَنْ أَسْمَعَهُ مِنْكَ.

بخش هشتاد و نهم
پنیر

۱ ـ عبدالله بن سلیمان گوید:

از امام باقر عليه السلام دربارهٔ پنیر سؤال کردم.

به من فرمود: از غذایی که من به آن علاقه دارم پرسیدی.

آنگاه به خدمتکار خود درهمی داد و فرمود:

ای غلام! برای ما پنیر بخر.

هم چنین حضرتش صبحانه خواستند و ما با ایشان صبحانه خوردیم، آنگاه پنیر آوردند و حضرت عليه السلام از آن خوردند و ما نیز همراه آن حضرت پنیر خوردیم.

زمانی که صبحانه تمام شد به آن بزرگوار عرض کردم: دربارهٔ پنیر چه می‌فرمایید؟

فرمود: مگر ندیدی که از آن خوردم؟!

عرض کردم: آری؛ ولی دوست دارم که آن را از خود شما بشنوم.

فَقَالَ: سَأُخْبِرُكَ عَنِ الْجُبُنِّ وَ غَيْرِهِ، كُلُّ مَا كَانَ فِيهِ حَلَالٌ وَ حَرَامٌ فَهُوَ لَكَ حَلَالٌ حَتَّى تَعْرِفَ الْحَرَامَ بِعَيْنِهِ فَتَدَعَهُ.

۲ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ النَّهْدِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَبَانِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فِي الْجُبُنِّ قَالَ: كُلُّ شَيْءٍ لَكَ حَلَالٌ حَتَّى يَجِيئَكَ شَاهِدَانِ يَشْهَدَانِ عِنْدَكَ أَنَّ فِيهِ مَيْتَةً.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ النَّيْسَابُورِيِّ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلَهُ رَجُلٌ عَنِ الْجُبُنِّ.

فَقَالَ: دَاءٌ لَا دَوَاءَ فِيهِ.

فَلَمَّا كَانَ بِالْعَشِيِّ دَخَلَ الرَّجُلُ عَلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَنَظَرَ إِلَى الْجُبُنِّ عَلَى الْخِوَانِ، فَقَالَ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! سَأَلْتُكَ بِالْغَدَاةِ عَنِ الْجُبُنِّ فَقُلْتَ لِي: إِنَّهُ هُوَ الدَّاءُ الَّذِي لَا دَوَاءَ لَهُ، وَ السَّاعَةَ أَرَاهُ عَلَى الْخِوَانِ!

فرمود: به زودی تو را از پنیر وغیر آن با خبر خواهم ساخت. هر چه که در آن حلال وحرام [مشتبه] است،، برایت حلال است؛ تا زمانی که عیناً حرام را بشناسی، در این صورت باید آن را رها کنی.

۲ ـ عبدالله بن سلیمان گوید: امام صادق عليه السلام دربارهٔ پنیر فرمود:

هر چیزی برای تو حلال است تا این که دو شاهد نزد تو بیایند وشهادت دهند که در آن مردار است.

۳ ـ راوی گوید: شخصی از امام صادق عليه السلام دربارهٔ پنیر سؤال کرد.

فرمود: نوعی بیماری است که دارویی در آن وجود ندارد.

وقت شام فرا رسید، آن شخص نزد امام عليه السلام وارد شد ونگاهش به پنیری که روی سفره بود، افتاد، آنگاه عرضه داشت: فدایت شوم! صبح از شما دربارهٔ پنیر پرسیدم، شما به من فرمودید: «پنیر مرضی است که دوایی ندارد» اکنون آن را روی سفره مشاهده می‌کنم!

قَالَ: فَقَالَ لِي: هُوَ ضَارٌّ بِالْغَدَاةِ نَافِعٌ بِالْعَشِيِّ. وَ يَزِيدُ فِي مَاءِ الظَّهْرِ.
وَ رُوِيَ: أَنَّ مَضَرَّةَ الْجُبُنِّ فِي قِشْرِهِ.

(۹۰)

بَابُ الْجُبُنِّ وَ الْجَوْزِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:
أَكْلُ الْجَوْزِ فِي شِدَّةِ الْحَرِّ يُهَيِّجُ الْحَرَّ فِي الْجَوْفِ وَ يُهَيِّجُ الْقُرُوحَ عَلَى الْجَسَدِ؛ وَ أَكْلُهُ فِي الشِّتَاءِ يُسَخِّنُ الْكُلْيَتَيْنِ وَ يَدْفَعُ الْبَرْدَ.
۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْعَبْدِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

حضرت فرمود: هنگام صبحانه پنیر ضرر می‌رساند وهنگام شام، سودمند است وآب کمر را زیاد می‌کند.
هم چنین روایت شده است: ضرر پنیر، در پوست آن است.

بخش نودم
پنیر و گردو

۱ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود:
خوردن گردو در گرمای زیاد، حرارت شکم را تهییج وآبله‌های بدن را تحریک می‌کند وخوردن آن در زمستان کلیه‌ها را گرم می‌کند وسرما را می‌راند.
۲ ـ عبدالعزیز عبدی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

الْجُبُنُّ وَ الْجَوْزُ إِذَا اجْتَمَعَا فِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا شِفَاءٌ وَ إِنِ افْتَرَقَا كَانَ فِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا دَاءٌ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِدْرِيسَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الْجَوْزَ وَ الْجُبُنَّ إِذَا اجْتَمَعَا كَانَا دَوَاءً وَ إِذَا افْتَرَقَا كَانَا دَاءً.

أَبْوَابُ الْحُبُوبِ

(۹۱)
بَابُ الْأَرُزِّ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

هرگاه پنیر وگردو با هم جمع شوند، در هر کدام از آنها شفایی است واگر جدا باشند، در هر کدامشان مرضی است.

۳ ـ نظیر این روایت را زراره از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند.

بخش‌هایی دربارهٔ حبوبات
بخش نود و یکم
برنج

۱ ـ یونس بن یعقوب گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

مَا يَأْتِينَا مِنْ نَاحِيَتِكُمْ شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الْأَرُزِّ وَ الْبَنَفْسَجِ؛ إِنِّي اشْتَكَيْتُ وَجَعِي ذَلِكَ الشَّدِيدَ فَأُلْهِمْتُ أَكْلَ الْأَرُزِّ، فَأَمَرْتُ بِهِ فَغُسِلَ وَ جُفِّفَ ثُمَّ قُلِيَ وَ طُحِنَ، فَجُعِلَ لِي مِنْهُ سَفُوفٌ بِزَيْتٍ وَ طَبِيخٌ أَتَحَسَّاهُ، فَأَذْهَبَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنِّي بِذَلِكَ الْوَجَعَ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ وَ غَيْرِهِ عَنْ يُونُسَ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: رَأَيْتُ دَايَةَ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام تُلْقِمُهُ الْأَرُزَّ وَ تَضْرِبُهُ عَلَيْهِ؛ فَغَمَّنِي مَا رَأَيْتُهُ.

فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَقَالَ لِي: أَحْسَبُكَ غَمَّكَ مَا رَأَيْتَ مِنْ دَايَةِ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى؟

قُلْتُ لَهُ: نَعَمْ، جُعِلْتُ فِدَاكَ!

فَقَالَ لِي: نِعْمَ الطَّعَامُ الْأَرُزُّ! يُوَسِّعُ الْأَمْعَاءَ وَ يَقْطَعُ الْبَوَاسِيرَ؛ وَ إِنَّا لَنَغْبِطُ أَهْلَ الْعِرَاقِ بِأَكْلِهِمُ الْأَرُزَّ وَ الْبُسْرَ؛ فَإِنَّهُمَا يُوَسِّعَانِ الْأَمْعَاءَ وَ يَقْطَعَانِ الْبَوَاسِيرَ.

از سرزمین شما چیزی که نزد من از برنج و بنفشه محبوب‌تر باشد به ما نرسیده است؛ من به بیماری شدیدی مبتلا شدم، به من الهام شد که برنج بخورم. پس به خدمتکاران امر کردم مقداری برنج را شستند و خشک نمودند. آنگاه آن را جوشاندند و آرد کردند. سپس آن را با روغن زیتون و «طبیخ»[1] به صورت مخلوط نشده برای من آماده نمودند. من آن را جرعه جرعه نوشیدم و خداوند متعال به وسیله آن، درد را از من دور نمود.

۲ ـ زراره گوید: روزی دایه امام کاظم عليه السلام را دیدم که به آن حضرت به زور لقمه برنج می‌خوراند و حضرتش را می‌زند. من از این موضوع اندوهگین شدم. به حضور امام صادق عليه السلام وارد شدم.

ایشان به من فرمود: به نظرم آن چه را که از دایه موسی مشاهده نمودی تو را غمگین نموده است؟

عرض کردم: آری؛ فدایت شوم!

حضرتش فرمود: برنج چه خوب غذایی است! معده و روده‌ها را می‌گشاید و بواسیر را قطع می‌کند. به راستی که ما به اهل عراق به خاطر این که برنج و غورهٔ خرما می‌خورند غبطه می‌خوریم؛ زیرا آن دو، معده و روده‌ها را می‌گشاید و بواسیر را قطع می‌نمایند.

---

۱ ـ طبیخ: شرابی که نصف آن، با جوشیدن بخار شده است.

٣ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِي سُلَيْمَانَ الْحَذَّاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَيْضِ قَالَ:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَجَاءَهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ: إِنَّ ابْنَتِي قَدْ ذَبَلَتْ وَ بِهَا الْبَطَنُ.

فَقَالَ: مَا يَمْنَعُكَ مِنَ الْأَرُزِّ بِالشَّحْمِ؟ خُذْ حِجَاراً أَرْبَعاً أَوْ خَمْساً فَاطْرَحْهَا بِجَنْبِ النَّارِ وَ اجْعَلِ الْأَرُزَّ فِي الْقِدْرِ وَ اطْبُخْهُ حَتَّى يُدْرِكَ. وَ خُذْ شَحْمَ كُلًى طَرِيّاً، فَإِذَا بَلَغَ الْأَرُزُّ فَاطْرَحِ الشَّحْمَ فِي قَصْعَةٍ مَعَ الْحِجَارَةِ وَ كُبَّ عَلَيْهَا قَصْعَةً أُخْرَى، ثُمَّ حَرِّكْهَا تَحْرِيكاً جَيِّداً وَ اضْبِطْهَا كَيْ لَا يَخْرُجَ بُخَارُهُ؛ فَإِذَا ذَابَ الشَّحْمُ فَاجْعَلْهُ فِي الْأَرُزِّ ثُمَّ تَحَسَّاهُ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: نِعْمَ الطَّعَامُ الْأَرُزُّ! وَإِنَّا لَنَدَّخِرُهُ لِمَرْضَانَا.

٥ ـ عَنْهُ عَنْ يَحْيَى بْنِ عِيسَى عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ: نِعْمَ الطَّعَامُ الْأَرُزُّ! وَ إِنَّا لَنُدَاوِي بِهِ مَرْضَانَا.

---

۳ ـ محمّد بن فیض گوید: در حضور امام صادق عليه السلام بودم، شخصی آمد و به آن حضرت عليه السلام گفت: دخترم دل درد دارد و لاغر و نحیف شده است.

حضرت عليه السلام فرمود: چرا برنج با پیه به او نمی‌دهی؟! چهار و یا پنج سنگ را کنار آتش قرار ده و برنج را در دیگ بریز و آن را بپز تا خوب پخته شود. آنگاه پیه کلیه تازه‌ای را آماده کن، و هنگامی که برنج آماده شد پیه را در کاسه قرار ده و کاسه دیگری را وارونه روی آن کاسه بگذار، سپس آن را به خوبی تکان بده و آن را محکم نگه دار تا بخارش خارج نشود، هنگامی که پیه، آب شد، آن را روی برنج بریز. آنگاه آن را به تدریج به دخترت بخوران.

۴ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

برنج چه خوب غذایی است. ما آن را برای درمان بیماران خود ذخیره می‌کنیم.

۵ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

برنج چه خوب غذایی است! ما بیماران خود را با آن مداوا می‌نماییم.

٦ ـ عَنْهُ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ خَالِدِ بْنِ نَجِيحٍ قَالَ: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام وَجَعَ بَطْنِي.

فَقَالَ لِي: خُذِ الْأَرُزَّ فَاغْسِلْهُ ثُمَّ جَفِّفْهُ فِي الظِّلِّ ثُمَّ رُضَّهُ وَ خُذْ مِنْهُ فِي كُلِّ غَدَاةٍ مِلْءَ رَاحَتِكَ.

وَ زَادَ فِيهِ إِسْحَاقُ الْجَرِيرِيُّ: تَقْلِيهِ قَلِيلاً وَزْنَ أُوقِيَّةٍ وَ اشْرَبْهُ.

٧ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ حُمْرَانَ قَالَ:

كَانَ بِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام وَجَعُ الْبَطْنِ. فَأَمَرَ أَنْ يُطْبَخَ لَهُ الْأَرُزُّ وَ يُجْعَلَ عَلَيْهِ السُّمَّاقُ، فَأَكَلَهُ فَبَرَأَ.

---

۶ ـ خالد بن نجیح گوید: از دل درد خود به امام صادق علیه السلام شکایت نمودم.

حضرتش به من فرمود: مقداری برنج را بشوی آنگاه آن را در سایه خشک کن. سپس آن را آسیاب کن و به هنگام صبحانه، به اندازه یک کف دست از آن بخور.

اسحاق جریری می‌افزاید: مقداری از آن را به اندازه وزن «اوقیه» برشته کن و بخور.

۷ ـ حمران گوید: امام صادق علیه السلام شکم درد داشت، دستور نمود که برای حضرتش برنج بپزند و روی آن سماق بپاشند، آنگاه امام علیه السلام آن را میل نمود و بهبود یافت.

(۹۲)
بَابُ الْحِمِّصِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ نَادِرٍ الْخَادِمِ قَالَ: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عليه‌السلام يَأْكُلُ الْحِمِّصَ الْمَطْبُوخَ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام:

إِنَّ النَّاسَ يَرْوُونَ أَنَّ النَّبِيَّ صلى‌الله‌عليه‌وآله قَالَ: إِنَّ الْعَدَسَ بَارَكَ عَلَيْهِ سَبْعُونَ نَبِيّاً.

فَقَالَ: هُوَ الَّذِي يُسَمُّونَهُ عِنْدَكُمُ الْحِمِّصَ وَ نَحْنُ نُسَمِّيهِ الْعَدَسَ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ رِفَاعَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام يَقُولُ:

بخش نود و دوم
نخود

۱ ـ نادر خادم گوید: امام کاظم عليه‌السلام قبل و بعد از غذا نخود پخته شده میل می‌فرمود.

۲ ـ معاویة بن عمّار گوید: به امام صادق عليه‌السلام عرض کردم: اهل سنت روایت می‌کنند که پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: «هفتاد پیامبر برای عدس طلب برکت نمودند».

فرمود: آن، همان چیزی است که نزد شما «نخود» نامیده می‌شود و ما آن را «عدس» می‌نامیم.

۳ ـ رفاعه گوید: از امام صادق عليه‌السلام شنیدم که می‌فرمود:

إِنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمَّا عَافَى أَيُّوبَ عليه السلام نَظَرَ إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدِ ازْدَرَعَتْ؛ فَرَفَعَ طَرْفَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ قَالَ:

إِلَهِي وَ سَيِّدِي! عَبْدُكَ أَيُّوبُ الْمُبْتَلَى عَافَيْتَهُ وَ لَمْ يَزْدَرِعْ شَيْئاً، وَ هَذَا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ زَرْعٌ.

فَأَوْحَى اللهُ عزّ وجلّ إِلَيْهِ: يَا أَيُّوبُ! خُذْ مِنْ سُبْحَتِكَ كَفّاً فَابْذُرْهُ.

وَ كَانَتْ سُبْحَتُهُ فِيهَا مِلْحٌ. فَأَخَذَ أَيُّوبُ عليه السلام كَفّاً مِنْهَا فَبَذَرَهُ فَخَرَجَ هَذَا الْعَدَسُ. وَ أَنْتُمْ تُسَمُّونَهُ الْحِمِّصَ وَ نَحْنُ نُسَمِّيهِ الْعَدَسَ.

٤ ـ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ: الْحِمِّصُ جَيِّدٌ لِوَجَعِ الظَّهْرِ.

وَ كَانَ يَدْعُو بِهِ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ.

هنگامی که خداوند به ایّوب عليه السلام تندرستی و عافیت داد، دید بنی اسرائیل بذر می‌کارند. او به آسمان نگاه کرد و عرضه داشت:

ای خدای من! و ای آقای من! بنده‌ات ایّوب مبتلا را عافیت دادی در حالی که بذری نگاشته است و این بنی اسرائیل است که بذر می‌کارند.

ایّوب عليه السلام کیسه‌ای داشت که در آن نمک بود، خداوند متعال به او وحی نمود: «ای ایّوب! مشتی از کیسه را بردار و در زمین بکار» ایّوب عليه السلام مشتی از آن را برداشت و در زمین کاشت و از آن عدس خارج شد. شما آن را نخود می‌نامید و ما عدس می‌گوییم.

۴ ـ احمد بن محمّد بن ابی نصر گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

نخود برای کمر درد خوب است.

احمد گوید: امام عليه السلام قبل و بعد از غذا درخواست نخود می‌نمود.

(۹۳)

بَابُ الْعَدَسِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: أَكْلُ الْعَدَسِ يُرِقُّ الْقَلْبَ وَ يُكْثِرُ الدَّمْعَةَ.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ فُرَاتِ بْنِ أَحْنَفَ:

أَنَّ بَعْضَ بَنِي إِسْرَائِيلَ شَكَا إِلَى اللهِ عزّوجلّ قَسْوَةَ الْقَلْبِ وَ قِلَّةَ الدَّمْعَةِ، فَأَوْحَى اللهُ عزّوجلّ إِلَيْهِ: أَنْ كُلِ الْعَدَسَ. فَأَكَلَ الْعَدَسَ فَرَقَّ قَلْبُهُ وَ جَرَتْ دَمْعَتُهُ.

۳ ـ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: شَكَا رَجُلٌ إِلَى نَبِيِّ اللهِ صلى الله عليه وآله قَسَاوَةَ الْقَلْبِ.

فَقَالَ لَهُ: عَلَيْكَ بِالْعَدَسِ! فَإِنَّهُ يُرِقُّ الْقَلْبَ وَ يُسْرِعُ الدَّمْعَةَ.

بخش نود و سوم

عدس

۱ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود: خوردن عدس، قلب را نازک و اشک را فراوان می‌کند.

۲ ـ فرات بن احنف گوید: یکی از بنی اسرائیل از قساوت قلب وکم بود اشکش به خداوند شکایت نمود.

خداوند به او وحی نمود که: عدس بخور.

آن شخص عدس خورد و قلبش نازک و اشکش جاری شد.

۳ ـ عبدالرحمان بن زید گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

شخصی از قساوت قلب به پیامبر خدا صلى الله عليه وآله شکایت نمود.

پیامبر صلى الله عليه وآله به او فرمود: بر تو باد به عدس! زیرا عدس قلب را نازک می‌کند و اشک را سرعت و شتاب می‌بخشد.

٤ ـ عَنْهُ عَنْ دَاوُدَ بْنِ إِسْحَاقَ الْحَذَّاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَيْضِ قَالَ: أَكَلْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام مَرَقَةً بِعَدَسٍ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنَّ هَؤُلَاءِ يَقُولُونَ: إِنَّ الْعَدَسَ قَدَّسَ عَلَيْهِ ثَمَانُونَ نَبِيّاً.

قَالَ: كَذَبُوا؛ لَا وَ اللهِ! وَ لَا عِشْرُونَ نَبِيّاً.

وَ رُوِيَ: أَنَّهُ يُرِقُّ الْقَلْبَ وَ يُسْرِعُ الدَّمْعَةَ.

(٩٤)

بَابُ الْبَاقِلَّى وَ اللُّوبِيَاءِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عُمَرَ بْنِ سَلَمَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

أَكْلُ الْبَاقِلَّى يُمَخِّخُ السَّاقَيْنِ وَ يَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ وَ يُوَلِّدُ الدَّمَ الطَّرِيَّ.

---

۴ ـ محمّد بن فیض گوید:

خدمت امام صادق عليه السلام خورشت عدس خوردم. گفتم: فدایت شوم! اهل سنّت می‌گویند: «هشتاد پیامبر عدس را تقدیس نموده‌اند».

فرمود: دروغ گفته‌اند، نه، به خدا سوگند! این طور نیست، حتی بیست پیامبر (نیز آن را تقدیس ننموده‌اند).

هم چنین روایت شده است که عدس، قلب را نازک می‌کند و به ریزش اشک سرعت می‌بخشد.

بخش نود و چهارم

باقلا و لوبیا

۱ ـ محمّد بن عبدالله گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

خوردن باقلا ساق پاها را نیرو می‌بخشد، عقل را زیاد می‌کند و در بدن خون تازه تولید می‌نماید.

۲ ـ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

أَكْلُ الْبَاقِلَّى يُمَخِّخُ السَّاقَيْنِ وَ يُوَلِّدُ الدَّمَ الطَّرِيَّ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

كُلُوا الْبَاقِلَّى بِقِشْرِهِ؛ فَإِنَّهُ يَدْبُغُ الْمَعِدَةَ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

اللُّوبِيَاءِ يَطْرُدُ الرِّيَاحَ الْمُسْتَبْطِنَةَ.

---

۲ ـ نظیر این روایت را احمد بن محمّد بن ابی نصر از امام رضا عليه السلام نقل می‌کند.

۳ ـ صالح بن عقبه گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

باقلا را با پوستش بخورید؛ زیرا معده را دبّاغی می‌کند.

۴ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: لوبیا بادهای پنهان را از بدن دور می‌کند.

(۹۵)
بَابُ الْمَاشِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْجَلَّابِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ: شَكَا رَجُلٌ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام الْبَهَقَ؛ فَأَمَرَهُ أَنْ يَطْبُخَ الْمَاشَ وَ يَتَحَسَّاهُ وَ يَجْعَلَهُ فِي طَعَامِهِ.

(۹۶)
بَابُ الْجَاوَرْسِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ قَالَ: حَدَّثَنِي مَنْ أَكَلَ مَعَ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام هَرِيسَةً بِالْجَاوَرْسِ وَ قَالَ:
أَمَا إِنَّهُ طَعَامٌ لَيْسَ فِيهِ ثِقَلٌ وَ لَا لَهُ غَائِلَةٌ، وَ إِنَّهُ أَعْجَبَنِي؛ فَأَمَرْتُ أَنْ يُتَّخَذَ لِي. وَ هُوَ بِاللَّبَنِ أَنْفَعُ وَ أَلْيَنُ فِي الْمَعِدَةِ.

بخش نود و پنجم
ماش

۱ ـ راوی گوید: شخصی از بیماری «بَهَق»[1] به امام کاظم عليه السلام شکایت نمود.
امام عليه السلام به او دستور نمود که ماش را بپزد و آن را به تدریج بخورد و هم‌چنین با غذایش از آن بخورد.

بخش نود و ششم
کاورس[2]

۱ ـ ایّوب بن نوح گوید: شخصی که با امام کاظم عليه السلام حلیم کاورس خورده بود گوید: امام عليه السلام فرمود:
آگاه باشید! حلیم کاورس، غذایی است که نه سنگینی دارد و نه گرفتاری، من آن را دوست می‌دارم. دستور دادم که برای من مقداری از آن تهیه کنند و خوردن آن با شیر، سودمندتر و در معده نرم‌تر است.

---

۱ ـ بَهَق: همان بیماری پوستی سفیدشدن پوست بدن، غیر از بیماری پیسی و برص است.
۲ ـ نوعی ارزن.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ: مَرِضْتُ بِالْمَدِينَةِ فَانْطَلَقَ بَطْنِي، فَوَصَفَ لِي أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام سَوِيقَ الْجَاوَرْسِ وَ أَمَرَنِي أَنْ آخُذَ سَوِيقَ الْجَاوَرْسِ وَ أَشْرَبَهُ بِمَاءِ الْكَمُّونِ؛ فَفَعَلْتُ فَأَمْسَكَ بَطْنِي وَ عُوفِيتُ.

(۹۷)

بَابُ التَّمْرِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ مُيَسِّرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَوْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللهِ عزّ وجلّ: ﴿**فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكىٰ طَعَاماً فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ**﴾.

قَالَ: أَزْكَى طَعَاماً التَّمْرُ.

---

۲ ـ عبدالرحمان بن کثیر گوید:

من در مدینه بیمار شدم و شکمم روان شده بودم. امام صادق عليه السلام قاووت کاورس را برای من توصیه نمود و به من دستور داد که قاووت کاورس بگیرم و با آب زیره بخورم، من آن را انجام دادم در نتیجه شکمم سفت شد و عافیت یافتم.

بخش نود و هفتم

خرما

۱ ـ عبدالعزیز گوید: امام باقر یا امام صادق عليهما السلام دربارهٔ آیه‌ای که می‌فرماید: «بایستی بنگرد کدام یک از آنها غذای پاکیزه‌تری دارند؛ مقداری از آن برای روزی شما بیاورد» فرمود: «پاکیزه‌ترین غذا» همان خرما است.

٢ ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مِهْزَمٍ عَنْ عَنْبَسَةَ بْنِ بِجَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَا قُدِّمَ إِلَى رَسُولِ اللهِ عليه السلام طَعَامٌ فِيهِ تَمْرٌ إِلَّا بَدَأَ بِالتَّمْرِ.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يُحِبُّ أَنْ يَرَى الرَّجُلَ تَمْرِيّاً لِحُبِّ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله التَّمْرَ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

دَخَلْنَا عَلَيْهِ فَاسْتَدْعَى بِتَمْرٍ؛ فَأَكَلْنَا ثُمَّ ازْدَدْنَا مِنْهُ.

ثُمَّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: إِنِّي أُحِبُّ الرَّجُلَ ـ أَوْ قَالَ: يُعْجِبُنِي الرَّجُلُ ـ إِذَا كَانَ تَمْرِيّاً.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَمْرٍو عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

---

۲ ـ عنبسه بن بجاد گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هیچ غذایی برای پیامبر خدا صلى الله عليه وآله نیاوردند که در آن خرما باشد، مگر آن که آن حضرت با خرما شروع می‌نمود.

۳ ـ سدیر گوید: امام سجّاد عليه السلام به خاطر علاقهٔ پیامبر خدا صلى الله عليه وآله به خرما دوست داشتند که ببینند شخص، خرما دوست است.

۴ ـ عقبة بن بشیر گوید: روزی خدمت امام باقر عليه السلام شرف‌یاب شدیم. حضرت خرما خواست، به حضورش آوردند ما هم خوردیم وقتی تمام شد حضرت باز هم خرما خواستند.

آن‌گاه فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: من شخصی را دوست دارم ـ یا فرمود: به شخصی علاقه‌مندم ـ که خرما دوست باشد.

۵ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

خَيْرُ تُمُورِكُمُ الْبَرْنِيُّ؛ يَذْهَبُ بِالدَّاءِ وَ لَا دَاءَ فِيهِ، وَ يَذْهَبُ بِالْإِعْيَاءِ وَ لَا ضَرَرَ لَهُ، وَ يَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ. وَ مَعَ كُلِّ تَمْرَةٍ حَسَنَةٌ.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: يَهْنَأُ وَ يَمْرَأُ وَ يَذْهَبُ بِالْإِعْيَاءِ وَ يُشْبِعُ.

٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الرَّازِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ:

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام وَ بَيْنَ يَدَيْهِ تَمْرٌ بَرْنِيٌّ، وَ هُوَ مُجِدٌّ فِي أَكْلِهِ يَأْكُلُهُ بِشَهْوَةٍ، فَقَالَ لِي: يَا سُلَيْمَانُ! ادْنُ فَكُلْ.

قَالَ: فَدَنَوْتُ مِنْهُ فَأَكَلْتُ مَعَهُ وَ أَنَا أَقُولُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنِّي أَرَاكَ تَأْكُلُ هَذَا التَّمْرَ بِشَهْوَةٍ؟!

فَقَالَ: نَعَمْ؛ إِنِّي لَأُحِبُّهُ.

قَالَ: قُلْتُ: وَ لِمَ ذَاكَ؟

بهترین خرما، خرمای «بَرنی» است. بیماری‌ها را از بین می‌برد، هیچ ضرری در آن وجود ندارد، درماندگی (از کار و سخن گفتن) را از بین می‌برد. هیچ ضرری ندارد و بلغم را می‌زداید و همراه هر دانه خرما یک حسنه است.

در روایت دیگر چنین آمده است: خرما غذا را گوارا می‌سازد، درماندگی را از بین می‌برد و سیری می‌آورد.

۶ ـ سلیمان بن جعفر جعفری گوید: به حضور امام رضا عليه السلام شرف‌یاب شدم در مقابل حضرت خرمای برنی بود، آن حضرت با اشتها از آن می‌خورد، به من فرمود: ای سلیمان! نزدیک بیا و بخور.

من نزدیک شدم و با آن حضرت از آن خرما خوردم و به حضرتش گفتم: فدایت شوم! می‌بینم که این خرما را با علاقه میل می‌کنید.

فرمود: آری، من خرما را دوست دارم.

گفتم: چرا؟

قَالَ: لِأَنَّ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله كَانَ تَمْرِيّاً وَ كَانَ عَلِيٌّ علیه السلام تَمْرِيّاً وَ كَانَ الْحَسَنُ علیه السلام تَمْرِيّاً وَ كَانَ أَبُو عَبْدِاللهِ الْحُسَيْنُ علیه السلام تَمْرِيّاً وَ كَانَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ علیه السلام تَمْرِيّاً وَ كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام تَمْرِيّاً وَ كَانَ أَبُو عَبْدِاللهِ علیه السلام تَمْرِيّاً وَ كَانَ أَبِي علیه السلام تَمْرِيّاً وَ أَنَا تَمْرِيٌّ، وَ شِيعَتُنَا يُحِبُّونَ التَّمْرَ؛ لِأَنَّهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَتِنَا وَ أَعْدَاؤُنَا يَا سُلَيْمَانُ! يُحِبُّونَ الْمُسْكِرَ؛ لِأَنَّهُمْ خُلِقُوا مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ.

۷ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ علیه السلام قَالَ:

التَّمْرُ الْبَرْنِيُّ يُشْبِعُ وَ يَهْنَأُ وَ يَمْرَأُ وَ هُوَ الدَّوَاءُ وَ لَا دَاءَ لَهُ، يَذْهَبُ بِالْعَيَاءِ؛ وَ مَعَ كُلِّ تَمْرَةٍ حَسَنَةٌ.

۸ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ خَطَّابٍ الْحَلَّالِ عَنْ عَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِاللهِ علیه السلام:

يَا عَلَاءُ! هَلْ تَدْرِي مَا أَوَّلُ شَجَرَةٍ نَبَتَتْ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ؟

فرمود: زیرا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بسیار خرما را دوست می‌داشت، حضرت علی علیه السلام نیز، چنین بود. امام حسن علیه السلام نیز، چنین بود. امام حسین علیه السلام نیز، چنین بود. امام سجّاد علیه السلام نیز، چنین بود. امام باقر علیه السلام نیز، چنین بود. امام صادق علیه السلام نیز، چنین بود. پدرم علیه السلام نیز، چنین بود و من نیز خرما را بسیار دوست می‌دارم، شیعیان ما نیز خرما را دوست می‌دارند؛ زیرا آنان از سرشت ما خلق شده‌اند و ای سلیمان! دشمنان ما به شراب علاقه دارند؛ زیرا آنان از آتشی بدون دود خلق شده‌اند.

۷ـ زراره نظیر روایت پنجم را از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند.

۸ ـ علاء بن رزین گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود:

ای علاء! آیا می‌دانی نخستین درختی که بر روی زمین رویید، چه درختی بود؟

قُلْتُ: اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ ابْنُ رَسُولِهِ أَعْلَمُ.

قَالَ: إِنَّهَا الْعَجْوَةُ؛ فَمَا خَلَصَ فَهُوَ الْعَجْوَةُ وَ مَا كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ فَإِنَّمَا هُوَ مِنَ الْأَشْبَاهِ.

۹ ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رِبْعِيِّ بْنِ عَبْدِاللهِ عَنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: أَنْزَلَ اللهُ عزّوجلّ الْعَجْوَةَ وَ الْعَتِيقَ مِنَ السَّمَاءِ.

قُلْتُ: وَ مَا الْعَتِيقُ؟

قَالَ: الْفَحْلُ.

۱۰ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

الْعَجْوَةُ هِيَ أُمُّ التَّمْرِ الَّتِي أَنْزَلَهَا اللهُ عزّوجلّ لِآدَمَ عليه السلام مِنَ الْجَنَّةِ.

عرض کردم: خدا، پیامبر او و پسر پیامبرش داناترند.

فرمود آن «عجوه»[1] بود، در نتیجه هر خرمایی که خالص باشد، عجوه است و جز آن نظیر عجوه است.

۹ ـ فضیل گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

خداوند، عجوه و عتیق را از آسمان نازل نموده است.

عرض کردم: عتیق چیست؟

فرمود: خرمای نر است.

۱۰ ـ ابو خدیجه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

عجوه، مادر خرماهاست، که خداوند آن را از بهشت برای حضرت آدم عليه السلام فرو فرستاد.

---

۱ ـ عجوه نام یکی از بهترین خرماهای مدینه است.

۱۱ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِذٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

الْعَجْوَةُ أُمُّ التَّمْرِ؛ وَ هِيَ الَّتِي أَنْزَلَهَا اللهُ عزّوجلّ مِنَ الْجَنَّةِ لِآدَمَ عليه السلام. وَ هُوَ قَوْلُ اللهِ عزّوجلّ: ﴿ما قَطَعْتُمْ مِنْ لِينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوها قائِمَةً عَلىٰ أُصُولِها﴾ قَالَ: يَعْنِي الْعَجْوَةَ.

۱۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَّادٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

كَانَتْ نَخْلَةُ مَرْيَمَ عليها السلام الْعَجْوَةَ، وَ نَزَلَتْ فِي كَانُونَ. وَ نَزَلَ مَعَ آدَمَ عليه السلام الْعَتِيقُ وَالْعَجْوَةُ؛ وَ مِنْهَا تَفَرَّقَ أَنْوَاعُ النَّخْلِ.

۱۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ قَالَ:

أَخَذْنَا مِنَ الْمَدِينَةِ نَوَى الْعَجْوَةِ. فَغَرَسَهُ صَاحِبٌ لَنَا فِي بُسْتَانٍ، فَخَرَجَ مِنْهُ السُّكَّرُ وَ الْهِيرُونُ وَ الشِّهْرِيزُ وَ الصَّرَفَانُ وَ كُلُّ ضَرْبٍ مِنَ التَّمْرِ.

---

۱۱ ـ ابو خدیجه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

عجوه، مادر خرماها همان خرمایی است که خداوند از بهشت برای حضرت آدم عليه السلام فرو فرستاد و آن فرموده خداوند متعال است که می‌فرماید: «هر درخت ارزشمند نخل را بریدید یا آن را به حال خود واگذاشتید».

امام عليه السلام فرمود: منظور از درخت، عجوه است.

۱۲ معمّر بن خلّاد گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

درخت خرمایی که به مریم عليها السلام خرما داد، درخت عجوه بود که آن در ماه کانون [1] نازل شده است و همراه حضرت آدم عليه السلام عتیق وعجوه نازل شدند و همه درخت خرما از آن دو پدید آمده‌اند.

۱۳ ـ ابو خدیجه گوید:

ما از مدینه مقداری هستهٔ خرمای عجوه آوردیم، یکی از دوستان، آن را در باغی کاشت و از آن هسته خرما، شکر، خرمای «هیرون»، خرمای «شهریز»، خرمای «صرفان» و هر نوع خرمایی به وجود آمد.

---

۱ ـ کانون از ماه‌های زمستان است.

١٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

الصَّرَفَانُ سَيِّدُ تُمُورِكُمْ.

١٥ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ جَمِيعاً عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ: لَمَّا قَدِمَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام الْحِيرَةَ رَكِبَ دَابَّتَهُ وَ مَضَى إِلَى الْخَوَرْنَقِ، فَنَزَلَ فَاسْتَظَلَّ بِظِلِّ دَابَّتِهِ. وَ مَعَهُ غُلَامٌ لَهُ أَسْوَدُ؛ فَرَأَى رَجُلاً مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ قَدِ اشْتَرَى نَخْلاً، فَقَالَ لِلْغُلَامِ: مَنْ هَذَا؟

فَقَالَ لَهُ: هَذَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليهما السلام. فَجَاءَ بِطَبَقٍ ضَخْمٍ فَوَضَعَهُ بَيْنَ يَدَيْهِ.

فَقَالَ لِلرَّجُلِ: مَا هَذَا؟

فَقَالَ: هَذَا الْبَرْنِيُّ.

فَقَالَ: فِيهِ شِفَاءٌ.

---

۱۴ ـ هشام بن حکم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

خرمای صَرَفان، آقای خرماهای شماست.

۱۵ ـ راوی گوید: هنگامی که امام صادق عليه السلام به شهر حیره آمد با مرکب خود به خورنق رفت، آن‌جا از مرکب پایین آمد و در سایه آن پناه گرفت، همراه حضرت عليه السلام غلام سیاه ایشان نیز بود، حضرت مشاهده نمود که مردی از اهل کوفه درخت خرمایی خریده است.

مرد کوفی به غلام حضرت گفت: این شخص کیست؟

غلام گفت: جعفر بن محمّد عليهما السلام است.

مرد کوفی طبق بزرگی آورد و آن را مقابل حضرت نهاد.

امام عليه السلام به مرد کوفی فرمود: این چیست؟

عرض کرد: خرمای بَرنی است.

فرمود: در آن شفای بیماری‌ها است.

وَ نَظَرَ إِلَى السَّابِرِيِّ فَقَالَ: مَا هَذَا؟

فَقَالَ: السَّابِرِيُّ.

فَقَالَ: هَذَا عِنْدَنَا الْبِيضُ.

وَ قَالَ لِلْمُشَانِ: مَا هَذَا؟

فَقَالَ الرَّجُلُ: الْمُشَانُ.

فَقَالَ عليه السلام: هَذَا عِنْدَنَا أُمُّ جِرْذَانَ.

وَ نَظَرَ إِلَى الصَّرَفَانِ فَقَالَ: مَا هَذَا؟

فَقَالَ الرَّجُلُ: الصَّرَفَانُ.

فَقَالَ: هُوَ عِنْدَنَا الْعَجْوَةُ؛ وَ فِيهِ شِفَاءٌ.

١٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: ذُكِرَتِ التُّمُورُ عِنْدَهُ، فَقَالَ:

وبه خرمای سابری نگاه نمود وفرمود: این چیست؟

عرض کرد: سابری است.

فرمود: این نزد ما بیض نام دارد.

وبرای خرمای مُشان فرمود: این چیست؟

عرض کرد: مُشان است.

فرمود: این نزد ما امّ جِرذان نام دارد.

وبه خرمای صَرَفان نظر کرد وفرمود: این چیست؟

عرض کرد: صَرَفان است.

فرمود: این نزد ما عجوه نام دارد وشفای بیماری‌ها در آن است.

۱۶ ـ هشام بن حکم گوید: در حضور امام صادق عليه السلام سخن از انواع خرما مطرح شد، حضرت عليه السلام فرمود:

الْوَاحِدُ عِنْدَكُمْ أَطْيَبُ مِنَ الْوَاحِدِ عِنْدَنَا، وَ الْجَمِيعُ عِنْدَنَا أَطْيَبُ مِنَ الْجَمِيعِ عِنْدَكُمْ.

١٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَجَّالِ عَنْ أَبِي سُلَيْمَانَ الْحَمَّارِ قَالَ:

كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَجَاءَنَا بِمَضِيرَةٍ وَ طَعَامٍ بَعْدَهَا، ثُمَّ أَتَى بِقِنَاعٍ مِنْ رُطَبٍ عَلَيْهِ أَلْوَانٌ؛ فَجَعَلَ عليه السلام يَأْخُذُ بِيَدِهِ الْوَاحِدَةَ بَعْدَ الْوَاحِدَةِ فَيَقُولُ: أَيَّ شَيْءٍ تُسَمُّونَ هَذَا؟

فَنَقُولُ: كَذَا وَ كَذَا.

حَتَّى أَخَذَ وَاحِدَةً فَقَالَ: مَا تُسَمُّونَ هَذِهِ؟

فَقُلْنَا: الْمُشَانَ.

فَقَالَ: نَحْنُ نُسَمِّيهَا أُمَّ جِرْذَانَ. إِنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله أُتِيَ بِشَيْءٍ مِنْهَا فَأَكَلَ مِنْهَا وَدَعَا لَهَا؛ فَلَيْسَ شَيْءٌ مِنْ نَخْلٍ أَحْمَلَ مِنْهَا.

یکی از خرماهای شما پاکیزه‌تر از خرماهای ماست وهمهٔ خرماهای ما، پاکیزه‌تر از خرماهای شماست.

١٧ ـ ابو سلیمان حَمّار گوید: در حضور امام صادق علیه السلام بودیم، برایمان «مَضیره»[(١)] وبعد از آن غذای دیگری آوردند آن‌گاه طبق خرمایی آوردند که در آن، خرماهای مختلفی بود. حضرت علیه السلام با دست خود خرماها را یکی پس از دیگری برمی‌داشت ومی‌فرمود: این خرما را چه می‌نامید؟

ما می‌گفتیم: فلان وفلان.

تا این که خرمایی را برداشت وفرمود: این را چه می‌نامید؟

گفتیم: ما آن را مُشان می‌نامیم.

فرمود: ما آن را امّ جرذان می‌نامیم، همانا برای پیامبر خدا صلى الله عليه وآله مقداری از این خرما را آوردند، آن بزرگوار از آن میل نمود وبرای آن دعا کرد؛ پس هیچ درختی از این درخت خرما پُر بارتر نیست.

---

١ ـ مَضیره: غذایی است که با شیر ترش پخته می‌شود.

۱۸ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ عَمَّارٍ السَّابَاطِيِّ قَالَ:

كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَأُتِيَ بِرُطَبٍ، فَجَعَلَ يَأْكُلُ مِنْهُ وَ يَشْرَبُ الْمَاءَ وَيُنَاوِلُنِي الْإِنَاءَ؛ فَأَكْرَهُ أَنْ أَرُدَّهُ فَأَشْرَبُ حَتَّى فَعَلَ ذَلِكَ مِرَاراً.

قَالَ: فَقُلْتُ: إِنِّي كُنْتُ صَاحِبَ بَلْغَمٍ، فَشَكَوْتُ إِلَى أَهْرَنَ طَبِيبِ الْحَجَّاجِ. فَقَالَ لِي: أَ لَكَ نَخْلٌ فِي بُسْتَانٍ؟

قُلْتُ: نَعَمْ.

قَالَ: فِيهِ نَخْلٌ؟

قُلْتُ: نَعَمْ.

فَقَالَ لِي: عُدَّ عَلَيَّ مَا فِيهِ.

فَعَدَدْتُ حَتَّى بَلَغْتُ الْهِيرُونَ، فَقَالَ لِي: كُلْ مِنْهُ سَبْعَ تَمَرَاتٍ حِينَ تُرِيدُ أَنْ تَنَامَ وَ لَا تَشْرَبِ الْمَاءَ.

---

۱۸ ـ عمّار ساباطى گويد: در حضور امام صادق عليه السلام بودم مقدارى رطب آوردند. امام عليه السلام از آن رطب مى‌خورد. پس از آن آب مى‌نوشيد و ظرف آب را به من مى‌داد و من كراهت داشتم كه آن را رد كنم و آن را مى‌نوشيدم. امام عليه السلام چندين بار اين عمل را انجام داد.

در اين هنگام عرض كردم: من مبتلا به بيمارى بلغم هستم و به «اَهْرَن» طبيب حَجّاج، مراجعه كردم، اهرن به من گفت: آيا در باغ خود درخت خرما دارى؟

گفتم: آرى.

گفت: درخت خرما دارد؟

گفتم: آرى.

گفت: درخت‌هاى باغت را براى من نام ببر.

من درختان را نام بردم تا به درخت خرما هيرون رسيدم.

اهرن به من گفت: هنگامى كه مى‌خواهى بخوابى هفت دانه خرماى هيرون بخور، اما پس از آن آب نخور.

فَفَعَلْتُ وَ كُنْتُ أُرِيدُ أَنْ أَبْصُقَ فَلا أَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ.

فَشَكَوْتُ إِلَيْهِ ذَلِكَ، فَقَالَ لِي: اشْرَبِ الْمَاءَ قَلِيلاً وَ أَمْسِكْ حَتَّى يَعْتَدِلَ طَبْعُكَ. فَفَعَلْتُ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: أَمَّا أَنَا، فَلَوْ لَا الْمَاءُ مَا بَالَيْتُ أَلَّا أَذُوقَهُ.

۱۹ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الدِّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتَ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَكَلَ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعَ تَمَرَاتٍ عَجْوَةٍ عَلَى الرِّيقِ مِنْ تَمْرِ الْعَالِيَةِ لَمْ يَضُرَّهُ سَمٌّ وَ لَا سِحْرٌ وَ لَا شَيْطَانٌ.

۲۰ ـ عَنْهُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ زِيَادِ بْنِ مَرْوَانَ الْقَنْدِيِّ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَكَلَ سَبْعَ تَمَرَاتٍ عَجْوَةٍ عِنْدَ مَنَامِهِ قَتَلْنَ الدِّيدَانَ مِنْ بَطْنِهِ.

من آن‌چه او گفت انجام دادم، می‌خواستم آب دهانم را بیندازم، اما نمی‌توانستم. از این رو به اهرن طبیب گفتم.

گفت: کم آب بخور و صبر کن تا مزاجت معتدل شود.

من نیز چنین نمودم.

امام عليه السلام فرمود: ولی من اگر آب نباشد اهمیت نمی‌دهم و خرما می‌خورم.

۱۹ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کس هر روز در حالت ناشتا، هفت خرمای عجوه بخورد، هیچ زهر، جادو و شیطانی به او آسیب نخواهد زد.

۲۰ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کس به هنگام خواب، هفت دانه خرمای عجوه بخورد، آن خرماها انگل‌های شکمش را از بین خواهند برد.

(۹۸)

أَبْوَابُ الْفَوَاكِهِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى الطَّحَّانِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

خَمْسٌ مِنْ فَوَاكِهِ الْجَنَّةِ فِي الدُّنْيَا: الرُّمَّانُ الْإِمْلِيسِيُّ وَ التُّفَّاحُ الشَّيْسَقَانُ وَالسَّفَرْجَلُ وَ الْعِنَبُ الرَّازِقِيُّ وَ الرُّطَبُ الْمُشَانُ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ زَكَرِيَّا اللُّؤْلُؤِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ الْمُفَضَّلِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْجَارُودِ يُحَدِّثُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

أَرْبَعَةٌ نَزَلَتْ مِنَ الْجَنَّةِ: الْعِنَبُ الرَّازِقِيُّ وَ الرُّطَبُ الْمُشَانُ وَ الرُّمَّانُ الْإِمْلِيسِيُّ وَالتُّفَّاحُ الشَّيْسَقَانُ.

بخش نود و هشتم

میوه‌های مختلف

۱ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پنج میوه بهشتی در دنیا وجود دارند: انار دشتی، سیب شَیسقان، بِه، انگور رازقی، و رطب مُشان.

۲ ـ سلیمان بن مفضّل گوید: از ابو جارود شنیدم که از امام باقر عليه السلام نقل می‌کرد که آن حضرت فرمود:

چهار میوه از بهشت نازل شده‌اند: انگور رازقی، رطب مُشان، انار دشتی و سیب شَیسقان.

٣ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام أَنَّهُ كَانَ يَكْرَهُ تَقْشِيرَ الثَّمَرَةِ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُنْذِرِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ فُرَاتِ بْنِ أَحْنَفَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

إِنَّ لِكُلِّ ثَمَرَةٍ سَمّاً؛ فَإِذَا أَتَيْتُمْ بِهَا فَمَسُّوهَا بِالْمَاءِ أَوِ اغْمِسُوهَا فِي الْمَاءِ؛ يَعْنِي اغْسِلُوهَا.

(٩٩)
بَابُ الْعِنَبِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الرَّبِيعِ الْمُسْلِيِّ عَنْ مَعْرُوفِ بْنِ خَرَّبُوذَ عَمَّنْ رَأَى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَأْكُلُ الْخُبْزَ بِالْعِنَبِ.

---

۳ ـ ابن قدّاح گوید: امام صادق عليه السلام پوست کندن میوه را دوست نمی‌داشت.

۴ ـ فرات بن احنف گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر میوه‌ای سم دارد؛ هرگاه خواستید میوه بخورید آن را با آب پاک کنید یا با آب بشویید.

بخش نود و نهم
انگور

۱ ـ معروف بن خرّبوذ گوید: کسی که امیرمؤمنان علی عليه السلام را دیده بود گوید: آن حضرت نان را با انگور میل می‌نمود.

٢ ـ عَنْهُ عَنِ الْقَاسِمِ الزَّيَّاتِ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُوسَى بْنِ الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: لَمَّا حَسَرَ الْمَاءُ عَنْ عِظَامِ الْمَوْتَى، فَرَأَى ذَلِكَ نُوحٌ عليه السلام جَزِعَ جَزَعاً شَدِيداً وَ اغْتَمَّ لِذَلِكَ.

فَأَوْحَى اللهُ عزّوجلّ إِلَيْهِ: هَذَا عَمَلُكَ بِنَفْسِكَ أَنْتَ دَعَوْتَ عَلَيْهِمْ.

فَقَالَ: يَا رَبِّ! إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ.

فَأَوْحَى اللهُ عزّوجلّ إِلَيْهِ أَنْ كُلِ الْعِنَبَ الْأَسْوَدَ لِيَذْهَبَ غَمُّكَ.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يُعْجِبُهُ الْعِنَبُ. فَكَانَ يَوْماً صَائِماً؛ فَلَمَّا أَفْطَرَ كَانَ أَوَّلُ مَا جَاءَ، الْعِنَبُ؛ أَتَتْهُ أُمُّ وَلَدٍ لَهُ بِعُنْقُودِ عِنَبٍ، فَوَضَعَتْهُ بَيْنَ يَدَيْهِ. فَجَاءَ سَائِلٌ فَدَفَعَهُ إِلَيْهِ. فَدَسَّتْ أُمُّ وَلَدِهِ إِلَى السَّائِلِ فَاشْتَرَتْهُ مِنْهُ ثُمَّ أَتَتْهُ بِهِ، فَوَضَعَتْهُ بَيْنَ يَدَيْهِ. فَجَاءَ سَائِلٌ آخَرُ فَأَعْطَاهُ إِيَّاهُ. فَفَعَلَتْ أُمُّ الْوَلَدِ كَذَلِكَ ثُمَّ أَتَتْهُ بِهِ، فَوَضَعَتْهُ بَيْنَ يَدَيْهِ. فَجَاءَ سَائِلٌ آخَرُ فَأَعْطَاهُ. فَفَعَلَتْ أُمُّ الْوَلَدِ مِثْلَ ذَلِكَ؛ فَلَمَّا كَانَ فِي الْمَرَّةِ الرَّابِعَةِ أَكَلَهُ عليه السلام.

---

٢ ـ موسى بن علاء گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگامى كه كشتى نوح به ساحل رسيد و نوح استخوان‌هاى مردگان قومش را ديد، فرياد سختى كشيد و به اين خاطر اندوهگين شد.

خداوند به او وحى نمود كه اين كردار خود توست؛ تو بر آنان نفرين نمودى.

نوح عليه السلام عرض كرد: پروردگارا! من استغفار مى‌كنم و به سوى تو، توبه مى‌نمايم.

خداوند به او وحى نمود كه انگور سياه بخور تا اندوه و غمت از بين برود.

٣ ـ هشام بن سالم گويد: امام سجّاد عليه السلام به انگور علاقه داشت. روزى حضرت روزه بود، هنگام افطار يكى از كنيزان فرزنددار خوشهٔ انگورى آورد و مقابل حضرت عليه السلام نهاد، در اين هنگام مسكينى آمد و سؤال نمود. حضرت خوشهٔ انگور را به او داد، آن كنيز پنهانى خوشه انگور را از آن مسكين خريد. سپس آن را آورد و در مقابل حضرت نهاد.

مسكين ديگرى آمد و حضرت خوشه انگور را به او عطا كرد، آن كنيز همان كار را دوباره انجام داد، براى مرتبه سوم باز مسكين ديگرى آمد و امام خوشهٔ انگور را به او داد، كنيز كار خود را تكرار كرد و در مرتبه چهارم حضرت خوشه انگور را ميل نمود.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

شَكَا نَبِيٌّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ إِلَى اللهِ عزّ وجلّ الْغَمَّ. فَأَمَرَهُ اللهُ عزّ وجلّ بِأَكْلِ الْعِنَبِ.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُوسَى بْنِ الْحَسَنِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنِ ابْنِ بَقَّاحٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّسَّانِ قَالَ:

كُنْتُ أَرْعَى جِمَالِي فِي طَرِيقِ الْخَوَرْنَقِ؛ فَبَصُرْتُ بِقَوْمٍ قَادِمِينَ؛ فَمِلْتُ إِلَى بَعْضِ مَنْ مَعَهُمْ فَقُلْتُ: مَنْ هَؤُلَاءِ؟

فَقَالَ: جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليهما السلام وَ عَبْدُاللهِ بْنُ الْحَسَنِ؛ قُدِّمَ بِهِمَا عَلَى الْمَنْصُورِ.

قَالَ: فَسَأَلْتُ عَنْهُمْ مِنْ بَعْدُ.

فَقِيلَ لِي: إِنَّهُمْ نَزَلُوا بِالْحِيرَةِ.

فَبَكَّرْتُ لِأُسَلِّمَ عَلَيْهِمْ. فَدَخَلْتُ فَإِذَا قُدَّامَهُمْ سِلَالٌ فِيهَا رُطَبٌ قَدْ أُهْدِيَتْ إِلَيْهِمْ مِنَ الْكُوفَةِ. فَكُشِفَتْ قُدَّامَهُمْ، فَمَدَّ يَدَهُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام فَأَكَلَ وَ قَالَ لِي: كُلْ.

---

۴ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

یکی از پیامبران از غم واندوه به خداوند شکایت نمود، خداوند او را به خوردن انگور فرمان داد.

۵ ـ ابو الحسن رَسّان گوید: من شتران خود را در راه خَوَرْنق می‌چرانیدم که گروهی را دیدم که می‌آیند، نزد یکی از آنان رفتم وگفتم: اینان کیانند؟

گفت: امام صادق عليه السلام وعبدالله بن حسن؛ ایشان را نزد منصور دوانیقی می‌برند.

پس از مدتی دربارهٔ آنان پرس وجو کردم، به من گفتند: آنان در حیره فرود آمده‌اند.

بامدادان به آن جا رفتم تا به آنان سلام کنم، به حضور ایشان شرف‌یاب شدم، در حضور آنان ظرف رطبی بود که از کوفه به آنان هدیه شده بود، سرپوش ظرف را برداشتند، امام عليه السلام از آن میل نمود وبه من فرمود: بخور.

ثُمَّ قَالَ لِعَبْدِ اللهِ بْنِ الْحَسَنِ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! مَا تَرَى مَا أَحْسَنَ هَذَا الرُّطَبَ!

ثُمَّ الْتَفَتَ إِلَيَّ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليهما السلام فَقَالَ لِي: يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ! فُضِّلْتُمْ عَلَى النَّاسِ فِي الْمَطْعَمِ بِثَلَاثٍ: سَمَكِكُمْ هَذَا الْبُنَانِيِّ وَ عِنَبِكُمْ هَذَا الرَّازِقِيِّ وَ رُطَبِكُمْ هَذَا الْمُشَانِ.

٦ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ السِّنْدِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي عِيسَى بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: دَخَلَ أَبُو عُكَّاشَةَ بْنُ مِحْصَنٍ الْأَسَدِيُّ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فَقَدَّمَ إِلَيْهِ عِنَباً وَ قَالَ لَهُ:

حَبَّةً حَبَّةً يَأْكُلُ الشَّيْخُ الْكَبِيرُ وَ الصَّبِيُّ الصَّغِيرُ، وَ ثَلَاثَةً وَ أَرْبَعَةً يَأْكُلُ مَنْ يَظُنُّ أَنَّهُ لَا يَشْبَعُ، وَ كُلْهُ حَبَّتَيْنِ حَبَّتَيْنِ؛ فَإِنَّهُ مُسْتَحَبٌّ.

آن‌گاه به عبدالله بن حسن فرمود: ای ابا محمّد! می‌بینی این رطب چه قدر نیکوست!

سپس به من رو نمود و فرمود: ای اهل کوفه! شما در غذا با سه چیز بر مردم دیگر برتری دارید: یکی ماهی لبنانی شماست، و دیگری انگور رزاقی و این رطب مشان شماست.

۶ ـ پدر بزرگ عیسی بن عبدالرحمان گوید:

ابو عُکّاشه بن مِحْصَن اسدی به حضور امام باقر عليه السلام شرف‌یاب شد. امام عليه السلام برای او انگور آورد و فرمود: پیرمرد بزرگسال و پسر بچه کوچک، انگور را دانه دانه می‌خورند و کسی که گمان می‌کند انگور شکم را سیر نمی‌کند به صورت سه دانه و چهار دانه می‌خورد و تو آن را به صورت دو دانه دو دانه بخور، چرا که مستحب است.

(۱۰۰)
بَابُ الزَّبِيبِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

مَنِ اصْطَبَحَ بِإِحْدَى وَ عِشْرِينَ زَبِيبَةً حَمْرَاءَ لَمْ يَمْرَضْ إِلَّا مَرَضَ الْمَوْتِ إِنْ شَاءَ اللهُ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

إِحْدَى وَ عِشْرُونَ زَبِيبَةً حَمْرَاءَ فِي كُلِّ يَوْمٍ عَلَى الرِّيقِ تَدْفَعُ جَمِيعَ الْأَمْرَاضِ إِلَّا مَرَضَ الْمَوْتِ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ: حَدَّثَنِي رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

بخش صدم
مویز

۱ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود: هر کس با بیست و یک دانه مویز سرخ صبحانه بخورد، إن شاء الله به هیچ بیماری جز مرگ دچار نخواهد شد.

۲ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود: خوردن بیست و یک مویز سرخ در حالت ناشتا، همه بیماری‌ها جز مرگ را دفع می‌کند.

۳ ـ احمد بن محمّد بن ابی نصر گوید: مردی مصری به من گفت: امام صادق عليه السلام فرمود:

الزَّبِيبُ يَشُدُّ الْعَصَبَ وَ يَذْهَبُ بِالنَّصَبِ وَ يُطَيِّبُ النَّفَسَ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ فُلَانٍ الْمِصْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

الزَّبِيبُ الطَّائِفِيُّ يَشُدُّ الْعَصَبَ وَ يَذْهَبُ بِالنَّصَبِ وَ يُطَيِّبُ النَّفَسَ.

(۱۰۱)

بَابُ الرُّمَّانِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

عَلَيْكُمْ بِالرُّمَّانِ! فَإِنَّهُ لَمْ يَأْكُلْهُ جَائِعٌ إِلَّا أَجْزَأَهُ وَ لَا شَبْعَانُ إِلَّا أَمْرَأَهُ.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مویز، رگ‌های بدن را تقویت می‌کند، بیماری‌ها را از بین می‌برد وروح وروان را پاکیزه می‌کند.

۴ ـ راوی مصری گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

مویز طائف، رگ‌های بدن را تقویت می‌کند، بیماری‌ها را از بین می‌برد وروح وروان را پاکیزه می‌کند.

بخش صد و یکم

انار

۱ ـ ابراهیم بن عبدالحمید گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

بر شما باد به انار! زیرا هیچ گرسنه‌ای انار نمی‌خورد مگر آن که او را سیر می‌کند و هیچ سیری آن را نمی‌خورد مگر آن که غذایش را گوارا می‌کند.

۲ ـ مسعدة بن زیاد گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

الْفَاكِهَةُ مِائَةٌ وَ عِشْرُونَ لَوْناً سَيِّدُهَا الرُّمَّانُ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانٍ الْكَلْبِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ وَ أَبَا عَبْدِاللهِ عليهما السلام يَقُولَانِ:

مَا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ ثَمَرَةٌ كَانَتْ أَحَبَّ إِلَى رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله مِنَ الرُّمَّانِ؛ وَ كَانَ وَاللهِ! إِذَا أَكَلَهَا أَحَبَّ أَنْ لَا يَشْرَكَهُ فِيهَا أَحَدٌ.

٤ ـ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الدِّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

مِمَّا أَوْصَى بِهِ آدَمُ عليه السلام هِبَةَ اللهِ أَنْ قَالَ لَهُ:

عَلَيْكَ بِالرُّمَّانِ! فَإِنَّكَ إِنْ أَكَلْتَهُ وَ أَنْتَ جَائِعٌ أَجْزَأَكَ وَ إِنْ أَكَلْتَهُ وَ أَنْتَ شَبْعَانُ أَمْرَأَكَ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

صد و بیست رنگ و نوع میوه وجود دارد که آقا و با ارزش‌ترین آنان انار است.

۳ ـ عمر بن ابان کلبی گوید: از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند:

بر روی زمین هیچ درختی نزد پیامبر خدا صلی الله علیه وآله محبوب‌تر از انار نبود. به خدا سوگند! هرگاه انار میل می‌فرمود دوست داشت که کسی با او شریک نشود.

۴ ـ ابراهیم بن عبدالحمید گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود:

از وصیت‌هایی که حضرت آدم علیه السلام به هبة الله نمود این بود که به او فرمود:

بر تو باد به انار! زیرا اگر آن را در حال گرسنگی بخوری برای تو کفایت می‌کند و اگر در حال سیری بخوری غذایت را گوارا می‌نماید.

۵ ـ حمّاد بن عثمان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

مَا مِنْ شَيْءٍ أُشَارَكُ فِيهِ أَبْغَضَ إِلَيَّ مِنَ الرُّمَّانِ؛ وَ مَا مِنْ رُمَّانَةٍ إِلَّا وَ فِيهَا حَبَّةٌ مِنَ الْجَنَّةِ، فَإِذَا أَكَلَهَا الْكَافِرُ بَعَثَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ مَلَكاً فَانْتَزَعَهَا مِنْهُ.

٦ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ مُفَضَّلٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

مَا مِنْ طَعَامٍ آكُلُهُ إِلَّا وَ أَنَا أَشْتَهِي أَنْ أُشَارَكَ فِيهِ ـ أَوْ قَالَ: يَشْرَكَنِي فِيهِ ـ إِنْسَانٌ إِلَّا الرُّمَّانَ؛ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ رُمَّانَةٍ إِلَّا وَ فِيهَا حَبَّةٌ مِنَ الْجَنَّةِ.

٧ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام إِذَا أَكَلَ الرُّمَّانَ بَسَطَ تَحْتَهُ مِنْدِيلاً. فَسُئِلَ عَنْ ذَلِكَ، فَقَالَ: إِنَّ فِيهِ حَبَّاتٍ مِنَ الْجَنَّةِ.

فَقِيلَ لَهُ: إِنَّ الْيَهُودَ وَ النَّصَارَى وَ مَنْ سِوَاهُمْ يَأْكُلُونَهُ.

فَقَالَ: إِذَا كَانَ ذَلِكَ بَعَثَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ مَلَكاً فَانْتَزَعَهَا مِنْهُ لِكَيْلَا يَأْكُلَهَا.

هیچ شراکتی نزد من از شراکت در خوردن انار، مبغوض‌تر نیست وهیچ اناری نیست مگر آن که در آن دانه‌ای از بهشت است؛ اگر کافر بخواهد آن را بخورد، خداوند فرشته‌ای می‌فرستد تا آن دانه بهشتی را از او بگیرد.

۶ ـ مفضّل گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

غذایی نمی‌خوردم مگر آن که دوست دارم در آن با کسی شریک شوم ـ یا فرمود: کسی در آن با من شریک شود ـ جز انار؛ زیرا هیچ اناری نیست مگر این که در آن دانه‌ای بهشتی است.

۷ ـ سماعه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه امیرمؤمنان علی عليه السلام انار می‌می کرد، حوله‌ای در زیر آن می‌گستراند، در این خصوص از ایشان سؤال کردند، فرمود: زیرا انار دانه‌های بهشتی دارد.

عرض کردند: یهودیان، مسیحیان و دیگران آن را می‌خورند؟

فرمود: هرگاه یکی از آنان انار بخورد خداوند فرشته‌ای را به سوی او می‌فرستد که آن دانه را از او بگیرد تا آن شخص آن دانهٔ بهشتی را نخورد.

۸ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَكَلَ حَبَّةً مِنْ رُمَّانٍ أَمْرَضَتْ شَيْطَانَ الْوَسْوَسَةِ أَرْبَعِينَ يَوْماً.

۹ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ يَزِيدَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ النَّوْفَلِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام وَ فِي يَدِهِ رُمَّانَةٌ، فَقَالَ:

يَا مُعَتِّبُ! أَعْطِهِ رُمَّانَةً؛ فَإِنِّي لَمْ أُشْرَكْ فِي شَيْءٍ أَبْغَضَ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُشْرَكَ فِي رُمَّانَةٍ.

ثُمَّ احْتَجَمَ وَ أَمَرَنِي أَنْ أَحْتَجِمَ؛ فَاحْتَجَمْتُ. ثُمَّ دَعَا بِرُمَّانَةٍ أُخْرَى ثُمَّ قَالَ:

يَا يَزِيدُ! أَيُّمَا مُؤْمِنٍ أَكَلَ رُمَّانَةً حَتَّى يَسْتَوْفِيَهَا أَذْهَبَ اللهُ عزّوجلّ الشَّيْطَانَ عَنْ إِنَارَةِ قَلْبِهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً، وَ مَنْ أَكَلَ اثْنَتَيْنِ أَذْهَبَ اللهُ عزّوجلّ الشَّيْطَانَ عَنْ إِنَارَةِ قَلْبِهِ مِائَةَ يَوْمٍ، وَ مَنْ أَكَلَ ثَلَاثاً حَتَّى يَسْتَوْفِيَهَا أَذْهَبَ اللهُ عزّوجلّ الشَّيْطَانَ عَنْ إِنَارَةِ قَلْبِهِ سَنَةً، وَمَنْ أَذْهَبَ اللهُ الشَّيْطَانَ عَنْ إِنَارَةِ قَلْبِهِ سَنَةً لَمْ يُذْنِبْ وَ مَنْ لَمْ يُذْنِبْ دَخَلَ الْجَنَّةَ.

---

۸ ـ منصور بن حازم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کس یک دانه انار بخورد شیطان وسوسه‌گر تا چهل روز بیمار می‌شود.

۹ ـ یزید بن عبدالملك نوفلی گوید: به حضور امام صادق عليه السلام شرف‌یاب شدم، در دست حضرت یک عدد انار بود.

فرمود: ای معتّب! به او یک عدد انار بده؛ چرا که شراکت در خوردن چیزی جز خوردن انار نزد من مبغوض‌تر نیست.

آن‌گاه حضرت عليه السلام حجامت نمود و به من دستور داد که حجامت کنم، من حجامت کردم، سپس انار دیگری خواست وفرمود: ای یزید! هر مؤمنی یک انار کامل بخورد خداوند متعال تا چهل صبح شیطان را از روشنایی قلبش دور می‌کند، هر کس دو انار کامل بخورد، خداوند شیطان را تا صد روز از روشنایی قلبش دور خواهد کرد، هر کس سه انار کامل بخورد خداوند شیطان را تا یک سال از روشنایی قلبش دور خواهد نمود وهر کس که خداوند شیطان را تا یک سال از روشنایی قلبش دور کند، گناه نخواهد کرد وهر کس که گناه نکند، داخل بهشت می‌شود.

۱۰ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

عَلَيْكُمْ بِالرُّمَّانِ الْحُلْوِ! فَكُلُوهُ؛ فَإِنَّهُ لَيْسَتْ مِنْ حَبَّةٍ تَقَعُ فِي مَعِدَةِ مُؤْمِنٍ إِلَّا أَبَادَتْ دَاءً وَ أَطْفَأَتْ شَيْطَانَ الْوَسْوَسَةِ عَنْهُ.

۱۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

مَنْ أَكَلَ رُمَّانَةً عَلَى الرِّيقِ أَنَارَتْ قَلْبَهُ أَرْبَعِينَ يَوْماً.

۱۲ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمَذَانِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الرَّقَّامِ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

كُلُوا الرُّمَّانَ بِشَحْمِهِ؛ فَإِنَّهُ يَدْبُغُ الْمَعِدَةَ وَ يَزِيدُ فِي الذِّهْنِ.

۱۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: كُلُوا الرُّمَّانَ الْمُزَّ بِشَحْمِهِ؛ فَإِنَّهُ دِبَاغٌ لِلْمَعِدَةِ.

---

۱۰ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

بر شما باد به انار شیرین! چراکه هیچ اناری نیست که در معدهٔ شخص با ایمانی قرار گیرد مگر آن که بیماری را نابود می‌کند و هیجان شیطان وسوسه‌گر را، خاموش می‌سازد.

۱۱ ـ هشام بن سالم گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

کسی که در حالت ناشتا یک انار بخورد تا چهل روز قلبش روشن خواهد بود.

۱۲ ـ صالح بن عقبه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

انار را با پیه‌اش بخورید، زیرا معده را دبّاغی می‌کند و عقل را افزون می‌سازد.

انار مَلس (ترش و شیرین) را با پیه‌اش بخورید؛ چراکه معده را دبّاغی می‌کند.

١٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: ذُكِرَ الرُّمَّانُ الْحُلْوُ، فَقَالَ:

الْمُزُّ أَصْلَحُ فِي الْبَطْنِ.

مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام مِثْلَهُ.

١٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ ابْنِ بَقَّاحٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ الْخَيَّاطِ أَوِ الْقَمَّاطِ عَنْ يَزِيدَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

مَنْ أَكَلَ رُمَّانَةً أَنَارَتْ قَلْبَهُ، وَ مَنْ أَنَارَ اللهُ قَلْبَهُ بَعُدَ الشَّيْطَانُ عَنْهُ.

قُلْتُ: أَيَّ الرُّمَّانِ؟ جُعِلْتُ فِدَاكَ!

فَقَالَ: سُورَانِيَّكُمْ هَذَا.

١٦ ـ عَنْهُ عَنِ النَّهِيكِيِّ عَنْ عُبَيْدِ اللهِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ زِيَادِ بْنِ مَرْوَانَ الْقَنْدِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام ـ يَعْنِي الْأَوَّلَ ـ يَقُولُ:

---

۱۴ ـ ولید بن صبیح گوید: نزد امام صادق عليه السلام سخن از انار شیرین به میان آمد، حضرت فرمود:

انار ملس، برای شکم سازگارتر است.

۱۵ ـ یزید بن عبدالملك گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کس یک انار کامل بخورد، خداوند قلبش را روشن می‌کند وکسی که خداوند قلبش را روشن کند، شیطان از او دور خواهد شد.

عرض کردم: قربانت گردم! کدام انار است؟

فرمود: همین انار «سورانی» شما.

۱۶ ـ زیاد بن مروان قندی گوید: از امام کاظم عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

مَنْ أَكَلَ رُمَّانَةً يَوْمَ الْجُمُعَةِ عَلَى الرِّيقِ نَوَّرَتْ قَلْبَهُ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً؛ فَإِنْ أَكَلَ رُمَّانَتَيْنِ فَثَمانِينَ يَوْماً؛ فَإِنْ أَكَلَ ثَلَاثاً فَمِائَةً وَ عِشْرِينَ يَوْماً وَ طُرِدَتْ عَنْهُ وَسْوَسَةُ الشَّيْطَانِ وَ مَنْ طُرِدَتْ عَنْهُ وَسْوَسَةُ الشَّيْطَانِ لَمْ يَعْصِ اللهَ عزّوجلّ وَ مَنْ لَمْ يَعْصِ اللهَ أَدْخَلَهُ اللهُ الْجَنَّةَ.

۱۷ ـ عَنْهُ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الْخُرَاسَانِيِّ قَالَ:

أَكْلُ الرُّمَّانِ الْحُلْوِ يَزِيدُ فِي مَاءِ الرَّجُلِ وَ يُحَسِّنُ الْوَلَدَ.

۱۸ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنْ زِيَادٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

دُخَانُ شَجَرِ الرُّمَّانِ يَنْفِي الْهَوَامَّ.

هر کس روز جمعه در حالت ناشتا یک عدد انار بخورد، قلبش تا چهل روز روشن ونورانی خواهد شد. واگر دو انار بخورد، هشتاد روز واگر سه انار بخورد، صد وبیست روز قلبش روشن می‌شود ووسوسه شیطان از او دور می‌شود وهر کس وسوسه شیطان از او دور شود، خداوند متعال را عصیان نمی‌کند وهر کس خداوند را عصیان نکند، خداوند او را وارد بهشت می‌کند.

۱۷ ـ خراسانی گوید:

خوردن انار شیرین، آب کمر مرد را زیاد می‌کند وفرزند را زیبا می‌سازد.

۱۸ ـ زیاد گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

دود درخت انار، خزندگان زهر دار را دور می‌کند.

(۱۰۲)
بَابُ التُّفَّاحِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

التُّفَّاحُ نَضُوحُ الْمَعِدَةِ.

۲ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام يَقُولُ:

التُّفَّاحُ يَنْفَعُ مِنْ خِصَالٍ عِدَّةٍ مِنَ السَّمِّ وَ السِّحْرِ وَ اللَّمَمِ يَعْرِضُ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ وَ الْبَلْغَمِ الْغَالِبِ؛ وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَسْرَعَ مِنْهُ مَنْفَعَةً.

بخش صد و دوم
سیب

۱ ـ اسماعیل بن جابر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

سیب، شست و شو دهندهٔ معده است.

۲ ـ جعفری گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

سیب، برای چند چیز فایده می‌دهد: برای زهر، جادو، «لمم» [1] ـ که از جنّیان حاصل می‌شود ـ و بلغم و چیزی در نفع رساندن، سریع‌تر از سیب نیست.

---

۱ ـ لَمَمْ نوعی جنون را گویند.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمَذَانِيِّ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ دُرُسْتَ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ قَالَ: بَعَثَنِي الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام بِلَطَفٍ فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ فِي يَوْمٍ صَائِفٍ وَ قُدَّامَهُ طَبَقٌ فِيهِ تُفَّاحٌ أَخْضَرُ. فَوَ اللهِ! إِنْ صَبَرْتُ أَنْ قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَ تَأْكُلُ مِنْ هَذَا وَ النَّاسُ يَكْرَهُونَهُ؟!

فَقَالَ لِي كَأَنَّهُ لَمْ يَزَلْ يَعْرِفُنِي: وُعِكْتُ فِي لَيْلَتِي هَذِهِ؛ فَبَعَثْتُ فَأُتِيتُ بِهِ فَأَكَلْتُهُ. وَ هُوَ يَقْلَعُ الْحُمَّى وَ يُسَكِّنُ الْحَرَارَةَ.

فَقَدِمْتُ فَأَصَبْتُ أَهْلِي مَحْمُومِينَ؛ فَأَطْعَمْتُهُمْ فَأَقْلَعَتِ الْحُمَّى عَنْهُمْ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ زِيَادٍ الْقَنْدِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ الْمَدِينَةَ وَ مَعِي أَخِي سَيْفٌ؛ فَأَصَابَ النَّاسُ بِرُعَافٍ، فَكَانَ الرَّجُلُ إِذَا رَعَفَ يَوْمَيْنِ مَاتَ. فَرَجَعْتُ إِلَى الْمَنْزِلِ فَإِذَا سَيْفٌ يَرْعُفُ رُعَافاً شَدِيداً.

فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه‌السلام فَقَالَ: يَا زِيَادُ! أَطْعِمْ سَيْفاً التُّفَّاحَ.

---

۳ ـ دُرُست بن ابو منصور گوید: مفضّل بن عمر مرا با هدایایی به حضور امام صادق عليه‌السلام فرستاد، من در روزی گرم به حضور ایشان شرف‌یاب شدم، دیدم که در مقابل آن حضرت طبقی از سیب سبز بود. پس به خدا سوگند! بدون درنگ عرض کردم: فدایت شوم! آیا این سیب را میل می‌کنید در حالی که مردم از آن کراهت دارند؟!

حضرتش گویی با من آشنا بود به من فرمود: امشب گرما زده شدم، فرستادم این سیب را برای من آوردند و از آن خوردم. این سیب تب را می‌زداید وگرما را آرام می‌کند.

مفضّل گوید: من به خانه برگشتم، دیدم دو تن از خانواده‌ام تب کرده‌اند، به آنان سیب سبز خوراندم، تبشان فرو نشست.

۴ ـ زیاد قندی گوید: با برادرم سیف وارد مدینه شدم، مردم به بیماری خون دماغ گرفتار شده بودند وهرگاه شخصی دو روز متوالی خون دماغ می‌شد، می‌مرد. به خانه برگشتم دیدم سیف به خون دماغ شدیدی مبتلا شده است به حضور امام کاظم عليه‌السلام شرف‌یاب شدم، حضرت عليه‌السلام فرمود: ای زیاد! به سیف، سیب بخوران.

فَأَطْعَمْتُهُ إِيَّاهُ فَبَرَأَ.

۵ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ زِيَادِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ: أَصَابَ النَّاسَ وَبَاءٌ بِمَكَّةَ؛ فَكَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه‌السلام.

فَكَتَبَ إِلَيَّ: كُلِ التُّفَّاحَ.

٦ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ: رَعَفْتُ سَنَةً بِالْمَدِينَةِ؛ فَسَأَلَ أَصْحَابُنَا أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام عَنْ شَيْءٍ يُمْسِكُ الرُّعَافَ. فَقَالَ لَهُمْ: اسْقُوهُ سَوِيقَ التُّفَّاحِ.

فَسَقَوْنِي فَانْقَطَعَ عَنِّي الرُّعَافُ.

۷ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام أَنَّهُ قَالَ:

مَا أَعْرِفُ لِلسُّمُومِ دَوَاءً أَنْفَعَ مِنْ سَوِيقِ التُّفَّاحِ.

من به او سیب خوراندم و او خوب شد.

۵ ـ زیاد بن مروان گوید: مردم مکّه به بیماری وبا دچار شدند، نامه‌ای در این خصوص به امام کاظم عليه‌السلام نوشتم. حضرتش در پاسخ نامه نوشت: سیب بخور.

۶ ـ ابن بکیر گوید: سالی در مدینه به خون دماغ مبتلا شدم، دوستانم دربارهٔ چیزی که خون دماغ را برطرف کند، از امام صادق عليه‌السلام پرسیدند.

حضرت به آنان فرمود: به او قاووت سیب بنوشانید.

آنان به من قاووت سیب نوشاندند و خونِ دماغم بند آمد.

۷ ـ راوی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

دوایی نمی‌شناسم که از قاووت سیب برای سموم و زهرها مفیدتر باشد.

۸ ـ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: كَانَ إِذَا لَسَعَ إِنْسَاناً مِنْ أَهْلِ الدَّارِ حَيَّةٌ أَوْ عَقْرَبٌ قَالَ:

اسْقُوهُ سَوِيقَ التُّفَّاحِ.

۹ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ الْقَنْدِيِّ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: ذُكِرَ لَهُ الْحُمَّى.

فَقَالَ عليه السلام: إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا نَتَدَاوَى إِلَّا بِإِفَاضَةِ الْمَاءِ الْبَارِدِ يُصَبُّ عَلَيْنَا وَ أَكْلِ التُّفَّاحِ.

۱۰ ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يُونُسَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي التُّفَّاحِ مَا دَاوَوْا مَرْضَاهُمْ إِلَّا بِهِ.

قَالَ: وَ رَوَى بَعْضُهُمْ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

---

۸ ـ احمد بن محمّد بن یزید گوید: هرگاه مار یا عقرب یکی از افراد خانه را می‌گزید، امام صادق عليه السلام می‌فرمود:

به او قاووت سیب بخورانید.

۹ ـ مفضّل بن عمر گوید:

در حضور امام کاظم عليه السلام سخن از تب به میان آمد، حضرتش فرمود:

ما خاندانی هستیم که تب را جز با ریختن آب سرد بر روی بدنمان و خوردن سیب مداوا نمی‌کنیم.

۱۰ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اگر مردم از خواص سیب آگاه بودند، بیماران خود را جز با آن درمان نمی‌کردند.

هم چنین روایت شده است که امام صادق عليه السلام فرمود:

أَطْعِمُوا مَحْمُومِيكُمُ التُّفَّاحَ؛ فَمَا مِنْ شَيْءٍ أَنْفَعَ مِنَ التُّفَّاحِ.

۱۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُّونٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنْ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ:

كُلُوا التُّفَّاحَ؛ فَإِنَّهُ يَدْبُغُ الْمَعِدَةَ.

(۱۰۳)

بَابُ السَّفَرْجَلِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

أَكْلُ السَّفَرْجَلِ قُوَّةٌ لِلْقَلْبِ الضَّعِيفِ وَ يُطَيِّبُ الْمَعِدَةَ وَ يُذَكِّي الْفُؤَادَ وَ يُشَجِّعُ الْجَبَانَ.

به بیماران تب‌دار خود سیب بخورانید؛ چرا که برای تب‌دار هیچ چیزی از سیب مفیدتر نیست.

۱۱ ـ مسمع بن عبدالملک گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود: سیب بخورید؛ چرا که معده را دباغی می‌کند.

بخش صد و سوم

به

۱ ـ حسن بن راشد گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود: خوردن به، قلب ضعیف و ناتوان را نیرو می‌بخشد، معده را پاکیزه می‌کند، دل را تذکیه می‌نماید و ترسو را دلیر می‌کند.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله، فَأُهْدِيَ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله سَفَرْجَلٌ فَقَطَعَ مِنْهُ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله قِطْعَةً وَ نَاوَلَهَا جَعْفَراً؛ فَأَبَى أَنْ يَأْكُلَهَا.

فَقَالَ: خُذْهَا وَ كُلْهَا؛ فَإِنَّهَا تُذَكِّي الْقَلْبَ وَ تُشَجِّعُ الْجَبَانَ.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: كُلْ؛ فَإِنَّهُ يُصَفِّي اللَّوْنَ وَ يُحَسِّنُ الْوَلَدَ.

۳ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ أَكَلَ سَفَرْجَلَةً عَلَى الرِّيقِ طَابَ مَاؤُهُ وَ حَسُنَ وَلَدُهُ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ عَمِّهِ حَمْزَةَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله لِجَعْفَرٍ: يَا جَعْفَرُ! كُلِ السَّفَرْجَلَ؛ فَإِنَّهُ يُقَوِّي الْقَلْبَ وَ يُشَجِّعُ الْجَبَانَ.

٥ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

---

۲ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

جعفر بن ابی طالب در حضور پیامبر صلى الله عليه وآله بود، برای پیامبر یک عدد بِه هدیه آورده بودند. پیامبر تکه‌ای از آن را بُرید و به جعفر داد. اما جعفر خودداری کرد که آن را بخورد.

پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: بگیر و بخور؛ زیرا به، قلب را تذکیه و ترسو را شجاع می‌کند.

در روایتی دیگر چنین آمده است: پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: بخور؛ زیرا به، رنگ پوست را روشن می‌کند و فرزند را زیبا روی می‌سازد.

۳ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرکس ناشتا یک عدد بِه بخورد، آب کمرش پاکیزه و فرزندش زیبا خواهد شد.

۴ ـ حمزة بن بزیع گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله به جعفر فرمود: ای جعفر! بِه بخور؛ زیرا قلب را نیرومند و ترسو را شجاع می‌کند.

۵ ـ جمیل بن دراج گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

مَنْ أَكَلَ سَفَرْجَلَةً أَنْطَقَ اللهُ ﷻ الْحِكْمَةَ عَلَى لِسَانِهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِاللهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمَانَ بْنِ رُشَيْدٍ عَنْ مَرْوَكِ بْنِ عُبَيْدٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَا بَعَثَ اللهُ ﷻ نَبِيّاً إِلَّا وَ مَعَهُ رَائِحَةُ السَّفَرْجَلِ.

٧ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ قَالَ: سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليهما السلام يَقُولُ:

السَّفَرْجَلُ يَذْهَبُ بِهَمِّ الْحَزِينِ كَمَا تَذْهَبُ الْيَدُ بِعَرَقِ الْجَبِينِ.

(١٠٤)

بَابُ التِّينِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

هر کس یک عدد بِه بخورد خداوند متعال تا چهل صبح، حکمت را بر زبانش جاری می‌سازد.

۶ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نفرمود جز این که بوی بِه همراهش بود.

۷ ـ سفیان بن عیینه گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

بِه، غم و اندوه شخص اندوهگین را می‌زداید؛ آن سان که دست، عرق پیشانی را می‌زداید.

بخش صد و چهارم

انجیر

۱ ـ احمد بن محمّد بن ابی نصر گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

التِّينُ يَذْهَبُ بِالْبَخَرِ وَ يَشُدُّ الْفَمَ وَ الْعَظْمَ وَ يُنْبِتُ الشَّعْرَ وَ يَذْهَبُ بِالدَّاءِ، وَ لَا يُحْتَاجُ مَعَهُ إِلَى دَوَاءٍ.

وَ قَالَ عليه‌السلام: التِّينُ أَشْبَهُ شَيْءٍ بِنَبَاتِ الْجَنَّةِ.

وَ رَوَاهُ سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْأَشْعَثِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ أَيْضاً مِثْلَهُ.

(۱۰۵)
بَابُ الْكُمَّثْرَى

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

كُلُوا الْكُمَّثْرَى؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْقَلْبَ وَ يُسَكِّنُ أَوْجَاعَ الْجَوْفِ بِإِذْنِ اللهِ تَعَالَى.

انجیر، بوی بد دهان را از بین می‌برد، لثه را محکم می‌کند، موی می‌رویاند، بیماری‌ها را معالجه می‌کند و با آن به هیچ داروی دیگری احتیاج نیست.

هم چنین فرمود: شبیه‌ترین چیز به گیاهان بهشت، انجیر است.

بخش صد و پنجم
گلابی

۱ ـ ابو بصیر گوید: امام رضا عليه‌السلام فرمود:

گلابی بخورید؛ زیرا گلابی قلب را جلا می‌دهد و به اذن خداوند، دردهای شکم را برطرف می‌سازد.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: الْكُمَّثْرَى يَدْبُغُ الْمَعِدَةَ وَ يُقَوِّيهَا. هُوَ وَ السَّفَرْجَلُ سَوَاءٌ وَ هُوَ عَلَى الشِّبَعِ أَنْفَعُ مِنْهُ عَلَى الرِّيقِ. وَ مَنْ أَصَابَهُ طَخَاءٌ فَلْيَأْكُلْهُ، يَعْنِي عَلَى الطَّعَامِ.

(۱۰۶)

بَابُ الْإِجَّاصِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ زِيَادٍ الْقَنْدِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام وَ بَيْنَ يَدَيْهِ تَوْرُ مَاءٍ فِيهِ إِجَّاصٌ أَسْوَدُ فِي إِبَّانِهِ فَقَالَ:

إِنَّهُ هَاجَتْ بِي حَرَارَةٌ؛ وَ إِنَّ الْإِجَّاصَ الطَّرِيَّ يُطْفِئُ الْحَرَارَةَ وَ يُسَكِّنُ الصَّفْرَاءَ وَإِنَّ الْيَابِسَ مِنْهُ يُسَكِّنُ الدَّمَ وَ يَسُلُّ الدَّاءَ الدَّوِيَّ.

---

۲ ـ یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

گلابی، معده را دبّاغی و آن را نیرومند می‌کند، گلابی و بِه یکسان‌اند، خوردن آن در حالت سیری مفیدتر از خوردن آن در حالت ناشتا است و هر کس به غم و اندوه دچار شود باید پس از غذا آن را بخورد.

بخش صد و ششم

آلو

۱ ـ زیاد قندی گوید: خدمت امام کاظم عليه السلام شرف‌یاب شدم، مقابل آن حضرت ظرف آبی بود که در آن آلوی سیاه ـ که فصلش بود ـ قرار داشت، حضرت عليه السلام فرمود:

گرما بر من غلبه کرده است و به راستی که آلوی تازه گرما را خاموش و زرد آب را ساکن می‌کند و آلوی خشک، خون را آرام می‌کند و بیماریِ سخت را جدا و خارج می‌کند.

(۱۰۷)
بَابُ الْأُتْرُجِّ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ وَ الْوَشَّاءِ جَمِيعاً عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: كَانَ عِنْدِي ضَيْفٌ فَتَشَهَّى أُتْرُجّاً بِعَسَلٍ فَأَطْعَمْتُهُ وَ أَكَلْتُ مَعَهُ.

ثُمَّ مَضَيْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام وَ إِذَا الْمَائِدَةُ بَيْنَ يَدَيْهِ فَقَالَ لِي: ادْنُ فَكُلْ.

فَقُلْتُ: إِنِّي أَكَلْتُ قَبْلَ أَنْ آتِيَكَ أُتْرُجّاً بِعَسَلٍ وَ أَنَا أَجِدُ ثِقْلَهُ لِأَنِّي أَكْثَرْتُ مِنْهُ.

فَقَالَ: يَا غُلَامُ! انْطَلِقْ إِلَى الْجَارِيَةِ فَقُلْ لَهَا: ابْعَثِي إِلَيْنَا بِحَرْفِ رَغِيفٍ يَابِسٍ مِنَ الَّذِي تُجَفِّفُهُ فِي التَّنُّورِ.

فَأُتِيَ بِهِ فَقَالَ لِي: كُلْ مِنْ هَذَا الْخُبْزِ الْيَابِسِ؛ فَإِنَّهُ يَهْضِمُ الْأُتْرُجَّ.

بخش صد و هفتم
نارنج

۱ ـ ابو بصیر گوید: مهمانی داشتم که نارنج با عسل خواست، برای او تهیّه کردم وخودم نیز با او از آن میل کردم، بعد از آن به حضور امام صادق عليه السلام رفتم، در این هنگام مقابل ایشان سفره‌ای پهن بود، به من فرمود: نزدیک شو وبخور.

عرض کردم: پیش از آن که خدمت شما بیایم، نارنج با عسل خوردم وچون زیاد خوردم، سنگینی آن را در معده‌ام احساس می‌کنم.

فرمود: ای غلام! نزد کنیز برو وبگو: تکه‌ای از آن نانی که در تنور خشکش کردی بیاور! آن را آوردند.

حضرت عليه السلام فرمود: از این نان خشک بخور؛ چراکه نارنج را هضم می‌کند.

فَأَكَلْتُهُ ثُمَّ قُمْتُ فَكَأَنِّي لَمْ آكُلْ شَيْئاً.

٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

بِأَيِّ شَيْءٍ يَأْمُرُكُمْ أَطِبَّاؤُكُمْ فِي الْأُتْرُجِّ؟

فَقُلْتُ: يَأْمُرُونَنَا أَنْ نَأْكُلَهُ قَبْلَ الطَّعَامِ.

فَقَالَ: إِنِّي آمُرُكُمْ بِهِ بَعْدَ الطَّعَامِ.

٣ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

كُلُوا الْأُتْرُجَّ بَعْدَ الطَّعَامِ؛ فَإِنَّ آلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام يَفْعَلُونَ ذَلِكَ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

الْخُبْزُ الْيَابِسُ يَهْضِمُ الْأُتْرُجَّ.

من نیز آن را خوردم، آنگاه برخاستم وگویا اصلا چیزی نخورده بودم.

۲ ـ عبدالله بن ابراهیم جعفری گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: پزشکان شما در بارهٔ نارنج چه دستوری می‌دهند؟

گفتم: می‌گویند قبل از غذا آن را بخوریم.

فرمود: ولی من به شما می‌گویم که آن را پس از غذا بخورید.

۳ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

نارنج را بعد از غذا بخورید؛ چرا که آل محمّد علیهم السلام چنین می‌کنند.

۴ ـ احمد بن محمّد بن ابی نصر گوید: امام رضا علیه السلام فرمود:

نان خشک، نارنج را هضم می‌کند.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام: إِنَّهُمْ يَزْعُمُونَ أَنَّ الْأُتْرُجَّ عَلَى الرِّيقِ أَجْوَدُ مَا يَكُونُ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: إِنْ كَانَ قَبْلَ الطَّعَامِ خَيْرٌ فَهُوَ بَعْدَ الطَّعَامِ خَيْرٌ وَ خَيْرٌ وَأَجْوَدُ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْمَدِينِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام:

أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله كَانَ يُعْجِبُهُ النَّظَرُ إِلَى الْأُتْرُجِّ الْأَخْضَرِ وَ التُّفَّاحِ الْأَحْمَرِ.

---

۵ ـ ابراهیم بن عمر یمانی گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: اهل سنت گمان می‌کنند که خوردن نارنج در حالت ناشتا، بهترین زمان خوردن آن است.

فرمود: اگر پیش از غذا خوب است، بنابراین پس از غذا خوب‌تر و بهتر خواهد بود.

۶ ـ سلیمان بن جعفر جعفری گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله نگاه کردن به نارنج سبز و سیب قرمز را دوست می‌داشت.

(۱۰۸)

بَابُ الْمَوْزِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ مُوسَى الصَّنْعَانِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه‌السلام بِمِنًى وَ أَبُو جَعْفَرٍ الثَّانِي عليه‌السلام عَلَى فَخِذِهِ وَ هُوَ يُقَشِّرُ لَهُ مَوْزاً وَ يُطْعِمُهُ.

۲ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام فَقَرَّبَ إِلَيَّ مَوْزاً فَأَكَلْتُهُ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ يَحْيَى الصَّنْعَانِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه‌السلام وَ هُوَ بِمَكَّةَ وَ هُوَ يُقَشِّرُ مَوْزاً وَ يُطْعِمُهُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه‌السلام. فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! هَذَا الْمَوْلُودُ الْمُبَارَكُ؟!

بخش صد و هشتم

موز

۱ ـ یحیی بن موسی صنعانی گوید: در منا به حضور امام رضا عليه‌السلام شرف‌یاب شدم، دیدم امام جواد عليه‌السلام روی پای حضرت بود و حضرت برای او موز پوست می‌کند و به او می‌خوراند.

۲ ـ ابو اسامه گوید: به حضور امام صادق عليه‌السلام شرف‌یاب شدم، ایشان موزی نزد من آورد و من آن را خوردم.

۳ ـ یحیی صنعانی گوید: در مکّه به حضور امام رضا عليه‌السلام شرف‌یاب شدم، دیدم که موز پوست می‌کند و به امام جواد عليه‌السلام می‌خوراند.

عرض کردم: فدایت شوم! این همان مولود با برکت است؟

قَالَ: نَعَمْ يَا يَحْيَى! هَذَا الْمَوْلُودُ الَّذِي لَمْ يُولَدْ فِي الْإِسْلَامِ مِثْلُهُ مَوْلُودٌ أَعْظَمُ بَرَكَةً عَلَى شِيعَتِنَا مِنْهُ.

(۱۰۹)

بَابُ الْغُبَيْرَاءِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ: أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام يَقُولُ:
الْغُبَيْرَاءُ لَحْمُهُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ وَ عَظْمُهُ يُنْبِتُ الْعَظْمَ وَ جِلْدُهُ يُنْبِتُ الْجِلْدَ وَ مَعَ ذَلِكَ [فَإِنَّهُ] يُسَخِّنُ الْكُلْيَتَيْنِ وَ يَدْبُغُ الْمَعِدَةَ وَ هُوَ أَمَانٌ مِنَ الْبَوَاسِيرِ وَ التَّقْتِيرِ وَيُقَوِّي السَّاقَيْنِ وَ يَقْمَعُ عِرْقَ الْجُذَامِ.

فرمود: آری ای یحیی! این، مولودی است که در اسلام مانند او متولد نشده است که برکتش بر شیعیان ما بیشتر و بزرگ‌تر از او باشد.

بخش صد و نهم

سنجد

۱ ـ ابن بکیر از امام صادق عليه‌السلام شنید که می‌فرمود:
گوشت سنجد، گوشت می‌رویاند، استخوان آن، استخوان می‌رویاند و پوست آن پوست می‌رویاند، علاوه بر آن معده را گرم و دبّاغی می‌کند، سنجد امان از بواسیر و ضعف و سستی است، به ساق‌ها نیرو می‌بخشد و رگ جذام را دفع می‌کند.

(۱۱۰)
بَابُ الْبِطِّيخِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ يَاسِرٍ الْخَادِمِ عَنِ الرِّضَا عليه‌السلام قَالَ:
الْبِطِّيخُ عَلَى الرِّيقِ يُورِثُ الْفَالِجَ؛ نَعُوذُ بِاللهِ مِنْهُ.

٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:
كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله يَأْكُلُ الرُّطَبَ بِالْخِرْبِزِ.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:
كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله يَأْكُلُ الْبِطِّيخَ بِالتَّمْرِ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

بخش صد و دهم
خربزه

۱ ـ یاسر خادم گوید: امام رضا عليه‌السلام فرمود:
خوردن خربزه در حالت ناشتا باعث بیماری فالج [1] می‌شود، از آن به خداوند پناه می‌بریم.

۲ ـ راوی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:
پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله خربزه را با رطب میل می‌نمود.

۳ ـ سکونی نظیر این روایت را از امام صادق عليه‌السلام نقل می‌کند.

۴ ـ ابن قدّاح گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

---

۱ ـ بیماری فالج: رعشه، لرزه وسکته ناقص را گویند.

كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يُعْجِبُهُ الرُّطَبُ بِالْخِرْبِزِ.

۵ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عُبَيْدِ اللهِ بْنِ عَبْدِاللهِ الدِّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام قَالَ:

أَكَلَ النَّبِيُّ ﷺ الْبِطِّيخَ بِالسُّكَّرِ وَ أَكَلَ الْبِطِّيخَ بِالرُّطَبِ.

(۱۱۱)

بَابُ الْبُقُولِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هَارُونَ عَنْ مُوَفَّقٍ الْمَدِينِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: بَعَثَ إِلَيَّ الْمَاضِي عليه السلام يَوْماً فَأَجْلَسَنِي لِلْغَدَاءِ فَلَمَّا جَاءُوا بِالْمَائِدَةِ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهَا بَقْلٌ فَأَمْسَكَ يَدَهُ ثُمَّ قَالَ لِلْغُلَامِ:

أَ مَا عَلِمْتَ أَنِّي لَا آكُلُ عَلَى مَائِدَةٍ لَيْسَ فِيهَا خُضْرَةٌ؟! فَأْتِنِي بِالْخُضْرَةِ.

پیامبر ﷺ همواره به خوردن رطب با خربزه علاقه داشت.

۵ ـ ابراهیم بن عبدالحمید گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

پیامبر ﷺ همواره خربزه را با شکر و خرما میل می‌کرد.

بخش صد و یازدهم

سبزیجات

۱ ـ پدر بزرگ موفّق مدینی گوید:

روزی امام هادی عليه السلام مرا به حضور طلبید هنگامی که سفره را آوردند، سبزی در آن نبود، حضرت به غلام فرمود: مگر نمی‌دانی که من بر سفره‌ای که سبزی در آن نیست، غذا نمی‌خورم؟! برایم سبزی بیاور!

قَالَ: فَذَهَبَ الْغُلَامُ فَجَاءَ بِالْبَقْلِ فَأَلْقَاهُ عَلَى الْمَائِدَةِ فَمَدَّ يَدَهُ عليه السلام حِينَئِذٍ وَ أَكَلَ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَنَانٍ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام عَلَى الْمَائِدَةِ فَمَالَ عَلَى الْبَقْلِ وَ امْتَنَعْتُ أَنَا مِنْهُ لِعِلَّةٍ كَانَتْ بِي. فَالْتَفَتَ إِلَيَّ فَقَالَ:

يَا حَنَانُ! أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لَمْ يُؤْتَ بِطَبَقٍ إِلَّا وَ عَلَيْهِ بَقْلٌ ؟!

قُلْتُ: وَ لِمَ؟ جُعِلْتُ فِدَاكَ!

فَقَالَ: لِأَنَّ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ خَضِرَةٌ وَ هِيَ تَحِنُّ إِلَى أَشْكَالِهَا.

(۱۱۲)

بَابُ مَا جَاءَ فِي الْهِنْدَبَاءِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْمُثَنَّى بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ بَاتَ وَ فِي جَوْفِهِ سَبْعُ طَاقَاتٍ مِنَ الْهِنْدَبَاءِ أَمِنَ مِنَ الْقُولَنْجِ لَيْلَتَهُ تِلْكَ إِنْ شَاءَ اللهُ.

غلام رفت و سبزی آورد و در سفره گذاشت و حضرت از آن خوردند.

۲ ـ حنان گوید: با امام صادق عليه السلام بر سر یک سفره غذا می‌خوردیم، حضرت عليه السلام به سبزی علاقه داشت و از آن می‌خورد و من به خاطر بیماری که داشتم، نمی‌خوردم. آن حضرت به من رو نمود و فرمود:

ای حنان! مگر نمی‌دانی که برای امیرمؤمنان علی عليه السلام ظرف غذایی نمی‌آوردند مگر آن که روی آن سبزی بود؟!

عرض کردم: فدایت شوم! چرا چنین بود؟

فرمود: چرا که قلب‌های مؤمنان سبز است و به امثال خود تمایل دارند.

بخش صد و دوازدهم
روایاتی درباره کاسنی

۱ ـ مثّنی بن ولید گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کس در حالی که در شکمش هفت برگ کاسنی باشد، بخوابد، إن شاء الله آن شب از قولنج در امان خواهد بود.

۲ ـ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ خَالِدِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جَدِّهِ سُفْيَانَ بْنِ السِّمْطِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكْثُرَ مَاؤُهُ وَ وُلْدُهُ فَلْيُدْمِنْ أَكْلَ الْهِنْدَبَاءِ.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكْثُرَ مَاؤُهُ وَ وُلْدُهُ فَلْيُكْثِرْ أَكْلَ الْهِنْدَبَاءِ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

نِعْمَ الْبَقْلُ الْهِنْدَبَاءُ! وَ لَيْسَ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا وَ عَلَيْهَا قَطْرَةٌ مِنَ الْجَنَّةِ؛ فَكُلُوهَا وَ لَا تَنْفُضُوهَا عِنْدَ أَكْلِهَا.

قَالَ: وَ كَانَ أَبِي عليه السلام يَنْهَانَا أَنْ نَنْفُضَهُ إِذَا أَكَلْنَاهُ.

۵ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

الْهِنْدَبَاءُ سَيِّدُ الْبُقُولِ.

---

۲ ـ سفیان بن سمط گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کس دوست دارد آب کمر و نسل او فراوان گردد، باید بر خوردن کاسنی مداومت کند.

۳ ـ نظیر این روایت را سکونی از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند.

۴ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

کاسنی چه سبزی خوبی است! هیچ برگ کاسنی نیست، مگر آن که روی آن قطره‌ای از بهشت است. آن را بخورید و هنگام خوردن آن را نتکانید.

فرمود: هنگامی که برگ کاسنی می‌خوردیم پدرم ما را نهی می‌کرد که آن را بتکانیم.

۵ ـ مسعدة بن صدقة بن زیاد گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

کاسنی، آقای سبزی‌هاست.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ جَمِيعاً عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

عَلَيْكَ بِالْهِنْدَبَاءِ! فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الْمَاءِ وَ يُحَسِّنُ الْوَلَدَ وَ هُوَ حَارٌّ لَيِّنٌ يَزِيدُ فِي الْوَلَدِ الذُّكُورَةَ.

٧ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِي سُلَيْمَانَ الْحَذَّاءِ الْجَبَلِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَيْضِ قَالَ: تَغَدَّيْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام وَ عَلَى الْخِوَانِ بَقْلٌ وَ مَعَنَا شَيْخٌ فَجَعَلَ يَتَنَكَّبُ الْهِنْدَبَاءَ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: أَمَّا أَنْتُمْ فَتَزْعُمُونَ أَنَّ الْهِنْدَبَاءَ بَارِدَةٌ وَ لَيْسَتْ كَذَلِكَ وَ لَكِنَّهَا مُعْتَدِلَةٌ وَ فَضْلُهَا عَلَى الْبُقُولِ كَفَضْلِنَا عَلَى النَّاسِ.

٨ ـ عَنْهُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ الْأَصَمِّ عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

---

۶ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

بر تو باد به کاسنی! زیرا آب کمر را زیاد و فرزند را زیبا رو می‌سازد خاصیّت آن گرم، نرم و روان است و موجب تولّد فرزند پسر می‌شود.

۷ ـ محمّد بن فیض گوید: با امام صادق عليه السلام و پیرمردی صبحانه می‌خوردم و بر سر سفره سبزی بود، پیر مرد از کاسنی نخورد. امام صادق عليه السلام فرمود: به پندار شما خاصیّت کاسنی سرد است، چنین نیست، کاسنی خاصیّت معتدلی دارد و برتری آن بر دیگر سبزی‌ها، مانند برتری ما بر مردم است.

۸ ـ ابو بصیر گوید امام صادق عليه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود.

كُلُوا الْهِنْدَبَاءَ؛ فَمَا مِنْ صَبَاحٍ إِلَّا وَ تَنْزِلُ عَلَيْهَا قَطْرَةٌ مِنَ الْجَنَّةِ. فَإِذَا أَكَلْتُمُوهَا فَلَا تَنْفُضُوهَا.

قَالَ: وَ قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: كَانَ أَبِي عليه السلام يَنْهَانَا أَنْ نَنْفُضَهَا إِذَا أَكَلْنَاهَا.

۹ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ: سَمِعْتُ الرِّضَا عليه السلام يَقُولُ:

الْهِنْدَبَاءُ شِفَاءٌ مِنْ أَلْفِ دَاءٍ. مَا مِنْ دَاءٍ فِي جَوْفِ ابْنِ آدَمَ إِلَّا قَمَعَهُ الْهِنْدَبَاءُ.

قَالَ: وَ دَعَا بِهِ يَوْماً لِبَعْضِ الْحَشَمِ وَ كَانَ تَأْخُذُهُ الْحُمَّى وَ الصُّدَاعُ فَأَمَرَ أَنْ يُدَقَّ وَ صَيَّرَهُ عَلَى قِرْطَاسٍ وَ صَبَّ عَلَيْهِ دُهْنَ الْبَنَفْسَجِ وَ وَضَعَهُ عَلَى جَبِينِهِ.

ثُمَّ قَالَ: أَمَا إِنَّهُ يَذْهَبُ بِالْحُمَّى وَ يَنْفَعُ مِنَ الصُّدَاعِ وَ يَذْهَبُ بِهِ.

۱۰ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

کاسنی بخورید؛ هربامدادی قطره‌ای بهشتی روی برگ آن می‌چکد، هرگاه برگ کاسنی میل می‌کنید آن را نتکانید.

امام صادق عليه السلام فرمود: آن‌گاه که ما برگ کاسنی می‌خوردیم پدرم ما را از تکان دادن برگ آن بازمی‌داشت.

۹ ـ محمّد بن اسماعیل گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

کاسنی، شفای هر بیماری است. هیچ بیماری نیست مگر آن‌که کاسنی آن را بهبود می‌دهد.

محمّد گوید: روزی امام رضا عليه السلام برای یکی از وابستگان خود که دچار تب وسردرد شده بود، کاسنی خواست ودستور فرمود که آن را بکوبند، در کاغذ قرار دهند وروی آن روغن بنفشه بریزند، آن‌گاه روی پیشانی بیمار قرار دهند.

سپس فرمود: آگاه باشید! کاسنی تب را از بین می‌برد، برای سردرد سودمند است وآن را از بین می‌برد.

۱۰ ـ یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

بَقْلَةُ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله الْهِنْدَبَاءُ وَ بَقْلَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام الْبَاذَرُوجُ وَ بَقْلَةُ فَاطِمَةَ عليها السلام الْفَرْفَخُ.

(١١٣)

بَابُ الْبَاذَرُوجِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

كَانَ يُعْجِبُ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله مِنَ الْبُقُولِ الْحَوْكُ.

٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِبْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يُعْجِبُهُ الْبَاذَرُوجُ.

سبزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کاسنی، سبزی امیرمؤمنان علی عليه السلام ریحان کوهی و سبزی حضرت فاطمه عليها السلام خُرفه است.

بخش صد و سیزدهم

ریحان کوهی

١ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در میان سبزی‌ها به ریحان کوهی علاقه داشت.

٢ ـ حمّاد بن عثمان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی عليه السلام همواره به ریحان کوهی علاقه داشت.

٣ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ قَالَ: حَدَّثَنِي مَنْ حَضَرَ مَعَ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام الْمَائِدَةَ فَدَعَا بِالْبَاذَرُوجِ وَ قَالَ:

إِنِّي أُحِبُّ أَنْ أَسْتَفْتِحَ بِهِ الطَّعَامَ؛ فَإِنَّهُ يَفْتَحُ السُّدَدَ وَ يُشَهِّي الطَّعَامَ وَ يَذْهَبُ بِالسُّبُلِ وَ مَا أُبَالِي إِذَا أَنَا افْتَتَحْتُ بِهِ مَا أَكَلْتُ بَعْدَهُ مِنَ الطَّعَامِ. فَإِنِّي لَا أَخَافُ دَاءً وَ لَا غَائِلَةً.

فَلَمَّا فَرَغْنَا مِنَ الْغَدَاءِ دَعَا بِهِ أَيْضاً وَ رَأَيْتُهُ يَتَتَبَّعُ وَرَقَهُ عَلَى الْمَائِدَةِ وَ يَأْكُلُهُ وَيُنَاوِلُنِي مِنْهُ وَ هُوَ يَقُولُ:

اخْتِمْ طَعَامَكَ بِهِ؛ فَإِنَّهُ يُمْرِئُ مَا قَبْلُ كَمَا يُشَهِّي مَا بَعْدُ وَ يَذْهَبُ بِالثِّقَلِ وَيُطَيِّبُ الْجُشَاءَ وَ النَّكْهَةَ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى عَنْ إِشْكِيبِ بْنِ عَبْدَةَ الْهَمْدَانِيِّ بِإِسْنَادٍ لَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

---

۳ ـ ایّوب بن نوح گوید: کسی که همراه امام کاظم عليه السلام در کنار سفره غذا حضور داشت به من گفت: حضرت عليه السلام ریحان کوهی طلب نمود و فرمود:

من دوست دارم که با ریحان کوهی غذا را شروع کنم؛ زیرا آن گرفتگی بینی را می‌گشاید، اشتها می‌آورد و تاری چشم را از بین می‌برد و آنگاه که با ریحان کوهی غذایم را شروع می‌کنم، اهمیت نمی‌دهم که پس از آن چه غذایی می‌خورم؛ زیرا در این صورت از هیچ بیماری و بلایی واهمه ندارم.

راوی گوید: هنگامی که از خوردن صبحانه فارغ شدیم، حضرت عليه السلام باز هم ریحان کوهی خواست. دیدم که حضرت برگ آن را که روی سفره ریخته بود، جمع می‌کرد و میل می‌نمود و به من نیز می‌داد و می‌فرمود:

غذایت را با ریحان کوهی به پایان ببر؛ چرا که غذایی را که خورده‌ای گوارا می‌کند، اشتها آور است، سنگینی غذا را از بین می‌برد و آروغ و بوی دهان را خوش بو می‌سازد.

۴ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

الْحَوْكُ بَقْلَةُ الْأَنْبِيَاءِ؛ أَمَا إِنَّ فِيهِ ثَمَانَ خِصَالٍ: يُمْرِئُ وَ يَفْتَحُ السُّدَدَ وَ يُطَيِّبُ الْجُشَاءَ وَ يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ وَ يُشَهِّي الطَّعَامَ وَ يَسُلُّ الدَّاءَ وَ هُوَ أَمَانٌ مِنَ الْجُذَامِ إِذَا اسْتَقَرَّ فِي جَوْفِ الْإِنْسَانِ قَمَعَ الدَّاءَ كُلَّهُ.

(۱۱٤)

بَابُ الْكُرَّاثِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ قَالَ: اشْتَكَى غُلَامٌ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام فَسَأَلَ عَنْهُ فَقِيلَ: بِهِ طُحَالٌ.

فَقَالَ: أَطْعِمُوهُ الْكُرَّاثَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ.

فَأَطْعَمْنَاهُ فَقَعَدَ الدَّمُ ثُمَّ بَرَأَ.

۲ ـ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنِي مَنْ رَأَى أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام يَأْكُلُ الْكُرَّاثَ فِي الْمَشَارَةِ وَ يَغْسِلُهُ بِالْمَاءِ وَ يَأْكُلُهُ.

ریحان کوهی، سبزی پیامبران علیهم السلام است. آگاه باشید! که آن دارای هشت خصوصیت است:

غذا را گوارا می‌کند، گرفتگی بینی را می‌گشاید، آروغ را خوش بو می‌کند، بوی دهان را خوش بو می‌سازد، اشتها آور است، بیماری را بهبود می‌دهد، پیشگیری کننده از جذام است و هرگاه در شکم انسان قرار گیرد، همهٔ بیماری‌ها را بهبود می‌دهد.

بخش صدو چهاردهم

تره

۱ ـ موسی بن بکر گوید: یکی از خدمتکاران امام کاظم علیه السلام بیمار شد، حضرت علیه السلام از حال او پرسیدند، عرض شد: بیماری طحال دارد.

فرمود: سه روز به او تره بخورانید.

ما به او تره خوراندیم آن‌گاه خون قطع شد و بهبود یافت.

۲ ـ موسی بن بکر گوید: کسی که به حضور امام کاظم علیه السلام رسیده بود به من گفت: آن حضرت درگوشه‌ای از مزرعه تره را با آب می‌شست و میل می‌نمود.

۳ ـ سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَاالْحَسَنِ عليه السلام يَقْطَعُ الْكُرَّاثَ بِأُصُولِهِ فَيَغْسِلُهُ بِالْمَاءِ وَ يَأْكُلُهُ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمَذَانِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ عِيسَى عَنْ فُرَاتِ بْنِ أَحْنَفَ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنِ الْكُرَّاثِ.

فَقَالَ: كُلْهُ؛ فَإِنَّ فِيهِ أَرْبَعَ خِصَالٍ: يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ وَ يَطْرُدُ الرِّيَاحَ وَ يَقْطَعُ الْبَوَاسِيرَ. وَ هُوَ أَمَانٌ مِنَ الْجُذَامِ لِمَنْ أَدْمَنَ عَلَيْهِ.

٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى أَوْ غَيْرِهِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ زَكَرِيَّا عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

ذُكِرَتِ الْبُقُولُ عِنْدَ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله.

فَقَالَ: كُلُوا الْكُرَّاثَ؛ فَإِنَّ مَثَلَهُ فِي الْبُقُولِ كَمَثَلِ الْخُبْزِ فِي سَائِرِ الطَّعَامِ.

أَوْ قَالَ: الْإِدَامِ. الشَّكُّ مِنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ.

---

۳ ـ یونس بن یعقوب گوید:

امام کاظم علیه السلام را دیدم که تره را از ریشه بر می‌کَنَد و با آب می‌شوید و تناول می‌فرماید.

۴ ـ فرات بن احنف گوید: از امام صادق علیه السلام دربارهٔ تره سؤال شد، فرمود:

آن را بخور؛ زیرا چهار خاصیت دارد: بوی دهان را خوش بو می‌کند، بادهای بدن را دور می‌نماید، بواسیر را بهبود می‌دهد و برای کسی که بر خوردن آن مداومت کند جلوگیری کننده از جذام است.

۵ ـ حمّاد بن عثمان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

نزد پیامبر خدا صلى الله عليه وآله سخن از سبزی‌ها به میان آمد، حضرت فرمود: تره بخورید؛ زیرا که مَثَل آن در سبزی‌ها همانند مَثَل نان در بین غذاهای دیگر است ـ یا فرمود: در بین خورش‌های دیگر است. تردید از محمّد بن یعقوب است.

٦ ـ عَنْهُ عَنْ دَاوُدَ بْنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ رَجُلٍ رَأَى أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام بِخُرَاسَانَ يَأْكُلُ الْكُرَّاثَ مِنَ الْبُسْتَانِ كَمَا هُوَ فَقِيلَ لَهُ: إِنَّ فِيهِ السَّمَادَ.

فَقَالَ عليه السلام: لَا تَعَلَّقُ بِهِ مِنْهُ شَيْءٌ وَ هُوَ جَيِّدٌ لِلْبَوَاسِيرِ.

٧ ـ عَنْهُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام عَلَى الْمَائِدَةِ فَمِلْتُ عَلَى الْهِنْدَبَاءِ.

فَقَالَ لِي: يَا حَنَانُ! لِمَ لَا تَأْكُلُ الْكُرَّاثَ؟

قُلْتُ: لِمَا جَاءَ عَنْكُمْ مِنَ الرِّوَايَةِ فِي الْهِنْدَبَاءِ.

فَقَالَ: وَ مَا الَّذِي جَاءَ عَنَّا؟

قُلْتُ: إِنَّهُ قِيلَ عَنْكُمْ إِنَّكُمْ قُلْتُمْ: إِنَّهُ يُقَطَّرُ عَلَيْهِ مِنَ الْجَنَّةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ قَطْرَةٌ.

قَالَ: فَقَالَ عليه السلام: فَعَلَى الْكُرَّاثِ إِذَنْ سَبْعُ قَطَرَاتٍ.

قُلْتُ: فَكَيْفَ آكُلُهُ؟

قَالَ: اقْطَعْ أُصُولَهُ وَ اقْذِفْ بِرُءُوسِهِ.

---

۶ ـ داوود بن ابی داوود از شخصی که امام رضا عليه السلام را در خراسان مشاهده نموده بود، روایت می‌کند که امام رضا عليه السلام تره را در بستان میل می‌نمود. به ایشان گفتند: در آن، سرگین و خاکستر است.

فرمود: چیزی از سرگین و خاکستر به آن نمی‌چسبد. هم چنین تره برای بواسیر خوب است.

۷ ـ حنان بن سدیر گوید: با امام صادق عليه السلام در کنار سفره غذایی بودم من کاسنی میل نمودم.

امام عليه السلام به من فرمود: ای حنان! چرا تره نمی‌خوری؟

عرض کردم: به خاطر روایتی که از شما دربارهٔ کاسنی وارد شده است.

فرمود: چه روایتی از ما صادر شده است؟

عرض کردم: از جانب شما گفته می‌شود که فرمودید: «هر روز یک قطرهٔ بهشتی بر روی برگ کاسنی می‌چکد».

فرمود: بنابراین بر روی تره، هفت قطره می‌چکد.

عرض کردم: آن را چگونه بخورم؟

فرمود: ریشه‌اش را قطع کن و سر آن را دور بینداز.

۸ ـ عَنْهُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ قَالَ:
كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام يَأْكُلُ الْكُرَّاثَ بِالْمِلْحِ الْجَرِيشِ.

(۱۱۵)

بَابُ الْكَرَفْسِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى أَوْ غَيْرِهِ عَنْ قُتَيْبَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ زَكَرِيَّا عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله:
عَلَيْكُمْ بِالْكَرَفْسِ! فَإِنَّهُ طَعَامُ إِلْيَاسَ وَ الْيَسَعِ وَ يُوشَعَ بْنِ نُونٍ.
۲ ـ عَنْهُ عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبٍ النَّيْسَابُورِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ فِيمَا أَعْلَمُ عَنْ نَادِرٍ الْخَادِمِ قَالَ: ذَكَرَ أَبُو الْحَسَنِ عليه‌السلام الْكَرَفْسَ فَقَالَ:
أَنْتُمْ تَشْتَهُونَهُ وَ لَيْسَ مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا وَ هِيَ تَحْتَكُّ بِهِ.

---

۸ ـ راوی گوید: امیرمؤمنان علی عليه‌السلام همواره تره را با نمک نرم ساییده نشده یا نیم کوفته میل می‌نمود.

بخش صدو پانزدهم

کرفس

۱ ـ حمّاد بن زکریّا گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:
پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: بر شما باد به کرفس؛ چرا که آن غذای حضرت الیاس، یسع و یوشع بن نون عليهم‌السلام بود.
۲ ـ نادر خادم گوید: امام کاظم عليه‌السلام سخن از کرفس به میان آورد و فرمود:
شما به آن اشتها دارید در حالی که هیچ جنبنده‌ای نیست، مگر آن که با کرفس خود را مداوا می‌کند.

(۱۱٦)

بَابُ الْكُزْبُرَةِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الدِّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:
أَكْلُ التُّفَّاحِ وَ الْكُزْبُرَةِ يُورِثُ النِّسْيَانَ.

(۱۱۷)

بَابُ الْفَرْفَخِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ فُرَاتِ بْنِ أَحْنَفَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

بخش صد و شانزدهم

گشنیز

۱ ـ ابراهیم بن عبدالحمید گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:
خوردن سیب و گشنیز، فراموشی می‌آورد.

بخش صد و هفدهم

خُرفه

۱ ـ فرات بن احنف گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

لَيْسَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ بَقْلَةٌ أَشْرَفُ وَ لَا أَنْفَعُ مِنَ الْفَرْفَخِ وَ هُوَ بَقْلَةُ فَاطِمَةَ عليها‌السلام.

ثُمَّ قَالَ: لَعَنَ اللهُ بَنِي أُمَيَّةَ! هُمْ سَمَّوْهَا بَقْلَةَ الْحَمْقَاءِ بُغْضاً لَنَا وَ عَدَاوَةً لِفَاطِمَةَ عليها‌السلام.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

وَطِئَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله الرَّمْضَاءَ فَأَحْرَقَتْهُ؛ فَوَطِئَ عَلَى الرِّجْلَةِ وَ هِيَ الْبَقْلَةُ الْحَمْقَاءُ فَسَكَنَ عَنْهُ حَرُّ الرَّمْضَاءِ، فَدَعَا لَهَا وَ كَانَ يُحِبُّهَا صلى‌الله‌عليه‌وآله وَ يَقُولُ: مِنْ بَقْلَةٍ مَا أَبْرَكَهَا.

(۱۱۸)

بَابُ الْخَسِّ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي حَفْصٍ الْأَبَّارِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

بر روی زمین هیچ سبزی ارزشمندتر و سودمندتر از خرفه، وجود ندارد و آن، سبزی حضرت فاطمه عليها‌السلام است.

آنگاه فرمود: خداوند بنو امیه را لعنت کند! آنان به خاطر کینه با ما و دشمنی با فاطمه عليها‌السلام خرفه را سبزی نادان نامیدند.

۲ ـ یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

روزی پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله بر روی زمین داغ پای گذاشت و پای ایشان سوخت، آنگاه بر روی خرفه ـ سبزی نادان ـ پای نهاد و سوزش پایش آرام شد، سپس پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله برای خرفه دعا نمود و آن را دوست می‌داشت و هم چنین می‌فرمود: چه سبزی با برکتی است.

بخش صد و هیجدهم

کاهو

۱ ـ ابو حفص ابّار گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

عَلَيْكُمْ بِالْخَسِّ! فَإِنَّهُ يُصَفِّي الدَّمَ.

(۱۱۹)

بَابُ السَّذَابِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ عَامِرٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

السَّذَابُ يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ.

۲ ـ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ أَوْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام ـ الْوَهْمُ مِنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى ـ قَالَ: ذُكِرَ السَّذَابُ فَقَالَ:

أَمَا إِنَّ فِيهِ مَنَافِعَ زِيَادَةٌ فِي الْعَقْلِ وَ تَوْفِيرٌ فِي الدِّمَاغِ غَيْرَ أَنَّهُ يُنَتِّنُ مَاءَ الظَّهْرِ.

وَ رُوِيَ: أَنَّهُ جَيِّدٌ لِوَجَعِ الْأُذُنِ.

بر شما باد به خوردن کاهو! زیرا که آن خون را تصفیه می‌کند.

بخش صد و نوزدهم

سداب

۱ ـ راوی گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

سداب عقل را زیاد می‌کند.

۲ ـ محمّد بن عمرو بن ابراهیم گوید: امام باقر عليه السلام یا امام کاظم عليه السلام ـ تردید از محمّد بن موسی است ـ سخن از سداب به میان آورد و فرمود:

آگاه باشید! در آن منفعت‌هایی است که باعث فزونی عقل مغز می‌گردد، جز این که آب کمر را بدبو می‌کند.

و روایت شده است که سداب برای درد گوش خوب است.

(۱۲۰)

بَابُ الْجِرْجِيرِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى وَ غَيْرِهِ عَنْ قُتَيْبَةَ الْأَعْشَى أَوْ قَالَ: قُتَيْبَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ زَكَرِيَّا عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَا تَضْلَعُ الرَّجُلُ مِنَ الْجِرْجِيرِ بَعْدَ أَنْ يُصَلِّيَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ فَبَاتَ تِلْكَ اللَّيْلَةَ إِلَّا وَ نَفْسُهُ تُنَازِعُهُ إِلَى الْجُذَامِ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَكَلَ الْجِرْجِيرَ بِاللَّيْلِ ضَرَبَ عَلَيْهِ عِرْقُ الْجُذَامِ مِنْ أَنْفِهِ وَ بَاتَ يُنْزَفُ الدَّمُ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُوسَى بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنِ الْبَقْلِ الْهِنْدَبَاءِ وَ الْبَاذَرُوجِ وَ الْجِرْجِيرِ فَقَالَ:

بخش صد و بیستم

شاهی

۱ ـ حمّاد بن زکریا گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کس بعد از نماز عشاء شاهی بخورد و بخوابد، در آن شب روح و روانش را با جذام درگیر می‌کند.

۳ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کس شب شاهی بخورد، رگ جذام از درون بینی‌اش به او ضربه می‌زند و شب را در حالی به پایان می‌رساند که خون بسیاری از او می‌رود به حدی که ضعیف می‌شود.

۳ ـ ابو بصیر گوید: شخصی از امام صادق عليه السلام دربارهٔ سبزی کاسنی، ریحان کوهی و شاهی سؤال کرد، فرمود:

الْهِنْدَبَاءُ وَ وَ الْبَاذَرُوجُ لَنَا وَ الْجِرْجِيرُ لِبَنِي أُمَيَّةَ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ نُصَيْرٍ مَوْلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام عَنْ مُوَفَّقٍ مَوْلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه‌السلام قَالَ: كَانَ مَوْلَايَ أَبُو الْحَسَنِ عليه‌السلام إِذَا أَمَرَ بِشِرَاءِ الْبَقْلِ يَأْمُرُ بِالْإِكْثَارِ مِنْهُ وَ مِنَ الْجِرْجِيرِ فَيُشْتَرَى لَهُ وَ كَانَ يَقُولُ عليه‌السلام:

مَا أَحْمَقَ بَعْضَ النَّاسِ يَقُولُونَ: إِنَّهُ يَنْبُتُ فِي وَادٍ فِي جَهَنَّمَ؛ وَ اللهُ عزّوجلّ يَقُولُ: ﴿وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ﴾ فَكَيْفَ تَنْبُتُ الْبَقْلُ؟!

(۱۲۱)
بَابُ السِّلْقِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي عُثْمَانَ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

کاسنی و ریحان کوهی برای ما و شاهی از آنِ بنو امیه است.

۴ ـ موفّق غلام امام کاظم عليه‌السلام گوید:

هرگاه مولایم امام کاظم عليه‌السلام به خرید سبزی دستور می‌داد امر می‌فرمود که سبزی و شاهی بسیار باشد.

هم چنین می‌فرمود: چه قدر بعضی از مردم نادانند! می‌گویند: «شاهی در بیابانی در دوزخ می‌روید» در حالی که خداوند می‌فرماید: «آتش‌گیرهٔ دوزخ، مردم و سنگ است» بنابراین چگونه شاهی در دوزخ می‌روید؟!

بخش صد و بیست و یکم
چغندر

۱ ـ ابو عثمان در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

إِنَّ اللهَ ﷻ رَفَعَ عَنِ الْيَهُودِ الْجُذَامَ بِأَكْلِهِمُ السِّلْقَ وَ قَلْعِهِمُ الْعُرُوقَ.

۲ ـ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه‌السلام قَالَ:

نِعْمَ الْبَقْلَةُ السِّلْقُ!

۳ ـ عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ التَّيْمِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ عَبَّادٍ عَنْ عِيسَى بْنِ أَبِي الْوَرْدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام:

أَنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ شَكَوْا إِلَى مُوسَى عليه‌السلام مَا يَلْقَوْنَ مِنَ الْبَيَاضِ. فَشَكَا ذَلِكَ إِلَى اللهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى فَأَوْحَى اللهُ إِلَيْهِ أَنْ مُرْهُمْ بِأَكْلِ لَحْمِ الْبَقَرِ بِالسِّلْقِ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه‌السلام أَنَّهُ قَالَ:

أَطْعِمُوا مَرْضَاكُمُ السِّلْقَ؛ يَعْنِي وَرَقَهُ؛ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً وَ لَا دَاءَ مَعَهُ وَ لَا غَائِلَةَ لَهُ وَ يُهْدِئُ نَوْمَ الْمَرِيضِ وَ اجْتَنِبُوا أَصْلَهُ؛ فَإِنَّهُ يُهَيِّجُ السَّوْدَاءَ.

خداوند متعال از یهودیان به خاطر خوردن چغندر وکندن رگ‌های آن بیماری جذام را برداشت.

۲ ـ صفوان بن یحیی گوید: امام کاظم عليه‌السلام فرمود:

چغندر چه سبزی خوبی است!

۳ ـ محمّد بن قیس گوید: امام باقر عليه‌السلام فرمود:

بنی اسرائیل به بیماری سفیدی پوست دچار شده بودند. از این رو به حضرت موسی عليه‌السلام شکایت نمودند. حضرت موسی عليه‌السلام آن را به خداوند سبحان عرض کرد.

خداوند به او وحی نمود: به بنی اسرائیل دستور ده که گوشت گاو با چغندر بخورند.

۴ ـ محمّد بن عیسی گوید: امام رضا عليه‌السلام فرمود:

به بیماران خود چغندر ـ یعنی برگ آن را ـ بخورانید؛ زیرا در آن شفاء است، هیچ بیماری وهیچ گونه گرفتاری وبلایی با آن نیست وخواب بیمار را راحت می‌کند. البته از ریشه آن دوری کنید؛ چراکه سوداء را تحریک می‌کند.

۵ ـ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ بَعْضِ الْحُصَيْنِيِّينَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام:
أَنَّ السِّلْقَ يَقْمَعُ عِرْقَ الْجُذَامِ وَ مَا دَخَلَ جَوْفَ الْمُبَرْسَمِ مِثْلُ وَرَقِ السِّلْقِ.

(۱۲۲)
بَابُ الْكَمْأَةِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ عَلِيٍّ عَنْ أُمَامَةَ بِنْتِ أَبِي الْعَاصِ بْنِ الرَّبِيعِ وَأُمُّهَا زَيْنَبُ بِنْتُ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله قَالَتْ: أَتَانِي أَمِيرُالْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عليه السلام فِي شَهْرِ رَمَضَانَ؛ فَأُتِيَ بِعَشَاءٍ وَ تَمْرٍ وَ كَمْأَةٍ فَأَكَلَ عليه السلام وَ كَانَ يُحِبُّ الْكَمْأَةَ.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله:
الْكَمْأَةُ مِنَ الْمَنِّ وَ الْمَنُّ مِنَ الْجَنَّةِ وَ مَاؤُهَا شِفَاءٌ لِلْعَيْنِ.

---

۵ ـ راوی گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:
چغندر، رگ جذام را ریشه کن می‌کند وهمانند برگ آن در شکم بیمار برسام وارد نشده است.

بخش صد و بیست و دوم
قارچ

۱ ـ امامه ـ که پدرش ابی العاص بن ربیع ومادرش زینب دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است ـ می‌گوید:
امیرمؤمنان علی عليه السلام در ماه رمضان نزد من تشریف آورد برای شام، خرما وقارچ آوردند، حضرت میل فرمود وهمواره قارچ را دوست می‌داشت.
۲ ـ عبدالرحمان بن زید گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرود:
قارچ از انگبین وانگبین از بهشت است وآب آن درمانی برای چشم است.

(۱۲۳)

بَابُ الْقَرْعِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام :
أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام سُئِلَ عَنِ الْقَرْعِ يُذْبَحُ.
فَقَالَ: الْقَرْعُ لَيْسَ يُذَكَّى فَكُلُوهُ وَ لَا تَذْبَحُوهُ وَ لَا يَسْتَهْوِيَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ لَعَنَهُ اللهُ.

۲ ـ وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:
كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله يُعْجِبُهُ الدُّبَّاءُ فِي الْقُدُورِ وَ هُوَ الْقَرْعُ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ مَيْمُونٍ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:
كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله يُعْجِبُهُ الدُّبَّاءُ وَ يَلْتَقِطُهُ مِنَ الصَّحْفَةِ.

بخش صد و بیست و سوم

کدو حلوایی

۱ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
از امیرمؤمنان علی عليه السلام دربارهٔ کدویی که سر آن را می‌بُرند، سؤال شد، فرمود:
کدو را سر نمی‌بُرند. پس آن را بخورید و سرش را نبرید و شیطان ـ که لعنت خدا بر او باد ـ هوای نفس و عقل شما را نبَرد.

۲ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
پیامبر صلى الله عليه وآله به کدویی که در دیگ پخته می‌شد علاقه داشت و آن همان کدو حلوایی است.

۳ ـ عبدالله بن میمون قدّاح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
پیامبر صلى الله عليه وآله به کدو علاقه داشت و آن را از کاسهٔ بزرگ با علاقه برمی‌داشت (و میل می‌فرمود).

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الشَّامِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ حَنْظَلَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ:
الدُّبَّاءُ يَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ.

٥ ـ عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام يَقُولُ:
الدُّبَّاءُ يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ.

٦ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ السَّيَّارِيِّ رَفَعَهُ قَالَ:
كَانَ النَّبِيُّ صلی الله علیه وآله يُعْجِبُهُ الدُّبَّاءُ وَ كَانَ يَأْمُرُ نِسَاءَهُ إِذَا طَبَخْنَ قِدْراً يُكْثِرْنَ مِنَ الدُّبَّاءِ وَ هُوَ الْقَرْعُ.

٧ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام قَالَ:
كَانَ فِيمَا أَوْصَى بِهِ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه وآله عَلِيّاً عليه السلام أَنَّهُ قَالَ لَهُ:

---

۴ ـ حسین بن حنظله گوید: امام (باقر عليه السلام یا امام صادق عليه السلام) فرمود:
کدو، نیروی مغز را زیاد می‌کند.

۵ ـ موسی بن بکر گوید: از امام کاظم عليه السلام شنیدم که می‌فرمود: کدو، عقل را زیاد می‌کند.

۶ ـ سیّاری در روایت مرفوعه‌ای گوید: پیامبر صلی الله علیه وآله به کدو علاقه داشت و به همسران خود دستور می‌فرمود که هرگاه دیگ را بار می‌گذارند، کدوی آن را زیاد نمایند و آن همان کدو حلوایی است.

۷ ـ راوی گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:
از وصیت‌های پیامبر صلی الله علیه وآله به امیرمؤمنان علی عليه السلام این بود که فرمود:

يَا عَلِيُّ! عَلَيْكَ بِالدُّبَّاءِ! فَكُلْهُ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ وَ الْعَقْلِ.

(١٢٤)
بَابُ الْفُجْلِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمَذَانِيِّ عَنْ حَنَانٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام وَ كُنْتُ مَعَهُ عَلَى الْمَائِدَةِ فَنَاوَلَنِي فُجْلَةً وَ قَالَ:

يَا حَنَانُ! كُلِ الْفُجْلَ؛ فَإِنَّ فِيهِ ثَلَاثَ خِصَالٍ: وَرَقُهُ يَطْرُدُ الرِّيَاحَ وَ لُبُّهُ يُسَرْبِلُ الْبَوْلَ وَ أَصْلُهُ يَقْطَعُ الْبَلْغَمَ.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: وَرَقُهُ يُمْرِئُ.

٢ ـ عَنْهُ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ أَبِي عُثْمَانَ عَنْ دُرُسْتَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

الْفُجْلُ أَصْلُهُ يَقْطَعُ الْبَلْغَمَ وَ لُبُّهُ يَهْضِمُ وَ وَرَقُهُ يَحْدِرُ الْبَوْلَ حَدْراً.

ای علی! بر تو باد به کدو! آن را بخور؛ چرا که آن نیروی مغز را زیاد وعقل را فزونی می‌بخشد.

بخش صد و بیست و چهارم
تُرُب

۱ ـ حنان گوید: از امام صادق علیه السلام ـ در حالی که با ایشان در کنار سفره بودم و ایشان تربی به من داد ـ شنیدم که فرمود:

ای حنان! ترب بخور؛ زیرا در آن سه ویژگی است: برگ آن بادهای بدن را دور می‌کند، مغز آن، ادرار آور است و ریشه آن بلغم را از بین می‌برد.

و در روایت دیگر چنین است: برگ آن، غذا را گوارا می‌نماید.

۲ ـ درست گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ریشه ترب، بلغم را از بین می‌برد، مغز آن غذا را هضم می‌کند وبرگ آن ادرار را روان می‌کند؛ چه روان کردنی!

(۱۲۵)

بَابُ الْجَزَرِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ دَاوُدَبْنِ فَرْقَدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

أَكْلُ الْجَزَرِ يُسَخِّنُ الْكُلْيَتَيْنِ وَ يُقِيمُ الذَّكَرَ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْجَلَّابِ عَنْ مُوسَى بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

الْجَزَرُ أَمَانٌ مِنَ الْقُولَنْجِ وَ الْبَوَاسِيرِ وَ يُعِينُ عَلَى الْجِمَاعِ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام يَقُولُ:

بخش صد و بیست و پنجم

هویج

۱ ـ داور بن فرقد گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

خوردن هویج کلیه‌ها را گرم می‌کند و باعث نعوظ آلت می‌شود.

۲ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هویج امان از قولنج و بواسیر است و بر نیروی آمیزش یاری می‌کند.

۳ ـ داوود بن فرقد گوید: از امام کاظم عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

أَكْلُ الْجَزَرِ يُسَخِّنُ الْكُلْيَتَيْنِ وَ يَنْصِبُ الذَّكَرَ.
قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! كَيْفَ آكُلُهُ وَ لَيْسَ لِي أَسْنَانٌ؟
قَالَ: فَقَالَ لِي: مُرِ الْجَارِيَةَ تَسْلُقُهُ وَ كُلْهُ.

(١٢٦)

بَابُ السَّلْجَمِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُسَيَّبِ قَالَ: قَالَ الْعَبْدُ الصَّالِحُ عليه السلام:
عَلَيْكَ بِاللِّفْتِ! فَكُلْهُ؛ يَعْنِي السَّلْجَمَ؛ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَ لَهُ عِرْقٌ مِنَ الْجُذَامِ وَ اللِّفْتُ يُذِيبُهُ.

خوردن هویج کلیه‌ها را گرم می‌کند و باعث نعوظ آلت می‌شود.
به ایشان عرض کردم: فدایت شوم! من آن را چگونه بخورم در حالی که دندان ندارم؟
به من فرمود: به کنیزت دستور ده آن را کمی با آب بجوشاند و آنگاه از آن بخور.

بخش صد و بیست و ششم

شلغم

۱ ـ علی بن مسیّب گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود:
بر تو باد به «لِفت» یعنی شلغم؛ زیرا هیچ کس نیست مگر آن که یک رگ جذام دارد و شلغم آن را از بین می‌برد.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْـمُهْتَدِي رَفَـعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَ فِيهِ عِرْقٌ مِنَ الْجُذَامِ فَأَذِيبُوهُ بِالسَّلْجَمِ.

۳ ـ عَنْهُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ [عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ الْمُبَارَكِ] عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِـي الْـحَسَنِ عليه السلام ـ أَوْ قَـالَ: عَـنْ أَبِـي عَبْدِاللهِ عليه السلام ـ قَالَ:

مَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَ بِهِ عِرْقٌ مِنَ الْجُذَامِ فَأَذِيبُوهُ بِأَكْلِ السَّلْجَمِ.

٤ ـ عَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُـحَمَّدِ بْـنِ سِـنَانٍ عَـمَّنْ ذَكَـرَهُ عَـنْ أَبِـي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

عَلَيْكُمْ بِالسَّلْجَمِ! فَكُلُوهُ وَ أَدِيمُوا أَكْلَهُ وَ اكْتُمُوهُ إِلَّا عَنْ أَهْلِهِ فَمَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَبِهِ عِرْقٌ مِنَ الْجُذَامِ فَأَذِيبُوهُ بِأَكْلِهِ.

---

۲ ـ عبدالعزیز مهتدی در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هیچ کسی نیست مگر آن که یک رگ جذام در اوست پس آن را با شلغم از بین ببرید.

۳ ـ نظیر این روایت را علی بن ابی حمزه از امام کاظم عليه السلام ـ یا از امام صادق عليه السلام ـ نقل می‌کند.

۴ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

بر شما باد به شلغم! آن را بخورید و بر خوردن آن مداومت کنید و آن را از همه پنهان نمایید جز کسانی که شایستگی آن را دارند؛ چرا که هیچ کسی نیست مگر آن که رگی از جذام دارد و شما آن را با خوردن شلغم از بین ببرید.

(۱۲۷)

بَابُ الْقِثَّاءِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَجَّالِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله يَأْكُلُ الْقِثَّاءَ بِالْمِلْحِ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عُبَيْدِ اللهِ الدِّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتَ الْوَاسِطِيِّ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

إِذَا أَكَلْتُمُ الْقِثَّاءَ فَكُلُوهُ مِنْ أَسْفَلِهِ؛ فَإِنَّهُ أَعْظَمُ لِبَرَكَتِهِ.

بخش صد و بیست و هفتم

خیار

۱ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله همواره خیار را با نمک میل می‌نمود.

۲ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه خیار می‌خورید از پایین آن بخورید؛ زیرا برکتش را بیشتر می‌کند.

(۱۲۸)

بَابُ الْبَاذَنْجَانِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَامِرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

كُلُوا الْبَاذَنْجَانَ؛ فَإِنَّهُ يُذْهِبُ الدَّاءَ وَ لَا دَاءَ لَهُ.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الثَّالِثُ عليه السلام لِبَعْضِ قَهَارِمَتِهِ:

اسْتَكْثِرُوا لَنَا مِنَ الْبَاذَنْجَانِ؛ فَإِنَّهُ حَارٌّ فِي وَقْتِ الْحَرَارَةِ وَ بَارِدٌ فِي وَقْتِ الْبُرُودَةِ مُعْتَدِلٌ فِي الْأَوْقَاتِ كُلِّهَا جَيِّدٌ عَلَى كُلِّ حَالٍ.

۳ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَبْدِاللهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ الْهَاشِمِيِّ قَالَ: قَالَ لِبَعْضِ مَوَالِيهِ.

بخش صد و بیست و هشتم

بادمجان

۱ ـ یحیی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

بادمجان بخورید؛ زیرا بیماری را از بین می‌برد و هیچ بیماری در آن نیست.

۲ ـ یکی از اصحاب ما گوید: امام هادی عليه السلام به یکی از پیشکاران خود فرمود:

برای ما زیاد بادمجان تهیه نما؛ زیرا در هنگام گرما، گرم است و در هنگام سرما، سرد. در همهٔ اوقات معتدل و در هر حال و حالتی خوب است.

۳ ـ عبدالرحمان هاشمی گوید: امام عليه السلام به یکی از غلامان خود فرمود:

أَقْلِلْ لَنَا مِنَ الْبَصَلِ وَ أَكْثِرْ لَنَا مِنَ الْبَاذَنْجَانِ.

فَقَالَ لَهُ مُسْتَفْهِماً: الْبَاذَنْجَانِ؟

قَالَ: نَعَمْ الْبَاذَنْجَانُ جَامِعُ الطَّعْمِ مَنْفِيُّ الدَّاءِ صَالِحٌ لِلطَّبِيعَةِ مُنْصِفٌ فِي أَحْوَالِهِ صَالِحٌ لِلشَّيْخِ وَ الشَّابِّ مُعْتَدِلٌ فِي حَرَارَتِهِ وَ بُرُودَتِهِ حَارٌّ فِي مَكَانِ الْحَرَارَةِ وَ بَارِدٌ فِي مَكَانِ الْبُرُودَةِ.

(١٢٩)

بَابُ الْبَصَلِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ حَسَّانَ الْبَغْدَادِيِّ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجُعْفِيِّ قَالَ: ذَكَرَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام الْبَصَلَ فَقَالَ:

يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ وَ يَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ وَ يَزِيدُ فِي الْجِمَاعِ.

برای ما پیاز کم و بادمجان فراوان تهیّه کن.

غلام به صورت استفهامی عرض کرد: بادمجان؟

فرمود: آری، بادمجان دربردانندهٔ همهٔ مزه‌ها دور کننده بیماری وبرای مزاج شایسته است. در همه حالت‌ها معتدل، برای پیرمرد وجوان سازگار ودر گرما وسرما معتدل است؛ چراکه در هنگام گرما، گرم است وهنگام سرما، سرد.

بخش صد و بیست و نهم

پیاز

١ ـ عبدالله بن محمّد جعفی گوید: امام صادق علیه السلام سخن از پیاز به میان آورد وفرمود: پیاز بوی دهان را پاکیزه می‌کند [1]، بلغم را از بین می‌برد وبر نیروی آمیزش می‌افزاید.

---

١ ـ به نظر می‌رسد منظور این است که پیاز بوی آلوده و میکربی دهان را ضدّ عفونی و پاکیزه می‌کند.

۲ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام:

الْبَصَلُ يَذْهَبُ بِالنَّصَبِ وَ يَشُدُّ الْعَصَبَ وَ يَزِيدُ فِي الْخُطَى وَ يَزِيدُ فِي الْمَاءِ وَيَذْهَبُ بِالْحُمَّى.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمَذَانِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكَسْلَانِ عَنْ مُيَسِّرٍ بَيَّاعِ الزُّطِّيِّ وَ كَانَ خَالَهُ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام يَقُولُ:

كُلُوا الْبَصَلَ؛ فَإِنَّ فِيهِ ثَلَاثَ خِصَالٍ: يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ وَ يَشُدُّ اللِّثَةَ وَ يَزِيدُ فِي الْمَاءِ وَ الْجِمَاعِ.

٤ ـ عَنْهُ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْمُبَارَكِ الدِّينَوَرِيِّ عَنْ أَبِي عُثْمَانَ عَنْ دُرُسْتَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

الْبَصَلُ يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ وَ يَشُدُّ الظَّهْرَ وَ يُرِقُّ الْبَشَرَةَ.

---

۲ ـ جابر گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

پیاز، رنج وسختی را از بین می‌برد، عصب را محکم می‌نماید، قدرت راه رفتن را افزایش می‌دهد، آب کمر را می‌افزاید و تب را از بین می‌برد.

۳ ـ میسّر بیّاع الزطّی گوید: از امام صادق عليه‌السلام شنیدم که می‌فرمود:

پیاز بخورید؛ چرا که در آن سه ویژگی است: بوی دهان را پاکیزه می‌کند، لثه را قوی می‌سازد و آب کمر و قدرت جماع را افزایش می‌دهد.

۴ ـ دُرُست گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

پیاز، بوی دهان را پاکیزه می‌کند، کمر را محکم می‌نماید و پوست را نازک و شفّاف می‌سازد.

۵ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ زَيْدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

إِذَا دَخَلْتُمْ بِلَاداً فَكُلُوا مِنْ بَصَلِهَا يَطْرُدْ عَنْكُمْ وَبَاءَهَا.

(۱۳۰)
بَابُ الثُّومِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ أَكْلِ الثُّومِ.

فَقَالَ: إِنَّمَا نَهَى رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله عَنْهُ لِرِيحِهِ؛ فَقَالَ:

مَنْ أَكَلَ هَذِهِ الْبَقْلَةَ الْخَبِيثَةَ فَلَا يَقْرَبْ مَسْجِدَنَا؛ فَأَمَّا مَنْ أَكَلَهُ وَ لَمْ يَأْتِ الْمَسْجِدَ فَلَا بَأْسَ.

---

۵ ـ عبدالرحمان بن زید بن اسلم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

هرگاه به شهری وارد شدید، از پیاز آن بخورید تا بیماری وبای آن شهر را از شما دفع کند.

بخش صد و سی‌ام
سیر

۱ ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام باقر عليه السلام دربارهٔ سیر پرسیدم.

فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فقط به جهت بوی سیر از خوردن آن بازداشت وفرمود: هرکه از این گیاه بدبو بخورد به مسجد ما نزدیک نشود، امّا کسی که سیر بخورد وبه مسجد وارد نشود، ایرادی ندارد.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: سُئِلَ عَنْ أَكْلِ الثُّومِ وَ الْبَصَلِ وَالْكُرَّاثِ فَقَالَ:

لَا بَأْسَ بِأَكْلِهِ نِيّاً وَ فِي الْقُدُورِ وَ لَا بَأْسَ بِأَنْ يُتَدَاوَى بِالثُّومِ وَ لَكِنْ إِذَا أَكَلَ ذَلِكَ أَحَدُكُمْ فَلَا يَخْرُجْ إِلَى الْمَسْجِدِ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَسَنِ الزَّيَّاتِ قَالَ: لَمَّا أَنْ قَضَيْتُ نُسُكِي مَرَرْتُ بِالْمَدِينَةِ فَسَأَلْتُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام.

فَقَالَ: هُوَ بِيَنْبُعَ.

فَأَتَيْتُ يَنْبُعَ فَقَالَ لِي: يَا حَسَنُ! مَشَيْتَ إِلَى هَاهُنَا؟

قُلْتُ: نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ! كَرِهْتُ أَنْ أَخْرُجَ وَ لَا أَرَاكَ.

---

۲ ـ ابو بصیر گوید: از امام صادق عليه‌السلام دربارهٔ خوردن سیر، پیاز و تره پرسیدم.

فرمود: اگر به صورت پخته باشند ایرادی ندارد و درمان به وسیله سیر خام نیز ایرادی ندارد، ولی اگر یکی از شما سیر خام بخورد نباید به مسجد وارد شود.

۳ ـ حسن زیّات گوید:

هنگامی که مناسک حج را به جا آوردم به مدینه آمدم و در باره امام باقر عليه‌السلام پرس و جو نمودم. گفتند: ایشان در روستای «ینبع» است.

من نیز به ینبع رفتم.

حضرت عليه‌السلام به من فرمود: ای حسن! به اینجا آمدی؟!

عرض کردم: آری فدایت شوم! کراهت داشتم که از مدینه خارج شوم و شما را نبینم.

فَقَالَ عليه السلام: إِنِّي أَكَلْتُ مِنْ هَذِهِ الْبَقْلَةِ يَعْنِي الثُّومَ فَأَرَدْتُ أَنْ أَتَنَحَّى عَنْ مَسْجِدِ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله.

(۱۳۱)
بَابُ السَّعْتَرِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ زِيَادٍ الْقَنْدِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ دَوَاءُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام السَّعْتَرَ وَكَانَ يَقُولُ:

إِنَّهُ يَصِيرُ لِلْمَعِدَةِ خَمْلاً كَخَمْلِ الْقَطِيفَةِ.

۲ ـ عَنْهُ عَنْ مُوسَى بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ بَعْضِ الْوَاسِطِيِّينَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: أَنَّهُ شَكَا إِلَيْهِ رُطُوبَةً فَأَمَرَهُ أَنْ يَسْتَفَّ السَّعْتَرَ عَلَى الرِّيقِ.

فرمود: من از این سبزی ـ یعنی سیر ـ خورده‌ام. به همین دلیل خواستم که از مسجد پیامبر خدا صلى الله عليه وآله دوری کنم.

بخش صد و سی و یکم
آویشن

۱ ـ زیاد قندی گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

داروی امیرمؤمنان علی عليه السلام آویشن بود و می‌فرمود: آویشن، معده را مانند پارچهٔ مخملی نرم می‌کند.

۲ ـ علی بن سلیمان از یکی از اهالی واسط نقل می‌کند که به امام کاظم عليه السلام از رطوبت معده شکایت نمود.

امام عليه السلام به او امر فرمود که در حالت ناشتا آویشن را به صورت گَرد بخورد.

(۱۳۲)

بَابُ الْخِلَالِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

نَزَلَ جَبْرَئِيلُ عليه السلام عَلَيَّ بِالْخِلَالِ.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

نَزَلَ جَبْرَئِيلُ عليه السلام عَلَى رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله بِالسِّوَاكِ وَ الْخِلَالِ وَ الْحِجَامَةِ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ وَهْبِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَتَخَلَّلُ.

فَنَظَرْتُ إِلَيْهِ، فَقَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله كَانَ يَتَخَلَّلُ وَ هُوَ يُطَيِّبُ الْفَمَ.

بخش صد و سی و دوم

خلال کردن

۱ ـ هشام بن سالم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: جبرئیل عليه السلام با فرمان خلال کردن بر من نازل شد.

۲ ـ ابو جمیله گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود:

جبرئیل عليه السلام با دستور مسواک زدن، خلال کردن و حجامت نمودن بر پیامبر خدا صلى الله عليه وآله نازل شد.

۳ ـ وهب بن عبد ربّه گوید: روزی امام صادق عليه السلام را دیدم که خلال می‌نماید، من به حضرتش نگاه کردم، فرمود: همانا پیامبر خدا صلى الله عليه وآله همواره خلال می‌کرد با این که دهان خوشبویی داشت.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْحَذَّاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِاللهِ الْأَسَدِيِّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

نَاوَلَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله جَعْفَرَ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام خِلَالاً فَقَالَ لَهُ: يَا جَعْفَرُ! تَخَلَّلْ؛ فَإِنَّهُ مَصْلَحَةٌ لِلْفَمِ ـ أَوْ قَالَ: ـ لِلِّثَةِ وَ مَجْلَبَةٌ لِلرِّزْقِ.

٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله:

تَخَلَّلُوا؛ فَإِنَّهُ مَصْلَحَةٌ لِلِّثَةِ وَ النَّوَاجِدِ.

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله:

تَخَلَّلُوا؛ فَإِنَّهُ يُنَقِّي الْفَمَ وَ مَصْلَحَةٌ لِلِّثَةِ.

٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ: أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام أُتِيَ بِخِلَالٍ مِنَ الْأَخِلَّةِ الْمُهَيَّأَةِ وَهُوَ فِي مَنْزِلِ فَضْلِ بْنِ يُونُسَ فَأَخَذَ مِنْهَا شَظِيَّةً وَ رَمَى الْبَاقِيَ.

---

۴ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر صلى الله عليه وآله به جعفر بن ابی طالب عليه السلام خلالی داد وفرمود: ای جعفر! خلال کن؛ زیرا خلال، دهان ـ و یا فرمود لثه ـ را اصلاح می‌کند و روزی می‌آورد.

۵ ـ ابن قدّاح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: خلال نمایید؛ زیرا لثه و دندان‌های عقل را اصلاح می‌کند.

هم چنین ابن قدّاح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: خلال کنید؛ زیرا دهان را پاکیزه و لثه را اصلاح می‌نماید.

۶ ـ راوی گوید:

برای امام کاظم عليه السلام خلالی از خلال‌های آماده آوردند. حضرت عليه السلام در منزل فضل بن یونس بود، تکه‌ای از آن را برداشت و بقیه‌اش را انداخت.

۷ ـ عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: لَا تَخَلَّلُوا بِعُودِ الرَّيْحَانِ وَ لَا بِقَضِيبِ الرُّمَّانِ؛ فَإِنَّهُمَا يُهَيِّجَانِ عِرْقَ الْجُذَامِ.

۸ ـ عَلِيٌّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ تَخَلَّلَ بِالْقَصَبِ لَمْ تُقْضَ لَهُ حَاجَةٌ سِتَّةَ أَيَّامٍ.

۹ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

نَهَى رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله أَنْ يُتَخَلَّلَ بِالْقَصَبِ وَ الرَّيْحَانِ.

۱۰ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الدِّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتَ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله يَتَخَلَّلُ بِكُلِّ مَا أَصَابَ مَا خَلَا الْخُوصَ وَ الْقَصَبَ.

---

۷ ـ ابراهیم بن عبدالحمید گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود:

با ساقهٔ گل و شاخه درخت انار خلال نکنید؛ زیرا که آن دو رگ جذام را تحریک می‌کنند.

۸ ـ راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس با نی خلال کند، تا شش روز هیچ حاجتی برایش برآورده و انجام نخواهد شد.

۹ ـ سکونی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نهی نمود که با نی و ساقه گُل خلال شود.

۱۰ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

پیامبر صلی الله علیه و آله همواره با هر چه که به دست می‌آورد ـ جز برگ نخل و نی ـ خلال می‌نمود.

۱۱ ـ عَنْهُ عَنْ بَعْضِ مَنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:
نَهَى رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله عَنِ التَّخَلُّلِ بِالرُّمَّانِ وَ الْآسِ وَ الْقَصَبِ وَ قَالَ صلى الله عليه وآله: إِنَّهُنَّ يُحَرِّكْنَ عِرْقَ الْآكِلَةِ.

(۱۳۳)
بَابُ رَمْيِ مَا يَدْخُلُ بَيْنَ الْأَسْنَانِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ جَرِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنِ اللَّحْمِ الَّذِي يَكُونُ فِي الْأَسْنَانِ.
فَقَالَ: أَمَّا مَا كَانَ فِي مُقَدَّمِ الْفَمِ فَكُلْهُ وَ مَا كَانَ فِي الْأَضْرَاسِ فَاطْرَحْهُ.
۲ ـ عَنْهُ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:
أَمَّا مَا يَكُونُ عَلَى اللِّثَةِ فَكُلْهُ وَ ازْدَرِدْهُ وَ مَا كَانَ بَيْنَ الْأَسْنَانِ فَارْمِ بِهِ.

---

۱۱ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
پیامبر خدا صلى الله عليه وآله از خلال کردن با چوب درخت انار ودرخت مورد ونی نهی نمود وفرمود: این‌ها، رگ جذام را تحریک می‌کنند.

بخش صد و سی و سوم
تفاله‌های لای دندان

۱ ـ اسحاق بن جریر گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: گوشتی را که با چوب خلال، از لای دندان‌ها خارج شود، می‌توان تناول کرد؟
فرمود: اگر از لای دندان‌های پیشین باشد، بخور، ولی اگر از لای دندان‌های کرسی باشد، بیرون بینداز.
۲ ـ ابن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
آن‌چه بر روی لثه باشد تناول کن، ولی آن‌چه در لای دندان‌ها باشد، بیرون بینداز.

۳ ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ الْفَضْلِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ يُونُسَ قَالَ: تَغَدَّى عِنْدِي أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام فَلَمَّا فَرَغَ مِنَ الطَّعَامِ أُتِيَ بِالْخِلَالِ فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَا حَدُّ هَذَا الْخِلَالِ؟

فَقَالَ: يَا فَضْلُ! كُلُّ مَا بَقِيَ فِي فَمِكَ فَمَا أَدَرْتَ عَلَيْهِ لِسَانَكَ فَكُلْهُ وَ مَا اسْتَكَنَّ فَأَخْرِجْهُ بِالْخِلَالِ فَأَنْتَ فِيهِ بِالْخِيَارِ إِنْ شِئْتَ أَكَلْتَهُ وَ إِنْ شِئْتَ طَرَحْتَهُ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ: لَا يَزْدَرِدَنَّ أَحَدُكُمْ مَا يَتَخَلَّلُ بِهِ؛ فَإِنَّهُ يَكُونُ مِنْهُ الدُّبَيْلَةُ.

(١٣٤)
بَابُ الْأُشْنَانِ وَ السُّعْدِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام قَالَ:

---

۳ ـ فضل بن یونس گوید: امام کاظم عليه السلام نزد من صبحانه میل نمود. هنگامی که از غذا فارغ شد، خلال آوردند.

عرض کردم: فدایت شوم! حد و مرز این خلال چیست؟

فرمود: ای فضل! هر چه که در دهانت مانده و می‌توانی زبانت را بر آن بگردانی، بخور و آن باقی مانده‌ای که مخفی شده، با خلال بیرون بیاور. تو در مورد آن حق انتخاب داری؛ اگر خواستی آن را می‌خوری و اگر خواستی آن را دور می‌اندازی.

۴ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هیچ کدامتان آن چه را که خلال نموده، نخورد؛ زیرا از آن «دُبیله»[1] به وجود می‌آید.

بخش صد و سی و چهارم
شوینده‌ٔ اُشنان و سُعد

۱ ـ احمد بن یزید گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

---

۱ ـ دبیله: دملی است که در شکم به وجود می‌آید و غالباً شخص را می‌کشد.

أَكْلُ الْأُشْنَانِ يُبْخِرُ الْفَمَ.

۲ ـ بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ جَعْفَرِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: إِنَّا نَأْكُلُ الْأُشْنَانَ.

فَقَالَ: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام إِذَا تَوَضَّأَ ضَمَّ شَفَتَيْهِ وَ فِيهِ خِصَالٌ تُكْرَهُ إِنَّهُ يُورِثُ السِّلَّ وَ يَذْهَبُ بِمَاءِ الظَّهْرِ وَ يُوهِي الرُّكْبَتَيْنِ.

فَقُلْتُ: فَالطِّينُ؟

فَقَالَ: كُلُّ طِينٍ حَرَامٌ مِثْلُ الْمَيْتَةِ وَ الدَّمِ وَ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ إِلَّا طِينَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام؛ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ لَكِنْ لَا يُكْثَرُ مِنْهُ وَ فِيهِ أَمَانٌ مِنْ كُلِّ خَوْفٍ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُمَرَ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام قَالَ:

مَنِ اسْتَنْجَى بِالسُّعْدِ بَعْدَ الْغَائِطِ وَ غَسَلَ بِهِ فَمَهُ بَعْدَ الطَّعَامِ لَمْ تُصِبْهُ عِلَّةٌ فِي فَمِهِ وَ لَمْ يَخَفْ شَيْئاً مِنْ أَرْيَاحِ الْبَوَاسِيرِ.

خوردن اُشنان، دهان را بدبو می‌کند.

۲ ـ سعد بن سعد گوید: به امام رضا عليه السلام گفتم: ما اشنان می‌خوریم.

فرمود: هرگاه امام کاظم عليه السلام با اشنان صورت خود را می‌شست، لب‌های خود را می‌بست، تا وارد دهانش نشود.

در اشنان ویژگی‌های ناپسندی است؛ خوردن اشنان بیماری سل می‌آورد، آب کمر را از بین می‌برد و زانوها را سست و ناتوان می‌کند.

عرض کردم: خوردن خاک چطور؟

فرمود: خوردن همه خاک‌ها همانند مردار، خون و گوشت خوک حرام است، جز خاک قبر امام حسین عليه السلام؛ چرا که در آن شفای از هر بیماری است. اما به شرط آن که خوردن آن زیاد نباشد، و در آن، امان از هر بیم و ترسی است.

۳ ـ راوی گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

هر کس پس از دفع مدفوع، خود را با سُعد بشوید، و پس از غذا با سُعد دهانش را بشوید، به هیچ بیماری دهانی گرفتار نخواهد شد و به هیچ وجه از بادهای بیماری بواسیر نخواهد ترسید.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِي الْخَزْرَجِ الْحَسَنِ بْنِ الزِّبْرِقَانِ الْأَنْصَارِيِّ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَزِيزٍ الْمُرَادِيِّ قَالَ: ـ وَ هُوَ خَالُ أُمِّي قَالَ: ـ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام يَقُولُ:

اتَّخِذُوا فِي أَسْنَانِكُمُ السُّعْدَ؛ فَإِنَّهُ يُطَيِّبُ الْفَمَ وَ يَزِيدُ فِي الْجِمَاعِ.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلَادِ قَالَ: أَخَذَنِي الْعَبَّاسُ بْنُ مُوسَى فَأَمَرَ فَوُجِئَ فَمِي فَتَزَعْزَعَتْ أَسْنَانِي فَلَا أَقْدِرُ أَنْ أَمْضَغَ الطَّعَامَ فَرَأَيْتُ أَبِي فِي الْمَنَامِ وَ مَعَهُ شَيْخٌ لَا أَعْرِفُهُ فَقَالَ أَبِي رَحِمَهُ اللهُ: سَلِّمْ عَلَيْهِ.

فَقُلْتُ: يَا أَبَهْ! مَنْ هُوَ؟

فَقَالَ: هَذَا أَبُو شَيْبَةَ الْخُرَاسَانِيُّ.

قَالَ: فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَقَالَ: مَا لِي أَرَاكَ هَكَذَا؟

---

۴ ـ ابو عزیز مرادی گوید: از امام صادق عليه‌السلام شنیدم که می‌فرمود:

برای دندان‌های خود، سُعد را برگزینید؛ زیرا دهان را خوش‌بو می‌کند وبر نیروی جنسی می‌افزاید.

۵ ـ ابراهیم بن ابی بلاد گوید: عبّاس بن موسی مرا دست‌گیر کرد. ودستور داد دهانم را فشردند، دندان‌هایم لرزش گرفت ولق شد ونمی‌توانستم غذا بجَوم. در خواب پدرم را مشاهده نمودم ودیدم همراه پدرم پیرمردی بود که او را نمی‌شناختم.

پدرم ـ که خداوند رحمتش کند ـ گفت: به این شخص سلام کن.

گفتم: ای پدر! او کیست؟

گفت: او، ابو شیبه خراسانی است.

من به او سلام کردم. ابو شیبه گفت: چه شده است که تو را این گونه می‌بینم؟!

قَالَ: قُلْتُ: إِنَّ الْفَاسِقَ الْعَبَّاسَ بْنَ مُوسَى أَمَرَنِي فَوُجِئَ فَمِي فَتَزَعْزَعَتْ أَسْنَانِي.

فَقَالَ لِي: شُدَّهَا بِالسُّعْدِ.

فَأَصْبَحْتُ فَتَمَضْمَضْتُ بِالسُّعْدِ فَسَكَنَتْ أَسْنَانِي.

٦ ـ عَنْهُ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَلَّادٍ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ عليه السلام فِي الْحِجْرِ وَ هُوَ قَاعِدٌ وَ مَعَهُ عِدَّةٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ:

ضُرِبَتْ عَلَيَّ أَسْنَانِي فَأَخَذْتُ السُّعْدَ فَدَلَكْتُ بِهِ أَسْنَانِي فَنَفَعَنِي ذَلِكَ وَ سَكَنَتْ عَنِّي.

تَمَّ كِتَابُ الْأَطْعِمَةِ وَ يَتْلُوهُ كِتَابُ الْأَشْرِبَةِ إِنْ شَاءَ اللهُ وَ الْحَمْدُ لِلهِ وَحْدَهُ وَ الصَّلَاةُ عَلَى مَنْ لَا نَبِيَّ بَعْدَهُ.

گفتم: عبّاس بن موسی فاسق دستور داد، دهانم را فشردند. و دندان‌هایم لرزش گرفت.

او به من گفت: دندان‌هایت را با سُعد محکم کن.

ابراهیم گوید: صبح با سُعد مضمضه کردم و دندان‌هایم آرام شدند.

۶ ـ ابو ولّاد گوید: امام کاظم عليه السلام را در حجر اسماعیل دیدم در حالی که نشسته بود. همراه ایشان عدّه‌ای از خانواده ایشان بودند. شنیدم که می‌فرمود:

دندان‌هایم درد گرفتند. با سُعد دندان‌هایم را مالیدم و این کار برایم مفید واقع شد و دندان‌هایم آرام شدند.

پایان کتاب خوراکی‌ها و اینک کتاب آشامیدنی‌ها آغاز می‌شود، ان شاء الله و تمام سپاس از آنِ خدای یگانه است و درود بر پیامبری که پس از او پیامبری نیست.

كِتَابُ الْأَشْرِبَةِ

كتاب

آشامیدنی‌ها

(۱)
بَابُ فَضْلِ الْمَاءِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِاللهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام: الْمَاءُ سَيِّدُ الشَّرَابِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِاللهِ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ.

۲ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام يَقُولُ: وَ ذَكَرَ رَسُولَ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله فَقَالَ:

بخش یکم
فضیلت و ارزش آب

۱ ـ محمّد بن عمر بن علی گوید: امیرمؤمنان علی عليه‌السلام فرمود:

آب، آقای نوشیدنی‌ها در دنیا و آخرت است.

۲ ـ عبید بن زراره گوید: از امام صادق عليه‌السلام شنیدم که از پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله یاد کرد و فرمود:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِنَ الْآبَاءِ وَ الْأُمَّهَاتِ وَ الْمَاءِ الْبَارِدِ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

أَوَّلُ مَا يَسْأَلُ اللهُ جَلَّ ذِكْرُهُ الْعَبْدَ أَنْ يَقُولَ لَهُ: أَ وَ لَمْ أُرْوِكَ مِنْ عَذْبِ الْفُرَاتِ؟

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الرَّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ يَرْفَعُهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

سَيِّدُ شَرَابِ الْجَنَّةِ الْمَاءُ.

٥ ـ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِاللهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

الْمَاءُ سَيِّدُ الشَّرَابِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

خداوندا! تو می‌دانی که آن بزرگوار نزد ما از پدران، مادران و آب سرد و خنک محبوب‌تر است.

۳ ـ عبدالرحمان بن حجّاج گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

نخستین سؤالی که خداوند از بنده می‌پرسد این است که به او می‌گوید: آیا تو را با آب گوارا و پاکیزه سیراب ننمودم؟!

۴ ـ علی بن ریّان بن صلت در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: آقای نوشیدنی‌های بهشت، آب است.

۵ ـ محمّد بن عمر بن علی نظیر روایت یکم این بخش را با سند دیگری از امیرالمؤمنین علی عليه السلام نقل می‌کند.

۶ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

مَنْ تَلَذَّذَ بِالْمَاءِ فِي الدُّنْيَا لَذَّذَهُ اللهُ ﷻ مِنْ أَشْرِبَةِ الْجَنَّةِ.

۷ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ الْمِيثَمِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ بُنْدَارَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُلْوَانَ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنْ طَعْمِ الْمَاءِ فَقَالَ:

سَلْ تَفَقُّهاً وَ لَا تَسْأَلْ تَعَنُّتاً! طَعْمُ الْمَاءِ طَعْمُ الْحَيَاةِ.

(۲)

بَابٌ آخَرُ مِنْهُ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله:

مَصُّوا الْمَاءَ مَصّاً وَ لَا تَعُبُّوهُ؛ عَبّاً فَإِنَّهُ يُوجَدُ مِنْهُ الْكُبَادُ.

هر کس در این دنیا با آب لذّت ببرد، خداوند متعال او را با نوشیدنی‌های بهشت، ملتذذ و بهره‌مند خواهند نمود.

۷ ـ حسین بن علوان گوید:

شخصی از امام صادق علیه السلام در بارهٔ طعم و مزهٔ آب سؤال کرد.

فرمود: به خاطر فهمیدن سؤال کن و نه به خاطر آزار رساندن! طعم آب، طعم زندگی است.

بخش دوم

روایاتی دیگر دربارهٔ آب

۱ ـ ابن قدّاح گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

به هنگام خوردن، آب را چند بار بمکید و آن را نبلعید؛ زیرا از آن، درد کبد به وجود می‌آید.

۲ ـ سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُّونٍ الْبَصْرِيِّ عَنْ أَبِي طَيْفُورٍ الْمُتَطَبِّبِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي عليه السلام فَنَهَيْتُهُ عَنْ شُرْبِ الْمَاءِ.

فَقَالَ عليه السلام: وَ مَا بَأْسٌ بِالْمَاءِ وَ هُوَ يُدِيرُ الطَّعَامَ فِي الْمَعِدَةِ وَ يُسَكِّنُ الْغَضَبَ وَ يَزِيدُ فِي اللُّبِّ وَ يُطْفِئُ الْمِرَارَ.

۳ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَصْرِيِّ عَنْ أَبِي دَاوُدَ الْمُسْتَرِقِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ قَالَ:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَدَعَا بِتَمْرٍ فَأَكَلَ وَ أَقْبَلَ يَشْرَبُ عَلَيْهِ الْمَاءَ فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! لَوْ أَمْسَكْتَ عَنِ الْمَاءِ!

فَقَالَ: إِنَّمَا آكُلُ التَّمْرَ لِأَسْتَطِيبَ عَلَيْهِ الْمَاءَ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ يَاسِرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام:

عَجَباً لِمَنْ أَكَلَ مِثْلَ ذَا ـ وَ أَشَارَ بِيَدِهِ ـ وَ لَمْ يَشْرَبْ عَلَيْهِ الْمَاءَ كَيْفَ لَا تَنْشَقُّ مَعِدَتُهُ؟!

---

۲ ـ ابو طیفور متطبّب گوید: به حضور امام کاظم عليه السلام شرف‌یاب شدم و ایشان را از آشامیدن آب نهی کردم.

فرمود: آب، چه ایرادی دارد در حالی که غذا را در معده می‌گرداند، خشم و غضب را فرومی‌نشاند، نیروی مغز را می‌افزاید و صفرا را خاموش می‌سازد.

۳ ـ راوی گوید: نزد امام صادق عليه السلام بودم. حضرت عليه السلام خرما خواست، آن را میل نمود، می‌خواست پس از آن آب بنوشد که من گفتم: فدایت شوم! کاش از آب خودداری می‌نمودی.

فرمود: به راستی که من خرما را می‌خورم تا با آن، آب را گوار گردانم.

۴ ـ یاسر گوید: امام کاظم عليه السلام با دستش اشاره نمود و فرمود:

جای تعجب است برای کسی که مانند این این اندازه بخورد و پس از آن آب ننوشد، چگونه معده‌اش ترک نمی‌خورد؟

(۳)
بَابُ كَثْرَةِ شُرْبِ الْمَاءِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام:
إِنَّ شُرْبَ الْمَاءِ الْبَارِدِ أَكْثَرُ تَلَذُّذاً.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْحَلَبِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام وَ هُوَ يُوصِي رَجُلاً ـ فَقَالَ لَهُ:
أَقْلِلْ مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ؛ فَإِنَّهُ يَمُدُّ كُلَّ دَاءٍ وَ اجْتَنِبِ الدَّوَاءَ مَا احْتَمَلَ بَدَنُكَ الدَّاءَ.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يَاسِرٍ الْخَادِمِ عَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:
لَا بَأْسَ بِكَثْرَةِ شُرْبِ الْمَاءِ عَلَى الطَّعَامِ وَ لَا تُكْثِرْ مِنْهُ عَلَى غَيْرِهِ.

بخش سوم
آب فراوان آشامیدن

۱ ـ هشام بن حکم گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:
به راستی که آشامیدن آب خنک، بیشترین لذت را دارد.

۲ ـ احمد بن عمر حلبی گوید: امام صادق عليه السلام در حالی که به شخصی توصیه می‌نمود، فرمود:
کمتر آب بیاشام؛ زیرا آشامیدن فراوان آب مدّت بیماری را طولانی می‌کند و تا جایی که بدنت تحمّل بیماری را دارد از مصرف دارو خودداری کن.

۳ ـ یاسر خادم گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:
آب فراوان آشامیدن بر روی غذا ایرادی ندارد؛ اما پس از خوردن غیر غذا، آب زیاد نخور.

وَ قَالَ: أَ رَأَيْتَ لَوْ أَنَّ رَجُلاً أَكَلَ مِثْلَ ذَا ـ وَ جَمَعَ يَدَيْهِ كِلْتَيْهِمَا لَمْ يَضُمَّهُمَا وَ لَمْ يُفَرِّقْهُمَا ـ ثُمَّ لَمْ يَشْرَبْ عَلَيْهِ الْمَاءَ كَانَ يَنْشَقُّ مَعِدَتُهُ؟!

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

لَا تُكْثِرْ مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ؛ فَإِنَّهُ مَادَّةٌ لِكُلِّ دَاءٍ.

(٤)
بَابُ شُرْبِ الْمَاءِ مِنْ قِيَامٍ وَ الشُّرْبِ فِي نَفَسٍ وَاحِدٍ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

شُرْبُ الْمَاءِ مِنْ قِيَامٍ بِالنَّهَارِ أَقْوَى وَ أَصَحُّ لِلْبَدَنِ.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي مَحْمُودٍ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

حضرتش دو دست خود را جمع نمود؛ آنها را به هم نچسباند و فاصله نیز نینداخت وفرمود: آیا دیده‌ای اگر کسی این اندازه غذا بخورد و پس از آن آب ننوشد معده‌اش از هم باز شود؟!

۴ ـ یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

زیاد آب ننوش؛ زیرا آب ریشهٔ هر بیماری است.

بخش چهارم
ایستاده و یک نفس آشامیدن آب

۱ ـ سکونی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

آشامیدن آب در روز و در حالت ایستاده، نیرو بخش و موجب تندرستی است.

۲ ـ محمّد بن احمد بن ابو محمود در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

شُرْبُ الْمَاءِ مِنْ قِيَامٍ بِالنَّهَارِ يُمْرِئُ الطَّعَامَ وَ شُرْبُ الْمَاءِ مِنْ قِيَامٍ بِاللَّيْلِ يُورِثُ الْمَاءَ الْأَصْفَرَ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ أَبِي هَاشِمِ بْنِ يَحْيَى الْمَدَائِنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:
قَامَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام إِلَى إِدَاوَةٍ فَشَرِبَ مِنْهَا وَ هُوَ قَائِمٌ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:
كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ عَبْدُ الْمَلِكِ الْقُمِّيُّ فَقَالَ لَهُ: أَصْلَحَكَ اللهُ! أَشْرَبُ الْمَاءَ وَ أَنَا قَائِمٌ.
فَقَالَ لَهُ: إِنْ شِئْتَ!
قَالَ: أَ فَأَشْرَبُ بِنَفَسٍ وَاحِدٍ حَتَّى أَرْوَى؟

آشامیدن آب در روز و در حالت ایستاده، غذا را گوارا می‌کند و نوشیدن آب در حالت ایستاده در شب، زرد آب می‌آورد.

۳ ـ ابو هاشم بن یحیی مدائنی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
امیرمؤمنان علی عليه السلام ایستاده به سوی ظرف آب برخاست و از آن آب نوشید.

۴ ـ عبدالرحمان بن حجّاج گوید:
من در حضور امام صادق عليه السلام بودم که عبدالملک قمی وارد شد وگفت: خداوند کارهای شما را اصلاح کند! می‌توانم ایستاده آب بیاشامم؟
امام صادق عليه السلام فرمود: اگر خواسته باشی، چه مانعی دارد.
عبدالملک گفت: آیا می‌توانم با یک نفس خود را سیراب کنم؟

قَالَ: إِنْ شِئْتَ!

قَالَ: فَأَسْجُدُ وَ يَدِي فِي ثَوْبِي؟

قَالَ: إِنْ شِئْتَ!

ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: إِنِّي وَ اللهِ مَا مِنْ هَذَا وَ شِبْهِهِ أَخَافُ عَلَيْكُمْ.

٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَا وَ أَبِي فَأُتِيَ بِقَدَحٍ مِنْ خَزَفٍ فِيهِ مَاءٌ فَشَرِبَ وَ هُوَ قَائِمٌ ثُمَّ نَاوَلَهُ أَبِي فَشَرِبَ مِنْهُ وَ هُوَ قَائِمٌ ثُمَّ نَاوَلَنِيهِ فَشَرِبْتُ مِنْهُ وَ أَنَا قَائِمٌ.

٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنِ ابْنِ الْعَرْزَمِيِّ عَنْ حَاتِمِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْمَدِينِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام:

أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام كَانَ يَشْرَبُ الْمَاءَ وَ هُوَ قَائِمٌ ثُمَّ يَشْرَبُ مِنْ فَضْلِ وَضُوئِهِ قَائِماً ثُمَّ الْتَفَتَ إِلَى الْحُسَيْنِ عليه السلام فَقَالَ لَهُ: يَا بُنَيَّ! إِنِّي رَأَيْتُ جَدَّكَ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه و آله صَنَعَ هَكَذَا.

فرمود: اگر خواسته باشی، چه مانعی دارد!

عبدالملک گفت: می‌توانم سجده کنم و دست‌هایم داخل لباسم باشد؟

فرمود: اگر خواسته باشی، چه مانعی دارد؟

آن گاه امام صادق عليه السلام فرمود: به خدا سوگند! من از این مسئله و نظیر آن برای شما بیم ندارم.

۵ ـ عمرو بن ابی مقدام گوید:

من و پدرم نزد امام باقر عليه السلام بودیم. کاسه‌ای سفالین پر از آب آوردند و حضرت عليه السلام در حالی که ایستاده بود، آب نوشید. آن گاه کاسه را به پدرم داد و پدرم به حالت ایستاده از آب نوشید. سپس آن را به من داد و من در حالی که ایستاده بودم، از آن آشامیدم.

۶ ـ حاتم بن اسماعیل مدینی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی عليه السلام از باقی‌ماندهٔ آب وضوی خود در حال ایستاده می‌نوشید. آن گاه به امام حسین عليه السلام رو نمود و فرمود: پسرم! من جدّ تو، پیامبر خدا صلى الله عليه و آله را دیدم که چنین نمود.

۷ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

ثَلَاثَةُ أَنْفَاسٍ فِي الشُّرْبِ أَفْضَلُ مِنْ نَفَسٍ وَاحِدٍ.

۸ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَلَّى أَبِي عُثْمَانَ عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

ثَلَاثَةُ أَنْفَاسٍ أَفْضَلُ مِنْ نَفَسٍ وَاحِدٍ.

۹ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ شَيْخٍ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام عَنِ الرَّجُلِ يَشْرَبُ الْمَاءَ فَلَا يَقْطَعُ نَفَسَهُ حَتَّى يَرْوَى.

قَالَ: فَقَالَ عليه‌السلام: وَ هَلِ اللَّذَّةُ إِلَّا ذَاكَ؟!

قُلْتُ: فَإِنَّهُمْ يَقُولُونَ: إِنَّهُ شُرْبُ الْهِيمِ.

قَالَ: فَقَالَ: كَذَبُوا؛ إِنَّمَا شُرْبُ الْهِيمِ مَا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللهِ عزّوجلّ عَلَيْهِ.

---

۷ ـ حلبی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

سه نفس آشامیدن، بهتر از یک نفس آشامیدن است.

۸ ـ نظیر این روایت را معلّی بن خنیس از امام صادق عليه‌السلام نقل می‌کند.

۹ ـ پیرمردی از اهالی مدینه گوید: از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: مردی یک نفس آب می‌خورد تا سیراب شود.

فرمود: آیا لذّتی جز این وجود دارد؟

عرض کردم: اهل سنت می‌گویند: «این گونه آشامیدن، آشامیدن شتر تشنه است».

فرمود: دروغ گفته‌اند. همانا آشامیدن شتر تشنه، آشامیدنی است که نام خداوند بر آن ذکر نشده باشد.

(۵)
بَابُ الْقَوْلِ عَلَى شُرْبِ الْمَاءِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام يَقُولُ:

إِنَّ الرَّجُلَ يَشْرَبُ الشَّرْبَةَ مِنَ الْمَاءِ فَيُدْخِلُهُ اللهُ عزّوجلّ بِهَا الْجَنَّةَ.

قُلْتُ: وَ كَيْفَ ذَاكَ؟ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ!

قَالَ: إِنَّ الرَّجُلَ يَشْرَبُ الْمَاءَ فَيَقْطَعُهُ ثُمَّ يُنَحِّي الْإِنَاءَ وَ هُوَ يَشْتَهِيهِ فَيَحْمَدُ اللهَ عزّوجلّ ثُمَّ يَعُودُ فِيهِ وَ يَشْرَبُ ثُمَّ يُنَحِّيهِ وَ هُوَ يَشْتَهِيهِ فَيَحْمَدُ اللهَ عزّوجلّ ثُمَّ يَعُودُ فَيَشْرَبُ فَيُوجِبُ اللهُ عزّوجلّ لَهُ بِذَلِكَ الْجَنَّةَ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

بخش پنجم
دعا به هنگام آشامیدن آب

۱ ـ عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عليه‌السلام شنیدم که می‌فرمود: انسان شربت آبی می‌نوشد و بدین سبب خداوند متعال او را به بهشت وارد می‌کند.

گفتم: ای پسر رسول خدا! چگونه چنین چیزی امکان دارد؟

فرمود: به این صورت که انسان از ظرف آب می‌آشامد و هنوز سیراب نشده، ظرف را از لب‌ها دور می‌کند و خدا را بر این نعمت گوارا ستایش می‌کند. باز ظرف را به لب نزدیک می‌کند و می‌نوشد و هنوز سیراب نشده باز ظرف را از لب‌ها دور می‌کند و به ستایش حق زبان می‌گشاید و در نوبت سوم که سیراب می‌شود و خدا را حمد و ثنا می‌گوید، خداوند متعال بهشت را بر او واجب می‌کند.

۲ ـ ابن قدّاح گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

كَانَ رَسُولُ اللهِ ﷺ إِذَا شَرِبَ الْمَاءَ قَالَ:

«الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي سَقَانَا عَذْباً زُلَالاً وَ لَمْ يَسْقِنَا مِلْحاً أُجَاجاً وَ لَمْ يُؤَاخِذْنَا بِذُنُوبِنَا».

٣ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ عَمٍّ لِعُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ بِنْتِ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِيهَا عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا شَرِبَ أَحَدُكُمُ الْمَاءَ فَقَالَ: بِسْمِ اللهِ ثُمَّ شَرِبَ ثُمَّ قَطَعَهُ فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلّٰهِ ثُمَّ شَرِبَ فَقَالَ: بِسْمِ اللهِ ثُمَّ قَطَعَهُ فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلّٰهِ ثُمَّ شَرِبَ فَقَالَ: بِسْمِ اللهِ ثُمَّ قَطَعَهُ فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلّٰهِ سَبَّحَ ذَلِكَ الْمَاءُ لَهُ مَا دَامَ فِي بَطْنِهِ إِلَى أَنْ يَخْرُجَ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَشْرَبَ الْمَاءَ بِاللَّيْلِ فَحَرِّكِ الْمَاءَ وَ قُلْ يَا مَاءُ مَاءُ زَمْزَمَ وَ مَاءُ فُرَاتٍ يُقْرِءَانِكَ السَّلَامَ.

هرگاه پیامبر خدا ﷺ آب می‌نوشید، می‌فرمود:

«الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي سَقَانَا عَذْباً زُلَالاً وَ لَمْ يَسْقِنَا مِلْحاً أُجَاجاً وَ لَمْ يُؤَاخِذْنَا بِذُنُوبِنَا».

۳ ـ عمر بن یزید گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه یکی از شما «بسم الله» بگوید و آب بنوشد. آن گاه نیاشامد و بگوید: «الحمد لله» سپس بنوشد و بگوید: «بسم الله» آن گاه دیگر نیاشامد و بگوید: «الحمد لله» سپس بنوشد و بگوید: «بسم الله» سپس باز هم نیاشامد و بگوید: «الحمد لله»؛ این آب تا زمانی که در شکم اوست، برایش تسبیح خداوند می‌گوید؛ تا این که از شکمش خارج شود.

۴ ـ علی بن محمّد در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه در هنگام شب خواستی آب بنوشی، آب را تکان بده و بگو: ای آب! آب زمزم و آب فرات به تو سلام می‌رسانند.

(٦)

بَابُ الْأَوَانِي

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْكَرْخِيِّ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله يَشْرَبُ فِي الْأَقْدَاحِ الشَّامِيَّةِ يُجَاءُ بِهَا مِنَ الشَّامِ وَ تُهْدَى إِلَيْهِ صلى الله عليه وآله.

٢ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام وَ هُوَ يَشْرَبُ فِي قَدَحٍ مِنْ خَزَفٍ.

٣ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

بخش ششم

ظرف‌ها

۱ ـ طلحة بن زید گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله در کاسه‌های شامی ـ که آنها را از شام آورده بودند و به ایشان هدیه نموده بودند ـ آب می‌آشامید.

۲ ـ عمرو بن ابی مقدام گوید:

امام باقر عليه السلام را در حالی دیدم که در کاسه سفالین آب می‌نوشید.

۳ ـ سماعة بن مهران گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

لَا يَنْبَغِي الشُّرْبُ فِي آنِيَةِ الذَّهَبِ وَ لَا الْفِضَّةِ.

٤ ـ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَخِيهِ يُوسُفَ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام بِالْحِجْرِ فَاسْتَسْقَى مَاءً فَأُتِيَ بِقَدَحٍ مِنْ صُفْرٍ فَقَالَ رَجُلٌ: إِنَّ عَبَّادَ بْنَ كَثِيرٍ يَكْرَهُ الشُّرْبَ فِي الصُّفْرِ.

فَقَالَ: لَا بَأْسَ.

وَ قَالَ عليه السلام لِلرَّجُلِ: أَلَّا سَأَلْتَهُ أَ ذَهَبٌ هُوَ أَمْ فِضَّةٌ؟

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

لَا تَشْرَبُوا الْمَاءَ مِنْ ثُلْمَةِ الْإِنَاءِ وَ لَا مِنْ عُرْوَتِهِ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَقْعُدُ عَلَى الْعُرْوَةِ وَالثُّلْمَةِ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ سَالِمِ بْنِ مُكْرَمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

آشامیدن در کاسه طلایی و نقره‌ای شایسته نیست.

۴ ـ یوسف بن یعقوب گوید:

با امام صادق عليه السلام در کنار حجر الاسود بودم. حضرت عليه السلام آب خواست. کاسه آبی از روی، برای ایشان آوردند.

در این هنگام شخصی گفت: عبّاد بن کثیر، آشامیدن در کاسه رویین را مکروه می‌داند.

حضرت عليه السلام فرمود: نوشیدن در آن ایرادی ندارد.

و به آن مرد فرمود: آیا از عبّاد نپرسیدی که آن، طلا است یا نقره؟!

۵ ـ غیاث بن ابراهیم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود:

از محل ترک ظرف و از جای دستگیرهٔ سبو آب نیاشامید که جایگاه شیطان است.

۶ ـ سالم بن مکرم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

قَالَ أَبِي لِعَمْرِو بْنِ عُبَيْدٍ وَ بَشِيرٍ الرَّحَّالِ وَ وَاصِلٍ فِي حَدِيثٍ: وَ لَا يُشْرَبُ مِنْ أُذُنِ الْكُوزِ وَ لَا مِنْ كَسْرِهِ إِنْ كَانَ فِيهِ؛ فَإِنَّهُ مَشْرَبُ الشَّيَاطِينِ.

۷ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَرَّ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله بِقَوْمٍ يَشْرَبُونَ الْمَاءَ بِأَفْوَاهِهِمْ فِي غَزْوَةِ تَبُوكَ، فَقَالَ لَهُمُ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: اشْرَبُوا بِأَيْدِيكُمْ؛ فَإِنَّهَا خَيْرُ أَوَانِيكُمْ.

۸ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله يُعْجِبُهُ أَنْ يَشْرَبَ فِي الْإِنَاءِ الشَّامِيِّ وَ كَانَ يَقُولُ: هُوَ أَنْظَفُ آنِيَتِكُمْ.

۹ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: ـ وَ ذَكَرَ مِصْرَ ـ فَقَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله:

پدرم در حدیثی به عمرو بن عبید، بشیر رحّال و واصل فرمود:

از گوشه کوزه و محل شکستگی آن ـ در صورتی که شکسته باشد ـ نباید نوشید؛ زیرا محل نوشیدن شیطان‌ها است.

۷ ـ ابن قدّاح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

در غزوه تبوک پیامبر صلى الله عليه وآله به گروهی برخورد نمود که با دهان آب می‌نوشیدند، به آنان فرمود: با دست‌های خود آب بنوشید؛ زیرا آن، بهترین ظرف شماست.

۸ ـ طلحة بن زید گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر صلى الله عليه وآله علاقه داشت که در ظرف شامی آب بنوشد و می‌فرمود: آن، پاکیزه‌ترین ظرف شماست.

۹ ـ علی بن اسباط گوید: امام رضا عليه السلام از مصر یاد نمود و فرمود:

پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود:

لَا تَأْكُلُوا فِي فَخَّارِهَا وَ لَا تَغْسِلُوا رُءُوسَكُمْ بِطِينِهَا؛ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِالْغَيْرَةِ وَيُورِثُ الدِّيَاثَةَ.

(۷)

بَابُ فَضْلِ مَاءِ زَمْزَمَ وَ مَاءِ الْمِيزَابِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: كَانَتْ زَمْزَمُ أَشَدَّ بَيَاضاً مِنَ اللَّبَنِ وَ أَحْلَى مِنَ الشَّهْدِ وَ كَانَتْ سَائِحَةً فَبَغَتْ عَلَى الْأَمْيَاهِ فَأَغَارَهَا اللهُ جَلَّ وَ عَزَّ وَ أَجْرَى عَلَيْهَا عَيْناً مِنْ صَبِرٍ.

۲ ـ وَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ: ذُكِرَتْ زَمْزَمُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام فَقَالَ:

أُجْرِيَ إِلَيْهَا عَيْنٌ مِنْ تَحْتِ الْحِجْرِ فَإِذَا غَلَبَ مَاءُ الْعَيْنِ عَذُبَ مَاءُ زَمْزَمَ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام:

در ظرف‌های سفالين مصر غذا نخوريد و با گِل آن، سر خود را نشوييد؛ چرا كه غيرت را از بين می‌برد و باعث ديّوث شدن می‌شود.

بخش هفتم
فضيلت آب زمزم و آب ناودان كعبه

۱ ـ راوی گويد: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

در زمان‌های پيشين، زمزم سفيدتر از شير و شيرين‌تر از عسل بود و بر روی زمين روان بود. پس بر آب‌های ديگر ياغی شد. بنابراين خداوند متعال آن را در زمين فرو برد و روی آن، چشمه‌ای از «صبر»[1] جاری نمود.

۲ ـ راوی گويد: نزد امام صادق عليه‌السلام از زمزم صحبت شد.

فرمود: روی آن، چشمه‌ای از زير حجر الاسود جاری شده است. پس هرگاه آب آن چشمه غلبه كند، آب زمزم شيرين و گوارا می‌شود.

۳ ـ ابن قدّاح گويد: امام صادق عليه‌السلام فرمود: اميرمؤمنان عليه‌السلام فرمود:

---

۱ ـ صبر: نوعی سَمّ.

مَاءُ زَمْزَمَ خَيْرُ مَاءٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ وَ شَرُّ مَاءٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ مَاءُ بَرَهُوتَ الَّذِي بِحَضْرَمَوْتَ تَرِدُهُ هَامُ الْكُفَّارِ بِاللَّيْلِ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

مَاءُ زَمْزَمَ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ أَظُنُّهُ قَالَ: كَائِناً مَا كَانَ.

٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله:

مَاءُ زَمْزَمَ دَوَاءٌ مِمَّا شُرِبَ لَهُ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ جَعْفَرٍ وَ غَيْرِهِ وَ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ جَمِيعاً عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ مُصَادِفٍ قَالَ:

اشْتَكَى رَجُلٌ مِنْ إِخْوَانِنَا بِمَكَّةَ حَتَّى سَقَطَ لِلْمَوْتِ فَلَقِينَا أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام فِي الطَّرِيقِ فَقَالَ:

بهترين آب روى زمين، آب زمزم است و بدترين آب روى زمين، آب برهوت است كه در «حضر موت» قرار دارد و شب هنگام سرهاى كافران وارد آن مى‌شوند تا از آن بنوشيد.

۴ ـ اسماعيل بن جابر گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

آب زمزم، شفاى از هر بيمارى است.

اسماعيل گويد: فكر مى‌كنم فرمود: هر بيمارى كه باشد.

۵ ـ ابن قدّاح گويد: امام صادق عليه السلام فرمود: اميرمؤمنان على عليه السلام فرمود:

پيامبر خدا صلى الله عليه و آله فرمود: آب زمزم، دواى هر بيمارى است كه به خاطر شفاى آن، آب زمزم را بياشامند.

۶ ـ مصادف گويد: يكى از برادران ما در مكه بيمار شد به گونه‌اى كه در بستر مرگ افتاد. ما در راه امام صادق عليه السلام را ملاقات كرديم.

يَا مُصَادِفُ! مَا فَعَلَ فُلَانٌ؟

قُلْتُ: تَرَكْتُهُ بِالْمَوْتِ جُعِلْتُ فِدَاكَ!

فَقَالَ: أَمَا لَوْ كُنْتُ مَكَانَكُمْ لَسَقَيْتُهُ مِنْ مَاءِ الْمِيزَابِ.

فَطَلَبْنَا عِنْدَ كُلِّ أَحَدٍ فَلَمْ نَجِدْهُ فَبَيْنَا نَحْنُ كَذَلِكَ إِذَا ارْتَفَعَتْ سَحَابَةٌ فَأَرْعَدَتْ وَأَبْرَقَتْ وَ أَمْطَرَتْ فَجِئْتُ إِلَى بَعْضِ مَنْ فِي الْمَسْجِدِ فَأَعْطَيْتُهُ دِرْهَماً وَ أَخَذْتُ قَدَحَهُ ثُمَّ أَخَذْتُ مِنْ مَاءِ الْمِيزَابِ فَأَتَيْتُهُ بِهِ وَ سَقَيْتُهُ مِنْهُ وَ لَمْ أَبْرَحْ مِنْ عِنْدِهِ حَتَّى شَرِبَ سَوِيقاً وَ صَلَحَ وَ بَرَأَ بَعْدَ ذَلِكَ.

(۸)

بَابُ مَاءِ السَّمَاءِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ خَلَفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ:

حضرت فرمود: ای مصادف! فلانی چه شد؟

عرض کردم: قربانت گردم، او را با مرگ واگذاشتم.

فرمود: اگر من به جای شما بودم، او را با آب ناودان کعبه سیراب می‌نمودم.

مصادف گوید: ما از هر کسی آن را طلب نمودیم، اما نیافتیم. در چنین وضعیتی بودیم که ناگاه ابری برآمد و رعد و برقی زد و باران بارید. من نزد یکی از کسانی که در مسجد بود رفتم و درهمی به او دادم و کاسه‌اش را گرفتم. آب ناودان را با آن ظرف گرفتم و نزد بیمار آورده و به او نوشاندم و از کنار او نرفتم تا این که قاووتی نوشید و پس از آن حالش خوب شد و بهبود یافت.

بخش هشتم

آب آسمان

۱ ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَ نَزَّلْنٰا مِنَ السَّمٰاءِ مٰاءً مُبٰارَكاً﴾ قَالَ: لَيْسَ مِنْ مَاءٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا وَ قَدْ خَالَطَهُ مَاءُ السَّمَاءِ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

اشْرَبُوا مَاءَ السَّمَاءِ؛ فَإِنَّهُ يُطَهِّرُ الْبَدَنَ وَ يَدْفَعُ الْأَسْقَامَ، قَالَ اللهُ عزّوجلّ: ﴿وَ يُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمٰاءِ مٰاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَ يُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطٰانِ وَ لِيَرْبِطَ عَلىٰ قُلُوبِكُمْ وَ يُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدٰامَ﴾.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مُوسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

الْبَرَدُ لَا يُؤْكَلُ؛ لِأَنَّ اللهَ عزّوجلّ يَقُولُ: ﴿يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشٰاءُ﴾.

پیامبر خدا ﷺ درباره آیه: «و از آسمان آبی پر برکت فرو فرستادیم» فرمود:
هیچ آبی در زمین نیست مگر آن که آب آسمان با آن مخلوط شده است.

۲ ـ ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود:

آب آسمان را بنوشید؛ زیرا بدن را پاکیزه و بیماری‌ها را دفع می‌کند. خداوند متعال می‌فرماید: «و آبی از آسمان برای شما فرو فرستادیم تا شما را با آن پاک نماید و پلیدی شیطان را از شما دور سازد و دل‌های شما را محکم و گام‌هایتان را استوار دارد».

۳ ـ اسباط گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

نباید تگرگ را خورد؛ چرا که خداوند متعال می‌فرماید: «به وسیله آن، به هر کس که بخواهد (در زراعت و محصولات) ضرر می‌رساند».

(۹)

بَابُ فَضْلِ مَاءِ الْفُرَاتِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَا إِخَالُ أَحَداً يُحَنَّكُ بِمَاءِ الْفُرَاتِ إِلَّا أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.

وَ قَالَ عليه السلام: مَا سُقِيَ أَهْلُ الْكُوفَةِ مَاءَ الْفُرَاتِ إِلَّا لِأَمْرٍ مَا.

وَ قَالَ: يُصَبُّ فِيهِ مِيزَابَانِ مِنَ الْجَنَّةِ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ:

يُدْفَقُ فِي الْفُرَاتِ كُلَّ يَوْمٍ دُفُقَاتٌ مِنَ الْجَنَّةِ.

بخش نهم

فضیلت آب فرات

۱ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

گمان نمی‌کنم کام هر کسی از آب فرات برداشته شود جز آن که ما اهل بیت عليهم السلام را دوست خواهد داشت.

هم چنین فرمود: اهل کوفه از آب فرات نمی‌نوشند؛ مگر به خاطر نفوذ ولایت ما در قلب‌های آنان.

و فرمود: آب دو ناودان بهشتی در آب فرات ریخته می‌شود.

۲ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر روز چند مرتبه از آب بهشتی به آب فرات ریخته می‌شود.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ أُورَمَةَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام:

نَهَرُكُمْ هَذَا يَعْنِي مَاءَ الْفُرَاتِ يَصُبُّ فِيهِ مِيزَابَانِ مِنْ مَيَازِيبِ الْجَنَّةِ.

قَالَ: فَقَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام: لَوْ كَانَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ أَمْيَالٌ لَأَتَيْنَاهُ وَ نَسْتَسْقِي بِهِ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام:

كَمْ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ الْفُرَاتِ؟

فَأَخْبَرْتُهُ فَقَالَ: لَوْ كُنْتُ عِنْدَهُ لَأَحْبَبْتُ أَنْ آتِيَهُ طَرَفَيِ النَّهَارِ.

٥ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ رَفَعُوهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام قَالَ:

أَمَا إِنَّ أَهْلَ الْكُوفَةِ لَوْ حَنَّكُوا أَوْلَادَهُمْ بِمَاءِ الْفُرَاتِ لَكَانُوا شِيعَةً لَنَا.

---

۳ ـ حسین بن سعید در روایت مرفوعه‌ای گوید: امیر مؤمنان علی عليه‌السلام فرمود:

دو ناودان از نادوان‌های بهشتی به نهر شما، فرات فرو می‌ریزند.

امام صادق عليه‌السلام فرمود: اگر بین ما و فرات چند میل فاصله باشد، باز هم به آن جا می‌رویم و از آب آن می‌نوشیم.

۴ ـ علی بن حسین در روایت مرفوعه‌ای گوید:

امام صادق عليه‌السلام فرمود: بین شما و فرات چه مقدار فاصله است؟

من این فاصله را به آن حضرت خبر دادم. امام صادق عليه‌السلام فرمود: اگر من کنار فرات بودم، دوست داشتم که صبح و شام به کنار آن بروم.

۵ ـ راویان بسیاری در روایت مرفوعه‌ای گویند: امیرمؤمنان علی عليه‌السلام فرمود:

ای اهل کوفه! آگاه باشید اگر فرزندان خود را با آب فرات کام‌گشایی نمایید، آنان از شیعیان ما خواهند بود.

٦ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَكِيمِ بْنِ جُبَيْرٍ قَالَ: سَمِعْتُ سَيِّدَنَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليهما‌السلام يَقُولُ:

إِنَّ مَلَكاً يَهْبِطُ مِنَ السَّمَاءِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مَعَهُ ثَلَاثَةُ مَثَاقِيلَ مِسْكاً مِنْ مِسْكِ الْجَنَّةِ فَيَطْرَحُهَا فِي الْفُرَاتِ وَ مَا مِنْ نَهَرٍ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ لَا غَرْبِهَا أَعْظَمَ بَرَكَةً مِنْهُ.

(١٠)
بَابُ الْمِيَاهِ الْمَنْهِيِّ عَنْهَا

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

نَهَى رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله عَنِ الِاسْتِشْفَاءِ بِالْحُمَّيَاتِ؛ وَ هِيَ الْعُيُونُ الْحَارَّةُ الَّتِي تَكُونُ فِي الْجِبَالِ الَّتِي تُوجَدُ فِيهَا رَائِحَةُ الْكِبْرِيتِ وَ قِيلَ: إِنَّهَا مِنْ فَيْحِ جَهَنَّمَ.

---

۶ ـ حکیم بن جبیر گوید: از آقای‌مان امام سجّاد عليه‌السلام شنیدم که می‌فرمود:

به راستی که در هر شب فرشته‌ای از آسمان فرود می‌آید که همراهش سه مثقال مشک بهشتی است و آن را در رود فرات می‌ریزد و در شرق و غرب زمین، رودخانه‌ای با برکت‌تر از فرات نیست.

بخش دهم
آب‌هایی که از شُرب آنها نهی شده است

۱ ـ مسعدة بن صدقه گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از استشفای با «حمّیات» که همان چشمه‌های آب گرم کوه‌ها هستند و در آن بوی گوگرد استشمام می‌شود. نهی نمود. هم چنین گفته می‌شود: «آن، از جوشش دوزخ است».

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ نُوحاً عليه السلام لَمَّا كَانَ فِي أَيَّامِ الطُّوفَانِ دَعَا الْمِيَاهَ كُلَّهَا فَأَجَابَتْهُ إِلَّا مَاءَ الْكِبْرِيتِ وَالْمَاءَ الْمُرَّ فَلَعَنَهُمَا.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ النَّيْسَابُورِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ زَكَرِيَّا وَ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ عَقِيصَا التَّيْمِيِّ قَالَ: مَرَرْتُ بِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عليهما السلام وَ هُمَا فِي الْفُرَاتِ مُسْتَنْقِعَانِ فِي إِزَارَيْنِ فَقُلْتُ لَهُمَا: يَا ابْنَيْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْكُمَا! أَفْسَدْتُمَا الْإِزَارَيْنِ!

فَقَالَا لِي: يَا أَبَا سَعِيدٍ! فَسَادُنَا لِلْإِزَارَيْنِ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِنْ فَسَادِ الدِّينِ؛ إِنَّ لِلْمَاءِ أَهْلاً وَ سُكَّاناً كَسُكَّانِ الْأَرْضِ.

ثُمَّ قَالَا: إِلَى أَيْنَ تُرِيدُ؟

---

۲ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگامی که حضرت نوح عليه السلام در روزهای طوفان قرار داشت، همه آب‌ها را فرا خواند. پس همه آب‌ها دعوت او را پذیرفتند، جز آب گوگرد و آب تلخ، بنابراین حضرت نوح عليه السلام آنان را لعن نمود.

۳ ـ ابو سعید عقیصا تیمی گوید: امام حسن عليه السلام و امام حسین عليه السلام را دیدم که إزار [۱] پوشیده بودند و در فُرات مشغول آب تنی بودند.

به آنان عرض کردم: ای پسران پیامبر خدا! خداوند بر شما درود فرستد! إزارها را تباه کردید!

به من فرمودند: ای ابو سعید! تباه کردن ازارها نزد ما محبوب‌تر است از تباه نمودن دین. به راستی که آب، اهالی و ساکنانی دارد مانند ساکنان زمین.

سپس فرمودند: به کجا می‌خواهی بروی؟

---

۱ ـ ازار: لباس پایین تنه.

فَقُلْتُ: إِلَى هَذَا الْمَاءِ.

فَقَالَا: وَ مَا هَذَا الْمَاءُ؟

فَقُلْتُ: أُرِيدُ دَوَاءَهُ أَشْرَبُ مِنْ هَذَا الْمُرِّ لِعِلَّةٍ بِي أَرْجُو أَنْ يَخِفَّ لَهُ الْجَسَدُ وَيُسْهِلَ الْبَطْنَ.

فَقَالَا: مَا نَحْسَبُ أَنَّ اللهَ جَلَّ وَ عَزَّ جَعَلَ فِي شَيْءٍ قَدْ لَعَنَهُ شِفَاءً.

قُلْتُ: وَ لِمَ ذَاكَ؟

فَقَالَا: لِأَنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمَّا آسَفَهُ قَوْمُ نُوحٍ عليه‌السلام فَتَحَ السَّمَاءَ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ وَأَوْحَى إِلَى الْأَرْضِ فاسْتَعْصَتْ عَلَيْهِ عُيُونٌ مِنْهَا فَلَعَنَهَا وَ جَعَلَهَا مِلْحاً أُجَاجاً.

وَ فِي رِوَايَةِ حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ أَنَّهُمَا عليهما‌السلام قَالَا:

يَا أَبَا سَعِيدٍ! تَأْتِي مَاءً يُنْكِرُ وَلَايَتَنَا فِي كُلِّ يَوْمٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ؛ إِنَّ اللهَ عزّوجلّ عَرَضَ وَلَايَتَنَا عَلَى الْمِيَاهِ فَمَا قَبِلَ وَلَايَتَنَا عَذُبَ وَ طَابَ وَ مَا جَحَدَ وَلَايَتَنَا جَعَلَهُ اللهُ عزّوجلّ مُرّاً أَوْ مِلْحاً أُجَاجاً.

عرض کردم: به سوی این آب.

فرمودند: این آب چیست؟

عرض کردم: من فایده دارویی این آب را می‌خواهم. به خاطر بیماری که دارم از این آب تلخ می‌نوشم. امیدوارم که به وسیله آن، بدنم سبک و شکمم روان شود.

فرمودند: گمان نمی‌کنیم خداوند در چیزی که آن را لعنت نموده است، شفا قرار داده باشد.

عرض کردم: چرا چنین است؟

فرمودند: زیرا هنگامی که قوم نوح، خداوند را به غضب آوردند، خداوند آسمان را به آبی ریزان گشود و به زمین وحی نمود، بعضی از چشمه‌های زمین خداوند را نافرمانی نمودند، آن گاه خداوند آنان را لعن نمود و آنها را شور گرداند.

در روایت حمدان بن سلیمان چنین است: امام حسن عليه‌السلام و امام حسین عليه‌السلام فرمودند:

ای ابو سعید! به سوی آبی می‌روی که ولایت ما را در هر روز، سه بار انکار می‌کند؟! خداوند متعال ولایت ما را بر آب‌ها عرضه نمود؛ پس هر آبی که ولایت ما را پذیرفت شیرین، گوارا و پاکیزه شد و هر آبی که ولایت ما را انکار کرد، خداوند آن را تلخ و شور گردانید.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ أَبِي عليه السلام يَكْرَهُ أَنْ يَتَدَاوَى بِالْمَاءِ الْمُرِّ وَ بِمَاءِ الْكِبْرِيتِ وَ كَانَ يَقُولُ:

إِنَّ نُوحاً عليه السلام لَمَّا كَانَ الطُّوفَانُ دَعَا الْمِيَاهَ فَأَجَابَتْهُ كُلُّهَا إِلَّا الْمَاءَ الْمُرَّ وَ مَاءَ الْكِبْرِيتِ فَدَعَا عَلَيْهِمَا وَ لَعَنَهُمَا.

(۱۱)

بَابُ النَّوَادِرِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنِ الْعَرْزَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

تَفَجَّرَتِ الْعُيُونُ مِنْ تَحْتِ الْكَعْبَةِ.

---

۴ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پدرم کراهت داشت که با آب تلخ و آب گوگرد مداوا گردد، و همواره می‌فرمود:

هنگامی که طوفان به وقوع پیوست نوح عليه السلام آب‌ها را فرا خواند و همه آب‌ها او را اجابت نمودند، جز آب تلخ و آب گوگرد. پس خداوند آن دو را نفرین نمود و بر آنان لعنت فرستاد.

بخش یازدهم

روایت‌های نکته‌دار

۱ ـ عرزمی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: چشمه‌ها از زیر کعبه جوشیده‌اند.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ زَكَرِيَّا الْمُؤْمِنِ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْمُكَارِي عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثُّمَالِيِّ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ حَوْضِ زَمْزَمَ فَأَتَانِي رَجُلٌ فَقَالَ لِي: لَا تَشْرَبْ مِنْ هَذَا الْمَاءِ يَا أَبَا حَمْزَةَ! فَإِنَّ هَذَا يَشْتَرِكُ فِيهِ الْجِنُّ وَ الْإِنْسُ وَ هَذَا لَا يَشْتَرِكُ فِيهِ إِلَّا الْإِنْسُ.

قَالَ: فَتَعَجَّبْتُ مِنْ قَوْلِهِ وَ قُلْتُ: مِنْ أَيْنَ عَلِمَ هَذَا؟

قَالَ: ثُمَّ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام مَا كَانَ مِنْ قَوْلِ الرَّجُلِ لِي.

فَقَالَ عليه السلام لِي: إِنَّ ذَلِكَ رَجُلٌ مِنَ الْجِنِّ أَرَادَ إِرْشَادَكَ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: مَاءُ نِيلِ مِصْرَ يُمِيتُ الْقُلُوبَ.

٤ ـ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ الْيَعْقُوبِيِّ عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِاللهِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللهِ عزّوجلّ: ﴿وَ أَنْزَلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنّاهُ فِي الْأَرْضِ وَ إِنّا عَلىٰ ذَهابٍ بِهِ لَقادِرُونَ﴾ فَقَالَ:

---

۲ ـ ابو حمزه ثمالی گوید:

من در کنار حوض زمزم بودم. شخصی نزد من آمد و به من گفت: ای ابا حمزه! از این آب ننوش؛ زیرا جنیان و آدمیان در آن شریک‌اند و در این آب (آب دیگری است) فقط آدمیان شریک هستند.

ابوحمزه گوید: من از سخن آن مرد شگفت زده شدم و گفتم: این را از کجا آموخته‌ای؟

سپس سخنی که آن مرد به من گفته بود به امام باقر عليه السلام عرض کردم.

فرمود: او، مردی از جنیان بود که می‌خواست تو را ارشاد و راهنمایی کند.

۳ ـ یعقوب بن یزید در روایت مرفوعه‌ای گوید: امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود:

آب رود نیل در مصر، دل‌ها را می‌میراند.

۴ ـ سلیمان بن جعفر گوید: امام صادق عليه السلام در باره آیه: «و از آسمان آبی به اندازه معین فروفرستادیم و آن را در زمین قرار دادیم و ما بر از بین بردن آن توانا هستیم» فرمود:

يَعْنِي مَاءَ الْعَقِيقِ.

۵ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه‌السلام قَالَ:

نَهَرَانِ مُؤْمِنَانِ وَ نَهَرَانِ كَافِرَانِ؛ فَأَمَّا الْمُؤْمِنَانِ فَالْفُرَاتُ وَ نِيلُ مِصْرَ وَ أَمَّا الْكَافِرَانِ فَدِجْلَةُ وَ نَهَرُ بَلْخَ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنِ الْخَشَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَّانِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام إِذَا اسْتَسْقَى الْمَاءَ فَلَمَّا شَرِبَهُ رَأَيْتُهُ قَدِ اسْتَعْبَرَ وَ اغْرَوْرَقَتْ عَيْنَاهُ بِدُمُوعِهِ، ثُمَّ قَالَ لِي:

يَا دَاوُدُ! لَعَنَ اللهُ قَاتِلَ الْحُسَيْنِ عليه‌السلام! وَ مَا مِنْ عَبْدٍ شَرِبَ الْمَاءَ فَذَكَرَ الْحُسَيْنَ عليه‌السلام وَ أَهْلَ بَيْتِهِ وَ لَعَنَ قَاتِلَهُ إِلَّا كَتَبَ اللهُ عزّوجلّ لَهُ مِائَةَ أَلْفِ حَسَنَةٍ وَ حَطَّ عَنْهُ مِائَةَ أَلْفِ سَيِّئَةٍ وَ رَفَعَ لَهُ مِائَةَ أَلْفِ دَرَجَةٍ وَ كَأَنَّمَا أَعْتَقَ مِائَةَ أَلْفِ نَسَمَةٍ وَ حَشَرَهُ اللهُ عزّوجلّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَلِجَ الْفُؤَادِ.

منظور از آب مذکور در آیه، آب عقیق است [1].

۵ ـ عبدالله بن ابراهیم مدائنی گوید: امام کاظم عليه‌السلام فرمود:

دو رودخانه مؤمن‌اند و دو رودخانه کافر؛ دو رودخانه مؤمن: رودهای فرات و نیل مصر و دو رودخانه کافر رودهای دجله و رود بلخ هستند.

۶ ـ داوود رقّی گوید: نزد امام صادق عليه‌السلام بودم. که حضرت عليه‌السلام آب خواست. هنگامی که آب نوشید، دیدم اشک حضرت عليه‌السلام جاری شده و چشمان ایشان در اشک غرق گشت. آن گاه به من فرمود:

ای داوود! خداوند قاتل حسین عليه‌السلام را لعنت کند! هر بنده‌ای که آب بنوشد و به یاد حسین عليه‌السلام و اهل بیتش بیفتد و قاتل او را لعنت کند، خداوند صد هزار حسنه برایش می‌نویسد، صد هزار گناه را از او برمی‌دارد، صد هزار درجه او را بالا می‌برد و مانند آن است که صد هزار برده آزاد کرده است. خداوند او را در روز قیامت با قلب آرام محشور می‌کند.

---

۱ ـ شاید مراد حضرت عليه‌السلام آب منطقه عقیق است.

(۱۲)
أَبْوَابُ الْأَنْبِذَةِ
بَابُ مَا يُتَّخَذُ مِنْهُ الْخَمْرُ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

الْخَمْرُ مِنْ خَمْسَةٍ الْعَصِيرُ مِنَ الْكَرْمِ وَ النَّقِيعُ مِنَ الزَّبِيبِ وَ الْبِتْعُ مِنَ الْعَسَلِ وَالْمِزْرُ مِنَ الشَّعِيرِ وَ النَّبِيذُ مِنَ التَّمْرِ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحَسَنِ الْحَضْرَمِيِّ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام قَالَ:

الْخَمْرُ مِنْ خَمْسَةِ أَشْيَاءَ مِنَ التَّمْرِ وَ الزَّبِيبِ وَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ الْعَسَلِ.

بخش دوازدهم
بخش‌هایی دربارۀ نبیذها
مواد تهیّۀ شراب

۱ ـ عبدالرحمان بن حجّاج گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

شراب از پنج چیز به دست می‌آید: عصیر از انگور، نقیع از مویز، بِتْع از عسل، مِـزر از جو ونبیذ از خرما.

۲ ـ راوی گوید: امام سجّاد عليه السلام فرمود:

شراب از پنج چیز حاصل می‌گردد: خرما، مویز، گندم، جو وعسل.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ عَنْ عَامِرِ بْنِ السِّمْطِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام مِثْلَهُ.

۳ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ إِسْحَاقَ الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

الْخَمْرُ مِنْ خَمْسَةٍ الْعَصِيرُ مِنَ الْكَرْمِ وَ النَّقِيعُ مِنَ الزَّبِيبِ وَ الْبِتْعُ مِنَ الْعَسَلِ وَالْمِزْرُ مِنَ الشَّعِيرِ وَ النَّبِيذُ مِنَ التَّمْرِ.

(۱۳)

بَابُ أَصْلِ تَحْرِيمِ الْخَمْرِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ خَالِدِ بْنِ جَرِيرٍ عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ قَالَ:

---

۳ ـ على بن جعفر بن اسحاق هاشمى نظير روايت يكم را از امام صادق عليه السلام از پيامبر خدا صلى الله عليه وآله نقل مى‌كند.

بخش سيزدهم

ريشه تحريم شراب

۱ ـ ابو ربيع شامى گويد:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنْ أَصْلِ الْخَمْرِ: كَيْفَ كَانَ بَدْءُ حَلَالِهَا وَ حَرَامِهَا وَ مَتَى اتُّخِذَ الْخَمْرَ؟

فَقَالَ: إِنَّ آدَمَ عليه السلام لَمَّا هَبَطَ مِنَ الْجَنَّةِ اشْتَهَى مِنْ ثِمَارِهَا فَأَنْزَلَ اللهُ عزّوجلّ عَلَيْهِ قَضِيبَيْنِ مِنْ عِنَبٍ فَغَرَسَهُمَا فَلَمَّا أَنْ أَوْرَقَا وَ أَثْمَرَا وَ بَلَغَا جَاءَ إِبْلِيسُ لَعَنَهُ اللهُ فَحَاطَ عَلَيْهِمَا حَائِطاً فَقَالَ آدَمُ عليه السلام: مَا حَالُكَ؟ يَا مَلْعُونُ!

فَقَالَ إِبْلِيسُ: إِنَّهُمَا لِي.

فَقَالَ لَهُ: كَذَبْتَ!

فَرَضِيَا بَيْنَهُمَا بِرُوحِ الْقُدُسِ فَلَمَّا انْتَهَيَا إِلَيْهِ قَصَّ عَلَيْهِ آدَمُ عليه السلام قِصَّتَهُ وَ أَخَذَ رُوحُ الْقُدُسِ ضِغْثاً مِنْ نَارٍ وَ رَمَى بِهِ عَلَيْهِمَا وَ الْعِنَبُ فِي أَغْصَانِهِمَا حَتَّى ظَنَّ آدَمُ عليه السلام أَنَّهُ لَمْ يَبْقَ مِنْهُمَا شَيْءٌ وَ ظَنَّ إِبْلِيسُ لَعَنَهُ اللهُ مِثْلَ ذَلِكَ.

از امام صادق عليه السلام پرسیدم: ابتدای حلال و حرام بودن شراب چگونه بود و چه زمانی شراب تهیّه شد؟

فرمود: به راستی زمانی که حضرت آدم عليه السلام از بهشت هبوط نمود، اشتهای میوه‌های بهشتی به او دست داد. خداوند دو شاخه انگور برای او فرو فرستاد. آدم عليه السلام آنها را کاشت. هنگامی که درختان برگ و میوه برآوردند و رسیدند. ابلیس، که خداوند لعنتش کند ـ آمد و دور آن درخت‌ها دیواری ساخت.

آدم عليه السلام فرمود: ای لعنت شده! چه می‌کنی؟!

ابلیس گفت: این دو درخت از آنِ من هستند.

آدم عليه السلام به او فرمود: دروغ می‌گویی!

پس از چندی توافق کردند که روح القدس بین آنان قضاوت کند. هنگامی که به او رسیدند، حضرت آدم عليه السلام داستان خود را برای او بازگفت. روح القدس مقداری آتش برداشت و آن را بر درخت‌ها انداخت در حالی که در شاخه‌های درختان انگور بود، به گونه‌ای که آدم عليه السلام گمان کرد چیزی از درخت‌ها نمانده است و ابلیس نیز همین‌گونه گمان کرد.

قَالَ: فَدَخَلَتِ النَّارُ حَيْثُ دَخَلَتْ وَ قَدْ ذَهَبَ مِنْهُمَا ثُلُثَاهُمَا وَ بَقِيَ الثُّلُثُ فَقَالَ الرُّوحُ: أَمَّا مَا ذَهَبَ مِنْهُمَا فَحَظُّ إِبْلِيسَ لَعَنَهُ اللهُ وَ مَا بَقِيَ فَلَكَ يَا آدَمُ.

الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ خَالِدِ بْنِ نَافِعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام مِثْلَهُ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللهَ عزّوجلّ لَمَّا أَهْبَطَ آدَمَ عليه السلام أَمَرَهُ بِالْحَرْثِ وَ الزَّرْعِ وَ طَرَحَ إِلَيْهِ غَرْساً مِنْ غُرُوسِ الْجَنَّةِ فَأَعْطَاهُ النَّخْلَ وَ الْعِنَبَ وَ الزَّيْتُونَ وَ الرُّمَّانَ فَغَرَسَهَا لِيَكُونَ لِعَقِبِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ فَأَكَلَ هُوَ مِنْ ثِمَارِهَا.

فَقَالَ لَهُ إِبْلِيسُ لَعَنَهُ اللهُ: يَا آدَمُ! مَا هَذَا الْغَرْسُ الَّذِي لَمْ أَكُنْ أَعْرِفُهُ فِي الْأَرْضِ وَ قَدْ كُنْتُ فِيهَا قَبْلَكَ؟ ائْذَنْ لِي آكُلْ مِنْهَا شَيْئاً.

فَأَبَى آدَمُ عليه السلام أَنْ يَدَعَهُ، فَجَاءَ إِبْلِيسُ عِنْدَ آخِرِ عُمْرِ آدَمَ عليه السلام وَ قَالَ لِحَوَّاءَ: إِنَّهُ قَدْ أَجْهَدَنِي الْجُوعُ وَ الْعَطَشُ.

پس آتش تا جایی که توانست آن درخت‌ها را سوزاند ودو سوم آنها از بین رفت و یک سوم باقی ماند.

روح القدس گفت: آن مقداری که از بین رفته است بهره ابلیس وباقی‌مانده، از آنِ توست، ای آدم!

۲ ـ ابراهیم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگامی که خداوند آدم عليه السلام را به زمین فرستاد، به او دستور داد که زراعت وکشاورزی نماید ونهال‌هایی از نهال‌های بهشت برایش فروفرستاد ودرخت خرما، انگور، زیتون و انار به او داد. آدم عليه السلام آنها را کاشت تا برای نسل وذریّه‌اش باشد. خودش نیز از میوه‌های آن درختان میل نمود.

ابلیس ـ لعنت خدا بر او باد ـ به آدم عليه السلام گفت: ای آدم! این چه نهالی است که من قبلاً در زمین آن را نمی‌شناختم در حالی که من پیش از تو در زمین بوده‌ام؟! به من اجازه ده که مقداری از میوهٔ آن را بخورم.

آدم عليه السلام امتناع کرد که او را آزاد گذارد.

ابلیس در اواخر زندگی آدم عليه السلام آمد و به حوّاء عليها السلام گفت: همانا که گرسنگی و تشنگی مرا از پای درآورده است!

فَقَالَتْ لَهُ حَوَّاءُ: فَمَا الَّذِي تُرِيدُ؟

قَالَ: أُرِيدُ أَنْ تُذِيقِينِي مِنْ هَذِهِ الثِّمَارِ.

فَقَالَتْ حَوَّاءُ: إِنَّ آدَمَ عليه‌السلام عَهِدَ إِلَيَّ أَنْ لَا أُطْعِمَكَ شَيْئاً مِنْ هَذَا الْغَرْسِ؛ لِأَنَّهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَ لَا يَنْبَغِي لَكَ أَنْ تَأْكُلَ مِنْهُ شَيْئاً.

فَقَالَ لَهَا: فَاعْصِرِي فِي كَفِّي شَيْئاً مِنْهُ.

فَأَبَتْ عَلَيْهِ فَقَالَ: ذَرِينِي أَمَصَّهُ وَ لَا آكُلْهُ.

فَأَخَذَتْ عُنْقُوداً مِنْ عِنَبٍ فَأَعْطَتْهُ فَمَصَّهُ وَ لَمْ يَأْكُلْ مِنْهُ لِمَا كَانَتْ حَوَّاءُ قَدْ أَكَّدَتْ عَلَيْهِ فَلَمَّا ذَهَبَ يَعَضُّ عَلَيْهِ جَذَبَتْهُ حَوَّاءُ مِنْ فِيهِ.

فَأَوْحَى اللهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَى آدَمَ عليه‌السلام: أَنَّ الْعِنَبَ قَدْ مَصَّهُ عَدُوِّي وَ عَدُوُّكَ إِبْلِيسُ وَ قَدْ حَرَّمْتُ عَلَيْكَ مِنْ عَصِيرَةِ الْخَمْرِ مَا خَالَطَهُ نَفَسُ إِبْلِيسَ.

حوّاء علیهاالسلام به او فرمود: چه می‌خواهی؟

گفت: می‌خواهم که از این میوه‌ها به من بچشانی.

فرمود: آدم علیه‌السلام از من پیمان گرفته است که چیزی از این نهال را به تو ندهم؛ زیرا این نهال بهشتی است و برای تو روا نیست که چیزی از آن را بخوری.

ابلیس گفت: مقداری از آن در کف دستم بفشار (تا آب آن را بخورم). اما حواء علیهاالسلام خودداری نمود.

ابلیس به او گفت: مرا واگذار تا آن را بمکم، ولی آن را نمی‌خورم.

پس حواء علیهاالسلام خوشهٔ انگوری برداشت و به او داد. ابلیس آن را مکید، اما نخورد؛ زیرا حواء علیهاالسلام بر او سفت و سخت تأکید کرده بود. هنگامی که ابلیس خواست آن را گاز بزند، حواء علیهاالسلام آن را از دهانش کشید.

خداوند به آدم علیه‌السلام وحی نمود که همانا دشمن من و دشمن تو؛ ابلیس آن انگور را مکیده است. به راستی که از فشرده شراب، آن چه را که نَفَس ابلیس با آن مخلوط شده بر تو حرام کردم.

فَحُرِّمَتِ الْخَمْرُ، لِأَنَّ عَدُوَّ اللهِ إِبْلِيسَ مَكَرَ بِحَوَّاءَ حَتَّى مَصَّ الْعِنَبَ وَ لَوْ أَكَلَهَا لَحُرِّمَتِ الْكَرْمَةُ مِنْ أَوَّلِهَا إِلَى آخِرِهَا وَ جَمِيعُ ثَمَرِهَا وَ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا.

ثُمَّ إِنَّهُ قَالَ لِحَوَّاءَ: فَلَوْ أَمْصَصْتِنِي شَيْئاً مِنْ هَذَا التَّمْرِ كَمَا أَمْصَصْتِنِي مِنَ الْعِنَبِ.

فَأَعْطَتْهُ تَمْرَةً فَمَصَّهَا وَ كَانَتِ الْعِنَبُ وَ التَّمْرَةُ أَشَدَّ رَائِحَةً وَ أَزْكَى مِنَ الْمِسْكِ الْأَذْفَرِ وَ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ، فَلَمَّا مَصَّهُمَا عَدُوُّ اللهِ إِبْلِيسُ لَعَنَهُ اللهُ ذَهَبَتْ رَائِحَتُهُمَا وَانْتَقَصَتْ حَلَاوَتُهُمَا.

قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: ثُمَّ إِنَّ إِبْلِيسَ لَعَنَهُ اللهُ ذَهَبَ بَعْدَ وَفَاةِ آدَمَ عليه السلام فَبَالَ فِي أَصْلِ الْكَرْمَةِ وَ النَّخْلَةِ فَجَرَى الْمَاءُ عَلَى عُرُوقِهِمَا مِنْ بَوْلِ عَدُوِّ اللهِ فَمِنْ ثَمَّ يَخْتَمِرُ الْعِنَبُ وَ التَّمْرُ فَحَرَّمَ اللهُ عزّ وجلّ عَلَى ذُرِّيَّةِ آدَمَ عليه السلام كُلَّ مُسْكِرٍ، لِأَنَّ الْمَاءَ جَرَى بِبَوْلِ عَدُوِّ اللهِ فِي النَّخْلَةِ وَ الْعِنَبِ وَ صَارَ كُلُّ مُخْتَمِرٍ خَمْراً، لِأَنَّ الْمَاءَ اخْتَمَرَ فِي النَّخْلَةِ وَ الْكَرْمَةِ مِنْ رَائِحَةِ بَوْلِ عَدُوِّ اللهِ إِبْلِيسَ لَعَنَهُ اللهُ.

از این رو شراب حرام شد، زیرا دشمن خداوند؛ ابلیس، حواء علیها السلام را نیرنگ زد، تا این که انگور را مکید، واگر انگور را خورده بود، از اول تا آخرش وتمامی میوه‌هایش وآن چه که از انگور به دست می‌آید، حرام می‌شد.

ابلیس پس از آن به حواء علیها السلام گفت: کاش مقداری از این خرما را می‌گذاشتی بمکم همان طور که گذاشتی مقداری از انگور را بمکم.

حوّاء یک دانه خرما به او داد واو آن را مکید وپیش از آن، انگور وخرما خوش‌بوتر وپاکیزه‌تر از مُشک أذفر وشیرین‌تر از عسل بودند. هنگامی که دشمن خدا ابلیس ـ لعنت خدا بر او باد ـ آنان را مکید بوی آن دو از بین رفت وشیرینی آن دو ناقص شد.

امام صادق علیه السلام فرمود: سپس ابلیس ـ که لعنت خدا بر او باد ـ بعد از وفات حضرت آدم علیه السلام در میان ریشه درخت انگور وخرما ادرار کرد، به جهت ادرار دشمن خداوند آب در رگ‌های درخت انگور وخرما جاری شد وبه همین جهت انگور وخرما تبدیل به خمیره شراب می‌شود. پس خداوند هر مستی آوری را بر ذریه آدم علیه السلام حرام نمود؛ زیرا با ادرار دشمن خدا در درخت خرما وانگور آب جریان یافته است وهر خمیره شرابی تبدیل به شراب شد. زیرا آن آب در درخت خرما وانگور به خاطر بوی ادرار دشمن خدا ابلیس تبدیل به خمیره شراب شد (یعنی جوشید وتغییر کرد وبدبو شد).

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

لَمَّا هَبَطَ نُوحٌ عليه السلام مِنَ السَّفِينَةِ غَرَسَ غَرْساً وَ كَانَ فِيمَا غَرَسَ عليه السلام الْحَبَلَةُ ثُمَّ رَجَعَ إِلَى أَهْلِهِ فَجَاءَ إِبْلِيسُ لَعَنَهُ اللهُ فَقَلَعَهَا، ثُمَّ إِنَّ نُوحاً عليه السلام عَادَ إِلَى غَرْسِهِ فَوَجَدَهُ عَلَى حَالِهِ وَ وَجَدَ الْحَبَلَةَ قَدْ قُلِعَتْ وَ وَجَدَ إِبْلِيسَ لَعَنَهُ اللهُ عِنْدَهَا، فَأَتَاهُ جَبْرَئِيلُ عليه السلام فَأَخْبَرَهُ أَنَّ إِبْلِيسَ لَعَنَهُ اللهُ قَلَعَهَا.

فَقَالَ نُوحٌ لِإِبْلِيسَ: مَا دَعَاكَ إِلَى قَلْعِهَا فَوَ اللهِ! مَا غَرَسْتُ غَرْساً أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْهَا وَ وَ اللهِ! لَا أَدَعُهَا حَتَّى أَغْرِسَهَا.

فَقَالَ إِبْلِيسُ: وَ أَنَا وَ اللهِ لَا أَدَعُهَا حَتَّى أَقْلَعَهَا.

فَقَالَ لَهُ: اجْعَلْ لِي مِنْهَا نَصِيباً.

قَالَ: فَجَعَلَ لَهُ مِنْهَا الثُّلُثَ فَأَبَى أَنْ يَرْضَى فَجَعَلَ لَهُ النِّصْفَ فَأَبَى أَنْ يَرْضَى فَأَبَى نُوحٌ عليه السلام أَنْ يَزِيدَهُ.

---

۳ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هنگامی که نوح عليه السلام از کشتی پایین آمد، نهال‌هایی کاشت و در میان آنها شاخه انگور نیز بود. آن گاه نزد خانواده‌اش بازگشت. در آن هنگام ابلیس آمد و آن را کند. چندی بعد نوح عليه السلام نزد نهال‌های خود مراجعت نمود و آنها را بر همان حالت سابق مشاهده نمود که شاخه انگور کنده شده و ابلیس نزد آن است. جبرئیل عليه السلام نزد نوح عليه السلام آمد و به او خبر داد که ابلیس آن را کنده است.

نوح عليه السلام به ابلیس فرمود: چرا این درخت را کندی؟! به خدا سوگند من نهالی نکاشته بودم که نزد من محبوب‌تر از آن باشد! و به خدا قسم که آن را رها نمی‌کنم تا آن را بکارم!

ابلیس گفت: برای من بهره از آن قرار ده.

نوح عليه السلام یک سوم آن را برای او قرار داد، اما ابلیس رضایت نداد. پس نصف آن را برای او قرار داد، اما باز هم راضی نشد. پس نوح عليه السلام بیشتر از آن به او بهره‌ای قرار نداد.

فَقَالَ جَبْرَئِيلُ عليه السلام لِنُوحٍ: يَا رَسُولَ اللهِ! أَحْسِنْ فَإِنَّ مِنْكَ الْإِحْسَانَ.

فَعَلِمَ نُوحٌ عليه السلام أَنَّهُ قَدْ جَعَلَ لَهُ عَلَيْهَا سُلْطَاناً، فَجَعَلَ نُوحٌ عليه السلام لَهُ الثُّلُثَيْنِ.

فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: فَإِذَا أَخَذْتَ عَصِيراً فَاطْبُخْهُ حَتَّى يَذْهَبَ الثُّلُثَانِ وَ كُلْ وَاشْرَبْ فَذَاكَ نَصِيبُ الشَّيْطَانِ.

٤ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ إِبْلِيسَ لَعَنَهُ اللهُ نَازَعَ نُوحاً عليه السلام فِي الْكَرْمِ فَأَتَاهُ جَبْرَئِيلُ عليه السلام فَقَالَ: إِنَّ لَهُ حَقّاً فَأَعْطِهِ.

فَأَعْطَاهُ الثُّلُثَ فَلَمْ يَرْضَ إِبْلِيسُ ثُمَّ أَعْطَاهُ النِّصْفَ فَلَمْ يَرْضَ، فَطَرَحَ جَبْرَئِيلُ نَاراً فَأَحْرَقَتِ الثُّلُثَيْنِ وَ بَقِيَ الثُّلُثُ.

فَقَالَ: مَا أَحْرَقَتِ النَّارُ فَهُوَ نَصِيبُهُ وَ مَا بَقِيَ فَهُوَ لَكَ يَا نُوحُ! حَلَالٌ.

جبرئیل عليه السلام به نوح عليه السلام عرض کرد: ای پیامبر خدا! احسان کن که احسان از جانب توست.

در این هنگام نوح عليه السلام دانست که برای ابلیس سهمی در آن قرار داده شده، از این رو دو سوم را برای ابلیس قرار داد.

امام باقر عليه السلام فرمود: پس هر گاه فشرده انگور را گرفتی آن را طبخ کن تا دو سوم آن برود، سپس بخور و بنوش، زیرا آن، بهره شیطان است.

۴ ـ سعید بن یسار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

ابلیس در مورد انگور با نوح عليه السلام نزاع نمود. جبرئیل عليه السلام نزد نوح عليه السلام آمد و عرض کرد: او حقی دارد؛ بنابراین حقش را به او بده.

پس نوح عليه السلام یک سوم را به او بخشید، اما ابلیس راضی نشد. سپس نصف را به او داد، اما باز هم راضی نشد. آن گاه جبرئیل عليه السلام آتشی انداخت و دو سوم آن سوخت و یک سوم باقی ماند.

جبرئیل عليه السلام عرض کرد: ای نوح! آن چه را که آتش سوزانده، بهره ابلیس و آن چه که باقی مانده بر تو حلال است.

(١٤)
بَابُ أَنَّ الْخَمْرَ لَمْ تَزَلْ مُحَرَّمَةً

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

مَا بَعَثَ اللهُ عزّ و جلّ نَبِيّاً قَطُّ إِلَّا وَ فِي عِلْمِ اللهِ عزّ و جلّ أَنَّهُ إِذَا أَكْمَلَ لَهُ دِينَهُ كَانَ فِيهِ تَحْرِيمُ الْخَمْرِ وَ لَمْ تَزَلِ الْخَمْرُ حَرَاماً إِنَّ الدِّينَ أَنَّمَا يُحَوَّلُ مِنْ خَصْلَةٍ إِلَى أُخْرَى فَلَوْ كَانَ ذَلِكَ جُمْلَةً قُطِعَ بِهِمْ دُونَ الدِّينِ.

٢ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

مَا بَعَثَ اللهُ عزّ و جلّ نَبِيّاً قَطُّ إِلَّا وَ فِي عِلْمِ اللهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنَّهُ إِذَا أَكْمَلَ لَهُ دِينَهُ كَانَ فِيهِ تَحْرِيمُ الْخَمْرِ وَ لَمْ تَزَلِ الْخَمْرُ حَرَاماً إِنَّمَا الدِّينُ يُحَوَّلُ مِنْ خَصْلَةٍ إِلَى أُخْرَى وَ لَوْ كَانَ ذَلِكَ جُمْلَةً قُطِعَ بِهِمْ دُونَ الدِّينِ.

بخش چهاردهم
شراب همیشه حرام بوده است

١ ـ ابراهیم بن عمر یمانی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

خداوند هیچ‌گاه پیامبری را مبعوث ننمود، مگر آن که در علم خداوندی چنین بود که هنگامی دین را برای او کامل نمود، حرام بودن شراب در آن هنگام باشد و همیشه شراب حرام بوده است. به راستی که دین از یک حکم به حکم دیگر منتقل می‌شود و اگر (احکام) دین یکباره بیان می‌شد، مردم در مقابل دین درمانده می‌شدند.

٢ ـ نظیر این روایت را زراره از امام باقر عليه السلام نقل می‌نماید.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

مَا بَعَثَ اللهُ عزّ وجلّ نَبِيّاً قَطُّ إِلَّا وَ فِي عِلْمِ اللهِ أَنَّهُ إِذَا أَكْمَلَ دِينَهُ كَانَ فِيهِ تَحْرِيمُ الْخَمْرِ وَ لَمْ تَزَلِ الْخَمْرُ حَرَاماً وَ إِنَّمَا يُنْقَلُونَ مِنْ خَصْلَةٍ إِلَى خَصْلَةٍ وَ لَوْ حُمِلَ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ جُمْلَةً لَقُطِعَ بِهِمْ دُونَ الدِّينِ.

قَالَ: وَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: لَيْسَ أَحَدٌ أَرْفَقَ مِنَ اللهِ عزّ وجلّ فَمِنْ رِفْقِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنَّهُ نَقَلَهُمْ مِنْ خَصْلَةٍ إِلَى خَصْلَةٍ وَ لَوْ حَمَلَ عَلَيْهِمْ جُمْلَةً لَهَلَكُوا.

(۱۵)

بَابُ شَارِبِ الْخَمْرِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ خَالِدِ بْنِ جَرِيرٍ عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنِ الْخَمْرِ فَقَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلّی الله علیه وآله:

۳ ـ زراره نظیر این روایت را از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند و می‌گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هیچ کس مهربان‌تر از خداوند نیست و از مهربانی او این است که مردم را از یک حکم به حکم دیگری منتقل می‌کند و اگر همه آن ویژگی‌ها را یکباره بر آنان بیان می‌نمود، به طور قطع هلاک می‌شدند.

بخش پانزدهم

شراب‌خوار

۱ ـ ابو ربیع شامی گوید:

از امام صادق عليه السلام در باره شراب پرسیدند. حضرتش فرمود: پیامبر خدا صلّی الله علیه وآله فرمود:

إِنَّ اللهَ ﷻ بَعَثَنِي رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ وَ لِأَمْحَقَ الْمَعَازِفَ وَ الْمَزَامِيرَ وَ أُمُورَ الْجَاهِلِيَّةِ وَ الْأَوْثَانَ.

وَ قَالَ: أَقْسَمَ رَبِّي أَنْ لَا يَشْرَبَ عَبْدٌ لِي فِي الدُّنْيَا خَمْراً إِلَّا سَقَيْتُهُ مِثْلَ مَا شَرِبَ مِنْهَا مِنَ الْحَمِيمِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُعَذَّباً أَوْ مَغْفُوراً لَهُ وَ لَا يَسْقِيهَا عَبْدٌ لِي صَبِيّاً صَغِيراً أَوْ مَمْلُوكاً إِلَّا سَقَيْتُهُ مِثْلَ مَا سَقَاهُ مِنَ الْحَمِيمِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُعَذَّباً بَعْدُ أَوْ مَغْفُوراً لَهُ.

۲ ـ ابْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ خَالِدِ بْنِ جَرِيرٍ عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله:

مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ بَعْدَ مَا حَرَّمَهَا اللهُ ﷻ عَلَى لِسَانِي فَلَيْسَ بِأَهْلٍ أَنْ يُزَوَّجَ إِذَا خَطَبَ وَ لَا يُشَفَّعَ إِذَا شَفَعَ وَ لَا يُصَدَّقَ إِذَا حَدَّثَ وَ لَا يُؤْتَمَنَ عَلَى أَمَانَةٍ فَمَنِ ائْتَمَنَهُ بَعْدَ عِلْمِهِ فِيهِ فَلَيْسَ لِلَّذِي ائْتَمَنَهُ عَلَى اللهِ ﷻ ضَمَانٌ وَ لَا لَهُ أَجْرٌ وَ لَا خَلَفٌ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام قَالَ:

به راستی که خداوند مرا رحمت برای جهانیان برانگیخت و به یقین آلات موسیقی، نی‌ها، امور دوران جاهلی و بت‌ها را نابود خواهم نمود.

هم چنین فرمود: پروردگارم سوگند یاد کرده است که هر مقداری که بنده من در دنیا شراب بنوشد، همان مقدار در روز قیامت او را از آب گرم وچرکین دوزخ می‌نوشانم، آنگاه به آتش دوزخ عذاب شود و یا مورد مغفرت قرار گیرد و هر مقدار از شراب را به کودک و یا برده‌ای بنوشاند در روز قیامت به همان مقدار از آب گرم وچرکین دوزخ به او می‌نوشانم، آنگاه عذاب شود، و یا آمرزیده شود».

۲ ـ ابو ربیع شامی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود: پیامبرخدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

هر کس پس از تحریم الهی شراب توسط من، شراب بنوشد شایسته است که هنگام خواستگاری به او زن ندهند، به هنگام شفاعت، شفاعتش پذیرفته نشود وهرگاه سخنی گفت تصدیق نشود و بر امانتی امین قرار داده نشود. بنابر این هر کس که شراب‌خوار را پس از آگاهی از علم به شراب خواری او امین خود قرار دهد، ضمانت، پاداش وجایگزینی در جهان آخرت بر عهده خداوند ندارد.

۳ ـ سدیر گوید: امام باقر عليه‌السلام فرمود:

يُؤْتَى شَارِبُ الْخَمْرِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُسْوَدّاً وَجْهُهُ مُدْلَعاً لِسَانُهُ يَسِيلُ لُعَابُهُ عَلَى صَدْرِهِ وَ حَقٌّ عَلَى اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَسْقِيَهُ مِنْ طِينَةِ خَبَالٍ ـ أَوْ قَالَ: مِنْ بِئْرِ خَبَالٍ.

قَالَ: قُلْتُ: وَ مَا بِئْرُ خَبَالٍ؟

قَالَ: بِئْرٌ يَسِيلُ فِيهَا صَدِيدُ الزُّنَاةِ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

شَارِبُ الْخَمْرِ لَا يُعَادُ إِذَا مَرِضَ وَ لَا يُشْهَدُ لَهُ جَنَازَةٌ وَ لَا تُزَكُّوهُ إِذَا شَهِدَ وَ لَاتُزَوِّجُوهُ إِذَا خَطَبَ وَ لَا تَأْتَمِنُوهُ عَلَى أَمَانَةٍ.

٥ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

شَارِبُ الْخَمْرِ إِنْ مَرِضَ فَلَا تَعُودُوهُ وَ إِنْ مَاتَ فَلَا تَحْضُرُوهُ وَ إِنْ شَهِدَ فَلَا تُزَكُّوهُ وَ إِنْ خَطَبَ فَلَا تُزَوِّجُوهُ وَ إِنْ سَأَلَكُمْ أَمَانَةً فَلَا تَأْتَمِنُوهُ.

شراب خوار را در روز رستاخیز با چهرهٔ سیاه می‌آورند، زبانش از دهانش بیرون افتاده، آب دهانش روی سینه‌اش می‌ریزد و بر خداوند رواست که او را از «طینت خبال» ـ یا فرمود: «چاه خبال» ـ سیراب کند.

عرض کردم: چاه خبال چیست؟

فرمود: چاهی است که خون و چرک زناکاران در آن می‌ریزد.

۴ ـ راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبرخدا صلی الله علیه وآله فرمود:

هرگاه شراب خوار بیمار شود نباید به عیادتش رفت و بر جنازه‌اش حاضر شد و هرگاه شهادت داد او را پاکیزه ندانید و هرگاه خواستگاری نمود به او همسر ندهید و او را بر امانت امین قرار ندهید.

۵ ـ نظیر این روایت را یکی از اصحاب ما از امام صادق علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله نقل می‌کند.

٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ بَشِيرٍ الْهُذَلِيِّ عَنْ عَجْلَانَ أَبِي صَالِحٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام: الْمَوْلُودُ يُولَدُ فَنَسْقِيهِ مِنَ الْخَمْرِ.

فَقَالَ: مَنْ سَقَى مَوْلُوداً خَمْراً ـ أَوْ قَالَ: ـ مُسْكِراً ـ سَقَاهُ اللهُ عزّ و جلّ مِنَ الْحَمِيمِ وَ إِنْ غَفَرَ لَهُ.

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ وَ دُرُسْتَ وَ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ جَمِيعاً عَنْ عَجْلَانَ أَبِي صَالِحٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ: قَالَ اللهُ عزّ و جلّ:

مَنْ شَرِبَ مُسْكِراً أَوْ سَقَاهُ صَبِيّاً لَا يَعْقِلُ سَقَيْتُهُ مِنْ مَاءِ الْحَمِيمِ مُعَذَّباً أَوْ مَغْفُوراً لَهُ وَ مَنْ تَرَكَ الْمُسْكِرَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي أَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ وَ سَقَيْتُهُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ وَ فَعَلْتُ بِهِ مِنَ الْكَرَامَةِ مَا أَفْعَلُ بِأَوْلِيَائِي.

---

۶ ـ عبدالله بن ابو صالح گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: ما برای نوزاد شراب می‌نوشانیم.

فرمود: هر کس به نوزاد شراب ـ یا فرمود: ماده مستی آوری ـ بنوشاند، خداوند او را از آب گرم و چرکین دوزخ خواهد نوشاند؛ گرچه او را مورد مغفرت خود قرار داده باشد.

۷ ـ عجلان ابو صالح گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: خداوند متعال فرمود: هر کس ماده مستی آوری بیاشامد و یا آن را به کودکی که نمی‌فهمد بنوشاند، او را از آب گرم و چرکین دوزخ خواهم نوشاند؛ او را عذاب کنم یا ببخشایم و هر کس ماده مست کننده را به خاطر خشنودی من ترک کند، او را به بهشت وارد می‌نمایم و از «رحیق مختوم» سیراب می‌کنم و آن کرامتی که برای اولیای خود روا می‌دارم، با او انجام می‌دهم.

۸ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

شَارِبُ الْخَمْرِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَأْتِي مُسْوَدّاً وَجْهُهُ مَائِلاً شِقُّهُ مُدْلَعاً لِسَانُهُ يُنَادِي الْعَطَشَ الْعَطَشَ.

۹ ـ حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله:

مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ بَعْدَ أَنْ حَرَّمَهَا اللهُ تَعَالَى عَلَى لِسَانِي فَلَيْسَ بِأَهْلٍ أَنْ يُزَوَّجَ إِذَا خَطَبَ وَ لَا يُصَدَّقَ إِذَا حَدَّثَ وَ لَا يُشَفَّعَ إِذَا شَفَعَ وَ لَا يُؤْتَمَنَ عَلَى أَمَانَةٍ فَمَنِ ائْتَمَنَهُ عَلَى أَمَانَةٍ فَأَكَلَهَا أَوْ ضَيَّعَهَا فَلَيْسَ لِلَّذِي ائْتَمَنَهُ عَلَى اللهِ عزّوجلّ أَنْ يَأْجُرَهُ وَ لَا يُخْلِفَ عَلَيْهِ.

وَ قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: إِنِّي أَرَدْتُ أَنْ أَسْتَبْضِعَ بِضَاعَةً إِلَى الْيَمَنِ فَأَتَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام فَقُلْتُ لَهُ:

---

۸ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

شراب خوار را در روز قیامت با چهرهٔ سیاه، بدن فلج وزبان از دهان بیرون آمده می‌آورند وفریاد می‌زند: تشنه‌ام، تشنه‌ام.

۹ ـ حمّاد بن بشیر نظیر روایت دوم همین بخش را از امام صادق عليه السلام از پیامبر خدا صلى الله عليه و آله نقل می‌کند ومی‌افزاید: امام صادق عليه السلام فرمود:

می‌خواستم کالایی را برای تجارت به یمن بفرستم از این رو خدمت امام باقر عليه السلام رفتم وعرض کردم:

إِنَّنِي أُرِيدُ أَنْ أَسْتَبْضِعَ فُلَاناً بِضَاعَةً.

فَقَالَ لِي: أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّهُ يَشْرَبُ الْخَمْرَ؟

فَقُلْتُ: قَدْ بَلَغَنِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ ذَلِكَ.

فَقَالَ لِي: صَدِّقْهُمْ فَإِنَّ اللهَ ﷻ يَقُولُ: ﴿يُؤْمِنُ بِاللهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾.

ثُمَّ قَالَ: إِنَّكَ إِنِ اسْتَبْضَعْتَهُ فَهَلَكَتْ أَوْ ضَاعَتْ فَلَيْسَ لَكَ عَلَى اللهِ ﷻ أَنْ يَأْجُرَكَ وَ لَا يُخْلِفَ عَلَيْكَ.

فَاسْتَبْضَعْتُهُ فَضَيَّعَهَا فَدَعَوْتُ اللهَ ﷻ أَنْ يَأْجُرَنِي فَقَالَ:

يَا بُنَيَّ! مَهْ! لَيْسَ لَكَ عَلَى اللهِ أَنْ يَأْجُرَكَ وَ لَا يُخْلِفَ عَلَيْكَ.

قَالَ: قُلْتُ لَهُ: وَ لِمَ؟

فَقَالَ لِي: إِنَّ اللهَ ﷻ يَقُولُ: ﴿وَ لا تُؤْتُوا السُّفَهٰاءَ أَمْوٰالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللهُ لَكُمْ قِيٰاماً﴾ فَهَلْ تَعْرِفُ سَفِيهاً أَسْفَهَ مِنْ شَارِبِ الْخَمْرِ؟

من می‌خواهم که کالایی را برای تجارت به فلانی بدهم.

فرمود: مگر نمی‌دانی که او شراب می‌نوشد؟

عرض کردم: از برخی مؤمنان به من خبر رسیده است که نظر آنان درباره او چنین است.

فرمود: سخن آنها را تصدیق کن؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «سخن خدا ومؤمنان را تصدیق وباور می‌کند».

سپس فرمود: اگر تو او را به تجارت بفرستی وکالایت نابود شود، چیزی برای تو بر عهده خداوند نیست که به تو پاداش دهد وبرای آینده در نظر نخواهد گرفت.

پس من او را به تجارت فرستادم و او کالا را ضایع کرد. پس از خداوند خواستم که به من اجر و پاداش دهد.

امام باقر عليه‌السلام فرمود: پسرم! آرام باش!

عرض کردم: چرا؟

فرمود: خداوند متعال می‌فرماید: «اموال خود را به سفیهان ندهید...» آیا تو سفیه ونادانی، نادان‌تر از شراب‌خوار می‌شناسی؟!

قَالَ: ثُمَّ قَالَ عليه السلام: لَا يَزَالُ الْعَبْدُ فِي فُسْحَةٍ مِنَ اللهِ عزّوجلّ حَتَّى يَشْرَبَ الْخَمْرَ فَإِذَا شَرِبَهَا خَرَقَ اللهُ عزّوجلّ عَنْهُ سِرْبَالَهُ وَ كَانَ وَلِيُّهُ وَ أَخُوهُ إِبْلِيسَ لَعَنَهُ اللهُ وَ سَمْعُهُ وَ بَصَرُهُ وَ يَدُهُ وَ رِجْلُهُ يَسُوقُهُ إِلَى كُلِّ ضَلَالٍ وَ يَصْرِفُهُ عَنْ كُلِّ خَيْرٍ.

۱۰ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُلْوَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ خَالِدٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ:

لَعَنَ رَسُولُ اللهِ صلّی الله علیه و آله الْخَمْرَ وَ عَاصِرَهَا وَ مُعْتَصِرَهَا وَ بَائِعَهَا وَ مُشْتَرِيَهَا وَ سَاقِيَهَا وَ آكِلَ ثَمَنِهَا وَ شَارِبَهَا وَ حَامِلَهَا وَ الْمَحْمُولَةَ إِلَيْهِ.

۱۱ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيٍّ الصُّوفِيِّ عَنْ خَضِرٍ الصَّيْرَفِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ شَرِبَ النَّبِيذَ عَلَى أَنَّهُ حَلَالٌ خُلِّدَ فِي النَّارِ وَ مَنْ شَرِبَهُ عَلَى أَنَّهُ حَرَامٌ عُذِّبَ فِي النَّارِ.

سپس امام صادق عليه السلام فرمود: بنده همیشه از جانب خداوند در گشایش و آزادی است تا این که شراب بنوشد. هنگامی که شراب بنوشد، خداوند لباس خود را از بدنش می‌درد و ولیّ و برادرش ابلیس خواهد بود و گوش، چشم، دست و پایش او را به هر ضلالت و گمراهی سوق می‌دهند و از هر خیر و خوبی باز می‌دارند.

۱۰ ـ عمرو بن خالد گوید: زید پسر امام سجّاد عليه السلام از پدران بزرگوارش عليهم السلام این گونه نقل کرد که حضرتش فرمود:

پیامبر خدا صلّی الله علیه و آله شراب، شراب‌ساز، سفارش دهنده، فروشنده و خریدار شراب مصرف کننده پول آن، شراب خوار، حمل کننده آن و کسی که شراب را برایش می‌آورند؛ همه را لعنت نمود.

۱۱ ـ خضر صیرفی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کس نبیذ بنوشد با این اعتقاد که حلال است، همواره در آتش دوزخ خواهد ماند و هر کس نبیذ بنوشد با این عقیده بنوشد که حرام است، در آتش، عذاب خواهد شد.

۱۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يُوسُفَ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ نَصْرِ بْنِ مُزَاحِمٍ وَ دُرُسْتَ الْوَاسِطِيِّ عَنْ زُرَارَةَ وَ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

شَارِبُ الْمُسْكِرِ لَا عِصْمَةَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ.

۱۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ يَزِيدَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

مَنْ شَرِبَ الْمُسْكِرَ وَ مَاتَ وَ فِي جَوْفِهِ مِنْهُ شَيْءٌ لَمْ يَتُبْ مِنْهُ بُعِثَ مِنْ قَبْرِهِ مُخَبَّلاً مَائِلاً شِدْقُهُ سَائِلاً لُعَابُهُ يَدْعُو بِالْوَيْلِ وَ الثُّبُورِ.

۱٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ عَمْرِو بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ خَلَفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

مَنْ شَرِبَ مُسْكِراً كَانَ حَقّاً عَلَى اللهِ عزّوجلّ أَنْ يَسْقِيَهُ مِنْ طِينَةِ خَبَالٍ.

قُلْتُ: وَ مَا طِينَةُ خَبَالٍ؟

فَقَالَ: صَدِيدُ فُرُوجِ الْبَغَايَا.

---

۱۲ ـ زراره و دیگران گویند: امام صادق عليه السلام فرمود:

کسی که ماده مست کننده می‌نوشد، هیچ ولایتی بین او و ما نیست.

۱۳ ـ یزید بن ابی زیاد گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هر کس ماده مست کننده بنوشد و بمیرد و در شکمش مقداری از آن باشد توبه‌اش پذیرفته نمی‌شود و در حالی که عقلش فاسد، کناره دهانش کج و آب دهانش ریزان است از قبر برانگیخته می‌شود و ندای بدبختی و هلاکت سر می‌دهد.

۱۴ ـ عمر بن ابان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کس ماده مستی آوری بنوشد، بر خداوند رواست که به او از «طینت خبال» بنوشاند.

عرض کردم: «طینت خبال» چیست؟

فرمود: چرک و خون عورت زناکاران است.

۱۵ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ خَلَفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ مُحْرِزٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

لَا أُصَلِّي عَلَى غَرِيقِ خَمْرٍ.

۱۶ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الشَّيْبَانِيِّ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

يَا يُونُسَ بْنَ ظَبْيَانَ! أَبْلِغْ عَطِيَّةَ عَنِّي أَنَّهُ مَنْ شَرِبَ جُرْعَةً مِنْ خَمْرٍ لَعَنَهُ اللهُ عزّوجلّ وَ مَلَائِكَتُهُ وَ رُسُلُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ، فَإِنْ شَرِبَهَا حَتَّى يَسْكَرَ مِنْهَا نُزِعَ رُوحُ الْإِيمَانِ مِنْ جَسَدِهِ وَ رَكِبَتْ فِيهِ رُوحٌ سَخِيفَةٌ خَبِيثَةٌ مَلْعُونَةٌ فَيَتْرُكُ الصَّلَاةَ فَإِذَا تَرَكَ الصَّلَاةَ عَيَّرَتْهُ الْمَلَائِكَةُ.

وَ قَالَ اللهُ عزّوجلّ لَهُ: عَبْدِي! كَفَرْتَ وَ عَيَّرَتْكَ الْمَلَائِكَةُ سَوْأَةً لَكَ عَبْدِي.

ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: سَوْأَةً سَوْأَةً كَمَا تَكُونُ السَّوْأَةَ وَ اللهِ لَتَوْبِيخُ الْجَلِيلِ جَلَّ اسْمُهُ سَاعَةً وَاحِدَةً أَشَدُّ مِنْ عَذَابِ أَلْفِ عَامٍ.

---

۱۵ ـ ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

من برای کسی که همواره شراب می‌خورد نماز میت نمی‌خوانم.

۱۶ ـ یونس بن ظبیان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

ای یونس بن ظبیان! به عطیه از جانب من خبر ده که هر کس یک جرعه شراب بنوشد خداوند متعال، فرشتگان، پیامبران خدا ومؤمنان بر او لعن می‌فرستند. پس اگر به اندازه‌ای بنوشد که مست شود، روح ایمان از بدنش جدا می‌شود وروحی سخیف، وخبیث وملعون در آن سوار می‌گردد. در این صورت نماز را ترک می‌کند که در این هنگام فرشتگان او را سرزنش می‌نمایند.

خداوند به او می‌فرماید: ای بنده من! کافر شدی وفرشتگان سرزنشت نمودند؛ رسوایی بر تو باد ای بنده من!

سپس امام صادق عليه السلام فرمود: رسوایی! رسوایی! همان طور که رسوایی است؟ به خدا سوگند! سرزنش یک ساعت خداوند از هزار سال عذاب سخت‌تر است.

قَالَ: ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: مَلْعُونِينَ أَيْنَما ثُقِفُوا أُخِذُوا وَ قُتِّلُوا تَقْتِيلاً.

ثُمَّ قَالَ: يَا يُونُسُ! مَلْعُونٌ! مَلْعُونٌ! مَنْ تَرَكَ أَمْرَ اللهِ عزّوجلّ إِنْ أَخَذَ بَرّاً دَمَّرَتْهُ وَ إِنْ أَخَذَ بَحْراً غَرَّقَتْهُ يُغْضَبُ لِغَضَبِ الْجَلِيلِ عَزَّ اسْمُهُ.

۱۷ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مَرْوَكٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ أَهْلَ الرِّيِّ فِي الدُّنْيَا مِنَ الْمُسْكِرِ يَمُوتُونَ عِطَاشاً وَ يُحْشَرُونَ عِطَاشاً وَيَدْخُلُونَ النَّارَ عِطَاشاً.

۱۸ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام مِثْلَهُ وَ زَادَ فِيهِ:

وَ لَوْ أَنَّ رَجُلاً كَحَلَ عَيْنَهُ بِمِيلٍ مِنْ خَمْرٍ كَانَ حَقِيقاً عَلَى اللهِ أَنْ يَكْحُلَهُ بِمِيلٍ مِنْ نَارٍ.

۱۹ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحَسَنِ الْعَطَّارِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله:

سپس امام صادق عليه السلام فرمود: «آنان هر جا باشند، گرفته شوند وکشته شوند ملعون هستند».

سپس فرمود: ای یونس! ملعون است؛ ملعون است کسی که امر خداوند را ترک کند؛ اگر راه خشکی را در پیش گیرد خشکی او را هلاک می‌کند واگر راه دریا را پیش گیرد، دریا غرقش می‌کند. به خاطر خشم خداوند، مورد غضب قرار می‌گیرد.

۱۷ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

به راستی کسانی که در دنیا از ماده مست کننده سیراب شوند با تشنگی می‌میرند وبا تشنگی محشور می‌شوند وبا تشنگی به آتش دوزخ وارد می‌گردند.

۱۸ ـ علی نظیر همین روایت را از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند ومی‌افزاید: واگر مردی با یک میل از شراب سرمه بکشد بر خداوند رواست که با یک میل از آتش بر او سرمه بکشد.

۱۹ ـ ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

لَا يَنَالُ شَفَاعَتِي مَنِ اسْتَخَفَّ بِصَلَاتِهِ وَ لَا يَرِدُ عَلَيَّ الْحَوْضَ لَا وَ اللهِ لَا يَنَالُ شَفَاعَتِي مَنْ شَرِبَ الْمُسْكِرَ وَ لَا يَرِدُ عَلَيَّ الْحَوْضَ لَا وَ اللهِ!

(۱٦)
بَابٌ آخَرُ مِنْهُ

۱ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ شَرِبَ مُسْكِراً انْحَبَسَتْ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ يَوْماً وَ إِنْ مَاتَ فِي الْأَرْبَعِينَ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً فَإِنْ تَابَ تَابَ اللهُ عزّوجلّ عَلَيْهِ.

۲ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

کسی که نمازش را سبک بشمارد به شفاعت من نخواهد رسید وکنار حوض کوثر بر من وارد نخواهد شد؛ نه به خدا سوگند! شفاعت من به کسی که ماده مستی‌آور بنوشد نمی‌رسد وکنار حوض کوثر بر من وارد نمی‌گردد، نه، به خدا سوگند!

بخش شانزدهم
بخشی دیگر دربارهٔ شراب خوار

۱ ـ عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کس ماده مست کننده‌ای بنوشد، تا چهل روز نمازش باز می‌ایستد و اگر در آن چهل روز بمیرد به مرگ دوران جاهلی مرده است. پس اگر توبه کند، خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد.

۲ ـ داوود بن حصین گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

مَنْ شَرِبَ مُسْكِراً لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ يَوْماً فَإِنْ مَاتَ فِي الْأَرْبَعِينَ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً وَ إِنْ تَابَ تَابَ اللهُ عَلَيْهِ.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مِهْرَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ سَعْدٍ الْإِسْكَافِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

مَنْ شَرِبَ مُسْكِراً لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ يَوْماً وَ إِنْ عَادَ سَقَاهُ اللهُ مِنْ طِينَةِ خَبَالٍ.

قَالَ: قُلْتُ: وَ مَا طِينَةُ خَبَالٍ؟

فَقَالَ: مَاءٌ يَخْرُجُ مِنْ فُرُوجِ الزُّنَاةِ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ لَمْ يَقْبَلِ اللهُ لَهُ صَلَاةً أَرْبَعِينَ يَوْماً.

هر کس ماده مست کننده‌ای بنوشد تا چهل روز نمازش پذیرفته نمی‌شود و اگر در این چهل روز بمیرد به مرگ دوران جاهلیت مرده است و اگر توبه کند خداوند توبهٔ او را می‌پذیرد.

۳ ـ سعد اسکاف گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هر کس ماده مست کننده‌ای بنوشد تا چهل روز نمازش قبول نمی‌گردد و اگر تکرار کند خداوند به او از «طینت خبال» خواهد نوشانید.

عرض کردم: «طینت خبال» چیست؟

فرمود: آبی است که از عورت زناکاران خارج می‌شود.

۴ ـ عبدالرحمان بن حجّاج گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کس شراب بنوشد خداوند تا چهل روز هیچ نماز او را نخواهد پذیرفت.

۵ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا علیهما السلام قَالَ:

مَنْ شَرِبَ مِنَ الْخَمْرِ شَرْبَةً لَمْ يَقْبَلِ اللهُ مِنْهُ صَلَاةً أَرْبَعِينَ يَوْماً.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ:

إِنَّ لِلّٰهِ عزّوجلّ عِنْدَ فِطْرِ كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عُتَقَاءَ يُعْتِقُهُمْ مِنَ النَّارِ إِلَّا مَنْ أَفْطَرَ عَلَى مُسْكِرٍ وَ مَنْ شَرِبَ مُسْكِراً لَمْ تُحْتَسَبْ لَهُ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ يَوْماً فَإِنْ مَاتَ فِيهَا مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.

٧ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ:

إِنَّهُ لَمَّا احْتُضِرَ أَبِي علیه السلام قَالَ لِي:

---

۵ ـ محمّد بن مسلم نظیر این روایت را از امام (باقر علیه السلام ویا امام صادق علیه السلام) نقل می‌کند.

۶ ـ فضیل بن یسار گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

به راستی که خداوند در هنگام افطار هر شب ماه رمضان، عدّه‌ای را از آتش آزاد می‌کند، مگر کسی که با ماده مست کننده افطار کند و هر کس ماده مست کننده بنوشد تا چهل روز نمازش محاسبه نخواهد شد. پس اگر در این چهل روز بمیرد به مرگ دوران جاهلی مرده است.

۷ ـ ابوبصیر گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود: هنگامی که پدرم در حال احتضار بود به من فرمود:

يَا بُنَيَّ! إِنَّهُ لَا يَنَالُ شَفَاعَتَنَا مَنِ اسْتَخَفَّ بِالصَّلَاةِ وَ لَا يَرِدُ عَلَيْنَا الْحَوْضَ مَنْ أَدْمَنَ هَذِهِ الْأَشْرِبَةَ.

فَقُلْتُ: يَا أَبَهْ! وَ أَيَّ الْأَشْرِبَةِ؟

فَقَالَ: كُلَّ مُسْكِرٍ.

۸ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله:

مَنْ شَرِبَ مِنْكُمْ مُسْكِراً لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً.

۹ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

مَنْ شَرِبَ شَرْبَةَ خَمْرٍ لَمْ يَقْبَلِ اللهُ مِنْهُ صَلَاتَهُ سَبْعاً وَ مَنْ سَكِرَ لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً.

پسرم! به راستی که شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بشمارد نخواهد رسید وکسی که به نوشیدن این نوشیدنی‌ها را مداومت کند کنار حوض کوثر برما وارد نخواهد گردید.

عرض کردم: پدرم!کدام نوشیدنی‌ها؟

فرمود: هر ماده مستی آوری.

۸ ـ سماعة بن مهران گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه و آله فرمود:

هر کس ماده مست کننده‌ای بنوشد تا چهل شب نمازش پذیرفته نیست.

۹ ـ عمرو بن شمر گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

هر کس مقداری شراب بنوشد خداوند تا هفت روز نمازش را نمی‌پذیرد وهر کس به اندازه‌ای شراب بخورد که مست شود تا چهل بامداد نمازش پذیرفته نمی‌گردد.

۱۰ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

مَنْ شَرِبَ خَمْراً حَتَّى يَسْكَرَ لَمْ يَقْبَلِ اللهُ عزّوجلّ مِنْهُ صَلَاتَهُ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً.

۱۱ ـ عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ شَرِبَ شَرْبَةً مِنْ خَمْرٍ لَمْ يَقْبَلِ اللهُ مِنْهُ صَلَاتَهُ أَرْبَعِينَ يَوْماً.

۱۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: إِنَّا رُوِّينَا عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله أَنَّهُ قَالَ:

مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ لَمْ تُحْتَسَبْ لَهُ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ يَوْماً.

قَالَ: فَقَالَ: صَدَقُوا.

قُلْتُ: وَ كَيْفَ لَا تُحْتَسَبُ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً؟ لَا أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَ لَا أَكْثَرَ!

---

۱۰ ـ ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

هر کس شراب بنوشد به حدی که مست شود، خداوند تا چهل بامداد نمازش را قبول نخواهد کرد.

۱۱ ـ سلیمان بن خالد گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: هرکس جرعه‌ای شراب بنوشد تا چهل روز نماز از او پذیرفته نخواهد شد.

۱۲ ـ حسین بن خالد گوید: به امام کاظم عليه السلام عرض کردم: به ما از پیامبر خدا صلى الله عليه وآله روایت شده است که فرمود: «هر کس شراب بنوشد تا چهل روز نمازش محاسبه نخواهد شد».

فرمود: راست گفته‌اند.

عرض کردم: چگونه تا چهل بامداد نمازش محاسبه نخواهد شد؛ نه کمتر و نه بیشتر؟!

فَقَالَ: إِنَّ اللهَ ﷻ قَدَّرَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ فَصَيَّرَهُ نُطْفَةً أَرْبَعِينَ يَوْماً ثُمَّ نَقَلَهَا فَصَيَّرَهَا عَلَقَةً أَرْبَعِينَ يَوْماً ثُمَّ نَقَلَهَا فَصَيَّرَهَا مُضْغَةً أَرْبَعِينَ يَوْماً فَهُوَ إِذَا شَرِبَ الْخَمْرَ بَقِيَتْ فِي مُشَاشِهِ أَرْبَعِينَ يَوْماً عَلَى قَدْرِ انْتِقَالِ خِلْقَتِهِ.

قَالَ: ثُمَّ قَالَ عليه‌السلام: وَ كَذَلِكَ جَمِيعُ غِذَائِهِ أَكْلِهِ وَ شُرْبِهِ يَبْقَى فِي مُشَاشِهِ أَرْبَعِينَ يَوْماً.

(۱۷)
بَابُ أَنَّ الْخَمْرَ رَأْسُ كُلِّ إِثْمٍ وَ شَرٍّ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَشَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: سَأَلَهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ: أَصْلَحَكَ اللهُ! شُرْبُ الْخَمْرِ شَرٌّ أَمْ تَرْكُ الصَّلَاةِ؟

فَقَالَ: شُرْبُ الْخَمْرِ.

فرمود: به راستی که خداوند متعال برای آفرینش انسان زمانی مقرر فرمود؛ چهل روز آن را نطفه قرار داد، سپس آن را منتقل نموده و چهل روز علقه قرار داد، سپس آن را منتقل نمود و چهل روز مضغه قرار داد. بنابراین هنگامی که انسان شراب می‌نوشد تا چهل روز ـ به اندازه جابه جایی خلقتش ـ در سرشت و طبیعتش باقی می‌ماند.

سپس فرمود: و هم چنین است تمام غذای انسان؛ خوردن و آشامیدن او تا چهل روز در سرشتش باقی می‌ماند.

بخش هفدهم
شراب، اصل هر گناه و بدی است

۱ ـ اسماعیل بن بشّار گوید:

مردی از امام صادق عليه‌السلام پرسید: خداوند کارهای شما را اصلاح کند! نوشیدن شراب بدتر است یا ترک نماز؟

فرمود: نوشیدن شراب.

ثُمَّ قَالَ: أَ وَ تَدْرِي لِمَ ذَاكَ؟

قَالَ: لَا.

قَالَ: لِأَنَّهُ يَصِيرُ فِي حَالٍ لَا يَعْرِفُ مَعَهَا رَبَّهُ.

٢ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنِ الْحَلَبِيِّ وَ زُرَارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ حُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليهما‌السلام قَالَا:

إِنَّ الْخَمْرَ رَأْسُ كُلِّ إِثْمٍ.

٣ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ زَيْدٍ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله:

إِنَّ الْخَمْرَ رَأْسُ كُلِّ إِثْمٍ.

٤ ـ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

سپس فرمود: آیا می‌دانی چرا چنین است؟

گفت: نه.

فرمود: زیرا شراب، شراب خوار را به گونه‌ای دگرگون می‌سازد که پروردگارش را نمی‌شناسد.

۲ ـ حلبی، زراره، محمّد بن مسلم وحمران بن اعین گویند: امام باقر عليه‌السلام وامام صادق عليه‌السلام فرمودند:

به راستی که شراب اصل هر گناهی است.

۳ ـ زید شحّام نظیر این روایت را از امام صادق عليه‌السلام وایشان از پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل می‌نماید.

۴ ـ ابو اسامه گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

الشُّرْبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ وَ مُدْمِنُ الْخَمْرِ كَعَابِدِ وَثَنٍ وَ إِنَّ الْخَمْرَ رَأْسُ كُلِّ إِثْمٍ وَشَارِبَهَا مُكَذِّبٌ بِكِتَابِ اللهِ تَعَالَى لَوْ صَدَّقَ كِتَابَ اللهِ حَرَّمَ حَرَامَهُ.

٥ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ:

إِنَّ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ لِلشَّرِّ أَقْفَالاً وَ جَعَلَ مَفَاتِيحَهَا ـ أَوْ قَالَ: ـ مَفَاتِيحَ تِلْكَ الْأَقْفَالِ الشَّرَابَ.

٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ لِلْمَعْصِيَةِ بَيْتاً ثُمَّ جَعَلَ لِلْبَيْتِ بَاباً ثُمَّ جَعَلَ لِلْبَابِ غَلَقاً ثُمَّ جَعَلَ لِلْغَلَقِ مِفْتَاحاً فَمِفْتَاحُ الْمَعْصِيَةِ الْخَمْرُ.

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلَادِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ:

شراب کلید هر بدی است. کسی که همواره شراب می‌خورد مانند بت پرست است و به راستی که شراب اصل هر گناهی است، شراب خوار تکذیب گر قرآن است؛ اگر قرآن را تصدیق می‌نمود؛ حرام آن را حرام می‌دانست.

۵ ـ راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

خداوند برای بدی، قفل‌هایی قرار داد وکلید قفل‌های آن را ـ یا فرمود: کلید این قفل ها را ـ شراب قرار داد.

۶ ـ ابوبصیر گوید: امام (باقر علیه السلام و یا امام صادق علیه السلام) فرمود:

به راستی که خداوند متعال برای معصیت خانه‌ای قرار داد، سپس برای آن خانه دربی ایجاد کرد. آن گاه برای درب قفلی قرار داد، سپس برای آن قفل، کلیدی قرار داد. پس کلید معصیت، شراب است.

۷ ـ ابی بلاد گوید: امام (باقر علیه السلام و یا امام صادق علیه السلام) فرمود:

مَا عُصِيَ اللهُ ﷻ بِشَيْءٍ أَشَدَّ مِنْ شُرْبِ الْخَمْرِ إِنَّ أَحَدَهُمْ لَيَدَعُ الصَّلَاةَ الْفَرِيضَةَ وَ يَثِبُ عَلَى أُمِّهِ وَ أُخْتِهِ وَ ابْنَتِهِ وَ هُوَ لَا يَعْقِلُ.

۸ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ رَفَعَهُ قَالَ: قِيلَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام إِنَّكَ تَزْعُمُ أَنَّ شُرْبَ الْخَمْرِ أَشَدُّ مِنَ الزِّنَا وَ السَّرِقَةِ؟!

فَقَالَ عليه‌السلام: نَعَمْ إِنَّ صَاحِبَ الزِّنَا لَعَلَّهُ لَا يَعْدُوهُ إِلَى غَيْرِهِ وَ إِنَّ شَارِبَ الْخَمْرِ إِذَا شَرِبَ الْخَمْرَ زَنَى وَ سَرَقَ وَ قَتَلَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللهُ ﷻ وَ تَرَكَ الصَّلَاةَ.

۹ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: شُرْبُ الْخَمْرِ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ.

(۱۸)
بَابُ مُدْمِنِ الْخَمْرِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ عَجْلَانَ أَبِي صَالِحٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام:

خداوند با هیچ چیزی شدیدتر از نوشیدن شراب معصیت نشده است؛ شراب خوار نماز واجب را ترک می‌کند و بی‌آن که خرد ورزد بر مادر، خواهر و دخترش می‌جهد.

۸ ـ راوی گوید: به امیرمؤمنان علی عليه‌السلام گفتند: تو گمان می‌کنی که حرمت نوشیدن شراب شدیدتر از زنا و دزدی است؟

فرمود: آری؛ زناکار احتمال دارد که علاوه بر زنا، گناه دیگری مرتکب نشود. اما شراب‌خوار آن گاه که شراب بنوشد زنا می‌کند، دزدی انجام می‌دهد، کشتن انسانی را که خداوند متعال حرام کرده می‌کُشد و نماز را ترک می‌کند.

۹ ـ راوی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:
نوشیدن شراب، کلید هر بدی است.

بخش هیجدهم
کسی که همواره شراب می‌نوشد

۱ ـ عجلان ابی صالح گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

مَنْ شَرِبَ الْمُسْكِرَ حَتَّى يَفْنَى عُمُرُهُ كَانَ كَمَنْ عَبَدَ الْأَوْثَانَ وَ مَنْ تَرَكَ مُسْكِراً مَخَافَةً مِنَ اللهِ ﷻ أَدْخَلَهُ اللهُ الْجَنَّةَ وَ سَقَاهُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ زَيْدٍ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ علیه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله:

مُدْمِنُ الْخَمْرِ يَلْقَى اللهَ ﷻ كَعَابِدِ وَثَنٍ.

۳ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا علیهما السلام قَالَ: قَالَ:

مُدْمِنُ الْخَمْرِ يَلْقَى اللهَ ﷻ حِينَ يَلْقَاهُ كَعَابِدِ وَثَنٍ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ علیه السلام يَقُولُ:

مُدْمِنُ الْخَمْرِ يَلْقَى اللهَ حِينَ يَلْقَاهُ كَعَابِدِ وَثَنٍ.

هر کس عمر خود را در نوشیدن ماده مست کننده سپری کند به سان کسی خواهد بود که بت پرستیده است وکسی که ماده مست کننده را از بیم خداوند ترک کند، خداوند او را به بهشت وارد خواهد کند و از «رحیق مختوم» خواهد نوشاند.

۲ ـ زید شحّام گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

دائم الخمر همانند بت‌پرست خداوند را ملاقات خواهد کرد.

۳ ـ محمّد بن مسلم نظیر این روایت را از امام (باقر علیه السلام ویا امام صادق علیه السلام) نقل می‌کند.

۴ ـ عمرو بن عثمان نظیر این روایت را از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند.

٥ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله:

مُدْمِنُ الْخَمْرِ يَلْقَى اللهَ عزوجل يَوْمَ يَلْقَاهُ كَافِراً.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مُدْمِنُ الْخَمْرِ يَلْقَى اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَوْمَ يَلْقَاهُ كَعَابِدِ وَثَنٍ.

٧ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنِ الْحَلَبِيِّ وَ زُرَارَةَ أَيْضاً وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ حُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليهما السلام أَنَّهُمَا قَالَا:

مُدْمِنُ الْخَمْرِ كَعَابِدِ وَثَنٍ.

٨ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله:

---

۵ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه و آله فرمود:

دائم الخمر در روز ملاقات با خدا در حال کفر با او ملاقات می‌کند.

۶ ـ عبدالرحمان بن حجّاج نظیر روایت دوم همین بخش را از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند.

۷ ـ حلبی، زراره، محمّد بن مسلم و حمران بن اعین گویند: امام باقر عليه السلام و امام صادق عليه السلام فرمودند:

دائم الخمر مانند بت پرست است.

۸ ـ ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه و آله فرمود:

مُدْمِنُ الْخَمْرِ كَعَابِدِ وَثَنٍ إِذَا مَاتَ وَ هُوَ مُدْمِنٌ عَلَيْهِ يَلْقَى اللهَ ﷻ حِينَ يَلْقَاهُ كَعَابِدِ وَثَنٍ.

۹ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ دَاذَوَيْهِ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام أَسْأَلُهُ عَنْ شَارِبِ الْمُسْكِرِ.

قَالَ: فَكَتَبَ عليه السلام: شَارِبُ الْخَمْرِ كَافِرٌ.

۱۰ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللهِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مُدْمِنُ الْخَمْرِ كَعَابِدِ وَثَنٍ.

(۱۹)
بَابٌ آخَرُ مِنْهُ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

دائم الخمر مانند بت پرست است، اگر با آن حال بمیرد خداوند را در روز ملاقات، مانند بت پرست ملاقات خواهد کرد.

۹ ـ محمّد بن داذویه گوید:

به امام کاظم عليه السلام نامه نوشتم تا درباره کسی که ماده مستی‌آور می‌نوشد بپرسم.

امام عليه السلام در پاسخ من نوشت: شراب خوار کافر است.

۱۰ ـ راوی دیگر نظیر روایت هفتم این بخش را از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند.

بخش نوزدهم
روایاتی دیگر دربارهٔ شراب‌خوار

۱ ـ ابو جارود گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عليه السلام أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله قَالَ:
مُدْمِنُ الْخَمْرِ كَعَابِدِ وَثَنٍ.
قَالَ: قُلْتُ لَهُ: وَ مَا الْمُدْمِنُ؟
قَالَ: الَّذِي إِذَا وَجَدَهَا شَرِبَهَا.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو بَصِيرٍ وَ ابْنُ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَا: سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:
لَيْسَ مُدْمِنُ الْخَمْرِ الَّذِي يَشْرَبُهَا كُلَّ يَوْمٍ وَ لَكِنِ الَّذِي يُوَطِّنُ نَفْسَهُ أَنَّهُ إِذَا وَجَدَهَا شَرِبَهَا.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ هَاشِمِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ نُعَيْمٍ الْبَصْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:
مُدْمِنُ الْمُسْكِرِ الَّذِي إِذَا وَجَدَهُ شَرِبَهُ.

پدرم از پدر خود به من خبر داد که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:
دائم الخمر مانند بت‌پرست است.
ابوجارود گوید: عرض کردم: دائم الخمر کیست؟
فرمود: کسی که هرگاه شراب بیابد بنوشد.

۲ ـ ابوبصیر و ابن ابو یعفور گویند: از امام صادق علیه السلام شنیدیم که می‌فرمود:
دائم الخمر کسی نیست که هر روز شراب می‌نوشد؛ بلکه کسی است که خود را مهیا کرده است که هر گاه آن را یافت، بنوشد.

۳ ـ نعیم بصری گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:
دائم الخمر کسی است که هرگاه شراب بیابد، بنوشد.

(٢٠)

بَابُ تَحْرِيمِ الْخَمْرِ فِي الْكِتَابِ

١ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ: سَأَلَ الْمَهْدِيُّ أَبَا الْحَسَنِ عليه‌السلام عَنِ الْخَمْرِ هَلْ هِيَ مُحَرَّمَةٌ فِي كِتَابِ اللهِ عزّوجلّ؟ فَإِنَّ النَّاسَ إِنَّمَا يَعْرِفُونَ النَّهْيَ عَنْهَا وَ لَا يَعْرِفُونَ التَّحْرِيمَ لَهَا.

فَقَالَ لَهُ أَبُو الْحَسَنِ عليه‌السلام: بَلْ هِيَ مُحَرَّمَةٌ فِي كِتَابِ اللهِ عزّوجلّ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ!

فَقَالَ لَهُ: فِي أَيِّ مَوْضِعٍ هِيَ مُحَرَّمَةٌ فِي كِتَابِ اللهِ جَلَّ اسْمُهُ؟ يَا أَبَا الْحَسَنِ!

فَقَالَ: قَوْلِ اللهِ عزّوجلّ: ﴿قُلْ إِنَّمٰا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوٰاحِشَ مٰا ظَهَرَ مِنْهٰا وَ مٰا بَطَنَ وَ الْإِثْمَ وَ الْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ﴾.

بخش بیستم

تحریم شراب در قرآن

١ ـ علی بن یقطین گوید: مهدی عباسی از امام کاظم عليه‌السلام پرسید: آیا شراب در قرآن تحریم شده است؟ زیرا مردم از نهی از شراب آگاهی دارند، اما تحریم آن را نمی‌دانند.

حضرت عليه‌السلام فرمود: بلکه در قرآن تحریم شده ای امیرمؤمنان!

گفت: درکجای قرآن تحریم شده است؟ ای اباالحسن!

فرمود: آن جا که خداوند می‌فرماید: «بگو: پروردگار من فقط اعمال زشت ظاهری و پنهانی گناه وستم به ناحق را حرام کرده است».

فَأَمَّا قَوْلُهُ: ﴿مٰا ظَهَرَ مِنْهٰا﴾ يَعْنِي الزِّنَا الْمُعْلَنَ وَ نَصْبَ الرَّايَاتِ الَّتِي كَانَتْ تَرْفَعُهَا الْفَوَاجِرُ لِلْفَوَاحِشِ فِي الْجَاهِلِيَّةِ.

وَ أَمَّا قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَ مٰا بَطَنَ﴾ يَعْنِي مَا نَكَحَ مِنَ الْآبَاءِ، لِأَنَّ النَّاسَ كَانُوا قَبْلَ أَنْ يُبْعَثَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِذَا كَانَ لِلرَّجُلِ زَوْجَةٌ وَ مَاتَ عَنْهَا تَزَوَّجَهَا ابْنُهُ مِنْ بَعْدِهِ إِذَا لَمْ تَكُنْ أُمَّهُ فَحَرَّمَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذَلِكَ.

وَ أَمَّا الْإِثْمُ فَإِنَّهَا الْخَمْرَةُ بِعَيْنِهَا وَ قَدْ قَالَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي مَوْضِعٍ آخَرَ: ﴿يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمٰا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنٰافِعُ لِلنّٰاسِ﴾.

فَأَمَّا الْإِثْمُ فِي كِتَابِ اللهِ فَهِيَ الْخَمْرَةُ وَ الْمَيْسِرُ وَ إِثْمُهُمَا أَكْبَرُ كَمَا قَالَ اللهُ تَعَالَى.

قَالَ: فَقَالَ الْمَهْدِيُّ: يَا عَلِيَّ بْنَ يَقْطِينٍ! هَذِهِ وَ اللهِ فَتْوَى هَاشِمِيَّةٌ!

قَالَ: قُلْتُ لَهُ: صَدَقْتَ وَ اللهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْ هَذَا الْعِلْمَ مِنْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ.

قَالَ: فَوَ اللهِ مَا صَبَرَ الْمَهْدِيُّ أَنْ قَالَ لِي: صَدَقْتَ يَا رَافِضِيُّ!

منظور از «گناه آشکار» زنای آشکار و بر افراشتن پرچم‌هایی که زنان بدکاره برای انجام زنا در دوران جاهلی می‌افراشتند.

منظور خداوند «از گناه باطنی» یعنی ازدواج با همسر پدران است؛ زیرا مردم پیش از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله چنین بودند: هنگامی که مردی زنی داشت و می‌مرد، پس از او پسرش با آن زن ازدواج می‌کرد؛ هرگاه که آن زن، مادرش نبود. پس خداوند این ازدواج را تحریم نمود.

و منظور از «گناه» شراب است و به راستی که خداوند در جای دیگری می‌فرماید: «از تو دربارهٔ شراب و قمار می‌پرسند بگو در آنها گناه بزرگی است و منافعی برای مردم دارند» منظور از «گناه» در قرآن همان شراب و قمار است وگناه آن بزرگ‌تر از منافع آن است؛ همان طور که خداوند فرموده است.

مهدی عباسی گفت: ای علی بن یقطین! به خدا سوگند این فتوای هاشمی است!

گفتم: به خدا سوگند راست گفتی ای امیرمؤمنان! سپاس خدایی را که این علم و دانش را از شما اهل بیت خارج ننمود.

علی بن یقطین گوید: به خدا سوگند! مهدی عبّاس بدون درنگ بـه مـن گـفت: راست گفتی ای رافضی!

۲ ـ بَعْضُ أَصْحَابِنَا مُرْسَلاً قَالَ:

إِنَّ أَوَّلَ مَا نَزَلَ فِي تَحْرِيمِ الْخَمْرِ قَوْلُ اللهِ ﷻ: ﴿**يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ** وَ **مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَ إِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا**﴾.

فَلَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ أَحَسَّ الْقَوْمُ بِتَحْرِيمِهَا وَ تَحْرِيمِ الْمَيْسِرِ وَ عَلِمُوا أَنَّ الْإِثْمَ مِمَّا يَنْبَغِي اجْتِنَابُهُ وَ لَا يَحْمِلُ اللهُ ﷻ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ طَرِيقٍ لِأَنَّهُ قَالَ: ﴿وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ﴾.

ثُمَّ أَنْزَلَ اللهُ ﷻ آيَةً أُخْرَى: ﴿**إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْأَنْصَابُ وَ الْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ**﴾ فَكَانَتْ هَذِهِ الْآيَةُ أَشَدَّ مِنَ الْأُولَى وَ أَغْلَظَ فِي التَّحْرِيمِ.

ثُمَّ ثَلَّثَ بِآيَةٍ أُخْرَى فَكَانَتْ أَغْلَظَ مِنَ الْآيَةِ الْأُولَى وَ الثَّانِيَةِ وَ أَشَدَّ فَقَالَ ﷻ: ﴿**إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ وَ يَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللهِ وَ عَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ**﴾.

---

۲ ـ راوی گوید: امام علیه‌السلام فرمود:

نخستین چیزی که درباره تحریم شراب نازل شد، این آیه بود که خداوند فرمود: «از تو دربارهٔ شراب و قمار می‌پرسند بگو در آنها گناه بزرگی است و منافعی برای مردم دارد، ولی گناه آنها از سودشان بیشتر است» پس هنگامی که این آیه نازل شد مردم حس کردند که شراب و قمار حرام است و دانستند که گناه چیزی است که باید از آن اجتناب کنند و خداوند از همه جهات آنان را در تنگنا قرار داده است؛ زیرا که فرمود: «و منافعی برای مردم دارند».

سپس آیه دیگری را نازل نمود و فرمود: «شراب، قمار، بت‌ها و ازلام پلید و از کار شیطان است از آنها دوری کنید تا رستگار شوید» پس این آیه از آیه اول نسبت به تحریم شدیدتر و غلیظ‌تر بود.

آن گاه آیه دیگری را برای بار سوم نازل نمود. پس این آیه از آیه اول و دوم غلیظ‌تر و شدیدتر بود؛ و فرمود: «شیطان می‌خواهد به وسیلهٔ شراب و قمار در میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و نماز بازدارد آیا خودداری خواهید کرد؟».

فَأَمَرَ ﷻ بِاجْتِنَابِهَا وَ فَسَّرَ عِلَلَهَا الَّتِي لَهَا وَ مِنْ أَجْلِهَا حَرَّمَهَا ثُمَّ بَيَّنَ اللهُ ﷻ تَحْرِيمَهَا وَ كَشَفَهُ فِي الْآيَةِ الرَّابِعَةِ مَعَ مَا دَلَّ عَلَيْهِ فِي هَذِهِ الْآيِ الْمَذْكُورَةِ الْمُتَقَدِّمَةِ بِقَوْلِهِ ﷻ: ﴿قُلْ إِنَّمٰا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوٰاحِشَ مٰا ظَهَرَ مِنْهٰا وَ مٰا بَطَنَ وَ الْإِثْمَ وَ الْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ﴾ وَ قَالَ ﷻ فِي الْآيَةِ الْأُولَى: ﴿يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمٰا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنٰافِعُ لِلنّٰاسِ﴾ ثُمَّ قَالَ فِي الْآيَةِ الرَّابِعَةِ: ﴿قُلْ إِنَّمٰا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوٰاحِشَ مٰا ظَهَرَ مِنْهٰا وَ مٰا بَطَنَ وَ الْإِثْمَ﴾.

فَخَبَّرَ اللهُ ﷻ أَنَّ الْإِثْمَ فِي الْخَمْرِ وَ غَيْرِهَا وَ أَنَّهُ حَرَامٌ وَ ذَلِكَ أَنَّ اللهَ ﷻ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَفْتَرِضَ فَرِيضَةً أَنْزَلَهَا شَيْئاً بَعْدَ شَيْءٍ حَتَّى يُوَطِّنَ النَّاسُ أَنْفُسَهُمْ عَلَيْهَا وَ يَسْكُنُوا إِلَى أَمْرِ اللهِ ﷻ وَ نَهْيِهِ فِيهَا وَ كَانَ ذَلِكَ مِنْ فِعْلِ اللهِ ﷻ عَلَى وَجْهِ التَّدْبِيرِ فِيهِمْ أَصْوَبَ وَ أَقْرَبَ لَهُمْ إِلَى الْأَخْذِ بِهَا وَ أَقَلَّ لِنِفَارِهِمْ مِنْهَا.

پس فرمان به دوری از آن داد وعلت‌های آن را که به خاطر آن وبه سبب آن، شراب را حرام نمود، تفسیر نمود.

سپس تحریم آن را بیان نمود ودر چهارمین آیه آن را ظاهر نمود، علاوه بر آن چه که در آیه‌های پیشین دلالت بر تحریم آن می‌کرد؛ با این فرموده: «بگو: پروردگار من فقط اعمال زشت ظاهری و پنهانی گناه وستم به ناحق را حرام کرده است».

خداوند در آیه اول فرموده بود: «از تو دربارهٔ شراب و قمار می‌پرسند بگو در آنها گناه بزرگی است ومنافعی برای مردم دارند» سپس در آیه چهارم فرمود: «بگو: پروردگار من فقط اعمال زشت ظاهری و پنهانی گناه وستم به ناحق را حرام کرده است» پس خداوند خبر داد که «گناه» در شراب وغیر آن است و این که «گناه» حرام است.

و این بدان جهت بود که هرگاه خداوند متعال اراده کند واجبی را واجب گرداند، آن را کم کم نازل می‌کند.

تا این که مردم خود را آماده آن سازند وبه فرمان ونهی خداوند در مورد آن آرام گیرند و این از عمل خداوند به صورت تدبیر ودوراندیشی است در بین مردم که شایسته‌تر ونزدیک‌تر به پذیرش آن هستند وفرار آنان از آن حکم کمتر خواهد بود.

(۲۱)

بَابُ أَنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ حَرَّمَ كُلَّ مُسْكِرٍ قَلِيلَهُ وَ كَثِيرَهُ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ كُلَيْبٍ الصَّيْدَاوِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

خَطَبَ رَسُولُ اللهِ ﷺ فَقَالَ فِي خُطْبَتِهِ:

كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ خَالِدِ بْنِ جَرِيرٍ عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

إِنَّ اللهَ عزّوجلّ حَرَّمَ الْخَمْرَ بِعَيْنِهَا فَقَلِيلُهَا وَ كَثِيرُهَا حَرَامٌ كَمَا حَرَّمَ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَ حَرَّمَ رَسُولُ اللهِ ﷺ الشَّرَابَ مِنْ كُلِّ مُسْكِرٍ وَ مَا حَرَّمَهُ رَسُولُ اللهِ ﷺ فَقَدْ حَرَّمَهُ اللهُ عزّوجلّ.

بخش بیست و یکم

پیامبر خدا ﷺ اندک و بسیار مواد مستی‌آور را تحریم فرمود

۱ ـ کلیب صیداوی گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود: رسول خدا ﷺ در خطبهٔ خود فرمود: هرگونه مست کننده حرام است.

۲ ـ ابوربیع شامی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

به راستی که خداوند شراب را به طور کلّی حرام نمود، کم و زیاد آن حرام است، همان طور که مردار، خون وگوشت خوک را حرام نمود. و پیامبر خدا ﷺ آشامیدنی از هر نوع مست کننده‌ای را حرام نمود و آن چه که پیامبر خدا ﷺ حرام کند، به راستی که خداوند آن را حرام نموده است.

٣ ـ حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمِيثَمِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ زَيْدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَطَاءِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ وَ كُلُّ مُسْكِرٍ خَمْرٌ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام:

إِنَّ رَجُلاً مِنْ بَنِي عَمِّي وَ هُوَ رَجُلٌ مِنْ صُلَحَاءِ مَوَالِيكَ أَمَرَنِي أَنْ أَسْأَلَكَ عَنِ النَّبِيذِ فَأَصِفَهُ لَكَ.

فَقَالَ عليه السلام لَهُ: أَنَا أَصِفُهُ لَكَ، قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ فَمَا أَسْكَرَ كَثِيرُهُ فَقَلِيلُهُ حَرَامٌ.

قَالَ: قُلْتُ: فَقَلِيلُ الْحَرَامِ يُحِلُّهُ كَثِيرُ الْمَاءِ؟

فَرَدَّ عَلَيْهِ بِكَفِّهِ مَرَّتَيْنِ: لَا، لَا.

---

۳ ـ عطاء بن یسار گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

هر شراب مست کننده‌ای حرام است و هر ماده مست کننده‌ای شراب است.

۴ ـ علی بن حکم گوید:

معاویة بن وهب گفت: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: یکی از پسر عموهای من از شیعیان شما به من دستور داد که از شما درباره نبیذ بپرسم. من آن را برای شما توصیف و بیان کنم؟

امام عليه السلام به معاویة بن وهب فرمود: من برای تو بیان می‌کنم. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

هر شراب مست کننده‌ای حرام است. پس آن چه که بسیار آن مستی می‌آورد، کم آن نیز حرام است.

معاویه گوید: عرض کردم: پس آب فراوان، اندکی از نوشیدنی حرام را حلال می‌کند؟

امام عليه السلام با دست مبارک خود دو مرتبه به او جواب داد: نه، نه.

۵ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ النَّبِيذِ فَقَالَ:

حَرَّمَ اللهُ عزّوجلّ الْخَمْرَ بِعَيْنِهَا وَ حَرَّمَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله مِنَ الْأَشْرِبَةِ كُلَّ مُسْكِرٍ.

٦ ـ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ كُلَيْبٍ الْأَسَدِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام عَنِ النَّبِيذِ فَقَالَ:

إِنَّ رَسُولَ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله خَطَبَ النَّاسَ فَقَالَ فِي خُطْبَتِهِ:

أَيُّهَا النَّاسُ! أَلَا إِنَّ كُلَّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ! أَلَا وَ مَا أَسْكَرَ كَثِيرُهُ فَقَلِيلُهُ حَرَامٌ!

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: كُنْتُ مُبْتَلى بِالنَّبِيذِ مُعْجَباً بِهِ فَقُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَصِفُ لَكَ النَّبِيذَ؟

قَالَ: فَقَالَ لِي: بَلْ أَنَا أَصِفُهُ لَكَ، قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله:

---

۵ ـ فضیل بن یسار گوید:

از امام باقر عليه‌السلام درباره نبیذ پرسیدم.

فرمود: خداوند شراب را به طور مطلق حرام نمود و پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله از میان نوشیدنی‌ها هر نوشیدنی مست کننده‌ای را حرام کرد.

۶ ـ کلیب اسدی گوید: از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: شراب خرما وکشمش چه حکمی‌دارد؟

فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در خطبهٔ خود فرمود:

ای مردم! آگاه باشید هر نوع شرابی حرام است وشرابی که یک جام آن مستی آورد، یک قطرهٔ آن نیز حرام است.

۷ ـ صفوان جمّال گوید: من به شراب خرما علاقهٔ وافری داشتم. به امام صادق عليه‌السلام گفتم: قربانت شوم! اجازه می‌فرمایید که شراب خرما وکشمش را برایتان توصیف کنم؟

فرمود: نه، من خودم برایت توصیف می‌کنم. جدم رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ وَ مَا أَسْكَرَ كَثِيرُهُ فَقَلِيلُهُ حَرَامٌ.
فَقُلْتُ لَهُ: هَذَا نَبِيذُ السِّقَايَةِ بِفِنَاءِ الْكَعْبَةِ؟
فَقَالَ لِي: لَيْسَ هَكَذَا كَانَتِ السِّقَايَةُ إِنَّمَا السِّقَايَةُ زَمْزَمُ أَ فَتَدْرِي مَنْ أَوَّلُ مَنْ غَيَّرَهَا؟
قَالَ: قُلْتُ: لَا.
قَالَ: الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ كَانَتْ لَهُ حَبَلَةٌ أَ فَتَدْرِي مَا الْحَبَلَةُ؟
قُلْتُ: لَا.
قَالَ: الْكَرْمُ فَكَانَ يُنْقِعُ الزَّبِيبَ غُدْوَةً وَ يَشْرَبُونَهُ بِالْعَشِيِّ وَ يُنْقِعُهُ بِالْعَشِيِّ وَيَشْرَبُونَهُ مِنَ الْغَدِ يُرِيدُ بِهِ أَنْ يَكْسِرَ غِلَظَ الْمَاءِ عَنِ النَّاسِ وَ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَدْ تَعَدَّوْا فَلَا تَشْرَبْهُ وَ لَا تَقْرَبْهُ.
۸ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ التَّمْرِ وَ الزَّبِيبِ يُطْبَخَانِ لِلنَّبِيذِ؟

هر شرابی حرام است. هر شرابی که یک جام آن مستی آورد، یک جرعهٔ آن نیز حرام است.
گفتم: پس درباره این شراب خرما که در کنار کعبه بر سر چاه زمزم به حاجیان می‌دهند، چه می‌فرمایید؟
فرمود: سقایی حاجیان که در عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله دائر بود، تنها آب زمزم بود، آیا می‌دانی چه کسی آب زمزم را مخلوط کرد؟
گفتم: نه، نمی‌دانم.
فرمود: نخستین کسی که آب زمزم را مخلوط کرد، عبّاس عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. عبّاس، در طائف تاکستانی داشت که ما آن را «حبله» می‌نامیم و شما به آن «کرم» می‌گویید. عبّاس، صبح‌گاهان در خمره‌های آب زمزم کشمش می‌انداخت و شام‌گاهان به مردم می‌نوشانید و شام‌گاهان کشمش خمره‌ها را عوض می‌کرد و صبح‌گاهان به مردم می‌نوشانید. عبّاس، با این کار خود می‌خواست سنگینی آب چاه را بشکند. ولی اینک از حد تجاوز کرده‌اند و کشمش را برای چند روز متوالی در خمره‌ها باقی می‌گذارند. از آن آب میاشام و به آن نزدیک مشو.
۸ ـ سماعه گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: رواست که خرما و کشمش را برای شربت بجوشانند؟

فَقَالَ: لَا.
وَ قَالَ: كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ.
وَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله:
كُلُّ مَا أَسْكَرَ كَثِيرُهُ فَقَلِيلُهُ حَرَامٌ.
وَ قَالَ: لَا يَصْلُحُ فِي النَّبِيذِ الْخَمِيرَةُ وَ هِيَ الْعَكَرَةُ.
۹ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: ابْتَدَأَنِي أَبُو عَبْدِاللهِ علیه السلام يَوْماً مِنْ غَيْرِ أَنْ أَسْأَلَهُ فَقَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله:
كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ.
قَالَ: قُلْتُ: أَصْلَحَكَ اللهُ! كُلُّهُ حَرَامٌ؟
فَقَالَ: نَعَمْ الْجُرْعَةُ مِنْهُ حَرَامٌ.
۱۰ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ علیه السلام:

فرمود: نه وفرمود: هر مست کننده‌ای حرام است.
وفرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: هر شرابی که بسیار آن مست کند، یک قطرهٔ آن نیز حرام است.
وفرمود: در نبیذ ته‌نشین شراب است که شایسته نوشیدن نیست.
آن گاه فرمود: جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «هر نوع شراب مستی‌آور حرام است».
گفتم: خداوند کار شما را اصلاح کند! آیا همهٔ آن حرام است؟
فرمود: یک جرعهٔ آن نیز حرام است.
۹ ـ فضیل بن یسار گوید: روزی امام صادق علیه السلام بدون این که از ایشان بپرسم ابتداءً به من فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر شراب مست کننده‌ای حرام است».
گفتم: خداوند کارهای شما را اصلاح کند! همهٔ آن حرام است؟
فرمود: آری، یک جرعه آن نیز حرام است.
۱۰ ـ ابو صباح کنانی نظیر روایت دوم همین بخش را از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند و می‌افزاید: امام علیه السلام فرمود:

حَرَّمَ اللهُ الْخَمْرَةَ قَلِيلَهَا وَ كَثِيرَهَا كَمَا حَرَّمَ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَ حَرَّمَ النَّبِيُّ ﷺ مِنَ الْأَشْرِبَةِ الْمُسْكِرَ وَ مَا حَرَّمَ النَّبِيُّ ﷺ فَقَدْ حَرَّمَهُ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ.

وَ قَالَ: مَا أَسْكَرَ كَثِيرُهُ فَقَلِيلُهُ حَرَامٌ.

۱۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: اسْتَأْذَنْتُ لِبَعْضِ أَصْحَابِنَا عَلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَسَأَلَهُ عَنِ النَّبِيذِ.

فَقَالَ: حَلَالٌ.

فَقَالَ: أَصْلَحَكَ اللهُ! إِنَّمَا سَأَلْتُكَ عَنِ النَّبِيذِ الَّذِي يُجْعَلُ فِيهِ الْعَكَرُ فَيَغْلِي حَتَّى يُسْكِرَ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ.

فَقَالَ الرَّجُلُ: أَصْلَحَكَ اللهُ! فَإِنَّ مَنْ عِنْدَنَا بِالْعِرَاقِ يَقُولُونَ: إِنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ إِنَّمَا عَنَى بِذَلِكَ الْقَدَحَ الَّذِي يُسْكِرُ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: إِنَّ مَا أَسْكَرَ كَثِيرُهُ فَقَلِيلُهُ حَرَامٌ.

خدا اندک وبسیار شراب را حرام کرد، آن سان که مردار، خون وگوشت خوک را حرام نمود و پیامبر ﷺ نیز از نوشیدنی‌ها، مستی آور آن‌ها را حرام کرد وآن‌چه را پیامبر ﷺ حرام کرده خداوند متعال نیز حرام کرده است.

وفرمود: هر چیزی که بسیار آن مستی آورد، کم آن نیز حرام است.

۱۱ ـ عبدالرحمان بن حجّاج گوید: برای یک تن از یاران شیعه اجازه گرفتم تا به محضر امام صادق عليه السلام شرف‌یاب شد و پرسید: شراب خرما وکشمش چه حکمی دارد؟

فرمود: حلال است.

آن مرد گفت: خداوند کارهای شما را اصلاح کند! منظور ته مانده نبیذی است که آن قدر می‌جوشد که مستی‌آور می‌شود.

فرمود: جدم رسول الله ﷺ فرموده است: «هر نوع شراب مستی‌آور حرام است».

آن مرد گفت: خداوند کارهای شما را اصلاح کند! فقهای عراق می‌گویند: منظور رسول خدا ﷺ کمیت شراب است که یک جام آن مستی می‌آورد.

فرمود: هر شرابی که بسیار آن مستی بیاورد، اندک آن نیز حرام است.

فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ: فَأَكْسِرُهُ بِالْمَاءِ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: لَا وَ مَا لِلْمَاءِ أَنْ يُحَلِّلَ الْحَرَامَ؛ اتَّقِ اللهَ عزّوجلّ وَ لَا تَشْرَبْهُ.

۱۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَنَانٍ قَالَ: سَمِعْتُ رَجُلاً يَقُولُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام: مَا تَقُولُ فِي النَّبِيذِ؟ فَإِنَّ أَبَا مَرْيَمَ يَشْرَبُهُ وَ يَزْعُمُ أَنَّكَ أَمَرْتَ بِشُرْبِهِ.

فَقَالَ: مَعَاذَ اللهِ عزّوجلّ أَنْ أَكُونَ آمُرُ بِشُرْبِ مُسْكِرٍ، وَ اللهِ إِنَّهُ لَشَيْءٌ مَا اتَّقَيْتُ فِيهِ سُلْطَاناً وَ لَا غَيْرَهُ، قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله:

كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ فَمَا أَسْكَرَ كَثِيرُهُ فَقَلِيلُهُ حَرَامٌ.

۱۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عَمْرِو بْنِ مَرْوَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام: إِنَّ هَؤُلَاءِ رُبَّمَا حَضَرْتُ مَعَهُمُ الْعَشَاءَ فَيَجِيئُونَ بِالنَّبِيذِ بَعْدَ ذَلِكَ فَإِنْ أَنَا لَمْ أَشْرَبْهُ خِفْتُ أَنْ يَقُولُوا: فُلَانِيٌّ فَكَيْفَ أَصْنَعُ؟

فَقَالَ: اكْسِرْهُ بِالْمَاءِ.

آن مرد گفت: می‌توانم کیفیت آن را با آب بشکنم که مستی نیاورد؟

فرمود: چه دلیلی دارد که آب، حرام خدا را حلال کند؟ از خدای متعال تقوا پیشه کن وبترس وشراب منوش.

۱۲ ـ حنان گوید: شنیدم که مردی از امام صادق علیه السلام می‌پرسید: اگر خرما وکشمش را در خمرهٔ آب بیندازند چه صورت دارد؟ ابو مریم از این‌گونه شربت می‌نوشد وادّعا می‌کند که شما فرموده‌اید اشکالی ندارد؟

فرمود: من به خدای متعال پناه می‌برم که چنین فرمانی صادر کنم. به خدا سوگند که من در این باره از هیچ سلطان وفرد دیگری تقیّه نکرده‌ام، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

شراب مست آور حرام است. بنابراین هر شرابی که بسیار آن مستی بیاورد، اندک آن نیز حرام است.

۱۳ ـ عمرو بن مروان گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: من گاهی با اهل تسنن کنار سفرهٔ شامی حاضر می‌شوم. آنان پس از شام نبیذ می‌آورند؛ پس اگر من آن را ننوشم می‌ترسم که بگویند: «رافضی است» چه وظیفه‌ای دارم.

فرمود: مستی آن را با آب کم کن وبشکن که مستی نیاورد.

قُلْتُ: فَإِذَا أَنَا كَسَرْتُهُ بِالْمَاءِ أَشْرَبُهُ؟

قَالَ: لَا.

۱٤ ـ سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبَدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي خِدَاشٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدَةَ النَّيْسَابُورِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام: الْقَدَحُ مِنَ النَّبِيذِ وَ الْقَدَحُ مِنَ الْخَمْرِ سَوَاءٌ؟

فَقَالَ: نَعَمْ سَوَاءٌ.

قُلْتُ: فَالْحَدُّ فِيهِمَا سَوَاءٌ؟

فَقَالَ: سَوَاءٌ.

۱٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام: مَا تَرَى فِي قَدَحٍ مِنْ مُسْكِرٍ يُصَبُّ عَلَيْهِ الْمَاءُ حَتَّى تَذْهَبَ عَادِيَتُهُ وَ يَذْهَبَ سُكْرُهُ؟

گفتم: پس هنگامی که مستی آن را با آب کم نمودم، بنوشم؟

فرمود: نه.

۱۴ ـ محمّد بن عبده نیشابوری گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: یک کاسه نبیذ با یک کاسه شراب یکسان است؟

فرمود: آری، یکسان است.

گفتم: بنابراین حد خوردن در هر دوتای آنها یکسان است؟

فرمود: یکسان است.

۱۵ ـ عمر بن حنظله گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: اگر در یک جام شراب، آب خالص بریزند تا آن حد که صورت شراب را بشکند و مستی نیاورد، چه صورت دارد؟

فَقَالَ: لَا وَ اللهِ وَ لَا قَطْرَةٌ تَقْطُرُ مِنْهُ فِي حُبٍّ إِلَّا أُهَرِيقَ ذَلِكَ الْحُبُّ.

۱۶ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ يَزِيدَ بْنِ خَلِيفَةَ وَ هُوَ رَجُلٌ مِنْ بَنِي الْحَارِثِ بْنِ كَعْبٍ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

أَتَيْتُ الْمَدِينَةَ وَ زِيَادُ بْنُ عُبَيْدِ اللهِ الْحَارِثِيُّ عَلَيْهَا فَاسْتَأْذَنْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِاللهِ علیه‌السلام فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمْتُ عَلَيْهِ وَ تَمَكَّنْتُ مِنْ مَجْلِسِي.

قَالَ: فَقُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ علیه‌السلام: إِنِّي رَجُلٌ مِنْ بَنِي الْحَارِثِ بْنِ كَعْبٍ وَ قَدْ هَدَانِي اللهُ عزوجل إِلَى مَحَبَّتِكُمْ وَ مَوَدَّتِكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ.

قَالَ: فَقَالَ لِي أَبُو عَبْدِاللهِ علیه‌السلام: وَ كَيْفَ اهْتَدَيْتَ إِلَى مَوَدَّتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؟ فَوَ اللهِ إِنَّ مَحَبَّتَنَا فِي بَنِي الْحَارِثِ بْنِ كَعْبٍ لَقَلِيلٌ!

قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنَّ لِي غُلَاماً خُرَاسَانِيّاً وَ هُوَ يَعْمَلُ الْقِصَارَةَ وَ لَهُ هَمْشَهْرِيجُونَ أَرْبَعَةٌ وَ هُمْ يَتَدَاعَوْنَ كُلَّ جُمُعَةٍ فَيَقَعُ الدَّعْوَةُ عَلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ فَيُصِيبُ غُلَامِي كُلَّ خَمْسِ جُمَعٍ جُمُعَةٌ فَيَجْعَلُ لَهُمُ النَّبِيذَ وَ اللَّحْمَ.

فرمود: نه، به خدا سوگند! حتی اگر یک قطرهٔ شراب در خمره‌ای بریزد، من تمام آن خمرهٔ آب را به فاضلاب می‌ریزم.

۱۶ ـ یزید بن خلیفه از افراد خاندان بنی‌حارث بن کعب گوید: من به مدینه رفتم. زیاد بن عبیدالله حارثی حاکم آن جا بود. پس اجازه ورود بر امام صادق علیه‌السلام گرفتم. نزد ایشان داخل شدم و سلام کردم. و در جای خود قرار گرفتم.

به حضرت علیه‌السلام عرض کردم: من مردی از بنی حارث بن کعب هستم و خداوند مرا به محبت و دوستی شما اهل بیت علیهم‌السلام هدایت نموده است.

فرمود: چگونه به دوستی ما اهل بیت علیهم‌السلام هدایت شدی؟ زیرا به خدا سوگند! محبت ما در بین بنی حارث بن کعب اندک است.

عرض کردم: فدایت گردم! من برده‌ای خراسانی دارم، او رخت‌شویی می‌کند و چهار نفر همشهری دارد که آنان هر جمعه دور هم جمع می‌شوند و هر دفعه مهمانی بر عهده یکی از آنان است. پس هر پنج جمعه، یک جمعه نوبت بردهٔ من می‌شود. برده‌ام برای آنان نبیذ و گوشت تهیه می‌کند.

قَالَ: ثُمَّ إِذَا فَرَغُوا مِنَ الطَّعَامِ وَ اللَّحْمِ جَاءَ بِإِجَّانَةٍ فَمَلَأَهَا نَبِيذاً ثُمَّ جَاءَ بِمِطْهَرَةٍ فَإِذَا نَاوَلَ إِنْسَاناً مِنْهُمْ قَالَ لَهُ: لَا تَشْرَبْ حَتَّى تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَاهْتَدَيْتُ إِلَى مَوَدَّتِكُمْ بِهَذَا الْغُلَامِ.

قَالَ: فَقَالَ لِي: اسْتَوْصِ بِهِ خَيْراً وَ أَقْرِئْهُ مِنِّي السَّلَامَ وَ قُلْ لَهُ: يَقُولُ لَكَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ: انْظُرْ شَرَابَكَ هَذَا الَّذِي تَشْرَبُهُ فَإِنْ كَانَ يُسْكِرُ كَثِيرُهُ فَلَا تَقْرَبَنَّ قَلِيلَهُ فَإِنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ قَالَ: كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ.

وَ قَالَ: مَا أَسْكَرَ كَثِيرُهُ فَقَلِيلُهُ حَرَامٌ.

قَالَ: فَجِئْتُ إِلَى الْكُوفَةِ وَ أَقْرَأْتُ الْغُلَامَ السَّلَامَ مِنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام.

قَالَ: فَبَكَى ثُمَّ قَالَ لِي: اهْتَمَّ بِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليهما السلام حَتَّى يُقْرِئُنِي السَّلَامَ؟

قَالَ: قُلْتُ: نَعَمْ وَ قَدْ قَالَ لِي: قُلْ لَهُ: انْظُرْ شَرَابَكَ هَذَا الَّذِي تَشْرَبُهُ فَإِنْ كَانَ يُسْكِرُ كَثِيرُهُ فَلَا تَقْرَبَنَّ قَلِيلَهُ، فَإِنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ قَالَ:

هنگامی که از غذا وگوشت فارغ شدند، برده‌ام پیاله‌ای می‌آورد وآن را از نبیذ پر می‌کند. سپس آفتابه‌ای می‌آورد. پس هرگاه که آن را به یکی از آنان تعارف می‌نمود، به او می‌گفت: «ننوش، تا این که بر محمّد وآل محمّد علیهم السلام صلوات بفرستی».

پس من به وسیله این برده به محبت ودوستی شما هدایت شدم.

امام علیه السلام به من فرمود: تو را در مورد او به نیکی سفارش می‌کنم واز جانب من به او سلام برسان وبگو: جعفر بن محمّد به تو می‌گوید: «دربارهٔ این شرابی که می‌نوشی دقّت کن؛ پس اگر فراوانِ آن مستی‌آور باشد بنابراین به هیچ وجه به اندک آن نزدیک نشو! زیرا پیامبر خدا ﷺ فرمود:

كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ وَ مَا أَسْكَرَ كَثِيرُهُ فَقَلِيلُهُ حَرَامٌ» وَ قَدْ أَوْصَانِي بِكَ فَاذْهَبْ فَأَنْتَ حُرٌّ لِوَجْهِ اللهِ تَعَالَى.

قَالَ: فَقَالَ الْغُلَامُ: وَ اللهِ إِنَّهُ لَشَرَابٌ مَا يَدْخُلُ جَوْفِي مَا بَقِيتُ فِي الدُّنْيَا.

۱۷ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ كُلَيْبِ بْنِ مُعَاوِيَةَ قَالَ: كَانَ أَبُو بَصِيرٍ وَ أَصْحَابُهُ يَشْرَبُونَ النَّبِيذَ يَكْسِرُونَهُ بِالْمَاءِ.

فَحَدَّثْتُ بِذَلِكَ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام فَقَالَ لِي: وَ كَيْفَ صَارَ الْمَاءُ يُحَلِّلُ الْمُسْكِرَ؟ مُرْهُمْ لَا يَشْرَبُوا مِنْهُ قَلِيلاً وَ لَا كَثِيراً.

قُلْتُ: إِنَّهُمْ يَذْكُرُونَ أَنَّ الرِّضَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام يُحِلُّهُ لَهُمْ.

فَقَالَ: وَ كَيْفَ كَانَ يُحِلُّونَ آلُ مُحَمَّدٍ عليهم السلام الْمُسْكِرَ وَ هُمْ لَا يَشْرَبُونَ مِنْهُ قَلِيلاً وَلَا كَثِيراً؟ فَأَمْسِكُوا عَنْ شُرْبِهِ.

«هر نوشیدنی مستی‌آوری حرام است هر چیزی که فراوان آن مست کننده باشد، پس اندک آن نیز حرام است».

ودر مورد تو به من سفارش نموده است. بنابراین برو که به خاطر خدا آزادی!

برده گفت: به خدا سوگند! تا زنده هستم دیگر از آن نوشیدنی نخواهم نوشید.

۱۷ ـ کلیب بن معاویه گوید: ابوبصیر ویارانش مشروب کشمش وخرما می‌نوشیدند وآن را با آب خالص می‌شکستند که مستی نیاورد. من قضیه را خدمت امام صادق عليه السلام گزارش کردم.

فرمود: چگونه آب خالص، شراب حرام را حلال می‌کند؟ به آنان بفرما که از مشروب خرما وکشمش نیاشامند، نه بسیار ونه اندک.

من گفتم: آنان نقل می‌کنند که رضایت آل محمّد این شرب را برای آنان حلال می‌داند!

فرمود: آل محمّد چگونه شراب را حلال می‌کنند، با آن که خود از اندک وبسیار آن پرهیز می‌کنند؟ از خوردن این شراب خودداری کنید.

فَاجْتَمَعْنَا عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَقَالَ لَهُ أَبُو بَصِيرٍ: إِنَّ ذَا جَاءَنَا عَنْكَ بِكَذَا وَ كَذَا.

فَقَالَ عليه السلام: صَدَقَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! إِنَّ الْمَاءَ لَا يُحَلِّلُ الْمُسْكِرَ فَلَا تَشْرَبُوا مِنْهُ قَلِيلاً وَ لَا كَثِيراً.

(۲۲)

بَابُ أَنَّ الْخَمْرَ إِنَّمَا حُرِّمَتْ لِفِعْلِهَا فَمَا فَعَلَ فِعْلَ الْخَمْرِ فَهُوَ خَمْرٌ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَخِيهِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يُحَرِّمِ الْخَمْرَ لِاسْمِهَا وَ لَكِنْ حَرَّمَهَا لِعَاقِبَتِهَا فَمَا فَعَلَ فِعْلَ الْخَمْرِ فَهُوَ خَمْرٌ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي عليه السلام قَالَ:

بعدها همگی با ابوبصیر به خدمت امام صادق عليه السلام رسیدیم. ابوبصیر به آن سرور گفت: این مرد از جانب شما پیام آورده که از شراب چنین و چنان ننوشم.

فرمود: راست گفته است. آب، نمی‌تواند شراب مست کننده را حلال کند. از این شراب‌ها ننوشید، نه اندک و نه بسیار.

بخش بیست و دوم

شراب به خاطر نتیجه‌اش حرام است! پس هر چه که نتیجه‌اش مانند آن باشد حرام است

۱ ـ علی بن یقطین گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

به راستی که خداوند تبارک وتعالی شراب را به جهت نام آن حرام نکرده؛ بلکه به جهت عاقبت آن حرام نموده است. پس هر چه کار شراب کند، شراب است.

۲ ـ علی بن یقطین گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

إِنَّ اللهَ ﷻ لَمْ يُحَرِّمِ الْخَمْرَ لِاسْمِهَا وَ لَكِنَّهُ حَرَّمَهَا لِعَاقِبَتِهَا فَمَا كَانَ عَاقِبَتُهُ عَاقِبَةَ الْخَمْرِ فَهُوَ خَمْرٌ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام: لِمَ حَرَّمَ اللهُ الْخَمْرَ؟

فَقَالَ: حَرَّمَهَا لِفِعْلِهَا وَ مَا تُؤَثِّرُ مِنْ فَسَادِهَا.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ حُكَيْمٍ عَنْ أَبِي مَالِكٍ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام: لِمَ حَرَّمَ اللهُ الْخَمْرَ؟

فَقَالَ: حَرَّمَهَا لِفِعْلِهَا وَ فَسَادِهَا.

٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ حُكَيْمٍ عَنْ أَبِي مَالِكٍ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ النَّبِيذِ أَ خَمْرٌ هُوَ؟

فَقَالَ عليه السلام: مَا زَادَ عَلَى التَّرْكِ جَوْدَةً فَهُوَ خَمْرٌ.

خداوند شراب را به جهت نامش حرام ننمود؛ بلکه به جهت عاقبتش آن را حرام کرد. پس هر چه که عاقبتش، عاقبت شراب باشد، شراب است.

۳ ـ راوی گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: چرا خداوند شراب را حرام نمود؟

فرمود: آن را به جهت نتیجه و ایجاد فساد حرام نمود.

۴ ـ ابو جارود گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: چرا خداوند شراب را حرام نمود؟

فرمود: به جهت فعل و فسادش حرام نمود.

۵ ـ ابو جارود گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: آیا نبیذ، شراب است؟

فرمود: آن چه که با کنار بودنش باعث منفعت و مستی بیشتر شود، شراب است.

(۲۳)

بَابُ مَنِ اضْطُرَّ إِلَى الْخَمْرِ لِلدَّوَاءِ أَوْ لِلْعَطَشِ أَوْ لِلتَّقِيَّةِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ وَضَّاحٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

دَخَلَتْ أُمُّ خَالِدٍ الْعَبْدِيَّةُ عَلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام وَ أَنَا عِنْدَهُ فَقَالَتْ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنَّهُ يَعْتَرِينِي قَرَاقِرُ فِي بَطْنِي [فَسَأَلَتْهُ عَنْ أَعْلَالِ النِّسَاءِ وَقَالَتْ:] وَقَدْ وَصَفَ لِي أَطِبَّاءُ الْعِرَاقِ النَّبِيذَ بِالسَّوِيقِ وَ قَدْ وَقَفْتُ وَ عَرَفْتُ كَرَاهَتَكَ لَهُ فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْ ذَلِكَ.

فَقَالَ لَهَا: وَ مَا يَمْنَعُكِ عَنْ شُرْبِهِ؟

قَالَتْ: قَدْ قَلَّدْتُكَ دِينِي فَأَلْقَى اللهَ عزّ و جلّ حِينَ أَلْقَاهُ فَأُخْبِرُهُ أَنَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليهما السلام أَمَرَنِي وَ نَهَانِي.

بخش بیست و سوم

حکم کسی که به عنوان دارو، رفع تشنگی و یا تقیه شراب بنوشد

۱ ـ ابوبصیر گوید: روزی امّ خالد عبدیه خدمت امام صادق علیه السلام شرف‌یاب شد، من نیز در حضور آن حضرت علیه السلام بودم. اُمّ خالد گفت: فدایت گردم! شکم پیچه مرا در برمی‌گیرد. و پزشکان عراق نبیذ را با قاووت برایم توصیه کرده‌اند. من می‌دانم و آگاهم که شما از آن کراهت دارید. پس دوست داشتم که دربارهٔ آن از شما بپرسم.

فرمود: چه چیزی تو را از آشامیدن آن بازداشته است؟

گفت: من قلاده دین خود را از شما به گردنم آویختم. می‌خواهم خداوند را در روز ملاقات، ملاقات کنم و به او خبر دهم که جعفر بن محمّد علیهما السلام به من امر و نهی نمود.

فَقَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! أَلَا تَسْمَعُ إِلَى هَذِهِ الْمَرْأَةِ وَ هَـذِهِ الْـمَسَائِلِ؟ لَا وَ اللهِ لَا آذَنُ لَكِ فِي قَطْرَةٍ مِنْهُ وَ لَا تَذُوقِي مِنْهُ قَطْرَةً فَإِنَّمَا تَـنْدَمِينَ إِذَا بَـلَغَتْ نَـفْسُكِ هَـاهُنَا ـ وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى حَنْجَرَتِهِ يَقُولُهَا ثَلَاثاً: ـ أَ فَهِمْتِ؟

قَالَتْ: نَعَمْ.

ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام: مَا يَبُلُّ الْمِيلَ يُنَجِّسُ حُبّاً مِنْ مَاءٍ ـ يَقُولُهَا ثَلَاثاً ـ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام أَسْأَلُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُبْعَثُ لَهُ الدَّوَاءُ مِنْ رِيحِ الْـبَوَاسِـيرِ فَـيَشْرَبُهُ بِـقَدْرِ أُسْكُرُّجَةٍ مِنْ نَبِيذٍ صُلْبٍ لَيْسَ يُرِيدُ بِهِ اللَّذَّةَ وَ إِنَّمَا يُرِيدُ بِهِ الدَّوَاءَ.

فَقَالَ: لَا وَ لَا جُرْعَةً.

ثُمَّ قَالَ: إِنَّ اللهَ عزّوجلّ لَمْ يَجْعَلْ فِي شَيْءٍ مِمَّا حَرَّمَ شِفَاءً وَ لَا دَوَاءً.

حضرت عليه‌السلام به من فرمود: ای ابا محمّد! آیا به سخن این زن گوش مـی‌کنی؟! نـه، بـه خدا سوگند! در یک قطره از آن هم به تو اجازه نمی‌دهم و حتی یک قطره آن را نچش؛ زیرا هنگامی که جانت به این جا ـ و با دست مبارکش بـه حـنجره خـود اشـاره نـمود ـ رسید، پشیمان خواهی شد.

حضرت عليه‌السلام این سخن را سه بار تکرار نمود و فرمود: آیا فهمیدی؟

امّ خالد گفت: آری.

سپس امام عليه‌السلام سه مرتبه فرمود: نجاستی که میل سرمه را تر کند، یک کوزه آب را نجس می‌کند.

۲ ـ عمر بن اذینه گوید: به امام صادق عليه‌السلام نوشتم: برای بیماری، دارو فرستاده‌اند تا بـاد بواسیر او را علاج کنند. در این دارو به مقدار یک پیاله شراب کشمش وجود دارد. بیمار به فکر لذت نیست، فقط می‌خواهد درد خود را علاج کند. آیا استفادهٔ از این شراب به عنوان دارو حلال است؟

فرمود: نه، و نه یک جرعهٔ آن.

حضرتش فرمود: آن چه را خداوند متعال حرام کرده، نمی‌تواند داروی شفابخش باشد.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبِي قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: إِنَّ بِي جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَرْيَاحَ الْبَوَاسِيرِ وَلَيْسَ يُوَافِقُنِي إِلَّا شُرْبُ النَّبِيذِ.

قَالَ: فَقَالَ لَهُ: مَا لَكَ؟ وَ لِمَا حَرَّمَ اللهُ عزّوجلّ وَ رَسُولُهُ صلّی الله علیه وآله؟ ـ يَقُولُ لَهُ ذَلِكَ ثَلَاثاً: ـ عَلَيْكَ بِهَذَا الْمَرِيسِ الَّذِي تَمْرُسُهُ بِالْعَشِيِّ وَ تَشْرَبُهُ بِالْغَدَاةِ وَ تَمْرُسُهُ بِالْغَدَاةِ وَتَشْرَبُهُ بِالْعَشِيِّ.

فَقَالَ لَهُ: هَذَا يَنْفُخُ الْبَطْنَ.

قَالَ لَهُ: فَأَدُلُّكَ عَلَى مَا هُوَ أَنْفَعُ لَكَ مِنْ هَذَا عَلَيْكَ بِالدُّعَاءِ؛ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ.

قَالَ: فَقُلْنَا لَهُ: فَقَلِيلُهُ وَ كَثِيرُهُ حَرَامٌ؟

فَقَالَ: نَعَمْ قَلِيلُهُ وَ كَثِيرُهُ حَرَامٌ.

---

۳ ـ اسباط گويد: من در خدمت امام صادق عليه السلام بودم كه شخصى به آن حضرت عرض كرد: قربانت گردم! من باد بواسير دارم و نوشيدن نبيذ با من سازگارى دارد.

حضرت سه مرتبه اين سخن را به او فرمود: تو با چيزى كه خدا و پيامبرش آن را حرام نمودند چه كار دارى؟!

بر تو باد به اين «مريس»[1] كه شب هنگام آن را خيس مى‌كنى و صبح آن را مى‌نوشى و صبح آن را خيس مى‌كنى و شب مى‌خورى.

او عرض كرد: اين باعث نفخ شكم مى‌شود.

فرمود: پس تو را بر چيزى كه مفيدتر از آن است راهنمايى مى‌كنم، بر تو باد به دعا؛ زيرا دعا موجب شفا از هر بيمارى است.

اسباط گويد: ما عرض كرديم: اندک و فراوان نبيذ حرام است؟

فرمود: آرى، اندک و فراوان آن حرام است.

---

۱ ـ مريس: خرمايى كه در آب و يا شير مى‌خيسانند.

٤ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنْ دَوَاءٍ عُجِنَ بِالْخَمْرِ.

فَقَالَ: لَا وَ اللهِ مَا أُحِبُّ أَنْ أَنْظُرَ إِلَيْهِ فَكَيْفَ أَتَدَاوَى بِهِ إِنَّهُ بِمَنْزِلَةِ شَحْمِ الْخِنْزِيرِ أَوْ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ وَ إِنَّ أُنَاساً لَيَتَدَاوَوْنَ بِهِ.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ جَمِيعاً عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِاللهِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ عَمْرٍو عَنِ ابْنِ الْحُرِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام أَيَّامَ قَدِمَ الْعِرَاقَ.

فَقَالَ لِيَ: ادْخُلْ عَلَى إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَعْفَرٍ؛ فَإِنَّهُ شَاكٍ فَانْظُرْ مَا وَجَعُهُ وَ صِفْ لِي شَيْئاً مِنْ وَجَعِهِ الَّذِي يَجِدُ.

قَالَ: فَقُمْتُ مِنْ عِنْدِهِ فَدَخَلْتُ عَلَى إِسْمَاعِيلَ فَسَأَلْتُهُ عَنْ وَجَعِهِ الَّذِي يَجِدُ فَأَخْبَرَنِي بِهِ فَوَصَفْتُ لَهُ دَوَاءً فِيهِ نَبِيذٌ.

---

۴ ـ به امام صادق عليه السلام گفتم: اگر دارویی با شراب انگوری خمیر شود، چه صورت دارد؟

فرمود: نه، به خدا سوگند! من دوست نمی‌دارم به آن نگاه کنم تا چه رسد که با آن مداوا کنم. این دارو به منزلهٔ چربی خوک است. با وجود این گروهی از مردم با آن مداوا می‌کنند.

۵ ـ ابن حرّ گوید: در روزهایی که امام صادق عليه السلام به عراق تشریف آورده بود خدمت ایشان شرف‌یاب شدم. حضرت عليه السلام به من فرمود: نزد اسماعیل بن جعفر عليه السلام برو؛ زیرا او بیمار است. ببین که دردش چیست؟ وگزارشی از درد وبیماری او برایم بازگو کن.

من برخاستم وبه نزند اسماعیل عليه السلام رفتم ودرباره بیماری او پرسیدم واو مرا از آن آگاه نمود. دارویی برای او تجویز کردم که در آن نبیذ به کار رفته بود.

فَقَالَ إِسْمَاعِيلُ: النَّبِيذُ حَرَامٌ وَ إِنَّا أَهْلَ بَيْتٍ لَا نَسْتَشْفِي بِالْحَرَامِ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمِيثَمِيِّ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام عَنْ دَوَاءٍ عُجِنَ بِالْخَمْرِ نَكْتَحِلُ مِنْهَا.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام: مَا جَعَلَ اللهُ عزّوجلّ فِيمَا حَرَّمَ شِفَاءً.

٧ ـ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مَرْوَكِ بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

مَنِ اكْتَحَلَ بِمِيلٍ مِنْ مُسْكِرٍ كَحَلَهُ اللهُ عزّوجلّ بِمِيلٍ مِنْ نَارٍ.

٨ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِاللهِ الْأَرَّجَانِيِّ عَنْ مَالِكٍ الْمِسْمَعِيِّ عَنْ قَائِدِ بْنِ طَلْحَةَ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام عَنِ النَّبِيذِ يُجْعَلُ فِي الدَّوَاءِ.

فَقَالَ: لَا لَيْسَ يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَسْتَشْفِيَ بِالْحَرَامِ.

اسماعیل عليه‌السلام گفت: نبیذ حرام است و ما اهل بیت با حرام خود را درمان نمی‌کنیم.

۶ ـ معاویة بن عمّار گوید: مردی از امام صادق عليه‌السلام پرسید: می‌توانیم دارویی که با شراب مخلوط شده است، سرمه بکشیم؟

فرمود: خداوند در چیزهایی که حرام نموده شفا قرار نداده است.

۷ ـ راوی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هر کس با یک میل از ماده‌ای مست کننده سرمه بکشد، خداوند با میلی از آتش بر چشمانش سرمه خواهد کشید.

۸ ـ قائد بن طلحه از امام صادق عليه‌السلام درباره نبیذی که در دارو قرار گرفته است پرسید.

فرمود: برای هیچ کس شایسته و روا نیست که با حرام خود را درمان کند.

۹ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ عليه‌السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْكُحْلِ يُعْجَنُ بِالنَّبِيذِ أَ يَصْلُحُ ذَلِكَ؟

فَقَالَ: لَا.

۱۰ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِئَابٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام عَنْ دَوَاءٍ يُعْجَنُ بِخَمْرٍ فَقَالَ:

مَا أُحِبُّ أَنْ أَنْظُرَ إِلَيْهِ وَ لَا أَشَمَّهُ فَكَيْفَ أَتَدَاوَى بِهِ؟!

۱۱ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام:

لَيْسَ فِي شُرْبِ النَّبِيذِ تَقِيَّةٌ.

۱۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام: فِي الْمَسْحِ عَلَى الْخُفَّيْنِ تَقِيَّةٌ؟

---

۹ ـ علی بن جعفر عليه‌السلام برادر امام کاظم عليه‌السلام گوید: از آن حضرت پرسیدم: از سرمه‌ای که با نبیذ درهم آمیخته می‌توان استفاده کرد؟

فرمود: نه.

۱۰ ـ حلبی گوید: از امام صادق عليه‌السلام دربارهٔ دارویی که با شراب درهم آمیخته پرسیدند.

فرمود: من دوست ندارم به آن نگاه کنم و آن را استشمام نمی‌کنم پس چگونه با آن مداوا نمایم؟!

۱۱ ـ امام صادق عليه‌السلام فرمود:

در خوردن شراب خرما وکشمش، تقیه جایز نیست.

۱۲ ـ راوی گوید: به امام باقر عليه‌السلام عرض کردم: در مسح کردن روی کفش تقیه است؟

قَالَ: لَا يُتَّقَى فِي ثَلَاثَةٍ.

قُلْتُ: وَ مَا هُنَّ؟

قَالَ: شُرْبُ الْخَمْرِ ـ أَوْ قَالَ: شُرْبُ الْمُسْكِرِ ـ وَ الْمَسْحُ عَلَى الْخُفَّيْنِ وَ مُتْعَةُ الْحَجِّ.

(٢٤)

بَابُ النَّبِيذِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ رَجُلاً وَ هُوَ يَقُولُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام: مَا تَقُولُ فِي النَّبِيذِ؟ فَإِنَّ أَبَا مَرْيَمَ يَشْرَبُهُ وَ يَزْعُمُ أَنَّكَ أَمَرْتَهُ بِشُرْبِهِ.

فَقَالَ: صَدَقَ أَبُو مَرْيَمَ سَأَلَنِي عَنِ النَّبِيذِ فَأَخْبَرْتُهُ أَنَّهُ حَلَالٌ وَ لَمْ يَسْأَلْنِي عَنِ الْمُسْكِرِ.

فرمود: در سه مورد نمی‌توان تقیه کرد.

عرض کردم: آنان کدامند؟

فرمود: نوشیدن شراب ـ یا فرمود: نوشیدن شراب مستی آور ـ مسح کشیدن روی کفش وعمره مفرده.

بخش بیست و چهارم

شراب خرما و کشمش

۱ ـ حنان بن سدیر گوید: شیندم مردی به امام صادق عليه السلام می‌گفت: شراب خرما وکشمش چه حکمی دارد؟ ابو مریم از این شراب می‌نوشد و می‌گوید: شما فرموده‌اید بنوشد؟

امام صادق عليه السلام فرمود: ابو مریم درست گفته است. وی پرسید: اگر در خمرهٔ آب، کشمش وخرما بریزند، چه صورت دارد؟ من گفتم: حلال ست. او از من نپرسید که نوشیدن مسکرات چه صورت دارد؟

قَالَ: ثُمَّ قَالَ عليه السلام: إِنَّ الْمُسْكِرَ مَا اتَّقَيْتُ فِيهِ أَحَداً سُلْطَاناً وَ لَا غَيْرَهُ قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ وَ مَا أَسْكَرَ كَثِيرُهُ فَقَلِيلُهُ حَرَامٌ.

فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! هَذَا النَّبِيذُ الَّذِي أَذِنْتَ لِأَبِي مَرْيَمَ فِي شُرْبِهِ أَيُّ شَيْءٍ هُوَ؟

فَقَالَ: أَمَّا أَبِي عليه السلام فَإِنَّهُ كَانَ يَأْمُرُ الْخَادِمَ فَيَجِيءُ بِقَدَحٍ وَ يَجْعَلُ فِيهِ زَبِيباً وَ يَغْسِلُهُ غَسْلاً نَقِيّاً ثُمَّ يَجْعَلُهُ فِي إِنَاءٍ ثُمَّ يَصُبُّ عَلَيْهِ ثَلَاثَةَ مِثْلِهُ أَوْ أَرْبَعَةَ مَاءً ثُمَّ يَجْعَلُهُ بِاللَّيْلِ وَ يَشْرَبُهُ بِالنَّهَارِ وَ يَجْعَلُهُ بِالْغَدَاةِ وَ يَشْرَبُهُ بِالْعَشِيِّ وَ كَانَ يَأْمُرُ الْخَادِمَ بِغَسْلِ الْإِنَاءِ فِي كُلِّ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ كَيْلَا يَغْتَلِمَ فَإِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ النَّبِيذَ فَهَذَا النَّبِيذُ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ أَبُو الْعَبَّاسِ الْكُوفِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ جَمِيعاً عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مَنْصُورٍ قَالَ: حَدَّثَنِي أَيُّوبُ بْنُ رَاشِدٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْبِلَادِ يَسْأَلُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنِ النَّبِيذِ.

آن حضرت در ادامه فرمود: من در مورد شراب، از هیچ قدرتی تقیه ندارم. رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده است: «هرگونه شراب مستی آور، حرام است و هر شرابی که بسیار آن مستی بیارود، اندک آن حرام است».

آن مرد پرسید: فدایت شوم! این شرابی که رخصت فرموده‌ای تا ابومریم بیاشامد، چگونه شرابی است؟

امام صادق عليه السلام فرمود: پدرم امام باقر عليه السلام به خادم می‌فرمود که یک ظرفی بیاورد و قدری کشمش در آن بریزد و با دقت بشوید و بعد کشمش را در ظرف بزرگ‌تری بریزد و سه تا چهار برابر آن آب بیفزاید. پدرم اول شب کشمش را در آب می‌انداخت و فردای صبح آن را می‌نوشید و اول صبح کشمش را در آب می‌انداخت و شبانه می‌نوشید.

پدرم به خادم می‌فرمود: هر سه روز یک بار، ظرف شربت را تمیز بشوید تا جدار داخلی ظرف ژله نگیرد و باعث تخمیر نشود. اگر نوشیدنی حلال می‌خواهید، نوشیدنی حلال همین است.

۲ ـ ایّوب بن راشد گوید:

از ابوبلاد شنیدم که از امام صادق عليه السلام پرسید: شراب نبیذ (چه حکمی دارد؟

فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ.
فَقَالَ: إِنَّهُ يُوضَعُ فِيهِ الْعَكَرُ.
فَقَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: بِئْسَ الشَّرَابُ! وَ لَكِنِ انْبِذُوهُ غُدْوَةً وَ اشْرَبُوهُ بِالْعَشِيِّ.
قَالَ: فَقَالَ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! هَذَا يُفْسِدُ بُطُونَنَا.
قَالَ: فَقَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: أَفْسَدُ لِبَطْنِكَ أَنْ تَشْرَبَ مَا لَا يَحِلُّ لَكَ.

۳ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمَذَانِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِاللهِ الْحَنَّاطِ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنِ الْكَلْبِيِّ النَّسَّابَةِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنِ النَّبِيذِ.
فَقَالَ: حَلَالٌ.
قُلْتُ: إِنَّا نَنْبِذُهُ فَنَطْرَحُ فِيهِ الْعَكَرَ وَ مَا سِوَى ذَلِكَ.
فَقَالَ عليه السلام شَهْ! شَهْ! تِلْكَ الْخَمْرَةُ الْمُنْتِنَةُ.
قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَأَيَّ نَبِيذٍ تَعْنِي؟

امام صادق عليه السلام فرمود: مانعى ندارد.
ابوبلاد گفت: در اين شراب ژله مى‌ريزند.
امام صادق عليه السلام فرمود: بد شرابى است، اما شما به هنگام صبح، كشمش بريزيد و شبانه ميل كنيد.
ابوبلاد گفت: فدايت شوم! اين شربت، معدهٔ ما را از بين مى‌برد.
امام صادق عليه السلام فرمود: شرابى كه حلال نباشد، بيشتر مايهٔ فساد معده خواهد شد.
۳ ـ كلبى نسّابه گويد: از امام صادق عليه السلام دربارهٔ نبيذ پرسيدم.
فرمود: حلال است.
گفتم: ما آب را كنار مى‌گذاريم و ژله و چيزهاى ديگر در آن مى‌ريزيم.
فرمود: بس است! بس است! اين شراب گنديده است.
گفتم: فدايت شوم! منظور شما كدام نبيذ بود؟

فَقَالَ: إِنَّ أَهْلَ الْمَدِينَةِ شَكَوْا إِلَى النَّبِيِّ ﷺ تَغَيُّرَ الْمَاءِ وَ فَسَادَ طَبَائِعِهِمْ فَأَمَرَهُمْ أَنْ يَنْبِذُوا فَكَانَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ يَأْمُرُ خَادِمَهُ أَنْ يَنْبِذَ لَهُ فَيَعْمِدَ إِلَى كَفٍّ مِنْ تَمْرٍ فَيُلْقِيَهُ فِي الشَّنِّ فَمِنْهُ شُرْبُهُ وَ مِنْهُ طَهُورُهُ.

فَقُلْتُ: وَ كَمْ كَانَ عَدَدُ التَّمَرَاتِ الَّتِي كَانَتْ تُلْقَى؟

قَالَ: مَا يَحْمِلُ الْكَفُّ؟

قُلْتُ: وَاحِدَةً وَ اثْنَتَيْنِ.

فَقَالَ عليه السلام: رُبَّمَا كَانَتْ وَاحِدَةً وَ رُبَّمَا كَانَتِ اثْنَتَيْنِ.

فَقُلْتُ: وَ كَمْ كَانَ يَسَعُ الشَّنُّ مَاءً؟ مَا بَيْنَ الْأَرْبَعِينَ إِلَى الثَّمَانِينَ إِلَى مَا فَوْقَ ذَلِكَ؟

قَالَ: فَقُلْتُ: بِالْأَرْطَالِ.

فَقَالَ: أَرْطَالٍ بِمِكْيَالِ الْعِرَاقِ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلَادِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ حَضَرَ مَعَهُ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فَقُلْتُ: يَا جَارِيَةُ! اسْقِينِي مَاءً.

فرمود: به راستی که مردم مدینه از دگرگونی آب و فاسد شدن مزاجشان به پیامبر ﷺ شکایت نمودند. پیامبر ﷺ به آنان دستور داد که نبیذ تهیه کنند و یکی از مردم به غلام خود دستور می‌داد که برایش آب کنار بگذارد. غلام به اندازه یک کف دست خرما برمی‌داشت و آن را در مشک کهنه‌ای می‌انداخت. پس آشامیدن و طهارت آن به وسیلهٔ او انجام می‌گرفت.

گفتم: چند عدد خرما که در مشک می‌ریخت؟

فرمود: به مقداری که کف دست حمل کند.

گفتم: یک یا دو کف دست؟

فرمود: گاهی یک و گاهی دو کف دست بود.

گفتم: مشک کهنه چه مقدار آب را در برمی‌گرفت؟

[فرمود:] بین چهل تا هشتاد؛ و یا بیشتر از آن.

گفتم: واحد اندازه‌گیری آن با رطل بود؟

فرمود: چند رطل با پیمانه عراقی.

۴ ـ ابی بلاد گوید:

با جماعتی در حضور امام باقر عليه السلام نشسته بودم. به خادم آن سرور گفتم: برایم قدری آب بیاور.

فَقَالَ لَهَا: اسْقِيهِ مِنْ نَبِيذِي.
فَجَاءَتْنِي بِنَبِيذٍ مِنْ بُسْرٍ فِي قَدَحٍ مِنْ صُفْرٍ.
قَالَ: فَقُلْتُ: إِنَّ أَهْلَ الْكُوفَةِ لَا يَرْضَوْنَ بِهَذَا.
قَالَ: فَمَا نَبِيذُهُمْ؟
قُلْتُ لَهُ: يَجْعَلُونَ فِيهِ الْقَعْوَةَ.
قَالَ: وَ مَا الْقَعْوَةُ؟
قُلْتُ: الدَّاذِيُّ.
قَالَ: وَ مَا الدَّاذِيُّ؟
فَقُلْتُ: ثُفْلُ التَّمْرِ.
قَالَ: يَضْرَى بِهِ الْإِنَاءُ حَتَّى يَهْدِرَ النَّبِيذُ فَيَغْلِيَ ثُمَّ يُسْكِرَ فَيُشْرَبُ.
فَقَالَ: هَذَا حَرَامٌ.

امام باقر علیه السلام به خادم فرمود: از نوشیدنی من به او بنوشان.

خادم در یک ظرف مسی قدری نوشیدنی خرما آورد.

گفتم: اهل کوفه به این نوشیدنی راضی نمی‌شوند.

امام باقر علیه السلام فرمود: نوشیدنی آنان چگونه است؟

گفتم: بر آن «قعوه» می‌افزایند.

امام باقر علیه السلام فرمود: «قعوه» چیست؟

گفتم: ته نشین شراب خرما تا جدار داخلی ظرف، لعاب بگیرد و خرما تخمیر شود وبجوشد و مستی بیاورد و بعد بنوشند.

امام باقر علیه السلام فرمود: این شراب حرام است.

۵ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلَادِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ بْنِ الرِّضَا عليه السلام فَقُلْتُ لَهُ: إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُلْصِقَ بَطْنِي بِبَطْنِكَ.

فَقَالَ: هَاهُنَا يَا أَبَا إِسْمَاعِيلَ!

وَ كَشَفَ عَنْ بَطْنِهِ وَ حَسَرْتُ عَنْ بَطْنِي وَ أَلْزَقْتُ بَطْنِي بِبَطْنِهِ ثُمَّ أَجْلَسَنِي وَ دَعَا بِطَبَقٍ فِيهِ زَبِيبٌ فَأَكَلْتُ.

ثُمَّ أَخَذَ فِي الْحَدِيثِ فَشَكَا إِلَيَّ مَعِدَتَهُ وَ عَطِشْتُ فَاسْتَقَيْتُ مَاءً فَقَالَ: يَا جَارِيَةُ! اسْقِيهِ مِنْ نَبِيذِي.

فَجَاءَتْنِي بِنَبِيذٍ مَرِيسٍ فِي قَدَحٍ مِنْ صُفْرٍ فَشَرِبْتُهُ فَوَجَدْتُهُ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ.

فَقُلْتُ لَهُ: هَذَا الَّذِي أَفْسَدَ مَعِدَتَكَ.

قَالَ: فَقَالَ لِي: هَذَا تَمْرٌ مِنْ صَدَقَةِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله يُؤْخَذُ غُدْوَةً فَيُصَبُّ عَلَيْهِ الْمَاءُ فَتَمْرُسُهُ الْجَارِيَةُ وَ أَشْرَبُهُ عَلَى أَثَرِ الطَّعَامِ وَ سَائِرَ نَهَارِي فَإِذَا كَانَ اللَّيْلُ أَخَذَتْهُ الْجَارِيَةُ فَسَقَتْهُ أَهْلَ الدَّارِ.

---

۵ ـ ابراهیم بن ابو بلاد گوید:

به حضور امام جواد عليه السلام شرف‌یاب شدم و عرض کردم: می‌خواهم که شکم خود را به شکم شما بچسبانم.

فرمود: بیا این جا ای ابو اسماعیل!

و شکم خود را گشود و من نیز شکم خود را برهنه نمودم و شکم خود را به شکم حضرت عليه السلام چسباندم. سپس مرا در کنار خود نشاند و طبقی خواست که در آن مویز بود. آن طبق را آوردند و من از آن خوردم. آن گاه حضرت عليه السلام صحبت می‌کردند. در این هنگام معده ایشان درد گرفت و من نیز تشنه شدم و آب خواستم.

حضرت عليه السلام فرمود: ای کنیز! از نبیذ من به او بنوشان.

کنیز در کاسه‌ای از روی، نبیذ خیس خورده‌ای برایم آورد.

آن را نوشیدم و شیرین‌تر از عسل یافتم.

به حضرت عليه السلام عرض کردم. این چیزی است که معده شما را ناراحت و بیمار کرده است.

به من فرمود: این خرمایی از موقوفات پیامبر صلى الله عليه وآله است. در هنگام بامداد آن را می‌گیرند و روی آن آب می‌ریزند. پس کنیز آن را خیس می‌کند و من بعد از غذا و بقیه ساعات روز آن را می‌نوشم و هنگامی که شب گردد، کنیز آن را برمی‌دارد و به افراد منزل می‌نوشاند.

فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّ أَهْلَ الْكُوفَةِ لَا يَرْضَوْنَ بِهَذَا.

فَقَالَ: وَ مَا نَبِيذُهُمْ؟

قَالَ: قُلْتُ: يُؤْخَذُ التَّمْرُ فَيُنَقَّى وَ يُلْقَى عَلَيْهِ الْقَعْوَةُ.

قَالَ: وَ مَا الْقَعْوَةُ؟

قُلْتُ: الدَّاذِيُّ.

قَالَ: وَ مَا الدَّاذِيُّ؟

قُلْتُ: حَبٌّ يُؤْتَى بِهِ مِنَ الْبَصْرَةِ فَيُلْقَى فِي هَذَا النَّبِيذِ حَتَّى يَغْلِيَ وَ يُسْكِرَ ثُمَّ يُشْرَبُ.

فَقَالَ: ذَاكَ حَرَامٌ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: اسْتَأْذَنْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام لِبَعْضِ أَصْحَابِنَا فَسَأَلَهُ عَنِ النَّبِيذِ.

فَقَالَ: حَلَالٌ.

عرض کردم: مردم کوفه به این نبیذ راضی نمی‌شوند.

فرمود: نبیذ آنان چیست؟

عرض کردم: خرما را برمی‌دارند و آن را می‌کنند و روی آن «قعوه» می‌ریزند.

فرمود: قعوه چیست؟

عرض کردم: «دازی».

فرمود: دازی چیست؟

عرض کردم: دانه‌ای است که از بصره می‌آورند و آن را در این نبیذ می‌ریزند تا این که بجوشد و مست کننده شود. سپس آن را می‌نوشند.

فرمود: این حرام است.

۶ ـ عبدالرحمان بن حجّاج گوید:

برای یکی از یاران خود اجازه گرفتم تا به محضر امام صادق علیه‌السلام شرف‌یاب شد. آن مرد از امام صادق علیه‌السلام پرسید: شراب خرما وکشمش چه حکمی دارد؟

امام صادق علیه‌السلام فرمود: حلال است.

فَقَالَ: أَصْلَحَكَ اللهُ! إِنَّمَا سَأَلْتُ عَنِ النَّبِيذِ الَّذِي يُجْعَلُ فِيهِ الْعَكَرُ فَيَغْلِي حَتَّى يُسْكِرَ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ.

۷ ـ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ جَمِيعاً عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ:

قَدِمَ عَلَى رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله مِنَ الْيَمَنِ قَوْمٌ فَسَأَلُوهُ عَنْ مَعَالِمِ دِينِهِمْ فَأَجَابَهُمْ.

فَخَرَجَ الْقَوْمُ بِأَجْمَعِهِمْ فَلَمَّا سَارُوا مَرْحَلَةً.

قَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: نَسِينَا أَنْ نَسْأَلَ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله عَمَّا هُوَ أَهَمُّ إِلَيْنَا ثُمَّ نَزَلَ الْقَوْمُ ثُمَّ بَعَثُوا وَفْداً لَهُمْ فَأَتَى الْوَفْدُ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللهِ إِنَّ الْقَوْمَ بَعَثُوا بِنَا إِلَيْكَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ النَّبِيذِ.

فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: وَ مَا النَّبِيذُ؟ صِفُوهُ لِي.

آن مرد گفت: خداوند کارهای شما را اصلاح کند! دربارهٔ شرابی پرسیدم که در آن ژله می‌اندازند تا بجوشد و مستی بیاورد.

امام صادق علیه السلام فرمود: جدّم رسول خدا صلی الله علیه وآله فرموده: «هر شرابی که مستی بیاورد حرام است».

۷ ـ محمّد بن جعفر گوید: پدرم امام صادق علیه السلام فرمود:

عدّه‌ای از مردم یمن به خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه وآله آمدند و از احکام دینی خود سؤال کردند. حضرت علیه السلام به آنان جواب فرمود و آنان رفتند.

پس از این که یک منزل از راه را طی کردند بعضی از آنان گفتند: فراموش کردیم که از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله درباره چیزی که برایمان از همه مهم‌تر بود سؤال کنیم.

آن گاه در همان جا فرود آمدند و فرستادگانی را به سوی پیامبر خدا صلی الله علیه وآله روانه کردند.

فرستادگان نزد پیامبر خدا صلی الله علیه وآله آمدند و عرض کردند: ای پیامبر خدا! همانا که آن گروه ما را نزد شما فرستادند تا دربارهٔ نبیذ از شما سؤال کنیم.

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود: نبیذ چیست؟ آن را برایم توصیف کنید.

فَقَالُوا: يُؤْخَذُ مِنَ التَّمْرِ فَيُنْبَذُ فِي إِنَاءٍ ثُمَّ يُصَبُّ عَلَيْهِ الْمَاءُ حَتَّى يَمْتَلِئَ وَ يُوقَدُ تَحْتَهُ حَتَّى يَنْطَبِخَ فَإِذَا انْطَبَخَ أَخَذُوهُ فَأَلْقَوْهُ فِي إِنَاءٍ آخَرَ ثُمَّ صَبُّوا عَلَيْهِ مَاءً ثُمَّ يُمْرَسُ ثُمَّ صَفَّوْهُ بِثَوْبٍ ثُمَّ يُلْقَى فِي إِنَاءٍ ثُمَّ يُصَبُّ عَلَيْهِ مِنْ عَكَرِ مَا كَانَ قَبْلَهُ ثُمَّ يَهْدِرُ وَ يَغْلِي ثُمَّ يَسْكُنُ عَلَى عَكَرَةٍ.

فَقَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: يَا هَذَا! قَدْ أَكْثَرْتَ أَ فَيُسْكِرُ؟

قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ: فَكُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ.

قَالَ: فَخَرَجَ الْوَفْدُ حَتَّى انْتَهَوْا إِلَى أَصْحَابِهِمْ فَأَخْبَرُوهُمْ بِمَا قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ.

فَقَالَ الْقَوْمُ: ارْجِعُوا بِنَا إِلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ حَتَّى نَسْأَلَهُ عَنْهَا شِفَاهاً وَ لَا يَكُونَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ سَفِيرٌ.

عرض کردند: نبیذ از خرما تهیه می‌شود. خرما را در ظرفی می‌فشارند، سپس بر روی آن به حدی که پر شود آب می‌ریزند وزیر آن آتش روشن می‌کنند تا طبخ گردد. هنگامی که طبخ شد آن را در ظرفی دیگر می‌ریزند، سپس روی آن آب می‌ریزند وآن را با پارچه‌ای تصفیه می‌کنند. آن گاه آن را در ظرفی می‌ریزند، سپس ته‌نشین قبلی را روی آن می‌ریزند، می‌جوشد سپس ته نشین آن آرام می‌گردد.

پیامبر خدا ﷺ فرمود: ای فلانی! توضیح بیشتر دادی! آیا مست کننده است؟

عرض کرد: آری.

فرمود: هر مست کننده‌ای حرام است.

فرستادگان خارج شدند وبه یاران خود رسیدند وآنان را از فرموده پیامبر خدا ﷺ آگاه کردند.

آن گروه گفتند: ما را نزد پیامبر خدا ﷺ بازگردانید تا خودمان به صورت شفاهی از ایشان بپرسیم وبین ما و ایشان فرستاده‌ای نباشد.

فَرَجَعَ الْقَوْمُ جَمِيعاً فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللهِ! إِنَّ أَرْضَنَا أَرْضٌ دَوِّيَّةٌ وَ نَحْنُ قَوْمٌ نَعْمَلُ الزَّرْعَ وَ لَا نَقْوَى عَلَى الْعَمَلِ إِلَّا بِالنَّبِيذِ.

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللهِ ﷺ: صِفُوهُ لِي.

فَوَصَفُوهُ لَهُ كَمَا وَصَفَ أَصْحَابُهُمْ.

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللهِ ﷺ: أَ فَيُسْكِرُ؟

فَقَالُوا: نَعَمْ.

فَقَالَ: كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ وَ حَقٌّ عَلَى اللهِ أَنْ يَسْقِيَ شَارِبَ كُلِّ مُسْكِرٍ مِنْ طِينَةِ خَبَالٍ أَ فَتَدْرُونَ مَا طِينَةُ خَبَالٍ؟

قَالُوا: لَا.

قَالَ: صَدِيدُ أَهْلِ النَّارِ.

آن گروه همگی برگشتند و عرض کردند: ای پیامبر خدا! به راستی که سر زمین ما سر زمین بیماری است و ما قومی هستیم که کشاورزی می‌کنیم و جز با نبیذ توانایی کار کردن نمی‌یابیم.

پیامبر خدا ﷺ به آنان فرمود: نبیذ را برای من توصیف نمایید.

آنان نبیذ را همان طور که فرستادگان توصیف نموده بودند، بیان کردند.

پیامبر خدا ﷺ به آنان فرمود: آیا مستی‌آور است؟

عرض کردند: آری.

فرمود: هر مست کننده‌ای حرام است و بر خداوند روا است که خورنده هر ماده مست کننده‌ای را از «طینت خبال» بنوشاند، آیا می‌دانید «طینت خبال» چیست؟

عرض کردند: نه.

فرمود: چرک و خون بدن دوزخیان است.

(٢۵)
بَابُ الظُّرُوفِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانٍ الْكَلْبِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما‌السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ نَبِيذٍ قَدْ سَكَنَ غَلَيَانُهُ.

فَقَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله: كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الظُّرُوفِ.

فَقَالَ: نَهَى رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله عَنِ الدُّبَّاءِ وَ الْمُزَفَّتِ وَ زِدْتُمْ أَنْتُمُ الْحَنْتَمَ ـ يَعْنِي: الْغَضَارَ ـ وَ الْمُزَفَّتُ ـ يَعْنِي: الزِّفْتَ ـ الَّذِي يَكُونُ فِي الزِّقِّ وَ يُصَبُّ فِي الْخَوَابِي لِيَكُونَ أَجْوَدَ لِلْخَمْرِ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْجِرَارِ الْخُضْرِ وَ الرَّصَاصِ.

فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِهَا.

بخش بیست و پنجم
ظروف شراب

١ ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام (باقر عليه‌السلام يا امام صادق عليه‌السلام) پرسیدم: بعد از آن که شراب خرما وکشمش از جوش وخروش بیفتد، چه حکمی دارد؟

فرمود: جدم رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: «هر شرابی که مستی بیاورد، حرام است».

پرسیدم: ظروف آلوده به شراب چه حکمی دارند؟

فرمود: جدم رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله استفاده از دبهٔ کدو حلوایی ومشک زفت اندوده که ویژهٔ تخمیر شراب بوده است، منع فرمود. واینک شما ظرف گلی را هم بر آن افزوده‌اید وداخل آن را مانند مشک شراب زفت اندوده‌اید تا بتواند شراب را با فشار بیشتری تخمیر کند.

پرسیدم: ظروف سفالین که با مواد شیشه‌ای لعاب می‌دهند ویا ظروفی که از مفرغ وسرب می‌سازند، چه حکمی دارد؟

فرمود: مانعی ندارد.

۲ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ جَرَّاحِ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام: أَنَّهُ مَنَعَ مِمَّا يُسْكِرُ مِنَ الشَّرَابِ كُلِّهِ وَ مَنَعَ النَّقِيرَ وَ نَبِيذَ الدُّبَّاءِ وَ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله: مَا أَسْكَرَ كَثِيرُهُ فَقَلِيلُهُ حَرَامٌ.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ خَالِدِ بْنِ جَرِيرٍ عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

نَهَى رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله عَنْ كُلِّ مُسْكِرٍ فَكُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ.

فَقُلْتُ لَهُ: فَالظُّرُوفُ الَّتِي يُصْنَعُ فِيهَا مِنْهُ؟

فَقَالَ: نَهَى رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله عَنِ الدُّبَّاءِ وَ الْمُزَفَّتِ وَ الْحَنْتَمِ وَ النَّقِيرِ.

قُلْتُ: وَ مَا ذَاكَ؟

قَالَ: الدُّبَّاءُ الْقَرْعُ وَ الْمُزَفَّتُ الدِّنَانُ وَ الْحَنْتَمُ جِرَارٌ خُضْرٌ وَ النَّقِيرُ خَشَبٌ كَانَتِ الْجَاهِلِيَّةُ يَنْقُرُونَهَا حَتَّى يَصِيرَ لَهَا أَجْوَافٌ يَنْبِذُونَ فِيهَا.

---

۲ ـ جرّاح مدائنی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از هر نوع شراب مست کننده منع فرمود و از دبه‌های چوبی و دبهٔ کدو حلوایی که ویژهٔ تخمیر شراب بود، منع فرمود.

امام صادق عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «هر شرابی که بسیار آن مست کند، اندک آن نیز حرام است».

۳ ـ ابوربیع شامی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از نوشیدن هر ماده مست کننده‌ای نهی می‌کرد. بنابراین هر ماده مستی آوری حرام است.

عرض کردم: ظروفی که در آن ماده مست کنند تهیه می‌شود چه حکمی دارد؟

فرمود: پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله استفاده از دبه کدو حلوایی، مزفّت، حنتم و نقیر را نهی نمود.

عرض کردم: این‌ها چیستند؟

فرمود: دبّاء کدوی حلوایی است، مزفّت خُم بزرگ است، حنتم سبوی سبز است و نقیر چوبی بود که در زمان جاهلیت آن را سوراخ می‌کردند و توی آن را خالی می‌کردند که در آن نبیذ تهیه کنند.

(۲٦)

بَابُ الْعَصِيرِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: لَا يَحْرُمُ الْعَصِيرُ حَتَّى يَغْلِيَ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَاصِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

لَا بَأْسَ بِشُرْبِ الْعَصِيرِ سِتَّةَ أَيَّامٍ.

قَالَ ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ: مَعْنَاهُ مَا لَمْ يَغْلِ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ شُرْبِ الْعَصِيرِ.

فَقَالَ: اشْرَبْهُ مَا لَمْ يَغْلِ فَإِذَا غَلَى فَلَا تَشْرَبْهُ.

بخش بیست و ششم

شیرهٔ انگور

۱ ـ حمّاد بن عثمان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

شیره انگور تا زمانی که نجوشیده باشد، حرام نیست.

۲ ـ محمّد بن عاصم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

آشامیدن شیره انگور تا شش روز ایرادی ندارد.

ابن ابی عمیر گوید: معنایش این است که تا زمانی که نجوشیده باشد.

۳ ـ حمّاد بن عثمان گوید:

از امام صادق عليه السلام درباره نوشیدن شیره انگور پرسیدم.

حضرت فرمود: تا زمانی که نجوشیده آن را بیاشام. هنگامی که جوشید آن را ننوش.

قَالَ : قُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ ! أَيُّ شَيْءٍ الْغَلَيَانُ ؟

قَالَ : الْقَلْبُ .

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ عَنْ ذَرِيحٍ قَالَ : سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام يَقُولُ :

إِذَا نَشَّ الْعَصِيرُ أَوْ غَلَى حَرُمَ .

(٢٧)

بَابُ الْعَصِيرِ الَّذِي قَدْ مَسَّتْهُ النَّارُ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ :

كُلُّ عَصِيرٍ أَصَابَتْهُ النَّارُ فَهُوَ حَرَامٌ حَتَّى يَذْهَبَ ثُلُثَاهُ وَ يَبْقَى ثُلُثُهُ .

عرض کردم: قربانتان گردم! جوشیدن چیست؟

فرمود: دگرگونی.

۴ ـ ذریح گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هر گاه شیرهٔ انگور بجوشد و یا غلیان کند، حرام می‌شود.

بخش بیست و هفتم

شیرهٔ انگور پخته

۱ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

افشردهٔ انگور، بعد از آن که بر روی آتش بجوشد، حرام می‌شود و تا دو سوم آن تبخیر نشود، باقیماندهٔ آن حلال نخواهد شد.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْهَيْثَمِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْعَصِيرِ يُطْبَخُ بِالنَّارِ حَتَّى يَغْلِيَ مِنْ سَاعَتِهِ فَيَشْرَبُهُ صَاحِبُهُ قَالَ:

إِذَا تَغَيَّرَ عَنْ حَالِهِ وَ غَلَى فَلَا خَيْرَ فِيهِ حَتَّى يَذْهَبَ ثُلُثَاهُ وَ يَبْقَى ثُلُثُهُ.

(۲۸)

بَابُ الطِّلَاءِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ: ـ وَ قَدْ سُئِلَ عَنِ الطِّلَاءِ فَقَالَ: إِنْ طُبِخَ حَتَّى يَذْهَبَ مِنْهُ اثْنَانِ وَ يَبْقَى وَاحِدٌ فَهُوَ حَلَالٌ وَ مَا كَانَ دُونَ ذَلِكَ فَلَيْسَ فِيهِ خَيْرٌ.

---

۲ ـ راوی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شیرهٔ انگور با آتش پخته می‌شود تا این که در همان ساعت بجوشد. آیا انسان می‌تواند آن را بنوشد؟

فرمود: هر گاه از حالت اوّلیه‌اش برگردد وبجوشد، خیری در آن نیست تا این که دو سوم آن بجوشد ویک سوم باقی بماند.

بخش بیست و هشتم

شیرهٔ طلایی

۱ ـ ابو بصیر: امام صادق عليه السلام ـ در حالی که درباره شراب جوشیده از ایشان سؤال شده بود ـ فرمود: اگر به حدی بجوشد که دو سوم آن از بین برود ویک سوم آن باقی بماند، حلال است وآن چه که کمتر از این مقدار (دو سوم) باشد، خیری در آن نیست.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

إِنَّ الْعَصِيرَ إِذَا طُبِخَ حَتَّى يَذْهَبَ ثُلُثَاهُ وَ يَبْقَى ثُلُثُهُ فَهُوَ حَلَالٌ.

۳ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا زَادَ الطِّلَاءُ عَلَى الثُّلُثِ فَهُوَ حَرَامٌ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام: الرَّجُلُ يُهْدِي إِلَيَّ الْبُخْتُجَ مِنْ غَيْرِ أَصْحَابِنَا فَقَالَ عليه السلام: إِنْ كَانَ مِمَّنْ يَسْتَحِلُّ الْمُسْكِرَ فَلَا تَشْرَبْهُ وَ إِنْ كَانَ مِمَّنْ لَا يَسْتَحِلُّ شُرْبَهُ فَاقْبَلْهُ ـ أَوْ قَالَ: اشْرَبْهُ.

۵ ـ ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

---

۲ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اگر افشرهٔ انگور، پخته شود تا آن حد که دو سوم آن تبخیر شود و یک سوم آن باقی بماند، حلال است.

۳ ـ ابن ابی یعفور گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: اگر شیرهٔ پخته از یک سوم افشره بیشتر باشد، حرام است.

۴ ـ عمر بن یزید گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: اگر کسی غیر از شیعیان، شیره‌ای برایم هدیه بیاورد، می‌توانم از آن تناول کنم؟

فرمود: اگر آن شخص شراب مستی آور را حلال می‌شمارد، تناول مکن واگر حلال نمی‌شمارد، تناول کن.

۵ ـ عمر بن یزید گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِذَا كَانَ يَخْضِبُ الْإِنَاءَ فَاشْرَبْهُ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنِ الْبُخْتُجِ فَقَالَ:

إِنْ كَانَ حُلْواً يَخْضِبُ الْإِنَاءَ وَ قَالَ صَاحِبُهُ: «قَدْ ذَهَبَ ثُلُثَاهُ وَ بَقِيَ الثُّلُثُ» فَاشْرَبْهُ.

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ مِنْ أَهْلِ الْمَعْرِفَةِ بِالْحَقِّ يَأْتِينِي بِالْبُخْتُجِ وَ يَقُولُ: «قَدْ طُبِخَ عَلَى الثُّلُثِ» وَ أَنَا أَعْلَمُ أَنَّهُ يَشْرَبُهُ عَلَى النِّصْفِ أَ فَأَشْرَبُهُ بِقَوْلِهِ وَ هُوَ يَشْرَبُهُ عَلَى النِّصْفِ؟

فَقَالَ: لَا تَشْرَبْهُ.

هر گاه ظرف رنگین شود، آن را بنوش.

۶ ـ معاویة بن وهب گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شیرهٔ انگور حلال است؟

فرمود: اگر شیرین باشد و به ظرف بچسبد و صاحبش بگوید: دو سوم آن تبخیر شده و یک سوم آن باقی مانده، حلال است.

۷ ـ معاویة بن عمّار گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: اگر کسی از شیعیان، شیره‌ای بیاورد و بگوید: بر اساس یک سوم به عمل آمده است، اما من می‌دانم که او بر اساس نصف، تناول می‌کند، آیا می‌توانم به قول او اعتماد کنم و از آن شیره بنوشم با آن که شخصاً به مقیاس نصف، تناول می‌کند؟

فرمود: از آن شیره میاشام.

فَقُلْتُ: فَرَجُلٌ مِنْ غَيْرِ أَهْلِ الْمَعْرِفَةِ مِمَّنْ لَا نَعْرِفُهُ يَشْرَبُهُ عَلَى الثُّلُثِ وَ لَا يَسْتَحِلُّهُ عَلَى النِّصْفِ يُخْبِرُنَا أَنَّ عِنْدَهُ بُخْتُجاً عَلَى الثُّلُثِ قَدْ ذَهَبَ ثُلُثَاهُ وَ بَقِيَ ثُلُثُهُ نَشْرَبُ مِنْهُ؟

قَالَ: نَعَمْ.

۸ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

إِذَا شَرِبَ الرَّجُلُ النَّبِيذَ الْمَخْمُورَ فَلَا تَجُوزُ شَهَادَتُهُ فِي شَيْءٍ مِنَ الْأَشْرِبَةِ وَ لَوْ كَانَ يَصِفُ مَا تَصِفُونَ.

۹ ـ بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مَنْصُورٍ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

إِذَا زَادَ الطِّلَاءُ عَلَى الثُّلُثِ أُوقِيَّةً فَهُوَ حَرَامٌ.

من گفتم: اگر کسی غیر از شیعیان که شخصاً بر اساس یک سوم می‌نوشد و شیره نصف نصف را حلال نمی‌شمارد، بگوید: شیره‌ای دارم که دو سوم آن تبخیر شده و یک سوم آن باقی مانده، آیا می‌توانم از آن شیره بنوشم؟

فرمود: آری.

۸ ـ ابن ابی یعفور گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

اگر کسی شراب تخمیری بنوشد گواهی او در زمینهٔ مشروبات پذیرفته نخواهد شد، گرچه با عقاید شما موافق باشد.

۹ ـ ابن ابی یعفور گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هر گاه شراب پخته به اندازه یک اوقیه (هفت مثقال) از یک سوم بیشتر باشد، حرام است.

۱۰ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الزَّبِيبِ هَلْ يَصْلُحُ أَنْ يُطْبَخَ حَتَّى يَخْرُجَ طَعْمُهُ ثُمَّ يُؤْخَذَ ذَلِكَ الْمَاءُ فَيُطْبَخَ حَتَّى يَذْهَبَ ثُلُثَاهُ وَ يَبْقَى الثُّلُثُ ثُمَّ يُرْفَعَ وَ يُشْرَبَ مِنْهُ السَّنَةَ؟

فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ.

۱۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللهِ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: فِي رَجُلٍ أَخَذَ عَشَرَةَ أَرْطَالٍ مِنْ عَصِيرِ الْعِنَبِ فَصَبَّ عَلَيْهِ عِشْرِينَ رِطْلاً مَاءً وَ طَبَخَهَا حَتَّى ذَهَبَ مِنْهُ عِشْرُونَ رِطْلاً وَ بَقِيَ عَشَرَةُ أَرْطَالٍ أَ يَصْلُحُ شُرْبُ ذَلِكَ أَمْ لَا؟

فَقَالَ: مَا طُبِخَ عَلَى ثُلُثِهِ فَهُوَ حَلَالٌ.

---

۱۰ ـ علی بن جعفر عليه السلام برادر امام کاظم عليه السلام گوید:

از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: آیا می‌توان مویز را پخت تا این که طعم آن خارج گردد. سپس آب آن را گرفت و جوشاند تا این که دو سوم آن برود و یک سوم باقی بماند، سپس آن را بردارند و در طول سال بنوشند؟

فرمود: ایرادی ندارد.

۱۱ ـ عقبة بن خالد گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر کسی ده رطل افشرهٔ انگور بگیرد و بیست رطل آب خالص بر آن بیفزاید و آن را بر سر آتش بگذارد تا بیست رطل آن تبخیر شود و ده رطل آن باقی بماند. آیا نوشیدن آن حلال است؟

امام صادق عليه السلام فرمود: افشره‌ای که بر اساس یک سوم بجوشد، حلال است.

(٢٩)

بَابُ الْمُسْكِرِ يَقْطُرُ مِنْهُ فِي الطَّعَامِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ آدَمَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ قَطْرَةِ خَمْرٍ أَوْ نَبِيذٍ مُسْكِرٍ قَطَرَتْ فِي قِدْرٍ فِيهَا لَحْمٌ كَثِيرٌ وَ مَرَقٌ كَثِيرٌ.

فَقَالَ عليه السلام: يُهَرَاقُ الْمَرَقُ أَوْ يُطْعِمُهُ لِأَهْلِ الذِّمَّةِ أَوِ الْكِلَابِ وَ اللَّحْمَ فَاغْسِلْهُ وَ كُلْهُ.

قُلْتُ: فَإِنْ قَطَرَ فِيهَا الدَّمُ؟

فَقَالَ: الدَّمُ تَأْكُلُهُ النَّارُ إِنْ شَاءَ اللهُ.

قُلْتُ: فَخَمْرٌ أَوْ نَبِيذٌ قَطَرَ فِي عَجِينٍ أَوْ دَمٌ؟

قَالَ: فَقَالَ: فَسَدَ.

قُلْتُ: أَبِيعُهُ مِنَ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى وَ أُبَيِّنُ لَهُمْ فَإِنَّهُمْ يَسْتَحِلُّونَ شُرْبَهُ؟

بخش بيست و نهم
قطره‌ای از ماده مست کننده در ظرف غذا

١ ـ زکریّا بن آدم گوید: از امام کاظم عليه السلام درباره چکیدن قطره‌ای از شراب یا نبیذ مست کننده در دیگی که در آن گوشت و خورش فراوان است، سؤال کردم.

فرمود: خورش را باید یا دور بریزی و یا به اهل ذمّه و یا سگان خوراند؛ ولی گوشت را بشور و بخور.

عرض کردم: اگر در آن دیگ خون بچکد؟

فرمود: ان شاء الله آتش خون را از بین می‌برد.

عرض کردم: اگر شراب نبیذ یا خون در غذای مخلوطی بچکد؟ چه حکمی دارد؟

فرمود: فاسد می‌شود.

عرض کردم: می‌توانم آن را به یهودیان و مسیحیان بفروشم و برایشان توضیح دهم؟ زیرا آنان نوشیدن آن را حلال می‌دانند.

قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: وَ الْفُقَّاعُ هُوَ بِتِلْكَ الْمَنْزِلَةِ إِذَا قَطَرَ فِي شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ؟

قَالَ: أَكْرَهُ أَنْ آكُلَهُ إِذَا قَطَرَ فِي شَيْءٍ مِنْ طَعَامِي.

(۳۰)
بَابُ الْفُقَّاعِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام عَنِ الْفُقَّاعِ فَقَالَ:

هُوَ خَمْرٌ مَجْهُولٌ فَلَا تَشْرَبْهُ يَا سُلَيْمَانُ! لَوْ كَانَ الدَّارُ لِي أَوِ الْحُكْمُ لَقَتَلْتُ بَائِعَهُ وَ لَجَلَدْتُ شَارِبَهُ.

۲ ـ عَنْهُ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنِ الْفُقَّاعِ.

فَقَالَ: هُوَ خَمْرٌ.

فرمود: آری.

عرض کردم: هنگامی که آب جو در یکی از این موارد بچکد، همین حکم را دارد؟

فرمود: هنگامی که در چیزی از غذاهای من آب جو بچکد، کراهت دارم آن غذا را میل کنم.

بخش سی‌ام
آب جو

۱ ـ سلیمان بن جعفر جعفری گوید: از امام رضا عليه السلام درباره آب جو سؤال کردم.

فرمود: ای سلیمان! آن، شرابی ناشناخته است. آن را ننوش. اگر سرپرستی مردم با من بود، فروشنده آب جو را می‌کشتم و به کسی که آن را می‌خورد حد می‌زدم.

۲ ـ عمّار بن موسی گوید: از امام صادق عليه السلام در خصوص فقّاع پرسیدم.

فرمود: آن، شراب است.

٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حُسَيْنٍ الْقَلَانِسِيِّ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي عليه السلام أَسْأَلُهُ عَنِ الْفُقَّاعِ.

فَقَالَ: لَا تَقْرَبْهُ فَإِنَّهُ مِنَ الْخَمْرِ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام عَنِ الْفُقَّاعِ.

فَقَالَ: هُوَ الْخَمْرُ بِعَيْنِهَا.

٥ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام أَسْأَلُهُ عَنِ الْفُقَّاعِ. فَكَتَبَ يَنْهَانِي عَنْهُ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ غَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِاللهِ الْقُرَشِيِّ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ النَّوْفَلِيِّ عَنْ زَاذَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ:

لَوْ أَنَّ لِي سُلْطَاناً عَلَى أَسْوَاقِ الْمُسْلِمِينَ لَرَفَعْتُ عَنْهُمْ هَذِهِ الْخَمْرَةَ يَعْنِي الْفُقَّاعَ.

---

۳ ـ حسين قلانسى گويد: در نامه‌اى از امام كاظم عليه السلام دربارهٔ آب جو پرسيدم.

فرمود: به آن نزديک نشو كه از شراب است.

۴ ـ محمّد بن سنان گويد: از امام رضا عليه السلام در مورد آب جو پرسيدم.

فرمود: آن، خود شراب است.

۵ ـ ابن فضّال گويد: نامه‌اى در خصوص حكم آب جو به امام كاظم عليه السلام نوشتم.

امام عليه السلام نامه نوشت و مرا از آن نهى نمود.

۶ ـ زاذان گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

اگر من بر بازارهاى مسلمانان تسلط داشتم اين شراب (يعنى آب جو) را از بين مى‌بردم.

۷ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ الْبَصْرِيِّ قَالَ:

كُنْتُ مَعَ يُونُسَ بِبَغْدَادَ فَبَيْنَا أَنَا أَمْشِي مَعَهُ فِي السُّوقِ إِذْ فَتَحَ صَاحِبُ الْفُقَّاعِ فُقَّاعَهُ فَأَصَابَ ثَوْبَ يُونُسَ فَرَأَيْتُهُ قَدِ اغْتَمَّ لِذَلِكَ حَتَّى زَالَتِ الشَّمْسُ فَقُلْتُ لَهُ: أَلَا تُصَلِّي يَا أَبَا مُحَمَّدٍ؟

فَقَالَ: لَيْسَ أُرِيدُ أَنْ أُصَلِّيَ حَتَّى أَرْجِعَ إِلَى الْبَيْتِ فَأَغْسِلَ هَذَا الْخَمْرَ مِنْ ثَوْبِي.

قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: هَذَا رَأْيُكَ أَوْ شَيْءٌ تَرْوِيهِ؟

فَقَالَ: أَخْبَرَنِي هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام عَنِ الْفُقَّاعِ، فَقَالَ: لَا تَشْرَبْهُ فَإِنَّهُ خَمْرٌ مَجْهُولٌ فَإِذَا أَصَابَ ثَوْبَكَ فَاغْسِلْهُ.

۸ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ وَ ابْنِ فَضَّالٍ جَمِيعاً قَالَا: سَأَلْنَا أَبَا الْحَسَنِ عليه‌السلام عَنِ الْفُقَّاعِ، فَقَالَ: حَرَامٌ وَ هُوَ خَمْرٌ مَجْهُولٌ وَ فِيهِ حَدُّ شَارِبِ الْخَمْرِ.

---

۷ ـ ابو جمیله بصری گوید:

با یونس در بغداد بودم. در همان اثنایی که در بازار راه می‌رفتیم، ناگاه شخصی در ظرف آب جو خود را گشود و از آن به لباس یونس پاشید. یونس از این ماجرا اندوهگین شد. پس از چندی که خورشید غروب می‌کرد به او گفتم:

ای ابا محمّد! نماز نمی‌خوانی؟

گفت: تا به منزل نروم و لباسم را نشویم نماز نمی‌خوانم.

به او گفتم: این نظر خود توست یا روایت است؟

گفت: هشام بن حکم به من گفت که از امام صادق عليه‌السلام درباره آب جو سؤال کرد. حضرت عليه‌السلام فرمود: آن را ننوش؛ زیرا شرابی ناشناخته است و هر گاه به لباست پاشید آن را بشوی.

۸ ـ حسن بن جهم و ابن فضّال گویند: از امام صادق عليه‌السلام درباره آب جو پرسیدیم. فرمود: حرام است و آن شرابی ناشناخته است و بر خورنده آن، حد شراب‌خوار است.

۹ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْوَشَّاءِ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَيْهِ يَعْنِي الرِّضَا عليه‌السلام أَسْأَلُهُ عَنِ الْفُقَّاعِ.

قَالَ: فَكَتَبَ: حَرَامٌ وَ هُوَ خَمْرٌ وَ مَنْ شَرِبَهُ كَانَ بِمَنْزِلَةِ شَارِبِ الْخَمْرِ.

قَالَ: وَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الْأَخِيرُ عليه‌السلام: لَوْ أَنَّ الدَّارَ دَارِي لَقَتَلْتُ بَائِعَهُ وَ لَجَلَدْتُ شَارِبَهُ.

وَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الْأَخِيرُ عليه‌السلام: حَدُّهُ حَدُّ شَارِبِ الْخَمْرِ.

وَ قَالَ عليه‌السلام: هِيَ خُمَيْرَةٌ اسْتَصْغَرَهَا النَّاسُ.

۱۰ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ غَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه‌السلام: مَا تَقُولُ فِي شُرْبِ الْفُقَّاعِ؟

فَقَالَ: خَمْرٌ مَجْهُولٌ يَا سُلَيْمَانُ! فَلَا تَشْرَبْهُ أَمَا إِنَّهُ يَا سُلَيْمَانُ! لَوْ كَانَ الْحُكْمُ لِي وَ الدَّارُ لِي لَجَلَدْتُ شَارِبَهُ وَ لَقَتَلْتُ بَائِعَهُ.

---

۹ ـ وشّاء گوید: به امام رضا عليه‌السلام نامه نوشتم تا در خصوص آب جو از ایشان سؤال کنم.

حضرت عليه‌السلام در جواب نوشت: حرام است و آن همان شراب است و هر کس آن را بنوشد به منزله شراب‌خوار است.

امام رضا عليه‌السلام فرمود: اگر حکومت در اختیار من بود، فروشنده آن را می‌کشتم و بر کسی که آن را می‌نوشد حد جاری می‌نمودم.

هم چنین فرمود: حد آن، حد شراب‌خوار است.

و فرمود: آن، شراب کوچکی است که مردم آن را کوچک شمرده‌اند.

۱۰ ـ نظیر روایت یکم همین بخش.

١١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه‌السلام عَنْ شُرْبِ الْفُقَّاعِ فَكَرِهَهُ كَرَاهَةً شَدِيدَةً.

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ مِثْلَهُ.

١٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ زَكَرِيَّا أَبِي يَحْيَى قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه‌السلام أَسْأَلُهُ عَنِ الْفُقَّاعِ وَ أَصِفُهُ لَهُ فَقَالَ: لَا تَشْرَبْهُ.

فَأَعَدْتُ عَلَيْهِ كُلَّ ذَلِكَ أَصِفُهُ لَهُ كَيْفَ يُعْمَلُ؟

فَقَالَ: لَا تَشْرَبْهُ وَ لَا تُرَاجِعْنِي فِيهِ.

١٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام عَنِ الْفُقَّاعِ، فَقَالَ لِي: هُوَ خَمْرٌ.

١٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه‌السلام قَالَ:

---

۱۱ ـ محمّد بن اسماعیل گوید: از امام رضا عليه‌السلام پرسیدم: آب جو چه حکمی دارد؟ امام رضا عليه‌السلام به شدت اظهار کراهت کرد.

۱۲ ـ زکریا ابی یحیی گوید: در نامه‌ای از امام کاظم عليه‌السلام دربارهٔ آب جو پرسیدم و آن را برای ایشان توضیح دادم.

حضرت فرمود: آن را ننوش.

من دو بارهٔ سؤال خود را بیان کردم و هر دفعه توضیح دادم که آب جو چگونه به دست می‌آید.

فرمود: آن را ننوش و دربارهٔ آن به من مراجعه نکن.

۱۳ ـ عمّار بن موسی گوید: از امام کاظم عليه‌السلام دربارهٔ آب جو پرسیدم. فرمود: همان شراب است.

۱۴ ـ حسن بن علی وشاء گوید: امام رضا عليه‌السلام فرمود:

كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ وَ كُلُّ مُخَمَّرٍ حَرَامٌ وَ الْفُقَّاعُ حَرَامٌ.

۱۵ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه‌السلام أَسْأَلُهُ عَنِ الْفُقَّاعِ.

قَالَ: فَكَتَبَ يَقُولُ: هُوَ الْخَمْرُ وَ فِيهِ حَدُّ شَارِبِ الْخَمْرِ.

(۳۱)

بَابُ صِفَةِ الشَّرَابِ الْحَلَالِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ أَوْ عَنْ رَجُلٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابَاطِيِّ قَالَ: وَصَفَ لِي أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام الْمَطْبُوخَ كَيْفَ يُطْبَخُ حَتَّى يَصِيرَ حَلَالاً فَقَالَ لِي عليه‌السلام:

هر مادهٔ مستی‌آوری حرام است، هر شراب حرام است و آب جو حرام است.

۱۵ ـ ابن فضّال گوید: به امام کاظم عليه‌السلام نامه نوشتم تا از ایشان در خصوص آب جو سؤال کنم.

حضرت عليه‌السلام در جواب نامه نوشت: آن شراب است برای خورندهٔ آن حد شراب خوار است.

بخش سی و یکم

نوشیدنی حلال

۱ ـ عمّار بن موسی ساباطی گوید:

امام صادق عليه‌السلام نحوهٔ درست کردن شراب حلال را برایم شرح داد و فرمود:

خُذْ رُبُعاً مِنْ زَبِيبٍ وَ تُنَقِّيهِ وَ صُبَّ عَلَيْهِ اثْنَيْ عَشَرَ رِطْلاً مِنْ مَاءٍ ثُمَّ أَنْقِعْهُ لَيْلَةً فَإِذَا كَانَ أَيَّامُ الصَّيْفِ وَ خَشِيتَ أَنْ يَنِشَّ جَعَلْتَهُ فِي تَنُّورٍ مَسْجُورٍ قَلِيلاً حَتَّى لَا يَنِشَّ ثُمَّ تَنْزِعُ الْمَاءَ مِنْهُ كُلَّهُ حَتَّى إِذَا أَصْبَحْتَ صَبَبْتَ عَلَيْهِ مِنَ الْمَاءِ بِقَدْرِ مَا يَغْمُرُهُ ثُمَّ تُغْلِيهِ حَتَّى تَذْهَبَ حَلَاوَتُهُ ثُمَّ تَنْزِعُ مَاءَهُ الْآخَرَ فَتَصُبُّ عَلَيْهِ الْمَاءَ الْأَوَّلَ ثُمَّ تَكِيلُهُ كُلَّهُ فَتَنْظُرُ كَمِ الْمَاءُ ثُمَّ تَكِيلُ ثُلُثَهُ فَتَطْرَحُهُ فِي الْإِنَاءِ الَّذِي تُرِيدُ أَنْ تَطْبُخَهُ فِيهِ وَ تَصُبُّ بِقَدْرِ مَا يَغْمُرُهُ مَاءً وَ تُقَدِّرُهُ بِعُودٍ وَ تَجْعَلُ قَدْرَهُ قَصَبَةً أَوْ عُوداً فَتَحُدُّهَا عَلَى قَدْرِ مُنْتَهَى الْمَاءِ ثُمَّ تُغْلِي الثُّلُثَ الْأَخِيرَ حَتَّى يَذْهَبَ الْمَاءُ الْبَاقِي ثُمَّ تُغْلِيهِ بِالنَّارِ وَ لَا تَزَالُ تُغْلِيهِ حَتَّى يَذْهَبَ الثُّلُثَانِ وَ يَبْقَى الثُّلُثُ ثُمَّ تَأْخُذُ لِكُلِّ رُبُعٍ رِطْلاً مِنَ الْعَسَلِ فَتُغْلِيهِ حَتَّى تَذْهَبَ رَغْوَةُ الْعَسَلِ وَ تَذْهَبَ غِشَاوَةُ الْعَسَلِ فِي الْمَطْبُوخِ ثُمَّ تَضْرِبُهُ بِعُودٍ ضَرْباً شَدِيداً حَتَّى يَخْتَلِطَ وَ إِنْ شِئْتَ أَنْ تُطَيِّبَهُ بِشَيْءٍ مِنْ زَعْفَرَانٍ أَوْ بِشَيْءٍ مِنْ زَنْجَبِيلٍ فَافْعَلْ ثُمَّ اشْرَبْهُ وَ إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ يَطُولَ مَكْثُهُ عِنْدَكَ فَرَوِّقْهُ.

یک چهارم رطل، مویز تمیز کن و به آن دوازده رطل آب اضافه کن، سپس آن را به مدت یک شب خیس کن. اگر روزهای تابستانی باشد و بیم آن داری که بجوشد، آن را اندکی در تنور داغ بگذار تا بجوشد و دیگر خود به خود به جوش نیاید پس آب آن را بگیر وقتی که صبح شد بر آن آب اضافه کن؛ به حدی که آن را در بر گیرد. آنگاه آن را می‌جوشانی تا این که شیرین آن برود و آب آن را برای بار دوم بگیر و آب اول را بر آن اضافه کن. سپس آن را پیمانه می‌کنی و آب آن را اندازه می‌گیری. سپس یک سوم آن را پیمانه می‌کنی و در ظرفی که می‌خواهی در آن بجوشانی می‌ریزی و به اندازه‌ای که آن را در بر گیرد، آب بر آن اضافه می‌کنی که اندازه آن را با چوبی در نظر می‌گیری و آن را تا جایی که آب است، علامت می‌گذاری. سپس این یک سوم را می‌جوشانی تا آب باقی مانده تبخیر شود. سپس آن را با آتش می‌جوشانی و همین طور آن را می‌جوشانی تا این که دو سوم تبخیر شود و یک سوم بماند.

سپس برای هر یک چهارم رطل آن، یک رطل عسل می‌افزایی و آن را می‌جوشانی تا کف عسل در آن حل شود سپس با چوبی آن را محکم به هم می‌زنی تا مخلوط گردد.

اگر خواستی با مقداری زعفران و یا مقداری زنجبیل آن را خوش بو می‌سازی. سپس آن را بنوش و اگر می‌خواهی زمان زیادی داشته باشی، آن را تصفیه کن.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارٍ السَّابَاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: سُئِلَ عَنِ الزَّبِيبِ: كَيْفَ طَبْخُهُ حَتَّى يُشْرَبَ حَلَالاً؟

فَقَالَ: تَأْخُذُ رُبُعاً مِنْ زَبِيبٍ فَتُنَقِّيهِ ثُمَّ تَطْرَحُ عَلَيْهِ اثْنَيْ عَشَرَ رِطْلاً مِنْ مَاءٍ ثُمَّ تُنْقِعُهُ لَيْلَةً فَإِذَا كَانَ مِنَ الْغَدِ نَزَعْتَ سُلَافَتَهُ ثُمَّ تَصُبُّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَاءِ قَدْرَ مَا يَغْمُرُهُ ثُمَّ تُغْلِيهِ بِالنَّارِ غَلْيَةً ثُمَّ تَنْزِعُ مَاءَهُ فَتَصُبُّهُ عَلَى الْمَاءِ الْأَوَّلِ ثُمَّ تَطْرَحُهُ فِي إِنَاءٍ وَاحِدٍ جَمِيعاً ثُمَّ تُوقِدُ تَحْتَهُ النَّارَ حَتَّى يَذْهَبَ ثُلُثَاهُ وَ يَبْقَى الثُّلُثُ وَ تَحْتَهُ النَّارُ ثُمَّ تَأْخُذُ رِطْلاً مِنْ عَسَلٍ فَتُغْلِيهِ بِالنَّارِ غَلْيَةً وَ تَنْزِعُ رَغْوَتَهُ ثُمَّ تَطْرَحُهُ عَلَى الْمَطْبُوخِ ثُمَّ تَضْرِبُهُ حَتَّى يَخْتَلِطَ بِهِ وَ اطْرَحْ فِيهِ إِنْ شِئْتَ زَعْفَرَاناً وَ إِنْ شِئْتَ تُطَيِّبُهُ بِزَنْجَبِيلٍ قَلِيلٍ هَذَا.

---

۲ ـ عمّار بن موسی ساباطی نظیر این روایت را با سند دیگری از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرتش فرمود: یک چهارم رطل مویز را تمیز کن سپس دوازده رطل روی آن آب می‌ریزی سپس یک شب آن را می‌خیسانی پس هنگامی که فردا شد، عصاره (ته نشین) آن را برمی‌داری و روی آب اول می‌ریزی سپس هر دو را در یک ظرف می‌ریزی سپس زیر آن آتش روشن می‌کنی تا دو سوم آن برود و یک سوم بماند در حالی که زیر آن آتش است سپس یک رطل عسل یک جوش می‌جوشانی و کف آن را بر می‌داری سپس آن را بر روی شراب پخته می‌ریزی، سپس آن را (به هم) می‌زنی به حدی که آن مخلوط گردد و اگر خواستی زعفران در آن بریز و اگر خواستی آن را با زنجفیل اندکی خوشگوارا گردانی چنین کن.

قَالَ: فَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَقْسِمَهُ أَثْلَاثاً لِتَطْبُخَهُ فَكِلْهُ بِشَيْءٍ وَاحِدٍ حَتَّى تَعْلَمَ كَمْ هُوَ ثُمَّ اطْرَحْ عَلَيْهِ الْأَوَّلَ فِي الْإِنَاءِ الَّذِي تُغْلِيهِ فِيهِ ثُمَّ تَجْعَلُ فِيهِ مِقْدَاراً وَ حُدَّهُ حَيْثُ يَبْلُغُ الْمَاءُ ثُمَّ اطْرَحِ الثُّلُثَ الْآخَرَ ثُمَّ حُدَّهُ حَيْثُ يَبْلُغُ الْمَاءُ ثُمَّ تَطْرَحُ الثُّلُثَ الْأَخِيرَ ثُمَّ حُدَّهُ حَيْثُ يَبْلُغُ الْآخَرُ ثُمَّ تُوقِدُ تَحْتَهُ بِنَارٍ لَيِّنَةٍ حَتَّى يَذْهَبَ ثُلُثَاهُ وَ يَبْقَى ثُلُثُهُ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُوسَى بْنِ الْحَسَنِ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ قَالَ: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ علیه‌السلام قَرَاقِرَ تُصِيبُنِي فِي مَعِدَتِي وَ قِلَّةَ اسْتِمْرَائِي الطَّعَامَ فَقَالَ لِي:

لِمَ لَا تَتَّخِذُ نَبِيذاً نَشْرَبُهُ نَحْنُ وَ هُوَ يُمْرِئُ الطَّعَامَ وَ يَذْهَبُ بِالْقَرَاقِرِ وَ الرِّيَاحِ مِنَ الْبَطْنِ؟

قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: صِفْهُ لِي جُعِلْتُ فِدَاكَ!

حضرت فرمود: پس اگر خواستی آن را به سه قسمت تقسیم کنی تا آن را بپزی، آن را با یک پیمانه اندازه بگیر تا بدانی چه مقدار است، سپس آب اول را روی آن (دومی) در ظرفی که آن را می‌جوشانی، می‌ریزی سپس مقداری (یک سوم) را در آن قرار می‌دهی و آن را اندازه بگیر که آب تا کجای ظرف می‌رسد سپس یک سوم دیگر را بریز و اندازه بگیر که آب تا کجا می‌رسد سپس یک سوم آخر را بریز، سپس اندازه بگیر که آب تا کجا می‌رسد، سپس آتش ملایمی زیر آن روشن می‌کنی تا این که دو سوم آن تبخیر شود و یک سومش بماند.

۳ ـ اسماعیل بن فضل هاشمی گوید: به امام صادق علیه‌السلام از شکم پیچه‌ای که عارض معده‌ام شده بود و هم چنین عدم از هضم کامل غذایم شکایت نمودم.

به من فرمود: چرا نبیذی که ما می‌نوشیم نمی‌آشامی که غذا را هضم و شکم پیچه و باد شکم را از بین می‌برد!

عرض کردم: آن را برای من بیان کنید. فدایت شوم!

فَقَالَ لِي: تَأْخُذُ صَاعاً مِنْ زَبِيبٍ فَتُنَقِّي حَبَّهُ وَ مَا فِيهِ ثُمَّ تَغْسِلُ بِالْمَاءِ غَسْلاً جَيِّداً ثُمَّ تُنْقِعُهُ فِي مِثْلِهِ مِنَ الْمَاءِ أَوْ مَا يَغْمُرُهُ ثُمَّ تَتْرُكُهُ فِي الشِّتَاءِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ بِلَيَالِيهَا وَ فِي الصَّيْفِ يَوْماً وَ لَيْلَةً فَإِذَا أَتَى عَلَيْهِ ذَلِكَ الْقَدْرُ صَفَّيْتَهُ وَ أَخَذْتَ صَفْوَتَهُ وَجَعَلْتَهُ فِي إِنَاءٍ وَ أَخَذْتَ مِقْدَارَهُ بِعُودٍ ثُمَّ طَبَخْتَهُ طَبْخاً رَفِيقاً حَتَّى يَذْهَبَ ثُلُثَاهُ وَ يَبْقَى ثُلُثُهُ ثُمَّ تَجْعَلُ عَلَيْهِ نِصْفَ رِطْلِ عَسَلٍ وَ تَأْخُذُ مِقْدَارَ الْعَسَلِ ثُمَّ تَطْبُخُهُ حَتَّى تَذْهَبَ تِلْكَ الزِّيَادَةُ ثُمَّ تَأْخُذُ زَنْجَبِيلاً وَ خُولِنْجَاناً وَ دَارَصِينِيَّ وَ الزَّعْفَرَانَ وَقَرَنْفُلاً وَ مَصْطَكَى وَ تَدُقُّهُ وَ تَجْعَلُهُ فِي خِرْقَةٍ رَقِيقَةٍ وَ تَطْرَحُهُ فِيهِ وَ تُغْلِيهِ مَعَهُ غَلْيَةً ثُمَّ تُنْزِلُهُ فَإِذَا بَرَدَ صَفَّيْتَهُ وَ أَخَذْتَ مِنْهُ عَلَى غَدَائِكَ وَ عَشَائِكَ.

قَالَ: فَفَعَلْتُ فَذَهَبَ عَنِّي مَا كُنْتُ أَجِدُهُ وَ هُوَ شَرَابٌ طَيِّبٌ لَا يَتَغَيَّرُ إِذَا بَقِيَ إِنْ شَاءَ اللهُ.

حضرت فرمود: یک چهارم رطل، مویز تمیز کن و به آن دوازده رطل آب اضافه کن، سپس آن را به مدت یک شب خیس کن. اگر روزهای تابستانی باشد و بیم آن داری که بجوشد، آن را اندکی در تنور داغ بگذار تا بجوشد و دیگر خود به خود به جوش نیاید آن گاه آب را بگیر و قتی که صبح شد بر آن آب اضافه کن، به حدی که آن را در بر گیرد. آنگاه آن را می‌جوشانی تا اینکه شیرین‌اش برود و آب آن را برای بار دوم بگیر و آب اول را بر آن اضافه کن. سپس آن را پیمانه می‌کنی و آب آن را اندازه می‌گیری. سپس یک سوم آن را پیمانه می‌کنی و در ظرفی که می‌خواهی در آن بجوشانی می‌ریزی و به اندازه‌ای که آن را در بر گیرد، آب بر آن اضافه می‌کنی که اندازه آن را با چوبی در نظر می‌گیری. و آن را تا جایی که آب است، علامت می‌گذاری. سپس این یک سوم را می‌جوشانی تا آب باقی مانده تبخیر شود. سپس آن را با آتش می‌جوشانی و همین طور آن را می‌جوشانی تا این که دو سوم تبخیر شود و یک سوم بماند.

سپس برای هر یک چهارم رطل آن، یک رطل عسل می‌افزایی و آن را می‌جوشانی تا کف عسل در آن حل شود سپس با چوبی آن را محکم به هم، می‌زنی تا مخلوط گردد.

و اگر خواستی با مقداری زعفران و یا مقداری زنجبیل آن را خوش بو می‌سازی.

سپس آن را بنوش و اگر می‌خواهی زمان زیادی داشته باشی، آن را تصفیه کن.

اسماعیل گوید: من به دستور حضرت عمل نمودم و آن درد و بیماری‌هایی که عارض من شده بود برطرف شد و آن نبیذ نوشیدنی پاکیزه‌ای است که تا زمانی که باقی بماند فاسد نیز نخواهد شد؛ ان شاء الله.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام بَعْضَ الْوَجَعِ وَ قُلْتُ:

إِنَّ الطَّبِيبَ وَصَفَ لِي شَرَاباً آخُذُ الزَّبِيبَ وَ أَصُبُّ عَلَيْهِ الْمَاءَ لِلْوَاحِدِ اثْنَيْنِ ثُمَّ أَصُبُّ عَلَيْهِ الْعَسَلَ ثُمَّ أَطْبُخُهُ حَتَّى يَذْهَبَ ثُلُثَاهُ وَ يَبْقَى الثُّلُثُ.

فَقَالَ: أَ لَيْسَ حُلْواً؟

قُلْتُ: بَلَى.

قَالَ: اشْرَبْهُ.

وَ لَمْ أُخْبِرْهُ كَمِ الْعَسَلُ.

---

۴ ـ اسحاق بن عمّار گوید:

به امام صادق عليه‌السلام از برخی بیماری‌ها شکایت نمودم وعرض کردم: طبیب برای من نوشیدنی تجویز کرده به این صورت که روی هر پیمانه مویز، دو پیمانه آب بریزم. سپس روی آن عسل بریزم، سپس آن را بپزم تا این که دو سوم آن برود و یک سوم بماند.

فرمود: آیا شیرین نیست؟

عرض کردم: آری.

فرمود: آن را بنوش.

اسحاق گوید: من به حضرت عليه‌السلام خبر ندادم که عسل چه مقدار است.

(۳۲)
بَابٌ فِي الْأَشْرِبَةِ أَيْضاً

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ أَحْمَدَ الْمَكْفُوفِ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَيْهِ يَعْنِي أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ عليه السلام أَسْأَلُهُ عَنِ السِّكَنْجَبِينِ وَ الْجُلَّابِ وَ رُبِّ التُّوتِ وَ رُبِّ التُّفَّاحِ وَ رُبِّ السَّفَرْجَلِ وَ رُبِّ الرُّمَّانِ فَكَتَبَ: حَلَالٌ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ أَحْمَدَ الْمَكْفُوفِ قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام أَسْأَلُهُ عَنْ أَشْرِبَةٍ تَكُونُ قِبَلَنَا السِّكَنْجَبِينِ وَ الْجُلَّابِ وَ رُبِّ التُّوتِ وَ رُبِّ الرُّمَّانِ وَ رُبِّ السَّفَرْجَلِ وَ رُبِّ التُّفَّاحِ إِذَا كَانَ الَّذِي يَبِيعُهَا غَيْرَ عَارِفٍ وَ هِيَ تُبَاعُ فِي أَسْوَاقِنَا.

فَكَتَبَ: جَائِزٌ لَا بَأْسَ بِهَا.

بخش سی و دوم
باز هم در مورد نوشیدنی‌ها

۱ ـ جعفر بن احمد مکفوف گوید:

به امام کاظم عليه السلام نامه نوشتم تا در خصوص سکنجبین، گلاب، ربّ توت، ربّ سیب، ربّ به و ربّ انار سؤال کنم.

حضرت عليه السلام در جواب نامه نوشت: حلال است.

۲ ـ جعفر بن احمد مکفوف گوید:

به امام کاظم عليه السلام نامه نوشتم تا از ایشان درباره نوشیدنی‌هایی که در نزد ما وجود دارد نظیر سکنجبین، گلاب، ربّ توت، ربّ انار، ربّ به و رب سیب سؤال کنم و هم چنین از حکم فروشنده آن اگر شیعه نباشد؛ در حالی که در بازارهای ما خرید و فروش می‌شود بپرسم.

امام عليه السلام در جواب نامه نوشت: جایز است و ایرادی ندارد.

٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ خَلِيلَانَ بْنِ هِشَامٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! عِنْدَنَا شَرَابٌ يُسَمَّى الْمَيْبَةَ نَعْمِدُ إِلَى السَّفَرْجَلِ فَنَقْشِرُهُ وَ نُلْقِيهِ فِي الْمَاءِ ثُمَّ نَعْمِدُ إِلَى الْعَصِيرِ فَنَطْبُخُهُ عَلَى الثُّلُثِ ثُمَّ نَدُقُّ ذَلِكَ السَّفَرْجَلَ وَ نَأْخُذُ مَاءَهُ ثُمَّ نَعْمِدُ إِلَى مَاءِ هَذَا الْمُثَلَّثِ وَ هَذَا السَّفَرْجَلِ فَنُلْقِي فِيهِ الْمِسْكَ وَ الْأَفَاوِيَ وَ الزَّعْفَرَانَ وَ الْعَسَلَ فَنَطْبُخُهُ حَتَّى يَذْهَبَ ثُلُثَاهُ وَ يَبْقَى ثُلُثُهُ أَ يَحِلُّ شُرْبُهُ؟

فَكَتَبَ: لَا بَأْسَ بِهِ مَا لَمْ يَتَغَيَّرْ.

(٣٣)

بَابُ الْأَوَانِي يَكُونُ فِيهَا الْخَمْرُ ثُمَّ يُجْعَلُ فِيهَا الْخَلُّ أَوْ يُشْرَبُ بِهَا

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الدَّنِّ يَكُونُ فِيهِ الْخَمْرُ هَلْ يَصْلُحُ أَنْ يَكُونَ فِيهِ خَلٌّ أَوْ مَاءٌ أَوْ كَامَخٌ أَوْ زَيْتُونٌ؟

---

٣ ـ خليلان بن هشام گويد: به حضور امام كاظم عليه السلام نوشتم: فدايت شوم! نزد ما نوشيدنى است به نام «ميبه» كه براى درست كردن آن پوست به را مى‌گيريم، و آن را در آب مى‌اندازيم. سپس شيره‌اى را مى‌جوشانيم تا يک سوم آن باقى بماند آن گاه آن به را مى‌كوبيم و آب آن را مى‌گيريم بعد آب آن شيره كه يک سوم شده و آن به را برمى‌داريم و در آن مشک، ادويه، زعفران و عسل مى‌ريزيم. آن گاه آن را مى‌جوشانيم تا اين كه دو سوم آن برود و يک سوم بماند. آيا نوشيدن آن جايز است؟

امام عليه السلام در پاسخ نامه نوشت: ايرادى ندارد؛ تا هنگامى كه تغيير نكند.

بخش سى و سوم
ظرفى كه قبلاً در آن شراب بوده و اكنون در آن سركه است و يا از آن مى‌نوشند

١ ـ عمّار بن موسى گويد: از امام صادق عليه السلام پرسيدم: آيا خُمى كه در آن شراب بوده مى‌توان در آن سركه، آب، آبكامه [1] يا زيتون قرار داد؟

---

١ ـ آبكامه نوعى خورش را گويند.

قَالَ: إِذَا غُسِلَ فَلَا بَأْسَ.
وَ عَنِ الْإِبْرِيقِ وَ غَيْرِهِ يَكُونُ فِيهِ الْخَمْرُ أَ يَصْلُحُ أَنْ يَكُونَ فِيهِ مَاءٌ؟
قَالَ: إِذَا غُسِلَ فَلَا بَأْسَ.
وَ قَالَ: فِي قَدَحٍ أَوْ إِنَاءٍ يُشْرَبُ فِيهِ الْخَمْرُ قَالَ:
تَغْسِلُهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.
سُئِلَ: أَ يُجْزِيهِ أَنْ يُصَبَّ الْمَاءُ فِيهِ؟
قَالَ: لَا يُجْزِيهِ حَتَّى يَدْلُكَهُ بِيَدِهِ وَ يَغْسِلَهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.
۲ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ حَفْصٍ الْأَعْوَرِ قَالَ:
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام: الدَّنُّ تَكُونُ فِيهِ الْخَمْرُ ثُمَّ يُجَفَّفُ يُجْعَلُ فِيهِ الْخَلُّ؟
قَالَ: نَعَمْ.

فرمود: هنگامی که آن شسته شود، ایرادی ندارد.

ودر باره آفتابه وظرف دیگری که در آن شراب بوده است پرسیدم که آیا می‌توان در آن آب ریخت؟

فرمود: زمانی که شسته شود، ایرادی ندارد.

ودربارهٔ پیاله یا ظرفی که در آن شراب نوشیده شده، فرمود: سه بار آن را بشوی.

پرسیدند: آیا در آن آب بریزند کفایت می‌کند؟

فرمود: کفایت نمی‌کند تا این که با دستش آن را بمالد وسه بار آن را آب بکشد.

۲ ـ حفص اعور گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: خم بزرگی که در آن شراب بوده اینک خشک شده آیا می‌توان در آن سرکه قرار داد؟

فرمود: آری.

(٣٤)
بَابُ الْخَمْرِ تُجْعَلُ خَلّاً

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنِ الْخَمْرِ يُصْنَعُ فِيهَا الشَّيْءُ حَتَّى تُحَمَّضَ.

قَالَ: إِذَا كَانَ الَّذِي صُنِعَ فِيهَا هُوَ الْغَالِبُ عَلَى مَا صُنِعَ فِيهِ فَلَا بَأْسَ بِهِ.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ وَ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْخَمْرِ الْعَتِيقَةِ تُجْعَلُ خَلّاً.

قَالَ: لَا بَأْسَ.

٣ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَأْخُذُ الْخَمْرَ فَيَجْعَلُهَا خَلّاً.

قَالَ: لَا بَأْسَ.

بخش سى و چهارم
دگرگونى شراب به سركه

۱ ـ ابوبصير گويد: از امام صادق عليه السلام پرسيدم: اگر داخل شراب، چاشنى سركه بريزند تا آن را ترش كند و به سركه تبديل شود، آن شراب چه حكمى دارد؟

فرمود: اگر آن شرابى كه چاشنى در آن به كار مى‌رود، بر خود چاشنى غالب باشد، مانعى ندارد.

۲ ـ زراره گويد: به امام صادق عليه السلام گفتم: حكم شرابى را كه كهنه كنند تا به سركه تبديل شود، چگونه است؟

فرمود: مانعى ندارد.

۳ ـ عبيد بن زراره گويد: از امام صادق عليه السلام پرسيدم: اگر كسى شراب بگيرد و آن را به سركه تبديل كند چه صورت دارد؟

فرمود: مانعى ندارد.

٤ ـ عَنْهُ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام عَنِ الْخَمْرِ تُجْعَلُ خَلًّا قَالَ:

لَا بَأْسَ إِذَا لَمْ يُجْعَلْ فِيهَا مَا يَغْلِبُهَا.

(۳۵)

بَابُ النَّوَادِرِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَيْثَمَةَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام وَ عِنْدَهُ نِسَاؤُهُ قَالَ: فَشَمَّ رَائِحَةَ النَّضُوحِ فَقَالَ: مَا هَذَا؟

قَالُوا: نَضُوحٌ يُجْعَلُ فِيهِ الصَّيَّاحُ.

قَالَ: فَأَمَرَ بِهِ فَأُهَرِيقَ فِي الْبَالُوعَةِ.

---

۴ ـ ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: اگر شراب را به سرکه تبدیل کنند، حلال است؟

فرمود: در صورتی که چاشنی آن بیش از شراب نباشد، اشکالی ندارد.

بخش سی و پنجم
چند روایت نکته‌دار

۱ ـ عیثمه گوید:

خدمت امام صادق عليه‌السلام شرف‌یاب شدم. آن گاه حضرت بوی نضوح [۱] استشمام نمود.

فرمود: این چیست؟

گفتند: نضوح است که در آن صَیّاح [۲] به کار رفته است.

حضرت عليه‌السلام دستور داد آن را در چاه ریختند.

---

۱ و ۲ ـ نوعی عطر هستند.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: سُئِلَ عَنِ الْمَائِدَةِ إِذَا شُرِبَ عَلَيْهَا الْخَمْرُ أَوْ مُسْكِرٌ.

فَقَالَ عليه السلام: حُرِّمَتِ الْمَائِدَةُ.

وَ سُئِلَ عليه السلام: فَإِنْ أَقَامَ رَجُلٌ عَلَى مَائِدَةٍ مَنْصُوبَةٍ يَأْكُلُ مِمَّا عَلَيْهَا وَ مَعَ الرَّجُلِ مُسْكِرٌ وَ لَمْ يَسْقِ أَحَداً مِمَّنْ عَلَيْهَا بَعْدُ؟

فَقَالَ: لَا تُحَرَّمُ حَتَّى يُشْرَبَ عَلَيْهَا وَ إِنْ وُضِعَ بَعْدَ مَا يُشْرَبُ فَالُوذَجٌ فَكُلْ، فَإِنَّهَا مَائِدَةٌ أُخْرَى ـ يَعْنِي: كُلِ الْفَالُوذَجَ.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْكَاتِبِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: أَقْبَلَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَنَظَرَ إِلَيْهِ قَوْمٌ مِنْ قُرَيْشٍ فَقَالُوا: مَنْ هَذَا؟ فَقِيلَ لَهُمْ: إِمَامُ أَهْلِ الْعِرَاقِ.

فَقَالَ بَعْضُهُمْ: لَوْ بَعَثْتُمْ إِلَيْهِ بِبَعْضِكُمْ يَسْأَلُهُ.

---

۲ ـ عمّار بن موسی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدند: هرگاه کنار سفره‌ای شراب و یا ماده مست کننده‌ای بنوشند، آن سفره چه حکمی دارد؟

فرمود: آن سفره حرام می‌شود.

پرسیدند: اگر شخصی بر سر سفره‌ای که پهن شده است حاضر شود و از آن چه که روی سفره است بخورد و همراهش ماده مست کننده‌ای باشد، اما هنوز آن را به کسی نداده است، چه حکمی دارد؟

فرمود: حرام نیست تا این که روی آن سفره بنوشد و اگر پس از آن که ماده مست کننده را نوشید، روی سفره فالوده‌ای نهادند بخور، زیرا آن سفره دیگری است.

۳ ـ پدر احمد بن اسماعیل کاتب گوید: امام باقر عليه السلام به مسجدالحرام آمد. گروهی از قریش ایشان را مشاهده نمودند وگفتند: او کیست؟

به آنان گفته شد: پیشوای اهل عراق است.

برخی از آنان گفتند: ای کاش عده‌ای از قریش را نزد او می‌فرستادید، تا از ایشان برخی مسائل را بپرسد.

فَأَتَاهُ شَابٌّ مِنْهُمْ فَقَالَ لَهُ: يَا ابْنَ عَمٍّ! مَا أَكْبَرُ الْكَبَائِرِ؟

قَالَ: شُرْبُ الْخَمْرِ.

فَأَتَاهُمْ فَأَخْبَرَهُمْ فَقَالُوا لَهُ: عُدْ إِلَيْهِ.

فَعَادَ إِلَيْهِ فَقَالَ لَهُ: أَ لَمْ أَقُلْ لَكَ يَا ابْنَ أَخٍ! شُرْبُ الْخَمْرِ؟

فَأَتَاهُمْ فَأَخْبَرَهُمْ فَقَالُوا لَهُ: عُدْ إِلَيْهِ.

فَلَمْ يَزَالُوا بِهِ حَتَّى عَادَ إِلَيْهِ فَسَأَلَهُ فَقَالَ لَهُ:

أَ لَمْ أَقُلْ لَكَ يَا ابْنَ أَخٍ! شُرْبُ الْخَمْرِ؟ إِنَّ شُرْبَ الْخَمْرِ يُدْخِلُ صَاحِبَهُ فِي الزِّنَا وَ السَّرِقَةِ وَ قَتْلِ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللهُ وَ فِي الشِّرْكِ بِاللهِ وَ أَفَاعِيلُ الْخَمْرِ تَعْلُو عَلَى كُلِّ ذَنْبٍ كَمَا يَعْلُو شَجَرُهَا عَلَى كُلِّ الشَّجَرِ.

٤ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

آن گاه جوانی از آنان نزد حضرت عليه السلام آمد و به ایشان گفت: ای پسر عمو! بزرگ‌ترین گناه کبیره چیست؟

فرمود: نوشیدن شراب.

جوان به نزد آن گروه آمد و آنان را آگاه نمود.

آنان به او گفتند: نزد او برگرد.

او به خدمت حضرت عليه السلام برگشت و دوباره از ایشان سؤال نمود.

حضرت عليه السلام به او فرمود: ای پسر برادر! مگر به تو نگفتم که بزرگ‌ترین گناه کبیره نوشیدن شراب است؟! نوشیدن شراب، شراب خوار را در زنا، دزدی، کشتن جانی که خداوند حرام کرده و در شِرک داخل می‌کند و آثار شراب بر هر گناهی فراتر می‌رود؛ همان طور که درخت آن بر همه درخت‌های دیگر فراتر می‌رود.

۴ ـ جابر گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

لَعَنَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله فِي الْخَمْرِ عَشَرَةً: غَارِسَهَا وَ حَارِسَهَا وَ بَائِعَهَا وَ مُشْتَرِيَهَا وَشَارِبَهَا وَ الْآكِلَ ثَمَنَهَا وَ عَاصِرَهَا وَ حَامِلَهَا وَ الْمَحْمُولَةَ إِلَيْهِ وَ سَاقِيَهَا.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ الْبَرْقِيِّ رَفَعَهُ عَنْ حَفْصٍ الْأَعْوَرِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام: إِنِّي آخُذُ الرَّكْوَةَ فَيُقَالُ: إِنَّهُ إِذَا جُعِلَ فِيهَا الْخَمْرُ جُعِلَ فِيهَا الْبُخْتُجُ كَانَ أَطْيَبَ لَهَا فَيَأْخُذُ الرَّكْوَةَ فَيَجْعَلُ فِيهَا الْخَمْرَ فَتُخَضْخِضُهُ ثُمَّ يَصُبُّهُ ثُمَّ يَجْعَلُ فِيهَا الْبُخْتُجَ.

فَقَالَ عليه السلام: لَا بَأْسَ.

٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ عِنْدَ أَبِي قَوْمٌ فَاخْتَلَفُوا فِي النَّبِيذِ، فَقَالَ بَعْضُهُمْ: الْقَدَحُ الَّذِي يُسْكِرُ هُوَ حَرَامٌ فَقَالَ بَعْضُهُمْ: قَلِيلُ مَا أَسْكَرَ وَ كَثِيرُهُ حَرَامٌ. فَرَدُّوا الْأَمْرَ إِلَى أَبِي، فَقَالَ أَبِي: أَ رَأَيْتُمُ الْقِسْطَ لَوْ لَا مَا يُطْرَحُ فِيهِ أَوَّلاً كَانَ يَمْتَلِئُ؟ وَ كَذَلِكَ الْقَدَحُ الْآخَرُ لَوْ لَا الْأَوَّلُ مَا أَسْكَرَ.

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله در مورد شراب ده نفر را لعنت نمود: کسی که نهال آن را می‌کارد، کسی که از نهال آن نگهبانی می‌کند، فروشندهٔ شراب، خریدار آن، نوشندهٔ آن، مصرف کننده قیمت آن، کسی که شراب را می‌فشارد، حمل کننده شراب، کسی که شراب را نزد او می‌آورند و ساقی شراب.

۵ ـ حفص اعور گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: من مشک خریداری می‌کنم وگفته می‌شود که «هرگاه در مشک، شراب و پس از آن دوشاب بریزند، برای مشک پاکیزه‌تر است» آیا می‌توان مشک را گرفت و در آن شراب نهاد و آن را تکان داد، سپس آن را بریزند سپس دوشاب داخل آن را بریزند.

فرمود: ایرادی ندارد.

۶ ـ مسعدة بن صدقه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

گروهی در خدمت پدرم بودند و در مورد نبیذ اختلاف پیدا کردند.

بعضی از آنان گفتند: پیاله‌ای که مستی بیاورد حرام است.

و بعضی گفتند: اندک و فراوان چیزی که مست کننده باشد حرام است.

پدرم فرمود: آیا ترازو را دیده‌اید، آیا اگر در ابتدا چیزی در آن گذارده نشود، پُر می‌شود؟! پیاله آخر نیز همین حکم را دارد، اگر پیاله اول نبود، پیاله دوم مستی نمی‌آورد.

قَالَ: ثُمَّ قَالَ عليه‌السلام: إِنَّ رَسُولَ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله قَالَ:

مَنْ أَدْخَلَ عِرْقاً وَاحِداً مِنْ عُرُوقِهِ قَلِيلَ مَا أَسْكَرَ كَثِيرُهُ عَذَّبَ اللهُ ذَلِكَ الْعِرْقَ بِثَلَاثِمِائَةٍ وَ سِتِّينَ نَوْعاً مِنْ أَنْوَاعِ الْعَذَابِ.

۷ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ غِيَاثٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام كَرِهَ أَنْ تُسْقَى الدَّوَابُّ الْخَمْرَ.

۸ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

مَنْ تَرَكَ الْخَمْرَ لِغَيْرِ اللهِ عزّوجلّ سَقَاهُ اللهُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ.

قَالَ: قُلْتُ: فَيَتْرُكُهُ لِغَيْرِ وَجْهِ اللهِ؟!

قَالَ: نَعَمْ صِيَانَةً لِنَفْسِهِ.

آن گاه فرمود: پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

هر کس در یکی از رگ‌های خود مقدار اندکی از چیزی که فراوانِ آن مست کننده است وارد نماید، خداوند آن رگ را به سیصد و شصت نوع عذاب، عذاب می‌کند.

۷ ـ غیاث گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی عليه‌السلام مکروه داشت که به چارپایان شراب نوشانده شود.

۸ ـ راوی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هر کس به خاطر غیر خداوند شراب را ترک کند، خداوند از رحیق مختوم به او خواهد نوشاند.

گفتم: به خاطر غیر خداوند آن را ترک نماید؟!

فرمود: آری؛ به خاطر حفظ نَفْسش.

۹ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللهِ عَنْ مِهْزَمٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:
مَنْ تَرَكَ الْخَمْرَ صِيَانَةً لِنَفْسِهِ سَقَاهُ اللهُ عزّ وجلّ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ.

(۳٦)

بَابُ الْغِنَاءِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللهِ عزّ وجلّ: ﴿**فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ**﴾.
قَالَ: الْغِنَاءُ.

۲ ـ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: الْغِنَاءُ عُشُّ النِّفَاقِ.

---

۹ ـ مهزم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: هر کس شراب را به خاطر حفظ نَفْس خود ترک نماید، خداوند او را از رحیق مختوم خواهد نوشاند.

بخش سی و ششم

آواز و غنا

۱ ـ ابو بصیر گوید:
از امام صادق عليه السلام درباره آیه شریفهٔ: «پس از بت‌های پلید و سخن باطل بپرهیزید» پرسیدم.
فرمود: منظور از «سخن باطل» همان غنا است.
۲ ـ ابو اسامه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
غنا لانهٔ نفاق است.

٣ ـ عَنْهُ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام:

لَمَّا مَاتَ آدَمُ عليه‌السلام وَ شَمِتَ بِهِ إِبْلِيسُ وَ قَابِيلُ فَاجْتَمَعَا فِي الْأَرْضِ فَجَعَلَ إِبْلِيسُ وَ قَابِيلُ الْمَعَازِفَ وَ الْمَلَاهِيَ شَمَاتَةً بِآدَمَ عليه‌السلام فَكُلُّ مَا كَانَ فِي الْأَرْضِ مِنْ هَذَا الضَّرْبِ الَّذِي يَتَلَذَّذُ بِهِ النَّاسُ فَإِنَّمَا هُوَ مِنْ ذَاكَ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

الْغِنَاءُ مِمَّا وَعَدَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ النَّارَ ـ وَ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ ـ ﴿وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُواً أُولٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ﴾.

٥ ـ ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مِهْرَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

الْغِنَاءُ مِمَّا قَالَ اللهُ: ﴿وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللهِ﴾.

---

۳ ـ سماعه گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هنگامی که حضرت آدم عليه‌السلام وفات نمود، ابلیس و قابیل از آن خوشحال شدند. آن گاه در زمین گرد هم آمدند و شروع به نواختن ساز و آلات پرداختند. پس هر چه که در زمین است از این گونه‌ای که مردم از آن لذت می‌برند، از همین ماجرا است.

۴ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام باقر عليه‌السلام فرمود:

غنا و آوازه خوانی از گناهان کبیره است که خداوند متعال خواننده و شنوندهٔ آن را وعدهٔ دوزخ داده است. امام باقر عليه‌السلام این آیه را تلاوت کرد: «برخی از مردم، خریدار سخن بیهوده‌اند تا دیگران را سرگرم کنند و ندانسته از راه خدا سرگشته سازند، و سخن خدا را به بازی بگیرد. برای آنان عذاب خوار کننده مهیا است».

۵ ـ مهران بن محمد گوید :از امام صادق عليه‌السلام شنیدم که می‌فرمود: غنا و آوازه خوانی از آن است که خدا فرموده: «برخی از مردم سخنان بیهوده می‌خرند تا دیگران را از راه خدا گمراه سازند».

٦ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ فِي قَوْلِهِ عزّوجلّ: ﴿وَ الَّذِينَ لا يَشْهَدُونَ الزُّورَ﴾.

قَالَ: الْغِنَاءُ.

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

أَنْهَاكُمْ عَنِ الزَّفْنِ وَ الْمِزْمَارِ وَ عَنِ الْكُوبَاتِ وَ الْكَبَرَاتِ.

٨ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْوَشَّاءِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام يَقُولُ:

سُئِلَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنِ الْغِنَاءِ فَقَالَ:

هُوَ قَوْلُ اللهِ عزّوجلّ: ﴿وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللهِ﴾.

---

۶ ـ ابو صبّاح گوید: امام صادق عليه السلام دربارهٔ این آیه که فرمود «و آنان که به باطل گواهی نمی‌دهند»، فرمود: منظور غنا و آوازه خوانی است.

۷ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

من شما را از رقص، نی زدن، دایره زدن و طبل زدن نهی می‌کنم.

۸ ـ وشّاء گوید: از امام رضا عليه السلام شنیدم که می‌فرمود: از امام صادق عليه السلام دربارهٔ غنا و آوازه خوانی پرسیدند.

فرمود: منظور از آن، همان گفتار خداوند است که می‌فرماید: «و برخی از مردم سخنان بیهوده را می‌خرند تا دیگران را از راه خدا گمراه سازند».

٩ ـ سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ قَالَ: نَزَلْنَا الْمَدِينَةَ فَأَتَيْنَا أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام فَقَالَ لَنَا: أَيْنَ نَزَلْتُمْ؟

فَقُلْنَا: عَلَى فُلَانٍ صَاحِبِ الْقِيَانِ.

فَقَالَ: كُونُوا كِرَاماً.

فَوَ اللهِ! مَا عَلِمْنَا مَا أَرَادَ بِهِ وَ ظَنَنَّا أَنَّهُ يَقُولُ: «تَفَضَّلُوا عَلَيْهِ».

فَعُدْنَا إِلَيْهِ فَقُلْنَا: إِنَّا لَا نَدْرِي مَا أَرَدْتَ بِقَوْلِكَ: «كُونُوا كِرَاماً».

فَقَالَ: أَ مَا سَمِعْتُمْ قَوْلَ اللهِ عزّوجلّ فِي كِتَابِهِ: ﴿وَ إِذٰا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرٰاماً﴾؟!

١٠ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي! إِنَّنِي أَدْخُلُ كَنِيفاً لِي وَ لِي جِيرَانٌ عِنْدَهُمْ جَوَارٍ يَتَغَنَّيْنَ وَ يَضْرِبْنَ بِالْعُودِ فَرُبَّمَا أَطَلْتُ الْجُلُوسَ اسْتِمَاعاً مِنِّي لَهُنَّ.

فَقَالَ: لَا تَفْعَلْ.

فَقَالَ الرَّجُلُ: وَ اللهِ! مَا آتِيهِنَّ إِنَّمَا هُوَ سَمَاعٌ أَسْمَعُهُ بِأُذُنِي.

---

٩ ـ ابو ایّوب خزاز گوید: روزی وارد مدینه شدیم پس نزد امام صادق عليه السلام رفتیم، حضرت فرمود: کجا فرود آمده‌اید؟

گفتیم: خانه فلانی صاحب زنان آوازه خوان.

فرمود: بزرگوار باشید.

به خدا سوگند! ما متوجه نشدیم منظور حضرت چیست و پنداشتیم که می‌فرمایند: «بر او نیکی کنید» از این رو خدمت آن حضرت بازگشتیم وگفتیم: ما متوجه سخن شما نشدیم. فرمود: مگر سخن خدا را در قرآن نشنیده‌اید که می‌فرماید: «و آن گاه که با لغو و بیهودگی برخورد کنند، بزرگوارانه از کنار آن می‌گذرند».

١٠ ـ مسعدة بن زیاد گوید: خدمت امام صادق عليه السلام بودم که مردی گفت: پدر و مادرم به فدای شما! وقتی وارد مستراح خانه‌ام می‌شوم گاهی بیشتر در آن جا توقف می‌کنم تا صدای کنیزان آوازه خوان همسایه را که تار می‌زنند بشنوم.

فرمود: چنین نکن!

آن مرد گفت: به خدا سوگند! من نزد آنها نمی‌روم، فقط صدایشان را با گوشم می‌شنوم.

فَقَالَ: لِلّٰهِ أَنْتَ! أَ مَا سَمِعْتَ اللّٰهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: ﴿إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ كُلُّ أُولٰئِكَ كٰانَ عَنْهُ مَسْؤُلاً﴾؟

فَقَالَ: بَلَى وَ اللّٰهِ! لَكَأَنِّي لَمْ أَسْمَعْ بِهَذِهِ الْآيَةِ مِنْ كِتَابِ اللّٰهِ مِنْ أَعْجَمِيٍّ وَ لَا عَرَبِيٍّ لَا جَرَمَ أَنَّنِي لَا أَعُودُ إِنْ شَاءَ اللّٰهُ وَ أَنِّي أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ.

فَقَالَ لَهُ: قُمْ فَاغْتَسِلْ وَ سَلْ مَا بَدَا لَكَ فَإِنَّكَ كُنْتَ مُقِيماً عَلَى أَمْرٍ عَظِيمٍ مَا كَانَ أَسْوَأَ حَالَكَ لَوْ مِتَّ عَلَى ذَلِكَ احْمَدِ اللّٰهَ وَ سَلْهُ التَّوْبَةَ مِنْ كُلِّ مَا يَكْرَهُ فَإِنَّهُ لَا يَكْرَهُ إِلَّا كُلَّ قَبِيحٍ وَ الْقَبِيحَ دَعْهُ لِأَهْلِهِ فَإِنَّ لِكُلٍّ أَهْلاً.

۱۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عِمْرَانَ الزَّعْفَرَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَجَاءَ عِنْدَ تِلْكَ النِّعْمَةِ بِمِزْمَارٍ فَقَدْ كَفَرَهَا وَ مَنْ أُصِيبَ بِمُصِيبَةٍ فَجَاءَ عِنْدَ تِلْكَ الْمُصِيبَةِ بِنَائِحَةٍ فَقَدْ كَفَرَهَا.

فرمود: تو را به خدا! مگر سخن خداوند متعال را نشنیده‌ای که می‌فرماید: «همانا گوش، چشم و دل همه مسئول هستند»؟

گفت: آری به خدا سوگند! گویی این آیه از قرآن را از هیچ عجم و عربی نشنیده بودم؛ ان شاء الله دیگر چنین نخواهم کرد و من از خدا آمرزش می‌خواهم.

حضرت به او فرمود: برخیز غسل کن و هر چه می‌خواهی از خدا بخواه، چرا که تو به کار بزرگی مرتکب می‌شدی. چقدر حالت بد می‌شد اگر با این حال می‌مردی خدا را سپاس گوی و از هر کار ناپسندی توبه کن؛ چرا که او از هرکار زشت ناخرسند است و کار زشت را به اهلش واگذار، چرا که برای هر کاری اهلی است.

۱۱ ـ عمران زعفرانی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند به هر که نعمتی ارزانی دارد و او در برابر این نعمت تار بزند به آن نعمت کفران کرده است و هر که گرفتار مصیبتی گردد و در این هنگام به نوحه‌گری مشغول شود به آن مصیبت کفر ورزیده است.

۱۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام عَنِ الْغِنَاءِ وَ قُلْتُ: إِنَّهُمْ يَزْعُمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله رَخَّصَ فِي أَنْ يُقَالَ: «جِئْنَاكُمْ جِئْنَاكُمْ حَيُّونَا حَيُّونَا نُحَيِّكُمْ».

فَقَالَ: كَذَبُوا إِنَّ اللهَ عزّوجلّ يَقُولُ: ﴿وَ مٰا خَلَقْنَا السَّمٰاوٰاتِ وَ الْأَرْضَ وَ مٰا بَيْنَهُمٰا لاٰعِبِينَ * لَوْ أَرَدْنٰا أَنْ نَتَّخِذَ لَهْواً لاَتَّخَذْنٰاهُ مِنْ لَدُنّٰا إِنْ كُنّٰا فٰاعِلِينَ * بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبٰاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذٰا هُوَ زٰاهِقٌ وَ لَكُمُ الْوَيْلُ مِمّٰا تَصِفُونَ﴾.

ثُمَّ قَالَ: وَيْلٌ لِفُلَانٍ مِمَّا يَصِفُ رَجُلٌ لَمْ يَحْضُرِ الْمَجْلِسَ.

۱۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام فِي قَوْلِ اللهِ عزّوجلّ: ﴿وَ الَّذِينَ لاٰ يَشْهَدُونَ الزُّورَ﴾.

قَالَ: هُوَ الْغِنَاءُ.

---

۱۲ ـ عبدالأعلی گوید: از امام صادق عليه‌السلام درباره غنا پرسیدم وگفتم: اهل تسنن می‌گویند که پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله اجازه داده است که چنین گفته شود: «جئناکم جئناکم حیّونا حیّونا نحیّکم».

فرمود: دروغ گفته‌اند، به راستی که خداوند متعال می‌فرماید: «ما آسمان، زمین وآن‌چه در میان آنهاست از روی بازی نیافریدیم. اگر می‌خواستم بازی قرار بدهیم چیزی از جانب خود بر می‌گزیدیم اگر این کار را انجام می‌دادیم. بلکه ما حق را بر سر باطل می‌کوبیم تا آن را نابود سازد وبدین سان باطل نابود می‌شود، وای بر شما از آن‌چه توصیف می‌کنید».

سپس فرمود: وای بر فلانی از آن چیزی که بیان می‌کند! کسی که در مجلس امام عليه‌السلام حضور نداشت.

۱۳ ـ محمّد بن مسلم وابوصباح کنانی نظیر روایت ششم را از امام صادق عليه‌السلام نقل می‌کنند.

١٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ جَرِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

إِنَّ شَيْطَاناً يُقَالُ لَهُ: «الْقَفَنْدَرُ» إِذَا ضُرِبَ فِي مَنْزِلِ رَجُلٍ أَرْبَعِينَ يَوْماً بِالْبَرْبَطِ وَ دَخَلَ عَلَيْهِ الرِّجَالُ وَضَعَ ذَلِكَ الشَّيْطَانُ كُلَّ عُضْوٍ مِنْهُ عَلَى مِثْلِهِ مِنْ صَاحِبِ الْبَيْتِ ثُمَّ نَفَخَ فِيهِ نَفْخَةً فَلَا يَغَارُ بَعْدَهَا حَتَّى تُؤْتَى نِسَاؤُهُ فَلَا يَغَارُ.

١٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلَادِ عَنْ زَيْدٍ الشَّحَّامِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

بَيْتُ الْغِنَاءِ لَا تُؤْمَنُ فِيهِ الْفَجِيعَةُ وَ لَا تُجَابُ فِيهِ الدَّعْوَةُ وَ لَا يَدْخُلُهُ الْمَلَكُ.

١٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مِهْرَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ هَارُونَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

الْغِنَاءُ مَجْلِسٌ لَا يَنْظُرُ اللهُ إِلَى أَهْلِهِ وَ هُوَ مِمَّا قَالَ اللهُ عزّوجلّ: ﴿وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللهِ﴾.

---

۱۴ ـ اسحاق بن جریر گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

شیطانی وجود دارد که به آن «قفندر» می‌گویند. هرگاه در منزلی به مدت چهل روز بربط نواخته شود ومردم وارد آن خانه شوند، این شیطان هر عضو از بدن خود را بر نظیر آن از بدن صاحب خانه می‌نهد. سپس بادی می‌دمد که دیگر پس از آن، غیرت صاحب‌خانه از بین می‌رود به حدی که همسرانش مورد تجاوز قرار می‌گیرند اما او به غیرت نمی‌آید.

۱۵ ـ زید شحّام گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: خانهٔ آواز وغنا، از فاجعهٔ خوارکننده در امان نیست. دعا در آن مستجاب نمی‌شود و فرشته به آن وارد نمی‌گردد.

۱۶ ـ حسن بن هارون گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود: خداوند به مجلس آواز خوانی نظر نمی‌افکند. غنا و آوازخوانی، از آن تفریحاتی است که خداوند عزوجل می‌گوید: «برخی، از مردم سخنان بیهوده را می‌خرند تا دیگران را از راه خدا گمراه سازند».

۱۷ ـ سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى أَوْ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي دَاوُدَ الْمُسْتَرِقِّ قَالَ:
مَنْ ضُرِبَ فِي بَيْتِهِ بَرْبَطٌ أَرْبَعِينَ يَوْماً سَلَّطَ اللهُ عَلَيْهِ شَيْطَاناً يُقَالُ لَهُ «الْقَفَنْدَرُ» فَلَا يُبْقِي عُضْواً مِنْ أَعْضَائِهِ إِلَّا قَعَدَ عَلَيْهِ فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ نُزِعَ مِنْهُ الْحَيَاءُ وَ لَمْ يُبَالِ مَا قَالَ وَ لَا مَا قِيلَ فِيهِ.

۱۸ ـ سَهْلٌ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمَدِينِيِّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: سُئِلَ عَنِ الْغِنَاءِ وَ أَنَا حَاضِرٌ فَقَالَ:
لَا تَدْخُلُوا بُيُوتاً اللهُ مُعْرِضٌ عَنْ أَهْلِهَا.

۱۹ ـ عَنْهُ عَنْ يَاسِرٍ الْخَادِمِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:
مَنْ نَزَّهَ نَفْسَهُ عَنِ الْغِنَاءِ فَإِنَّ فِي الْجَنَّةِ شَجَرَةً يَأْمُرُ اللهُ عزّوجلّ الرِّيَاحَ أَنْ تُحَرِّكَهَا فَيَسْمَعُ لَهَا صَوْتاً لَمْ يَسْمَعْ بِمِثْلِهِ وَ مَنْ لَمْ يَتَنَزَّهْ عَنْهُ لَمْ يَسْمَعْهُ.

۲۰ ـ عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبَدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْخَزَّازِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنْ كُلَيْبٍ الصَّيْدَاوِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

---

۱۷ ـ ابو داوود مسترق گوید: هرگاه چهل روز در خانهٔ کسی بربط نواخته شود، خداوند شیطانی به نام «قفندر» بر او مسلط می‌کند. قفندر عضوی از اعضای صاحب‌خانه را باقی نمی‌گذارد مگر این که روی آن می‌نشیند. هرگاه چنین شود، شرم و حیا از آن مرد برداشته می‌شود و دیگر اهمیت نمی‌دهد که چه می‌گوید و به سخنانی که در مورد او گفته می‌شود نیز اهمیت نمی‌دهد.

۱۸ ـ راوی گوید: در خدمت امام صادق عليه السلام بودم که در خصوص غنا سؤال شد.
فرمود: داخل خانه‌هایی که خداوند از آن روی‌گردان است نشوید.

۱۹ ـ یاسر خادم گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:
هر کس خود را از غنا دور نگه دارد، به راستی که در بهشت درختی است که خداوند به بادها فرمان می‌دهد که آن را تکان دهند پس صدایی به گوش می‌رسد که مانند آن شنیده نشده است. و هر کس از غنا دوری نکند آن را نمی‌شنود.

۲۰ ـ کلیب صیداوی گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

ضَرْبُ الْعِيدَانِ يُنْبِتُ النِّفَاقَ فِي الْقَلْبِ كَمَا يُنْبِتُ الْمَاءُ الْخُضْرَةَ.

۲۱ ـ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يُوسُفَ بْنِ عَقِيلٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُوسَى بْنِ حَبِيبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام قَالَ:

لَا يُقَدِّسُ اللهُ أُمَّةً فِيهَا بَرْبَطٌ يُقَعْقِعُ وَ تَائِهَةٌ تُفَجِّعُ.

۲۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ جَهْمِ بْنِ حُمَيْدٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: أَنَّى كُنْتَ.

فَظَنَنْتُ أَنَّهُ قَدْ عَرَفَ الْمَوْضِعَ فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنِّي كُنْتُ مَرَرْتُ بِفُلَانٍ فَاحْتَبَسَنِي فَدَخَلْتُ إِلَى دَارِهِ وَ نَظَرْتُ إِلَى جَوَارِيهِ.

فَقَالَ لِي: ذَلِكَ مَجْلِسٌ لَا يَنْظُرُ اللهُ عزّوجلّ إِلَى أَهْلِهِ أَمِنْتَ اللهَ عزّوجلّ عَلَى أَهْلِكَ وَمَالِكَ.

۲۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَنْبَسَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

اسْتِمَاعُ الْغِنَاءِ وَ اللَّهْوِ يُنْبِتُ النِّفَاقَ فِي الْقَلْبِ كَمَا يُنْبِتُ الْمَاءُ الزَّرْعَ.

نواختن تار، در قلب نفاق می‌رویاند همان طور که آب، سبزه را می‌رویاند.

۲۱ ـ موسی بن حبیب گوید: امام سجّاد عليه السلام فرمود:

خداوند گروهی را که در بین آنها بربط رواج دارد و آواز می‌خوانند و در عزا به افتخارات واهی افتخار می‌کنند، تقدیس نمی‌کند.

۲۲ ـ جهم بن حمید گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود: کجا بودی؟

من گمان کردم که حضرت عليه السلام از آن مکان باخبر است.

بنابراین گفتم: قربانت شوم! من از نزد فلانی عبور کردم و او مرا به خانه‌اش دعوت کرد و من وارد خانه‌اش شدم و به کنیزانش نگاه کردم.

حضرت عليه السلام به من فرمود: آن مجلسی است که خداوند به اهل آن نظر نمی‌کند. آیا خداوند را بر خانواده و اموالت امین می‌دانی؟! نمی‌ترسی که همین بلا بر سر خانواده‌ات بیاید؟!

۲۳ ـ عنبسه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: گوش دادن به غنا و آوازه خوانی و موسیقی در قلب نفاق را می‌رویاند آن سان که آب زراعت را می‌رویاند.

۲٤ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْأَرْمَنِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَصْغَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ يُؤَدِّي عَنِ اللهِ عزوجل فَقَدْ عَبَدَ اللهَ وَ إِنْ كَانَ النَّاطِقُ يُؤَدِّي عَنِ الشَّيْطَانِ فَقَدْ عَبَدَ الشَّيْطَانَ.

۲٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الرَّيَّانِ عَنْ يُونُسَ قَالَ: سَأَلْتُ الْخُرَاسَانِيَّ عليه السلام وَ قُلْتُ: إِنَّ الْعَبَّاسِيَّ ذَكَرَ أَنَّكَ تُرَخِّصُ فِي الْغِنَاءِ فَقَالَ:

كَذَبَ الزِّنْدِيقُ مَا هَكَذَا قُلْتُ لَهُ؛ سَأَلَنِي عَنِ الْغِنَاءِ فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّ رَجُلاً أَتَى أَبَا جَعْفَرٍ فَسَأَلَهُ عَنِ الْغِنَاءِ فَقَالَ:

يَا فُلَانُ! إِذَا مَيَّزَ اللهُ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ فَأَنَّى يَكُونُ الْغِنَاءُ؟

فَقَالَ: مَعَ الْبَاطِلِ.

فَقَالَ: قَدْ حَكَمْتَ.

---

۲۴ ـ حسن بن علی بن یقطین گوید: امام جواد عليه السلام فرمود:

هر کس به سخنِ گوینده‌ای گوش فرا دهد، او را عبادت کرده است. پس اگر گوینده از جانب خداوند سخن می‌گوید، به راستی که خداوند را عبادت کرده است و اگر از جانب شیطان سخن می‌گوید، به راستی که شیطان را عبادت نموده است.

۲۵ ـ یونس گوید: از امام رضا عليه السلام پرسیدم: عباسی می‌گوید که شما در باره غنا و آوازه‌خوانی اجازه داده‌اید.

فرمود: زندیق دروغ گفته است، من چنین به او نگفته‌ام، او از من درباره غنا پرسید و من به او گفتم: شخصی نزد امام باقر عليه السلام آمد و از ایشان درباره غنا پرسید.

امام باقر عليه السلام فرمود: ای فلانی! هنگامی که خداوند حق و باطل را جدا کرده است، غنا را در کدام طرف نهاده؟

آن مرد گفت: همراه باطل نهاد.

پس امام باقر عليه السلام فرمود: بنابراین خودت داوری کن.

(۳۷)
بَابُ النَّرْدِ وَ الشِّطْرَنْجِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَّادٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

النَّرْدُ وَ الشِّطْرَنْجُ وَ الْأَرْبَعَةَ عَشَرَ بِمَنْزِلَةٍ وَاحِدَةٍ وَ كُلُّ مَا قُومِرَ عَلَيْهِ فَهُوَ مَيْسِرٌ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ جَمِيعاً عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ دُرُسْتَ عَنْ زَيْدٍ الشَّحَّامِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللهِ عزوجل: ﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثانِ وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾ فَقَالَ:

الرِّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشِّطْرَنْجُ وَ قَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ مُثَنًّى الْحَنَّاطِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

بخش سی و هفتم
قمار با نرد و شطرنج

۱ ـ معمّر بن خلّاد گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

بازی با تخته نرد، شطرنج و سه پرک در یک حکم است، هر وسیله‌ای که با آن قمار شود، حرام است.

۲ ـ زید شحّام گوید: از امام صادق عليه السلام درباره فرموده خداوند: «پس از بت‌های پلید و از سخنان باطل دوری کنید» سؤال کردم.

فرمود: منظور از «بت‌های پلید» همان شطرنج است و منظور از «سخنان باطل» همان غنا است.

۳ ـ ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام: الشِّطْرَنْجُ وَ النَّرْدُ هُمَا الْمَيْسِرُ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

الشِّطْرَنْجُ مِنَ الْبَاطِلِ.

٥ ـ ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَكَمِ أَخِي هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

إِنَّ لِلّٰهِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عُتَقَاءَ مِنَ النَّارِ إِلَّا مَنْ أَفْطَرَ عَلَى مُسْكِرٍ أَوْ مُشَاحِنٍ أَوْ صَاحِبَ شَاهَيْنِ.

قَالَ: قُلْتُ: وَ أَيُّ شَيْءٍ صَاحِبُ شَاهَيْنِ؟

قَالَ: الشِّطْرَنْجُ.

امیرمؤمنان علی عليه‌السلام فرمود: شطرنج و نرد، همان قمار هستند.

۴ ـ راوی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

شطرنج از امور باطل است.

۵ ـ عمر بن یزید گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

خداوند متعال در هر شبی از شب‌های ماه رمضان جماعتی از گناه‌کاران را از آتش دوزخ آزاد می‌کند، مگر آن که با نوشابهٔ الکی روزهٔ خود را شکسته باشد و یا صاحب کینه و عداوت باشد و یا اهل شطرنج باشد.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الشِّطْرَنْجِ وَ عَنْ لُعْبَةِ شَبِيبٍ الَّتِي يُقَالُ لَهَا: لُعْبَةُ الْأَمِيرِ وَ عَنْ لُعْبَةِ الثَّلَاثِ.

فَقَالَ: أَرَأَيْتَكَ إِذَا مُيِّزَ الْحَقُّ مِنَ الْبَاطِلِ مَعَ أَيِّهِمَا يَكُونُ؟

قَالَ: قُلْتُ: مَعَ الْبَاطِلِ.

قَالَ: فَلَا خَيْرَ فِيهِ.

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: ﴿**فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ**﴾ قَالَ:

الرِّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ هُوَ الشِّطْرَنْجُ وَ قَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ.

---

۶ ـ زراره گوید:

از امام صادق عليه السلام پرسیدند: بازی با شطرنج، بازی شبیب ـ که بازی امیر گویند ـ و بازی سه پرک چه حکمی دارند؟

فرمود: اگر کارهای حق و باطل را از هم جدا سازند، این بازی‌ها در ردیف حق قرار خواهند گرفت یا در ردیف باطل؟

گفتم: در ردیف باطل.

فرمود: پس در این بازی‌ها خیری نیست.

۷ ـ نظیر روایت دوم همین بخش را شخصی از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند.

۸ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ الْقُمِّيِّ قَالَ: كُنْتُ أَنَا وَ إِدْرِيسُ أَخِي عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَقَالَ إِدْرِيسُ: جَعَلَنَا اللهُ فِدَاكَ! مَا الْمَيْسِرُ؟

فَقَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: هِيَ الشِّطْرَنْجُ.

قَالَ: فَقُلْتُ: أَمَا إِنَّهُمْ يَقُولُونَ: إِنَّهَا النَّرْدُ؟

قَالَ: وَ النَّرْدُ أَيْضاً.

۹ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ عَاصِمٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْمِيثَمِيِّ عَنْ رِبْعِيِّ بْنِ عَبْدِاللهِ عَنِ الْفُضَيْلِ قَالَ؛ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ الَّتِي يَلْعَبُ بِهَا النَّاسُ النَّرْدِ وَ الشِّطْرَنْجِ حَتَّى انْتَهَيْتُ إِلَى السُّدَّرِ فَقَالَ:

إِذَا مَيَّزَ اللهُ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ فِي أَيِّهِمَا يَكُونُ؟ قُلْتُ. مَعَ الْبَاطِلِ.

قَالَ: فَمَا لَكَ وَ لِلْبَاطِلِ؟!

---

۸ ـ عبدالملک قمی گوید: من و برادرم ادریس در خدمت امام صادق عليه السلام بودیم. ادریس عرض کرد: خداوند ما را فدای شما گرداند! قمار چیست؟

فرمود: شطرنج است.

من عرض کردم: آگاه باشید که اهل تسنن می‌گویند: «قمار، نرد است».

فرمود: نرد نیز قمار است.

۹ ـ فضل گوید: از امام صادق عليه السلام درباره آلاتی که مردم با آن بازی می‌کنند از جمله نرد، شطرنج و بازی سُدِر سؤال کردم.

فرمود: هنگامی که خداوند حق و باطل را جدا کرد، این بازی‌ها را در کدام طرف قرار داد؟

عرض کردم: همراه باطل.

فرمود: پس تو با باطل چه کار داری؟

۱۰ ـ سَهْلٌ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

يَغْفِرُ اللهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ إِلَّا لِثَلَاثَةٍ صَاحِبِ مُسْكِرٍ أَوْ صَاحِبِ شَاهَيْنِ أَوْ مُشَاحِنٍ.

۱۱ ـ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ جُنْدَبٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

الشِّطْرَنْجُ مَيْسِرٌ وَ النَّرْدُ مَيْسِرٌ.

۱۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى قَالَ: دَخَلَ رَجُلٌ مِنَ الْبَصْرِيِّينَ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام فَقَالَ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنِّي أَقْعُدُ مَعَ قَوْمٍ يَلْعَبُونَ بِالشِّطْرَنْجِ وَ لَسْتُ أَلْعَبُ بِهَا وَ لَكِنْ أَنْظُرُ؟

فَقَالَ: مَا لَكَ وَ لِمَجْلِسٍ لَا يَنْظُرُ اللهُ إِلَى أَهْلِهِ؟!

۱۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الشِّطْرَنْجِ فَقَالَ:

---

۱۰ ـ حسین بن عمر بن یزید گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

خداوند در ماه رمضان همه را مورد آمرزش قرار می‌دهد جز سه نفر: شراب‌خوار، شطرنج باز و شخص کینه‌توز.

۱۱ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

شطرنج قمار است و نرد نیز قمار است.

۱۲ ـ حمّاد بن عیسی گوید: به امام کاظم عليه السلام عرض کردم: فدایت شوم! با قماربازان می‌نشینم و به بازی شطرنج تماشا می‌کنم، ولی خودم بازی نمی‌کنم. آیا گناهی دارد؟

امام کاظم عليه السلام فرمود: تو را با مجلسی که خدا به آن نظر نمی‌افکند، چه کار است؟

۱۳ ـ مسعدة بن زیاد گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد شطرنج پرسیدند.

دَعُوا الْمَجُوسِيَّةَ لِأَهْلِهَا لَعَنَهَا اللهُ.

١٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فَقَالَ: يَا أَبَا جَعْفَرٍ! مَا تَقُولُ فِي الشِّطْرَنْجِ الَّتِي يَلْعَبُ بِهَا النَّاسُ؟

فَقَالَ: أَخْبَرَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

مَنْ كَانَ نَاطِقاً فَكَانَ مَنْطِقُهُ لِغَيْرِ ذِكْرِ اللهِ عزّوجلّ كَانَ لَاغِياً وَ مَنْ كَانَ صَامِتاً فَكَانَ صَمْتُهُ لِغَيْرِ ذِكْرِ اللهِ كَانَ سَاهِياً.

ثُمَّ سَكَتَ فَقَامَ الرَّجُلُ وَ انْصَرَفَ.

١٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِئَابٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَا تَقُولُ فِي الشِّطْرَنْجِ؟

فرمود: مجوس را برای اهل آن واگذارید، خداوند لعنتش کند!

۱۴ ـ محمّد بن علی بن جعفر گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

مردی خدمت امام باقر عليه السلام آمد وعرض کرد: ای اباجعفر! درباره شطرنجی که مردم با آن بازی می‌کنند چه می‌فرمایید؟

فرمود: پدرم امام سجّاد عليه السلام از امام حسین عليه السلام به من خبر داد که امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هر گوینده‌ای که سخنش برای غیر ذکر خداوند باشد، بیهوده‌گوی است و هرکس ساکت باشد وسکوتش برای غیر ذکر خداوند باشد، غافل است.

سپس امام باقر عليه السلام ساکت شد وآن مرد برخاست ورفت.

۱۵ ـ ابن رئاب گوید: خدمت امام صادق عليه السلام شرف‌یاب شدم وعرض کردم: فدایت شوم! درباره شطرنج چه می‌فرمایید؟

قَالَ: الْمُقَلِّبُ لَهَا كَالْمُقَلِّبِ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ.

فَقُلْتُ: مَا عَلَى مَنْ قَلَّبَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ؟

قَالَ: يَغْسِلُ يَدَهُ.

۱٦ ـ سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

الْمُطَّلِعُ فِي الشِّطْرَنْجِ كَالْمُطَّلِعِ فِي النَّارِ.

۱۷ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

نَهَى رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله عَنِ اللَّعِبِ بِالشِّطْرَنْجِ وَ النَّرْدِ.

تَمَّ كِتَابُ الْأَشْرِبَةِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ يَتْلُوهُ كِتَابُ الزِّيِّ وَ التَّجَمُّلِ وَ الْمُرُوءَةِ إِنْ شَاءَ اللهُ تَعَالَى

فرمود: کسی که به آن دست بزند همانند کسی است که به گوشت خوک دست زده است.

عرض کردم: کسی که به گوشت خوک دست زند چه حکمی بر اوست؟

فرمود: باید دستش را بشوید.

۱۶ ـ سلیمان جعفری گوید: امام رضا علیه السلام فرمود:

نگاه کننده به شطرنج مانند نگاه کننده به آتش جهنم است.

۱۷ ـ سکونی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله از بازی با شطرنج و نرد نهی فرمود.

پایان کتاب آشامیدنی‌ها، سپاس‌ها از آن خداوند پرورش دهنده جهانیان است و درود خدا بر سرورمان حضرت محمد و خاندان پاک او و ان شاء الله کتاب احکام پوشش و خودآرایی و جوانمردی آغاز خواهد شد

كِتَابُ الزِّيِّ وَ التَّجَمُّلِ وَ الْمُرُوءَةِ

كتاب

احكام پوشش ، خودآرایی و جوانمردی

(۱)

بَابُ التَّجَمُّلِ وَ إِظْهَارِ النِّعْمَةِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام:

إِنَّ اللهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ يُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ النِّعْمَةِ عَلَى عَبْدِهِ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

إِذَا أَنْعَمَ اللهُ عَلَى عَبْدِهِ بِنِعْمَةٍ فَظَهَرَتْ عَلَيْهِ سُمِّيَ حَبِيبَ اللهِ مُحَدِّثاً بِنِعْمَةِ اللهِ وَ إِذَا أَنْعَمَ اللهُ عَلَى عَبْدٍ بِنِعْمَةٍ فَلَمْ تَظْهَرْ عَلَيْهِ سُمِّيَ بَغِيضَ اللهِ مُكَذِّباً بِنِعْمَةِ اللهِ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ بَيَّاعِ الْقَلَانِسِ قَالَ: مَرَّ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام عَلَى رَجُلٍ قَدِ ارْتَفَعَ صَوْتُهُ عَلَى رَجُلٍ يَقْتَضِيهِ شَيْئاً يَسِيراً.

بخش یکم
خودآرایی و آشکارکردن نعمت

۱ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود: امیرمؤمنان علی عليه‌السلام فرمود:

خداوند زیباست وزیبایی را دوست می‌دارد و دوست می‌دارد که اثر نعمت را در بنده خود ببیند.

۲ ـ علی بن محمد در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هرگاه خداوند بر بنده‌اش نعمتی دهد و آن نعمت در او ظاهر شود، نامیده می‌شود: «دوست خدا، گوینده نعمت خداوند» و هرگاه خداوند بر بنده‌ای نعمتی دهد و آن نعمت در او ظاهر نشود، نامیده می‌شود: «دشمن خدا، تکذیب‌کننده نعمت خداوند».

۳ ـ سلمة بن محمّد گوید:

امام صادق عليه‌السلام از کنار شخصی عبور نمود که صدایش را بر شخص دیگری بلند کرده بود و از او وام اندکی می‌خواست.

فَقَالَ:

بِكَمْ تُطَالِبُهُ؟

قَالَ: بِكَذَا وَ كَذَا.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: أَ مَا بَلَغَكَ أَنَّهُ كَانَ يُقَالُ: لَا دِينَ لِمَنْ لَا مُرُوءَةَ لَهُ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا أَنْعَمَ اللهُ عَلَى عَبْدِهِ بِنِعْمَةٍ أَحَبَّ أَنْ يَرَاهَا عَلَيْهِ لِأَنَّهُ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ.

٥ ـ سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُّونٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنْ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

أَبْصَرَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله رَجُلاً شَعِثاً شَعْرُ رَأْسِهِ وَسِخَةً ثِيَابُهُ سَيِّئَةً حَالُهُ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

مِنَ الدِّينِ الْمُتْعَةُ وَ إِظْهَارُ النِّعْمَةِ.

به او فرمود: چه مقدار از او می‌خواهی؟

گفت: فلان مقدار.

فرمود: مگر به تو نرسیده است که گفته می‌شود: «کسی که جوانمردی ندارد، دین ندارد».

۴ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه خداوند بر بنده‌اش نعمتی عطا کند، دوست دارد که آن نعمت را در او ببیند؛ زیرا او زیباست و زیبایی را دوست می‌دارد.

۵ ـ مسمع بن عبدالملك گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

روزی پیامبر خدا صلى الله عليه وآله مردی را دید که مویش ژولیده، لباسش چرکین و حالش اسفناک بود.

فرمود: بهره بردن و آشکار کردن نعمت، از دین است.

٦ ـ وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:
بِئْسَ الْعَبْدُ الْقَاذُورَةُ.

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ: رَآنِي أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام وَ أَنَا أَحْمِلُ بَقْلاً فَقَالَ:
يُكْرَهُ لِلرَّجُلِ السَّرِيِّ أَنْ يَحْمِلَ الشَّيْءَ الدَّنِيَّ فَيُجْتَرَأَ عَلَيْهِ.

٨ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ مُرَازِمِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى مَوْلَى آلِ سَامٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام: إِنَّ النَّاسَ يَرْوُونَ أَنَّ لَكَ مَالاً كَثِيراً.

فَقَالَ: مَا يَسُوؤُنِي ذَاكَ إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مَرَّ ذَاتَ يَوْمٍ عَلَى نَاسٍ شَتَّى مِنْ قُرَيْشٍ وَعَلَيْهِ قَمِيصٌ مُخَرَّقٌ فَقَالُوا: أَصْبَحَ عَلِيٌّ لَا مَالَ لَهُ.

فَسَمِعَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَأَمَرَ الَّذِي يَلِي صَدَقَتَهُ أَنْ يَجْمَعَ تَمْرَهُ وَ لَا يَبْعَثَ إِلَى إِنْسَانٍ شَيْئاً وَ أَنْ يُوَفِّرَهُ، ثُمَّ قَالَ لَهُ:

---

۶ ـ مسمع بن عبدالملك گويد: امام صادق عليه السلام فرمود: پيامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:
انسان بداخلاق و بد معاشرت چه بندهٔ بدى است!

۷ ـ معاوية بن وهب گويد: روزى امام صادق عليه السلام مرا در حالى كه با خود سبزى حمل مى‌كردم، ديد.

فرمود: براى شخص آبرومند كراهت دارد كه چيز بى‌ارزشى را حمل كند تا ديگران بر او جرأت يابند.

۸ ـ عبدالأعلى مولى آل سام گويد: به امام صادق عليه السلام عرض كردم: مردم مى‌گويند: شما مال زيادى داريد.

فرمود: اين سخن مرا ناراحت نمى‌كند. به راستى كه روزى اميرمؤمنان على عليه السلام از كنار گروهى از قريش عبور نمود در حالى كه پيراهن پاره‌اى بر تن آن حضرت بود. آنان گفتند: «على مالى ندارد.»

اميرمؤمنان على عليه السلام سخن آنان را شنيد از اين رو به مأمور پرداخت صدقه دستور داد كه خرماها را جمع‌آورى كند و چيزى از آنها را به كسى ندهد تا انبوه و فراوان گردد. آنگاه به او فرمود:

بِعْهُ الْأَوَّلَ فَالْأَوَّلَ وَ اجْعَلْهَا دَرَاهِمَ ثُمَّ اجْعَلْهَا حَيْثُ تَجْعَلُ التَّمْرَ فَاكْبِسْهُ مَعَهُ حَيْثُ لَا يُرَى.

وَ قَالَ لِلَّذِي يَقُومُ عَلَيْهِ: إِذَا دَعَوْتُ بِالتَّمْرِ فَاصْعَدْ وَ انْظُرِ الْمَالَ فَاضْرِبْهُ بِرِجْلِكَ كَأَنَّكَ لَا تَعْمِدُ الدَّرَاهِمَ حَتَّى تَنْثُرَهَا.

ثُمَّ بَعَثَ إِلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ يَدْعُوهُمْ ثُمَّ دَعَا بِالتَّمْرِ فَلَمَّا صَعِدَ يَنْزِلُ بِالتَّمْرِ ضَرَبَ بِرِجْلِهِ فَنُثِرَتِ الدَّرَاهِمُ فَقَالُوا: مَا هَذَا؟ يَا أَبَا الْحَسَنِ!

فَقَالَ: هَذَا مَالُ مَنْ لَا مَالَ لَهُ.

ثُمَّ أَمَرَ بِذَلِكَ الْمَالِ فَقَالَ: انْظُرُوا أَهْلَ كُلِّ بَيْتٍ كُنْتُ أَبْعَثُ إِلَيْهِمْ فَانْظُرُوا مَالَهُ وَ ابْعَثُوا إِلَيْهِ.

۹ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام: إِنِّي لَأَكْرَهُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ عَلَيْهِ نِعْمَةٌ مِنَ اللهِ فَلَا يُظْهِرَهَا.

خرماها را یکی پس از دیگری بفروش و تبدیل به درهم کن. سپس آن درهم‌ها را در جایی که خرما را می‌نهادی، بگذار و آن را همراه خرماها در جایی بگذار که دیده نشود.

و به کسی که مسئول خرماها بود فرمود: هرگاه از تو خرما خواستم، بالا برو و به پول‌ها نظاره کن و آن را طوری با پایت لگد بزن که گویا توجهی به پول‌ها نداری. تا پول‌ها را پراکنده کنی.

سپس شخصی را نزد یکی از آن قریشی‌ها فرستاد و آنان را دعوت نمود. پس زمانی که مسئول خرماها بالا رفت تا خرما را بیاورد، با پایش لگد زد و درهم‌ها پخش شدند.

قریشی‌ها گفتند: ای اباالحسن! این چیست؟

فرمود: این اموال کسی است که اموالی ندارد!

سپس دربارهٔ آن پول‌ها فرمان داد و فرمود: هر خانواده‌ای را که من برای آنان خرما می‌فرستادم در نظر بگیرید و سهم او را برایش بفرستید.

۹ ـ ابن ابی عمیر در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

من مکروه می‌دارم که به انسانی نعمتی از جانب خدا برسد و او آن را آشکار نکند.

۱۰ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:
لِيَتَزَيَّنْ أَحَدُكُمْ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ كَمَا يَتَزَيَّنُ لِلْغَرِيبِ الَّذِي يُحِبُّ أَنْ يَرَاهُ فِي أَحْسَنِ الْهَيْئَةِ.

۱۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ جَمِيعاً عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: بَلَغَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام أَنَّ طَلْحَةَ وَالزُّبَيْرَ يَقُولَانِ: لَيْسَ لِعَلِيٍّ مَالٌ.

[قَالَ فَشَقَّ] ذَلِكَ عَلَيْهِ فَأَمَرَ وُكَلَاءَهُ أَنْ يَجْمَعُوا غَلَّتَهُ حَتَّى إِذَا حَالَ الْحَوْلُ أَتَوْهُ وَ قَدْ جَمَعُوا مِنْ ثَمَنِ الْغَلَّةِ مِائَةَ أَلْفِ دِرْهَمٍ فَنُشِرَتْ بَيْنَ يَدَيْهِ فَأَرْسَلَ إِلَى طَلْحَةَ وَالزُّبَيْرِ فَأَتَيَاهُ فَقَالَ لَهُمَا:

هَذَا الْمَالُ وَ اللهِ لِي لَيْسَ لِأَحَدٍ فِيهِ شَيْءٌ وَ كَانَ عِنْدَهُمَا مُصَدَّقاً.

قَالَ: فَخَرَجَا مِنْ عِنْدِهِ وَ هُمَا يَقُولَانِ: إِنَّ لَهُ لَمَالاً.

---

۱۰ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود:

هرکدام از شما باید خود را برای برادر مسلمانش بیاراید؛ همان طور که خود را برای شخص غریبی که دوست دارد آن شخص او را در بهترین حالت ببیند، می‌آراید.

۱۱ ـ ابو بصیر گوید:

به امیرمؤمنان علی عليه السلام خبر رسید که طلحه و زبیر می‌گویند: «علی اموال ندارد.»

این سخن بر حضرت عليه السلام گران آمد. به وکیلان خود دستور فرمود که غلّه ایشان را جمع‌آوری کنند. تا این که یک سال گذشت. وکیلان در حالی که از پول غلّه، صد هزار درهم جمع کرده بودند، نزد آن حضرت آمدند و پول‌ها در مقابل حضرت پخش کردند. آن‌گاه حضرت به دنبال طلحه و زبیر فرستاد. طلحه و زبیر نزد حضرت آمدند.

حضرت به آن دو فرمود: به خدا سوگند! این مال از آنِ من است و هیچ کس در آن سهمی ندارد.

و حضرت عليه السلام نزد طلحه و زبیر مورد تصدیق بود.

آنان از نزد حضرت بیرون آمدند در حالی که می‌گفتند: به راستی او ثروتمند است!

۱۲ ـ عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ وَ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ أُنَاساً بِالْمَدِينَةِ قَالُوا لَيْسَ لِلْحَسَنِ عليه السلام مَالٌ.

فَبَعَثَ الْحَسَنُ عليه السلام إِلَى رَجُلٍ بِالْمَدِينَةِ فَاسْتَقْرَضَ مِنْهُ أَلْفَ دِرْهَمٍ وَ أَرْسَلَ بِهَا إِلَى الْمُصَدِّقِ وَ قَالَ: هَذِهِ صَدَقَةُ مَالِنَا.

فَقَالُوا: مَا بَعَثَ الْحَسَنُ عليه السلام بِهَذِهِ مِنْ تِلْقَاءِ نَفْسِهِ إِلَّا وَ لَهُ مَالٌ.

۱۳ ـ عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ مُرَازِمِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى مَوْلَى آلِ سَامٍ قَالَ:

إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليهما السلام اشْتَدَّتْ حَالُهُ حَتَّى تَحَدَّثَ بِذَلِكَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ فَبَلَغَهُ ذَلِكَ فَتَعَيَّنَ أَلْفَ دِرْهَمٍ ثُمَّ بَعَثَ بِهَا إِلَى صَاحِبِ الْمَدِينَةِ وَ قَالَ: هَذِهِ صَدَقَةُ مَالِي.

۱۴ ـ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي شُعَيْبٍ الْمَحَامِلِيِّ عَنْ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

---

۱۲ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

گروهی در مدینه گفتند: امام حسن عليه السلام ثروتی ندارد.

امام حسن عليه السلام شخصی را نزد مردی در مدینه فرستاد و از او هزار درهم قرض گرفت و آن را نزد مسئول صدقه فرستاد و فرمود: این صدقهٔ اموال ماست.

مردم گفتند: این را امام حسن عليه السلام از جانب خود نفرستاده است، مگر آنکه حتماً ثروتی دارد.

۱۳ ـ عبدالاعلی مولی آل سام گوید:

امام سجّاد عليه السلام دچار تنگدستی شد به حدی که مردم مدینه از آن سخن می‌گفتند. این خبر به امام عليه السلام رسید. حضرت هزار درهم معین نمود و آن را نزد حاکم مدینه فرستاد و فرمود: این صدقهٔ اموال من است.

۱۴ ـ یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِنَّ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ التَّجَمُّلَ وَ يُبْغِضُ الْبُؤْسَ وَ التَّبَاؤُسَ.

۱۵ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام لِعُبَيْدِ بْنِ زِيَادٍ.

إِظْهَارُ النِّعْمَةِ أَحَبُّ إِلَى اللهِ مِنْ صِيَانَتِهَا، فَإِيَّاكَ أَنْ تَتَزَيَّنَ إِلَّا فِي أَحْسَنِ زِيِّ قَوْمِكَ.

قَالَ: فَمَا رُئِيَ عُبَيْدٌ إِلَّا فِي أَحْسَنِ زِيِّ قَوْمِهِ حَتَّى مَاتَ.

(۲)

بَابُ اللِّبَاسِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ جُنْدَبٍ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ السِّمْطِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

الثَّوْبُ النَّقِيُّ يَكْبِتُ الْعَدُوَّ.

به راستی که خداوند زیبایی و خودآرایی را دوست دارد و تیره‌بختی و تظاهر به آن را دشمن می‌دارد.

۱۵ ـ برید بن معاویه گوید: امام صادق عليه السلام به عبید بن زیاد فرمود:

آشکار کردن نعمت نزد خداوند از نگهداری آن محبوب‌تر است. فقط با بهترین پوشش قوم خویش خود را بیارا.

برید گوید: پس از آن عبید جز در بهترین پوشش قوم خود دیده نشد تا این که وفات نمود.

بخش دوم

لباس

۱ ـ سفیان بن سمط گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

لباس تمیز، دشمن را خوار می‌کند.

٢ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

لَبِسَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله الطَّاقَ وَ السَّاجَ وَ الْخَمَائِصَ.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

مَنِ اتَّخَذَ ثَوْباً فَلْيُنَظِّفْهُ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْجَامُورَانِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام: يَكُونُ لِلْمُؤْمِنِ عَشَرَةُ أَقْمِصَةٍ؟

قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: عِشْرُونَ؟

قَالَ: نَعَمْ.

---

۲ ـ جابر گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله لباس‌های گران قیمت؛ «طاق»، «ساج» (روپوش سیاه) و «خمیصه» (پالتوی سبز رنگ) می‌پوشید.

۳ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هرکس لباس می‌خرد باید آن را تمیز نگه دارد.

۴ ـ اسحاق بن عمّار گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: مؤمن ده پیراهن می‌تواند داشته باشد؟

فرمود: آری.

گفتم: بیست تا هم می‌تواند داشته باشد؟

فرمود: آری.

قُلْتُ: ثَلَاثُونَ؟

قَالَ: نَعَمْ لَيْسَ هَذَا مِنَ السَّرَفِ إِنَّمَا السَّرَفُ أَنْ تَجْعَلَ ثَوْبَ صَوْنِكَ ثَوْبَ بِذْلَتِكَ.

٥ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ قَالَ: سَمِعْتُ الرِّضَا عليه السلام يَقُولُ:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يَلْبَسُ ثَوْبَيْنِ فِي الصَّيْفِ يُشْتَرَيَانِ بِخَمْسِمِائَةِ دِرْهَمٍ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

بَعَثَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام عَبْدَاللهِ بْنَ الْعَبَّاسِ إِلَى ابْنِ الْكَوَّاءِ وَ أَصْحَابِهِ وَ عَلَيْهِ قَمِيصٌ رَقِيقٌ وَ حُلَّةٌ فَلَمَّا نَظَرُوا إِلَيْهِ قَالُوا: يَا ابْنَ عَبَّاسٍ! أَنْتَ خَيْرُنَا فِي أَنْفُسِنَا وَأَنْتَ تَلْبَسُ هَذَا اللِّبَاسَ؟!

گفتم: سی تا چطور؟

فرمود: آری. این اسراف نیست. اسراف این است که لباس بیرونی‌ات را لباس خانگی خود قرار دهی.

۵ ـ حسن بن علی وشّاء گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

امام سجّاد عليه السلام در تابستان دو لباس می‌پوشید که آنها را به قیمت پانصد درهم خریداری نموده بود.

۶ ـ یحیی بن ابو علاء گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی عليه السلام عبدالله بن عبّاس را نزد ابن کوّاء و یارانش فرستاد در حالی که پیراهنی نازک و یک حلّه بر تن عبدالله بود.

هنگامی که آنان عبدالله را مشاهده کردند گفتند: ای ابن عبّاس! تو بهترین ما در بین خودمان هستی و تو این لباس را می‌پوشی؟!

فَقَالَ: وَ هَذَا أَوَّلُ مَا أُخَاصِمُكُمْ فِيهِ ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ﴾ وَ قَالَ: ﴿خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾.

۷ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ صَفْوَانَ عَنْ يُوسُفَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام وَ عَلَيَّ جُبَّةُ خَزٍّ وَ طَيْلَسَانُ خَزٍّ فَنَظَرَ إِلَيَّ فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! عَلَيَّ جُبَّةُ خَزٍّ وَ طَيْلَسَانُ خَزٍّ فَمَا تَقُولُ فِيهِ؟

فَقَالَ: وَ مَا بَأْسٌ بِالْخَزِّ.

قُلْتُ: وَ سَدَاهُ إِبْرِيسَمٌ.

قَالَ: وَ مَا بَأْسٌ بِإِبْرِيسَمٍ فَقَدْ أُصِيبَ الْحُسَيْنُ عليه السلام وَ عَلَيْهِ جُبَّةُ خَزٍّ.

ثُمَّ قَالَ: إِنَّ عَبْدَاللهِ بْنَ عَبَّاسٍ لَمَّا بَعَثَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام إِلَى الْخَوَارِجِ فَوَاقَفَهُمْ لَبِسَ أَفْضَلَ ثِيَابِهِ وَ تَطَيَّبَ بِأَفْضَلِ طِيبِهِ وَ رَكِبَ أَفْضَلَ مَرَاكِبِهِ فَخَرَجَ فَوَاقَفَهُمْ فَقَالُوا: يَا ابْنَ عَبَّاسٍ! بَيْنَا أَنْتَ أَفْضَلُ النَّاسِ إِذَا أَتَيْتَنَا فِي لِبَاسِ الْجَبَابِرَةِ وَمَرَاكِبِهِمْ.

عبدالله گفت: این نخستین موردی است که دربارهٔ آن با شما مخاصمه می‌نمایم؛ چرا که خدا می‌فرماید: «بگو چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده وروزی‌های پاکیزه را حرام کرده است».

وهم چنین می‌فرماید: «زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید».

۷ ـ یوسف بن ابراهیم گوید: خدمت امام صادق عليه السلام شرف‌یاب شدم در حالی که لباس وعبایی از خز بر تنم بود. حضرت عليه السلام به من نگاه نمود.

من عرض کردم: قربانت شوم! بر تن من لباس وعبایی از خز است؛ شما در این خصوص چه می‌فرمایید؟

فرمود: ایرادی بر خز نیست.

عرض کردم: حاشیه آن ابریشم است.

فرمود: لباس ابریشمی ایراد ندارد؛ به راستی که امام حسین عليه السلام در حالی به شهادت رسید که لباسی از خز بر تن داشت.

سپس فرمود: هنگامی که امیرمؤمنان علی عليه السلام عبدالله بن عبّاس را به سوی خوارج فرستاد، بهترین لباس‌هایش را پوشید، از بهترین عطر استفاده نمود وبر بهترین مرکب خود سوار شد. آن گاه خارج شد ودر مقابل خوارج ایستاد.

خوارج گفتند: ای ابن عبّاس! تو بهترین مردم هستی؛ ولی در لباس ستمکاران ومرکب‌های آنان نزد ما آمده‌ای!

فَتَلَا عَلَيْهِمْ هَذِهِ الْآيَةَ: ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ﴾ فَالْبَسْ وَ تَجَمَّلْ فَإِنَّ اللهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ لْيَكُنْ مِنْ حَلَالٍ.

٨ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ رَفَعَهُ قَالَ: مَرَّ سُفْيَانُ الثَّوْرِيُّ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَرَأَى أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام وَ عَلَيْهِ ثِيَابٌ كَثِيرَةُ الْقِيمَةِ حِسَانٌ فَقَالَ: وَ اللهِ! لَآتِيَنَّهُ وَ لَأُوَبِّخَنَّهُ.

فَدَنَا مِنْهُ فَقَالَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ! مَا لَبِسَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله مِثْلَ هَذَا اللِّبَاسِ وَ لَا عَلِيٌّ عليه السلام وَ لَا أَحَدٌ مِنْ آبَائِكَ.

فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله فِي زَمَانٍ قَتْرٍ مُقْتِرٍ وَ كَانَ يَأْخُذُ لِقَتْرِهِ وَ اقْتِدَارِهِ وَ إِنَّ الدُّنْيَا بَعْدَ ذَلِكَ أَرْخَتْ عَزَالِيَهَا فَأَحَقُّ أَهْلِهَا بِهَا أَبْرَارُهَا.

ثُمَّ تَلَا: ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ﴾ وَ نَحْنُ أَحَقُّ مَنْ أَخَذَ مِنْهَا مَا أَعْطَاهُ اللهُ غَيْرَ أَنِّي يَا ثَوْرِيُّ! مَا تَرَى عَلَيَّ مِنْ ثَوْبٍ إِنَّمَا أَلْبَسُهُ لِلنَّاسِ.

پس ابن عبّاس این آیه را بر آنان تلاوت نمود که «بگو چه زینت‌های الهی را که خدا بربندگانش آفریده وروزی‌های پاکیزه را حرام نموده است؟».

امام صادق عليه السلام فرمود: پس لباس بپوش وخود را بیارای که خداوند زیباست وزیبایی را دوست دارد؛ اما تهیّه این لباس باید از راه حلال باشد.

۸ ـ محمد بن علی در روایت مرفوعه‌ای گوید: روزی سفیان ثوری از مسجد الحرام می‌گذشت. دید امام صادق عليه السلام لباس‌های گران قیمت وزیبایی بر تن دارد.

سفیان گفت: به خدا قسم! اکنون نزد او می‌روم واو را توبیخ می‌کنم.

به حضرت عليه السلام نزدیک شد وگفت: ای پسر پیامبر خدا! نه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ونه علی عليه السلام ونه هیچ کدام از پدران شما چنین لباسی را نپوشیدند.

امام صادق عليه السلام به او فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در زمان سخت وتنگدستی زندگی می‌کرد وبه اندازه سختی وتنگدستی خود بر می‌داشت ودنیا بعد از ایشان نعمت‌های خود را آشکار نمود. پس سزاوارترین اهل دنیا نسبت به نعمت‌های آن، نیکان روزگار هستند. آن‌گاه این آیه را تلاوت نمود وفرمود: «بگو چه کسی زینت‌های الهی که خداوند برای بندگانش آفریده وروزی‌های پاکیزه را حرام نموده است؟!» وما سزاوارترین افرادی هستیم که از دنیا، آن چه را که خداوند عطا کرده دریافت کنیم. علاوه بر این ای ثوری! لباسی را که بر تن من می‌بینی، برای مردم پوشیده‌ام.

ثُمَّ اجْتَذَبَ يَدَ سُفْيَانَ فَجَرَّهَا إِلَيْهِ ثُمَّ رَفَعَ الثَّوْبَ الْأَعْلَى وَ أَخْرَجَ ثَوْباً تَحْتَ ذَلِكَ عَلَى جِلْدِهِ غَلِيظاً فَقَالَ: هَذَا أَلْبَسُهُ لِنَفْسِي وَ مَا رَأَيْتَهُ لِلنَّاسِ.

ثُمَّ جَذَبَ ثَوْباً عَلَى سُفْيَانَ أَعْلَاهُ غَلِيظٌ خَشِنٌ وَ دَاخِلُ ذَلِكَ ثَوْبٌ لَيِّنٌ فَقَالَ: لَبِسْتَ هَذَا الْأَعْلَى لِلنَّاسِ وَ لَبِسْتَ هَذَا لِنَفْسِكَ تَسُرُّهَا.

۹ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

بَيْنَا أَنَا فِي الطَّوَافِ وَ إِذَا بِرَجُلٍ يَجْذِبُ ثَوْبِي وَ إِذَا هُوَ عَبَّادُ بْنُ كَثِيرٍ الْبَصْرِيُّ فَقَالَ: يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ! تَلْبَسُ مِثْلَ هَذِهِ الثِّيَابِ وَ أَنْتَ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ مَعَ الْمَكَانِ الَّذِي أَنْتَ فِيهِ مِنْ عَلِيٍّ عليه السلام؟!

فَقُلْتُ: ثَوْبٌ فُرْقُبِيٌّ اشْتَرَيْتُهُ بِدِينَارٍ وَ كَانَ عَلِيٌّ عليه السلام فِي زَمَانٍ يَسْتَقِيمُ لَهُ مَا لَبِسَ فِيهِ وَ لَوْ لَبِسْتُ مِثْلَ ذَلِكَ اللِّبَاسِ فِي زَمَانِنَا لَقَالَ النَّاسُ: هَذَا مُرَاءٍ مِثْلُ عَبَّادٍ.

سپس دست سفیان را گرفت و به سوی خود کشید، آن گاه لباس بالایی را کنار زد و زیر آن، لباس خشنی بود که روی پوست حضرت قرار داشت و فرمود: این لباس را به خاطر خودم می‌پوشم و آن لباسی که تو دیدی به خاطر مردم.

سپس لباسی را که بر تن سفیان بود کشید. بالای آن لباسی ضخیم و خشنی بود و از زیر، لباسی نرم پوشیده بود. فرمود: تو آن لباس رویی را برای مردم پوشیدی و این لباس زیر را برای خود مخفیانه پوشیده‌ای.

۹ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

در اثنایی که مشغول طواف بودم، مردی لباسم را می‌کشید، دیدم عباد بن کثیر بصری بود. گفت: ای جعفر بن محمّد! تو چنین لباس‌ها را می‌پوشی با آن جایگاه و نسبتی که با علی عليه السلام داری؟!

گفتم: این لباسی «فرقبی» [1] است که آن را به یک دینار خریده‌ام. علی عليه السلام در دورانی بود که هرلباسی می‌پوشید برایش ممکن بود. اگر من آن لباس‌ها را در این زمان بپوشم، مردم خواهند گفت: این مرد مانند عبّاد، ریاکار است.

---

۱ ـ فرقبی: لباسی مصری سفید رنگ و از کتان است.

۱۰ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ عَشَرَةُ أَقْمِصَةٍ يُرَاوِحُ بَيْنَهَا قَالَ: لَا بَأْسَ.

۱۱ ـ وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام: يَكُونُ لِي ثَلَاثَةُ أَقْمِصَةٍ.

قَالَ: لَا بَأْسَ.

قَالَ: فَلَمْ أَزَلْ حَتَّى بَلَغْتُ عَشَرَةً.

فَقَالَ: أَ لَيْسَ يُوَدِّعُ بَعْضُهَا بَعْضاً؟

قُلْتُ: بَلَى وَ لَوْ كُنْتُ إِنَّمَا أَلْبَسُ وَاحِداً لَكَانَ أَقَلَّ بَقَاءً.

قَالَ: لَا بَأْسَ.

---

۱۰ ـ اسحاق بن عمّار گوید: از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: مردی ده پیراهن دارد که هر نوبت یکی از آنان را می‌پوشد. این چه حکمی دارد؟

فرمود: ایرادی ندارد.

۱۱ ـ اسحاق بن عمّار گوید: به امام صادق عليه‌السلام عرض کردم: من سه پیراهن دارم.

فرمود: ایرادی ندارد.

اسحاق گوید: من همین طور ادامه دادم تا این که تا ده پیراهن را شمردم.

فرمود: مگر پیراهن‌های خود را نوبتی نمی‌پوشی؟

عرض کردم: آری، اما اگر من فقط یک لباس بپوشم ماندگاری آن کمتر خواهد بود.

فرمود: ایرادی ندارد.

۱۲ ـ عَنْهُ عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ الْمُوسِرِ يَتَّخِذُ الثِّيَابَ الْكَثِيرَةَ الْجِيَادَ وَ الطَّيَالِسَةَ وَ الْقُمُصَ الْكَثِيرَةَ يَصُونُ بَعْضُهَا بَعْضاً يَتَجَمَّلُ بِهَا أَ يَكُونُ مُسْرِفاً؟

قَالَ: لَا، لِأَنَّ اللهَ عزّوجلّ يَقُولُ: ﴿لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ﴾.

۱۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ قَالَ:

كَانَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام مُتَّكِئاً عَلَيَّ ـ أَوْ قَالَ: عَلَى أَبِي ـ فَلَقِيَهُ عَبَّادُ بْنُ كَثِيرٍ الْبَصْرِيُّ وَ عَلَيْهِ ثِيَابٌ مَرْوِيَّةٌ حِسَانٌ فَقَالَ: يَا أَبَا عَبْدِاللهِ! إِنَّكَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ النُّبُوَّةِ وَ كَانَ أَبُوكَ وَكَانَ فَمَا هَذِهِ الثِّيَابُ الْمَرْوِيَّةُ عَلَيْكَ؟! فَلَوْ لَبِسْتَ دُونَ هَذِهِ الثِّيَابِ.

فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: وَيْلَكَ يَا عَبَّادُ! ﴿مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ﴾؛ إِنَّ اللهَ عزّوجلّ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدِهِ نِعْمَةً أَحَبَّ أَنْ يَرَاهَا عَلَيْهِ لَيْسَ بِهَا بَأْسٌ وَيْلَكَ يَا عَبَّادُ! إِنَّمَا أَنَا بَضْعَةٌ مِنْ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله فَلَا تُؤْذِنِي.

---

۱۲ ـ راوی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی توانگر، لباس‌های گران قیمت فراوانی، پالتو و پیراهن‌های زیادی می‌گیرد که به نوبت از آن استفاده می‌کند و خود را می‌آراید، آیا اسراف کار خواهد بود؟

فرمود: نه؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «صاحب مال باید از اموالش هزینه کند»

۱۳ ـ ابن قدّاح گوید: روزی امام صادق عليه السلام بر من یا پدرم، تکیه داده بود و لباس‌های نرم و زیبایی بر تن داشت که عبّاد بن کثیر بصری به ایشان برخورد نمود.

عباد گفت: ای اباعبدالله! شما از خاندان نبوّت هستید و پدر شما چنین و چنان بود پس این لباس‌های نرم چیست؟ کاش لباس‌های دیگری می‌پوشیدید!

امام صادق عليه السلام به او فرمود: ای عباد وای بر تو! «چه کسی زینت‌های الهی که خداوند برای بندگانش بیرون آورده و روزی‌های پاکیزه را حرام نمود؟!» به راستی که هرگاه خداوند نعمتی به بنده‌اش ارزانی دارد دوست دارد آن را در او ببیند. پس لباس من ایرادی ندارد. وای بر تو ای عبّاد! همانا که من پارهٔ تن پیامبر خدا صلى الله عليه وآله هستم؛ مرا اذیت نکن.

وَ كَانَ عَبَّادٌ يَلْبَسُ ثَوْبَيْنِ قِطْرِيَّيْنِ.

١٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: النَّظِيفُ مِنَ الثِّيَابِ يُذْهِبُ الْهَمَّ وَ الْحَزَنَ وَ هُوَ طَهُورٌ لِلصَّلَاةِ.

١٥ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: كُنْتُ حَاضِراً عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام إِذْ قَالَ لَهُ رَجُلٌ: أَصْلَحَكَ اللهُ! ذَكَرْتَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام كَانَ يَلْبَسُ الْخَشِنَ يَلْبَسُ الْقَمِيصَ بِأَرْبَعَةِ دَرَاهِمَ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ وَ نَرَى عَلَيْكَ اللِّبَاسَ الْجَيِّدَ.

قَالَ: فَقَالَ لَهُ: إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام كَانَ يَلْبَسُ ذَلِكَ فِي زَمَانٍ لَا يُنْكَرُ وَ لَوْ لَبِسَ مِثْلَ ذَلِكَ الْيَوْمَ لَشُهِرَ بِهِ فَخَيْرُ لِبَاسِ كُلِّ زَمَانٍ لِبَاسُ أَهْلِهِ غَيْرَ أَنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ لَبِسَ لِبَاسَ عَلِيٍّ عليه السلام وَ سَارَ بِسِيرَتِهِ.

ابن قدّاح گوید: عبّاد دو لباس «قِطری [1]» می‌پوشید.

۱۴ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود: لباس تمیز، غم و اندوه را از بین می‌برد و آن به سان وضو برای نماز است.

۱۵ ـ حمّاد بن عثمان گوید: خدمت امام صادق عليه السلام حضور داشتم. ناگاه مردی به ایشان گفت: خداوند کارهای شما را اصلاح کند! شما بیان نمودید که علی بن ابی‌طالب عليه السلام لباس خشن و پیراهن چهار درهمی و مانند آن می‌پوشید و بر تن شما لباس فاخر و مرغوب می‌بینم!

حضرت عليه السلام به او فرمود: به راستی که علی بن ابی‌طالب عليه السلام در دورانی چنین لباسی می‌پوشید که زشت و ناشناخته محسوب نمی‌شد. و اگر آن لباس‌ها را در این دوران می‌پوشید، به آن شهرت می‌یافت. پس بهترین لباس هر زمانی، لباس اهل آن زمان است. جز این که آن گاه که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ما هنگامی که قیام کند، لباس علی عليه السلام را می‌پوشد و به روش ایشان عمل می‌کند.

---

۱ ـ قِطری: منسوب به قطران منطقه‌ای در کوفه.

١٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: لَا بَأْسَ أَنْ يَكُونَ لِلرَّجُلِ عِشْرُونَ قَمِيصاً.

(٣)

بَابُ كَرَاهِيَةِ الشُّهْرَةِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُبْغِضُ شُهْرَةَ اللِّبَاسِ.

٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

كَفَى بِالْمَرْءِ خِزْياً أَنْ يَلْبَسَ ثَوْباً يَشْهَرُهُ أَوْ يَرْكَبَ دَابَّةً تَشْهَرُهُ.

---

۱۶ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

ایرادی ندارد که انسان، بیست پیراهن داشته باشد.

بخش سوم

کراهت لباس شهرت

۱ ـ ابو ایّوب خزّاز گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

به راستی که خداوند تبارک و تعالی لباس شهرت را دشمن می‌دارد.

۲ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

همین رسوایی برای انسان کافی است که لباسی بپوشد یا سوار بر مرکبی شود که او را انگشت‌نما کند.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

الشُّهْرَةُ خَيْرُهَا وَ شَرُّهَا فِي النَّارِ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ لَبِسَ ثَوْباً يَشْهَرُهُ كَسَاهُ اللهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَوْباً مِنَ النَّارِ.

(٤)

بَابُ لِبَاسِ الْبَيَاضِ وَ الْقُطْنِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

الْبَسُوا الْبَيَاضَ فَإِنَّهُ أَطْيَبُ وَ أَطْهَرُ وَ كَفِّنُوا فِيهِ مَوْتَاكُمْ.

---

۳ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

خوب و بد شهرت در آتش دوزخ است.

۴ ـ ابو سعید گوید: امام حسین عليه السلام فرمود:

هرکس لباسی بپوشد که او را انگشت‌نما کند، خداوند در روز قیامت لباسی از آتش بر او می‌پوشاند.

بخش چهارم

لباس سفید و پنبه‌ای

۱ ـ ابن قدّاح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

لباس‌های سفید بپوشید؛ زیرا تمیزتر و پاکیزه‌تر است و هم‌چنین اموات خود را در لباس‌های سفید کفن نمایید.

۲ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُثَنَّى الْحَنَّاطِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

الْبَسُوا الْبَيَاضَ؛ فَإِنَّهُ أَطْيَبُ وَ أَطْهَرُ وَ كَفِّنُوا فِيهِ مَوْتَاكُمْ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: حُمِلَتْ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام الْحَمْلَةَ الثَّانِيَةَ إِلَى الْكُوفَةِ وَ أَبُو جَعْفَرٍ الْمَنْصُورُ بِهَا.

فَلَمَّا أَشْرَفَ عَلَى الْهَاشِمِيَّةِ مَدِينَةِ أَبِي جَعْفَرٍ أَخْرَجَ رِجْلَهُ مِنْ غَرْزِ الرَّجْلِ ثُمَّ نَزَلَ وَ دَعَا بِبَغْلَةٍ شَهْبَاءَ وَ لَبِسَ ثِيَابَ بِيضٍ وَ كُمَّةً بَيْضَاءَ. فَلَمَّا دَخَلَ عَلَيْهِ قَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ: لَقَدْ تَشَبَّهْتَ بِالْأَنْبِيَاءِ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: وَ أَنَّى تُبَعِّدُنِي مِنْ أَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ؟!

فَقَالَ: لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَبْعَثَ إِلَى الْمَدِينَةِ مَنْ يَعْقِرُ نَخْلَهَا وَ يَسْبِي ذُرِّيَّتَهَا.

فَقَالَ: وَ لِمَ ذَلِكَ؟ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ!

---

۲ ـ مثنّی بن حنّاط نیز نظیر روایت پیشین را از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند.

۳ ـ صفوان جمّال گوید: در زمان خلافت منصور دوانیقی برای مرتبه دوم امام صادق عليه السلام را به کوفه احضار کردند. هنگامی که به شهرك هاشمیه؛ شهرک منصور رسیدیم، حضرت پیاده شد و استر سیاه وسفیدی طلب نمود ولباس‌های سفیدی پوشید وکلاه گرد سفیدی بر سر گذاشت. هنگامی که آن حضرت بر منصور وارد شد، منصور به ایشان گفت: به راستی که شبیه پیامبران شده‌ای!

فرمود: چگونه مرا از فرزندان پیامبران عليهم السلام دور می‌پنداری؟!

گفت: تصمیم گرفتم کسی را به مدینه بفرستم که نخل‌های آن‌جا را ببُرد وبنی هاشم را به اسارت گیرد.

فرمود: ای امیر مؤمنان! چرا چنین تصمیم گرفته‌ای؟

فَقَالَ: رُفِعَ إِلَيَّ أَنَّ مَوْلَاكَ الْمُعَلَّى بْنَ خُنَيْسٍ يَدْعُو إِلَيْكَ وَ يَجْمَعُ لَكَ الْأَمْوَالَ.
فَقَالَ: وَ اللهِ! مَا كَانَ.
فَقَالَ: لَسْتُ أَرْضَى مِنْكَ إِلَّا بِالطَّلَاقِ وَ الْعَتَاقِ وَ الْهَدْيِ وَ الْمَشْيِ.
فَقَالَ: أَ بِالْأَنْدَادِ مِنْ دُونِ اللهِ تَأْمُرُنِي أَنْ أَحْلِفَ؟ إِنَّهُ مَنْ لَمْ يَرْضَ بِاللهِ فَلَيْسَ مِنَ اللهِ فِي شَيْءٍ.
فَقَالَ: أَ تَتَفَقَّهُ عَلَيَّ؟
فَقَالَ: وَ أَنَّى تُبَعِّدُنِي مِنَ الْفِقْهِ وَ أَنَا ابْنُ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله؟!
فَقَالَ: فَإِنِّي أَجْمَعُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ مَنْ سَعَى بِكَ.
قَالَ: فَافْعَلْ.
فَجَاءَ الرَّجُلُ الَّذِي سَعَى بِهِ، فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِاللهِ: يَا هَذَا؟

گفت: به من گزارش شده که دوستدار تو معلی بن خنیس مردم را به سوی تو دعوت می‌کند و برای تو اموالی گردآوری می‌نماید.
فرمود: به خدا سوگند! چنین نبوده است.
گفت: من از تو راضی نمی‌شوم مگر با سوگندهای طلاق، برده آزاد کردن، قربانی کردن و راه رفتن باشد.
فرمود: آیا به من دستور می‌دهی که به معبودهای غیر خدا سوگند بخورم؟! به راستی که هرکس به خداوند راضی نگردد هیچ ولایتی با خدا ندارد.
گفت: آیا به من احکام یاد می‌دهی؟!
فرمود: چگونه مرا از فقه دور می‌دانی در حالی که من پسر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هستم؟!
گفت: بنا بر این من کسی که از تو بدگویی کرده فرا می‌خوانم.
فرمود: چنین کن.
پس مردی که از حضرت بدگویی کرده بود آمد. حضرت علیه السلام فرمود: ای فلانی!

فَقَالَ: نَعَمْ وَ اللهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمَانِ الرَّحِيمِ لَقَدْ فَعَلْتَ.

فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام: وَيْلَكَ! تُمَجِّدُ اللهَ فَيَسْتَحْيِي مِنْ تَعْذِيبِكَ وَ لَكِنْ قُلْ: بَرِئْتُ مِنْ حَوْلِ اللهِ وَ قُوَّتِهِ وَ أَلْجَأْتُ إِلَى حَوْلِي وَ قُوَّتِي.

فَحَلَفَ بِهَا الرَّجُلُ فَلَمْ يَسْتَتِمَّهَا حَتَّى وَقَعَ مَيِّتاً.

فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ: لَا أُصَدِّقُ بَعْدَهَا عَلَيْكَ أَبَداً!

وَ أَحْسَنَ جَائِزَتَهُ وَ رَدَّهُ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام: الْبَسُوا ثِيَابَ الْقُطْنِ، فَإِنَّهَا لِبَاسُ رَسُولِ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله وَ هُوَ لِبَاسُنَا.

آن مرد گفت: آری، سوگند به خدایی که معبودی جز او نیست، آگاه پنهان وآشکار ورحمان ورحیم است، به راستی که تو چنین نمودی.

امام عليه‌السلام به او فرمود: وای بر تو! خداوند را تمجید می‌نمایی در نتیجه خدا از عذاب کردن تو حیا می‌کند. بلکه چنین بگو: «از حول وقوّهٔ الهی دوری می‌جویم وبه حول وقوّهٔ خودم پناه می‌برم.»

آن مرد همین گونه سوگند قسم یاد کرد. هنوز آن را تمام نکرده بود که افتاد ومرد.

منصور به آن حضرت گفت: پس از این هیچ‌گاه سخن دیگران را علیه تو تصدیق نخواهم کرد.

وجایزه خوبی به آن حضرت داد وایشان را برگرداند.

۴ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود: امیر مؤمنان علی عليه‌السلام فرمود: لباس‌های پنبه‌ای بپوشید؛ زیرا که آن لباس پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله ولباس ماست.

(۵)

بَابُ لُبْسِ الْمُعَصْفَرِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ مَيْسَرَةَ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ عُتَيْبَةَ قَالَ:

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام وَ هُوَ فِي بَيْتٍ مُنَجَّدٍ وَ عَلَيْهِ قَمِيصٌ رَطْبٌ وَمِلْحَفَةٌ مَصْبُوغَةٌ قَدْ أَثَّرَ الصِّبْغُ عَلَى عَاتِقِهِ فَجَعَلْتُ أَنْظُرُ إِلَى الْبَيْتِ وَ أَنْظُرُ إِلَى هَيْئَتِهِ.

فَقَالَ يَا حَكَمُ! مَا تَقُولُ فِي هَذَا؟

فَقُلْتُ: وَ مَا عَسَيْتَ أَنْ أَقُولَ وَ أَنَا أَرَاهُ عَلَيْكَ وَ أَمَّا عِنْدَنَا فَإِنَّمَا يَفْعَلُهُ الشَّابُّ الْمُرَهَّقُ.

بخش پنجم
پوشیدن لباس رنگی

۱ ـ حکم بن عتیبه گوید:

روزی خدمت امام باقر عليه السلام شرف‌یاب شدم. ایشان در خانه‌ای آراسته‌ای بود، پیراهنی نرم بر تن ورو اندازی رنگی که رنگ آن بر شانه حضرت اثر کرده بود بر تن داشت. من به خانه و هیئت و حال امام عليه السلام نگاه می‌کردم.

فرمود: ای حکم! در این‌باره چه می‌گویی؟

عرض کردم: من چه بگویم در حالی که این‌ها را بر شما می‌بینم؛ اما به راستی که در نزد ما این کار را فقط جوان تازه به سن تکلیف رسیده، انجام می‌دهد.

فَقَالَ لِي: يَا حَكَمُ! ﴿مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ﴾ وَ هَذَا مِمَّا أَخْرَجَ اللهُ لِعِبَادِهِ، فَأَمَّا هَذَا الْبَيْتُ الَّذِي تَرَى فَهُوَ بَيْتُ الْمَرْأَةِ وَ أَنَا قَرِيبُ الْعَهْدِ بِالْعُرْسِ وَ بَيْتِي الْبَيْتُ الَّذِي تَعْرِفُ.

٢ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ وَجَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ:

لَا بَأْسَ بِلُبْسِ الْمُعَصْفَرِ.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: رَأَيْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام ثَوْباً مُعَصْفَراً فَقَالَ:

إِنِّي تَزَوَّجْتُ امْرَأَةً مِنْ قُرَيْشٍ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

به من فرمود: ای حکم! چه کسی زینت‌های خداوند را که برای بندگانش آفریده است وروزی‌های پاکیزه را حرام نمود؟! این از چیزهایی است که خداوند برای بندگانش آفریده است. اما این خانه‌ای که می‌بینی، خانه همسر من است که من تازه ازدواج کرده‌ام. ولی خانه من، همان خانه‌ای است که می‌شناسی.

۲ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام (باقر عليه السلام یا امام صادق عليه السلام) فرمود:

پوشیدن لباس رنگی ایرادی ندارد.

۳ ـ زراره گوید: بر اندام امام باقر عليه السلام لباس رنگی دیدم.

فرمود: من با زنی از قریش ازدواج کرده‌ام.

۴ ـ ابن قدّاح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیر مؤمنان علی عليه السلام فرمود:

نَهَانِي رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله عَنْ لُبْسِ ثِيَابِ الشُّهْرَةِ وَ لَا أَقُولُ نَهَاكُمْ عَنْ لِبَاسِ الْمُعَصْفَرِ الْمُفْدَمِ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: يُكْرَهُ الْمُفْدَمُ إِلَّا لِلْعَرُوسِ.

٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ جَرَّاحٍ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
إِنَّا نَلْبَسُ الْمُعَصْفَرَاتِ وَ الْمُضَرَّجَاتِ.

٧ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ بُرَيْدٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام وَ عَلَيْهِ مِلْحَفَةٌ حَمْرَاءُ جَدِيدَةٌ شَدِيدَةُ الْحُمْرَةِ فَتَبَسَّمْتُ حِينَ دَخَلْتُ.

فَقَالَ: كَأَنِّي أَعْلَمُ لِمَ ضَحِكْتَ؟ ضَحِكْتَ مِنْ هَذَا الثَّوْبِ الَّذِي هُوَ عَلَيَّ، إِنَّ الثَّقَفِيَّةَ أَكْرَهَتْنِي عَلَيْهِ وَ أَنَا أُحِبُّهَا فَأَكْرَهَتْنِي عَلَى لُبْسِهَا.

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله مرا از پوشیدن «لباس شهرت» منع نمود، ولی نمی‌گویم که شما را از پوشیدن لباس قرمز نهی نموده است.

۵ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

لباس قرمز جز برای عروس و داماد مکروه است.

۶ ـ جرّاح مدائنی گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

به راستی ما لباس‌های رنگی و لباس‌های قرمز می‌پوشیم.

۷ ـ مالک بن اعین گوید: خدمت امام باقر عليه السلام شرف‌یاب شدم در حالی که روانداز قرمز و نو که قرمزی آن شدید بود بر تن داشت و من تبسم نمودم.

حضرت عليه السلام فرمود: می‌بینم که می‌خندی، چرا خندیدی! به خاطر این لباسی که بر تن من است خندیدی؟ به راستی که همسر ثقفی من مرا بر این کار مجبور کرده است. من او را دوست دارم و او مرا به پوشیدن این لباس ناچار کرده است.

ثُمَّ قَالَ: إِنَّا لَا نُصَلِّي فِي هَذَا وَ لَا تُصَلُّوا فِي الْمُشْبَعِ الْمُضَرَّجِ.

قَالَ: ثُمَّ دَخَلْتُ عَلَيْهِ وَ قَدْ طَلَّقَهَا فَقَالَ: سَمِعْتُهَا تَبَرَّأُ مِنْ عَلِيٍّ عليه‌السلام فَلَمْ يَسَعْنِي أَنْ أُمْسِكَهَا وَ هِيَ تَبَرَّأُ مِنْهُ.

۸ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ: كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ يَلْبَسُ الْمُعَصْفَرَ وَ الْمُنَيَّرَ.

۹ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام:

أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله كَانَتْ لَهُ مِلْحَفَةٌ مُوَرَّسَةٌ يَلْبَسُهَا فِي أَهْلِهِ حَتَّى يَرْدَعَ عَلَى جَسَدِهِ.

وَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه‌السلام: كُنَّا نَلْبَسُ الْمُعَصْفَرَ فِي الْبَيْتِ.

۱۰ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام قَالَ:

آن‌گاه فرمود: ما در این لباس نماز نمی‌خوانیم و شما نیز در لباس قرمز رنگ تند نماز نخوانید.

مالک گوید: پس از مدتی خدمت آن حضرت وارد شدم، حضرتش آن زن را طلاق داده بود. فرمود: از او شنیدم که از علی عليه‌السلام بیزاری می‌جست. من نیز طاقت نداشتم با این حال او را نگه دارم.

۸ ـ ابو جارود گوید: امام باقر عليه‌السلام لباس رنگی و روشن می‌پوشید.

۹ ـ ابن قدّاح گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روپوشی داشت که با گیاه «ورس» رنگ شده بود و آن را در کنار خانواده‌اش می‌پوشید به حدی که بر بدن آن حضرت صلى‌الله‌عليه‌وآله اثر نموده بود.

و هم‌چنین فرمود: امام باقر عليه‌السلام فرمود: ما لباس رنگی را در خانه می‌پوشیم.

۱۰ ـ زراره گوید: امام باقر عليه‌السلام فرمود:

صِبْغُنَا الْبَهْرَمَانُ وَ صِبْغُ بَنِي أُمَيَّةَ الزَّعْفَرَانُ.

۱۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ قَالَ: رَأَيْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه‌السلام طَيْلَسَاناً أَزْرَقَ.

۱۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ: رَأَيْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه‌السلام ثَوْباً عَدَسِيّاً.

۱۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَسَنِ الزَّيَّاتِ الْبَصْرِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام أَنَا وَ صَاحِبٌ لِي وَ إِذَا هُوَ فِي بَيْتٍ مُنَجَّدٍ وَ عَلَيْهِ مِلْحَفَةٌ وَرْدِيَّةٌ وَ قَدْ حَفَّ لِحْيَتَهُ وَ اكْتَحَلَ.

فَسَأَلْنَاهُ عَنْ مَسَائِلَ. فَلَمَّا قُمْنَا قَالَ لِي: يَا حَسَنُ!

قُلْتُ: لَبَّيْكَ.

قَالَ: إِذَا كَانَ غَداً فَائْتِنِي أَنْتَ وَ صَاحِبُكَ.

رنگ ما، گل کاجیره (حنا) و رنگ بنی امیه، زعفران است.

۱۱ ـ یونس گوید: روزی بر تن امام کاظم عليه‌السلام عبایی آبی دیدم.

۱۲ ـ محمّد بن علی گوید: روزی بر تن امام کاظم عليه‌السلام لباسی به رنگ عدسی دیدم.

۱۳ ـ حسن زیّات بصری گوید: با دوستم خدمت امام باقر عليه‌السلام شرف‌یاب شدیم. ایشان در این هنگام در خانه‌ای آراسته بود و روپوشی به رنگ گل سرخ بر تن داشت و محاسن خود را اصلاح کرده و سرمه کشیده بود. از ایشان درباره مسائلی پرسیدیم. هنگامی که برخاستیم که برویم به من فرمود: ای حسن!

عرض کردم: بلی.

فرمود: فردا نیز تو و دوستت نزد من بیایید.

فَقُلْتُ: نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ!

فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْغَدِ دَخَلْتُ عَلَيْهِ وَ إِذَا هُوَ فِي بَيْتٍ لَيْسَ فِيهِ إِلَّا حَصِيرٌ وَ إِذَا عَلَيْهِ قَمِيصٌ غَلِيظٌ، ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى صَاحِبِي، فَقَالَ:

يَا أَخَا أَهْلِ الْبَصْرَةِ! إِنَّكَ دَخَلْتَ عَلَيَّ أَمْسِ وَ أَنَا فِي بَيْتِ الْمَرْأَةِ وَ كَانَ أَمْسِ يَوْمَهَا وَ الْبَيْتُ بَيْتَهَا وَ الْمَتَاعُ مَتَاعَهَا فَتَزَيَّنَتْ لِي عَلَى أَنْ أَتَزَيَّنَ لَهَا كَمَا تَزَيَّنَتْ لِي فَلَا يَدْخُلْ قَلْبَكَ شَيْءٌ.

فَقَالَ لَهُ صَاحِبِي: جُعِلْتُ فِدَاكَ! قَدْ كَانَ وَ اللهِ! دَخَلَ فِي قَلْبِي شَيْءٌ فَأَمَّا الْآنَ فَقَدْ وَ اللهِ! أَذْهَبَ اللهُ مَا كَانَ وَ عَلِمْتُ أَنَّ الْحَقَّ فِيمَا قُلْتَ.

عرض کردم: فدای‌تان گردم! چشم.

فردای آن روز خدمت ایشان شرف‌یاب شدیم و آن حضرت در خانه‌ای بود که در آن خانه جز حصیر نبود و پیراهنی ضخیم بر تن داشت.

حضرتش به جانب دوستم رو کرد و فرمود: ای برادر بصری! تو دیروز بر من وارد شدی در حالی که من در خانه همسرم بودم و دیروز روز او بود و آن خانه، خانه او و اثاثیه، اثاثیه او بود. پس او خانه را برایم آراسته بود با این شرط که من برای او خود را بیارایم؛ همان طور که او برایم خودش را آراسته بود. بنا بر این چیزی از قلبت خطور نکند.

دوستم به آن حضرت عرض کرد: فدایت شوم! به خدا سوگند که چیزی از قلبم خطور کرده بود، اما الآن آن چه را که بود، خدا از دلم برد و دانستم که حقیقت در سخن شماست.

(٦)
بَابُ لُبْسِ السَّوَادِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله يَكْرَهُ السَّوَادَ إِلَّا فِي ثَلَاثٍ: الْخُفِّ وَ الْعِمَامَةِ وَ الْكِسَاءِ.

٢ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام بِالْحِيرَةِ فَأَتَاهُ رَسُولُ أَبِي جَعْفَرٍ الْخَلِيفَةِ يَدْعُوهُ فَدَعَا بِمِمْطَرٍ أَحَدُ وَجْهَيْهِ أَسْوَدُ وَ الْآخَرُ أَبْيَضُ فَلَبِسَهُ.

ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: أَمَا إِنِّي أَلْبَسُهُ وَ أَنَا أَعْلَمُ أَنَّهُ لِبَاسُ أَهْلِ النَّارِ.

٣ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: رَأَيْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليهما السلام وَ عَلَيْهِ دُرَّاعَةٌ سَوْدَاءُ وَ طَيْلَسَانٌ أَزْرَقُ.

بخش ششم
پوشیدن لباس مشکی

١ ـ یکی از راویان در روایت مرفوعه‌ای گوید:

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله رنگ مشکی را مکروه می‌دانست مگر در سه چیز: کفش، عمامه و عبا.

٢ ـ حذیفة بن منصور گوید:

در حیره در خدمت امام صادق عليه السلام بودم. ناگاه پیک منصور خلیفه عباسی آمد وحضرت را خواست. حضرتش یک لباس بارانی خواست که یک رویش سیاه وروی دیگر آن سفید بود وآن را پوشید.

آن گاه امام صادق عليه السلام فرمود: آگاه باشید! من این لباس را در حالی که می‌دانم لباس دوزخیان است می‌پوشم.

٣ ـ راشد گوید: امام سجّاد عليه السلام را دیدم که لباس پشمی مشکی وروپوشی آبی رنگ بر تن داشت.

(۷)
بَابُ الْكَتَّانِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

الْكَتَّانُ مِنْ لِبَاسِ الْأَنْبِيَاءِ وَ هُوَ يُنْبِتُ اللَّحْمَ.

(۸)
بَابُ لُبْسِ الصُّوفِ وَ الشَّعْرِ وَ الْوَبَرِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

بخش هفتم
کتان

۱ ـ عقبه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

کتان، لباس پیامبران عليهم السلام است و موجب رویش گوشت می‌شود.

بخش هشتم
پوشیدن لباس پشمی، مویین و کُرکی

۱ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

لَا تَلْبَسِ الصُّوفَ وَ الشَّعْرَ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام قَالَ:

الْبَسُوا الثِّيَابَ مِنَ الْقُطْنِ، فَإِنَّهُ لِبَاسُ رَسُولِ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله وَ لِبَاسُنَا وَ لَمْ يَكُنْ يَلْبَسُ الصُّوفَ وَ الشَّعْرَ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عُثْمَانَ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ أَبِي ثُمَامَةَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي عليه‌السلام: إِنَّ بِلَادَنَا بِلَادٌ بَارِدَةٌ فَمَا تَقُولُ فِي لُبْسِ هَذَا الْوَبَرِ؟

قَالَ: الْبَسْ مِنْهَا مَا أُكِلَ وَ ضُمِنَ.

٤ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ كَثِيرٍ الْخَزَّازِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:

لباس پشمی و مویین نپوشید مگر در ضرورت.

۲ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود: امیر مؤمنان علی عليه‌السلام فرمود:

لباس پنبه‌ای بپوشید، زیرا آن، لباس پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله ولباس ما است. ولی لباس پشمی ومویین را فقط در ضرورت بپوشید.

۳ ـ ابو تمامه گوید: به امام جواد عليه‌السلام عرض کردم: سرزمین ما، سرزمین سرد سیری است. بنا بر این در خصوص پوشیدن این لباس پشمی چه می‌فرمایید؟

فرمود: از لباس‌های پشمی، آن را بپوش که حیوانی که کُرک از اوست حلال گوشت باشد و حلال گوشت بودن آن، توسط فروشنده تضمین شده باشد.

۴ ـ کثیر خزّار گوید:

رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام وَ عَلَيْهِ قَمِيصٌ غَلِيظٌ خَشِنٌ تَحْتَ ثِيَابِهِ وَ فَوْقَهَا جُبَّةُ صُوفٍ وَ فَوْقَهَا قَمِيصٌ غَلِيظٌ فَمَسِسْتُهَا فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنَّ النَّاسَ يَكْرَهُونَ لِبَاسَ الصُّوفِ.

فَقَالَ: كَلَّا كَانَ أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام يَلْبَسُهَا وَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يَلْبَسُهَا وَ كَانُوا عليهم السلام يَلْبَسُونَ أَغْلَظَ ثِيَابِهِمْ إِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ وَ نَحْنُ نَفْعَلُ ذَلِكَ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي جَرِيرٍ الْقُمِّيِّ قَالَ: سَأَلْتُ الرِّضَا عليه السلام عَنِ الرِّيشِ أَ ذَكِيٌّ هُوَ؟

فَقَالَ: كَانَ أَبِي عليه السلام يَتَوَسَّدُ الرِّيشَ.

امام صادق عليه السلام را دیدم پیراهنی ضخیم وخشن زیر لباس‌هایش بود، وروی آن روپوشی پشمی وباز روی آن، پیراهنی ضخیم پوشیده بود. پس آن را لمس کردم وگفتم: فدایت گردم! اهل تسنن لباس پشمی را مکروه می‌دانند.

فرمود: هرگز؛ پدرم امام باقر عليه السلام وامام سجّاد عليه السلام همواره چنین لباس می‌پوشیدند. وائمّه عليهم السلام هنگامی که به نماز برمی‌خاستند، ضخیم‌ترین لباس‌های خود را می‌پوشیدند وما نیز چنین می‌کنیم.

۵ ـ ابو جریر قمی گوید:

از امام رضا عليه السلام پرسیدم: آیا پَر پرندگان، تذکیه شده است؟

فرمود: پدرم (امام کاظم عليه السلام) پرِ پرندگان را بالش خود قرار می‌داد.

(۹)
بَابُ لُبْسِ الْخَزِّ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: خَرَجَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه‌السلام يُصَلِّي عَلَى بَعْضِ أَطْفَالِهِمْ وَ عَلَيْهِ جُبَّةُ خَزٍّ صَفْرَاءُ وَ مِطْرَفُ خَزٍّ أَصْفَرُ.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه‌السلام قَالَ:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما‌السلام يَلْبَسُ الْجُبَّةَ الْخَزَّ بِخَمْسِينَ دِينَاراً وَ الْمِطْرَفَ الْخَزَّ بِخَمْسِينَ دِينَاراً.

۳ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: سَأَلَ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام رَجُلٌ وَ أَنَا عِنْدَهُ عَنْ جُلُودِ الْخَزِّ فَقَالَ:

بخش نهم
پوشیدن لباس خز

۱ ـ زراره گوید: روزی امام باقر عليه‌السلام از منزل خارج شد تا به یکی از کودکان خود نماز میّت بخواند، آن حضرت روپوشی سبز و عبایی از خز بر تن داشت.

۲ ـ احمد بن محمّد بن ابی نصر گوید: امام رضا عليه‌السلام فرمود:

امام سجّاد عليه‌السلام روپوش و عبایی از خز می‌پوشید که هرکدام پنجاه درهم ارزش داشت.

۳ ـ عبدالرحمان بن حجّاج گوید: من نزد امام صادق عليه‌السلام بودم. مردی از ایشان درباره پوست خز پرسید.

لَيْسَ بِهَا بَأْسٌ.

فَقَالَ الرَّجُلُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنَّهَا فِي بِلَادِي وَ إِنَّمَا هِيَ كِلَابٌ تَخْرُجُ مِنَ الْمَاءِ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام: إِذَا خَرَجَتْ مِنَ الْمَاءِ تَعِيشُ خَارِجَةً مِنَ الْمَاءِ؟

فَقَالَ الرَّجُلُ: لَا.

قَالَ: فَلَا بَأْسَ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه‌السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما‌السلام يَلْبَسُ فِي الشِّتَاءِ الْخَزَّ وَ الْمِطْرَفَ الْخَزَّ وَ الْقَلَنْسُوَةَ الْخَزَّ فَيَشْتُو فِيهِ وَ يَبِيعُ الْمِطْرَفَ فِي الصَّيْفِ وَ يَتَصَدَّقُ بِثَمَنِهِ ثُمَّ يَقُولُ: ﴿مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ﴾.

فرمود: ایرادی ندارد.

مرد عرض کرد: فدایت شوم! خز در سرزمین من وجود دارد وآن پوست سگ‌های آبی است که از آب بیرون می‌آیند.

فرمود: هنگامی که از آب بیرون می‌آید، در بیرون از آب زنده می‌ماند؟

عرض کرد: نه.

فرمود: بنا بر این ایرادی ندارد.

۴ ـ حسن بن علی وشّاء گوید: امام رضا عليه‌السلام فرمود:

امام سجّاد عليه‌السلام در زمستان، لباس وعبا وکلاه خز می‌پوشید ودر تابستان عبایش را می‌فروخت وپول آن را صدقه می‌داد. سپس می‌فرمود: «بگو چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگانش آفرید وروزی‌های پاکیزه را حرام نمود؟!»

۵ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي دَاوُدَ يُوسُفَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام وَ عَلَيَّ قَبَاءُ خَزٍّ وَ بِطَانَتُهُ خَزٌّ وَ طَيْلَسَانُ خَزٍّ مُرْتَفِعٌ فَقُلْتُ: إِنَّ عَلَيَّ ثَوْباً أَكْرَهُ لُبْسَهُ.

فَقَالَ: وَ مَا هُوَ؟

قُلْتُ: طَيْلَسَانِي هَذَا.

قَالَ: وَ مَا بَالُ الطَّيْلَسَانِ؟

قُلْتُ: هُوَ خَزٌّ.

قَالَ: وَ مَا بَالُ الْخَزِّ؟

قُلْتُ: سَدَاهُ إِبْرِيسَمٌ.

قَالَ: وَ مَا بَالُ الْإِبْرِيسَمِ؟

قَالَ: لَا يُكْرَهُ أَنْ يَكُونَ سَدَى الثَّوْبِ إِبْرِيسَماً وَ لَا زِرُّهُ وَ لَا عَلَمُهُ إِنَّمَا يُكْرَهُ الْمُصْمَتُ مِنَ الْإِبْرِيسَمِ لِلرِّجَالِ وَ لَا يُكْرَهُ لِلنِّسَاءِ.

---

۵ ـ ابو داوود یوسف بن ابراهیم گوید:

خدمت امام صادق عليه‌السلام شرف‌یاب شدم در حالی که قبایی از خز که آستر آن نیز از خز بود و طیلسان بلندی از همان جنس بر تنم بود.

عرض کردم: بر تن من لباسی است که از پوشیدن آن کراهت دارم.

فرمود: آن لباس چیست؟

عرض کردم: همین طیلسان.

فرمود: طیلسان چه اشکالی دارد؟

عرض کردم: جنس آن از خز است.

فرمود: اشکال خز چیست؟

عرض کردم: حاشیه آن از ابریشم است.

فرمود: ابریشم چه ایرادی دارد؟

سپس فرمود: مکروه نیست که حاشیه لباس و همین‌طور دکمهٔ لباس و نقش آن از ابریشم باشد. فقط ابریشم خالص برای مردان مکروه است، اما برای زنان مکروه نیست.

٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِنَّا مَعَاشِرَ آلِ مُحَمَّدٍ نَلْبَسُ الْخَزَّ وَالْيُمْنَةَ.

٧ ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ: سَأَلْتُ الرِّضَا عليه السلام عَنْ جُلُودِ الْخَزِّ فَقَالَ:

هُوَ ذَا نَلْبَسُ الْخَزَّ.

فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! ذَاكَ الْوَبَرُ.

فَقَالَ: إِذَا حَلَّ وَبَرُهُ حَلَّ جِلْدُهُ.

٨ ـ عَنْهُ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عِيسَى قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام أَسْأَلُهُ عَنِ الدَّوَابِّ الَّتِي يُعْمَلُ الْخَزُّ مِنْ وَبَرِهَا أَ سِبَاعٌ هِيَ؟

فَكَتَبَ عليه السلام: لَبِسَ الْخَزَّ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ وَ مِنْ بَعْدِهِ جَدِّي عليهما السلام.

٩ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

---

۶ ـ راوی گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

ما گروه آل محمّد عليهم السلام لباس خز و برد یمنی می‌پوشیم.

۷ ـ سعد بن سعد گوید: از امام رضا عليه السلام درباره پوست خز پرسیدم.

فرمود: آن، همین است که ما می‌پوشیم.

گفتم: فدایت شوم! این کُرک است!

فرمود: هرگاه کُرک آن حلال باشد، پوست آن نیز حلال است.

۸ ـ جعفر بن عیسی گوید: به امام رضا عليه السلام نامه‌ای در خصوص حکم حیواناتی که از کُرک آنها خز تهیه می‌شود نوشتم و پرسیدم: آیا آنها درّنده‌اند؟

حضرت عليه السلام در جواب نامه نوشت: امام حسین عليه السلام و پس از ایشان جدّ من امام صادق عليه السلام لباس خز می‌پوشیدند.

۹ ـ جابر گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

قُتِلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ ﷺ وَ عَلَيْهِ جُبَّةُ خَزٍّ دَكْنَاءُ فَوَجَدُوا فِيهَا ثَلَاثَةً وَ سِتِّينَ مِنْ بَيْنِ ضَرْبَةٍ بِالسَّيْفِ وَ طَعْنَةٍ بِالرُّمْحِ أَوْ رَمْيَةٍ بِالسَّهْمِ.

١٠ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَفْصِ بْنِ عَمْرٍو أَبِي مُحَمَّدٍ مُؤَذِّنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ:

رَأَيْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِاللهِ ﷺ وَ هُوَ يُصَلِّي فِي الرَّوْضَةِ جُبَّةَ خَزٍّ سَفَرْجَلِيَّةً.

(١٠)
بَابُ لُبْسِ الْوَشْيِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يَاسِرٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ ﷺ:

اشْتَرِ لِنَفْسِكَ خَزّاً وَ إِنْ شِئْتَ فَوَشْياً.

فَقُلْتُ: كُلَّ الْوَشْيِ؟

امام حسین ﷺ در حالی شهید شد که جبّه‌ای به رنگ سیاه تیره از جنس خز پوشیده بود. در آن شصت و سه ضربه شمشیر، نیزه و پرتاب تیر، یافتند.

۱۰ ـ حفص بن عمر ابی محمّد، مؤذّن علی بن یقطین گوید:

امام صادق ﷺ را دیدم که در باغی نماز می‌خواند و بر تن حضرتش جُبّه‌ای از خز به رنگ بِه بود.

بخش دهم
پوشیدن لباس نقش و نگاردار

۱ ـ یاسر گوید: امام کاظم ﷺ به من فرمود:

برای خودت لباس خز و اگر خواستی لباس نقش و نگاردار خریداری کن.

عرض کردم: هر نوع لباس نقش و نگاردار؟

فَقَالَ: وَ مَا الْوَشْيُ؟

قُلْتُ: مَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ قُطْنٌ يَقُولُونَ: إِنَّهُ حَرَامٌ.

قَالَ: الْبَسْ مَا فِيهِ قُطْنٌ.

۲ ـ عَنْهُ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَالِمٍ الْعِجْلِيِّ: أَنَّهُ حُمِلَ إِلَيْهِ الْوَشْيُ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ:

حَدَّثَنِي مَنْ أَثِقُ بِهِ أَنَّهُ رَأَى عَلَى جَوَارِي أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه‌السلام الْوَشْيَ.

فرمود: لباس نقش و نگاردار چیست؟

عرض کردم: لباسی که در آن پنبه نباشد، می‌گویند: «آن، حرام است».

فرمود: لباسی بپوش که در آن پنبه باشد.

۲ ـ حسین بن سالم عجلی گوید: به امام عليه‌السلام لباس نقش و نگاردار می‌بردند.

۳ ـ یونس بن یعقوب گوید:

فرد مطمئنی به من گفت بر تن کنیزان امام کاظم عليه‌السلام لباس نقش و نگاردار مشاهده کرده است.

(۱۱)

بَابُ لُبْسِ الْحَرِيرِ وَ الدِّيبَاجِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

لَا يَلْبَسُ الرَّجُلُ الْحَرِيرَ وَ الدِّيبَاجَ إِلَّا فِي الْحَرْبِ.

۲ ـ عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ لَيْثٍ الْمُرَادِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام:

إِنَّ رَسُولَ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله كَسَا أُسَامَةَ بْنَ زَيْدٍ حُلَّةَ حَرِيرٍ فَخَرَجَ فِيهَا فَقَالَ: مَهْلاً يَا أُسَامَةُ! إِنَّمَا يَلْبَسُهَا مَنْ لَا خَلَاقَ لَهُ فَاقْسِمْهَا بَيْنَ نِسَائِكَ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام عَنْ لِبَاسِ الْحَرِيرِ وَ الدِّيبَاجِ.

بخش یازدهم

حریر و دیبا

۱ ـ یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

مرد فقط در جنگ می‌تواند لباس حریر و دیبا بپوشد.

۲ ـ لیث مرادی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله بر تن اسامة بن زید لباسی از حریر پوشانید و اسامه با آن لباس بیرون آمد.

پس پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: ای اسامه صبر کن! همانا که این لباس را کسی می‌پوشد که از خیر و خوبی بهره‌ای ندارد. پس آن را بین همسرانت تقسیم کن.

۳ ـ سماعة بن مهران گوید:

از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: لباس حریر و دیبا چه حکمی دارد؟

فَقَالَ أَمَّا فِي الْحَرْبِ فَلَا بَأْسَ بِهِ وَ إِنْ كَانَ فِيهِ تَمَاثِيلُ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

لَا يَصْلُحُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَلْبَسَ الْحَرِيرَ إِلَّا فِي الْحَرْبِ.

٥ ـ حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ هِلَالٍ الشَّامِيِّ مَوْلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام عَنْهُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَا أَعْجَبَ إِلَى النَّاسِ مَنْ يَأْكُلُ الْجَشِبَ وَ يَلْبَسُ الْخَشِنَ وَ يَتَخَشَّعُ!

فَقَالَ: أَ مَا عَلِمْتَ! أَنَّ يُوسُفَ عليه السلام نَبِيٌّ ابْنُ نَبِيٍّ كَانَ يَلْبَسُ أَقْبِيَةَ الدِّيبَاجِ مَزْرُورَةً بِالذَّهَبِ وَ يَجْلِسُ فِي مَجَالِسِ آلِ فِرْعَوْنَ يَحْكُمُ فَلَمْ يَحْتَجِ النَّاسُ إِلَى لِبَاسِهِ وَ إِنَّمَا احْتَاجُوا إِلَى قِسْطِهِ وَ إِنَّمَا يُحْتَاجُ مِنَ الْإِمَامِ فِي أَنَّ إِذَا قَالَ صَدَقَ وَ إِذَا وَعَدَ أَنْجَزَ وَ إِذَا حَكَمَ عَدَلَ إِنَّ اللهَ لَا يُحَرِّمُ طَعَاماً وَ لَا شَرَاباً مِنْ حَلَالٍ وَ إِنَّمَا حَرَّمَ الْحَرَامَ قَلَّ أَوْ كَثُرَ وَ قَدْ قَالَ اللهُ عزّوجلّ: ﴿**قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ**﴾.

فرمود: در روز جنگ مانعی ندارد، هر چند مصوّر باشد.

۴ ـ اسماعیل بن فضل گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پوشیدن لباس حریر برای مردان مگر در روز جنگ، روا نیست.

۵ ـ عبّاس بن هلال شامی، غلام امام کاظم عليه السلام گوید:

به امام کاظم عليه السلام عرض کردم: فدایت شوم! نزد مردم کسی شگفت‌آور است که غذای سفت و نامرغوب بخورد، لباس ضخیم بپوشد و متواضع و فروتن باشد.

فرمود: مگر نمی‌دانی که حضرت یوسف عليه السلام پیامبر و پسر پیامبر بود، قباهای دیبا زرکوب می‌پوشید و در مجالس آل فرعون می‌نشست و حکومت می‌نمود. اما مردم به لباس او احتیاج نداشتند؛ بلکه فقط به دادگری او نیاز داشتند. همانا که از امام فقط انتظار می‌رود که هرگاه سخنی می‌گوید، راست بگوید، هرگاه وعده می‌دهد، به آن عمل کند و هرگاه حکم می‌کند، عدل را رعایت نماید. به راستی که خداوند هیچ غذا و نوشیدنی حلالی را حرام ننمود و فقط حرام را حرام نمود؛ کم باشد یا زیاد. به تحقیق که خداوند فرموده است: «بگو چه کسی زینت‌های الهی که برای بندگانش آفرید و روزی‌های پاکیزه را حرام نمود؟!».

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ غَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ جَرَّاحٍ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام أَنَّهُ كَرِهَ أَنْ يَلْبَسَ الْقَمِيصَ الْمَكْفُوفَ بِالدِّيبَاجِ وَ يَكْرَهُ لِبَاسَ الْحَرِيرِ وَ لِبَاسَ الْقَسِّيِّ الْوَشْيِ وَ يَكْرَهُ لِبَاسَ الْمِيثَرَةِ الْحَمْرَاءِ فَإِنَّهَا مِيثَرَةُ إِبْلِيسَ.

٧ ـ حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانٍ الْأَحْمَرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

لَا يَصْلُحُ لِبَاسُ الْحَرِيرِ وَ الدِّيبَاجِ فَأَمَّا بَيْعُهُمَا فَلَا بَأْسَ.

٨ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

النِّسَاءُ يَلْبَسْنَ الْحَرِيرَ وَ الدِّيبَاجَ إِلَّا فِي الْإِحْرَامِ.

٩ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْإِبْرِيسَمِ وَ الْقَزِّ قَالَ: هُمَا سَوَاءٌ.

---

۶ ـ جرّاح مدائنی گوید: امام صادق عليه السلام کراهت داشت که پیراهنی بپوشد که یقه وسرآستین آن با دیبا نوار دوزی شده باشد، کراهت داشت که لباس ابریشم نازک ولباس رنگارنگ بپوشد؛ هم چنین کراهت داشت که بر روی زیرانداز وپالان سرخ بنشیند؛ چرا که پالان سرخ ویژهٔ شیطان است.

۷ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

پوشیدن لباس حریر ودیبا روا نیست، اما خرید وفروش آن مانعی ندارد.

۸ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: زنان می‌توانند لباس حریر ودیبا بپوشند مگر در مورد احرام.

۹ ـ موسی گوید: از امام عليه السلام درباره ابریشم وحریر پرسیدم.

فرمود: حکم هر دو، یکسان است.

۱۰ ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: لَا بَأْسَ بِلِبَاسِ الْقَزِّ إِذَا كَانَ سَدَاهُ أَوْ لَحْمَتُهُ مَعَ الْقُطْنِ أَوْ كَتَّانٍ.

۱۱ ـ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ: سَأَلَ الْحَسَنُ بْنُ قِيَامَا أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الثَّوْبِ الْمُلْحَمِ بِالْقَزِّ وَ الْقُطْنِ وَ الْقَزُّ أَكْثَرُ مِنَ النِّصْفِ أَ يُصَلَّى فِيهِ؟

قَالَ: لَا بَأْسَ.

وَ قَدْ كَانَ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام مِنْهُ جِبَابٌ كَذَلِكَ.

۱۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

لَا يَنْبَغِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَلْبَسَ الْحَرِيرَ الْمَحْضَ وَ هِيَ مُحْرِمَةٌ وَ أَمَّا فِي الْحَرِّ وَ الْبَرْدِ فَلَا بَأْسَ.

---

۱۰ ـ عبید بن زراره گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

لباس ابریشم خام مانعی ندارد در صورتی که تار و یا پود آن از پنبه و یا کتان باشد.

۱۱ ـ احمد بن محمّد بن ابی نصر گوید: حسن بن قیاما از امام کاظم عليه السلام پرسید: لباسی که از قزّ و پنبه تهیه شده است و بیش از نیم آن قزّ است، آیا می‌توان در آن نماز خواند؟

فرمود: ایرادی ندارد.

احمد گوید: امام عليه السلام جبّه‌هایی از همین جنس داشت.

۱۲ ـ سماعه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

شایسته نیست که زنان در حال احرام لباس ابریشم خالص بپوشند؛ اما اگر در شدت گرما حریر نازک و یا در شدت سرما دیبای مخمل بپوشند، مانعی ندارد.

۱۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السِّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَحْمَسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: سَأَلَهُ أَبُو سَعِيدٍ عَنِ الْخَمِيصَةِ وَ أَنَا عِنْدَهُ سَدَاهَا الْإِبْرِيسَمُ أَ يَلْبَسُهَا وَ كَانَ وَجَدَ الْبَرْدَ؟

فَأَمَرَهُ أَنْ يَلْبَسَهَا.

۱٤ ـ حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام فِي الثَّوْبِ يَكُونُ فِيهِ الْحَرِيرُ فَقَالَ:

إِنْ كَانَ فِيهِ خِلْطٌ فَلَا بَأْسَ.

(۱۲)

بَابُ تَشْمِيرِ الثِّيَابِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام فِي قَوْلِ اللهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ﴿وَ ثِيَابَكَ فَطَهِّرْ﴾ قَالَ: فَشَمِّرْ.

---

۱۳ ـ ابو الحسن احمسی گوید: من در حضور امام صادق عليه‌السلام بودم که ابو سعید از حضرتش دربارهٔ «خمیصه»[1] که حاشیه آن ابریشم است پرسید که آیا در شدّت سرما می‌توان آن را پوشید؟

امام عليه‌السلام به او دستور داد که آن را بپوشد.

۱۴ ـ اسماعیل بن فضل گوید: از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: پوشیدن لباس ابریشم چه صورت دارد؟

فرمود: در صورتی که مخلوط باشد مانعی ندارد.

بخش دوازدهم
حکم پوشیدن لباس کوتاه و بلند

۱ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه‌السلام درباره گفتار خداوند متعال که می‌فرماید: «و لباس‌های خود را پاکیزه کن» فرمود:

یعنی لباس خود را کوتاه کن.

---

۱ ـ خمیصه: یعنی لباس مشکی و چهارگوش.

۲ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِذٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

إِنَّ عَلِيّاً عليه‌السلام كَانَ عِنْدَكُمْ فَأَتَى بَنِي دِيوَانٍ وَ اشْتَرَى ثَلَاثَةَ أَثْوَابٍ بِدِينَارٍ الْقَمِيصَ إِلَى فَوْقِ الْكَعْبِ وَ الْإِزَارَ إِلَى نِصْفِ السَّاقِ وَ الرِّدَاءَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ إِلَى ثَدْيَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ إِلَى أَلْيَتَيْهِ ثُمَّ رَفَعَ يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَلَمْ يَزَلْ يَحْمَدُ اللهَ عَلَى مَا كَسَاهُ حَتَّى دَخَلَ مَنْزِلَهُ.

ثُمَّ قَالَ: هَذَا اللِّبَاسُ الَّذِي يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِينَ أَنْ يَلْبَسُوهُ.

قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام: وَ لَكِنْ لَا يَقْدِرُونَ أَنْ يَلْبَسُوا هَذَا الْيَوْمَ وَ لَوْ فَعَلْنَاهُ لَقَالُوا: مَجْنُونٌ وَ لَقَالُوا: مُرَاءٍ وَ اللهُ تَعَالَى يَقُولُ: ﴿وَ ثِيَابَكَ فَطَهِّرْ﴾.

قَالَ: وَ ثِيَابَكَ ارْفَعْهَا وَ لَا تَجُرَّهَا وَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا كَانَ هَذَا اللِّبَاسَ.

---

۲ ـ معلّی بن خنیس گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

روزی حضرت علی عليه‌السلام نزد شما (کوفیان) بود که نزد قبیله بنو دیوان رفت و سه لباس به یک درهم خرید: یک پیراهن به اندازه روی قوزک پا، یک شلوار به اندازه نصف ساق پا و یک عبا. سپس دستان خود را به سوی آسمان بالا برد و همین‌طور خداوند را بر لباسی که بر او پوشانده بود سپاس می‌گفت تا این که وارد خانه‌اش شد.

سپس فرمود: لباسی که شایسته است مسلمانان بپوشند، همین‌گونه است.

امام صادق عليه‌السلام فرمود: ولی امروزه مردم نمی‌توانند آن‌گونه لباس بپوشند و اگر ما چنین لباس بپوشیم، می‌گویند: دیوانه و یا ریاکار است در حالی که خداوند می‌فرماید: «و لباس‌های خود را پاکیزه کن».

فرمود: یعنی لباس‌های خود را کوتاه کن و آن را بر زمین نکشان. هنگامی که قائم ما قیام کند، این‌گونه لباس، رایج خواهد بود.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ هِلَالٍ قَالَ: أَمَرَنِي أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام أَنْ أَشْتَرِيَ لَهُ إِزَاراً فَقُلْتُ لَهُ: إِنِّي لَسْتُ أُصِيبُ إِلَّا وَاسِعاً.

قَالَ: اقْطَعْ مِنْهُ وَ كُفَّهُ.

قَالَ: ثُمَّ قَالَ: إِنَّ أَبِي قَالَ: وَ مَا جَاوَزَ الْكَعْبَيْنِ فَفِي النَّارِ.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ مِثْلَهُ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْيَمَامَةِ كَانَ مَعَ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام أَيَّامَ حُبِسَ بِبَغْدَادَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام:

---

۳ ـ عبدالله بن هلال گوید: امام صادق علیه السلام به من دستور داد که برای ایشان شلوار بخرم.

به آن حضرت عرض کردم: من جز لباس گشاد پیدا نکردم.

فرمود: فزونی آن را ببر و دوباره حاشیه پارچه را به هم‌دیگر بدوز.

سپس فرمود: پدر بزرگوارم می‌فرمود: آن مقدار از لباس که از قوزک پا بگذرد، در آتش جهنم است.

۴ ـ عبدالرحمان بن عثمان گوید: در روزهایی که امام کاظم علیه السلام در بغداد زندانی بود یکی از مردم یمامه همراه ایشان بود. وی گفت: امام کاظم علیه السلام به من فرمود:

إِنَّ اللهَ تَعَالَى قَالَ لِنَبِيِّهِ ﷺ: ﴿وَ ثِيابَكَ فَطَهِّرْ﴾ وَ كَانَتْ ثِيَابُهُ طَاهِرَةً وَ إِنَّمَا أَمَرَهُ بِالتَّشْمِيرِ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام:

أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ أَوْصَى رَجُلاً مِنْ بَنِي تَمِيمٍ فَقَالَ لَهُ:

إِيَّاكَ وَ إِسْبَالَ الْإِزَارِ وَ الْقَمِيصِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الْمَخِيلَةِ وَ اللهُ لَا يُحِبُّ الْمَخِيلَةَ.

٦ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عُبَيْسِ بْنِ هِشَامٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ رَفَعَهُ قَالَ: نَظَرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام إِلَى فَتًى مُرْخٍ إِزَارَهُ فَقَالَ:

يَا بُنَيَّ! ارْفَعْ إِزَارَكَ فَإِنَّهُ أَبْقَى لِثَوْبِكَ وَ أَنْقَى لِقَلْبِكَ.

٧ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

به راستی که خداوند به پیامبرش فرمود: «ولباس‌های خود را پاکیزه کن» در حالی که لباس پیامبر ﷺ پاکیزه بود. خداوند فقط به پیامبر ﷺ دستور داد که لباس خود را کوتاه کند.

۵ ـ ابو بصیر گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: پیامبر خدا ﷺ به مردی از قبیلهٔ بنو تمیم سفارش می‌کرد و می‌فرمود: بپرهیز که دامن ازار و یا دامن پیراهن خود را بر زمین بکشی؛ که دامن کشیدن نشانهٔ ناز و نخوت است و خداوند متعال ناز و نخوت را دوست نمی‌دارد.

۶ ـ ابو حمزه در روایت مرفوعه‌ای گوید: امیر مؤمنان علی عليه السلام به جوانی نگاه کرد که لباس بلندی پوشیده بود. به او فرمود: پسرم! لباس خود را بالا ببر؛ زیرا این کار، لباست را ماندگارتر و قلبت را پاکیزه وزُلال‌تر می‌سازد.

۷ ـ ابن قدّاح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام إِذَا لَبِسَ الْقَمِيصَ مَدَّ يَدَهُ فَإِذَا طَلَعَ عَلَى أَطْرَافِ الْأَصَابِعِ قَطَعَهُ.

٨ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْحَسَنِ الصَّيْقَلِ قَالَ:

قَالَ لِي أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام: تُرِيدُ أُرِيكَ قَمِيصَ عَلِيٍّ عليه‌السلام الَّذِي ضُرِبَ فِيهِ وَ أُرِيكَ دَمَهُ؟

قَالَ: قُلْتُ: نَعَمْ.

فَدَعَا بِهِ وَ هُوَ فِي سَفَطٍ فَأَخْرَجَهُ وَ نَشَرَهُ فَإِذَا هُوَ قَمِيصُ كَرَابِيسَ يُشْبِهُ السُّنْبُلَانِيَّ فَإِذَا مُوَضَّعُ الْجَيْبِ إِلَى الْأَرْضِ وَ إِذَا الدَّمُ أَبْيَضُ شِبْهُ اللَّبَنِ شِبْهُ شُطَبِ السَّيْفِ.

قَالَ: هَذَا قَمِيصُ عَلِيٍّ الَّذِي ضُرِبَ فِيهِ وَ هَذَا أَثَرُ دَمِهِ.

فَشَبَرْتُ بَدَنَهُ فَإِذَا هُوَ ثَلَاثَةُ أَشْبَارٍ وَ شَبَرْتُ أَسْفَلَهُ فَإِذَا هُوَ اثْنَا عَشَرَ شِبْراً.

هرگاه امیر مؤمنان علی عليه‌السلام پیراهنی می‌پوشید، با دست خود آن را اندازه می‌کرد. پس هرگاه از سر انگشتان اضافه می‌آمد، آن را می‌بُرید.

٨ ـ حسن صیقل گوید: امام صادق عليه‌السلام به من فرمود: می‌خواهی پیراهنی را که حضرت علی عليه‌السلام در آن ضربت خورد و همین‌طور خون ایشان را به شما نشان دهم؟

عرض کردم: آری.

حضرت آن لباس را خواست. آن لباس در جامه‌دانی بود. وقتی حضرتش عليه‌السلام آن را بیرون آورد و باز نمود. دیدم پیراهنی کرباسی شبیه به سنبلانی [1] بود. یقهٔ آن به طرف پایین شکافته شده بود [2] در این هنگام خون، سفید رنگی مانند شیر و رگه‌های شمشیر [3] دیده شد.

حضرت عليه‌السلام فرمود: این پیراهن علی عليه‌السلام است که در آن ضربت خورد و این، اثر خون ایشان است.

آنگاه حضرتش عليه‌السلام آن را وَجَب نمود. تنه پیراهن سه وجب و پایین پیراهن دوازده وجب بود.

---

١ ـ سنبلانی: یعنی پیراهن بلند و یا منسوب به شهری در روم.

٢ ـ فیض کاشانی در وافی می‌نویسد: احتمال دارد چون لباس حضرت عليه‌السلام خونی بود، یقه آن را شکافتند تا آن را درباورند.

٣ ـ گذشت زمان سفید شده بود.

۹ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ زُرَارَةَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: رَأَيْتُ قَمِيصَ عَلِيٍّ عليه السلام الَّذِي قُتِلَ فِيهِ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فَإِذَا أَسْفَلُهُ اثْنَا عَشَرَ شِبْراً وَ بَدَنُهُ ثَلَاثَةُ أَشْبَارٍ وَ رَأَيْتُ فِيهِ نَضْحَ دَمٍ.

۱۰ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ سَلَمَةَ بَيَّاعِ الْقَلَانِسِ قَالَ:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: يَا بُنَيَّ! أَلَا تُطَهِّرُ قَمِيصَكَ؟

فَذَهَبَ فَظَنَنَّا أَنَّ ثَوْبَهُ قَدْ أَصَابَهُ شَيْءٌ فَرَجَعَ فَقَالَ: إِنَّهُ هٰكَذَا.

فَقُلْنَا: جَعَلَنَا اللهُ فِدَاكَ! مَا لِقَمِيصِهِ؟

قَالَ: كَانَ قَمِيصُهُ طَوِيلاً وَ أَمَرْتُهُ أَنْ يُقَصِّرَ إِنَّ اللهَ عزّ و جلّ يَقُولُ: ﴿وَ ثِيابَكَ فَطَهِّرْ﴾.

---

۹ ـ زرارة بن اعین گوید: من پیراهن امیر مؤمنان علی عليه السلام را نزد امام باقر عليه السلام دیدم؛ همان پیراهنی که در آن به شهادت رسیده بود، آن را وارسی کردم، پایین دامن به عرض دوازده وجب وبالای سینه به عرض سه وجب بود. من اثر رنگ پریده خون را در آن مشاهده کردم.

۱۰ ـ سلمه بیّاع قلانس گوید: در خدمت امام باقر عليه السلام بودم که امام صادق عليه السلام نیز وارد شد.

امام باقر عليه السلام فرمود: پسرم! آیا پیراهنت را تمیز نمی‌کنی؟

امام صادق عليه السلام رفت. ما گمان کردیم که چیزی به لباس آن حضرت رسیده، وقتی امام صادق عليه السلام برگشت، امام باقر عليه السلام فرمود: باید لباس این‌طور باشد.

ما عرض کردیم: خداوند ما را فدای شما گرداند! پیراهن او چگونه بود؟

فرمود: پیراهن او بلند بود، من به او دستور دادم که آن را کوتاه کند. خداوند متعال می‌فرماید: «لباست را پاکیزه کن».

۱۱ ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ الطَّائِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: نَظَرَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام إِلَى رَجُلٍ قَدْ لَبِسَ قَمِيصاً يُصِيبُ الْأَرْضَ فَقَالَ:

مَا هَذَا ثَوْبٌ طَاهِرٌ.

۱۲ ـ عَنْهُ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: فِي الرَّجُلِ يَجُرُّ ثَوْبَهُ قَالَ:

إِنِّي لَأَكْرَهُ أَنْ يَتَشَبَّهَ بِالنِّسَاءِ.

۱۳ ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَدَعَا بِأَثْوَابٍ فَذَرَعَ مِنْهُ فَعَمَدَ إِلَى خَمْسَةِ أَذْرُعٍ فَقَطَعَهَا ثُمَّ شَبَرَ عَرْضَهَا سِتَّةَ أَشْبَارٍ ثُمَّ شَقَّهُ وَ قَالَ:

شُدُّوا ضَفَّتَهُ وَ هَدِّبُوا طَرَفَيْهِ.

---

۱۱ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام صادق عليه السلام به مردی نگریست که دامن پیراهنش را بر زمین می‌کشید. فرمود: این پیراهن نمی‌تواند پاک باشد.

۱۲ ـ سماعة بن مهران گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: اگر کسی دامن پیراهن خود را بر زمین بکشد چه صورت دارد؟

فرمود: من دوست نمی‌دارم که مردان با بانوان همطراز شوند.

۱۳ ـ حذیفة بن منصور گوید: من در خدمت امام صادق عليه السلام بودم که لباس‌هایی خواست. پس آن را اندازه کرد. پس پنج ذرع را برداشت و آن را برید. سپس از عرض شش وَجب برید و آن را پاره کرد و فرمود: آن را محکم بدوزید و دو طرف آن را ریش ریش کنید.

(۱۳)

بَابُ الْقَوْلِ عِنْدَ لِبَاسِ الْجَدِيدِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه‌السلام عَنِ الرَّجُلِ يَلْبَسُ الثَّوْبَ الْجَدِيدَ قَالَ:

يَقُولُ: «**اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ ثَوْبَ يُمْنٍ وَ تُقًى وَ بَرَكَةٍ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ حُسْنَ عِبَادَتِكَ وَ عَمَلاً بِطَاعَتِكَ وَ أَدَاءَ شُكْرِ نِعْمَتِكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَ أَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ**».

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام:

بخش سیزدهم

دعا به هنگام پوشیدن لباس نو

۱ ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام باقر عليه‌السلام پرسیدم: دعا به هنگام پودشیدن لباس نو چیست؟

فرمود: بعد از پوشیدن لباس نو بگوید: «**اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ ثَوْبَ يُمْنٍ وَ تُقًى وَ بَرَكَةٍ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ حُسْنَ عِبَادَتِكَ وَ عَمَلاً بِطَاعَتِكَ وَ أَدَاءَ شُكْرِ نِعْمَتِكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَ أَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ**».

۲ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود: امیر مؤمنان علی عليه‌السلام فرمود:

عَلَّمَنِي رَسُولُ اللهِ ﷺ إِذَا لَبِسْتُ ثَوْباً جَدِيداً أَنْ أَقُولَ: «**الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي كَسَانِي مِنَ اللِّبَاسِ مَا أَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا ثِيَابَ بَرَكَةٍ أَسْعَى فِيهَا لِمَرْضَاتِكَ وَ أَعْمُرُ فِيهَا مَسَاجِدَكَ**» فَقَالَ:

يَا عَلِيُّ! مَنْ قَالَ ذَلِكَ لَمْ يَتَقَمَّصْهُ حَتَّى يَغْفِرَ اللهُ لَهُ.

وَ فِي نُسْخَةٍ أُخْرَى: لَمْ يُصِبْهُ شَيْءٌ يَكْرَهُهُ.

٣ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمَذَانِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي عُثْمَانَ عَنْ خَالِدٍ الْجَوَّانِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام يَقُولُ:

قَدْ يَنْبَغِي لِأَحَدِكُمْ إِذَا لَبِسَ الثَّوْبَ الْجَدِيدَ أَنْ يُمِرَّ يَدَهُ عَلَيْهِ وَ يَقُولَ: «**الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي كَسَانِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَ أَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ وَ أَتَزَيَّنُ بِهِ بَيْنَهُمْ**».

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

پیامبر خدا ﷺ به من آموخت این‌گونه آموخت که هرگاه لباسی نو پوشیدم بگویم:

«**الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي كَسَانِي مِنَ اللِّبَاسِ مَا أَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا ثِيَابَ بَرَكَةٍ أَسْعَى فِيهَا لِمَرْضَاتِكَ وَ أَعْمُرُ فِيهَا مَسَاجِدَكَ**».

وفرمود: ای علی! هرکس این دعا را بخواند وآن پیراهن را بپوشد خداوند او را می‌آمرزد.

در نسخه دیگر چنین آمده است: هرکس این دعا را بخواند دچار امر ناخوشایندی نمی‌شود.

۳ ـ خالد جوّان گوید: از امام کاظم عليه السلام شنیدم که فرمود:

برای هرکدام از شما شایسته است هنگامی که لباس نو می‌پوشد دست خود را روی آن بکِشد وبگوید:

«**الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي كَسَانِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَ أَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ وَ أَتَزَيَّنُ بِهِ بَيْنَهُمْ**».

۴ ـ راویان متعدد می‌گویند: امام صادق عليه السلام فرمود:

مَنْ قَرَأَ ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ﴾ ثِنْتَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ مَرَّةً فِي إِنَاءٍ جَدِيدٍ وَ رَشَّ بِهِ ثَوْبَهُ الْجَدِيدَ إِذَا لَبِسَهُ لَمْ يَزَلْ يَأْكُلُ فِي سَعَةٍ مَا بَقِيَ مِنْهُ سِلْكٌ.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

إِذَا كَسَا اللهُ تَعَالَى الْمُؤْمِنَ ثَوْباً جَدِيداً فَلْيَتَوَضَّأْ وَ لْيُصَلِّ رَكْعَتَيْنِ يَقْرَأُ فِيهِمَا أُمَّ الْكِتَابِ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ وَ ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ﴾ ثُمَّ لْيَحْمَدِ اللهَ الَّذِي سَتَرَ عَوْرَتَهُ وَ زَيَّنَهُ فِي النَّاسِ وَ لْيُكْثِرْ مِنْ قَوْلِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ، فَإِنَّهُ لَا يَعْصِي اللهَ فِيهِ وَ لَهُ بِكُلِّ سِلْكٍ فِيهِ مَلَكٌ يُقَدِّسُ لَهُ وَ يَسْتَغْفِرُ لَهُ وَ يَتَرَحَّمُ عَلَيْهِ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ النَّيْسَابُورِيِّ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الرَّيَّانِ عَنْ يُونُسَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ:

أَرَدْتُ الدُّخُولَ عَلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَلَبِسْتُ ثِيَابِي وَ نَشَرْتُ طَيْلَسَاناً جَدِيداً كُنْتُ مُعْجَباً بِهِ فَزَحَمَنِي جَمَلٌ فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ فَتَمَزَّقَ مِنْ كُلِّ وَجْهٍ فَاغْتَمَمْتُ لِذَلِكَ فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَنَظَرَ إِلَى الطَّيْلَسَانِ فَقَالَ لِي:

هرکس سی ودو مرتبه «انّا انزلناه» را در ظرف نوی بخواند وهنگامی که لباس نوی می‌پوشد آب آن ظرف را به لباسش بپاشد همیشه همواره تا زمانی که نخی از آن لباس باقی است، در فراخی وگشایش زندگی خواهد کرد.

۵ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیر مؤمنان علی عليه السلام فرمود:

هرگاه خداوند به مؤمنی لباسی بپوشاند، بایستی وضو بگیرد ودو رکعت نماز بخواند که در این دو رکعت سوره حمد، آية الکرسی، سوره توحید، وسوره قدر را بخواند. آنگاه خدا را سپاس گوید که عورتش را پوشانده واو را در بین مردم زینت داده است وبسیار بگوید: «**لاحول ولاقوّة الّا بـالله**» در این صورت او در آن لباس خداوند را معصیت نخواهد کرد وبرای او به تعداد نخ‌های آن لباس فرشته‌ای است که برای او تقدیس خداوند می‌کند، برای او استغفار می‌کند وبه او «**رحمك الله**» می‌گوید.

۶ ـ عمر بن یزید گوید: می‌خواستم خدمت امام صادق عليه السلام شرف‌یاب شوم. لباس‌های خود را پوشیدم وطیلسان نویی را که دوست داشتم روی دوش خود انداختم. در راه با شتری برخورد کردم وطیلسانم از هر طرف پاره شد. من به همین خاطر اندوهگین شدم وبا این حال خدمت امام شرف‌یاب شدم. امام عليه السلام به طیلسان نگاهی نمود وفرمود:

مَا لِي أَرَاكَ مُنْهَتِكاً؟

فَأَخْبَرْتُهُ بِالْقِصَّةِ فَقَالَ: يَا عُمَرُ! إِذَا لَبِسْتَ ثَوْباً جَدِيداً فَقُلْ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ» تَبْرَأْ مِنَ الْآفَةِ وَ إِذَا أَحْبَبْتَ شَيْئاً فَلَا تُكْثِرْ مِنْ ذِكْرِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يَهُدُّكَ وَ إِذَا كَانَتْ لَكَ إِلَى رَجُلٍ حَاجَةٌ فَلَا تَشْتِمْهُ مِنْ خَلْفِهِ، فَإِنَّ اللهَ يُوقِعُ ذَلِكَ فِي قَلْبِهِ.

(۱٤)

بَابُ لُبْسِ الْخُلْقَانِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

أَدْنَى الْإِسْرَافِ هِرَاقَةُ فَضْلِ الْإِنَاءِ وَ ابْتِذَالُ ثَوْبِ الصَّوْنِ وَ إِلْقَاءُ النَّوَى.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ صَالِحٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام: مَا أَدْنَى مَا يَجِيءُ مِنَ الْإِسْرَافِ؟

چرا ناراحتی؟

حضرتش را از ماجرا آگاه کردم.

فرمود: ای عمر! هرگاه لباس نویی پوشیدی بگو: «**لا اله الا الله محمّد**صلی‌الله‌علیه‌وآله **رسول الله**» و از آفت و بلا بیزاری جوی و هرگاه چیزی را دوست داری نام آن را فراوان بر لب نیاور؛ زیرا چنین کاری تو را نابود می‌کند و هرگاه به شخصی نیازی داری، پشت سرش او را سخن بد نگو؛ زیرا خداوند آن را در قلب او می‌اندازد (و او را از سخن تو آگاه می‌کند).

بخش چهاردهم

پوشیدن لباس کهنه

۱ ـ اسحاق بن عمّار گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

کسی که ماندهٔ ظرف آب را بر زمین بریزد، ولباس نو خود را به هنگام کار بپوشد و یا دانهٔ خرما را به دور اندازد، ساده‌ترین نوع اسراف را مرتکب شده است.

۲ ـ سلیمان بن صالح گوید: به امام صادق عليه‌السلام گفتم: کم‌ترین اسرافی که انجام می‌شود چیست؟

قَالَ: ابْتِذَالُكَ ثَوْبَ صَوْنِكَ وَ إِهْرَاقُكَ فَضْلَ إِنَائِكَ وَ أَكْلُكَ التَّمْرَ وَ رَمْيَكَ بِالنَّوَى هَاهُنَا وَ هَاهُنَا.

۳ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ كَثِيرٍ الْمَدَائِنِيِّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

دَخَلَ عَلَيْهِ بَعْضُ أَصْحَابِهِ فَرَأَى عَلَيْهِ قَمِيصاً فِيهِ قَبٌّ قَدْ رَقَعَهُ فَجَعَلَ يَنْظُرُ إِلَيْهِ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: مَا لَكَ تَنْظُرُ؟

فَقَالَ: قَبٌّ مُلْقًى فِي قَمِيصِكَ.

قَالَ: فَقَالَ لِيَ: اضْرِبْ يَدَكَ إِلَى هَذَا الْكِتَابِ فَاقْرَأْ مَا فِيهِ. وَ كَانَ بَيْنَ يَدَيْهِ كِتَابٌ أَوْ قَرِيبٌ مِنْهُ.

فَنَظَرَ الرَّجُلُ فِيهِ فَإِذَا فِيهِ: لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ وَ لَا مَالَ لِمَنْ لَا تَقْدِيرَ لَهُ وَ لَا جَدِيدَ لِمَنْ لَا خَلَقَ لَهُ.

فرمود: این‌که لباس بیرونی خود را لباس خانگی قرار دهی، زیادی آب و غذای ظرف خود را دور بریزی و خرما بخوری و هسته آن را دور بیندازی.

۳ـ راوی گوید: یکی از یاران امام صادق عليه السلام حضور آن حضرت شرف‌یاب شد و دید آن حضرت پیراهنی پوشیده که آستر آن وصله زده شده است. او همین‌طور به آن لباس نگاه می‌کرد.

حضرت عليه السلام به او فرمود: برای چه نگاه می‌کنی؟

عرض کرد: به وصله لباس شما می‌نگرم.

آن شخص گوید: در مقابل حضرت کتاب یا نوشته‌ای بود. امام عليه السلام به من فرمود: این کتاب را بردار و بخوان.

او کتاب را برداشت و خواند، در آن کتاب نوشته شده بود: «کسی که شرم و حیا ندارد، ایمان ندارد، کسی که اندازه و حساب وکتاب ندارد، ثروتی ندارد وکسی که لباس کهنه ندارد، لباس نو و تازه ندارد».

(۱۵)

بَابُ الْعَمَائِمِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ تَعَمَّمَ وَ لَمْ يَتَحَنَّكْ فَأَصَابَهُ دَاءٌ لَا دَوَاءَ لَهُ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي هَمَّامٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللهِ عزّوجلّ ﴿مُسَوِّمِينَ﴾ قَالَ:

الْعَمَائِمُ اعْتَمَّ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله فَسَدَلَهَا مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ اعْتَمَّ جَبْرَئِيلُ فَسَدَلَهَا مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

بخش پانزدهم
عمامه و دستار

۱ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرکس عمامه‌ای بر سر نهد بی‌آن‌که تحت الحنک بیندازد و به بیماری لاعلاجی دچار شود، جز خودش را سرزنش نکند.

۲ ـ ابو همام گوید: به امام رضا عليه السلام گفتم: خداوند متعال در قرآن مجید فرشتگان جنگی را با آرایش ویژه می‌ستاید، این آرایش به چه صورت بوده است؟

امام رضا عليه السلام فرمود: آرایش عمامه. رسول خدا صلى الله عليه وآله در جنگ احد کلاه آهنی خود را با عمامه آرایش کرد و یک طرف عمامه را بر روی سینه آویخت و یک طرف دیگر را از پشت سر. جبرئیل نیز که با هزار فرشته به یاری مسلمانان آمد عمامهٔ خود را به همین صورت آرایش کرده بود.

۳ ـ جابر گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

كَانَتْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْعَمَائِمُ الْبِيضُ الْمُرْسَلَةُ يَوْمَ بَدْرٍ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعُقَيْلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عَلِيٍّ اللَّهَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

عَمَّمَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله عَلِيّاً عليه السلام بِيَدِهِ فَسَدَلَهَا مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ قَصَّرَهَا مِنْ خَلْفِهِ قَدْرَ أَرْبَعِ أَصَابِعَ.

ثُمَّ قَالَ: أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ.

ثُمَّ قَالَ: أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ.

ثُمَّ قَالَ: هَكَذَا تِيجَانُ الْمَلَائِكَةِ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

الْعَمَائِمُ تِيجَانُ الْعَرَبِ.

وَ رُوِيَ: أَنَّ الطَّابِقِيَّةَ عِمَّةُ إِبْلِيسَ لَعَنَهُ اللهُ.

در جنگ بدر بر سر فرشتگان عمامه‌های سفیدی بود که تحت الحنک داشتند.

۴ ـ علی بن ابو علی لهبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله با دست خود بر سر حضرت علی عليه السلام عمامه بست. پس آن را از مقابل آزاد گذارد و از پشت سر آن را به اندازه چهار انگشت کوتاه نمود.

سپس فرمود: برگرد.

حضرت علی عليه السلام برگشت و پشت نمود.

سپس فرمود: روی کن.

حضرت علی عليه السلام دوباره برگشت و روی نمود.

سپس فرمود: تاج فرشتگان چنین است.

۵ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

عمامه‌ها، تاج‌های عرب‌هاست.

و در روایت دیگری آمده است: «طابقیّه [1] عمامه ابلیس است.

---

۱ ـ طابقیّه: یعنی عمامه بدون تحت الحنک.

٦ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ مُعْتَمّاً تَحْتَ حَنَكِهِ يُرِيدُ سَفَراً لَمْ يُصِبْهُ فِي سَفَرِهِ سَرَقٌ وَ لَا حَرَقٌ وَ لَا مَكْرُوهٌ.

٧ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الْبَغْدَادِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عِيسَى بْنِ حَمْزَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَنِ اعْتَمَّ فَلَمْ يُدِرِ الْعِمَامَةَ تَحْتَ حَنَكِهِ فَأَصَابَهُ أَلَمٌ لَا دَوَاءَ لَهُ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ.

---

۶ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرکس با عمامه تحت الحنک‌دار از خانه‌اش به قصد سفر بیرون شود؛ دچار دزدی، آتش‌سوزی و امر ناپسندی نخواهد شد.

۷ ـ عیسی بن حمزه نظیر روایت یکم همین بخش را از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند.

(١٦)
بَابُ الْقَلَانِسِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:
كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله يَلْبَسُ الْقَلَانِسَ الْيَمَنِيَّةَ وَ الْبَيْضَاءَ وَ الْمُضَرَّبَةَ وَ ذَاتَ الْأُذُنَيْنِ فِي الْحَرْبِ وَ كَانَتْ عِمَامَتُهُ السَّحَابَ وَ كَانَ لَهُ بُرْنُسٌ يَتَبَرْنَسُ بِهِ.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:
كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله يَلْبَسُ قَلَنْسُوَةً بَيْضَاءَ مُضَرَّبَةً وَ كَانَ يَلْبَسُ فِي الْحَرْبِ قَلَنْسُوَةً لَهَا أُذُنَانِ.

٣ ـ حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمِيثَمِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

بخش شانزدهم
کلاه زمستانی

۱ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله در جنگ‌ها کلاه یمنی سفید، رنگارنگ، گوش‌دار بر سر می‌نهاد وعمامه آن حضرت «سحاب» بود. وبرنسی (لباسی کلاهدار مانند بارانی) داشت که آن را می‌پوشید.

۲ ـ راوی دیگر نظیر این روایت پیش را از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند.

۳ ـ حسین بن مختار گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود:

اعْمَلْ لِي قَلَانِسَ بَيْضَاءَ وَ لَا تُكَسِّرْهَا، فَإِنَّ السَّيِّدَ مِثْلِي لَا يَلْبَسُ الْمُكَسَّرَ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ يَحْيَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلَادِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

اتَّخِذْ لِي قَلَنْسُوَةً وَ لَا تَجْعَلْهَا مُصَبَّغَةً، فَإِنَّ السَّيِّدَ مِثْلِي لَا يَلْبَسُهَا يَعْنِي لَا تُكَسِّرْهَا.

(١٧)

بَابُ الِاحْتِذَاءِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

اسْتِجَادَةُ الْحِذَاءِ وِقَايَةٌ لِلْبَدَنِ وَ عَوْنٌ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الطُّهُورِ.

یک کلاه سفید برای من درست کن، اما لبهٔ آن را به طرف بالا نشکن که برای من و امثال من شایسته نیست.

۴ ـ نظیر این روایت را حسین بن مختار باسند دیگری از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند.

بخش هفدهم

پوشیدن کفش

۱ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیر مؤمنان علی عليه السلام فرمود:

کفش خوب اختیار کردن، موجب نگهداری بدن و یاری بر نماز وطهارت و پاکیزگی است.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:
أَوَّلُ مَنِ اتَّخَذَ النَّعْلَيْنِ إِبْرَاهِيمُ عليه السلام.

۳ ـ وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله:
مَنِ اتَّخَذَ نَعْلاً فَلْيَسْتَجِدْهَا.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:
لَا تَحْتَذُوا الْمَلْسَ، فَإِنَّهَا حِذَاءُ فِرْعَوْنَ وَ هُوَ أَوَّلُ مَنِ اتَّخَذَ الْمَلْسَ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
إِنِّي لَأَمْقُتُ الرَّجُلَ لَا أَرَاهُ مُعَقَّبَ النَّعْلَيْنِ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ مِنْهَالٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام وَ عَلَيَّ نَعْلٌ مَمْسُوحَةٌ فَقَالَ:

---

۲ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
نخستین کسی که نعلین انتخاب نمود، ابراهیم عليه السلام بود.

۳ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:
هرکس می‌خواهد نعلین بپوشد باید نوع خوب و مرغوب آن را برگزیند.

۴ ـ حسن بن راشد گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیر مؤمنان علی عليه السلام فرمود:
کفش «ملس» (۱) را نپوشید؛ زیرا آن، کفش فرعون است و او نخستین فردی بود که آن کفش را پوشید.

۵ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:
اگر ببینم کسی پشت کفش خود را بالا نکشیده باشد، از او نفرت می‌کنم.

۶ ـ منهال گوید: من در خدمت امام صادق عليه السلام بودم و در پایم نعلینی بود که وسط و دو طرفش یکسان بود.

---

۱ ـ کفش ملس: یعنی کفشی که وسط و دو طرف آن یکسان است.

هَذَا حِذَاءُ الْيَهُودِ.

فَانْصَرَفَ مِنْهَالٌ فَأَخَذَ سِكِّيناً فَخَصَّرَهَا بِهَا.

۷ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِي الْخَزْرَجِ الْحَسَنِ بْنِ الزِّبْرِقَانِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ:

حَدَّثَنِي إِسْحَاقُ الْحَذَّاءُ قَالَ: أَرْسَلَ إِلَيَّ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام وَ نَحْنُ بِمِنًى: ائْتِنِي وَ مَعَكَ كِنْفُكَ.

قَالَ: فَأَتَيْتُهُ فِي مِضْرَبِهِ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَرَدَّ عَلَيَّ وَ أَوْمَأَ إِلَيَّ أَنِ اجْلِسْ فَجَلَسْتُ ثُمَّ تَنَاوَلَ نَعْلاً جَدِيداً فَرَمَى بِهَا إِلَيَّ فَلَمَّا أَرَدْتُ أَنْ أَذْهَبَ.

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! لَوْ وَهَبْتَ لِي هَذِهِ النَّعْلَ وَ كُنْتُ أَحْذُو عَلَيْهَا.

فَرَمَى إِلَيَّ بِالْفَرْدِ الْآخَرِ فَقَالَ: وَاحِدَةٌ أَيُّ شَيْءٍ تَنْفَعُكَ؟

قَالَ: وَ كَانَتْ مُعَقَّبَةً مُخَصَّرَةً مِنْ وَسَطِهَا لَهَا قِبَالَانِ وَ لَهَا رُءُوسٌ فَقَالَ: هَذَا حَذْوُ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله.

حضرت فرمود: این کفش یهودیان است.

پس منهال برگشت و با چاقویی کفش خود را به کفش مُخَصَّر [1] تبدیل کرد.

۷ ـ ابو خزرج حسن بن زبرقان انصاری گوید: اسحاق کفش‌دوز به من گفت: ما در منا بودیم که امام صادق علیه السلام برایم پیام فرستاد که با وسایل کارت نزد من بیا. من خدمت امام علیه السلام شرف‌یاب شدم ودر خیمه آن حضرت رفتم وسلام کردم. آن حضرت پاسخ فرمود وبه من اشاره نمود که بنشینم. من نیز نشستم. آنگاه لنگه نعلین نویی را به من عنایت فرمود.

هنگامی که خواستم بروم عرض کردم: قربانت شوم! کاش این کفش را به من می‌بخشیدید تا بپوشم، حضرت علیه السلام لنگه دیگر نعلین را به من داد وفرمود: یک لنگه برای تو فایده ندارد؟!

اسحاق گوید: نعلین‌ها، پاشنه‌دار و«مخصّر» ودارای دو «دوال» (که بین انگشتان قرار می‌گیرد) ونوک بودند.

امام صادق علیه السلام فرمود: کفش‌های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله همین‌گونه بود.

---

۱ ـ مُخَصَّر: یعنی کفشی که بین قسمت پاشنه وجلون آن، تورفتگی باشد.

۸ ـ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنِي دَاوُدُ بْنُ إِسْحَاقَ أَبُو سُلَيْمَانَ الْحَذَّاءُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَيْضِ مِنْ تَيْمِ الرِّبَابِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام يَقُولُ:

إِنِّي لَأَمْقُتُ الرَّجُلَ أَرَى فِي رِجْلِهِ نَعْلاً غَيْرَ مُخَصَّرَةٍ أَمَا إِنَّ أَوَّلَ مَنْ غَيَّرَ حَذْوَ رَسُولِ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله فُلَانٌ.

ثُمَّ قَالَ: مَا تُسَمُّونَ هَذَا الْحَذْوَ؟

قُلْتُ: الْمَمْسُوحَ.

قَالَ: هَذَا الْمَمْسُوحُ.

۹ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُوَيْدٍ قَالَ:

نَظَرَ إِلَيَّ أَبُو الْحَسَنِ عليه‌السلام وَ عَلَيَّ نَعْلَانِ مَمْسُوحَتَانِ فَأَخَذَهُمَا وَ قَلَبَهُمَا ثُمَّ قَالَ لِي: أَ تُرِيدُ أَنْ تَهَوَّدَ؟

قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنَّمَا وَهَبَهُمَا لِي إِنْسَانٌ.

قَالَ: فَلَا بَأْسَ.

---

۸ ـ محمّد بن فیض گوید: حضرتش فرمود:

من مردی را که در پایش نعلین غیر مخصَّر ببینم دوست ندارم. آگاه باشید! نخستین کسی که نوع کفش پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله را تغییر داد، «فلانی» بود.

سپس فرمود: شما این کفش را چه می‌نامید؟

عرض کردم: ممسوح [1].

فرمود: این کفش ممسوح است.

۹ ـ علی بن سوید گوید: من یک جفت نعلین ممسوح در پایم بود. وقتی امام کاظم عليه‌السلام آنها را دید، برداشت و وارونه نمود. سپس به من فرمود: آیا می‌خواهی یهودی شوی؟!

گفتم: قربانت گردم! آنها را شخصی به من بخشیده است.

فرمود: در این صورت ایرادی ندارد.

---

۱ ـ ممسوح: یعنی کفشی که پاشنه تا قسمت جلوی آن یکسره و تخت باشد؛ برعکس مخصَّر.

۱۰ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام أَنَّهُ كَرِهَ عَقْدَ شِرَاكِ النَّعْلِ وَ أَخَذَ نَعْلَ أَحَدِهِمْ وَ حَلَّ شِرَاكَهَا.

۱۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ أَبِي يُطِيلُ ذَوَائِبَ نَعْلَيْهِ.

۱۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ عَنْ أَبِي عِمْرَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى نَعْلٍ شِرَاكُهَا مَعْقُودَةٌ فَتَنَاوَلَهَا أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام فَحَلَّهَا، ثُمَّ قَالَ: لَا تَعْقِدْ.

۱۳ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ: كُنْتُ أَمْشِي مَعَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَانْقَطَعَ شِسْعُ نَعْلِهِ فَأَخْرَجْتُ مِنْ كُمِّي شِسْعاً فَأَصْلَحَ بِهِ نَعْلَهُ ثُمَّ ضَرَبَ يَدَهُ عَلَى كَتِفِيَ الْأَيْسَرِ وَ قَالَ:

---

۱۰ ـ راویان متعددی گویند: امام صادق عليه السلام بستن بند کفش را مکروه می‌دانست. روزی آن حضرت نعلین شخصی را گرفت و بند آن را باز کرد.

۱۱ ـ غیاث بن ابراهیم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پدرم امام باقر عليه السلام جلو نعلین را با یک زبانهٔ دراز مجهز می‌کرد.

۱۲ ـ راوی گوید: روزی امام صادق عليه السلام دید بند نعلینی را بسته‌اند، آن را برداشت و بند آن را باز نمود.

سپس فرمود: نباید بند نعلین را گره زد.

۱۳ ـ عبدالرحمان بن کثیر گوید: با امام صادق عليه السلام راه می‌رفتم که بند نعلین آن حضرت عليه السلام پاره شد. من از آستین خود بند کفشی بیرون آوردم و با آن نعلین آن بزرگوار را اصلاح کردم. حضرت عليه السلام دست خود را بر کتف چپم زد و فرمود:

يَا عَبْدَ الرَّحْمَانِ بْنَ كَثِيرٍ! مَنْ حَمَلَ مُؤْمِناً عَلَى شِسْعِ نَعْلِهِ حَمَلَهُ اللهُ ﷻ عَلَى نَاقَةٍ دَمْكَاءَ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ قَبْرِهِ حَتَّى يَقْرَعَ بَابَ الْجَنَّةِ.

١٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ يَعْقُوبَ السَّرَّاجِ قَالَ: كُنَّا نَمْشِي مَعَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام وَ هُوَ يُرِيدُ أَنْ يُعَزِّيَ ذَا قَرَابَةٍ لَهُ بِمَوْلُودٍ لَهُ فَانْقَطَعَ شِسْعُ نَعْلِ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَتَنَاوَلَ نَعْلَهُ مِنْ رِجْلِهِ ثُمَّ مَشَى حَافِياً فَنَظَرَ إِلَيْهِ ابْنُ أَبِي يَعْفُورٍ فَخَلَعَ نَعْلَ نَفْسِهِ مِنْ رِجْلِهِ وَ خَلَعَ الشِّسْعَ مِنْهَا وَ نَاوَلَهُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام فَأَعْرَضَ عَنْهُ كَهَيْئَةِ الْمُغْضَبِ ثُمَّ أَبَى أَنْ يَقْبَلَهُ ثُمَّ قَالَ:

أَلَا إِنَّ صَاحِبَ الْمُصِيبَةِ أَوْلَى بِالصَّبْرِ عَلَيْهَا.

فَمَشَى حَافِياً حَتَّى دَخَلَ عَلَى الرَّجُلِ الَّذِي أَتَاهُ لِيُعَزِّيَهُ.

١٥ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ التَّيْمِيِّ عَنْ عَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَدَخَلَ عَلَى رَجُلٍ فَخَلَعَ نَعْلَهُ ثُمَّ قَالَ:

اخْلَعُوا نِعَالَكُمْ فَإِنَّ النَّعْلَ إِذَا خُلِعَتِ اسْتَرَاحَتِ الْقَدَمَانِ.

ای عبدالرحمان بن کثیر! هرکس به مؤمنی بند کفش دهد، هنگامی که از قبرش خارج می‌شود، خداوند او را بر روی شتری تندرو حمل می‌کند تا این‌که درب بهشت را بکوبد.

۱۴ ـ یعقوب سرّاج گوید: ما به همراه امام صادق عليه السلام برای تسلیت یکی از خویشان آن حضرت که نوزاد خود را از دست داده بود می‌رفتیم. در نیمهٔ راه، بند نعلین آن حضرت گسیخت. امام صادق عليه السلام هر دو نعلین را از پای مبارک درآورد و به دست گرفت و پابرهنه به راه افتاد. وقتی پسر ابو یعفور چنین دید، نعل خود را از پا درآورد و بند آن را خارج نموده و به امام صادق عليه السلام تقدیم کرد.

آن حضرت خیره به او نگریست و از گرفتن بند خودداری کرد و فرمود: آن که دچار حادثه شده به صبر و تحمل سزاوارتر است.

آن‌گاه حضرتش با پای برهنه به راه خود ادامه داد تا به منزل خویشاوند خود رسید و او را تسلیت گفت.

۱۵ ـ عبدالرحمان بن ابو عبدالله گوید: من در خدمت امام صادق عليه السلام بودم که آن حضرت به خانهٔ یکی از آشنایان خود وارد شد و نعلین خود را از پا درآورد و فرمود: نعلین خود را از پا درآورید تا پاها استراحت کنند.

(۱۸)
بَابُ أَلْوَانِ النِّعَالِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ علیه‌السلام أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى بَعْضِ أَصْحَابِهِ وَ عَلَيْهِ نَعْلٌ سَوْدَاءُ فَقَالَ:

مَا لَكَ وَ لِلنَّعْلِ السَّوْدَاءِ؟ أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّهَا تُضِرُّ بِالْبَصَرِ وَ تُرْخِي الذَّكَرَ وَ هِيَ بِأَغْلَى الثَّمَنِ مِنْ غَيْرِهَا وَ مَا لَبِسَهَا أَحَدٌ إِلَّا اخْتَالَ فِيهَا؟!

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمَذَانِيِّ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِاللهِ علیه‌السلام وَ فِي رِجْلِي نَعْلٌ سَوْدَاءُ فَقَالَ:

يَا حَنَانُ! مَا لَكَ وَ لِلسَّوْدَاءِ؟ أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ فِيهَا ثَلَاثَ خِصَالٍ: تُضْعِفُ الْبَصَرَ وَ تُرْخِي الذَّكَرَ وَ تُورِثُ الْهَمَّ وَ مَعَ ذَلِكَ مِنْ لِبَاسِ الْجَبَّارِينَ؟!

بخش هیجدهم
رنگ‌های نعلین

۱ ـ راوی گوید: روزی امام صادق علیه‌السلام دید یکی از یارانش نعلینی سیاه پوشیده است، به او فرمود: چرا نعلین سیاه پوشیده‌ای؟! مگر نمی‌دانی که آن به چشم ضرر دارد و آلت را شل می‌کند، افزون بر آن، قیمت آن نسبت به رنگ‌های دیگر بیشتر است و هیچ‌کس آن را نپوشیده است مگر آنکه در آن تکبر ورزیده است.

۲ ـ حنان بن سدیر گوید:

من خدمت امام صادق علیه‌السلام شرف‌یاب شدم در حالی‌که نعلینی سیاه در پایم بود.

فرمود: ای حنان! تو را با رنگ سیاه چه کار؟! مگر نمی‌دانی در آن سه ویژگی است: چشم را ضعیف می‌نماید، آلت را شل می‌کند و غم و اندوه می‌آورد.

قَالَ: فَقُلْتُ: فَمَا أَلْبَسُ مِنَ النِّعَالِ؟

قَالَ: عَلَيْكَ بِالصَّفْرَاءِ فَإِنَّ فِيهَا ثَلَاثَ خِصَالٍ تَجْلُو الْبَصَرَ وَ تَشُدُّ الذَّكَرَ وَ تَدْرَأُ الْهَمَّ وَ هِيَ مَعَ ذَلِكَ مِنْ لِبَاسِ النَّبِيِّينَ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنْ أَبِي سُلَيْمَانَ الْخَوَّاصِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ دُكَيْنٍ عَنْ سَدِيرٍ الصَّيْرَفِيِّ قَالَ:

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام وَ عَلَيَّ نَعْلٌ بَيْضَاءُ فَقَالَ: يَا سَدِيرُ! مَا هَذِهِ النَّعْلُ؟ احْتَذَيْتَهَا عَلَى عِلْمٍ؟

قُلْتُ: لَا وَ اللهِ! جُعِلْتُ فِدَاكَ!

فَقَالَ: مَنْ دَخَلَ السُّوقَ قَاصِداً لِنَعْلٍ بَيْضَاءَ لَمْ يُبْلِهَا حَتَّى يَكْتَسِبَ مَالاً مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ.

قَالَ: أَبُو نُعَيْمٍ أَخْبَرَنِي سَدِيرٌ أَنَّهُ لَمْ يُبْلِ تِلْكَ النَّعْلَ حَتَّى اكْتَسَبَ مِائَةَ دِينَارٍ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ.

عرض کردم: پس چه نعلینی بپوشم؟

فرمود: بر تو باد نعلین زرد؛ زیرا در آن سه ویژگی است: چشم را جلا می‌دهد، آلت را سفت و محکم می‌کند و غم و اندوه را می‌زداید. علاوه بر آن، پوشش پیامبران علیهم‌السلام است.

۳ ـ سدیر صیرفی گوید: روزی با نعلین سفید رنگی خدمت امام صادق علیه‌السلام شرف‌یاب شدم.

فرمود: ای سدیر! این چه نعلینی است؟ آن را با آگاهی خریده‌ای؟

عرض کردم: نه، به خدا سوگند! قربانت گردم!

فرمود: هرکس وارد بازار شود و بخواهد نعلین سفید بخرد، آن نعلین را کهنه نمی‌کند تا این‌که از جایی که گمان نمی‌بَرَد، روزی به دست می‌آورد.

ابو نعیم گوید: سدیر به من خبر داد که آن نعلین‌ها کهنه نشدند تا این‌که از جایی که گمان نمی‌کرد، صد دینار به دست آورد.

٤ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْغَاضِرِيِّ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ قَالَ: رَآنِي أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام وَ عَلَيَّ نَعْلٌ سَوْدَاءُ فَقَالَ:

يَا عُبَيْدُ! مَا لَكَ وَ لِلنَّعْلِ السَّوْدَاءِ؟ أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ فِيهَا ثَلَاثَ خِصَالٍ: تُرْخِي الذَّكَرَ وَ تُضْعِفُ الْبَصَرَ وَ هِيَ أَغْلَى ثَمَناً مِنْ غَيْرِهَا وَ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَلْبَسُهَا وَ مَا يَمْلِكُ إِلَّا أَهْلَهُ وَ وَلَدَهُ فَيَبْعَثُهُ اللهُ جَبَّاراً.

٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ لَبِسَ نَعْلاً صَفْرَاءَ كَانَ فِي سُرُورٍ حَتَّى يُبْلِيَهَا.

٦ ـ عَنْهُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا بَلَغَ بِهِ جَابِرَ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

مَنْ لَبِسَ نَعْلاً صَفْرَاءَ لَمْ يَزَلْ يَنْظُرُ فِي سُرُورٍ مَا دَامَتْ عَلَيْهِ لِأَنَّ اللهَ عزّوجلّ يَقُولُ: ﴿صَفْرٰاءُ فٰاقِعٌ لَوْنُهٰا تَسُرُّ النّٰاظِرِينَ﴾.

---

۴ ـ عبید بن زراره گوید: من نعلین سیاهی پوشیده بودم که امام صادق عليه السلام مرا دید و فرمود: ای عبید! تو را با نعلین سیاه چه کار؟! مگر نمی‌دانی که آن سه ویژگی دارد: آلت را سست می‌کند، قوت بینایی را تضعیف می‌کند و از رنگ‌های دیگر گران‌تر است و شخصی که آن را می‌پوشد غیر از زن و فرزندش چیزی ندارد، پس خداوند او را به صورت ستمکار محشور می‌کند.

۵ ـ ابوالبختری گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرکس نعلین زرد بپوشد، در شادی و سرور خواهد بود تا این‌که آن را کهنه کند.

۶ ـ جابر جعفی گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هرکس نعلین زرد رنگ بپوشد تا هنگامی که آن نعلین در پایش باشد، همیشه در شادی و سرور خواهد بود؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «[آن گاو] زرد رنگ خالص است که بینندگان را شاد می‌کند».

۷ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ دَاوُدَ الْحَذَّاءِ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ بَحْرٍ صَاحِبِ اللُّؤْلُؤِ قَالَ:

مَنْ أَرَادَ لُبْسَ النَّعْلِ فَوَقَعَتْ لَهُ صَفْرَاءُ إِلَى الْبَيَاضِ لَمْ يَعْدَمْ مَالاً وَ وَلَداً وَ مَنْ وَقَعَتْ لَهُ سَوْدَاءُ لَمْ يَعْدَمْ غَمّاً وَ هَمّاً.

(۱۹)

بَابُ الْخُفِّ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ أَبِي حَبَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

لُبْسُ الْخُفِّ يَزِيدُ فِي قُوَّةِ الْبَصَرِ.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنِ الْعَوْسِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْمُسْلِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ سَعْدٍ عَنْ مَنِيعٍ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:

---

۷ ـ عبدالملك بن بحر صاحب لؤلؤ گويد: امام عليه السلام فرمود:

هركس مى‌خواهد نعلين بپوشد هرگاه رنگ زرد تا سفيد انتخاب كند، مال و فرزندى از دست نخواهد داد. و هركس رنگ سياه انتخاب كند، غم و اندوهى را از دست نخواهد داد.

بخش نوزدهم

كفش

۱ ـ سلمة بن ابى حبّه گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

پوشيدن خفّ [1]، قوت بينايى را مى‌افزايد.

۲ ـ منيع گويد: امام باقر عليه السلام فرمود:

---

۱ ـ خُفّ: نوعى كفش.

لُبْسُ الْخُفِّ أَمَانٌ مِنَ السِّلِّ.

۳ ـ عَنْهُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ مُبَارَك غُلَامِ الْعَقَرْقُوفِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:
إِدْمَانُ لُبْسِ الْخُفِّ أَمَانٌ مِنَ السِّلِّ.

٤ ـ عَنْهُ عَنْ بَعْضِ مَنْ ذَكَرَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ قَالَ: خَرَجْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام إِلَى يَنْبُعَ فَلَمَّا خَرَجَ رَأَيْتُ عَلَيْهِ خُفّاً أَحْمَرَ فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَا هَذَا الْخُفُّ الْأَحْمَرُ الَّذِي أَرَاهُ عَلَيْكَ؟

فَقَالَ: خُفٌّ اتَّخَذْتُهُ لِلسَّفَرِ وَ هُوَ أَبْقَى عَلَى الطِّينِ وَ الْمَطَرِ وَ أَحْمَلُ لَهُ.

قُلْتُ: فَأَتَّخِذُهَا وَ أَلْبَسُهَا؟

قَالَ: أَمَّا فِي السَّفَرِ فَنَعَمْ وَ أَمَّا فِي الْحَضَرِ فَلَا تَعْدِلَنَّ بِالسَّوَادِ شَيْئاً.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ زِيَادِبْنِ الْمُنْذِرِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام وَ عَلَيَّ خُفٌّ مَقْشُورٌ فَقَالَ:
يَا زِيَادُ! مَا هَذَا الْخُفُّ الَّذِي أَرَاهُ عَلَيْكَ؟

پوشیدن خفّ موجب امان از بیماری سل است.

۳ ـ مبارک غلام عقرقوفی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
مداومت کردن بر پوشیدن خفّ موجب امان از بیماری سل است.

۴ ـ داوود رقی گوید: همراه امام صادق عليه السلام به منطقه «ینبع» رفتیم، در پای آن حضرت خفّ قرمز دیدم، عرض کردم: فدایت گردم! این خفّ قرمز که در پای شما می‌بینم چیست؟

فرمود: کفشی است که برای مسافرت انتخاب کرده‌ام؛ چرا که آن، در گِل و باران ماندگاری بیشتری دارد.

عرض کردم: من نیز می‌توانم آن را تهیه کنم و بپوشم؟!

فرمود: در سفر، آری؛ ولی در وطن هیچ رنگی با رنگ مشکی برابری نمی‌کند.

۵ ـ زیاد بن منذر گوید: خدمت امام باقر عليه السلام شرف‌یاب شدم در حالی که خفّ «مقشور [1]» در پایم بود. فرمود: ای زیاد! این خفّ چیست که در پای تو می‌بینم؟

---

۱ ـ خفّ مقشور: نوعی خفّ ساده.

قُلْتُ: خُفٌّ اتَّخَذْتُهُ.

فَقَالَ: أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ الْبِيضَ مِنَ الْخِفَافِ يَعْنِي الْمَقْشُورَةَ مِنْ لِبَاسِ الْجَبَابِرَةِ وَهُمْ أَوَّلُ مَنِ اتَّخَذَهَا وَ الْحُمْرَ مِنْ لِبَاسِ الْأَكَاسِرَةِ وَ هُمْ أَوَّلُ مَنِ اتَّخَذَهَا وَ السُّودَ مِنْ لِبَاسِ بَنِي هَاشِمٍ وَ سُنَّةٌ؟!

٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللهِ عَنْ عَلِيٍّ الْبَغْدَادِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الضَّرِيرِ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ السَّرَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

إِدْمَانُ الْخُفِّ يَقِي مِيتَةَ السَّوْءِ.

(٢٠)

بَابُ السُّنَّةِ فِي لُبْسِ الْخُفِّ وَ النَّعْلِ وَ خَلْعِهِمَا

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

گفتم: خفّی است که اختیار نموده‌ام.

فرمود: مگر نمی‌دانی که خفّ‌های سفید ـ یعنی مقشور ـ از پوشش ستمکاران است وآنها نخستین کسانی هستند که آن را تهیه نمودند. رنگ قرمز، از لباس کسریٰ‌ها [1] است وآنها اولین کسانی بودند که آن را تهیّه کردند ولباس سیاه از پوشش بنی هاشم وسنت است.

۶ ـ ابو سلمه سرّاج گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

مداومت بر پوشیدن خفّ، از مرگ ناهنجار وبد جلوگیری می‌کند.

بخش بیستم
آداب پوشیدن کفش

۱ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

---

۱ ـ کسریٰ‌ها: پادشاهان ایرانی دوره ساسانیان.

مِنَ السُّنَّةِ خَلْعُ الْخُفِّ الْيَسَارِ قَبْلَ الْيَمِينِ وَ لُبْسُ الْيَمِينِ قَبْلَ الْيَسَارِ.

۲ ـ حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ وُهَيْبِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا لَبِسْتَ نَعْلَكَ أَوْ خُفَّكَ فَابْدَأْ بِالْيَمِينِ وَ إِذَا خَلَعْتَ فَابْدَأْ بِالْيَسَارِ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ يَقُولُ:

إِذَا لَبِسَ أَحَدُكُمْ نَعْلَهُ فَلْيَلْبَسِ الْيَمِينَ قَبْلَ الْيَسَارِ وَ إِذَا خَلَعَهَا فَلْيَخْلَعِ الْيُسْرَى قَبْلَ الْيُمْنَى.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

لَا تَمْشِ فِي حِذَاءٍ وَاحِدٍ.

قُلْتُ: وَ لِمَ؟

از سنت‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله است که نخست کفش چپ را از پا درآورند سپس کفش راست را؛ و به هنگام پوشیدن کفش، اول به پای راست بپوشند و سپس به پای چپ.

۲ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگام پوشیدن نعلین وکفش، پای راست را مقدم بدارید و هنگام خارج کردن کفش و نعلین، پای چپ را مقدم بدارید.

۳ ـ ابن قدّاح گوید: امام صادق علیه السلام می‌فرمود:

هرگاه یکی از شما نعلین خود را می‌پوشد، پس باید پای راست را مقدّم بدارد و هرگاه آن را از پای درمی‌آورد، پس باید پای چپ را مقدّم بدارد.

۴ ـ حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

با یک لنگه کفش راه نرو.

عرض کردم: چرا؟

قَالَ: لِأَنَّهُ إِنْ أَصَابَكَ مَسٌّ مِنَ الشَّيْطَانِ لَمْ يَكَدْ يُفَارِقُكَ إِلَّا مَا شَاءَ اللهُ.

۵ ـ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

مَنْ مَشَى فِي حِذَاءٍ وَاحِدٍ فَأَصَابَهُ مَسٌّ مِنَ الشَّيْطَانِ لَمْ يَدَعْهُ إِلَّا مَا شَاءَ اللهُ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام أَنَّهُ كَانَ يَمْشِي فِي نَعْلٍ وَاحِدَةٍ وَ يُصْلِحُ الْأُخْرَى لَا يَرَى بِذَلِكَ بَأْساً.

(۲۱)

بَابُ الْخَوَاتِيمِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ خَاتَمُ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله مِنْ وَرِقٍ.

فرمود: زیرا اگر آزاری از شیطان به تو برسد، هیچ‌گاه از تو جدا نخواهد شد مگر این که خداوند بخواهد.

۵ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هرکس با یک لنگه کفش راه برود و آزاری از جانب شیطان به او برسد، آزار شیطان او را رها نخواهد کرد مگر این‌که خداوند بخواهد.

۶ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

حضرت علی عليه السلام با یک لنگه نعلین راه می‌رفت ولنگه دیگر را تعمیر می‌نمود و به این کار ایرادی نمی‌دید.

بخش بیست و یکم
خاتم و مهر انگشتری

۱ ـ هشام بن سالم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

انگشتر رسول خدا صلی الله علیه و آله از نقره بود.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ وَ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ خَاتَمُ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله مِنْ وَرِقٍ.

قَالَ: قُلْتُ لَهُ: كَانَ فِيهِ فَصٌّ؟

قَالَ: لَا.

۳ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عُبَيْسِ بْنِ هِشَامٍ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مِنَ السُّنَّةِ لُبْسُ الْخَاتَمِ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ قَالَ:

الْفَصُّ مُدَوَّرٌ.

وَ قَالَ: هَكَذَا كَانَ خَاتَمُ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله.

---

۲ ـ عبدالله بن سنان و معاوية بن وهب گويند: امام صادق عليه السلام فرمود:

انگشتر رسول خدا صلى الله عليه وآله از نقره بود.

گفتم: رسول خدا صلى الله عليه وآله نگين داشت؟

فرمود: نه.

۳ ـ يونس بن ظبيان گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

انگشتر پوشيدن از سنّت است.

۴ ـ ابوخديجه گود: امام عليه السلام فرمود: نگين، مدوّر است. و فرمود: انگشتر پيامبر خدا صلى الله عليه وآله چنين بود.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ غَالِبِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ رَوْحِ بْنِ عَبْدِ الرَّحِيمِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

لَا تَخَتَّمْ بِالذَّهَبِ فَإِنَّهُ زِينَتُكَ فِي الْآخِرَةِ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

لَا تَخَتَّمُوا بِغَيْرِ الْفِضَّةِ فَإِنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله قَالَ:

مَا طَهُرَتْ كَفٌّ فِيهَا خَاتَمُ حَدِيدٍ.

٧ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ جَرَّاحٍ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

لَا تَجْعَلْ فِي يَدِكَ خَاتَماً مِنْ ذَهَبٍ.

---

۵ ـ روح بن عبدالرحیم گوید: امام صادق عليه السلام می‌فرماید: رسول خدا صلى الله عليه وآله به امیر مؤمنان علی عليه السلام فرمود:

با طلا انگشت خود را زینت مده که طلا زینت تو در جهان آخرت است.

۶ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیر مؤمنان علی عليه السلام فرمود:

انگشتر غیر نقره‌ای را به انگشت نکنید؛ زیرا پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

کف دستی که در آن انگشتر آهنی است، پاکیزه نیست.

۷ ـ جرّاح مدائنی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

انگشتر طلا در انگشت مکن.

۸ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنِ التَّخَتُّمِ فِي الْيَمِينِ وَ قُلْتُ: إِنِّي رَأَيْتُ بَنِي هَاشِمٍ يَتَخَتَّمُونَ فِي أَيْمَانِهِمْ.

فَقَالَ: كَانَ أَبِي يَتَخَتَّمُ فِي يَسَارِهِ وَ كَانَ أَفْضَلَهُمْ وَ أَفْقَهَهُمْ.

۹ ـ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَخِي مُوسَى عليه‌السلام عَنِ الْخَاتَمِ يُلْبَسُ فِي الْيَمِينِ فَقَالَ:

إِنْ شِئْتَ فِي الْيَمِينِ وَ إِنْ شِئْتَ فِي الْيَسَارِ.

۱۰ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

مَا تَخَتَّمَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله إِلَّا يَسِيراً حَتَّى تَرَكَهُ.

۱۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام أَنَّ النَّبِيَّ صلى‌الله‌عليه‌وآله كَانَ يَتَخَتَّمُ فِي يَمِينِهِ.

---

۸ ـ یحیی بن ابی علاء گوید:

از امام صادق عليه‌السلام دربارهٔ انگشتر در دست راست نمودن پرسیدم وگفتم: من دیدم که بنی هاشم در دست راستشان انگشتر می‌گذارند.

فرمود: پدرم در دست چپ خود انگشتر می‌گذاشت در حالی که برترین وفقیه‌ترین بنی هاشم بود.

۹ ـ علی بن جعفر عليه‌السلام گوید:

از برادرم امام کاظم عليه‌السلام دربارهٔ انگشتری که در دست راست گذاشته می‌شود، پرسیدم.

فرمود: اگر خواستی به دست راست بپوش واگر خواستی به دست چپ.

۱۰ ـ علی بن عطیّه گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله جز در دست چپ انگشتر نپوشید؛ تا این‌که (با وفاتش) آن را ترک نمود.

۱۱ ـ ابن قدّاح گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

همواره پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به دست راست خود انگشتر می‌پوشید.

۱۲ ـ وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ:

كَانَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عليه السلام يَتَخَتَّمُونَ فِي أَيْسَارِهِمْ.

۱۳ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ مُثَنًّى الْحَنَّاطِ عَنْ حَاتِمِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عليهما السلام يَتَخَتَّمانِ فِي يَسَارِهِمَا.

۱٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عليهما السلام يَتَخَتَّمانِ فِي يَسَارِهِمَا.

۱۵ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السِّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَرْزَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام.

أَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليهما السلام كَانَ يَتَخَتَّمُ فِي يَمِينِهِ.

---

۱۲ ـ ابن قدّاح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

حضرت علی عليه السلام، امام حسن عليه السلام و امام حسین عليه السلام به دست چپ خود انگشتر می‌پوشیدند.

۱۳ ـ حاتم بن اسماعیل گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امام حسن عليه السلام و امام حسین عليه السلام به دست چپ خود انگشتر می‌پوشیدند.

۱۴ ـ یحیی بن ابی اعلاء نظیر این روایت را از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند.

۱۵ ـ عبدالرحمان بن محمّد عرزمی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امام سجّاد عليه السلام همواره به دست راست خود انگشتر می‌پوشید.

١٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْعَرْزَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَتَخَتَّمُ فِي يَمِينِهِ.

١٧ ـ سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

قَوَّمُوا خَاتَمَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَأَخَذَهُ أَبِي مِنْهُمْ بِسَبْعَةٍ.

قَالَ: قُلْتُ: بِسَبْعَةِ دَرَاهِمَ؟

قَالَ: بِسَبْعَةِ دَنَانِيرَ.

(٢٢)

بَابُ الْعَقِيقِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

---

۱۶ ـ عرزمی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امیر مؤمنان علی عليه السلام همواره در دست راست خود انگشتر می‌پوشید.

۱۷ ـ صفوان گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

انگشتر امام صادق عليه السلام را قیمت‌گذاری نمودند و پدرم آن را به مبلغ هفت خرید.

عرض کردم: هفت درهم؟

فرمود: هفت دینار.

بخش بیست و دوم

عقیق

۱ ـ احمد بن محمّد بن ابی نصر گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

الْعَقِيقُ يَنْفِي الْفَقْرَ وَ لُبْسُ الْعَقِيقِ يَنْفِي النِّفَاقَ.

٢ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

مَنْ سَاهَمَ بِالْعَقِيقِ كَانَ سَهْمُهُ الْأَوْفَرَ.

٣ ـ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ زَيْدِ بْنِ أَسْلَمَ التَّنُوكِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

تَخَتَّمُوا بِالْعَقِيقِ فَإِنَّهُ مُبَارَكٌ وَ مَنْ تَخَتَّمَ بِالْعَقِيقِ يُوشِكُ أَنْ يُقْضَى لَهُ بِالْحُسْنَى.

٤ ـ عَنْهُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ فُضَيْلِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ رَبِيعَةِ الرَّأْيِ قَالَ: رَأَيْتُ فِي يَدِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام فَصَّ عَقِيقٍ فَقُلْتُ: مَا هَذَا الْفَصُّ؟

فَقَالَ: عَقِيقٌ رُومِيٌّ وَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

مَنْ تَخَتَّمَ بِالْعَقِيقِ قُضِيَتْ حَوَائِجُهُ.

٥ ـ عَنْهُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

الْعَقِيقُ أَمَانٌ فِي السَّفَرِ.

عقیق، فقر را دور می‌کند و پوشیدن عقیق، نفاق را می‌راند.

۲ ـ وشّاء گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

هرکس با عقیق قرعه بیندازد، سهمش زیادتر خواهد بود.

۳ ـ زید بن اسلم تنوکی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

انگشتر عقیق بپوشید؛ زیرا مبارک است. هرکس انگشتر عقیق به دست کند نزدیک است که حاجت‌هایش به بهترین وجه برآورده گردد.

۴ ـ ربیعة الرأی گوید: در دست امام سجّاد عليه السلام نگین عقیق مشاهده کردم. گفتم: این نگین چیست؟

فرمود: عقیق رومی است. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

هرکس انگشتر عقیق بپوشد حاجت‌هایش برآورده خواهد شد.

۵ ـ یکی از اصحاب ما در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

عقیق در مسافرت باعث ایمنی است.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبَدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الرِّضَا علیه‌السلام قَالَ: كَانَ أَبُو عَبْدِاللهِ علیه‌السلام يَقُولُ:

مَنِ اتَّخَذَ خَاتَماً فَصُّهُ عَقِيقٌ لَمْ يَفْتَقِرْ وَ لَمْ يُقْضَ لَهُ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ.

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ سَيَابَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ عَبْدِ الرَّحِيمِ الْقَصِيرِ قَالَ: بَعَثَ الْوَالِي إِلَى رَجُلٍ مِنْ آلِ أَبِي طَالِبٍ فِي جِنَايَةٍ فَمَرَّ بِأَبِي عَبْدِاللهِ علیه‌السلام فَقَالَ:

أَتْبِعُوهُ بِخَاتَمِ عَقِيقٍ.

فَأُتِيَ بِخَاتَمِ عَقِيقٍ فَلَمْ يَرَ مَكْرُوهاً.

٨ ـ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ رَفَعَهُ قَالَ: شَكَا رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صلی‌الله‌علیه‌وآله أَنَّهُ قُطِعَ عَلَيْهِ الطَّرِيقُ فَقَالَ صلی‌الله‌علیه‌وآله:

هَلَّا تَخَتَّمْتَ بِالْعَقِيقِ فَإِنَّهُ يَحْرُسُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ.

---

۶ ـ حسین بن خالد گوید: امام رضا علیه‌السلام فرمود: امام صادق علیه‌السلام همواره می‌فرمود:

هرکس انگشتری با نگین عقیق برگزیند، فقیر نخواهد شد و حاجت‌های او به بهترین وجه برآورده خواهد شد.

۷ ـ عبدالرحیم قصیر گوید:

حاکم دربارهٔ جنایتی در پی مردی از آل ابوطالب فرستاد. او از کنار امام صادق علیه‌السلام گذشت. حضرت علیه‌السلام فرمود: انگشتر عقیقی در پی او بفرستید.

وقتی انگشتری عقیق برای آن مرد آوردند، او در نزد حاکم رفتار مکروه و ناپسندی از وی ندید.

۸ ـ راوی گوید:

مردی نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله شکایت برد که مورد راهزنی قرار گرفته است.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: آیا انگشتر عقیق نمی‌پوشی؟! چراکه آن از هر بدی محافظت می‌کند.

(۲۳)
بَابُ الْيَاقُوتِ وَ الزُّمُرُّدِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبَدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الرِّضَا عليه‌السلام قَالَ: كَانَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام يَقُولُ:
تَخَتَّمُوا بِالْيَوَاقِيتِ فَإِنَّهَا تَنْفِي الْفَقْرَ.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عليهم‌السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله:
تَخَتَّمُوا بِالْيَوَاقِيتِ فَإِنَّهَا تَنْفِي الْفَقْرَ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا وَ هُوَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْفَضْلِ وَ يُلَقَّبُ سِكْبَاجَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ صَاحِبِ الْأَنْزَالِ وَ كَانَ يَقُومُ بِبَعْضِ أُمُورِ الْمَاضِي عليه‌السلام قَالَ:
قَالَ لِي يَوْماً وَ أَمْلَى عَلَيَّ مِنْ كِتَابٍ:

بخش بیست و سوم
یاقوت و زمرّد

۱ ـ حسین بن خالد گوید: امام رضا عليه‌السلام فرمود: امام صادق عليه‌السلام همواره می‌فرمود:
انگشتر یاقوت به دست کنید؛ زیرا فقر و ناداری را می‌راند.

۲ ـ محمّد بن فضیل نظیر این روایت را از امام کاظم عليه‌السلام از امام صادق عليه‌السلام از امام باقر عليه‌السلام از پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل می‌کند.

۳ ـ احمد بن محمّد بن ابی نصر گوید:
روزی امام هادی عليه‌السلام از کتابی به من این‌گونه املا نمود و فرمود:

التَّخَتُّمُ بِالزُّمُرُّدِ يُسْرٌ لَا عُسْرَ فِيهِ.

٤ ـ سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الدِّهْقَانِ عُبَيْدِ اللهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

تَخَتَّمُوا بِالْيَوَاقِيتِ فَإِنَّهَا تَنْفِي الْفَقْرَ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

يُسْتَحَبُّ التَّخَتُّمُ بِالْيَاقُوتِ.

(٢٤)

بَابُ الْفَيْرُوزَجِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:
مَنْ تَخَتَّمَ بِالْفَيْرُوزَجِ لَمْ يَفْتَقِرْ كَفُّهُ.

انگشتر زمرّد به دست کردن آسانی وگشایشی است که در آن سختی وگرفتاری نیست.

۴ ـ حسین بن خالد نظیر روایت یکم همین بخش را از امام کاظم عليه السلام نقل می‌کند.

۵ ـ بکر بن محمّد گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

به دست کردن انگشتر یاقوت مستحب است.

بخش بیست و چهارم

فیروزه

۱ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرکس انگشتر فیروزه به دست کند، دستش فقیر و خالی نمی‌ماند.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَحْمَرِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَهْلٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ:

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه‌السلام وَ فِي إِصْبَعِهِ خَاتَمٌ فَصُّهُ فَيْرُوزَجٌ نَقْشُهُ «اللهُ الْمَلِكُ» فَأَدَمْتُ النَّظَرَ إِلَيْهِ فَقَالَ: مَا لَكَ تُدِيمُ النَّظَرَ إِلَيْهِ؟

فَقُلْتُ: بَلَغَنِي أَنَّهُ كَانَ لِعَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام خَاتَمٌ فَصُّهُ فَيْرُوزَجٌ نَقْشُهُ اللهُ الْمَلِكُ.

فَقَالَ: أَ تَعْرِفُهُ؟

قُلْتُ: لَا.

فَقَالَ: هَذَا هُوَ تَدْرِي مَا سَبَبُهُ؟

قُلْتُ: لَا.

قَالَ: هَذَا حَجَرٌ أَهْدَاهُ جَبْرَئِيلُ عليه‌السلام إِلَى رَسُولِ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله فَوَهَبَهُ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام أَ تَدْرِي مَا اسْمُهُ؟

---

۲ ـ حسین بن علی بن مهران گوید:

روزی خدمت امام کاظم عليه‌السلام شرف‌یاب شدم. در دست آن حضرت عليه‌السلام انگشتری با نگین فیروزه و با نقش «الله الملك» بود. من همین‌طور به آن نگاه می‌کردم. حضرت عليه‌السلام فرمود: چرا پیوسته به آن نگاه می‌کنی؟

عرض کردم: به من خبر رسیده که امیر مؤمنان علی عليه‌السلام انگشتری با نگین فیروزه و نقش «الله الملك» داشت.

فرمود: آن را می‌شناسی؟

عرض کردم: نه.

فرمود: همین انگشتر است. می‌دانی علتش چیست؟

عرض کردم: نه.

فرمود: این سنگی است که جبرئیل عليه‌السلام به پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله هدیه نمود و آن حضرت آن را به امیر مؤمنان علی عليه‌السلام بخشید. آیا می‌دانی اسم آن چیست؟

قُلْتُ: فَيْرُوزَجٌ.
قَالَ: هَذَا بِالْفَارِسِيَّةِ فَمَا اسْمُهُ بِالْعَرَبِيَّةِ؟
قُلْتُ: لَا أَدْرِي.
قَالَ: اسْمُهُ الظَّفَرُ.

(۲۵)

بَابُ الْجَزْعِ الْيَمَانِيِّ وَ الْبِلَّوْرِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:
تَخَتَّمُوا بِالْجَزْعِ الْيَمَانِيِّ، فَإِنَّهُ يَرُدُّ كَيْدَ مَرَدَةِ الشَّيَاطِينِ.

عرض کردم: فیروزه.
فرمود: این نام به زبان فارسی است. نام عربی آن چیست؟
عرض کردم: نمی‌دانم.
فرمود: اسم آن ظَفَر (پیروزی) است.

بخش بیست و پنجم

جَزْع یمنی و بلور

۱ ـ علی بن حسین گوید: امیر مؤمنان علی عليه السلام فرمود:
انگشتر جزع یمانی به دست کنید؛ زیرا نیرنگ شیطان‌های سرکش را بازمی‌گرداند.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الرَّيَّانِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمَعْرُوفِ بِابْنِ وَهْبَةَ الْعَبْدَسِيِّ وَ هِيَ قَرْيَةٌ مِنْ قُرَى وَاسِطٍ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

نِعْمَ الْفَصُّ الْبِلَّوْرُ.

(۲٦)

بَابُ نَقْشِ الْخَوَاتِيمِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ نَقْشُ خَاتَمِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ» وَ كَانَ نَقْشُ خَاتَمِ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ عليه السلام «اللهُ الْمَلِكُ» وَ كَانَ نَقْشُ خَاتَمِ أَبِي عليه السلام «الْعِزَّةُ لِلّهِ».

---

۲ ـ علی بن محمّد در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

بلور، نگین خوبی است.

بخش بیست و ششم

نقش انگشتر

۱ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

بر انگشتر رسول خدا صلی الله علیه و آله «محمّد رسول الله»، بر انگشتر امیر مؤمنان علی عليه السلام «الله الملك» و بر انگشتر پدرم امام باقر عليه السلام «العزّة لله» نقش بسته بود.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ وَ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَا:

قُلْنَا: جُعِلْنَا فِدَاكَ! أَ يُكْرَهُ أَنْ يَكْتُبَ الرَّجُلُ فِي خَاتَمِهِ غَيْرَ اسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ؟

فَقَالَ: فِي خَاتَمِي مَكْتُوبٌ «اللهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» وَ فِي خَاتَمِ أَبِي مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام وَ كَانَ خَيْرَ مُحَمَّدِيٍّ رَأَيْتُهُ بِعَيْنِي «الْعِزَّةُ لِلَّهِ» وَ فِي خَاتَمِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام «الْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» وَ فِي خَاتَمِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عليهما السلام «حَسْبِيَ اللهُ» وَ فِي خَاتَمِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام «اللهُ الْمَلِكُ».

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّهِيكِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ قَالَ: مَرَّ بِي مُعَتِّبٌ وَ مَعَهُ خَاتَمٌ فَقُلْتُ لَهُ: أَيُّ شَيْءٍ هَذَا؟

فَقَالَ: خَاتَمُ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَأَخَذْتُ لِأَقْرَأَ مَا فِيهِ فَإِذَا فِيهِ «اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي فَقِنِي شَرَّ خَلْقِكَ».

---

۲ ـ یونس بن ظبیان وحفص بن غیاث گویند: به امام صادق عليه السلام گفتیم: اگر بر روی انگشتر نام خود ونام پدرم را نقش نکنم وشعار دیگری برای امضا انتخاب کنم، چه صورت دارد؟

فرمود: بر انگشتر من «الله خالق کلّ شیء» حک شده است، بر انگشتر پدرم امام باقر عليه السلام که در خاندان رسول خدا صلى الله عليه وآله بهتر از او ندیده‌ام «العزة لله»، بر انگشتر جدم علی بن الحسین عليهما السلام «الحمدلله العلیّ العظیم»، بر انگشتر امام مجتبی عليه السلام وسید الشهداء عليه السلام «حسبی الله» وبر انگشتر جدم امیر مؤمنان علی عليه السلام «الله الملك» نقش بسته بود.

۳ ـ ابراهیم بن عبدالحمید گوید:

معتب از کنار من عبور می‌کرد وانگشتری در دستش بود، به او گفتم: این چیست؟

گفت: انگشتر امام صادق عليه السلام است.

آن را گرفتم تا نقش آن را بخوانم، دیدم بر روی آن نوشته: «اللهم أنت ثقتي فقني شرّ خلقك».

٤ ـ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام فَأَخْرَجَ إِلَيْنَا خَاتَمَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام وَ خَاتَمَ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام وَ كَانَ عَلَى خَاتَمِ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام «أَنْتَ ثِقَتِي فَاعْصِمْنِي مِنَ النَّاسِ» وَ نَقْشُ خَاتَمِ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام «حَسْبِيَ اللهُ» وَ فِيهِ وَرْدَةٌ وَ هِلَالٌ فِي أَعْلَاهُ.

٥ ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام عَنْ نَقْشِ خَاتَمِهِ وَ خَاتَمِ أَبِيهِ عليه السلام.

قَالَ: نَقْشُ خَاتَمِي «مَا شَاءَ اللهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ» وَ نَقْشُ خَاتَمِ أَبِي «حَسْبِيَ اللهُ» وَ هُوَ الَّذِي كُنْتُ أَتَخَتَّمُ بِهِ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبَدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ عَلَى خَاتَمِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام «خَزِيَ وَ شَقِيَ قَاتِلُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليهما السلام».

۴ ـ احمد بن محمّد بن ابی نصر گوید: من در خدمت امام رضا عليه السلام بودم. حضرت عليه السلام انگشتر امام صادق عليه السلام وانگشتر امام کاظم عليه السلام را برای ما نشان داد، بر روی انگشتر امام صادق عليه السلام نوشته شده بود: «أنت ثقتي فاعصمني من الناس» ونقش انگشتر امام کاظم عليه السلام چنین بود: «حسبی الله» ودر آن نقش، یک گل و یک هلال ماه در قسمت بالای آن بود.

۵ ـ یونس بن عبدالرحمان گوید: از امام رضا عليه السلام پرسیدم: بر انگشتر شما چه شعاری حک شده و بر انگشتر امام کاظم عليه السلام چه شعاری نقش بسته بود؟

فرمود: نقش انگشتر من «ماشاء الله لا قوّة إلّا بالله» و نقش انگشتر پدرم «حسبي الله» بود پیش از آن که من انگشتر جدیدی انتخاب کنم، همان انگشتر پدرم را در دست می‌کردم و پای نامه‌ها را امضا می‌نمودم.

۶ ـ حسین بن خالد گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

بر انگشتر امام سجّاد عليه السلام چنین نوشته بود: «خزي وشقي قاتل الحسين بن على عليهما السلام».

۷ ـ سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ وَاصِلِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: ذَكَرْنَا خَاتَمَ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله.

فَقَالَ: تُحِبُّ أَنْ أُرِيَكَهُ؟

فَقُلْتُ: نَعَمْ.

فَدَعَا بِحُقٍّ مَخْتُومٍ فَفَتَحَهُ وَ أَخْرَجَهُ فِي قُطْنَةٍ فَإِذَا حَلْقَةُ فِضَّةٍ وَ فِيهِ فَصٌّ أَسْوَدُ عَلَيْهِ مَكْتُوبٌ سَطْرَانِ «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ».

قَالَ: ثُمَّ قَالَ: إِنَّ فَصَّ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله أَسْوَدُ.

۸ ـ سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الثَّانِي عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: إِنَّا رُوِّينَا فِي الْحَدِيثِ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله كَانَ يَسْتَنْجِي وَخَاتَمُهُ فِي إِصْبَعِهِ وَ كَذَلِكَ كَانَ يَفْعَلُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ كَانَ نَقْشُ خَاتَمِ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ».

قَالَ: صَدَقُوا.

---

۷ ـ عبدالله بن سنان گوید: سخن از انگشتر پیامبر خدا صلى الله عليه وآله به میان آمد.

امام عليه السلام فرمود: دوست داری آن را به تو نشان دهم؟

عرض کردم: آری.

حضرت عليه السلام جعبه چوبی سر بسته‌ای خواست ودر آن را گشود وانگشتری را از میان پاره پنبه‌ای بیرون آورد. دیدم حلقه‌ای نقره‌ای با نگین سیاه که بر روی آن در دو سطر نوشته بود: «محمّد رسول الله».

آن گاه فرمود: نگین پیامبر صلى الله عليه وآله سیاه رنگ بود.

۸ ـ حسین بن خالد گوید: به امام رضا عليه السلام گفتم: در حدیث به ما روایت شده است که پیامبر خدا صلى الله عليه وآله در حالی که انگشتر در دست داشت استنجاء می‌نمود وامیرمؤمنان علی عليه السلام نیز چنین می‌نمود ونقش انگشتر پیامبر خدا صلى الله عليه وآله «محمّد رسول الله» بود.

فرمود: راست گفته‌اند.

قُلْتُ: فَيَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَفْعَلَ؟

قَالَ: إِنَّ أُولَئِكَ كَانُوا يَتَخَتَّمُونَ فِي الْيَدِ الْيُمْنَى وَ إِنَّكُمْ أَنْتُمْ تَتَخَتَّمُونَ فِي الْيُسْرَى.

قَالَ: فَسَكَتَ فَقَالَ: أَ تَدْرِي مَا كَانَ نَقْشُ خَاتَمِ آدَمَ عليه‌السلام؟

فَقُلْتُ: لَا.

فَقَالَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ» وَ كَانَ نَقْشُ خَاتَمِ النَّبِيِّ صلى‌الله‌عليه‌وآله «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ» وَ خَاتَمِ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام «اللهُ الْمَلِكُ» وَ خَاتَمِ الْحَسَنِ عليه‌السلام «الْعِزَّةُ لِلهِ» وَ خَاتَمِ الْحُسَيْنِ عليه‌السلام «إِنَّ اللهَ بَالِغُ أَمْرِهِ» وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما‌السلام خَاتَمُ أَبِيهِ وَ أَبُو جَعْفَرٍ الْأَكْبَرُ خَاتَمُ جَدِّهِ الْحُسَيْنِ عليه‌السلام وَ خَاتَمُ جَعْفَرٍ عليه‌السلام «اللهُ وَلِيِّي وَ عِصْمَتِي مِنْ خَلْقِهِ» وَ أَبُو الْحَسَنِ الْأَوَّلُ عليه‌السلام «حَسْبِيَ اللهُ» وَ أَبُو الْحَسَنِ الثَّانِي «مَا شَاءَ اللهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ».

وَ قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ خَالِدٍ: وَ مَدَّ يَدَهُ إِلَيَّ وَ قَالَ: خَاتَمِي خَاتَمُ أَبِي عليه‌السلام أَيْضاً.

گفتم: برای ما نیز شایسته و رواست که چنین کنیم؟

فرمود: به راستی که آنان در دست راست انگشتر می‌پوشیدند و شما دست چپ انگشتر می‌پوشید.

آن گاه حضرتش عليه‌السلام سکوت نمود و فرمود: آیا می‌دانی نقش انگشتر حضرت آدم عليه‌السلام چه بود؟

گفتم: نه.

فرمود: «لا اله الا الله محمّد رسول الله» نقش انگشتر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله «محمّد رسول الله»، نقش انگشتر امیرمؤمنان علی عليه‌السلام «الله الملك»، نقش انگشتر امام حسن عليه‌السلام «العزة لله» که نقش انگشتر امام حسین عليه‌السلام «إنّ الله بالغ أمره» نقش انگشتر امام سجّاد عليه‌السلام همان نقش انگشتر پدرش بود و نقش انگشتر امام باقر عليه‌السلام همان نقش انگشتر جدّش امام حسین عليه‌السلام، نقش انگشتر امام صادق عليه‌السلام «الله وليّ وعصمني من خلقه»، نقش انگشتر امام کاظم عليه‌السلام «حسبی الله» و نقش انگشتر امام رضا عليه‌السلام «ما شاء الله لا قوّة الا بالله» بود.

حسین بن خالد گوید: امام عليه‌السلام دستش را به طرف من دراز نمود و فرمود: نقش انگشتری من همانند نقش انگشتری پدرم است.

۹ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

مَنْ نَقَشَ عَلَى خَاتَمِهِ اسْمَ اللهِ فَلْيُحَوِّلْهُ عَنِ الْيَدِ الَّتِي يَسْتَنْجِي بِهَا فِي الْمُتَوَضَّىءِ.

(۲۷)

بَابُ الْحُلِيِّ

۱ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنِ الذَّهَبِ يُحَلَّى بِهِ الصِّبْيَانُ. ژ

فَقَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يُحَلِّي وُلْدَهُ وَ نِسَاءَهُ بِالذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ جَمِيعاً عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنِ الذَّهَبِ يُحَلَّى بِهِ الصِّبْيَانُ.

---

۹ ـ ابوبصير گويد: امام صادق عليه السلام فرمود: اميرمؤمنان على عليه السلام فرمود:

هر كس نام خدا را بر انگشتر خود نقش كند بايستى به هنگام طهارت و استنجا از دستى كه استنجا مى‌كند درآورد.

بخش بيست و هفتم

حكم زيور آلات

۱ ـ ابو صباح گويد: از امام صادق عليه السلام پرسيدم: زينت طلا براى كودكان نابالغ رواست؟

فرمود: امام سجّاد عليه السلام فرزندان و بانوان خود را با زيور طلا و نقره مى‌آراست.

۲ ـ نظير همين روايت را داوود بن سرحان از امام صادق عليه السلام نقل مى كند.

فَقَالَ: إِنَّهُ كَانَ أَبِي عليه السلام لَيُحَلِّي وُلْدَهُ وَ نِسَاءَهُ بِالذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ فَلَا بَأْسَ بِهِ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنْ حِلْيَةِ النِّسَاءِ بِالذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ فَقَالَ: لَا بَأْسَ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ نَعْلُ سَيْفِ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله وَ قَائِمَتُهُ فِضَّةً وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ حَلَقٌ مِنْ فِضَّةٍ وَ لَبِسْتُ دِرْعَ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله فَكُنْتُ أَسْحَبُهَا وَ فِيهَا ثَلَاثُ حَلَقَاتِ فِضَّةٍ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهَا وَ ثِنْتَانِ مِنْ خَلْفِهَا.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

لَيْسَ بِتَحْلِيَةِ السَّيْفِ بَأْسٌ بِالذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ.

---

۳ ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: زیور آلات طلا و نقره برای بانوان چه صورت دارد؟

فرمود: مانعی ندارد.

۴ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

نَعل (فلزی که در قسمت پایین غلاف شمشیر است) و قبضهٔ شمشیر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از نقره بود و بین آن دو، حلقه‌ای نقره‌ای بود. من زره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را پوشیدم. من آن را گسترانیدم دیدم سه حلقهٔ نقره‌ای در قسمت جلو و دو حلقه نقره‌ای در قسمت پشت آن بود.

۵ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

تزیین شمشیر با طلا و نقره مانعی ندارد.

٦ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنِ الْمُثَنَّى عَنْ حَاتِمِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام أَنَّ حِلْيَةَ سَيْفِ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله كَانَتْ فِضَّةً كُلُّهَا قَائِمَتُهُ وَ قِبَاعُهُ.

٧ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

لَيْسَ بِتَحْلِيَةِ الْمَصَاحِفِ وَ السُّيُوفِ بِالذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ بَأْسٌ.

٨ ـ حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

لَمْ تَزَلِ النِّسَاءُ يَلْبَسْنَ الْحُلِيَّ.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام مِثْلَهُ.

---

۶ ـ حاتم بن اسماعیل گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

زیور شمشیر پیامبر خدا صلى الله عليه وآله؛ قبضه و سر قبضهٔ آن از نقره بود.

۷ ـ داوود بن سرحان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

زینت کردن قرآنها و شمشیرها با طلا و نقره، ایرادی ندارد.

۸ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هماره بانوان از زیور آلات طلا و نقره استفاده کرده‌اند.

۹ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله تَخَتَّمَ فِي يَسَارِهِ بِخَاتَمٍ مِنْ ذَهَبٍ ثُمَّ خَرَجَ عَلَى النَّاسِ وَ طَفِقَ النَّاسُ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ فَوَضَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى عَلَى خِنْصِرِهِ الْيُسْرَى حَتَّى رَجَعَ إِلَى الْبَيْتِ فَرَمَى بِهِ فَمَا لَبِسَهُ.

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنِ الْمُثَنَّى عَنْ حَاتِمِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام مِثْلَهُ.

۱۰ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ رِبْعِيٍّ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنْ سَرِيرٍ فِيهِ الذَّهَبُ أَ يَصْلُحُ إِمْسَاكُهُ فِي الْبَيْتِ؟

فَقَالَ: إِنْ كَانَ ذَهَباً فَلَا وَ إِنْ كَانَ مَاءَ الذَّهَبِ فَلَا بَأْسَ.

---

۹ ـ ابن قدّاح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

روزى پيامبر خدا صلى الله عليه وآله در دست چپ خود انگشترى طلايى پوشيده سپس نزد مردم بيرون آمد، مردم خيره خيره به آن نگاه مى‌كردند. حضرت صلى الله عليه وآله دست راست خود را روى انگشت كوچک دست چپ خود نهاد تا اين كه به خانه بازگشت. و آن انگشتر را كنار گذاشت و ديگر آن را نپوشيد [1].

۱۰ ـ فضيل بن يسار گويد:

از امام صادق عليه السلام پرسيدم: آيا تختى را كه در آن طلا به كار رفته مى‌توان در خانه نگهدارى كرد؟

فرمود: اگر طلا باشد، نه و اگر آب طلا باشد، ايرادى ندارد.

---

۱ ـ با توجه به اتفاق نظر فقها در حرمت انگشتر طلا براى مردان، روايت قابل تأمل و توجيه است.

(۲۸)

بَابُ الْفَرْشِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الزَّيْدِيِّ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: دَخَلَ قَوْمٌ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام فَقَالُوا: يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ! نَرَى فِي مَنْزِلِكَ أَشْيَاءَ نَكْرَهُهَا وَ إِذَا فِي مَنْزِلِهِ بُسُطٌ وَ نَمَارِقُ.

فَقَالَ عليه السلام: إِنَّا نَتَزَوَّجُ النِّسَاءَ فَنُعْطِيهِنَّ مُهُورَهُنَّ فَيَشْتَرِينَ مَا شِئْنَ لَيْسَ لَنَا مِنْهُ شَيْءٌ.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي مَالِكٍ الْجُهَنِيِّ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ عَطَاءٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فَرَأَيْتُ فِي مَنْزِلِهِ بُسُطاً وَ وَسَائِدَ وَ أَنْمَاطاً وَ مَرَافِقَ فَقُلْتُ: مَا هَذَا؟

فَقَالَ: مَتَاعُ الْمَرْأَةِ.

بخش بیست و هشتم

حکم فرش‌ها

۱ ـ جابر گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

عده‌ای خدمت امام سجّاد عليه السلام شرف‌یاب شدند ودر خانه حضرت فرش وبالش بود، آنها عرض کردند: ای پسر پیامبر خدا! ما در خانه تو وسایلی می‌بینیم که آن را مکروه می‌دانیم.

امام سجّاد عليه السلام فرمود: به راستی که ما با زنان ازدواج می‌کنیم ومهریه آنان را به خودشان می‌پردازیم، آنان هر چه که بخواهند می‌خرند، چیزی از آنها از آنِ ما نیست.

۲ ـ عبدالله بن عطاء گوید: روزی به خانهٔ امام باقر عليه السلام وارد شدم وخانه را با فرش، پشتی قطیفه ومتکا مزین دیدم، گفتم: این‌ها چیست که در خانهٔ شما می‌بینم؟

فرمود: جهاز همسرم.

٣ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنِ الْفَضْلِ أَبِي الْعَبَّاسِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: قَوْلُ اللهِ عزّ وجلّ ﴿ يَعْمَلُونَ لَهُ مٰا يَشٰاءُ مِنْ مَحٰارِيبَ وَ تَمٰاثِيلَ وَ جِفٰانٍ كَالْجَوٰابِ ﴾.

قَالَ: مَا هِيَ تَمَاثِيلَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ لَكِنَّهَا تَمَاثِيلُ الشَّجَرِ وَ شِبْهِهِ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السِّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَتْ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام وَسَائِدُ وَ أَنْمَاطٌ فِيهَا تَمَاثِيلُ يَجْلِسُ عَلَيْهَا.

٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَسَنِ الزَّيَّاتِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي بَيْتٍ مُنَجَّدٍ ثُمَّ عُدْتُ إِلَيْهِ مِنَ الْغَدِ وَ هُوَ فِي بَيْتٍ لَيْسَ فِيهِ إِلَّا حَصِيرٌ وَ عَلَيْهِ قَمِيصٌ غَلِيظٌ.

فَقَالَ: الْبَيْتُ الَّذِي رَأَيْتَهُ لَيْسَ بَيْتِي إِنَّمَا هُوَ بَيْتُ الْمَرْأَةِ وَ كَانَ أَمْسِ يَوْمُهَا.

---

۳ ـ فضل بن عبّاس گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: خداوند می‌فرماید: «هرچه سلیمان می‌خواست از معبدها، تمثال‌ها ظروف بزرگ همانند حوض‌ها برای او می‌ساختند» چه معنایی دارد؟

فرمود: منظور تصویر مردان و زنان نیست؛ بلکه تصویر درخت و امثال آن است.

۴ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امام سجّاد عليه السلام بالش و نَمَط (زیرانداز)های مصوّری که داشت روی آنها می‌نشست.

۵ ـ حسن زیّات گوید: روزی در خانه‌ای تزیین شده خدمت امام باقر عليه السلام شرف‌یاب شدم. فردای آن روز نزد ایشان برگشتم و ایشان در خانه‌ای بود که در آن فقط حصیر بود و بر تن حضرت عليه السلام پیراهن خشنی بود.

فرمود: آن خانه‌ای که مشاهده کردی خانه من نبود، بلکه خانه همسرم بود که دیروز نوبت او بود.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْمِيثَمِيِّ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ:

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام وَ هُوَ جَالِسٌ عَلَى مَتَاعٍ فَجَعَلْتُ أَلْمِسُ الْمَتَاعَ بِيَدِي فَقَالَ: هَذَا الَّذِي تَلْمِسُهُ بِيَدِكَ أَرْمَنِيٌّ.

فَقُلْتُ لَهُ: وَ مَا أَنْتَ وَ الْأَرْمَنِيَّ؟

فَقَالَ: هَذَا مَتَاعٌ جَاءَتْ بِهِ أُمُّ عَلِيٍّ امْرَأَةٌ لَهُ.

فَلَمَّا كَانَ مِنْ قَابِلٍ دَخَلْتُ عَلَيْهِ فَجَعَلْتُ أَلْمِسُ مَا تَحْتِي.

فَقَالَ: كَأَنَّكَ تُرِيدُ أَنْ تَنْظُرَ مَا تَحْتَكَ!

فَقُلْتُ: لَا، وَ لَكِنَّ الْأَعْمَى يَعْبَثُ.

فَقَالَ لِي: إِنَّ ذَلِكَ الْمَتَاعَ كَانَ لِأُمِّ عَلِيٍّ وَ كَانَتْ تَرَى رَأْيَ الْخَوَارِجِ فَأَدَرْتُهَا لَيْلَةً إِلَى الصُّبْحِ أَنْ تَرْجِعَ عَنْ رَأْيِهَا وَ تَتَوَلَّى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَامْتَنَعَتْ عَلَيَّ فَلَمَّا أَصْبَحْتُ طَلَّقْتُهَا.

---

۶ ـ ابو جارود گوید: من خدمت امام باقر عليه السلام شرف‌یاب شدم، آن حضرت بر روی زیراندازی نشسته بود. من با دستم آن را لمس می‌کردم. فرمود: جنس این زیرانداز «اَرمنی» (منسوب به اِرمینه، ناحیه‌ای در روم) است.

عرض کردم: شما با جنس «ارمنی» چه کار دارید؟!

فرمود: این زیرانداز را امّ علی آورده است.

فردای آن روز نزد آن حضرت رفتم و زیراندازی را که روی آن نشسته بودم لمس می‌کردم.

فرمود: گویا می‌خواهی که آن چه را که در زیرت است ببینی!

عرض کردم: نه، اما شخص نابینا بازی می‌کند.

فرمود: آن زیرانداز مال امّ علی بود، او از خوارج بود. یک شب تا صبح با او گفت وگو کردم تا از عقیده خود بازگردد و ولایت امیرمؤمنان علی عليه السلام را بپذیرد، اما او از پذیرش خواستهٔ من خودداری نمود، من نیز بامدادان او را طلاق دادم.

۷ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ: سَمِعْتُ الرِّضَا عليه‌السلام يَقُولُ:

قَالَ قَائِلٌ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام: يَجْلِسُ الرَّجُلُ عَلَى بِسَاطٍ فِيهِ تَمَاثِيلُ؟

فَقَالَ: الْأَعَاجِمُ تُعَظِّمُهُ وَ إِنَّا لَنَمْتَهِنُهُ.

۸ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْعَمْرَكِيِّ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَاالْحَسَنِ عليه‌السلام عَنِ الْفِرَاشِ الْحَرِيرِ وَ مِثْلِهِ مِنَ الدِّيبَاجِ وَ الْمُصَلَّى الْحَرِيرِ وَ مِثْلِهِ مِنَ الدِّيبَاجِ هَلْ يَصْلُحُ لِلرَّجُلِ النَّوْمُ عَلَيْهِ وَ التُّكَأَةُ وَ الصَّلَاةُ؟

فَقَالَ: يَفْرِشُهُ وَ يَقُومُ عَلَيْهِ وَ لَا يَسْجُدُ عَلَيْهِ.

---

۷ ـ عبدالله بن مغیره گوید: از امام رضا عليه‌السلام شنیدم که می‌فرمود: فردی از امام باقر عليه‌السلام پرسید: آیا انسان می‌تواند بر روی فرشی بنشیند که عکس آدمی بر آن نقش بسته باشد؟

امام باقر عليه‌السلام فرمود: عجم‌ها به این گونه نقش‌ها عظمت می‌نهند وآن را مانند پرده می‌آویزند ویا بر دیوار می‌کوبند، ما آن را خوار می‌کنیم وزیر پا می‌اندازیم.

۸ ـ علی بن جعفر عليه‌السلام گوید:

از امام کاظم عليه‌السلام دربارهٔ زیرانداز وجانماز حریر ودیبا پرسیدم که آیا انسان می‌تواند روی آن بخوابد، تکیه دهد ونماز بخواند؟

فرمود: می‌تواند آن را پهن کند وبر روی آن بایستد، اما نباید روی آن سجده کند.

(۲۹)
بَابُ النَّوَادِرِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ قَالَ: سَأَلَنِي شِهَابُ بْنُ عَبْدِ رَبِّهِ أَنْ أَسْتَأْذِنَ لَهُ عَلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَأَعْلَمْتُ ذَلِكَ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام.

فَقَالَ: قُلْ لَهُ: يَأْتِينَا إِذَا شَاءَ.

فَأَدْخَلْتُهُ عَلَيْهِ لَيْلاً وَ شِهَابٌ مُقَنَّعُ الرَّأْسِ فَطُرِحَتْ لَهُ وِسَادَةٌ فَجَلَسَ عَلَيْهَا.

فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: أَلْقِ قِنَاعَكَ يَا شِهَابُ! فَإِنَّ الْقِنَاعَ رِيبَةٌ بِاللَّيْلِ مَذَلَّةٌ بِالنَّهَارِ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

بخش بیست و نهم
چند حدیث نکته‌دار

۱ ـ ولید بن صبیح گوید: شهاب، پسر عبد ربّه، تقاضا کرد که از امام صادق عليه السلام برای او وقت بگیرم، من برایش از آن حضرت اجازهٔ حضور خواستم.

امام صادق عليه السلام فرمود: هر وقت که مایل باشد می‌تواند بیاید. من شبانه شهاب را به خدمت آن حضرت بردم. شهاب سر خود را با پارچه‌ای پوشیده بود. زیراندازی برای او پهن شد که روی آن نشست.

امام صادق عليه السلام فرمود: شهاب، روپوش را فرو افکن، که روپوش در سیاهی شب مایهٔ سوء ظن و در روشنی روز گواه ترس و خواری است.

۲ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود:

إِذَا ظَهَرَتِ الْقَلَانِسُ الْمُتَرَّكَةُ ظَهَرَ الزِّنَا.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عُبَيْدِ اللهِ بْنِ عَبْدِاللهِ الدِّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتَ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ:

طَيُّ الثِّيَابِ رَاحَتُهَا وَ هُوَ أَبْقَى لَهَا.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَّادٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

خَرَجْتُ وَ أَنَا أُرِيدُ دَاوُدَ بْنَ عِيسَى بْنِ عَلِيٍّ وَ كَانَ يَنْزِلُ بِئْرَ مَيْمُونٍ وَ عَلَيَّ ثَوْبَانِ غَلِيظَانِ فَرَأَيْتُ امْرَأَةً عَجُوزاً وَمَعَهَا جَارِيَتَانِ فَقُلْتُ: يَا عَجُوزُ! أَتُبَاعُ هَاتَانِ الْجَارِيَتَانِ؟

فَقَالَتْ: نَعَمْ وَ لَكِنْ لَا يَشْتَرِيهِمَا مِثْلُكَ.

قُلْتُ: وَ لِمَ؟

قَالَتْ: لِأَنَّ إِحْدَاهُمَا مُغَنِّيَةٌ وَ الْأُخْرَى زَامِرَةٌ.

هرگاه كلاه‌هاى «مترّكه»[1] ظاهر شود، زنا نيز آشكار مى‌گردد.

٣ ـ ابراهيم بن عبدالحميد گويد: امام كاظم عليه السلام مى‌فرمود:

تا كردن لباس، استراحت آن است و اين كار، آن را ماندگارتر مى‌كند.

۴ ـ معمّر بن خلّاد گويد: امام رضا عليه السلام فرمود:

من از مكه خارج شدم تا داوود بن عيسى والى مكه و مدينه را ببينم. داوود در كنار چاه ميمون فرود آمده بود. من دو لباس ضخيم بر تن داشتم، پيرزنى را ديدم با دو كنيز مى‌رفت، پرسيدم: اين كنيزها فروشى هستند؟

پيرزن گفت: آرى، ولى كسى مانند شما اين كنيزان را نمى‌خرد.

گفتم: چرا.

پيرزن گفت: زيرا اين يكى آواز مى‌خواند و آن ديگرى نى مى‌نوازد.

---

۱ ـ به نظر مى‌رسد منظور كلاه‌هاى تركى بكتاشى باشد.

فَدَخَلْتُ عَلَى دَاوُدَ بْنِ عِيسَى فَرَفَعَنِي وَ أَجْلَسَنِي فِي مَجْلِسِي فَلَمَّا خَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهِ قَالَ لِأَصْحَابِهِ: تَعْلَمُونَ مَنْ هَذَا؟ هَذَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الَّذِي يَزْعُمُ أَهْلُ الْعِرَاقِ أَنَّهُ مَفْرُوضُ الطَّاعَةِ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام أَنَّهُ كَرِهَ لُبْسَ الْبُرْطُلَةِ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى قَالَ: نَظَرَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام إِلَى فِرَاشٍ فِي دَارِ رَجُلٍ فَقَالَ:

فِرَاشٌ لِلرَّجُلِ وَ فِرَاشٌ لِأَهْلِهِ وَ فِرَاشٌ لِضَيْفِهِ وَ فِرَاشٌ لِلشَّيْطَانِ.

٧ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ الطَّيَالِسِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

مَنْ لَبِسَ السَّرَاوِيلَ مِنْ قُعُودٍ وُقِيَ وَجَعَ الْخَاصِرَةِ.

من به راه خود ادامه دادم و نزد داوود بن عیسی رفتم. داوود احترام شایسته‌ای به جا آورد و مرا در جای مناسب نشانید. موقعی که خارج می‌شدم به یارانش گفت: این مرد را می‌شناسید؟ این مرد علی بن موسی است که مردم عراق طاعت او را واجب می‌دانند.

۵ ـ هشام بن حکم گوید: امام صادق عليه‌السلام از پوشیدن کلاه آفتابی کراهت داشت.

۶ ـ حمّاد بن عیسی گوید: روزی امام صادق عليه‌السلام به زیراندازی در خانه مردی نگاه کرد و فرمود:

یک زیرانداز برای مرد، زیراندازی برای خانواده او، زیراندازی برای مهمان او و زیراندازی برای شیطان.

۷ ـ ابوبصیر گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هر کس در حالت نشسته شلوار بپوشد، از درد گردن در امان خواهد بود.

۸ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ خَلَفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ عَلِيٍّ الْقُمِّيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

سَعَةُ الْجُرُبَّانِ وَ نَبَاتُ الشَّعْرِ فِي الْأَنْفِ أَمَانٌ مِنَ الْجُذَامِ.

ثُمَّ قَالَ: أَ مَا سَمِعْتَ قَوْلَ الشَّاعِرِ:

وَ لَا تَرَى قَمِيصِي إِلَّا وَاسِعَ الْجَيْبِ وَ الْيَدِ؟!

۹ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعَلَوِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام:

مِنْ مُرُوءَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ دَوَابُّهُ سِمَاناً.

قَالَ: وَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: ثَلَاثَةٌ مِنَ الْمُرُوءَةِ فَرَاهَةُ الدَّابَّةِ وَ حُسْنُ وَجْهِ الْمَمْلُوكِ وَالْفَرْشُ السَّرِيُّ.

---

۸ ـ علی قمی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

گشاد بودن یقه پیراهن و رویش مو در بینی، امان از بیماری جذام است.

سپس فرمود: مگر سخن شاعر را نشنیده‌ای که گوید: «پیراهنم را نخواهی دید مگر گشاده گریبان و آستین».

۹ ـ حسن بن حسین علوی گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

از مروّت و جوانمردی شخص این است که چهارپایانش فربه باشند.

هم چنین از ایشان شنیدم که می‌فرمود: سه چیز از مروّت است: چالاکی چهارپا، زیبایی صورت برده و فرش نفیس.

۱۰ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُّونٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنْ مِسْمَعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

لَا يَمْسَحْ أَحَدُكُمْ بِثَوْبِ مَنْ لَمْ يَكْسُهُ.

۱۱ ـ سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ بَكْرٍ عَنْ زَكَرِيَّا الْمُؤْمِنِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

اطْوُوا ثِيَابَكُمْ بِاللَّيْلِ فَإِنَّهَا إِذَا كَانَتْ مَنْشُورَةً لَبِسَهَا الشَّيْطَانُ بِاللَّيْلِ.

۱۲ ـ سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِاللهِ جَبَلَةَ الْكِنَانِيِّ قَالَ: اسْتَقْبَلَنِي أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام وَ قَدْ عَلَّقْتُ سَمَكَةً فِي يَدِي فَقَالَ:

اقْذِفْهَا إِنَّنِي لَأَكْرَهُ لِلرَّجُلِ السَّرِيِّ أَنْ يَحْمِلَ الشَّيْءَ الدَّنِيَّ بِنَفْسِهِ.

ثُمَّ قَالَ: إِنَّكُمْ قَوْمٌ أَعْدَاؤُكُمْ كَثِيرَةٌ عَادَاكُمُ الْخَلْقُ. يَا مَعْشَرَ الشِّيعَةِ! إِنَّكُمْ قَدْ عَادَاكُمُ الْخَلْقُ فَتَزَيَّنُوا لَهُمْ بِمَا قَدَرْتُمْ عَلَيْهِ.

---

۱۰ ـ مسمع گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

هیچ کدام از شما با لباس کسی که واجب النفقه او نیست، دست خود را از آلودگی چربی غذا پاک نکند.

۱۱ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

لباس‌های خود را در هنگام شب جمع کنید؛ زیرا هنگامی که پهن شده باشد، شیطان در هنگام شب آنها را می‌پوشد.

۱۲ ـ عبدالله جبله کنانی گوید: روزی یک قطعه ماهی در دستم بود که با امام کاظم عليه السلام ملاقات کردم، حضرتش فرمود:

آن را بینداز؛ به راستی که من برای مرد گران‌قدر مکروه می‌دانم که چیز پستی را با خودش حمل کند.

سپس فرمود: شما گروهی هستید که دشمنان بسیاری دارید. مردم با شما دشمنی دارند. ای گروه شیعیان! مردم با شما دشمنی دارند؛ پس با آن چه که می‌توانید خود را برای آنان بیارایید.

(۳۰)

بَابُ الْخِضَابِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام وَ قَدِ اخْتَضَبَ بِالسَّوَادِ فَقُلْتُ: أَرَاكَ قَدِ اخْتَضَبْتَ بِالسَّوَادِ.

فَقَالَ: إِنَّ فِي الْخِضَابِ أَجْراً وَ الْخِضَابُ وَ التَّهْيِئَةُ مِمَّا يَزِيدُ اللهُ عزّوجلّ فِي عِفَّةِ النِّسَاءِ وَ لَقَدْ تَرَكَ النِّسَاءُ الْعِفَّةَ بِتَرْكِ أَزْوَاجِهِنَّ لَهُنَّ التَّهْيِئَةَ.

قَالَ: قُلْتُ: بَلَغَنَا أَنَّ الْحِنَّاءَ يَزِيدُ فِي الشَّيْبِ.

قَالَ: أَيُّ شَيْءٍ يَزِيدُ فِي الشَّيْبِ؟ الشَّيْبُ يَزِيدُ فِي كُلِّ يَوْمٍ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مِسْكِينِ بْنِ أَبِي الْحَكَمِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ.

بخش سی‌ام
رنگ کردن مو

۱ ـ حسن بن جهم گوید: روزی خدمت امام کاظم عليه السلام شرف‌یاب شدم در حالی که حضرت عليه السلام موی خود را به رنگ سیاه خضاب نموده بود.

عرض کردم: می‌بینم که شما با رنگ سیاه خضاب کرده‌اید!

فرمود: به راستی که در خضاب کردن، اجر و پاداشی است و خضاب کردن و خودآرایی، عفّت زنان را افزایش می‌دهد. همانا زنان عفّت و پاکدامنی را به جهت عدم خودآرایی شوهرانشان را ترک کردند.

عرض کردم: به ما روایت شده است که حنا بستن، موی‌های سفید را افزون می‌کند.

فرمود: چه چیزی سفیدی مو را افزایش می‌دهد؟! سفید شدن مو هر روز افزایش می‌یابد.

۲ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَنَظَرَ إِلَى الشَّيْبِ فِي لِحْيَتِهِ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: نُورٌ.
ثُمَّ قَالَ: مَنْ شَابَ شَيْبَةً فِي الْإِسْلَامِ كَانَتْ لَهُ نُوراً يَوْمَ الْقِيَامَةِ.
قَالَ: فَخَضَبَ الرَّجُلُ بِالْحِنَّاءِ ثُمَّ جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَلَمَّا رَأَى الْخِضَابَ قَالَ: نُورٌ وَ إِسْلَامٌ.
فَخَضَبَ الرَّجُلُ بِالسَّوَادِ.
فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: نُورٌ وَ إِسْلَامٌ وَ إِيمَانٌ وَ مَحَبَّةٌ إِلَى نِسَائِكُمْ وَ رَهْبَةٌ فِي قُلُوبِ عَدُوِّكُمْ.
٣ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مُوسَى الْوَرَّاقِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:
دَخَلَ قَوْمٌ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فَرَأَوْهُ مُخْتَضِباً بِالسَّوَادِ فَسَأَلُوهُ فَقَالَ:
إِنِّي رَجُلٌ أُحِبُّ النِّسَاءَ وَ أَنَا أَتَصَنَّعُ لَهُنَّ.
٤ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الزَّيْدِيِّ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

روزی شخصی خدمت پیامبر ﷺ شرف‌یاب شد. پیامبر ﷺ به موهای سفید محاسن او نگاه کرده و فرمود: نور است.
سپس فرمود: هر کس در اسلام یک تار موی خود را سفید کند، در روز رستاخیز برایش نور خواهد بود.
روز دیگر آن مرد با موهای خضاب شده نزد پیامبر ﷺ آمد. وقتی پیامبر ﷺ او را دید فرمود: نور و اسلام است.
روز دیگر آن مرد با رنگ سیاه موی خود را رنگین نمود و خدمت آن حضرت شرف‌یاب شد، پیامبر ﷺ فرمود: نور اسلام ایمان، محبت به همسران و ترس در دل‌های دشمنانتان است.
۳ ـ عبّاس بن موسی ورّاق گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:
عدّه‌ای نزد امام باقر عليه السلام آمدند و دیدند ایشان با رنگ سیاه خضاب بسته است. پس در این باره از آن حضرت عليه السلام سؤال کردند.
فرمود: من مردی هستم که زنان را دوست می‌دارم و این کار را برای آنان انجام می‌دهم.
۴ ـ جابر گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

دَخَلَ قَوْمٌ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليهما السلام فَرَأَوْهُ مُخْتَضِباً بِالسَّوَادِ فَسَأَلُوهُ عَنْ ذَلِكَ. فَمَدَّ يَدَهُ إِلَى لِحْيَتِهِ ثُمَّ قَالَ:

أَمَرَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله فِي غَزَاةٍ غَزَاهَا أَنْ يَخْتَضِبُوا بِالسَّوَادِ لِيَقْوَوْا بِهِ عَلَى الْمُشْرِكِينَ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ حَفْصٍ الْأَعْوَرِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنْ خِضَابِ اللِّحْيَةِ وَ الرَّأْسِ أَ مِنَ السُّنَّةِ؟

فَقَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لَمْ يَخْتَضِبْ.

فَقَالَ: إِنَّمَا مَنَعَهُ قَوْلُ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله: إِنَّ هَذِهِ سَتُخْضَبُ مِنْ هَذِهِ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

عده‌ای نزد امام سجّاد عليه السلام آمدند و دیدند که حضرتش با رنگ سیاه خضاب نموده است. پس در این خصوص از ایشان سؤال کردند.

حضرت عليه السلام دستی به سوی محاسن خود زد و فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله در یکی از جنگ‌ها دستور فرمود که سپاهیان با رنگ سیاه خضاب کنند تا به وسیلهٔ آن بر شرک‌ورزان نیرو یابند.

۵ ـ حفص اعور گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: آیا رنگ بستن بر محاسن از سنت‌های رسول خدا صلى الله عليه وآله است؟

فرمود: آری.

گفتم: همانا امیر مؤمنان علی عليه السلام موهای خود را رنگ نمی‌کرد.

فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله به امیرمؤمنان علی عليه السلام گفته بود که موی محاسنت با خون سرت خضاب خواهد شد و آن حضرت به انتظار این خضاب، از رنگ بستن محاسن خودداری می‌کرد.

۶ ـ ابراهیم بن عبدالحمید گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

فِي الْخِضَابِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: مَهْيَبَةٌ فِي الْحَرْبِ وَ مَحَبَّةٌ إِلَى النِّسَاءِ وَ يَزِيدُ فِي الْبَاهِ.

۷ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنْ خِضَابِ الشَّعْرِ فَقَالَ:

قَدْ خَضَبَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله وَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ وَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام بِالْكَتَمِ.

۸ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

خَضَبَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله وَ لَمْ يَمْنَعْ عَلِيّاً عليه السلام إِلَّا قَوْلُ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله: تَخْتَضِبُ هَذِهِ مِنْ هَذِهِ وَ قَدْ خَضَبَ الْحُسَيْنُ وَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام.

۹ ـ أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي شَيْبَةَ الْأَسَدِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنْ خِضَابِ الشَّعْرِ فَقَالَ:

خَضَبَ الْحُسَيْنُ وَ أَبُو جَعْفَرٍ عليهما السلام بِالْحِنَّاءِ وَ الْكَتَمِ.

در خضاب سه ویژگی است: در جنگ هیبت آور است، موجب محبت به زنان است و نیروی جنسی را افزایش می‌دهد.

۷ ـ حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام در باره خضاب کردن موی پرسیدم.

فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله، امام حسین عليه السلام و امام باقر عليه السلام با کَتَم [1] خضاب نموده‌اند.

۸ ـ امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله موهای خود را رنگ می‌کرد. امیرمؤمنان علی عليه السلام بدین جهت از رنگ مو خودداری کرد که رسول خدا صلى الله عليه وآله بشارت داده بود که موی محاسنت از خون سرت خضاب خواهد شد. امیرالمؤمنین عليه السلام و پدرم امام باقر عليه السلام نیز موی خود را رنگ می‌کردند.

۹ ـ ابو شیبه اسدی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: رنگ مو چه حکمی دارد؟

فرمود: حضرت سیّدالشهداء عليه السلام و امام باقر عليه السلام با حنا وکَتَم رنگ می‌کردند.

---

۱ ـ گیاهی است که با گیاه وَسَمه مخلوط می‌شود و برای خضاب استفاده می‌گردد.

۱۰ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَخْتَضِبُ بِالْحِنَّاءِ خِضَاباً قَانِياً.

۱۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُذَافِرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

إِيَّاكَ وَ نُصُولَ الْخِضَابِ فَإِنَّ ذَلِكَ بُؤْسٌ.

۱۲ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَحْمَرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللهِ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِيهِ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله:

نَفَقَةُ دِرْهَمٍ فِي الْخِضَابِ أَفْضَلُ مِنْ نَفَقَةِ دِرْهَمٍ فِي سَبِيلِ اللهِ؛ إِنَّ فِيهِ أَرْبَعَ عَشْرَةَ خَصْلَةً: يَطْرُدُ الرِّيحَ مِنَ الْأُذُنَيْنِ وَ يَجْلُو الْغِشَاءَ عَنِ الْبَصَرِ وَ يُلَيِّنُ الْخَيَاشِيمَ وَ يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ وَ يَشُدُّ اللِّثَةَ وَ يَذْهَبُ بِالْغَشَيَانِ وَ يُقِلُّ وَسْوَسَةَ الشَّيْطَانِ وَ تَفْرَحُ بِهِ الْمَلَائِكَةُ وَ يَسْتَبْشِرُ بِهِ الْمُؤْمِنُ وَ يَغِيظُ بِهِ الْكَافِرُ وَ هُوَ زِينَةٌ وَ هُوَ طِيبٌ وَ بَرَاءَةٌ فِي قَبْرِهِ وَ يَسْتَحْيِي مِنْهُ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ.

---

۱۰ ـ معاوية بن عمّار گويد: امام باقر عليه السلام را ديدم كه موهاى خود را با حناى خالص رنگ كرده بود.

۱۱ ـ عمر بن يزيد گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

مراقب باشيد كه آبرنگ حنا و وسمه بر صورت وگردن وگوش شما جارى نشود كه مايهٔ خوارى و تحقير است.

۱۲ ـ راوى گويد: پيامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هزينه يک درهم براى خضاب، برتر از هزينه يک درهم در راه خدا است؛ به راستى كه در خضاب چهارده ويژگى است: باد گوش‌ها را دور مى‌كند، پرده را از چشم دور مى‌نمايد، خيشوم‌هاى بينى را نرم وروان مى‌كند، دهان را خوشبو مى‌كند، لثه را محكم مى‌نمايد. غشيان (بيهوشى به خاطر غلبهٔ زردآب) را از بين مى‌برد، وسوسه شيطان را اندک مى‌كند. فرشتگان به آن شادمان مى‌شوند، مؤمن به آن بشارت مى‌گيرد وكافر را به خشم مى‌آورد. خضاب زينت وپاكى وموجب برائت در قبر است ودو فرشتهٔ نكير ومنكر از آن شرم وحيا مى‌كنند.

(۳۱)

بَابُ السَّوَادِ وَ الْوَسِمَةِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي عَلْقَمَةَ وَ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ وَأَبِي حَسَّانَ عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام وَ عَلْقَمَةُ مُخْتَضِبٌ بِالْحِنَّاءِ وَ الْحَارِثُ مُخْتَضِبٌ بِالْوَسِمَةِ وَ أَبُو حَسَّانَ لَا يَخْتَضِبُ.

فَقَالَ كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ: مَا تَرَى فِي هَذَا؟ رَحِمَكَ اللهُ! وَ أَشَارَ إِلَى لِحْيَتِهِ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام: مَا أَحْسَنَهُ!

قَالُوا: كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه‌السلام مُخْتَضِباً بِالْوَسْمَةِ؟

قَالَ: نَعَمْ ذَلِكَ حِينَ تَزَوَّجَ الثَّقَفِيَّةَ أَخَذَتْهُ جَوَارِيهَا فَخَضَبْنَهُ.

بخش سی و یکم

رنگ سیاه و رنگ وسمه

۱ ـ ابوبکر حضرمی گوید: من با برادرم علقمه، حارث وابوحسّان به خدمت امام صادق عليه‌السلام شرف‌یاب شدیم. برادرم علقمه با حنا وحارث با وسمه خضاب کرده بودند وابوحسّان خضاب نکرده بود. از آن حضرت پرسیدند: نظر شما در بارهٔ محاسن ما چیست؟

فرمود: خیلی خوب است.

پرسیدند: آیا امام باقر عليه‌السلام با وسمه خضاب می‌کرد؟

فرمود: آری، موقعی که پدرم امام باقر عليه‌السلام با آن بانوی ثقفی ازدواج کرد، کنیزهای او آن حضرت را با وسمه خضاب کردند.

٢ ـ عَنْهُ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنِ الْوَسِمَةِ فَقَالَ:

لَا بَأْسَ بِهَا لِلشَّيْخِ الْكَبِيرِ.

٣ ـ ابْنُ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَمْضَغُ عِلْكاً فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! نَقَضَتِ الْوَسِمَةُ أَضْرَاسِي فَمَضَغْتُ هَذَا الْعِلْكَ لِأَشُدَّهَا.

قَالَ: وَ كَانَتِ اسْتَرْخَتْ فَشَدَّهَا بِالذَّهَبِ.

٤ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:

نَقَضَتْ أَضْرَاسِيَ الْوَسِمَةُ.

٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

---

۲ ـ عبدالله بن سنان گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: خضاب وسمه چه صورت دارد؟ فرمود: برای پیران سالمند مانعی ندارد.

۳ ـ محمّد بن مسلم گوید: روزی امام باقر عليه السلام سقّز می‌خواست، آن حضرت فرمود: رنگ وسمه دندان‌هایم را سست کرده است؛ سقّز را از آن جهت می‌خواهم که دندان هایم محکم شود. دندان‌های امام باقر عليه السلام چنان سست شد که ناگزیر آنها را با مفتول طلا استوار کرد.

۴ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: رنگ وسمه دندان‌های مرا سست کرده است.

۵ ـ یعقوب بن سالم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

قُتِلَ الْحُسَيْنُ عليه‌السلام وَ هُوَ مُخْتَضِبٌ بِالْوَسْمَةِ.

٦ ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام عَنِ الْخِضَابِ بِالْوَسْمَةِ.

فَقَالَ: لَا بَأْسَ قَدْ قُتِلَ الْحُسَيْنُ عليه‌السلام وَ هُوَ مُخْتَضِبٌ بِالْوَسْمَةِ.

٧ ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام يَقُولُ:

الْخِضَابُ بِالسَّوَادِ أُنْسٌ لِلنِّسَاءِ وَ مَهَابَةٌ لِلْعَدُوِّ.

(٣٢)

بَابُ الْخِضَابِ بِالْحِنَّاءِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

امام حسین عليه‌السلام در حالی کشته شد که با وسمه خضاب نموده بود.

۶ ـ ابوبکر حضرمی گوید: از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: رنگ وسمه چه صورت دارد؟

فرمود: مانعی ندارد. روزی که جدم حسین بن علی عليهما‌السلام شهید شد، با رنگ وسمه خضاب کرده بود.

۷ ـ عمر بن یزید گوید: از امام صادق عليه‌السلام شنیدم که می‌فرمود:

خضاب کردن با رنگ سیاه مایهٔ انس زنان و انگیزهٔ شکوه و عظمت در برابر دشمنان است.

بخش سی و دوم

رنگ کردن با حنا

۱ ـ هشام بن حکم گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

الْحِنَّاءُ يَزِيدُ فِي مَاءِ الْوَجْهِ وَ يُكْثِرُ الشَّيْبَ.

٢ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:

الْحِنَّاءُ يَشْعَلُ الشَّيْبَ.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام مَخْضُوباً بِالْحِنَّاءِ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مَوْلًى لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله:

اخْتَضِبُوا بِالْحِنَّاءِ؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْبَصَرَ وَ يُنْبِتُ الشَّعْرَ وَ يُطَيِّبُ الرِّيحَ وَ يُسَكِّنُ الزَّوْجَةَ.

٥ ـ عَنْهُ عَنْ عُبْدُوسِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْبَغْدَادِيِّ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

رنگ حنا چهرهٔ انسان را شاداب می‌کند، اما بر سپیدی مو می‌افزاید.

۲ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

رنگ حنا شعلهٔ سپیدی را بر سر و صورت فروزان می‌کند.

۳ ـ معاویة بن عمّار گوید: امام باقر عليه السلام را دیدم که با حنا رنگ می‌کرد.

۴ ـ یکی از غلامان امام سجّاد عليه السلام گوید: از امام سجّاد عليه السلام شنیدم که می‌فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه و آله فرمود:

با حنا خضاب کنید؛ زیرا چشم را جلا می‌دهد، موی سر را می‌رویاند، بوی دهان را خوشبو می‌سازد و به همسر آرامش می‌دهد.

۵ ـ عبدوس بن ابراهیم بغدادی در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

الْحِنَّاءُ يَذْهَبُ بِالسَّهَكِ وَ يَزِيدُ فِي مَاءِ الْوَجْهِ وَ يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ وَ يُحَسِّنُ الْوَلَدَ.

٦ ـ عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمَانَ بْنِ رُشَيْدٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ أَشْيَمَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: إِنَّ لِي فَتَاةً قَدِ ارْتَفَعَتْ عِلَّتُهَا.

فَقَالَ: اخْضِبْ رَأْسَهَا بِالْحِنَّاءِ، فَإِنَّ الْحَيْضَ سَيَعُودُ إِلَيْهَا.

قَالَ: فَفَعَلْتُ ذَلِكَ فَعَادَ إِلَيْهَا الْحَيْضُ.

(٣٣)

بَابُ جَزِّ الشَّعْرِ وَ حَلْقِهِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَّادٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

ثَلَاثٌ مَنْ عَرَفَهُنَّ لَمْ يَدَعْهُنَّ جَزُّ الشَّعْرِ وَ تَشْمِيرُ الثِّيَابِ وَ نِكَاحُ الْإِمَاءِ.

حنا، بوی بد عرق را می‌برد، آبرو را می‌افزاید، بوی دهان را خوشبو می‌سازد و فرزند را زیبا می‌کند.

۶ ـ اسماعیل بن بزیع گوید: به امام کاظم علیه السلام عرض کردم: من دختر جوانی دارم که حائض نمی‌شود.

فرمود: سرش را با حنا خضاب کن؛ زیرا حیض او به زودی بازخواهد گشت.

اسماعیل گوید: پس من آن کار را انجام دادم. و حیض به او بازگشت.

بخش سی و سوم

چیدن و تراشیدن موی سر

۱ ـ معمّر بن خلّاد گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود:

سه چیزند که هر کسی آنان را بشناسد، رها نمی‌کند: چیدن موی، کوتاه نمودن لباس و آمیزش با کنیزان.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: قَالَ لِي:

اسْتَأْصِلْ شَعْرَكَ يَقِلَّ دَرَنُهُ وَ دَوَابُّهُ وَ وَسَخُهُ وَ تَغْلُظْ رَقَبَتُكَ وَ يَجْلُو بَصَرُكَ.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: وَ يَسْتَرِيحُ بَدَنُكَ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه‌السلام: إِنَّ أَصْحَابَنَا يَرْوُونَ أَنَّ حَلْقَ الرَّأْسِ فِي غَيْرِ حَجٍّ وَ لَا عُمْرَةٍ مُثْلَةٌ.

فَقَالَ: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عليه‌السلام إِذَا قَضَى مَنَاسِكَهُ عَدَلَ إِلَى قَرْيَةٍ يُقَالُ لَهَا: سَايَةُ فَحَلَقَ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام: إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ: إِنَّ حَلْقَ الرَّأْسِ مُثْلَةٌ.

فَقَالَ: عُمْرَةٌ لَنَا وَ مُثْلَةٌ لِأَعْدَائِنَا.

---

۲ ـ اسحاق بن عمّار گوید: امام صادق عليه‌السلام به من فرمود:

موی سر خود را کوتاه کن که چرک و جنبندگان و آلودگی آن اندک می‌گردد، گردنت محکم می‌شود و چشمت جلا می‌یابد.

ودر روایت دیگر چنین آمده است: وبدنت آسایش می‌یابد.

۳ ـ احمد بن محمّد بن ابی نصر گوید: به امام رضا عليه‌السلام عرض کردم: یاران ما روایت می‌کنند که تراشیدن موی سر در غیر ایام حجّ وعمره، در حکم مُثله کردن است.

فرمود: هنگامی که امام کاظم عليه‌السلام مناسک حج خود را به جای می‌آورد به قریه‌ای به نام «سایه» کوچ می‌نمود وموی سر خود را می‌تراشید.

۴ ـ علی بن محمّد در روایت مرفوعه‌ای گوید: به امام صادق عليه‌السلام گفتم: اهل تسنن می‌گویند: «تراشیدن موی سر، مُثله کردن است».

فرمود: برای ما عمره و برای دشمنان ما مُثله است.

۵ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ عُمَرَ بْنِ أَسْلَمَ قَالَ: حَجَمَنِي الْحَجَّامُ فَحَلَقَ مِنْ مَوْضِعِ النُّقْرَةِ فَرَآنِي أَبُو الْحَسَنِ عليه‌السلام فَقَالَ: أَيُّ شَيْءٍ هَذَا؟ اذْهَبْ فَاحْلِقْ رَأْسَكَ.

قَالَ: فَذَهَبْتُ وَ حَلَقْتُ رَأْسِي.

٦ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام: مَا تَقُولُ فِي إِطَالَةِ الشَّعْرِ؟

فَقَالَ: كَانَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ صلى‌الله‌عليه‌وآله مُشْعِرِينَ؛ يَعْنِي الطَّمَّ.

٧ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

إِنِّي لَأَحْلِقُ كُلَّ جُمُعَةٍ فِيمَا بَيْنَ الطَّلْيَةِ إِلَى الطَّلْيَةِ.

---

۵ ـ عبدالرحمان بن عمر بن اسلم گوید: من حجامت کردم، دلاک به خاطر حجامت، پس گردنم را تراشید. امام کاظم عليه‌السلام مرا دید وفرمود: این چه ترکیبی است؟ برو تمام سرت را بتراش.

من رفتم و تمام سرم را تراشیدم.

۶ ـ ابن سنان گوید: به امام صادق عليه‌السلام گفتم: نظر شما دربارهٔ بلند کردن موی سر چیست؟

فرمود: یاران رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله موی سر داشتند، موهای سرشان تا بناگوش می‌رسید.

۷ ـ ابوبصیر گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

من در هر جمعه بین یک نوره کشیدن تا نوره کشیدن دیگر، سر خود را می‌تراشم.

٨ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! رُبَّمَا كَثُرَ الشَّعْرُ فِي قَفَايَ فَيَغُمُّنِي غَمّاً شَدِيداً.

فَقَالَ لِي: يَا إِسْحَاقُ! أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ حَلْقَ الْقَفَا يَذْهَبُ بِالْغَمِّ؟!

(٣٤)

بَابُ اتِّخَاذِ الشَّعْرِ وَ الْفَرْقِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ الْبَقْبَاقِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ وَفْرَةٌ أَ يَفْرُقُهَا أَوْ يَدَعُهَا؟

فَقَالَ: يَفْرُقُهَا.

---

٨ ـ اسحاق بن عمّار گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: قربانتان گردم! گاهی موهای پشت گردنم زیاد می‌شود وغم و اندوه شدیدی مرا دربرمی‌گیرد.

حضرتش به من فرمود: ای اسحاق! مگر نمی‌دانی که تراشیدن موی پشت گردن غم و اندوه را می‌برد؟!

بخش سی وچهارم

موی سر و باز کردن فرق

١ ـ ابو عبّاس بقباق گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا کسی که موی سرش تا نرمهٔ گوش می‌رسد، می‌تواند فرق باز کند و یا آن را رها کند؟

فرمود: فرق باز کند.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مَنِ اتَّخَذَ شَعْراً فَلْيُحْسِنْ وِلَايَتَهُ أَوْ لِيَجُزَّهُ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ هَارُونَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: أَ كَانَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله يَفْرُقُ شَعْرَهُ؟

قَالَ: لَا، إِنَّ رَسُولَ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله كَانَ إِذَا طَالَ شَعْرُهُ كَانَ إِلَى شَحْمَةِ أُذُنِهِ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَمْرِو بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ خَلَفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: قُلْتُ: إِنَّهُمْ يَرْوُونَ أَنَّ الْفَرْقَ مِنَ السُّنَّةِ.

قَالَ: مِنَ السُّنَّةِ؟

قُلْتُ: يَزْعُمُونَ أَنَّ النَّبِيَّ صلی‌الله‌علیه‌وآله فَرَقَ.

قَالَ: مَا فَرَقَ النَّبِيُّ صلی‌الله‌علیه‌وآله وَ لَا كَانَ الْأَنْبِيَاءُ عليهم‌السلام تُمْسِكُ الشَّعْرَ.

---

۲ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود: پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

هر کس موی بگذارد، پس باید به خوبی به آن رسیدگی کند و یا این‌که باید آن را بچیند.

۳ ـ ایّوب بن هارون گوید: به امام صادق عليه‌السلام گفتم: آیا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرق سرش را باز می‌کرد؟

فرمود: نه، موقعی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله موی سرش تا نرمهٔ گوش می‌رسید، موهای خود را کوتاه می‌کرد.

۴ ـ عمرو بن ثابت گوید: به امام عليه‌السلام گفتم: اهل تسنن روایت می‌کنند که فرق باز کردن از سنّت نبوی است.

فرمود: جزو سنت است.

گفتم: پندار آنها این است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرق باز می‌کرده است.

فرمود: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرق باز نکرد و هم چنین پیامبران عليهم‌السلام نیز موی نمی‌گذاشتند.

۵ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام: الْفَرْقُ مِنَ السُّنَّةِ؟

قَالَ: لَا.

قُلْتُ: فَهَلْ فَرَقَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله؟

قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: كَيْفَ فَرَقَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله وَ لَيْسَ مِنَ السُّنَّةِ؟

قَالَ: مَنْ أَصَابَهُ مَا أَصَابَ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله يَفْرُقُ كَمَا فَرَقَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله فَقَدْ أَصَابَ سُنَّةَ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله وَ إِلَّا فَلَا.

قُلْتُ لَهُ: كَيْفَ ذَلِكَ؟

قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله حِينَ صُدَّ عَنِ الْبَيْتِ وَ قَدْ كَانَ سَاقَ الْهَدْيَ وَ أَحْرَمَ أَرَاهُ اللهُ الرُّؤْيَا الَّتِي أَخْبَرَهُ اللهُ بِهَا فِي كِتَابِهِ إِذْ يَقُولُ:

---

۵ ـ ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فرق باز کردن از سنّت است؟

فرمود: نه.

عرض کردم: آیا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرق باز نمود؟

فرمود: آری.

عرض کردم: چگونه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرق باز کرد اما فرق باز کردن از سنت نیست؟

فرمود: هر کس به سان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفتار کند و فرق باز نماید به راستی که سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را انجام داده است.

عرض کردم: آن چه بود؟

فرمود: هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله از زیارت خانه خدا منصرف شد در حالی که قربانی را برده بود و احرام بسته بود، خداوند به پیامبرش نشان داد آن خوابی را که در کتاب خود به ایشان خبر داده بود؛ که می‌فرماید:

﴿ لَقَدْ صَدَقَ اللهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرامَ إِنْ شاءَ اللهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُسَكُمْ وَ مُقَصِّرِينَ لا تَخافُونَ ﴾ فَعَلِمَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله أَنَّ اللهَ سَيَفِي لَهُ بِمَا أَرَاهُ فَمِنْ ثَمَّ وَفَّرَ ذَلِكَ الشَّعْرَ الَّذِي كَانَ عَلَى رَأْسِهِ حِينَ أَحْرَمَ انْتِظَاراً لِحَلْقِهِ فِي الْحَرَمِ حَيْثُ وَعَدَهُ اللهُ عزّوجلّ فَلَمَّا حَلَقَهُ لَمْ يُعِدْ فِي تَوْفِيرِ الشَّعْرِ وَ لَا كَانَ ذَلِكَ مِنْ قَبْلِهِ صلى الله عليه وآله.

(۳۵)

بَابُ اللِّحْيَةِ وَ الشَّارِبِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْمُثَنَّى عَنْ سَدِيرٍ الصَّيْرَفِيِّ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَأْخُذُ عَارِضَيْهِ وَ يُبَطِّنُ لِحْيَتَهُ.

۲ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ جَمِيعاً عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِذٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

«به حقیقت خداوند آن‌چه را که در عالم خواب به پیامبرش نشان داد، راست گفت؛ به طور حتم همهٔ شما به خواست خدا در نهایت امنیّت که سرهای خود را تراشیده یا کوتاه کرده‌اید بی‌آن که هراسی داشته باشید به مسجد الحرام وارد خواهید شد».

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله دانست که خداوند به زودی آن چه که در خواب به او نشان داده است عملی می‌کند. به همین جهت موی سرش در حال احرام زیاد نمود که انتظار تراشیدن آن را در «حرم» می‌کشید؛ از آن جایی که خداوند متعال به او وعده داده بود هنگامی که موی خود را تراشید، دیگر موی سر خود را زیاد ننمود و پیش از آن نیز چنین نکرده بود.

بخش سی و پنجم

ریش و سبیل

۱ ـ سدیر صیرفی گوید: امام باقر عليه السلام را دیدم که موی گونه‌ها را می‌چید و محاسن خود را با موی زیر فک انبوه می‌کرد.

۲ ـ معلّی بن خنیس گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

مَا زَادَ مِنَ اللِّحْيَةِ عَنِ الْقَبْضَةِ فَهُوَ فِي النَّارِ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ سَعْدٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فِي قَدْرِ اللِّحْيَةِ قَالَ:

تَقْبِضُ بِيَدِكَ عَلَى اللِّحْيَةِ وَ تَجُزُّ مَا فَضَلَ.

٤ ـ عَنْهُ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَسَنِ الزَّيَّاتِ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام قَدْ خَفَّفَ لِحْيَتَهُ.

٥ ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام وَ الْحَجَّامُ يَأْخُذُ مِنْ لِحْيَتِهِ فَقَالَ: دَوِّرْهَا.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله:

إِنَّ مِنَ السُّنَّةِ أَنْ تَأْخُذَ مِنَ الشَّارِبِ حَتَّى يَبْلُغَ الْإِطَارَ.

مقدار فزونی بیش از قبضهٔ محاسن، در آتش دوزخ است.

۳ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام در باره اندازه محاسن فرمود:

با دست خود محاسنت را بگیر و فزونی آن را بچین.

۴ ـ حسن زیّات گوید: امام باقر عليه السلام را دیدم که محاسن خود را اندکی کوتاه کرده بود.

۵ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام را دیدم که دلّاک محاسن آن حضرت را اصلاح می‌کرد.

حضرت عليه السلام فرمود: آن را گرد کن.

۶ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه و آله فرمود:

از سنت است که سبیل تا سرخی لب و محل رویش پایین سبیل کوتاه شود.

۷ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْعَمْرَكِيِّ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ عليه‌السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَصِّ الشَّارِبِ أَ مِنَ السُّنَّةِ؟
قَالَ: نَعَمْ.

۸ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: ذَكَرْنَا الْأَخْذَ مِنَ الشَّارِبِ فَقَالَ:
نُشْرَةٌ وَ هُوَ مِنَ السُّنَّةِ.

۹ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ عُثْمَانَ أَنَّهُ رَأَى أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام أَحْفَى شَارِبَهُ حَتَّى أَلْصَقَهُ بِالْعَسِيبِ.

۱۰ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:
مَا زَادَ عَلَى الْقَبْضَةِ فَفِي النَّارِ؛ يَعْنِي اللِّحْيَةَ.

---

۷ ـ علی بن جعفر عليه‌السلام برادر امام کاظم عليه‌السلام گوید: از آن حضرت پرسیدم: آیا چیدن سبیل از سنت است؟

فرمود: آری.

۸ ـ راوی گوید: نزد امام صادق عليه‌السلام از کوتاه کردن سبیل سخن به میان آوردیم.

فرمود: کوتاه کردن سبیل رحمت است و آن از سنّت است.

۹ ـ عبدالله بن عثمان امام صادق عليه‌السلام را مشاهده نمود که سبیل خود را کوتاه نموده بود به گونه‌ای که آن به بُن رسیده بود.

۱۰ ـ نظیر روایت دوم همین بخش را راوی دیگری از امام صادق عليه‌السلام نقل می‌کند.

۱۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

لَا يُطَوِّلَنَّ أَحَدُكُمْ شَارِبَهُ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَتَّخِذُهُ مَخْبَأً يَسْتَتِرُ بِهِ.

۱۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنِ الدِّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَرَّ بِالنَّبِيِّ صلى الله عليه وآله رَجُلٌ طَوِيلُ اللِّحْيَةِ فَقَالَ: مَا كَانَ عَلَى هَذَا لَوْ هَيَّأَ مِنْ لِحْيَتِهِ؟!

فَبَلَغَ ذَلِكَ الرَّجُلَ فَهَيَّأَ لِحْيَتَهُ بَيْنَ اللِّحْيَتَيْنِ، ثُمَّ دَخَلَ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فَلَمَّا رَآهُ قَالَ:

هَكَذَا فَافْعَلُوا.

---

۱۱ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

هیچ کدام از شما سبیل خود را بلند نکند؛ زیرا شیطان آن را نهان‌گاه خود می‌سازد که با آن استتار می‌کند.

۱۲ ـ درست گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله از کنار شخصی گذشت که محاسنش دراز وبلند بود، فرمود: چه می‌شد که اگر بر این مرد محاسن خود را نیکو و اصلاح می‌نمود؟

این خبر به آن شخص رسید. او محاسن خود را به اندازه متوسط اصلاح نمود، سپس خدمت پیامبر صلى الله عليه وآله شرف‌یاب شد، هنگامی که آن حضرت او را دید فرمود: پس شما نیز چنین کنید.

(۳۶)
بَابُ أَخْذِ الشَّعْرِ مِنَ الْأَنْفِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَمْزَةَ الْأَشْعَرِيِّ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام:
أَخْذُ الشَّعْرِ مِنَ الْأَنْفِ يُحَسِّنُ الْوَجْهَ.

(۳۷)
بَابُ التَّمَشُّطِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ جُنْدَبٍ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ السِّمْطِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام:

بخش سی و ششم
چیدن موی بینی

۱ ـ محمّد بن حمزه اشعری در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:
چیدن موی بینی، صورت را زیبا می‌سازد.

بخش سی و هفتم
شانه کردن

۱ ـ سفیان بن سمط گوید: امام صادق عليه‌السلام به من فرمود:

الثَّوْبُ النَّقِيُّ يَكْبِتُ الْعَدُوَّ وَ الدُّهْنُ يَذْهَبُ بِالْبُؤْسِ وَ الْمَشْطُ لِلرَّأْسِ يَذْهَبُ بِالْوَبَاءِ.

قَالَ: قُلْتُ: وَ مَا الْوَبَاءُ؟

قَالَ: الْحُمَّى وَ الْمَشْطُ لِلِّحْيَةِ يَشُدُّ الْأَضْرَاسَ.

۲ ـ حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمِيثَمِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ عَمَّارٍ النَّوْفَلِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام يَقُولُ:

الْمَشْطُ يَذْهَبُ بِالْوَبَاءِ وَ كَانَ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام مُشْطٌ فِي الْمَسْجِدِ يَتَمَشَّطُ بِهِ إِذَا فَرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَاصِمٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام وَ فِي يَدِهِ مُشْطُ عَاجٍ يَتَمَشَّطُ بِهِ فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنَّ عِنْدَنَا بِالْعِرَاقِ مَنْ يَزْعُمُ أَنَّهُ لَا يَحِلُّ التَّمَشُّطُ بِالْعَاجِ.

لباس پاکیزه، دشمن را خوار وذلیل می‌کند، روغن مالیدن فقر وتنگدستی را می‌برد وشانه کردن سر، بیماری وبا را می‌برد.

گفتم: وباء چیست؟

فرمود: تب وشانه کردن محاسن، دندان‌ها را محکم می‌سازد.

۲ ـ پدر عمّار نوفلی گوید: از امام کاظم عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

شانه کردن، وباء را از بین می‌برد. امام صادق عليه السلام شانه‌ای در سجّاده خود داشت که هنگامی که از نماز فارغ می‌شد با آن شانه می‌کرد.

۳ ـ حسن بن عاصم گوید:

خدمت امام کاظم عليه السلام شرفیاب شدم، آن حضرت با شانه‌ای از عاج فیل شانه می‌کرد به حضرتش عرض کردم: قربانت گردم! در عراق کسی است که شانه کردن با شانه عاج را حلال نمی‌داند.

قَالَ: وَ لِمَ؟ فَقَدْ كَانَ لِأَبِي عليه السلام مِنْهَا مُشْطٌ أَوْ مُشْطَانِ.

ثُمَّ قَالَ: تَمَشَّطُوا بِالْعَاجِ؛ فَإِنَّ الْعَاجَ يَذْهَبُ بِالْوَبَاءِ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السِّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام يَتَمَشَّطُ بِمُشْطِ عَاجٍ وَ اشْتَرَيْتُهُ لَهُ.

٥ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الْعَاجِ فَقَالَ:

لَا بَأْسَ بِهِ وَ إِنَّ لِي مِنْهُ لَمُشْطاً.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ نَضْرِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ عَنْبَسَةَ بْنِ سَعِيدٍ رَفَعَ الْحَدِيثَ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله قَالَ:

كَثْرَةُ تَسْرِيحِ الرَّأْسِ تَذْهَبُ بِالْوَبَاءِ وَ تَجْلِبُ الرِّزْقَ وَ تَزِيدُ فِي الْجِمَاعِ.

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللهِ عزّوجلّ: ﴿**خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ**﴾؟ قَالَ:

فرمود: چرا؟ به راستی که پدرم یک و یا دو شانه از جنس عاج داشت.

سپس فرمود: با شانهٔ عاج شانه کنید؛ زیرا عاج وباء را از بین می‌برد.

۴ ـ موسی بن بکر گوید: امام کاظم عليه السلام را دیدم که موهایش را با شانه‌ای از جنس عاج ـ که من خریده بودم ـ شانه می‌کرد.

۵ ـ عبدالله بن سلیمان گوید: از امام باقر عليه السلام در باره عاج فیل پرسیدم.

فرمود: ایرادی ندارد به راستی که من یک شانه از جنس عاج دارم.

۶ ـ عنبسة بن سعید در حدیث مرفوعه‌ای گوید: پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود:

شانه کردن فراوان موی سر، بیماری وباء را می‌برد، رزق وروزی می‌آورد وبه نیروی جنسی می‌افزاید.

۷ ـ عبدالله بن مغیره گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: چگونه زینتی است که خداوند متعال می‌فرماید: «به هر مسجدی که وارد شوید آرایش خود را حفظ کنید»؟

مِنْ ذَلِكَ التَّمَشُّطُ عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ.

۸ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنِ ابْنِ مَيَّاحٍ عَنْ يُونُسَ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا سَرَّحْتَ رَأْسَكَ وَ لِحْيَتَكَ فَأَمِرَّ الْمُشْطَ عَلَى صَدْرِكَ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِالْهَمِّ وَ الْوَبَاءِ.

۹ ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ:

كَثْرَةُ التَّمَشُّطِ تُقَلِّلُ الْبَلْغَمَ.

۱۰ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ سَرَّحَ لِحْيَتَهُ سَبْعِينَ مَرَّةً وَ عَدَّهَا مَرَّةً مَرَّةً لَمْ يَقْرَبْهُ الشَّيْطَانُ أَرْبَعِينَ يَوْماً.

فرمود: از جمله آن شانه کردن موی سر و صورت است که انسان را آراسته می‌کند.

۸ ـ راوی گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

هرگاه موی سر و محاسنت را شانه زدی، شانه را روی سینه‌ات بِکِش؛ زیرا این کار اندوه و بیماری وباء را از بین می‌برد.

۹ ـ امام کاظم عليه السلام فرمود: امام صادق عليه السلام فرمود:

بسیار شانه کردن، بلغم را کاهش می‌دهد.

۱۰ ـ اسماعیل بن جابر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کس هفتاد بار محاسن خود را شانه بزند و هر مرتبه را شمارش کند، شیطان تا چهل روز به او نزدیک نخواهد شد.

۱۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مِهْزَمٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ الْوَلِيدِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام عَنْ عِظَامِ الْفِيلِ مَدَاهِنِهَا وَ أَمْشَاطِهَا.

قَالَ: لَا بَأْسَ بِهَا.

(۳۸)

بَابُ قَصِّ الْأَظْفَارِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله:

تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ يَمْنَعُ الدَّاءَ الْأَعْظَمَ وَ يُدِرُّ الرِّزْقَ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

---

۱۱ ـ قاسم بن ولید گوید: به امام صادق عليه‌السلام گفتم: اگر از عاج فیل روغن‌دان و شانه تهیه کنند، چه صورت دارد؟

فرمود: مانعی ندارد.

بخش سی و هشتم

چیدن ناخن‌ها

۱ ـ حسن بن راشد گوید: پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

چیدن ناخن‌ها، از ابتلا به بیماری بزرگ مانع می‌شود و رزق و روزی را جاری می‌کند.

۲ ـ هشام بن سالم گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ يُؤَمِّنُ مِنَ الْجُذَامِ وَ الْبَرَصِ وَ الْعَمَى وَ إِنْ لَمْ تَحْتَجْ فَحُكَّهَا.

٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِاللهِ بْنِ هِلَالٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

خُذْ مِنْ شَارِبِكَ وَ أَظْفَارِكَ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهَا شَيْءٌ فَحُكَّهَا لَايُصِيبُكَ جُنُونٌ وَ لَا جُذَامٌ وَ لَا بَرَصٌ.

٤ ـ عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ وَ أَخْذُ الشَّارِبِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ أَمَانٌ مِنَ الْبَرَصِ وَ الْجُنُونِ.

٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنِ ابْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مِنَ السُّنَّةِ تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ.

چیدن ناخن‌ها در روز جمعه، ایمنی از بیماری جذام، پیسی ونابینایی است واگر نیازی به چیدن ناخن نداری، پس آن را بسای.

۳ ـ عبدالله بن هلال گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود:

در هر جمعه سبیل وناخن‌هایت را کوتاه کن. پس اگر رشدی نداشته باشد آن را بسای که دچار دیوانگی، جذام و پیسی نخواهی شد.

۴ ـ ابن بکیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

چیدن ناخن‌ها وکوتاه کردن سبیل در هر جمعه، امان از بیماری پیسی ودیوانگی است.

۵ ـ عقبه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

چیدن ناخن‌ها از سنّت است.

٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ الْحُرِّ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِنَّمَا قُصَّ الْأَظْفَارُ لِأَنَّهَا مَقِيلُ الشَّيْطَانِ وَ مِنْهُ يَكُونُ النِّسْيَانُ.

٧ ـ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ مِسْكِينٍ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ أَسْتَرَ وَ أَخْفَى مَا يُسَلِّطُ الشَّيْطَانَ مِنِ ابْنِ آدَمَ أَنْ صَارَ أَنْ يَسْكُنَ تَحْتَ الْأَظَافِيرِ.

٨ ـ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيٍّ الْحَنَّاطِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: مَا ثَوَابُ مَنْ أَخَذَ مِنْ شَارِبِهِ وَ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ؟

قَالَ: لَا يَزَالُ مُطَهَّراً إِلَى الْجُمُعَةِ الْأُخْرَى.

---

۶ ـ ابو حمزه گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

ناخن‌ها به این دلیل چیده می‌شوند که محل خواب میان روز (قیلوله) شیطان است و فراموشی از آن به وجود می‌آید.

۷ ـ حذیفة بن منصور گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

به راستی که مخفی‌ترین و پوشیده‌ترین جا برای تسلّط شیطان بر آدمیزاد زیر ناخن‌ها است.

۸ ـ ابوبصیر گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: پاداش کسی که در هر جمعه سبیل خود را کوتاه کند و ناخن‌هایش را بگیرد چیست؟

فرمود: همیشه تا جمعه بعد، پاکیزه خواهد بود.

۹ ـ عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي حَفْصٍ الْجُرْجَانِيِّ عَنْ أَبِي الْخَضِيبِ الرَّبِيعِ بْنِ بَكْرٍ الْأَزْدِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحِيمِ الْقَصِيرِ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:

مَنْ أَخَذَ مِنْ أَظْفَارِهِ وَ شَارِبِهِ كُلَّ جُمُعَةٍ وَ قَالَ حِينَ يَأْخُذُ: «**بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ وَ عَلَى سُنَّةِ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللهِ** صلى الله عليه وآله» لَمْ يَسْقُطْ مِنْهُ قُلَامَةٌ وَ لَا جُزَازَةٌ إِلَّا كَتَبَ اللهُ لَهُ بِهَا عِتْقَ نَسَمَةٍ وَ لَا يَمْرَضُ إِلَّا مَرَضَهُ الَّذِي يَمُوتُ فِيهِ.

۱۰ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ طَلْحَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ وَ قَصُّ الشَّارِبِ وَ غَسْلُ الرَّأْسِ بِالْخِطْمِيِّ كُلَّ جُمُعَةٍ يَنْفِي الْفَقْرَ وَيَزِيدُ فِي الرِّزْقِ.

۱۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي كَهْمَسٍ قَالَ: قَالَ رَجُلٌ لِعَبْدِ اللهِ بْنِ الْحَسَنِ: عَلِّمْنِي شَيْئاً فِي الرِّزْقِ.

---

۹ ـ عبدالرحیم قصیر گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هر کس در هر جمعه ناخن‌ها وسبیلش را بگیرد ودر آن هنگام بگوید: «**بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ وَ عَلَى سُنَّةِ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللهِ** صلى الله عليه وآله»؛ خداوند در ازای هر ناخن وموی چیده شده‌ای که بر زمین می‌افتد برای او آزادی برده‌ای می‌نویسد وبه هیچ بیماری ـ جز بیماری مرگ ـ گرفتار نخواهد شد.

۱۰ ـ محمّد بن طلحه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

گرفتن ناخن‌ها، چیدن سبیل وشستن سر با گیاه ختمی در هر جمعه، فقر را دور می‌کند ورزق وروزی را می‌افزاید.

۱۱ ـ ابی کهمس گوید: مردی به عبدالله بن حسن گفت: در باره رزق وروزی چیزی به من بیاموز.

فَقَالَ: الْزَمْ مُصَلَّاكَ إِذَا صَلَّيْتَ الْفَجْرَ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ فَإِنَّهُ أَنْجَعُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ مِنَ الضَّرْبِ فِي الْأَرْضِ.

فَأَخْبَرْتُ بِذَلِكَ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام فَقَالَ: أَ لَا أُعَلِّمُكَ فِي الرِّزْقِ مَا هُوَ أَنْفَعُ مِنْ ذَلِكَ؟

قَالَ: قُلْتُ: بَلَى.

قَالَ: خُذْ مِنْ شَارِبِكَ وَ أَظْفَارِكَ كُلَّ جُمُعَةٍ.

۱۲ ـ عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: أَتَيْتُ عَبْدَاللهِ بْنَ الْحَسَنِ فَقُلْتُ: عَلِّمْنِي دُعَاءً فِي الرِّزْقِ.

فَقَالَ: قُلِ: «**اللَّهُمَّ تَوَلَّ أَمْرِي وَ لَا تُوَلِّ أَمْرِي غَيْرَكَ**».

فَعَرَضْتُهُ عَلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَقَالَ: أَ لَا أَدُلُّكَ عَلَى مَا هُوَ أَنْفَعُ مِنْ هَذَا فِي الرِّزْقِ؟ تَقُصُّ أَظَافِيرَكَ وَ شَارِبَكَ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ وَ لَوْ بِحَكِّهَا.

گفت: هنگامی که نماز صبح را خواندی، تا طلوع آفتاب در سجّاده‌ات بنشین؛ زیرا این کار، در طلب رزق و روزی از گشتن در زمین برای کسب درآمد اثرگذارتر است.

ابو کهمس گوید: من این خبر را به امام صادق عليه السلام گزارش دادم.

فرمود: آیا چیزی در بارهٔ رزق و روزی به تو نیاموزم که مفیدتر از آن باشد؟

عرض کردم: آری.

فرمود: در هر جمعه سبیل و ناخن‌هایت را کوتاه کن.

۱۲ ـ عقبه گوید: روزی نزد عبدالله بن حسن رفتم وگفتم: دعایی دربارهٔ روزی به من بیاموز.

گفت: بگو: «**اللَّهُمَّ تَوَلَّ أَمْرِي وَ لَا تُوَلِّ أَمْرِي غَيْرَكَ**».

من آن را خدمت امام صادق عليه السلام بازگو کردم.

فرمود: آیا تو را راهنمایی نکنم بر عملی که در طلب روزی از آن دعا مفیدتر است؟ در هر جمعه ناخن‌ها و سبیلت را کوتاه کن، گرچه به ساییدن آن باشد.

۱۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ خَلَفٍ قَالَ: رَآنِي أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام بِخُرَاسَانَ وَ أَنَا أَشْتَكِي عَيْنِي فَقَالَ: أَ لَا أَدُلُّكَ عَلَى شَيْءٍ إِنْ فَعَلْتَهُ لَمْ تَشْتَكِ عَيْنَكَ؟

فَقُلْتُ: بَلَى.

فَقَالَ: خُذْ مِنْ أَظْفَارِكَ فِي كُلِّ خَمِيسٍ.

قَالَ: فَفَعَلْتُ فَمَا اشْتَكَيْتُ عَيْنِي إِلَى يَوْمَ أَخْبَرْتُكَ.

۱٤ ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ الْفَضْلِ النَّوْفَلِيِّ عَنْ أَبِيهِ وَ عَمِّهِ جَمِيعاً عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَدْمَنَ أَخْذَ أَظْفَارِهِ كُلَّ خَمِيسٍ لَمْ تَرْمَدْ عَيْنُهُ.

۱٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله لِلرِّجَالِ: قُصُّوا أَظَافِيرَكُمْ.

---

۱۳ ـ خلف گوید: امام رضا عليه السلام مرا در خراسان دید در حالی که از چشم درد رنج می‌بردم.

فرمود: آیا تو را بر عملی راهنمایی نکنم که اگر آن را انجام دهی از چشم درد رهایی یابی؟

گفتم: آری.

فرمود: هر پنجشنبه ناخن‌هایت را کوتاه کن.

من طبق دستور آن حضرت انجام دادم و تا این روزی که این خبر را برای تو بازگو کردم به چشم درد مبتلا نشده‌ام.

۱۴ ـ پدر و عموی عبدالله بن فضل نوفلی گویند امام باقر عليه السلام فرمود:

هر کس در هر پنجشنبه به گرفتن ناخن‌هایش مداومت کند به درد چشم مبتلا نخواهد شد.

۱۵ ـ سکونی گوید:

امام عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله به مردان فرمود: ناخن‌هایتان را بچینید.

وَ لِلنِّسَاءِ: اتْرُكْنَ؛ فَإِنَّهُ أَزْيَنُ لَكُنَّ.

١٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ رَفَعَهُ فِي قَصِّ الْأَظْفَارِ:

تَبْدَأُ بِخِنْصِرِ الْأَيْسَرِ ثُمَّ تَخْتِمُ بِالْيَمِينِ.

١٧ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

احْتَبَسَ الْوَحْيُ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله فَقِيلَ لَهُ: احْتَبَسَ الْوَحْيُ عَنْكَ؟

فَقَالَ صلى الله عليه و آله: وَ كَيْفَ لَا يَحْتَبِسُ وَ أَنْتُمْ لَا تُقَلِّمُونَ أَظْفَارَكُمْ وَ لَا تُنَقُّونَ رَوَاجِبَكُمْ.

(٣٩)

بَابُ جَزِّ الشَّيْبِ وَ نَتْفِهِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

و به زنان فرمود: ناخن‌هایتان را نگیرید؛ زیرا برای شما زیباتر است.

۱۶ ـ راوی گوید: امام عليه السلام دربارهٔ چیدن ناخن‌ها فرمود:

از انگشت کوچک دست چپ شروع می‌کنی، سپس با دست راست تمام می‌نمایی.

۱۷ ـ ابن قدّاح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: روزی وحی از پیامبر خدا صلى الله عليه و آله قطع شد. به ایشان گفتند: وحی از شما قطع شده است؟

فرمود: چگونه وحی قطع نشود در حالی که شما ناخن‌هایتان را نمی‌چینید ولای انگشتان خود را تمیز نمی‌کنید؟!

بخش سی و نهم

موهای سفید

۱ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

لَا بَأْسَ بِجَزِّ الشَّمَطِ وَ نَتْفِهِ وَ جَزُّهُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ نَتْفِهِ.

۲ ـ عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

لَا بَأْسَ بِجَزِّ الشَّمَطِ وَ نَتْفِهِ مِنَ اللِّحْيَةِ.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام:

أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام كَانَ لَا يَرَى بِجَزِّ الشَّيْبِ بَأْساً وَ يَكْرَهُ نَتْفَهُ.

٤ ـ وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ عليه السلام:

أَوَّلُ مَنْ شَابَ إِبْرَاهِيمُ عليه السلام فَقَالَ: يَا رَبِّ! مَا هَذَا؟

فَقَالَ: نُورٌ وَ تَوْقِيرٌ.

قَالَ: رَبِّ! زِدْنِي مِنْهُ.

۵ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ النَّاسُ لَا يَشِيبُونَ فَأَبْصَرَ إِبْرَاهِيمُ عليه السلام شَيْباً فِي لِحْيَتِهِ، فَقَالَ: يَا رَبِّ! مَا هَذَا؟

چیدن و یا کندن موهای سفید مانعی ندارد؛ ولی به نظر من چیدن آن محبوب‌تر است.

۲ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

چیدن موی سفید که با موی سیاه مخلوط است وکندن آن از محاسن، ایرادی ندارد.

۳ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی عليه السلام به چیدن موی سفید ایراد نمی‌کرد؛ ولی کندن آن را مکروه می‌دانست.

۴ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

نخستین کسی که مویش سفید شد حضرت ابراهیم عليه السلام بود، پس عرضه داشت: پررودگارا! این چیست؟

خداوند فرمود: نور و وقار است.

عرضه داشت: پروردگارا! از آن برای من بیفزای.

۵ ـ حفص بن بختری گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

موی مردم پیش از این سفید نمی‌شد. پس حضرت ابراهیم عليه السلام موی سفیدی را در محاسن خود مشاهده کرد. عرض کرد: پروردگارا! این چیست؟

فَقَالَ: هَذَا وَقَارٌ.

فَقَالَ: يَا رَبِّ! زِدْنِي وَقَاراً.

٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْمَدِينِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ:

الشَّيْبُ فِي مُقَدَّمِ الرَّأْسِ يُمْنٌ وَ فِي الْعَارِضَيْنِ سَخَاءٌ وَ فِي الذَّوَائِبِ شَجَاعَةٌ وَفِي الْقَفَا شُؤْمٌ.

(٤٠)
بَابُ دَفْنِ الشَّعْرِ وَ الظُّفُرِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي كَهْمَسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللهِ عزّوجلّ: ﴿أَ لَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفاتاً * أَحْياءً وَ أَمْواتاً﴾ قَالَ:

دَفْنُ الشَّعْرِ وَ الظُّفُرِ.

فرمود: این وقار است.

عرض کرد: پروردگارا! بر وقار من بیفزای.

۶ ـ سلیمان جعفری گوید: امام رضا عليه السلام از پدران بزرگوار خود عليهم السلام نقل نمود که حضرتش فرمود:

موی سفید در جلوی سر، یُمن ونیک بختی، در دو طرف صورت، سخاوت، در رستنگاه شجاعت ودر پشت سر، شوم وبدبختی است.

بخش چهلم
دفن موی و ناخن

۱ ـ ابو کهمس گوید: امام صادق عليه السلام درباره گفتار خدا که می‌فرماید: «آیا زمین را مرکز اجتماع انسان‌ها قرار ندادیم؟! هم در حال زندگی وهم پس از مرگشان؟!» فرمود:

منظور دفن کردن موی و ناخن است.

(٤١)
بَابُ الْكُحْلِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سُلَيْمٍ الْفَرَّاءِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:
كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله يَكْتَحِلُ بِالْإِثْمِدِ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ وَتْراً وَتْراً.

٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ: أَرَانِي أَبُو الْحَسَنِ مِيلاً مِنْ حَدِيدٍ وَ مُكْحُلَةً مِنْ عِظَامٍ فَقَالَ:
هَذَا كَانَ لِأَبِي الْحَسَنِ فَاكْتَحِلْ بِهِ.
فَاكْتَحَلْتُ.

٣ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

بخش چهل و یکم
سرمهٔ چشم

۱ ـ راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که پیامبر خدا صلى الله عليه وآله به بستر می‌رفت، با سنگ سرمهٔ اثمد بـه صـورت عـدد فـرد سرمه می‌کشید.

۲ ـ حسن بن جهم گوید: امام رضا علیه السلام به من میل وسرمه‌دانـی از اسـتخوان نشـان داد وفرمود: این از آنِ امام کاظم علیه السلام بود. با آن سرمه بکش.

حسن گوید: من نیز با آن سرمه کشیدم.

۳ ـ زراره گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

الْكُحْلُ بِاللَّيْلِ يَنْفَعُ الْعَيْنَ وَ هُوَ بِالنَّهَارِ زِينَةٌ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِيهِ وَ عَمِّهِ قَالَا: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:

الِاكْتِحَالُ بِالْإِثْمِدِ يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ وَ يَشُدُّ أَشْفَارَ الْعَيْنِ.

٥ ـ عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

الْكُحْلُ يُعْذِبُ الْفَمَ.

٦ ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ خَلَفِ بْنِ حَمَّادٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

الْكُحْلُ يُنْبِتُ الشَّعْرَ وَ يُحِدُّ الْبَصَرَ وَ يُعِينُ عَلَى طُولِ السُّجُودِ.

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

الْإِثْمِدُ يَجْلُو الْبَصَرَ وَ يُنْبِتُ الشَّعْرَ وَ يَذْهَبُ بِالدَّمْعَةِ.

سرمه در شب هنگام چشم را سود می‌بخشد ودر روز موجب زینت وآراستگی است.

۴ ـ پدر وعموی عبدالله بن فضل هاشمی گویند: امام باقر عليه السلام فرمود:

سرمه کشیدن با سنگ سرمهٔ اثمد، بوی دهان را خوش‌بو می‌کند وکناره‌های پلک چشم را که مژه می‌روید قوی می‌کند.

۵ ـ حمّاد بن عیسی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

سرمه، آب دهان را شیرین می‌کند.

۶ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

سرمه، موی می‌رویاند، چشم را تیز بین می‌کند وبر طولانی شدن سجده کمک می‌نماید.

۷ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

سنگ سرمهٔ اثمد، چشم را جلا می‌دهد، موی می‌رویاند وآبریزش چشم را از بین می‌برد.

۸ ـ ابْنُ فَضَّالٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:
الْكُحْلُ يَزِيدُ فِي الْمُبَاضَعَةِ.

۹ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْمُبَارَكِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَاصِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:
مَنْ نَامَ عَلَى إِثْمِدٍ غَيْرِ مُمَسَّكٍ أَمِنَ مِنَ الْمَاءِ الْأَسْوَدِ أَبَداً مَا دَامَ يَنَامُ عَلَيْهِ.

۱۰ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:
الْكُحْلُ يُنْبِتُ الشَّعْرَ وَ يُجَفِّفُ الدَّمْعَةَ وَ يُعْذِبُ الرِّيقَ وَ يَجْلُو الْبَصَرَ.

۱۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:
مَنِ اكْتَحَلَ فَلْيُوتِرْ وَ مَنْ فَعَلَ فَقَدْ أَحْسَنَ وَ مَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَلَا بَأْسَ.

---

۸ ـ یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
سرمه، نیروی جنسی را افزایش می‌دهد.

۹ ـ حسن بن عاصم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
هر کس با سنگ سرمهٔ اثمد بی‌آن که با مُشک مخلوط کند بـه چشـمانش سـرمه بکشـد وبخوابد، مادامی که در آن حال بخوابـد، بـرای هـمیشه از بـیماری آب مـروارید در امـان خواهد بود.

۱۰ ـ حمّاد بن عثمان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
سرمه، موی می‌رویاند، آبریزش چشم را از بـین مـی‌برد، آب دهـان را شـیرین مـی‌کند وچشم را جلا می‌دهد.

۱۱ ـ ابن قدّاح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود:
هر کس سرمه می‌کشد، باید تعداد دفعات به صورت فرد باشد وهـر کس چـنین کـند، این کار را به خوبی انجام داده است وهر کس چنین نکند، ایرادی ندارد.

۱۲ ـ عَنْهُ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله كَانَ يَكْتَحِلُ قَبْلَ أَنْ يَنَامَ أَرْبَعاً فِي الْيُمْنَى وَ ثَلَاثاً فِي الْيُسْرَى.

(۴۲)

بَابُ السِّوَاكِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام السِّوَاكُ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ جَمِيعاً عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

السِّوَاكُ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ.

---

۱۲ ـ زراره گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

به راستی که پیامبر خدا صلى الله عليه وآله پیش از آن که بخوابد چهار بار در چشم راست و سه بار در چشم چپ سرمه می‌کشید.

بخش چهل و دوم

مسواک زدن

۱ ـ اسحاق بن عمّار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: مسواک زدن از شیوهٔ پیامبران است.

۲ ـ اسحاق بن عمّار نظیر این روایت را با سند دیگری از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند.

٣ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

مَا زَالَ جَبْرَئِيلُ عليه السلام يُوصِينِي بِالسِّوَاكِ حَتَّى خَشِيتُ أَنْ أَدْرَدَ وَ أُحْفِيَ.

٤ ـ وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

السِّوَاكُ مَطْهَرَةٌ لِلْفَمِ وَ مَرْضَاةٌ لِلرَّبِّ.

٥ ـ سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ بَحْرٍ عَنْ مِهْزَمٍ الْأَسَدِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

فِي السِّوَاكِ عَشَرَةُ خِصَالٍ: مَطْهَرَةٌ لِلْفَمِ وَ مَرْضَاةٌ لِلرَّبِّ وَ مَفْرَحَةٌ لِلْمَلَائِكَةِ وَ هُوَ مِنَ السُّنَّةِ وَ يَشُدُّ اللِّثَةَ وَ يَجْلُو الْبَصَرَ وَ يَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ وَ يَذْهَبُ بِالْحَفرِ.

٦ ـ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عُبَيْدِ اللهِ الدِّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتَ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

---

۳ ـ ابن قدّاح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

جبرئیل عليه السلام پیوسته مرا به مسواک زدن سفارش می‌کرد به گونه‌ای که بیم داشتم دندان‌هایم بریزد و آن قدر در مسواک زدن کوشش کنم که آنها را از بین ببرم.

۴ ـ ابن قدّاح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود:

مسواک زدن، تمیز کننده دهان و باعث رضایت پروردگار است.

۵ ـ مهزم اسدی گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

مسواک زدن ده ویژگی دارد: تمیز کننده دهان است، باعث خشنودی پروردگار است، شادی بخش فرشتگان است، از سنّت است، لثه را محکم می‌کند، چشم را جلا می‌دهد، بلغم را از بین می‌برد و خرابی دندان (یا زرد شدن آن) را از بین می‌برد.

۶ ـ ابن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

فِي السِّوَاكِ اثْنَتَا عَشَرَ خَصْلَةً: هُوَ مِنَ السُّنَّةِ وَ مَطْهَرَةٌ لِلْفَمِ وَ مَجْلَاةٌ لِلْبَصَرِ وَيُرْضِي الرَّبَّ وَ يَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ وَ يَزِيدُ فِي الْحِفْظِ وَ يُبَيِّضُ الْأَسْنَانَ وَ يُضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ وَ يَذْهَبُ بِالْحَفْرِ وَ يَشُدُّ اللِّثَةَ وَ يُشَهِّي الطَّعَامَ وَ تَفْرَحُ بِهِ الْمَلَائِكَةُ.

۷ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

السِّوَاكُ يَذْهَبُ بِالدَّمْعَةِ وَ يَجْلُو الْبَصَرَ.

۸ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

أَوْصَانِي جَبْرَئِيلُ عليه السلام بِالسِّوَاكِ حَتَّى خِفْتُ عَلَى أَسْنَانِي.

۹ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْمَرْزُبَانِ بْنِ النُّعْمَانِ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

مَا لِي أَرَاكُمْ قُلْحاً؟ مَا لَكُمْ لَا تَسْتَاكُونَ.

در مسواک زدن دوازده ویژگی است: از سنّت است، تمیز کننده دهان است، جلا دهنده چشم است، پروردگار را خشنود می‌سازد، بلغم را از بین می‌برد، هوش را افزایش می‌دهد، دندان‌ها را سفید می‌کند، بر اعمال حسنه می‌افزاید، خرابی دندان (یا زرد شدن آن) را از بین می‌برد، لثه را محکم می‌نماید، اشتهای به غذا می‌آورد و فرشتگان از آن خوشحال می‌شوند.

۷ ـ حمّاد بن عیسی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

مسواک زدن، آبریزش چشم را از بین می‌برد و چشم را جلا می‌دهد.

۸ ـ جمیل بن درّاج گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: با سفارش جبرئیل امین، آن چنان مسواک زدم که ترسیدم دندان‌های خود را از دست بدهم.

۹ ـ راوی گوید: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

چرا شما را با دندان‌های زرد و چرکین می‌بینم؟! چرا مسواک نمی‌زنید؟!

۱۰ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام :
عَلَيْكَ بِالسِّوَاكِ لِكُلِّ صَلَاةٍ.

(٤٣)
بَابُ الْحَمَّامِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ الْجَبَلِيِّ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام : قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام :
نِعْمَ الْبَيْتُ الْحَمَّامُ يُذَكِّرُ النَّارَ وَ يَذْهَبُ بِالدَّرَنِ.
وَ قَالَ عُمَرُ: بِئْسَ الْبَيْتُ الْحَمَّامُ يُبْدِي الْعَوْرَةَ وَ يَهْتِكُ السِّتْرَ.
قَالَ: وَ نَسَبَ النَّاسُ قَوْلَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام إِلَى عُمَرَ وَ قَوْلَ عُمَرَ إِلَى أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ عليه السلام .

---

۱۰ ـ محمّد بن مروان گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:
در وصیت پیامبر صلى الله عليه وآله به امیرمؤمنان علی عليه السلام چنین آمده است: بر تو باد که برای هر نمازی مسواک بزنی.

بخش چهل و سوم
حمام کردن و دوش گرفتن

۱ ـ محمد بن اسلم جبلی در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود:
حمام چه خانه خوبی است! آتش دوزخ را یادآور می‌شود و چرک را از بین می‌برد.
عمر گفت: حمام چه خانه زشتی است! عورت را آشکار می‌کند و پوشش را می‌دَرَد.
آن گاه امام صادق عليه السلام فرمود: اما مردم کلام امیرمؤمنان علی عليه السلام را به عمر نسبت دادند و سخن عمر را به امیرمؤمنان علی عليه السلام .

۲ ـ عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ وَ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه‌السلام قَالَ:

الْحَمَّامُ يَوْمٌ وَ يَوْمٌ لَا يُكْثِرُ اللَّحْمَ وَ إِدْمَانُهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ يُذِيبُ شَحْمَ الْكُلْيَتَيْنِ.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله:

مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَدْخُلِ الْحَمَّامَ إِلَّا بِمِئْزَرٍ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَجَّالِ عَنْ سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ:

مَرِضْتُ حَتَّى ذَهَبَ لَحْمِي فَدَخَلْتُ عَلَى الرِّضَا عليه‌السلام فَقَالَ: أَيَسُرُّكَ أَنْ يَعُودَ إِلَيْكَ لَحْمُكَ؟

قُلْتُ: بَلَى.

قَالَ: الْزَمِ الْحَمَّامَ غِبّاً؛ فَإِنَّهُ يَعُودُ إِلَيْكَ لَحْمُكَ وَ إِيَّاكَ أَنْ تُدْمِنَهُ، فَإِنَّ إِدْمَانَهُ يُورِثُ السِّلَّ.

---

۲ ـ سلیمان جعفری گوید: امام رضا عليه‌السلام فرمود:

یک روز در میان حمام رفتن آدمی را فربه می‌کند و هر روز حمام رفتن چربی کلیه‌ها را آب می‌نماید.

۳ ـ رفاعة بن موسی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود: پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، نباید جز با لنگ به داخل حمام داخل شود.

۴ ـ سلیمان جعفری گوید: من بر اثر بیماری بسیار لاغر شدم، روزی خدمت امام رضا عليه‌السلام رسیدم، به من فرمود: دوست داری که مانند سابق فربه شوی؟

گفتم: آری.

فرمود: یک روز در میان حمام کن تا گوشت بدنت را باز گردد؛ مبادا هر روزه حمام کنی که مایهٔ لاغری است.

۵ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْمُثَنَّى بْنِ الْوَلِيدِ الْحَنَّاطِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

لَا تَدْخُلِ الْحَمَّامَ إِلَّا وَ فِي جَوْفِكَ شَيْءٌ يُطْفَأُ بِهِ عَنْكَ وَهَجُ الْمَعِدَةِ وَ هُوَ أَقْوَى لِلْبَدَنِ وَ لَا تَدْخُلْهُ وَ أَنْتَ مُمْتَلِئٌ مِنَ الطَّعَامِ.

۶ ـ عَلِيُّ بْنُ الْحَكَمِ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام أَنَّهُ كَانَ إِذَا أَرَادَ دُخُولَ الْحَمَّامِ تَنَاوَلَ شَيْئاً فَأَكَلَهُ.

قَالَ: قُلْتُ لَهُ: إِنَّ النَّاسَ عِنْدَنَا يَقُولُونَ: إِنَّهُ عَلَى الرِّيقِ أَجْوَدُ مَا يَكُونُ.

قَالَ: لَا، بَلْ يُؤْكَلُ شَيْءٌ قَبْلَهُ يُطْفِئُ الْمَرَارَةَ وَ يُسَكِّنُ حَرَارَةَ الْجَوْفِ.

۷ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ عَبْدِاللهِ عَنْ رِبْعِيٍّ عَنْ عُبَيْدِ اللهِ الدَّابِقِيِّ قَالَ:

دَخَلْتُ حَمَّاماً بِالْمَدِينَةِ فَإِذَا شَيْخٌ كَبِيرٌ وَ هُوَ قَيِّمُ الْحَمَّامِ فَقُلْتُ: يَا شَيْخُ! لِمَنْ هَذَا الْحَمَّامُ؟

---

۵ ـ ابوبصیر گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

به حمام مرو جز موقعی که در معده‌ات قدری غذا باقی باشد تا حرارت معده را خاموش سازد و برتاب و تحمل حمام رفتن بیفزاید و با شکم پر به حمام مرو.

۶ ـ راوی گوید:

هرگاه امام صادق عليه‌السلام می‌خواست به حمام برود غذایی میل می‌نمود.

به ایشان عرض کردم: اهل سنّتی که در نزد ما هستند می‌گویند: حمام رفتن با حالت ناشتا، بهترین حالت است.

فرمود: نه، بلکه باید چیزی قبل از حمام رفتن میل نمود که زرد آب را خاموش کند و حرارت شکم را آرام سازد.

۷ ـ عبیدالله دابقی گوید: روزی در مدینه به حمامی وارد شدم که پیرمردی کهنسال سرپرست آن بود.

گفتم: ای پیرمرد! این حمام از آنِ کیست؟

فَقَالَ: لِأَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام:
فَقُلْتُ: كَانَ يَدْخُلُهُ؟
قَالَ: نَعَمْ.
فَقُلْتُ: كَيْفَ كَانَ يَصْنَعُ؟
قَالَ: كَانَ يَدْخُلُ فَيَبْدَأُ فَيَطْلِي عَانَتَهُ وَ مَا يَلِيهَا ثُمَّ يَلُفُّ عَلَى طَرَفِ إِحْلِيلِهِ وَ يَدْعُونِي فَأَطْلِي سَائِرَ بَدَنِهِ.
فَقُلْتُ لَهُ يَوْماً مِنَ الْأَيَّامِ: الَّذِي تَكْرَهُ أَنْ أَرَاهُ قَدْ رَأَيْتُهُ.
فَقَالَ: كَلَّا إِنَّ النُّورَةَ سُتْرَةٌ.
۸ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ جَمِيعاً عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَ أَبِي وَ جَدِّي وَ عَمِّي حَمَّاماً بِالْمَدِينَةِ فَإِذَا رَجُلٌ فِي بَيْتِ الْمَسْلَخِ فَقَالَ لَنَا: مِمَّنِ الْقَوْمُ؟
فَقُلْنَا: مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ.

گفت: از آنِ امام باقر علیه السلام است.
گفتم: ایشان داخل این حمام می‌شد؟
گفت: آری.
گفتم: چه کار می‌کرد؟
گفت: داخل حمام می‌شد و شروع به نوره کشیدن به عانه و اطراف آن می‌نمود. سپس اطراف عورت خود را می‌پوشاند و مرا فرا می‌خواند و من به دیگر قسمت‌های بدن ایشان نوره می‌کشیدم.
روزی به ایشان عرض کردم: آن جایی را که کراهت داری من ببینم، دیدم.
پس فرمود: هرگز، به راستی که نوره، پوشش است.
۸ ـ سدیر گوید:
من با پدرم و جدم و عمویم در مدینه به حمام رفتیم. در رخت کن حمام با مردی مواجه شدیم که تازه به حمام آمده بود. آن مرد از ما پرسید: شما اهل کجا هستید؟
گفتیم: اهل عراق هستیم.

فَقَالَ: وَ أَيُّ الْعِرَاقِ؟

قُلْنَا: كُوفِيُّونَ.

فَقَالَ: مَرْحَباً بِكُمْ يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ! أَنْتُمُ الشِّعَارُ دُونَ الدِّثَارِ.

ثُمَّ قَالَ: مَا يَمْنَعُكُمْ مِنَ الْأُزُرِ؟ فَإِنَّ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: «عَوْرَةُ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ حَرَامٌ».

قَالَ: فَبَعَثَ إِلَى أَبِي كِرْبَاسَةً، فَشَقَّهَا بِأَرْبَعَةٍ ثُمَّ أَخَذَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا وَاحِداً ثُمَّ دَخَلْنَا فِيهَا فَلَمَّا كُنَّا فِي الْبَيْتِ الْحَارِّ صَمَدَ لِجَدِّي فَقَالَ: يَا كَهْلُ! مَا يَمْنَعُكَ مِنَ الْخِضَابِ؟

فَقَالَ لَهُ جَدِّي: أَدْرَكْتُ مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنِّي وَ مِنْكَ لَا يَخْتَضِبُ.

قَالَ: فَغَضِبَ لِذَلِكَ حَتَّى عَرَفْنَا غَضَبَهُ فِي الْحَمَّامِ.

قَالَ: وَ مَنْ ذَلِكَ الَّذِي هُوَ خَيْرٌ مِنِّي؟

فَقَالَ: أَدْرَكْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام وَ هُوَ لَا يَخْتَضِبُ.

آن مرد گفت: کدام قسمت عراق؟

ما گفتیم: اهل کوفه هستیم.

آن مرد گفت: ای اهل کوفه! خوش آمدید. شما محرم جان و روانید، نه چون دیگران نامحرم و بیگانه.

آن مرد بعد از لحظه‌ای گفت: چرا لنگ نمی‌بندید؟ چرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «نگاه در شرمگاه مؤمن برای مؤمن حرام است».

سپس یک شال کرباسی برای پدرم فرستاد که آن را به چهار قطعه لنگ تقسیم کرد و هر یک از ما یک لنگ به کمر بستیم و وارد حمام شدیم. وقتی به گرم خانهٔ حمام وارد شدیم، آن مرد رو به جدم کرد و گفت: ای پیرمرد! چرا موی سر و صورتت را خضاب نکرده‌ای؟

جدم به او گفت: من خدمت کسی را دریافته‌ام که از من و تو بهتر بود و خضاب نمی‌کرد.

آن مرد از پاسخ پدرم برافروخته شد؛ به گونه‌ای که با وجود گرمای حمام اثر خشم و غضب در چهره‌اش نمایان شد و فرمود: چه کسی را درک کرده‌ای که از من بهتر بوده است؟

جدم گفت: من علی بن ابی طالب علیه السلام را درک کرده‌ام و دیدم خضاب نمی‌کند.

قَالَ: فَنَكَسَ رَأْسَهُ وَ تَصَابَّ عَرَقاً فَقَالَ: صَدَقْتَ وَ بَرِرْتَ.

ثُمَّ قَالَ: يَا كَهْلُ! إِنْ تَخْتَضِبْ فَإِنَّ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله قَدْ خَضَبَ وَ هُوَ خَيْرٌ مِنْ عَلِيٍّ عليه السلام وَ إِنْ تَتْرُكْ فَلَكَ بِعَلِيٍّ عليه السلام سُنَّةٌ.

قَالَ: فَلَمَّا خَرَجْنَا مِنَ الْحَمَّامِ سَأَلْنَا عَنِ الرَّجُلِ فَإِذَا هُوَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام وَ مَعَهُ ابْنُهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عليهما السلام.

۹ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: دَخَلْتُ مَعَ أَبِي بَصِيرٍ الْحَمَّامَ فَنَظَرْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَدِ اطَّلَى وَ اطَّلَى إِبْطَيْهِ بِالنُّورَةِ.

قَالَ: فَخَبَّرْتُ أَبَا بَصِيرٍ فَقَالَ: أَرْشِدْنِي إِلَيْهِ لِأَسْأَلَهُ عَنْهُ.

فَقُلْتُ: قَدْ رَأَيْتُهُ أَنَا.

فَقَالَ: أَنْتَ قَدْ رَأَيْتَهُ وَ أَنَا لَمْ أَرَهُ أَرْشِدْنِي إِلَيْهِ.

آن مرد با پاسخ پدرم سرش را فرو افکند وعرق از سر وصورتش جاری شد وفرمود: راست گفتی و نیک گفتی.

سپس فرمود: ای پیرمرد! اگر خضاب کنی به رسول خدا صلی الله علیه و آله اقتدا کرده‌ای که خضاب می‌کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله از من و از علی علیه السلام بهتر وبالاتر بود؛ واگر خضاب نکنی از مولایت علی علیه السلام سرمشق گرفته‌ای.

موقعی که از حمام خارج شدیم، پرسیدم: این مرد کیست؟

معلوم شد علی بن الحسین علیهما السلام است وفرزندش امام باقر علیه السلام نیز همراه آن سرور بود.

۹ ـ علی بن ابی حمزه گوید: من با ابوبصیر داخل حمام شدم. امام صادق علیه السلام را دیدم که بدن و زیر بغل‌های خود را نوره کشیده است.

من این جریان را به ابوبصیر گفتم.

ابوبصیر گفت: مرا به سوی حضرت علیه السلام راهنمایی کن تا از ایشان در این خصوص سؤال کنم.

گفتم: خودم ایشان را دیدم.

گفت: تو ایشان را دیدی، اما من که ندیدم! مرا به سوی ایشان راهنمایی کن.

قَالَ: فَأَرْشَدْتُهُ إِلَيْهِ فَقَالَ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَخْبَرَنِي قَائِدِي أَنَّكَ قَدِ اطَّلَيْتَ وَطَلَيْتَ إِبْطَيْكَ بِالنُّورَةِ.

قَالَ: نَعَمْ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! إِنَّ نَتْفَ الْإِبْطَيْنِ يُضْعِفُ الْبَصَرَ اطَّلِ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ!

قَالَ: فَقَالَ: اطَّلَيْتُ مُنْذُ أَيَّامٍ.

فَقَالَ: اطَّلِ! فَإِنَّهُ طَهُورٌ.

۱۰ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ رَجُلٍ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى جَمَاعَةٍ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِمْ فِي بَيْتٍ مُظْلِمٍ فَقَالَ بَعْضُهُمْ: سَلِّمْ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام فَإِنَّهُ فِي الصَّدْرِ.

قَالَ: فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ وَ جَلَسْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ فَقُلْتُ لَهُ: قَدْ أَحْبَبْتُ أَنْ أَلْقَاكَ مُنْذُ حِينٍ لِأَسْأَلَكَ عَنْ أَشْيَاءَ.

فَقَالَ: سَلْ مَا بَدَا لَكَ.

قُلْتُ: مَا تَقُولُ فِي الْحَمَّامِ؟

من ابوبصیر را به سوی حضرت علیه السلام راهنمایی کردم.

ابوبصیر به حضرت علیه السلام عرض کرد: فدایت شوم! راهنمای من به من خبر داد که شما بدن و زیر بغل‌های خود را نوره کشیدید.

فرمود: آری، ای ابو محمّد! به راستی که کندی موی زیربغل، چشم را ضعیف می‌کند پس نوره بکش ای ابو محمّد!

ابوبصیر گفت: من مدتی پیش نوره کشیده‌ام.

فرمود: نوره بکش! زیرا باعث پاکیزگی است.

۱۰ ـ مردی از بنی هاشم گوید: من در خانه بسیار تاریکی بر عده‌ای از بنی هاشم وارد شدم و سلام کردم.

پس بعضی از آنان گفتند: به امام کاظم علیه السلام سلام کن؛ زیرا ایشان در بالای مجلس نشسته‌اند.

من نیز به آن حضرت علیه السلام سلام نمودم ومقابل ایشان نشستم وبه ایشان عرض کردم: من مدتی است که دوست دارم شما را ملاقات کنم تا درباره چیزهایی از شما بپرسم.

فرمود: هر سؤالی که برایت پیش آمده بپرس.

عرض کردم: درباره حمام چه می‌فرمایید؟

قَالَ: لَا تَدْخُلِ الْحَمَّامَ إِلَّا بِمِئْزَرٍ وَ غُضَّ بَصَرَكَ وَ لَا تَغْتَسِلْ مِنْ غُسَالَةِ مَاءِ الْحَمَّامِ، فَإِنَّهُ يُغْتَسَلُ فِيهِ مِنَ الزِّنَا وَ يَغْتَسِلُ فِيهِ وَلَدُ الزِّنَا وَ النَّاصِبُ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَهُوَ شَرُّهُمْ.

۱۱ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَشْيَمَ عَنْ سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ:

مَنْ أَرَادَ أَنْ يَحْمِلَ لَحْماً فَلْيَدْخُلِ الْحَمَّامَ يَوْماً وَ يَغِبُّ يَوْماً وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَضْمُرَ وَ كَانَ كَثِيرَ اللَّحْمِ فَلْيَدْخُلِ الْحَمَّامَ كُلَّ يَوْمٍ.

۱۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام عَنِ الرَّجُلِ يَطَّلِي بِالنُّورَةِ فَيَجْعَلُ لَهُ الدَّقِيقَ بِالزَّيْتِ يَلُتُّ بِهِ فَيَمْسَحُ بِهِ بَعْدَ النُّورَةِ لِيَقْطَعَ رِيحَهَا عَنْهُ.

قَالَ: لَا بَأْسَ.

۱۳ ـ وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ لِعَبْدِ الرَّحْمَانِ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه‌السلام وَ قَدْ تَدَلَّكَ بِدَقِيقٍ مَلْتُوتٍ بِالزَّيْتِ فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّ النَّاسَ يَكْرَهُونَ ذَلِكَ.

قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ.

فرمود: داخل حمام نشو جز با لنگ وچشمانت را ببند واز آب استفاده شده حمام، شست وشو نکن؛ زیرا در آن، غسل از زنا انجام می‌شود وزنازاده ودشمن ما اهل بیت علیهم‌السلام (یعنی ناصبی) ـ که بدترین آنان است ـ در آن غسل می‌کنند.

۱۱ ـ سلیمان جعفری گوید: امام علیه‌السلام فرمود:

هر کس می‌خواهد فربه شود، یک روز در میان به حمام برود وهر کس می‌خواهد لاغر شود وچاق است، هر روز به حمام برود.

۱۲ ـ عبدالرحمان بن حجّاج گوید: به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: شخصی نوره می‌کشد وبرای این که بوی آن را بزداید می‌تواند آرد گندم را با روغن زیتون مخلوط کند وبعد از کشیدن نوره به بدن بمالد؟

فرمود: مانعی ندارد.

۱۳ ـ عبدالرحمان گوید: امام کاظم علیه‌السلام را دیدم که مخلوطی از آرد وزیتون به بدن مالیده بود، من گفتم: مردم استفاده از لیتهٔ زیتون را مکروه می‌دانند.

فرمود: مانعی ندارد.

١٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنِ التَّدَلُّكِ بِالدَّقِيقِ بَعْدَ النُّورَةِ.

فَقَالَ: لَا بَأْسَ.

قُلْتُ: يَزْعُمُونَ أَنَّهُ إِسْرَافٌ.

فَقَالَ: لَيْسَ فِيمَا أَصْلَحَ الْبَدَنَ إِسْرَافٌ إِنِّي رُبَّمَا أَمَرْتُ بِالنَّقِيِّ فَيُلَتُّ لِي بِالزَّيْتِ فَأَتَدَلَّكُ بِهِ، إِنَّمَا الْإِسْرَافُ فِيمَا أَتْلَفَ الْمَالَ وَ أَضَرَّ بِالْبَدَنِ.

١٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام فِي الرَّجُلِ يَطَّلِي وَيَتَدَلَّكُ بِالزَّيْتِ وَ الدَّقِيقِ.

قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ.

١٦ ـ عَلِيٌّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ الْجَبَلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام: إِنَّا لَنُسَافِرُ وَ لَا يَكُونُ مَعَنَا نُخَالَةٌ فَنَتَدَلَّكُ بِالدَّقِيقِ.

---

۱۴ ـ اسحاق بن عبدالعزیز گوید: از امام صادق عليه السلام درباره مالیدن آرد به بدن پس از نوره کشیدن سؤال کردند.

فرمود: ایرادی ندارد.

گفتم: (اهل تسنن) می‌پندارند که این کار اسراف است.

فرمود: در چیزی که برای بدن نفع دارد و اسراف نیست. گاهی من دستور می‌دهم که آرد سفید را با روغن زیتون خمیر می‌کنند و من آن را به بدنم می‌مالم. به راستی که اسراف در جایی است که مال را تلف کند و به بدن ضرر وارد سازد.

۱۵ ـ هشام بن حکم گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: اگر بعد از نوره، لیتهٔ آرد و زیتون به بدنم بمالم، چه حکمی دارد؟

فرمود: مانعی ندارد.

۱۶ ـ ابان بن تغلب گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: ما به مسافرت می‌رویم و سبوس همراه‌مان نیست، بنابراین آرد به بدنمان می‌مالیم.

فَقَالَ: لَا بَأْسَ، إِنَّمَا الْفَسَادُ فِيمَا أَضَرَّ بِالْبَدَنِ وَ أَتْلَفَ الْمَالَ. فَأَمَّا مَا أَصْلَحَ الْبَدَنَ فَإِنَّهُ لَيْسَ بِفَسَادٍ إِنِّي رُبَّمَا أَمَرْتُ غُلَامِي فَلَتَّ لِيَ النَّقِيَّ بِالزَّيْتِ فَأَتَدَلَّكُ بِهِ.

۱۷ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ قَالَ:

خَرَجَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام مِنَ الْحَمَّامِ فَتَلَبَّسَ وَ تَعَمَّمَ فَقَالَ لِي: إِذَا خَرَجْتَ مِنَ الْحَمَّامِ فَتَعَمَّمْ.

قَالَ: فَمَا تَرَكْتُ الْعِمَامَةَ عِنْدَ خُرُوجِي مِنَ الْحَمَّامِ فِي شِتَاءٍ وَ لَا صَيْفٍ.

۱۸ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَطَّلِي فَيَبُولُ وَ هُوَ قَائِمٌ.

قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ.

۱۹ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ التَّيْمِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام يَقُولُ:

فرمود: ایرادی ندارد. همانا که فساد در جایی است که به بدن آسیب برساند و مال را ضایع کند. اما آن‌چه که به بدن نفع دارد، فساد نیست. من گاهی به غلام خود دستور می‌دهم و او آرد سفید را با روغن زیتون خمیر می‌سازد و من آن را به بدنم می‌مالم.

۱۷ ـ سیف بن عمیره گوید: امام صادق عليه‌السلام از حمام خارج شد و لباس پوشید و عمامه بر سر بست، سپس به من فرمود: هر گاه که از حمام خارج شدی از بستن دستار و عمامه غافل مشو.

از آن روز به بعد، موقعی که از حمام خارج می‌شوم، چه در زمستان و چه در تابستان، عمامه می‌بندم.

۱۸ ـ راوی گوید: از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: شخصی نوره می‌کشد و در حالی که ایستاده است، ادرار می‌کند.

فرمود: ایرادی ندارد.

۱۹ ـ عمر بن یزید گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود: همواره امیرمؤمنان علی عليه‌السلام می‌فرمود:

أَلَا! لَا يَسْتَلْقِيَنَّ أَحَدُكُمْ فِي الْحَمَّامِ؛ فَإِنَّهُ يُذِيبُ شَحْمَ الْكُلْيَتَيْنِ وَ لَا يَدْلُكَنَّ رِجْلَيْهِ بِالْخَزَفِ؛ فَإِنَّهُ يُورِثُ الْجُذَامَ.

٢٠ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى رَفَعَهُ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ مُسْكَانَ قَالَ: كُنَّا جَمَاعَةً مِنْ أَصْحَابِنَا دَخَلْنَا الْحَمَّامَ، فَلَمَّا خَرَجْنَا لَقِيَنَا أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام فَقَالَ لَنَا: مِنْ أَيْنَ أَقْبَلْتُمْ؟

فَقُلْنَا لَهُ: مِنَ الْحَمَّامِ.

فَقَالَ: أَنْقَى اللهُ غَسْلَكُمْ.

فَقُلْنَا لَهُ: جُعِلْنَا فِدَاكَ! وَ إِنَّا جِئْنَا مَعَهُ حَتَّى دَخَلَ الْحَمَّامَ فَجَلَسْنَا لَهُ حَتَّى خَرَجَ فَقُلْنَا لَهُ: أَنْقَى اللهُ غَسْلَكَ!

فَقَالَ: طَهَّرَكُمُ اللهُ.

٢١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ النَّهَاوَنْدِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ الْأَنْصَارِيِّ رَفَعَهُ قَالَ:

إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام خَرَجَ مِنَ الْحَمَّامِ فَلَقِيَهُ إِنْسَانٌ فَقَالَ: طَابَ اسْتِحْمَامُكَ!

آگاه باشید! هیچ کدام از شما در حمام به پشت نخوابد؛ زیرا چربی کلیه‌ها را آب می‌کند، هم چنین پاهایش را با سفال نمالد؛ زیرا جذام می‌آورد.

۲۰ ـ عبدالله بن مسکان گوید: با گروهی از دوستان از حمام خارج می‌شدیم که امام صادق عليه السلام به ما برخورد نمود.

حضرت به ما فرمود: از کجا می‌آیید؟

عرض کردیم: از حمام.

فرمود: خداوند شست و شوی شما را پاکیزه گرداند!

عرض کردیم: فدایت شویم!

با ایشان آمدیم تا این که حضرت عليه السلام داخل حمام شد و ما منتظر ایشان نشستیم، تا این که حضرت عليه السلام خارج شد.

پس ما به ایشان عرض کردیم. خداوند شست و شوی شما را پاکیزه گرداند!

فرمود: خداوند شما را پاک و طاهر گرداند!

۲۱ ـ راوی گوید: امام حسن عليه السلام از حمام بیرون آمد و شخصی به ایشان برخورد وگفت: حمام کردن شما پاکیزه گردد!

فَقَالَ: يَا لُكَعُ! وَ مَا تَصْنَعُ بِالِاسْتِ هَاهُنَا؟

فَقَالَ: طَابَ حَمِيمُكَ!

فَقَالَ: أَ مَا تَعْلَمُ أَنَّ الْحَمِيمَ الْعَرَقُ؟

قَالَ: فَطَابَ حَمَّامُكَ!

قَالَ: وَ إِذَا طَابَ حَمَّامِي فَأَيُّ شَيْءٍ لِي؟ وَ لَكِنْ قُلْ: «طَهُرَ مَا طَابَ مِنْكَ وَ طَابَ مَا طَهُرَ مِنْكَ».

۲۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ يَسَارٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ السَّدُوسِيِّ عَنْ بَشِيرٍ النَّبَّالِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الْحَمَّامِ، فَقَالَ: تُرِيدُ الْحَمَّامَ؟

فَقُلْتُ: نَعَمْ.

قَالَ: فَأَمَرَ بِإِسْخَانِ الْحَمَّامِ، ثُمَّ دَخَلَ فَاتَّزَرَ بِإِزَارٍ وَ غَطَّى رُكْبَتَيْهِ وَ سُرَّتَهُ ثُمَّ أَمَرَ صَاحِبَ الْحَمَّامِ فَطَلَى مَا كَانَ خَارِجاً مِنَ الْإِزَارِ.

فرمود: ای احمق! در این جا با «اِست» [1] چه می‌کنی؟!

گفت: «حمیم» شما پاکیزه گردد!

فرمود: مگر نمی‌دانی که حمیم، عرق است؟

گفت: پس حمام شما پاکیزه گردد!

فرمود: هنگامی که حمام من پاکیزه گردد، پس چه چیزی برای خودم باشد؟! بلکه برای کسی که از حمام خارج می‌شود بگو: «پاکیزه گردد آن چه که از شما سالم است و خوش گردد آن چه که از شما پاکیزه است».

۲۲ ـ بشیر نبّال گوید: از امام باقر عليه السلام در باره حمام پرسیدم.

فرمود: می‌خواهی به حمام بروی؟

عرض کردم: آری.

حضرت عليه السلام دستور داد که حمام را گرم کنند، سپس داخل حمام شد و لنگ بست و زانوها و ناف خود را پوشاند، سپس به حمامی دستور داد که بیرون از لنگ را نوره بکشد.

---

۱ ـ به نظر می‌رسد که بعد از خروج از حمام، مناسبتی ندارد که حروف طلب «اِست» ذکر شود؛ با این که واژهٔ «اِست» معنای زشتی دارد.

ثُمَّ قَالَ: اخْرُجْ عَنِّي! ثُمَّ طَلَى هُوَ مَا تَحْتَهُ بِيَدِهِ. ثُمَّ قَالَ: هَكَذَا فَافْعَلْ.

۲۳ ـ سَهْلٌ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

لَا يَدْخُلِ الرَّجُلُ مَعَ ابْنِهِ الْحَمَّامَ فَيَنْظُرَ إِلَى عَوْرَتِهِ.

٢٤ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ يُوسُفَ بْنِ السُّخْتِ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

لَا تَتَّكِ فِي الْحَمَّامِ؛ فَإِنَّهُ يُذِيبُ شَحْمَ الْكُلْيَتَيْنِ وَ لَا تُسَرِّحْ فِي الْحَمَّامِ؛ فَإِنَّهُ يُرَقِّقُ الشَّعْرَ وَ لَا تَغْسِلْ رَأْسَكَ بِالطِّينِ؛ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِالْغَيْرَةِ وَ لَا تَتَدَلَّكْ بِالْخَزَفِ؛ فَإِنَّهُ يُورِثُ الْبَرَصَ وَ لَا تَمْسَحْ وَجْهَكَ بِالْإِزَارِ؛ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِمَاءِ الْوَجْهِ.

۲۵ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله:

لَا تَغْسِلُوا رُءُوسَكُمْ بِطِينِ مِصْرَ؛ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِالْغَيْرَةِ وَ يُورِثُ الدِّيَاثَةَ.

سپس فرمود: از نزدم بیرون رو.

آن گاه حضرت عليه السلام با دست خود قسمت‌های زیر لنگ را نوره کشید. سپس فرمود: چنین کن.

۲۳ ـ سهل در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

مرد نباید با پسرش به حمام برود و پسرش به عورت او نگاه کند.

۲۴ ـ یوسف بن سُخْت گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

در حمام تکیه نده؛ زیرا چربی کلیه‌ها را آب می‌کند. در حمام شانه نکن؛ زیرا موی را نازک می‌کند. سر خود را با گِل نشوی؛ زیرا غیرت را می‌برد. با سفال پاهایت را نمال؛ زیرا پیسی می‌آورد و با لنگ صورت را خشک نکن؛ زیرا آبرو را می‌برد.

۲۵ ـ علی بن اسباط گوید: امام رضا عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه و آله فرمود:

سر خود را با گِل مصر نشویید؛ زیرا غیرت را می‌برد و باعث بی‌غیرتی می‌شود.

٢٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي عليه السلام قَالَ:

الْعَوْرَةُ عَوْرَتَانِ: الْقُبُلُ وَ الدُّبُرُ. فَأَمَّا الدُّبُرُ مَسْتُورٌ بِالْأَلْيَتَيْنِ، فَإِذَا سَتَرْتَ الْقَضِيبَ وَالْبَيْضَتَيْنِ فَقَدْ سَتَرْتَ الْعَوْرَةَ.

وَ قَالَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: وَ أَمَّا الدُّبُرُ فَقَدْ سَتَرَتْهُ الْأَلْيَتَانِ، وَ أَمَّا الْقُبُلُ فَاسْتُرْهُ بِيَدِكَ.

٢٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

النَّظَرُ إِلَى عَوْرَةِ مَنْ لَيْسَ بِمُسْلِمٍ مِثْلُ نَظَرِكَ إِلَى عَوْرَةِ الْحِمَارِ.

٢٨ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام أَيَتَجَرَّدُ الرَّجُلُ عِنْدَ صَبِّ الْمَاءِ تُرَى عَوْرَتُهُ أَوْ يُصَبُّ عَلَيْهِ الْمَاءُ أَوْ يَرَى هُوَ عَوْرَةَ النَّاسِ؟

---

۲۶ ـ راوی گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

عورت، دو عورت است: جلو و پشت. عورت پشت با باسن‌ها پوشیده است. پس هنگامی که آلت و بیضه‌ها را بپوشانی، به راستی که عورت را پوشانده‌ای.

در روایتی دیگر فرمود: اما پشت که توسط باسن‌ها پوشیده است و اما جلو؛ پس آن را با دست خود بپوشان.

۲۷ ـ راویان بسیاری گویند: امام صادق عليه السلام فرمود:

نگاه کردن به عورت کسی که مسلمان نیست، مانند نگاه کردن تو به عورت الاغ است.

۲۸ ـ ابن ابی یعفور گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: موقعی که انسان خود را آب می‌کشد، می‌تواند لخت شود که عورت او مکشوف بماند و اگر کسی لخت شده باشد، انسان می‌تواند به او نگاه کند؟

فَقَالَ: كَانَ أَبِي يَكْرَهُ ذَلِكَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ.

۲۹ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُدْخِلْ حَلِيلَتَهُ الْحَمَّامَ.

۳۰ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُرْسِلْ حَلِيلَتَهُ إِلَى الْحَمَّامِ.

۳۱ ـ عَنْهُ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: أَقْرَأُ الْقُرْآنَ فِي الْحَمَّامِ وَ أَنْكِحُ.

قَالَ: لَا بَأْسَ.

فرمود: پدرم عليه السلام همگان را از این کار منع می‌کرد.

۲۹ ـ رفاعه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کس به خداوند و روز قیامت ایمان دارد، نباید همسرش را به حمام بفرستد.

۳۰ ـ نظیر این روایت را سماعه از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند.

۳۱ ـ علی بن یقطین گوید: به امام کاظم عليه السلام عرض کردم: می‌توانم در حمام قرآن بخوانم و عمل جنسی انجام دهم؟

فرمود: ایرادی ندارد.

٣٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رِبْعِيٍّ بْنِ عَبْدِاللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام: أَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَنْهَى عَنْ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ فِي الْحَمَّامِ؟

قَالَ: لَا، إِنَّمَا نَهَى أَنْ يَقْرَأَ الرَّجُلُ وَ هُوَ عُرْيَانٌ، فَأَمَّا إِذَا كَانَ عَلَيْهِ إِزَارٌ فَلَا بَأْسَ.

٣٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

لَا بَأْسَ لِلرَّجُلِ أَنْ يَقْرَأَ الْقُرْآنَ فِي الْحَمَّامِ إِذَا كَانَ يُرِيدُ بِهِ وَجْهَ اللهِ وَ لَا يُرِيدُ يَنْظُرُ كَيْفَ صَوْتُهُ.

٣٤ ـ بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنِ ابْنِ جُمْهُورٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ:

لَا تَضْطَجِعْ فِي الْحَمَّامِ؛ فَإِنَّهُ يُذِيبُ شَحْمَ الْكُلْيَتَيْنِ.

---

۳۲ ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: آیا امیرمؤمنان علی عليه السلام از قرائت قرآن در حمام نهی می‌نمود؟

فرمود: نه، فقط نهی نمود که شخصی در حال برهنه، قرآن بخواند. اما هنگامی که لنگ بر تنش باشد، ایرادی ندارد.

۳۳ ـ حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

ایرادی بر شخص نیست که در حمام قرآن بخواند؛ هنگامی که از آن، اراده خدا را اراده کند و نخواهد که ببیند صدایش چگونه است.

۳۴ ـ ابن ابی یعفور گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

در حمام بر پهلو نخواب؛ زیرا پیهٔ کلیه‌ها را آب می‌کند.

۳۵ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ عَنْ بَعْضِ مَنْ حَدَّثَهُ أَنَّ أَبَا جَعْفَرٍ عليه‌السلام كَانَ يَقُولُ:

مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَدْخُلِ الْحَمَّامَ إِلَّا بِمِئْزَرٍ.

قَالَ: فَدَخَلَ ذَاتَ يَوْمٍ الْحَمَّامَ، فَتَنَوَّرَ فَلَمَّا أَنْ أُطْبِقَتِ النُّورَةُ عَلَى بَدَنِهِ أَلْقَى الْمِئْزَرَ فَقَالَ لَهُ مَوْلًى لَهُ: بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي! إِنَّكَ لَتُوصِينَا بِالْمِئْزَرِ وَ لُزُومِهِ وَ قَدْ أَلْقَيْتَهُ عَنْ نَفْسِكَ.

فَقَالَ: أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ النُّورَةَ قَدْ أَطْبَقَتِ الْعَوْرَةَ؟!

۳٦ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله:

لَا يَدْخُلِ الرَّجُلُ مَعَ ابْنِهِ الْحَمَّامَ فَيَنْظُرَ إِلَى عَوْرَتِهِ.

وَ قَالَ: لَيْسَ لِلْوَالِدَيْنِ أَنْ يَنْظُرَا إِلَى عَوْرَةِ الْوَلَدِ وَ لَيْسَ لِلْوَلَدِ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى عَوْرَةِ الْوَالِدِ.

---

۳۵ ـ راوی گوید: امام باقر عليه‌السلام می‌فرمود:

هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد بدون لنگ به حمام وارد نشود.

روزی آن حضرت عليه‌السلام داخل حمام شد و نوره کشید، هنگامی که نوره بدن ایشان را پوشاند لنگ را کنار انداخت.

یکی از غلامان آن حضرت عرض کرد: پدر و مادرم به فدای شما! شما ما را به لنگ و لازم بودن آن سفارش می‌کنید در حالی که خودتان آن را از خود برداشته‌اید.

فرمود: مگر نمی‌دانی ک نوره، عورت را پوشانده است؟!

۳۶ ـ راوی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود: پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

مرد نباید با پسرش به حمام برود و پسرش به عورت او نگاه کند.

امام عليه‌السلام فرمود: پدر و مادر حق ندارند به عورت فرزندشان نگاه کنند و فرزند نیز حق ندارد به عورت پدرش نگاه کند.

وَ قَالَ: لَعَنَ رَسُولُ اللهِ ﷺ النَّاظِرَ وَ الْمَنْظُورَ إِلَيْهِ فِي الْحَمَّامِ بِلَا مِئْزَرٍ.

۳۷ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: دَخَلَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام الْحَمَّامَ فَقَالَ لَهُ صَاحِبُ الْحَمَّامِ: أُخْلِيهِ لَكَ؟

فَقَالَ: لَا حَاجَةَ لِي فِي ذَلِكَ الْمُؤْمِنُ أَخَفُّ مِنْ ذَلِكَ.

۳۸ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُوسَى بْنِ عَبْدِاللهِ بْنِ مُوسَى قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَخَذَ مِنَ الْحَمَّامِ خَزَفَةً فَحَكَّ بِهَا جَسَدَهُ فَأَصَابَهُ الْبَرَصُ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ وَ مَنِ اغْتَسَلَ مِنَ الْمَاءِ الَّذِي قَدِ اغْتُسِلَ فِيهِ فَأَصَابَهُ الْجُذَامُ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ.

قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ: فَقُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: إِنَّ أَهْلَ الْمَدِينَةِ يَقُولُونَ: «إِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنَ الْعَيْنِ».

آن حضرت فرمود: پیامبر خدا ﷺ نگاه کننده و نگاه شونده بدون لنگ در حمام را لعن نمود.

۳۷ ـ ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام به حمام وارد شد.

صاحب حمام به ایشان عرض کرد: حمام را برای شما خالی کنم؟

فرمود: من حاجتی به این کار ندارم، مؤمن راحت‌تر از این است.

۳۸ ـ محمّد بن علی بن جعفر عليهما السلام گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

هر کس از حمام سفالی بردارد، با آن بدنش را بخراشد و دچار پیسی گردد، جز خودش را سرزنش نکند و هر کس در آبی که در آن غسل شده است، غسل کند و دچار بیماری جذام شود، نباید جز خودش را سرزنش کند.

محمّد بن علی گوید: به امام رضا عليه السلام عرض کردم: به راستی که مردم مدینه می‌گویند: «در آن، شفای چشم است».

فَقَالَ: كَذَبُوا، يَغْتَسِلُ فِيهِ الْجُنُبُ مِنَ الْحَرَامِ وَ الزَّانِي وَ النَّاصِبُ الَّذِي هُوَ شَرُّهُمَا وَ كُلُّ خَلْقٍ مِنْ خَلْقِ اللهِ ثُمَّ يَكُونُ فِيهِ شِفَاءٌ مِنَ الْعَيْنِ، إِنَّمَا شِفَاءُ الْعَيْنِ قِرَاءَةُ الْحَمْدِ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ آيَةِ الْكُرْسِيِّ وَ الْبَخُورُ بِالْقُسْطِ وَ الْمُرِّ وَ اللُّبَانِ.

(٤٤)

بَابُ غَسْلِ الرَّأْسِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ السِّمْطِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ وَ الْأَخْذُ مِنَ الشَّارِبِ وَ غَسْلُ الرَّأْسِ بِالْخِطْمِيِّ يَنْفِي الْفَقْرَ وَيَزِيدُ فِي الرِّزْقِ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

فرمود: دروغ گفته‌اند؛ در آن آب جنب از راه حرام، زناکار، ناصبی ـ که بدترین آنان است ـ وهر خلقی از خلق الله غسل می‌کنند، سپس در آن شفای چشم است؟! همانا شفای چشم در خواندن سوره حمد، سوره ناس، سوره فلق، آیة الکرسی وبخور عود هندی وعربی، سمغ درخت مغرب وکُندر است.

بخش چهل و چهارم

شستن سر

۱ ـ سفیان بن سمط گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

چیدن ناخن‌ها، کوتاه کردن سبیل وشستن سر با گیاه ختمی فقر وناداری را می‌راند ورزق وروزی را افزایش می‌دهد.

۲ ـ ابن بکیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

غَسْلُ الرَّأْسِ بِالْخِطْمِيِّ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ أَمَانٌ مِنَ الْبَرَصِ وَ الْجُنُونِ.

۳ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

غَسْلُ الرَّأْسِ بِالْخِطْمِيِّ يَذْهَبُ بِالدَّرَنِ وَ يَنْفِي الْأَقْذَاءَ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَخَذَ مِنْ شَارِبِهِ وَ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ وَ غَسَلَ رَأْسَهُ بِالْخِطْمِيِّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ كَانَ كَمَنْ أَعْتَقَ نَسَمَةً.

۵ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّيْرَفِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

غَسْلُ الرَّأْسِ بِالْخِطْمِيِّ نُشْرَةٌ.

در هر جمعه شستن سر با گیاه ختمی امان از پیسی و دیوانگی است.

۳ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود:

شستن سر با گیاه ختمی چرک و آلودگی‌های بدن را از بین می‌برد.

۴ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کس در روز جمعه سبیل خود را کوتاه کند، ناخن‌هایش را بگیرد و سرش را با گیاه ختمی بشوید، مانند کسی است که غلامی آزاد کرده است.

۵ ـ اسماعیل بن عبدالخالق گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

شستن سر با گیاه ختمی غم و اندوه را از بین می‌برد.

٦ ـ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ بُزُرْجَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام يَقُولُ:

غَسْلُ الرَّأْسِ بِالسِّدْرِ يَجْلِبُ الرِّزْقَ جَلْباً.

٧ ـ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ يَحْيَى الثَّوْرِيِّ الْعَطَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعَلَوِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ:

لَمَّا أَمَرَ اللهُ عزّ وجلّ رَسُولَهُ صلى الله عليه وآله بِإِظْهَارِ الْإِسْلَامِ وَ ظَهَرَ الْوَحْيُ رَأَى قِلَّةً مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَ كَثْرَةً مِنَ الْمُشْرِكِينَ فَاهْتَمَّ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله هَمّاً شَدِيداً، فَبَعَثَ اللهُ عزّ وجلّ إِلَيْهِ جَبْرَئِيلَ عليه السلام بِسِدْرٍ مِنْ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى فَغَسَلَ بِهِ رَأْسَهُ فَجَلَا بِهِ هَمَّهُ.

---

۶ ـ منصور بن بُزُرْج گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

شستن سر با سِدر، به طور حتم روزی می‌آورد.

۷ ـ پدر بزرگ محمّد بن حسین علوی گوید: امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود:

هنگامی که خداوند به پیامبرش فرمان داد که اسلام را آشکار کند و وحی آشکار گردید. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله اندک بودن مسلمانان و زیاد بودن مشرکان را مشاهده نمود. وبسیار اندوهگین شد. خداوند جبرئیل عليه السلام را همراه با سِدری از «سدرة المنتهی» به سوی پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرستاد. جبرئیل عليه السلام با آن سِدر سر پیامبر صلى الله عليه وآله را شست وغم واندوه آن حضرت را برطرف نمود.

(۴۵)

بَابُ النُّورَةِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سُلَيْمٍ الْفَرَّاءِ قَالَ: قَالَ أَمِيرُالْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام:

النُّورَةُ طَهُورٌ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ قَالَ:

دَخَلْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام الْحَمَّامَ فَقَالَ لِي: يَا عَبْدَ الرَّحْمَانِ! اطَّلِ.

فَقُلْتُ: إِنَّمَا اطَّلَيْتُ مُنْذُ أَيَّامٍ.

فَقَالَ: اطَّلِ! فَإِنَّهَا طَهُورٌ.

بخش چهل و پنجم

نوره کشیدن

۱ ـ سلیم فرّاء گوید: امیرمؤمنان علی عليه‌السلام فرمود:

نوره، پاک کننده است.

۲ ـ عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید:

در خدمت امام صادق عليه‌السلام به حمام رفتم. امام صادق عليه‌السلام فرمود: بیا نوره بکش.

گفتم: چند روز پیش نوره کشیده‌ام.

امام صادق عليه‌السلام فرمود: نوره بکش که بدن را پاک می‌کند.

٣ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي كَهْمَسٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللهِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ:

دَخَلَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام الْحَمَّامَ وَ أَنَا أُرِيدُ أَنْ أَخْرُجَ مِنْهُ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! أَ لَا تَطَّلِي؟

فَقُلْتُ: عَهْدِي بِهِ مُنْذُ أَيَّامٍ.

فَقَالَ: أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّهَا طَهُورٌ؟

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ خَلَفِ بْنِ حَمَّادٍ عَمَّنْ رَوَاهُ قَالَ: بَعَثَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام ابْنَ أَخِيهِ فِي حَاجَةٍ فَجَاءَ وَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَدِ اطَّلَى بِالنُّورَةِ.

فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام: اطَّلِ.

فَقَالَ: إِنَّمَا عَهْدِي بِالنُّورَةِ مُنْذُ ثَلَاثٍ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام: إِنَّ النُّورَةَ طَهُورٌ.

---

۳ ـ محمّد بن عبدالله بن على بن حسين گويد:

امام صادق عليه‌السلام هنگامى داخل حمام شد كه من مى‌خواستم خارج شوم.

فرمود: اى ابو محمّد! آيا نوره نمى‌كشى؟

گفتم: من چند روز پيش نوره كشيدم.

فرمود: مگر نمى‌دانى كه نوره طهارت و پاكيزگى است؟!

۴ ـ راوى گويد: امام صادق عليه‌السلام برادر زاده خود را در پى كارى فرستاد. پس برادرزاده حضرت عليه‌السلام برگشت در حالى كه حضرت عليه‌السلام نوره كشيده بود.

امام عليه‌السلام به او فرمود: نوره بكش!

عرض كرد: من سه روز پيش نوره كشيدم.

فرمود: به راستى كه نوره موجب پاكيزگى است.

۵ ـ عَنْهُ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّهِيكِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه‌السلام يَقُولُ:

أَلْقُوا عَنْكُمُ الشَّعْرَ؛ فَإِنَّهُ يُحَسِّنُ.

۶ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

كُنْتُ مَعَهُ أَقُودُهُ فَأَدْخَلْتُهُ الْحَمَّامَ فَرَأَيْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام يَتَنَوَّرُ فَدَنَا مِنْهُ أَبُو بَصِيرٍ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ فَقَالَ: يَا أَبَا بَصِيرٍ! تَنَوَّرْ!

فَقَالَ: إِنَّمَا تَنَوَّرْتُ أَوَّلَ مِنْ أَمْسِ وَ الْيَوْمَ الثَّالِثَ.

فَقَالَ: أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّهَا طَهُورٌ؟! فَتَنَوَّرْ!

۷ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام:

النُّورَةُ نُشْرَةٌ وَ طَهُورٌ لِلْجَسَدِ.

---

۵ ـ ابراهیم بن عبدالحمید گوید: از امام کاظم عليه‌السلام شنیدم که می‌فرمود:

موهای زاید را بزدایید؛ چرا که باعث زیبایی می‌شود.

۶ ـ علی بن ابی حمزه گوید: با ابوبصیر بودم و او را راهنمایی می‌کردم. پس او را به حمام بردم و امام صادق عليه‌السلام را دیدم که نوره می‌کشد.

ابوبصیر نزدیک ایشان رفت و به ایشان سلام نمود.

امام عليه‌السلام فرمود: ای ابوبصیر! نوره بکش!

ابوبصیر عرض کرد: من دو، سه روز پیش نوره کشیدم.

فرمود: مگر نمی‌دانی که نوره موجب طهارت و پاکیزگی است؟! پس نوره بکش!

۷ ـ ابوبصیر گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود: امیرمؤمنان علی عليه‌السلام فرمود:

نوره، موجب زدودن غم و اندوه و طهارت و پاکیزگی بدن است.

۸ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

أُحِبُّ لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَطَّلِيَ فِي كُلِّ خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْماً.

۹ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْمُبَارَكِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

السُّنَّةُ فِي النُّورَةِ فِي كُلِّ خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْماً، فَإِنْ أَتَتْ عَلَيْكَ عِشْرُونَ يَوْماً وَ لَيْسَ عِنْدَكَ فَاسْتَقْرِضْ عَلَى اللهِ.

۱۰ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قِيلَ لَهُ: يَزْعُمُ بَعْضُ النَّاسِ أَنَّ النُّورَةَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مَكْرُوهَةٌ.

فَقَالَ: لَيْسَ حَيْثُ ذَهَبْتَ أَيُّ طَهُورٍ أَطْهَرُ مِنَ النُّورَةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ؟

---

۸ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیر مؤمنان علی عليه السلام فرمود:

دوست دارم مؤمن در هر پانزده روز یک بار نوره بکشد.

۹ ـ حسین بن احمد بن منقری گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

سنت در نوره کشیدن، در هر پانزده روز یک بار است. پس اگر بیست روز بر تو بگذرد و پولی نداری، بر عهده خدا (با توکل به خدا و ضمانت او) قرض کن (و نوره بکش).

۱۰ ـ راوی گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردند: بعضی از مردم گمان می‌کنند که در روز جمعه نوره کشیدن مکروه است.

فرمود: آن گونه که تو فکر می‌کنی نیست! چه طهارتی پاکیزه‌تر از نوره کشیدن در روز جمعه است؟!

۱۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَتْرُكْ عَانَتَهُ فَوْقَ أَرْبَعِينَ يَوْماً وَ لَا يَحِلُّ لِامْرَأَةٍ تُؤْمِنُ بِاللهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ تَدَعَ ذَلِكَ مِنْهَا فَوْقَ عِشْرِينَ يَوْماً.

۱۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ ثَعْلَبَةَ عَنْ عَمَّارٍ السَّابَاطِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

طَلْيَةٌ فِي الصَّيْفِ خَيْرٌ مِنْ عَشْرٍ فِي الشِّتَاءِ.

۱۳ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ عَنِ السَّيَّارِيِّ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

مَنْ أَرَادَ الِاطِّلَاءَ بِالنُّورَةِ فَأَخَذَ مِنَ النُّورَةِ بِإِصْبَعِهِ فَشَمَّهُ وَ جَعَلَ عَلَى طَرَفِ أَنْفِهِ وَ قَالَ: «صَلَّى اللهُ عَلَى سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ كَمَا أَمَرَنَا بِالنُّورَةِ» لَمْ تُحْرِقْهُ النُّورَةُ.

۱۴ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

---

۱۱ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، نباید زدودن موی عانه‌اش را بیشتر از چهل روز ترک کند و برای زنی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد حلال نیست که این کار را بیشتر از بیست روز ترک کند.

۱۲ ـ عمّار ساباطی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

یک بار نوره کشیدن در تابستان بهتر از ده بار نوره کشیدن در زمستان است.

۱۳ ـ سیاری در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کس می‌خواهد نوره بکشد، مقداری از نوره را با انگشت خود بردارد و آن را ببوید و آن را نزدیک بینی خود نماید و بگوید: «صَلَّى اللهُ عَلَى سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ كَمَا أَمَرَنَا بِالنُّورَةِ» نوره او را نمی‌سوزاند.

۱۴ ـ حذیفة بن منصور گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله يَطْلِي الْعَانَةَ وَ مَا تَحْتَ الْأَلْيَتَيْنِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ.

۱۵ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ زُرَيْقِ بْنِ الزُّبَيْرِ عَنْ سَدِيرٍ أَنَّهُ سَمِعَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يَقُولُ:

مَنْ قَالَ إِذَا اطَّلَى بِالنُّورَةِ: «**اللَّهُمَّ طَيِّبْ مَا طَهُرَ مِنِّي وَ طَهِّرْ مَا طَابَ مِنِّي وَ أَبْدِلْنِي شَعْراً طَاهِراً لَا يَعْصِيكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي تَطَهَّرْتُ ابْتِغَاءَ سُنَّةِ الْمُرْسَلِينَ وَ ابْتِغَاءَ رِضْوَانِكَ وَ مَغْفِرَتِكَ فَحَرِّمْ شَعْرِي وَ بَشَرِي عَلَى النَّارِ وَ طَهِّرْ خَلْقِي وَ طَيِّبْ خُلُقِي وَ زَكِّ عَمَلِي وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يَلْقَاكَ عَلَى الْحَنِيفِيَّةِ السَّمْحَةِ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَ دِينِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله حَبِيبِكَ وَ رَسُولِكَ عَامِلاً بِشَرَائِعِكَ تَابِعاً لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ صلى الله عليه و آله آخِذاً بِهِ مُتَأَدِّباً بِحُسْنِ تَأْدِيبِكَ وَ تَأْدِيبِ رَسُولِكَ وَ تَأْدِيبِ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ غَذَوْتَهُمْ بِأَدَبِكَ وَ زَرَعْتَ الْحِكْمَةَ فِي صُدُورِهِمْ وَ جَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ لِعِلْمِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ**»؛

پیامبر خدا صلى الله عليه و آله همواره در هر جمعه، عانه و زیر باسن‌ها را نوره می‌کشید.

۱۵ ـ سدیر از امام سجّاد عليه السلام شنید که حضرتش می‌فرمود: هر کس هنگامی که نوره می‌کشد بگوید:

«**اللَّهُمَّ طَيِّبْ مَا طَهُرَ مِنِّي وَ طَهِّرْ مَا طَابَ مِنِّي وَ أَبْدِلْنِي شَعْراً طَاهِراً لَا يَعْصِيكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي تَطَهَّرْتُ ابْتِغَاءَ سُنَّةِ الْمُرْسَلِينَ وَ ابْتِغَاءَ رِضْوَانِكَ وَ مَغْفِرَتِكَ فَحَرِّمْ شَعْرِي وَ بَشَرِي عَلَى النَّارِ وَ طَهِّرْ خَلْقِي وَ طَيِّبْ خُلُقِي وَ زَكِّ عَمَلِي وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يَلْقَاكَ عَلَى الْحَنِيفِيَّةِ السَّمْحَةِ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَ دِينِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله حَبِيبِكَ وَ رَسُولِكَ عَامِلاً بِشَرَائِعِكَ تَابِعاً لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ صلى الله عليه و آله آخِذاً بِهِ مُتَأَدِّباً بِحُسْنِ تَأْدِيبِكَ وَ تَأْدِيبِ رَسُولِكَ وَ تَأْدِيبِ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ غَذَوْتَهُمْ بِأَدَبِكَ وَ زَرَعْتَ الْحِكْمَةَ فِي صُدُورِهِمْ وَ جَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ لِعِلْمِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ**»؛

مَنْ قَالَ ذَلِكَ طَهَّرَهُ اللهُ مِنَ الْأَدْنَاسِ فِي الدُّنْيَا وَ مِنَ الذُّنُوبِ وَ أَبْدَلَهُ شَعْراً لَا يَعْصِي اللهَ وَ خَلَقَ اللهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ مِنْ جَسَدِهِ مَلَكاً يُسَبِّحُ لَهُ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ وَإِنَّ تَسْبِيحَةً مِنْ تَسْبِيحِهِمْ تَعْدِلُ بِأَلْفِ تَسْبِيحَةٍ مِنْ تَسْبِيحِ أَهْلِ الْأَرْضِ.

(٤٦)

بَابُ الْإِبْطِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

لَا يُطَوِّلَنَّ أَحَدُكُمْ شَعْرَ إِبْطِهِ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَتَّخِذُهُ مَخْبَأً لِيَسْتَتِرَ بِهِ.

٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي كَهْمَسٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

نَتْفُ الْإِبْطِ يُضْعِفُ الْمَنْكِبَيْنِ.

خداوند او را از آلودگی‌های دنیا وگناهان پاک می‌کند و به جای آن، مویی به او می‌دهد که خداوند را معصیت نمی‌کند و خداوند در مقابل هر موی بدن او فرشته‌ای می‌آفریند که تا برپایی قیامت برای او تسبیح می‌گوید. و به راستی که هر تسبیح از تسبیح‌های آن فرشته‌ها با هزار تسبیح از تسبیح‌های اهل زمین برابری می‌کند.

بخش چهل و ششم

موی زیر بغل

١ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

هیچ کدام از شما موی زیر بغل خود را بلند نکند؛ زیرا شیطان آن را نهانگاه خود برمی‌گزیند تا خود را با آن پنهان کند.

٢ ـ ابو کهمس گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

کندن موی زیر بغل، شانه‌ها را سست می‌کند.

وَ كَانَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام يَطْلِي إِبْطَهُ.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ أَنَّ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام كَانَ يَطْلِي إِبْطَهُ بِالنُّورَةِ فِي الْحَمَّامِ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ سَعْدَانَ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي بَصِيرٍ فِي الْحَمَّامِ فَرَأَيْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَطْلِي إِبْطَهُ فَأَخْبَرْتُ بِذَلِكَ أَبَا بَصِيرٍ فَقَالَ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَيُّمَا أَفْضَلُ نَتْفُ الْإِبْطِ أَوْ حَلْقُهُ؟

فَقَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! إِنَّ نَتْفَ الْإِبْطِ يُوهِي ـ أَوْ يُضْعِفُ ـ احْلِقْهُ.

امام صادق عليه السلام همواره زير بغل خود را نوره می‌كشيد.

۳ ـ حفص بن بختری گويد:

امام صادق عليه السلام به حمام می‌رفت و موی زير بغل خود را با نوره می‌زدود.

۴ ـ سعدان گويد: من با ابوبصير در حمام بودم. امام صادق عليه السلام را ديدم كه زير بغل خود را نوره كشيده است. اين را به ابوبصير گفتم.

ابوبصير به آن حضرت عرض كرد: فدايت شوم! كدام يک برتر است: كندن موی زير بغل يا تراشيدن آن؟

فرمود: ای ابا محمّد! به راستی كه كندن موی زير بغل سستی ـ و يا ضعف ـ می‌آورد؛ آن را بتراش.

۵ ـ بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنِ ابْنِ جُمْهُورٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يُوسُفَ بْنِ السُّخْتِ الْبَصْرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ يَحْيَى بْنِ أَبِي الْبِلَادِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مِهْرَانَ جَمِيعاً عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ:

كُنَّا بِالْمَدِينَةِ فَلَاحَانِي زُرَارَةُ فِي نَتْفِ الْإِبْطِ وَ حَلْقِهِ فَقُلْتُ: حَلْقُهُ أَفْضَلُ. وَ قَالَ زُرَارَةُ: نَتْفُهُ أَفْضَلُ.

فَاسْتَأْذَنَّا عَلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَأَذِنَ لَنَا وَ هُوَ فِي الْحَمَّامِ يَطَّلِي قَدِ اطَّلَى إِبْطَيْهِ فَقُلْتُ لِزُرَارَةَ: يَكْفِيكَ؟

قَالَ: لَا لَعَلَّهُ فَعَلَ هَذَا لِمَا لَا يَجُوزُ لِي أَنْ أَفْعَلَهُ.

فَقَالَ: فِيمَ أَنْتُمْ؟

فَقُلْتُ: لَاحَانِي زُرَارَةُ فِي نَتْفِ الْإِبْطِ وَ حَلْقِهِ فَقُلْتُ: حَلْقُهُ أَفْضَلُ وَ قَالَ: نَتْفُهُ أَفْضَلُ.

---

۵ ـ عبدالله بن ابی یعفور گوید: ما در مدینه بودیم. زراره درباره کندن موی زیر بغل و تراشیدن آن با من منازعه نمود. من گفتم: «تراشیدن آن افضل است» و زراره گفت: «کندن آن افضل است». پس از امام صادق عليه السلام اجازه ورود خواستیم. حضرت عليه السلام به ما اجازه داد در حالی که در حمام نوره می‌کشید و زیر بغل خود را نوره کشیده بود.

به زراره گفتم: همین تو را کافی است؟

گفت: نه؛ شاید حضرت این کار را به علتی انجام داده است که برای من جایز نباشد انجامش دهم.

حضرت فرمود: شما در باره چه چیزی بحث می‌کنید؟

عرض کردم: زراره با من در باره کندن موی زیر بغل و تراشیدن آن با من منازعه نمود. من گفتم: «تراشیدن آن افضل است» و زراره گوید: «کندن آن افضل است».

فَقَالَ: أَصَبْتَ السُّنَّةَ وَ أَخْطَأَهَا زُرَارَةُ حَلْقُهُ أَفْضَلُ مِنْ نَتْفِهِ وَ طَلْيُهُ أَفْضَلُ مِنْ حَلْقِهِ.

ثُمَّ قَالَ لَنَا: اطَّلِيَا.

فَقُلْنَا: فَعَلْنَا ذَلِكَ مُنْذُ ثَلَاثٍ.

فَقَالَ: أَعِيدَا! فَإِنَّ الِاطِّلَاءَ طَهُورٌ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ أَنَّ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام كَانَ يَدْخُلُ الْحَمَّامَ فَيَطْلِي إِبْطَهُ وَحْدَهُ إِذَا احْتَاجَ إِلَى ذَلِكَ وَحْدَهُ.

٧ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ:

بَلَغَنِي أَنَّ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام رُبَّمَا دَخَلَ الْحَمَّامَ مُتَعَمِّداً يَطْلِي إِبْطَهُ وَحْدَهُ.

فرمود: تو سنّت را دریافتی وزراره در مورد آن اشتباه نمود. تراشیدن آن از کندن آن افضل است و نوره کشیدن آن از تراشیدن آن افضل است.

سپس به ما فرمود: نوره بکشید.

عرض کردیم: ما سه روز پیش این کار را انجام دادیم.

فرمود: دوباره انجام دهید؛ زیرا نوره کشیدن، طهارت و پاکیزگی است.

۶ ـ یونس بن یعقوب گوید:

امام صادق عليه‌السلام وارد حمام می‌شد و در صورت حاجت فقط زیر بغل را نوره می‌کشید.

۷ ـ یونس بن یعقوب نظیر روایت را با سند دیگری از امام صادق عليه‌السلام نقل می‌کند.

(٤٧)
بَابُ الْحِنَّاءِ بَعْدَ النُّورَةِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ جَمِيعاً عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَحْمَرِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى قَالَ: كَانَ أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عليه السلام إِذَا أَرَادَ دُخُولَ الْحَمَّامِ أَمَرَ أَنْ يُوقَدَ لَهُ عَلَيْهِ ثَلَاثاً وَ كَانَ لَا يُمْكِنُهُ دُخُولُهُ حَتَّى يَدْخُلَهُ السُّودَانُ فَيُلْقُونَ لَهُ اللُّبُودَ فَإِذَا دَخَلَهُ فَمَرَّةً قَاعِدٌ وَ مَرَّةً قَائِمٌ.

فَخَرَجَ يَوْماً مِنَ الْحَمَّامِ فَاسْتَقْبَلَهُ رَجُلٌ مِنْ آلِ الزُّبَيْرِ يُقَالُ لَهُ: كُنَيْدٌ وَ بِيَدِهِ أَثَرُ حِنَّاءٍ فَقَالَ: مَا هَذَا الْأَثَرُ بِيَدِكَ ؟

فَقَالَ: أَثَرُ حِنَّاءٍ.

فَقَالَ: وَيْلَكَ! يَا كُنَيْدُ! حَدَّثَنِي أَبِي ـ وَ كَانَ أَعْلَمَ أَهْلِ زَمَانِهِ ـ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

بخش چهل و هفتم
حنا بعد از نوره

۱ ـ حسین بن موسی گوید:

هرگاه پدرم، امام کاظم علیه السلام می‌خواست به حمام برود، دستور می‌فرمود که از سه روز پیش حمام را روشن کنند. آن حضرت از شدت گرمای حمام نمی‌توانست داخل آن شود تا این که غلامان سیاه پوست وارد حمام می‌شدند و برای ایشان گلیم نمدی می‌انداختند هنگامی که آن حضرت وارد حمام می‌شد از شدت گرما گاهی می‌نشست و گاهی می‌ایستاد.

روزی آن حضرت از حمام بیرون آمد، مردی از آل زبیر به نام کُنَیْد با آن حضرت رو به رو شد در حالی که بر روی دست حضرتش اثر حنا بود. آن مرد گفت: این چه اثری است که روی دست شماست؟!

فرمود: اثر حنا است.

سپس فرمود: وای بر تو ای کُنَیْد! پدرم ـ که داناترین فرد دوران خود بود ـ از پدر خود، از جد خود به من خبر داد که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

مَنْ دَخَلَ الْحَمَّامَ فَاطَّلَى ثُمَّ أَتْبَعَهُ بِالْحِنَّاءِ مِنْ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمِهِ كَانَ أَمَاناً لَهُ مِنَ الْجُنُونِ وَ الْجُذَامِ وَ الْبَرَصِ وَ الْآكِلَةِ إِلَى مِثْلِهِ مِنَ النُّورَةِ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ مَيْسَرَةَ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ عُتَيْبَةَ قَالَ:

رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام وَ قَدْ أَخَذَ الْحِنَّاءَ وَ جَعَلَهُ عَلَى أَظَافِيرِهِ فَقَالَ: يَا حَكَمُ! مَا تَقُولُ فِي هَذَا؟

فَقُلْتُ: مَا عَسَيْتُ أَنْ أَقُولَ فِيهِ وَ أَنْتَ تَفْعَلُهُ وَ إِنَّ عِنْدَنَا يَفْعَلُهُ الشُّبَّانُ.

فَقَالَ: يَا حَكَمُ! إِنَّ الْأَظَافِيرَ إِذَا أَصَابَتْهَا النُّورَةُ غَيَّرَتْهَا حَتَّى تُشْبِهَ أَظَافِيرَ الْمَوْتَى فَغَيِّرْهَا بِالْحِنَّاءِ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ قَالَ:

مَنِ اطَّلَى فَتَدَلَّكَ بِالْحِنَّاءِ مِنْ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمِهِ نُفِيَ عَنْهُ الْفَقْرُ.

هر کس به حمام رود و نوره بکشد آن گاه از فرق سر تا پای خود را حنا بمالد، تا نوره کشیدن بعدی، از دیوانگی، جذام، پیسی و خوره در امان خواهد بود.

۲ ـ حکم بن عتیبه گوید: امام باقر عليه السلام را دیدم که روی ناخن‌های خود حنا بسته بود. به من فرمود: ای حکم! در این خصوص چه می‌گویی؟

گفتم: من در باره آن چه بگویم در حالی که شما انجام می‌دهید! امّا در نزد ما، جوانان چنین می‌کنند.

فرمود: ای حکم! هنگامی که نوره به ناخن‌ها برخورد کند آن را دگرگون می‌سازد به گونه‌ای که شبیه ناخن‌های مردگان می‌شود. پس آن را با حنا دگرگون کن تا به حال اولش باز گردد.

۳ ـ یکی از اصحاب ما در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام عليه السلام فرمود:

هر کس نوره بکشد و پس از آن از فرق سر تا پایش را حنا بمالد، فقر از او رانده می‌شود.

٤ ـ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُبْدُوسِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام وَ قَدْ خَرَجَ مِنَ الْحَمَّامِ وَ هُوَ مِنْ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمِهِ مِثْلُ الْوَرْدَةِ مِنْ أَثَرِ الْحِنَّاءِ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُقْبَةَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى قَالَ:

كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام مَعَ رَجُلٍ عِنْدَ قَبْرِ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله فَنَظَرَ إِلَيْهِ وَ قَدْ أَخَذَ الْحِنَّاءَ مِنْ يَدَيْهِ. فَقَالَ بَعْضُ أَهْلِ الْمَدِينَةِ: أَ مَا تَرَوْنَ إِلَى هَذَا كَيْفَ أَخَذَ الْحِنَّاءَ مِنْ يَدَيْهِ؟!

فَالْتَفَتَ إِلَيْهِ فَقَالَ لَهُ: فِيهِ مَا تَخْبُرُهُ وَ مَا لَا تَخْبُرُهُ.

ثُمَّ الْتَفَتَ إِلَيَّ فَقَالَ: إِنَّهُ مَنْ أَخَذَ مِنَ الْحِنَّاءِ بَعْدَ فَرَاغِهِ مِنِ اطِّلَاءِ النُّورَةِ مِنْ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمِهِ أَمِنَ مِنَ الْأَدْوَاءِ الثَّلَاثَةِ: الْجُنُونِ وَ الْجُذَامِ وَ الْبَرَصِ.

---

۴ ـ احمد بن عبدوس بن ابراهیم گوید:

امام باقر عليه السلام را دیدم که از حمام خارج شده بود در حالی که در اثر حنا، از فرق سر تا پای ایشان مانند گُل سرخ بود.

۵ ـ حسین بن موسی گوید: امام کاظم عليه السلام همراه مردی نزد قبر پیامبر خدا صلى الله عليه وآله بود، آن مرد دید که دستان حضرت رنگ حنا داشت.

یکی از اهل مدینه گفت: آیا این شخص را نمی‌بینید که چگونه دستش رنگ حنا گرفته است؟!

حضرت عليه السلام به آن مرد رو نمود و فرمود: درباره این خضاب چیزهایی وجود دارد که تو می‌دانی و چیزهایی است که نمی‌دانی.

آن گاه رو به من نمود و فرمود: به راستی که هر کس پس از فارغ شدن از نوره کشیدن، از فرق سر تا پایش را حنا ببندد از سه بیماری در امان خواهد بود: دیوانگی، جذام و پیسی.

(٤٨)

بَابُ الطِّيبِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

الطِّيبُ مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

الْعِطْرُ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِئَابٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام وَ أَنَا مَعَ أَبِي بَصِيرٍ فَسَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام وَ هُوَ يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

بخش چهل و هشتم

عطر و بوی خوش

۱ ـ احمد بن محمّد بن ابی نصر گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

عطر زدن، از اخلاق پیامبران عليهم السلام است.

۲ ـ ابو اسامه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

عطر زدن از سنّت‌های پیامبران مُرسل است.

۳ ـ علی بن رئاب گوید: همراه با ابابصیر در خدمت امام صادق عليه السلام بودیم، امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

إِنَّ الرِّيحَ الطَّيِّبَةَ تَشُدُّ الْقَلْبَ وَ تَزِيدُ فِي الْجِمَاعِ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَّادٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

لَا يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يَدَعَ الطِّيبَ فِي كُلِّ يَوْمٍ، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ فَيَوْمٌ وَ يَوْمٌ لَا، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَفِي كُلِّ جُمُعَةٍ وَ لَا يَدَعْ.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

الطِّيبُ فِي الشَّارِبِ مِنْ أَخْلَاقِ النَّبِيِّينَ عليهم السلام وَ كَرَامَةٌ لِلْكَاتِبِينَ.

٦ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

الطِّيبُ يَشُدُّ الْقَلْبَ.

به راستی که بوی خوش، قلب را محکم و استوار می‌کند و نیروی جنسی را افزایش می‌دهد.

۴ ـ معمّر بن خلّاد گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

شایسته نیست که انسان از عطر زدن کوتاهی کند؛ اگر هر روز نتواند، یک روز در میان عطر بزند و اگر نتواند هفته‌ای یک بار، روز جمعه عطر بزند و فراموش نکند.

۵ ـ ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود:

به سبیل عطر زدن، از اخلاق پیامبران عليهم السلام وکرامتی برای فرشتگان نویسنده است.

۶ ـ ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

عطر، قلب را محکم و استوار می‌سازد.

۷ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:
مَنْ تَطَيَّبَ أَوَّلَ النَّهَارِ لَمْ يَزَلْ عَقْلُهُ مَعَهُ إِلَى اللَّيْلِ.
وَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: صَلَاةُ مُتَطَيِّبٍ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ صَلَاةً بِغَيْرِ طِيبٍ.

۸ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مُوسَى قَالَ: سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ:
الْعِطْرُ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ.

۹ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:
ثَلَاثٌ أُعْطِيَهُنَّ الْأَنْبِيَاءُ عليهم السلام الْعِطْرُ وَ الْأَزْوَاجُ وَ السِّوَاكُ.

۱۰ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى بْنِ الْفُرَاتِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَطَرٍ عَنِ السَّكَنِ الْخَزَّازِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

---

۷ ـ على بن ابراهيم در روايت مرفوعه‌اى گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:
هر كس در ابتداى روز عطر بزند، پيوسته عقلش تا شب همراه او خواهد بود.
و فرمود: نماز كسى كه عطر زده از هفتاد نماز كسى كه بدون عطر نماز مى‌خواند برتر است.

۸ ـ عبّاس بن موسى عليه السلام گويد: از پدرم شنيدم كه مى‌فرمود: عطر زدن از سنّت‌هاى پيامبران مرسل است.

۹ ـ طلحة بن زيد گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:
سه خصلت را به پيامبران عليهم السلام عطا كردند: عطر زدن، انتخاب همسران و مسواک كردن دندان.

۱۰ ـ سكن خزّاز گويد: از امام صادق عليه السلام شنيدم كه مى‌فرمود:

حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُحْتَلِمٍ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ أَخْذُ شَارِبِهِ وَ أَظْفَارِهِ وَ مَسُّ شَيْءٍ مِنَ الطِّيبِ وَ كَانَ رَسُولُ اللهِ ﷺ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ طِيبٌ دَعَا بِبَعْضِ خُمُرِ نِسَائِهِ فَبَلَّهَا بِالْمَاءِ ثُمَّ وَضَعَهَا عَلَى وَجْهِهِ.

١١ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ يُعْرَفُ مَوْضِعُ سُجُودِ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام بِطِيبِ رِيحِهِ.

١٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يَاسِرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: قَالَ لِي حَبِيبِي جَبْرَئِيلُ عليه السلام:

تَطَيَّبْ يَوْماً وَ يَوْماً لَا وَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ لَا بُدَّ مِنْهُ وَ لَا تَتْرُكْ لَهُ.

١٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ:

لِيَتَطَيَّبْ أَحَدُكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ لَوْ مِنْ قَارُورَةِ امْرَأَتِهِ.

بر هر کسی که محتلم می‌شود رواست که در هر جمعه سبیل وناخن‌های خود را کوتاه کند ومقداری عطر بزند. پیامبر خدا ﷺ هرگاه روز جمعه فرا می‌رسید ونزد ایشان عطری نبود، چادر بعضی از همسران خود را می‌خواست وآن را با آب خیس می‌کرد سپس روی صورت خود می‌نهاد.

۱۱ ـ حسن بن علی گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

محل سجده امام صادق عليه السلام با بوی خوش عطر آن حضرت شناخته می‌شد.

۱۲ ـ یاسر گوید: امام ابوالحسن عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا ﷺ فرمود: دوستم جبرئیل عليه السلام به من فرمود:

یک روز در میان عطر بزن وروز جمعه باید عطر بزنی وبه هیچ وجه عطر زدن روز جمعه را ترک نکن.

۱۳ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا ﷺ فرمود:

هر کدام از شما باید روز جمعه عطر بزند؛ گرچه از جعبه آرایش همسرش باشد.

۱٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ عُثْمَانُ بْنُ مَظْعُونٍ لِرَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله: قَدْ أَرَدْتُ أَنْ أَدَعَ الطِّيبَ وَ أَشْيَاءَ ذَكَرَهَا.

فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: لَا تَدَعِ الطِّيبَ؛ فَإِنَّ الْـمَلَائِكَةَ تَسْتَنْشِقُ رِيحَ الطِّيبِ مِنَ الْمُؤْمِنِ، فَلَا تَدَعِ الطِّيبَ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ.

۱٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

الطِّيبُ فِي الشَّارِبِ مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام وَ كَرَامَةٌ لِلْكَاتِبِينَ.

١٦ ـ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ زَكَرِيَّا الْمُؤْمِنِ رَفَعَهُ قَالَ:

مَا أَنْفَقْتَ فِي الطِّيبِ فَلَيْسَ بِسَرَفٍ.

١٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

---

۱۴ ـ یعقوب بن یزید در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

روزی عثمان بن مظعون به پیامبر خدا صلى الله عليه وآله عرض کرد: می‌خواهم عطر و چیزهای دیگری را که یادآور شد ترک کنم.

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: عطر را ترک نکن؛ زیرا فرشتگان از مؤمن بوی خوش استنشاق می‌کنند، بنابراین در هر جمعه عطر زدن را ترک نکن.

۱۵ ـ ابوبصیر نظیر روایت پنجم همین بخش را از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند.

۱۶ ـ زکریای مؤمن در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام علیه السلام فرمود:

هر مقدار در خرید عطر هزینه کنی، اسراف نیست.

۱۷ ـ سکونی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

طِيبُ النِّسَاءِ مَا ظَهَرَ لَوْنُهُ وَ خَفِيَ رِيحُهُ وَ طِيبُ الرِّجَالِ مَا ظَهَرَ رِيحُهُ وَ خَفِيَ لَوْنُهُ.

۱۸ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْخَثْعَمِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ الطَّوِيلِ الْعَطَّارِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:
كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله يُنْفِقُ فِي الطِّيبِ أَكْثَرَ مِمَّا يُنْفِقُ فِي الطَّعَامِ.

(٤٩)

بَابُ كَرَاهِيَةِ رَدِّ الطِّيبِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَرُدُّ الطِّيبَ قَالَ:
لَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَرُدَّ الْكَرَامَةَ.

عطری که زنان استعمال می‌کنند رنگش آشکار و بویش پنهان است و عطر برای مردان بوی آشکار و رنگ پنهانی دارد.

۱۸ ـ اسحاق طویل عطّار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله همواره برای خرید عطر بیشتر از خرید غذا هزینه می‌کرد.

بخش چهل و نهم

کراهت ردّ هدیه عطر

۱ ـ سماعة بن مهران گوید: از امام صادق عليه السلام دربارهٔ ردّ هدیه عطر پرسیدم.

فرمود: شایسته نیست انسان کرامت را رد کند.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

أُتِيَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام بِدُهْنٍ وَ قَدْ كَانَ ادَّهَنَ فَادَّهَنَ فَقَالَ: إِنَّا لَا نَرُدُّ الطِّيبَ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ جَهْمٍ قَالَ:

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام فَأَخْرَجَ إِلَيَّ مَخْزَنَةً فِيهَا مِسْكٌ وَ قَالَ: خُذْ مِنْ هَذَا.

فَأَخَذْتُ مِنْهُ شَيْئاً فَتَمَسَّحْتُ بِهِ.

فَقَالَ: أَصْلِحْ وَ اجْعَلْ فِي لَبَّتِكَ مِنْهُ.

قَالَ: فَأَخَذْتُ مِنْهُ قَلِيلاً فَجَعَلْتُهُ فِي لَبَّتِي.

فَقَالَ لِي: أَصْلِحْ.

---

۲ ـ ابن قدّاح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

روزی نزد امیرمؤمنان علی عليه السلام عطر روغنی آوردند که حضرت از آن روغن استفاده نموده بود. پس بار دیگر از آن بهره برد و فرمود: به راستی که ما عطر را بر نمی‌گردانیم.

۳ ـ حسن بن جهم گوید: روزی خدمت امام کاظم عليه السلام شرف‌یاب شدم. حضرت صندوقچه‌ای که در آن مشک بود بیرون آورده و فرمود: از این بردار.

من مقداری از آن را برداشتم و به خود مالیدم.

فرمود: مقدار قابل توجهی از آن بردار و به گلوی خود بمال!

من مقدار اندکی از آن برداشتم و به گلوی خود مالیدم.

بار دیگر فرمود: مقدار قابل توجهی بردار!

فَأَخَذْتُ مِنْهُ أَيْضاً فَمَكَثَ فِي يَدِي مِنْهُ شَيْءٌ صَالِحٌ.

فَقَالَ لِي: اجْعَلْ فِي لَبَّتِكَ.

فَفَعَلْتُ.

ثُمَّ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام: لَا يَأْبَى الْكَرَامَةَ إِلَّا حِمَارٌ.

قَالَ: قُلْتُ: مَا مَعْنَى ذَلِكَ؟

قَالَ: الطِّيبُ وَ الْوِسَادَةُ وَ عَدَّ أَشْيَاءَ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ عليه‌السلام:

أَنَّ النَّبِيَّ صلى‌الله‌عليه‌وآله كَانَ لَا يَرُدُّ الطِّيبَ وَ الْحَلْوَاءَ.

من باز هم مقداری برداشتم پس از آن مقدار قابل توجهی در دستم باقی ماند.

به من فرمود: همه آن را به گلوی خود بمال.

من نیز انجام دادم.

آن گاه فرمود: امیرمؤمنان علی عليه‌السلام فرمود: کسی جز الاغ از پذیرش هدیه وکرامت خودداری نمی‌کند.

گفتم: معنای این سخن چیست؟

فرمود: منظور عطر و بالش است. آن حضرت چیزهای دیگری را نیز بر شمرد.

۴ ـ پدر بزرگ عیسی بن عبدالله گوید: امیرمؤمنان علی عليه‌السلام فرمود:

پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله هدیهٔ عطر و حلوا را رد نمی‌کرد.

(۵۰)

بَابُ أَنْوَاعِ الطِّيبِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ عَبْدِ الْغَفَّارِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

الطِّيبُ الْمِسْكُ وَ الْعَنْبَرُ وَ الزَّعْفَرَانُ وَ الْعُودُ.

(۵۱)

بَابُ أَصْلِ الطِّيبِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

بخش پنجاهم

انواع عطر

۱ ـ عبدالغفّار گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

عطر همان مشک، عنبر، زعفران و عود است.

بخش پنجاه و یکم

اصل عطر

۱ ـ موسی بن بکر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

لَمَّا أُهْبِطَ آدَمُ عليه السلام مِنَ الْجَنَّةِ عَلَى الصَّفَا وَ حَوَّاءُ عَلَى الْمَرْوَةِ وَ قَدْ كَانَتِ امْتَشَطَتْ فِي الْجَنَّةِ بِطِيبٍ مِنْ طِيبِ الْجَنَّةِ، فَلَمَّا صَارَتْ فِي الْأَرْضِ قَالَتْ: مَا أَرْجُو مِنَ الْمَشْطِ وَ أَنَا مَسْخُوطٌ عَلَيَّ.

فَحَلَّتْ عَقِيصَتَهَا فَانْتَثَرَ مِنْ مُشْطَتِهَا الَّتِي كَانَتِ امْتَشَطَتْ بِهَا فِي الْجَنَّةِ فَطَارَتْ بِهِ الرِّيحُ فَأَلْقَتْ أَكْثَرَهُ بِالْهِنْدِ فَلِذَلِكَ صَارَ الْعِطْرُ بِالْهِنْدِ.

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ مِثْلَهُ.

قَالَ: وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ: فَحَلَّتْ عَقِيصَتَهَا فَأَرْسَلَ اللهُ عَلَى مَا كَانَ فِيهَا مِنْ ذَلِكَ الطِّيبِ رِيحاً فَهَبَّتْ فِي الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ فَأَصْلُ الطِّيبِ مِنْ ذَلِكَ.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَلِيٍّ الْقَصِيرِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ أَصْلِ الطِّيبِ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ هُوَ؟

فَقَالَ أَيُّ شَيْءٍ يَقُولُهُ النَّاسُ؟

قُلْتُ: يَزْعُمُونَ أَنَّ آدَمَ هَبَطَ مِنَ الْجَنَّةِ وَ عَلَى رَأْسِهِ إِكْلِيلٌ.

آن گاه که آدم عليه السلام از بهشت بر کوه صفا و حوّا عليها السلام بر کوه مروه فرود آمدند، در بهشت با عطرهای بهشتی خود را آراسته و عطرآگین کرده بودند.

هنگامی که حوّا عليها السلام در زمین قرار گرفت عرض کرد: من آرایش نمی‌خواهم در حالی که مورد خشم واقع شده‌ام.

پس گیسوان خود را باز نمود و عطری که در بهشت با آن خود را عطرآگین کرده بود پخش شد. پس باد آن را پخش کرد و بیشتر آن را در هند افکند. به همین جهت عطر در هند قرار گرفته است.

در حدیث دیگری چنین آمده است: حوّا عليها السلام گیسوان خود را گشود، خداوند بادی فرستاد و آن باد هر چه از عطر بهشتی در گیسوان او بود در مشرق و مغرب زمین پراکنده ساخت. بنابراین اصل عطر این گونه بود.

۲ ـ راوی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اصل عطر از چه چیزی است؟

فرمود: اهل سنت در این باره چه می‌گویند؟

گفتم: می‌پندارند که آدم عليه السلام از بهشت فرود آمد و روی سرش تاج بود.

فَقَالَ: قَدْ كَانَ وَ اللهِ! أَشْغَلَ مِنْ أَنْ يَكُونَ عَلَى رَأْسِهِ إِكْلِيلٌ.

ثُمَّ قَالَ: إِنَّ حَوَّاءَ عليها السلام امْتَشَطَتْ فِي الْجَنَّةِ بِطِيبٍ مِنْ طِيبِ الْجَنَّةِ قَبْلَ أَنْ تُوَاقِعَهَا الْخَطِيئَةُ، فَلَمَّا هَبَطَتْ إِلَى الْأَرْضِ حَلَّتْ عَقِيصَتَهَا فَأَرْسَلَ اللهُ تَعَالَى عَلَى مَا كَانَ فِيهَا رِيحاً فَهَبَّتْ بِهِ فِي الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ فَأَصْلُ الطِّيبِ مِنْ ذَلِكَ.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللهَ تَعَالَى لَمَّا أَهْبَطَ آدَمَ طَفِقَ يَخْصِفُ مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ فَطَارَ عَنْهُ لِبَاسُهُ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ مِنْ حُلَلِ الْجَنَّةِ فَالْتَقَطَ وَرَقَةً فَسَتَرَ بِهَا عَوْرَتَهُ، فَلَمَّا هَبَطَ عَبِقَتْ رَائِحَةُ تِلْكَ الْوَرَقَةِ بِالْهِنْدِ بِالنَّبْتِ، فَصَارَ الطِّيبُ فِي الْأَرْضِ مِنْ سَبَبِ تِلْكَ الْوَرَقَةِ الَّتِي عَبِقَتْ بِهَا رَائِحَةُ الْجَنَّةِ فَمِنْ هُنَاكَ الطِّيبُ بِالْهِنْدِ؛ لِأَنَّ الْوَرَقَةَ هَبَّتْ عَلَيْهَا رِيحُ الْجَنُوبِ فَأَدَّتْ رَائِحَتَهَا إِلَى الْمَغْرِبِ، لِأَنَّهَا احْتَمَلَتْ رَائِحَةَ الْوَرَقَةِ فِي الْجَوِّ.

فرمود: به خدا سوگند! آدم عليه السلام مشغولیت بیشتری داشت تا این که روی سرش تاج باشد.

سپس فرمود: به راستی که حوّا عليها السلام پیش از آن که با خطا مواجه شود، با عطری از عطرهای بهشتی خود را آراسته بود. هنگامی که از بهشت به زمین فرود آمد، یک دسته از گیسوان او باز شد. خداوند بادی فرستاد و باد آن عطر را در شرق و غرب زمین پراکنده ساخت. بنابراین اصل عطر این گونه بود.

۳ ـ ابراهیم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

به راستی هنگامی که خداوند متعال آدم عليه السلام را به زمین فرستاد، لباسی بهشتی او از تنش بیرون شد. آدم عليه السلام برگی یافت و با آن عورت خود را پوشاند. هنگامی که او فرود آمد بوی آن برگ در هند به گیاهان رسید. بنابراین عطر در زمین به سبب آن برگی بهشتی بود به همین جهت عطر در هند است؛ زیرا بر آن برگ باد جنوب وزید. پس بوی آن را به مغرب زمین برد؛ چرا که بوی آن برگ را در فضا حمل کرد.

فَلَمَّا رَكَدَتِ الرِّيحُ بِالْهِنْدِ عَبِقَ بِأَشْجَارِهِمْ وَ نَبْتِهِمْ فَكَانَ أَوَّلُ بَهِيمَةٍ رَتَعَتْ مِنْ تِلْكَ الْوَرَقَةِ ظَبْيَ الْمِسْكِ.

فَمِنْ هُنَاكَ صَارَ الْمِسْكُ فِي سُرَّةِ الظَّبْيِ لِأَنَّهُ جَرَى رَائِحَةُ النَّبْتِ فِي جَسَدِهِ وَفِي دَمِهِ حَتَّى اجْتَمَعَتْ فِي سُرَّةِ الظَّبْيِ.

(۵۲)

بَابُ الْمِسْكِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام يَقُولُ:

كَانَتْ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام أَشْبِيدَانَةُ رَصَاصٍ مُعَلَّقَةٌ فِيهَا مِسْكٌ فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَخْرُجَ وَ لَبِسَ ثِيَابَهُ تَنَاوَلَهَا وَ أَخْرَجَ مِنْهَا فَتَمَسَّحَ بِهِ.

هنگامی که باد در هند ساکن شد، به درختان وگیاهان آنان وزید. پس نخستین حیوانی که از آن برگ خورد آهوی مشک بود.

از این رو مشک در ناف آهو قرار گرفته است؛ زیرا بوی آن گیاه در بدن وخون آهو جریان یافت تا این که در ناف آن جمع گردید.

بخش پنجام و دوم
مُشک

۱ ـ وشّا گوید: از ابوالحسن عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

امام سجّاد عليه السلام جعبه‌ای سربی داشت که در آن مشک بود. هنگامی که می‌خواست بیرون رود ولباس‌هایش را می‌پوشید با مقداری از مشک آن خود را معطّر می‌ساخت.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام:

أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله كَانَ يَتَطَيَّبُ بِالْمِسْكِ حَتَّى يُرَى وَبِيصُهُ فِي مَفَارِقِهِ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَتْ لِرَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله مَمْسَكَةٌ إِذَا هُوَ تَوَضَّأَ أَخَذَهَا بِيَدِهِ وَ هِيَ رَطْبَةٌ فَكَانَ إِذَا خَرَجَ عَرَفُوا أَنَّهُ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله بِرَائِحَتِهِ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ: أَخْرَجَ إِلَيَّ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام مَخْزَنَةً فِيهَا مِسْكٌ مِنْ عَتِيدَةِ آبَنُوسٍ فِيهَا بُيُوتٌ كُلُّهَا مِمَّا يَتَّخِذُهَا النِّسَاءُ.

۵ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْمُطَّلِبِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي بَكْرِ بْنِ عَبْدِاللهِ الْأَشْعَرِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ ۷ عَنِ الْمِسْكِ هَلْ يَجُوزُ اشْتِمَامُهُ؟

---

۲ ـ ابوالبختری گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله خود را با مشک خوش بوی ساخت به گونه‌ای که درخشش آن در فرق سر مبارک حضرتش دیده می‌شد.

۳ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله مشک دانی داشت که هنگامی که وضو می‌گرفت آن را با دست خیس خود برمی‌داشت و هنگامی که از خانه بیرون می‌آمد از بوی آن حضرت می‌فهمیدند که آن شخص پیامبر خدا صلى الله عليه وآله است.

۴ ـ حسن بن جهم گوید:

امام کاظم عليه السلام برای من جعبه‌ای از جنس آبنوس آورد که در آن مشک بود. داخل آن جعبه، مانند جعبه آرایش زنان خانه خانه بود.

۵ ـ ابو بکر بن عبدالله اشعری گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا بوییدن مشک جایز است؟

فَقَالَ: إِنَّا لَنَشَمُّهُ.

٦ ـ عَنْهُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ الْفَضْلِ النَّوْفَلِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمِّهِ إِسْحَاقَ بْنِ عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِيهِ عَبْدِاللهِ بْنِ الْحَارِثِ قَالَ:

كَانَتْ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه‌السلام قَارُورَةُ مِسْكٍ فِي مَسْجِدِهِ فَإِذَا دَخَلَ لِلصَّلَاةِ أَخَذَ مِنْهُ فَتَمَسَّحَ بِهِ.

٧ ـ عَنْهُ عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه‌السلام قَالَ:

كَانَ يُرَى وَبِيصُ الْمِسْكِ فِي مَفْرِقِ رَسُولِ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله.

٨ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْعَمْرَكِيِّ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ عليه‌السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمِسْكِ فِي الدُّهْنِ أَ يَصْلُحُ؟

قَالَ: إِنِّي لَأَصْنَعُهُ فِي الدُّهْنِ وَ لَا بَأْسَ.

وَ رُوِيَ: أَنَّهُ لَا بَأْسَ بِصُنْعِ الْمِسْكِ فِي الطَّعَامِ.

فرمود: به راستی که ما آن را می‌بوییم.

۶ ـ عبدالله بن حارث گوید: امام سجّاد عليه‌السلام مشک دانی در سجّاده و جانماز خود داشت. هنگامی که می‌خواست نماز بخواند، از آن برمی‌داشت و به خود می‌مالید.

۷ ـ یکی از اصحاب ما گوید: امام کاظم عليه‌السلام فرمود: درخشش مشک در فرق سر مبارک پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله دیده می‌شد.

۸ ـ علی بن جعفر عليه‌السلام برادر امام کاظم عليه‌السلام گوید: از آن حضرت پرسیدم: آیا می‌توان مشکی را که در روغن است به کار برد؟

فرمود: من آن را در روغن می‌ریزم و ایرادی ندارد.

روایت شده است که ریختن مشک در غذا ایرادی ندارد.

(۵۳)

بَابُ الْغَالِيَةِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام: إِنِّي أُعَامِلُ التُّجَّارَ فَأَتَهَيَّأُ لِلنَّاسِ كَرَاهَةَ أَنْ يَرَوْا بِي خَصَاصَةً فَأَتَّخِذُ الْغَالِيَةَ.

فَقَالَ: يَا إِسْحَاقُ! إِنَّ الْقَلِيلَ مِنَ الْغَالِيَةِ يُجْزِئُ وَ كَثِيرَهَا سَوَاءً، مَنِ اتَّخَذَ مِنَ الْغَالِيَةِ قَلِيلاً دَائِماً أَجْزَأَهُ ذَلِكَ.

قَالَ إِسْحَاقُ: وَ أَنَا أَشْتَرِي مِنْهَا فِي السَّنَةِ بِعَشَرَةِ دَرَاهِمَ فَأَكْتَفِي بِهَا وَ رِيحُهَا ثَابِتٌ طُولَ الدَّهْرِ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَّادٍ قَالَ:

بخش پنجاه و سوم

عطر غالیه [1]

۱ ـ اسحاق بن عمّار گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: من با بازرگانان معامله دارم، از این رو خود را برای مردم می‌آرایم که مرا تنگدست نشمارند، آیا می‌توانم عطر گران بهای غالیه استعمال کنم؟

فرمود: ای اسحاق! مقدار کمی از عطر غالیه کافی است وکم وزیاد آن تفاوت نمی‌کند. کسی که اندکی غالیه خریداری کند برای همیشه او را کفایت خواهد کرد.

اسحاق گوید: من در سال مقدار ده درهم عطر غالیه می‌خریدم. پس به آن بسنده می‌کردم و بوی آن تمام سال ثابت بود.

۲ ـ معمّر بن خلّاد گوید:

---

۱ ـ غالیه: نوعی عطر سیاه رنگ که موی را با آن رنگین کنند.

أَمَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام فَعَمِلْتُ لَهُ دُهْناً فِيهِ مِسْكٌ وَ عَنْبَرٌ، فَأَمَرَنِي أَنْ أَكْتُبَ فِي قِرْطَاسٍ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ أُمَّ الْكِتَابِ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ قَوَارِعَ مِنَ الْقُرْآنِ وَ أَجْعَلَهُ بَيْنَ الْغِلَافِ وَ الْقَارُورَةِ. فَفَعَلْتُ ثُمَّ أَتَيْتُهُ بِهِ فَتَغَلَّفَ بِهِ وَ أَنَا أَنْظُرُ إِلَيْهِ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مَوْلًى لِبَنِي هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ:

خَرَجَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام لَيْلَةً وَعَلَيْهِ جُبَّةُ خَزٍّ وَكِسَاءُ خَزٍّ قَدْ غَلَفَ لِحْيَتَهُ بِالْغَالِيَةِ.

فَقَالُوا: فِي هَذِهِ السَّاعَةِ؟ فِي هَذِهِ الْهَيْئَةِ؟

فَقَالَ: إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَخْطُبَ الْحُورَ الْعِينَ إِلَى اللهِ عزّوجلّ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ.

سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ مَوْلًى لِبَنِي هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ مِثْلَهُ.

٤ ـ عَنْهُ عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ الْكُوفِيِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ الْكِرْمَانِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي عليه السلام: مَا تَقُولُ فِي الْمِسْكِ؟

امام رضا عليه السلام به من دستور داد که من برای ایشان روغنی مشک وعنبر بسازم. آن گاه به من دستور فرمود که در کاغذی آیة الکرسی، سوره فاتحه، فلق، ناس و «قوارع قرآن» [1] را بنویسم وآن را بین روکش وظرف قرار دهم.

من چنین نمودم. سپس آن را نزد ایشان آوردم. امام رضا عليه السلام آن را به محاسن خود مالید ومن به ایشان نگاه می‌کردم.

۳ ـ محمّد بن جعفر بن محمّد گوید:

امام سجّاد عليه السلام شبی در حالی که جُبّه‌ای از خز وعبایی از خز بر تن داشت وبه محاسن خود را عطر غالیه زده بود، از منزل خارج شد.

به آن حضرت گفتند: در این ساعت؟! در این شکل وشمایل کجا تشریف می‌برید؟!

فرمود: می‌خواهم امشب حورالعین را از خداوند خواستگاری کنم.

۴ ـ محمد بن ولید کرمانی گوید: به امام جواد عليه السلام عرض کردم: در باره مشک چه‌می‌فرمایید؟

---

۱ ـ قوارع قرآن: آیاتی مانند آیة الکرسی که هر کس آنها را بخواند از شرّ شیطان در امان خواهد بود.

فَقَالَ: إِنَّ أَبِي عليه السلام أَمَرَ فَعُمِلَ لَهُ مِسْكٌ فِي بَانٍ بِسَبْعِمِائَةِ دِرْهَمٍ. فَكَتَبَ إِلَيْهِ الْفَضْلُ بْنُ سَهْلٍ يُخْبِرُهُ: أَنَّ النَّاسَ يَعِيبُونَ ذَلِكَ.

فَكَتَبَ إِلَيْهِ: يَا فَضْلُ! أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ يُوسُفَ عليه السلام وَ هُوَ نَبِيٌّ كَانَ يَلْبَسُ الدِّيبَاجَ مُزَرَّراً بِالذَّهَبِ وَ يَجْلِسُ عَلَى كَرَاسِيِّ الذَّهَبِ وَ لَمْ يَنْقُصْ ذَلِكَ مِنْ حِكْمَتِهِ شَيْئاً؟!

قَالَ: ثُمَّ أَمَرَ فَعُمِلَتْ لَهُ غَالِيَةٌ بِأَرْبَعَةِ آلَافِ دِرْهَمٍ.

۵ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليهما السلام اسْتَقْبَلَهُ مَوْلًى لَهُ فِي لَيْلَةٍ بَارِدَةٍ وَ عَلَيْهِ جُبَّةُ خَزٍّ وَ مِطْرَفُ خَزٍّ وَ عِمَامَةُ خَزٍّ وَ هُوَ مُتَغَلِّفٌ بِالْغَالِيَةِ فَقَالَ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فِي مِثْلِ هَذِهِ السَّاعَةِ عَلَى هَذِهِ الْهَيْئَةِ إِلَى أَيْنَ؟

قَالَ: فَقَالَ: إِلَى مَسْجِدِ جَدِّي رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله أَخْطُبُ الْحُورَ الْعِينَ إِلَى اللهِ عزوجل.

فرمود: پدرم عليه السلام دستور داد برای ایشان مشکی در درخت خوش بوی «بان» به قیمت هفت صد درهم آماده شود.

فضل بن سهل به ایشان نامه نوشت و خبر داد که مردم این کار را عیب می‌دانند.

پدرم به او نوشت: ای فضل! مگر نمی‌دانی یوسف عليه السلام که پیامبر بود، لباس دیبایی می‌پوشید که دگمه‌های آن طلایی بود و بر صندلی‌های طلایی می‌نشست و این چیزی‌از حکمت او نکاست.

آن گاه دستور فرمود: برای آن حضرت عطر غالیه‌ای به قیمت چهار هزار درهم تهیه شود.

۵ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

یکی از شیعیان امام سجّاد عليه السلام در یک شب سرد دید آن حضرت جبّه وعبایی از خز بر تن دارد و عمامه از خز بر سر نهاده و محاسن خود را عطر غالیه زده است.

آن شخص به ایشان عرض کرد: فدایت شوم! در چنین ساعتی، بر این شکل و شمایل به کجا می‌روید؟

فرمود: به مسجد جدّم پیامبر خدا صلى الله عليه وآله می‌روم تا حور العین را از خداوند خواستگاری کنم.

(٥٤)
بَابُ الْخَلُوقِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه‌السلام عَنِ الْخَلُوقِ آخُذُ مِنْهُ؟

قَالَ: لَا بَأْسَ وَ لَكِنْ لَا أُحِبُّ أَنْ تَدُومَ عَلَيْهِ.

٢ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

لَا بَأْسَ أَنْ تَمَسَّ الْخَلُوقَ فِي الْحَمَّامِ أَوْ تَمَسَّ بِهِ يَدَيْكَ مِنَ الشُّقَاقِ تُدَاوِيهِمَا بِهِ وَ لَا أُحِبُّ إِدْمَانَهُ.

وَ قَالَ: لَا بَأْسَ أَنْ يَتَخَلَّقَ الرَّجُلُ وَ لَكِنْ لَا يَبِيتُ مُتَخَلِّقاً.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:

بخش پنجاه وچهارم
عطر زعفرانی

١ ـ زراره گوید: از امام باقر عليه‌السلام پرسیدم: آیا می‌توانم از عطر زعفرانی استفاده کنم؟

فرمود: مانعی ندارد، ولی میل ندارم که بر آن مداومت کنی.

٢ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

ایرادی ندارد که در حمام از عطر زعفرانی استفاده کنی و یا دستانت را به جهت پارگی و ترک خوردن به آن بمالی تا با آن، دستانت را مداوا نمایی؛ ولی من مداومت بر آن را دوست ندارم.

و فرمود: ایرادی ندارد که مرد از عطر زعفرانی استفاده کند؛ اما نباید در آن حال بخوابد.

٣ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

لَا بَأْسَ أَنْ تَمَسَّ الْخَلُوقَ فِي الْحَمَّامِ أَوْ تَمْسَحَ بِهِ يَدَكَ تُدَاوِي بِهِ وَ لَا أُحِبُّ إِدْمَانَهُ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ رَجُلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَيْضِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

إِنَّهُ لَيُعْجِبُنِي الْخَلُوقُ.

٥ ـ حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ أَبَانٍ عَنْ رَجُلٍ قَدْ أَثْبَتَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

لَا بَأْسَ أَنْ يَتَخَلَّقَ الرَّجُلُ لِامْرَأَتِهِ وَ لَكِنْ لَا يَبِيتُ مُتَخَلِّقاً.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السِّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبَانٍ عَنِ الْفُضَيْلِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

لَا بَأْسَ بِأَنْ يَتَخَلَّقَ الرَّجُلُ وَ لَكِنْ لَا يَبِيتُ مُتَخَلِّقاً.

مانعی ندارد که در حمام عطر زعفرانی استعمال کنی و یا دست‌هایت را با آن بمالی که ترک‌های دستت را مدوا کنی؛ ولی دوست ندارم که هماره از این عطر استفاده کنی.

۴ ـ محمّد بن فیض گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

من به عطر زعفرانی علاقه دارم.

۵ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

ایرادی ندارد که مرد برای همسرش از عطر زعفرانی استفاده کند، اما در حالی که از آن استفاده نموده، نخوابد.

۶ ـ راوی دیگری نظیر این روایت را از امام باقر عليه السلام نقل می‌کند.

(۵۵)

بَابُ الْبَخُورِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

يَبْقَى رِيحُ الْعُودِ الَّتِي فِي الْبَدَنِ أَرْبَعِينَ يَوْماً وَ يَبْقَى رِيحُ عُودِ الْمُطَرَّاةِ عِشْرِينَ يَوْماً.

۲ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يُدَخِّنَ ثِيَابَهُ إِذَا كَانَ يَقْدِرُ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ جَهْمٍ قَالَ: خَرَجَ إِلَيَّ أَبُوالْحَسَنِ عليه السلام فَوَجَدْتُ مِنْهُ رَائِحَةَ التَّجْمِيرِ.

بخش پنجاه و پنجم

بخور

۱ ـ راوی در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

بوی عود خالص تا چهل روز در بدن باقی می‌ماند وبوی عودی که با چند ماده خوش‌بوی دیگر آمیخته است، تا بیست روز می‌ماند.

۲ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

شایسته است که مرد تا هنگامی که می‌تواند، لباس‌های خود را بخور دهد.

۳ ـ حسن بن جهم گوید:

امام کاظم عليه السلام به طرف من آمد وبوی عود وبخور حضرت به من رسید.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُرَازِمٍ قَالَ:
دَخَلْتُ مَعَ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام الْحَمَّامَ فَلَمَّا خَرَجَ إِلَى الْمَسْلَخِ دَعَا بِمِجْمَرَةٍ فَتَجَمَّرَ بِهَا ثُمَّ قَالَ: جَمِّرُوا مُرَازِمُ.
قَالَ: قُلْتُ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَأْخُذَ نَصِيبَهُ يَأْخُذُ؟
قَالَ: نَعَمْ.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الرَّيَّانِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي خَلَفٍ مَوْلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام وَ كَانَ اشْتَرَاهُ وَ أَبَاهُ وَ أُمَّهُ وَ أَخَاهُ فَأَعْتَقَهُمْ وَ اسْتَكْتَبَ أَحْمَدَ وَ جَعَلَهُ قَهْرَمَانَهُ فَقَالَ أَحْمَدُ:
كَانَ نِسَاءُ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام إِذَا تَبَخَّرْنَ أَخَذْنَ نَوَاةً مِنْ نَوَى الصَّيْحَانِيِّ مَمْسُوحَةً مِنَ التَّمْرِ مُنْقَاةَ التَّمْرِ وَ الْقُشَارَةِ فَأَلْقَيْنَهَا عَلَى النَّارِ قَبْلَ الْبَخُورِ فَإِذَا دَخَنَتِ النَّوَاةُ أَدْنَى الدُّخَانِ رَمَيْنَ النَّوَاةَ وَ تَبَخَّرْنَ مِنْ بَعْدُ وَ كُنَّ يَقُلْنَ: هُوَ أَعْبَقُ وَ أَطْيَبُ لِلْبَخُورِ وَ كُنَّ يَأْمُرْنَ بِذَلِكَ.

---

۴ ـ مرازم گوید: در خدمت امام کاظم عليه السلام به حمام رفتم، موقعی که از حمام خارج شدیم، امام کاظم عليه السلام در رخت کن حمام فرمود تا منقل آتشی آوردند و عود هندی در آن انداختند تا لباس‌های خود را با دود آن عطرآگین سازد، سپس فرمود: لباس فلانی را هم بخور بدهید.
گفتم: هر کس مایل باشد می‌تواند از این بخور بهره‌مند شود؟
امام کاظم عليه السلام فرمود: آری.

۵ ـ احمد بن ابی خلف ـ که امام کاظم عليه السلام او، پدر، مادر و برادرش را خریده و آزاد کرده بود و او را وکیل و امین خود قرار داده بود ـ گوید:
هنگامی که همسران امام کاظم عليه السلام می‌خواستند از بخور استفاده کنند، هسته‌های خرمای صیحانی را که تمیز شده بود را که خرما و پوست نازک آن جدا شده بود، روی آتش می‌انداختند و هنگامی که هسته‌های خرما کمترین دود را می‌دادند، هسته‌ها را برمی‌داشتند و پس از آن بخور انجام می‌دادند و می‌گفتند: این روش، بخور را ماندگارتر و خوش بوتر می‌کند. و به این کار سفارش می‌کردند.

(٥٦)

بَابُ الِادِّهَانِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُالْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:
الدُّهْنُ يُلَيِّنُ الْبَشَرَةَ وَ يَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ وَ يُسَهِّلُ مَجَارِيَ الْمَاءِ وَ يُذْهِبُ الْقَشَفَ وَ يُسْفِرُ اللَّوْنَ.

٢ ـ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ جُنْدَبٍ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ السِّمْطِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:
الدُّهْنُ يَذْهَبُ بِالسُّوءِ.

بخش پنجاه و ششم

روغن مالی و کِرِم

١ ـ ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود:
روغن، پوست را نرم می‌کند، نیروی مغز را می‌افزاید، مجرای ادرار را باز می‌کند، آلودگی پوست وکثیفی بدن را از بین می‌برد و رنگ بدن را درخشان می‌کند.

٢ ـ سفیان بن سمط گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
روغن، بدحالی، بیماری، فقر و... را از بین می‌برد.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:
الدُّهْنُ يُظْهِرُ الْغِنَى.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:
الدُّهْنُ يُلَيِّنُ الْبَشَرَةَ وَ يَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ الْقُوَّةَ وَ يُسَهِّلُ مَجَارِيَ الْمَاءِ وَ هُوَ يَذْهَبُ بِالْقَشَفِ وَ يُحَسِّنُ اللَّوْنَ.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
دُهْنُ اللَّيْلِ يَجْرِي فِي الْعُرُوقِ وَ يُرَوِّي الْبَشَرَةَ وَ يُبَيِّضُ الْوَجْهَ.

٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ بَحْرٍ عَنْ مِهْزَمٍ الْأَسَدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

---

۳ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
روغن، ثروت مندی را آشکار می‌سازد.

۴ ـ سکونی نظیر روایت یکم همین بخش را از امام صادق عليه السلام، از امیرمؤمنان علی عليه السلام نقل می‌کند.

۵ ـ ابوحمزه گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:
روغنی که در شب به بدن مالیده شود در رگ‌های بدن نفوذ می‌کند، پوست را شاداب می‌دارد و صورت را سفید می‌نماید.

۶ ـ مهزم اسدی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِذَا أَخَذْتَ الدُّهْنَ عَلَى رَاحَتِكَ فَقُلِ: «**اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الزَّيْنَ وَ الزِّينَةَ وَ الْمَحَبَّةَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّيْنِ وَ الشَّنَآنِ وَ الْمَقْتِ**».

ثُمَّ اجْعَلْهُ عَلَى يَأْفُوخِكَ ابْدَأْ بِمَا بَدَأَ اللهُ بِهِ.

۷ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الدَّقَّاقِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ بَشِيرٍ الدَّهَّانِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ دَهَنَ مُؤْمِناً كَتَبَ اللهُ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُوراً يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

(۵۷)

بَابُ كَرَاهِيَةِ إِدْمَانِ الدُّهْنِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

لَا يَدَّهِنُ الرَّجُلُ كُلَّ يَوْمٍ؛ يُرَى الرَّجُلُ شَعِثاً لَا يُرَى مُتَزَلِّقاً كَأَنَّهُ امْرَأَةٌ.

هنگامی که روغن را در کف دست خود گرفتی بگو:«**اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الزَّيْنَ وَ الزِّينَةَ وَالْمَحَبَّةَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّيْنِ وَالشَّنَآنِ وَالْمَقْتِ**». آن گاه جلو سرت قرار بده و با نام خدا آغاز کن!

۷ ـ بشیر دهّان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس به بدن مؤمنی روغن بمالد، خداوند برای او در ازای هر مویی، نوری در روز قیامت می‌نویسد.

بخش پنجاه و هفتم

کراهت مداومت بر روغن مالی

۱ ـ ابو خدیجه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

شخص نباید هر روز روغن بمالد. مرد آشفته و ژولیده به نظر برسد، نه این که همانند زن آرایش کرده به نظر برسد.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام: أُخَالِطُ أَهْلَ الْمُرُوءَةِ مِنَ النَّاسِ وَ قَدْ أَكْتَفِي مِنَ الدُّهْنِ بِالْيَسِيرِ فَأَتَمَسَّحُ بِهِ كُلَّ يَوْمٍ.

فَقَالَ: مَا أُحِبُّ لَكَ ذَلِكَ.

فَقُلْتُ: يَوْمٌ وَ يَوْمٌ لَا.

فَقَالَ: وَ مَا أُحِبُّ لَكَ ذَلِكَ.

قُلْتُ: يَوْمٌ وَ يَوْمَيْنِ لَا.

فَقَالَ: الْجُمُعَةُ إِلَى الْجُمُعَةِ يَوْمٌ وَ يَوْمَيْنِ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ جَرِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام: فِي كَمْ أَدَّهِنُ؟

قَالَ: فِي كُلِّ سَنَةٍ مَرَّةً.

فَقُلْتُ: إِذَنْ يَرَى النَّاسُ بِي خَصَاصَةً. فَلَمْ أَزَلْ أُمَاكِسُهُ.

---

۲ ـ اسحاق بن عمّار گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: من با اشراف و بزرگان رفت و آمد دارم و به روغن اندکی اکتفا می‌کنم و هر روز از آن استفاده می‌نمایم.

فرمود: این کار را برای تو نمی‌پسندم.

عرض کردم: یک روز در میان استفاده کنم؟

فرمود: این کار را برای تو نمی‌پسندم.

عرض کردم: دو روز در میان استفاده کنم؟

فرمود: از جمعه تا جمعه دیگر یکی دو روز استفاده کن.

۳ ـ اسحاق بن جریر گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: هر چند وقت یک بار از روغن استفاده کنم؟

فرمود: هر سال، یک بار.

گفتم: بنابراین مردم مرا فقیر می‌پندارند. و همین طور با حضرت عليه السلام چانه می‌زدم.

فَقَالَ: فَفِي كُلِّ شَهْرٍ مَرَّةً؛ لَمْ يَزِدْنِي عَلَيْهَا.

(۵۸)

بَابُ دُهْنِ الْبَنَفْسَجِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ:

الْبَنَفْسَجُ سَيِّدُ أَدْهَانِكُمْ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي زَيْدٍ الرَّازِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:

أَهْدَيْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام بَغْلَةً، فَصَرَعَتِ الَّذِي أَرْسَلْتُ بِهَا مَعَهُ فَأَمَّتْهُ، فَدَخَلْنَا الْمَدِينَةَ فَأَخْبَرْنَا أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام فَقَالَ: أَ فَلَا أَسْعَطْتُمُوهُ بَنَفْسَجاً فَأُسْعِطَ بِالْبَنَفْسَجِ فَبَرَأَ؟

حضرت فرمود: پس در هر ماه، یک بار. اسحاق گوید: حضرت عليه السلام بیشتر از آن به من اجازه نداد.

بخش پنجاه و هشتم

روغن بنفشه

۱ ـ هشام بن حکم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

بهترین روغن‌ها، روغن بنفشه است.

۲ ـ عقبه گوید: استر ماده‌ای را برای امام صادق عليه السلام هدیه فرستادم، این استر ماده، استر آن شخصی را که به وسیلهٔ او فرستاده بودم به زمین زد و استخوان سر او را شکست. پس داخل مدینه شدیم و به امام صادق عليه السلام گزارش دادیم.

فرمود: چرا روغن بنفشه در بینی‌اش نریختند؟! پس روغن بنفشه در بینی‌اش ریختند و خوب شد.

ثُمَّ قَالَ: يَا عُقْبَةُ! إِنَّ الْبَنَفْسَجَ بَارِدٌ فِي الصَّيْفِ حَارٌّ فِي الشِّتَاءِ لَيِّنٌ عَلَى شِيعَتِنَا يَابِسٌ عَلَى عَدُوِّنَا لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْبَنَفْسَجِ قَامَتْ أُوقِيَّتُهُ بِدِينَارٍ.

٣ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

مَا يَأْتِينَا مِنْ نَاحِيَتِكُمْ شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِنَ الْبَنَفْسَجِ.

٤ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ أَسْبَاطِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ إِسْرَائِيلَ بْنِ أَبِي أُسَامَةَ بَيَّاعِ الزُّطِّيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَثَلُ الْبَنَفْسَجِ فِي الْأَدْهَانِ مَثَلُنَا فِي النَّاسِ.

٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

فَضْلُ الْبَنَفْسَجِ عَلَى الْأَدْهَانِ كَفَضْلِ الْإِسْلَامِ عَلَى الْأَدْيَانِ. نِعْمَ الدُّهْنُ الْبَنَفْسَجُ لَيَذْهَبُ بِالدَّاءِ مِنَ الرَّأْسِ وَ الْعَيْنَيْنِ، فَادَّهِنُوا بِهِ.

سپس فرمود: ای عقبه! به راستی که روغن بنفشه در تابستان خنک و در زمستان گرم است، برای ما نرم و روان است و برای دشمن ما خشک و سفت. اگر مردم آن چه را که در آن است می‌دانستند، یک اوقیّه از آن به یک دینار می‌رسید.

۳ ـ یونس بن یعقوب گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

از صادرات عراق تحفه‌ای به دست ما نمی‌رسد که از روغن بنفشه دوست داشتنی‌تر باشد.

۴ ـ اسرائیل بن ابو اسامه بیّاع الزطّی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

مَثَل روغن بنفشه در بین روغن‌ها، به سان مَثَل ما در بین مردم است.

۵ ـ عبدالرحمان بن کثیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

برتری روغن بنفشه بر دیگر روغن‌ها مانند برتری اسلام بر دیگر ادیان است. بنفشه چه روغن خوبی است! که بیماری‌های سر و چشم را از بین می‌برد، پس از آن روغن استفاده کنید.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَدَخَلَ عَلَيْهِ مِهْزَمٌ فَقَالَ لِي أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: ادْعُ لَنَا الْجَارِيَةَ تَجِئْنَا بِدُهْنٍ وَ كُحْلٍ.

فَدَعَوْتُ بِهَا فَجَاءَتْ بِقَارُورَةِ بَنَفْسَجٍ وَ كَانَ يَوْماً شَدِيدَ الْبَرْدِ فَصَبَّ مِهْزَمٌ فِي رَاحَتِهِ مِنْهَا ثُمَّ قَالَ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! هَذَا بَنَفْسَجٌ وَ هَذَا الْبَرْدُ الشَّدِيدُ.

فَقَالَ: وَ مَا بَالُهُ يَا مِهْزَمُ؟

فَقَالَ: إِنَّ مُتَطَبِّبِينَا بِالْكُوفَةِ يَزْعُمُونَ أَنَّ الْبَنَفْسَجَ بَارِدٌ.

فَقَالَ: هُوَ بَارِدٌ فِي الصَّيْفِ لَيِّنٌ حَارٌّ فِي الشِّتَاءِ.

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

اسْتَعِطُوا بِالْبَنَفْسَجِ؛ فَإِنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه و آله قَالَ: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْبَنَفْسَجِ لَحَسَوْهُ حَسْواً.

---

۶ ـ عبدالرحمان بن کثیر گوید:

خدمت امام صادق عليه السلام بودم که مهزم وارد شد.

حضرت عليه السلام به من فرمود: کنیز را صدا بزن تا روغن و سرمه‌ای نزد ما بیاورد.

کنیزی را فرا خواندم وی شیسشه روغن بنفشه آورد. روز بسیار سردی بود. مهزم مقداری از آن را در کف دستش ریخت. سپس گفت: فدایت شوم! این روغن بنفشه و این سرمای شدیدی است!

فرمود: ای مهزم! مگر آن چگونه است؟

گفت: طبیبان ما در کوفه گمان می‌کنند که روغن بنفشه خنک است.

فرمود: روغن بنفشه در تابستان خنک است و در زمستان نرم و داغ است.

۷ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود:

در بینی روغن بنفشه بریزید؛ زیرا پیامبر خدا صلى الله عليه و آله فرمود: «اگر مردم از خواص روغن بنفشه آگاه بودند، به طور قطع آن را جرعه جرعه می‌نوشیدند.

۸ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُوقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

دُهْنُ الْبَنَفْسَجِ يَرْزُنُ الدِّمَاغَ.

۹ ـ سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ رَفَعَهُ قَالَ:

دَهْنُ الْحَاجِبَيْنِ بِالْبَنَفْسَجِ يَذْهَبُ بِالصُّدَاعِ.

۱۰ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ خَالِدِ بْنِ نَجِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

مَثَلُ الْبَنَفْسَجِ فِي الدُّهْنِ كَمَثَلِ شِيعَتِنَا فِي النَّاسِ.

۱۱ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام:

اكْسِرُوا حَرَّ الْحُمَّى بِالْبَنَفْسَجِ.

---

۸ ـ محمّد بن سوقه گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

روغن بنفشه، مغز را سنگین و استوار می‌کند.

۹ ـ علی بن اسباط در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام عليه‌السلام فرمود:

روغن زدن به ابروها با روغن بنفشه، سردرد را از بین می‌برد.

۱۰ ـ خالد بن نجیح گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

مَثَل روغن بنفشه در میان روغن‌ها مانند مَثَل شیعیان ما در میان مردم است.

۱۱ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود: امیرمؤمنان علی عليه‌السلام فرمود:

گرمای شخص تب‌دار را با روغن بنفشه کم کنید.

(۵۹)
بَابُ دُهْنِ الْخِيرِيِّ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى وَ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

ذَكَرَ دُهْنَ الْبَنَفْسَجِ فَزَكَّاهُ ثُمَّ قَالَ: وَ إِنَّ الْخِيرِيَّ لَطِيفٌ.

٢ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِيهِ وَ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ:

رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام يَدَّهِنُ بِالْخِيرِيِّ فَقَالَ لِيَ: ادَّهِنْ.

فَقُلْتُ لَهُ: أَيْنَ أَنْتَ عَنِ الْبَنَفْسَجِ؟ وَ قَدْ رُوِيَ فِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام.

قَالَ: أَكْرَهُ رِيحَهُ.

بخش پنجاه و نهم
روغن خیری

۱ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام روغن بنفشه را یادآور شد و آن را پاکیزه شمرد. سپس فرمود: به راستی که روغن خیری نیز لطیف و ملایم است.

۲ ـ حسن بن جهم گوید: امام کاظم عليه السلام را دیدم که از روغن خیری استفاده می‌کرد. به من فرمود: از روغن استفاده کن.

به ایشان عرض کردم: شما چه رابطه‌ای با روغن بنفشه دارید در حالی که درباره آن از امام صادق عليه السلام آن گونه روایت شده است؟!

فرمود: من از بوی آن کراهت دارم.

قَالَ: قُلْتُ لَهُ: فَإِنِّي كُنْتُ أَكْرَهُ رِيحَهُ وَ أَكْرَهُ أَنْ أَقُولَ ذَلِكَ لِمَا بَلَغَنِي فِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام.

قَالَ: لَا بَأْسَ.

(٦٠)

بَابُ دُهْنِ الْبَانِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَيْضِ قَالَ: ذُكِرَتْ عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام الْأَدْهَانُ فَذُكِرَ الْبَنَفْسَجُ وَ فَضْلُهُ فَقَالَ:

نِعْمَ الدُّهْنُ الْبَنَفْسَجُ! ادَّهِنُوا بِهِ، فَإِنَّ فَضْلَهُ عَلَى الْأَدْهَانِ كَفَضْلِنَا عَلَى النَّاسِ وَالْبَانُ دُهْنُ ذَكَرٍ نِعْمَ الدُّهْنُ الْبَانُ وَ إِنَّهُ لَيُعْجِبُنِي الْخَلُوقُ.

عرض کردم: من نیز از بوی آن کراهت داشتم، اما کراهت داشتم که این را بگویم، به دلیل روایتی که از امام صادق عليه السلام به من رسیده است.

فرمود: ایرادی ندارد (یعنی بوی بد روغن بنفشه با فضیلت و منفعت آن منافات ندارد).

بخش شصتم

روغن گیاه بان

۱ ـ محمّد بن فیض گوید: در حضور امام صادق عليه السلام سخن از روغن‌ها به میان آمد. حضرت عليه السلام روغن بنفشه و فضیلت آن را یادآوری نمود و فرمود:

روغن بنفشه چه روغن خوبی است! به راستی که برتری آن بر دیگر روغن‌ها مانند برتری ما بر مردم است و اثر روغن بان در بدن نمی‌ماند. روغن بان، روغن خوبی است و به راستی که من به خلوق علاقه دارم.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ قَالَ:

شَكَا رَجُلٌ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام شُقَاقاً فِي يَدَيْهِ وَ رِجْلَيْهِ.

فَقَالَ لَهُ: خُذْ قُطْنَةً فَاجْعَلْ فِيهَا بَاناً وَ ضَعْهَا فِي سُرَّتِكَ.

فَقَالَ إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! يَجْعَلُ الْبَانَ فِي قُطْنَةٍ وَ يَجْعَلُهَا فِي سُرَّتِهِ؟

فَقَالَ: أَمَّا أَنْتَ يَا إِسْحَاقُ! فَصُبَّ الْبَانَ فِي سُرَّتِكَ فَإِنَّهَا كَبِيرَةٌ.

قَالَ ابْنُ أُذَيْنَةَ: لَقِيتُ الرَّجُلَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأَخْبَرَنِي أَنَّهُ فَعَلَهُ مَرَّةً وَاحِدَةً فَذَهَبَ عَنْهُ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ إِسْحَاقَ أَبِي سُلَيْمَانَ الْحَذَّاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَيْضِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام:

نِعْمَ الدُّهْنُ الْبَانُ!

---

۲ ـ عمر بن اذینه گوید: مردی به امام صادق عليه‌السلام شکایت کرد که دست و پایم ترک می‌خورد.

امام صادق عليه‌السلام به او فرمود: پنبه را به روغن بان آغشته کن و روی نافت بگذار.

اسحاق بن عمّار گفت: قربانت شوم! آیا پنبه را به روغن بان آغشته کند و روی نافش بگذارد، خوب می‌شود؟

امام صادق عليه‌السلام فرمود: اما تو باید روغن بان را در نافت بریزی، چرا که نافت مانند کاسه است.

بعدها من آن مرد را ملاقات کردم و او گزارش کرد که با یک نوبت روغن مالیدن، شقاق دست و پایش برطرف شده است.

۳ ـ محمّد بن فیض گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

روغن بان، روغن خوبی است.

(٦١)
بَابُ دُهْنِ الزَّنْبَقِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنِ السَّيَّارِيِّ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله:

إِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ خَيْراً لِلْجَسَدِ مِنْ دُهْنِ الزَّنْبَقِ يَعْنِي: الرَّازِقِيَّ.

٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ الْيَعْقُوبِيِّ عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِاللهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ:

كَانَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام يَسْتَعِطُ بِالشَّلِيثَا وَ بِالزَّنْبَقِ الشَّدِيدِ الْحَرِّ خَسْفَيْهِ.

قَالَ: وَ كَانَ الرِّضَا عليه السلام أَيْضاً يَسْتَعِطُ بِهِ.

فَقُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ: لِمَ ذَلِكَ؟

فَقَالَ عَلِيٌّ: ذَكَرْتُ ذَلِكَ لِبَعْضِ الْمُتَطَبِّبِينَ فَذَكَرَ أَنَّهُ جَيِّدٌ لِلْجِمَاعِ.

بخش شصت و يكم
روغن زنبق

١ ـ سيّارى در روايت مرفوعه‌اى گويد: پيامبر صلى الله عليه وآله فرمود:

به راستى كه هيچ چيز براى بدن بهتر از روغن زنبق ـ يعنى رازقى ـ نيست.

٢ ـ على بن جعفر عليه السلام گويد:

امام كاظم عليه السلام روغن شليثاء در بينى خود مى‌چكاند و روغن زنبق تُند را به اطراف سوارخ بينى‌اش مى‌ماليد.

امام رضا عليه السلام نيز آن را در بينى مى‌چكاند.

عيسى بن عبدالله گويد: به على بن جعفر عليه السلام گفتم: چرا چنين مى‌نمودند؟

گفت: آن را براى يكى از طبيبان بيان كردم و او يادآور شد كه اين كار براى آميزش خوب است.

(٦٢)

بَابُ دُهْنِ الْحَلِّ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنِ الْخَشَّابِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ كَلُّوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام:

أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله كَانَ إِذَا اشْتَكَى رَأْسَهُ اسْتَعَطَ بِدُهْنِ الْجُلْجُلَانِ وَ هُوَ السِّمْسِمُ.

٢ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنِ ابْنِ أُخْتِ الْأَوْزَاعِيِّ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ الْيَسَعِ عَنْ قَيْسٍ الْبَاهِلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام:

أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله كَانَ يُحِبُّ أَنْ يَسْتَعِطَ بِدُهْنِ السِّمْسِمِ.

بخش شصت و دوم

روغن کنجد

١ ـ اسحاق بن عمّار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگامی که سر پیامبر خدا صلى الله عليه وآله درد می‌گرفت، روغن جُلجُلان که همان کنجد است در بینی خود می‌چکاند.

٢ ـ قیس باهلی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر صلى الله عليه وآله علاقه داشت که روغن کنجد در بینی‌اش بچکاند.

(۶۳)

بَابُ الرَّيَاحِينِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مِهْزَمٍ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَمَّنْ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله:

إِذَا أُتِيَ أَحَدُكُمْ بِرَيْحَانٍ فَلْيَشَمَّهُ وَ لْيَضَعْهُ عَلَى عَيْنَيْهِ فَإِنَّهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَ إِذَا أُتِيَ أَحَدُكُمْ بِهِ فَلَا يَرُدَّهُ.

۲ ـ ابْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

إِذَا أُتِيَ أَحَدُكُمْ بِالرَّيْحَانِ فَلْيَشَمَّهُ وَ لْيَضَعْهُ عَلَى عَيْنَيْهِ، فَإِنَّهُ مِنَ الْجَنَّةِ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

الرَّيْحَانُ وَاحِدٌ وَ عِشْرُونَ نَوْعاً سَيِّدُهَا الْآسُ.

بخش شصت و سوم
گُل‌ها

۱ ـ راوی گوید: پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود:

هرگاه نزد یکی از شما گلی آوردند آن را ببوید و روی چشمانش قرار دهد؛ زیراکه گل از بهشت است و هرگاه نزد یکی از شما شاخه گلی آوردند، آن را برنگرداند.

۲ ـ عبدالله بن سنان نظیر این روایت را از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند.

۳ ـ محمّد بن یحیی در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

گل، بیست و یک نوع است که آقای آنها گل «آس» است.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ:

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام وَ فِي يَدِهِ مِخْضَبَةٌ فِيهَا رَيْحَانٌ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَسْكَرِ عليه السلام فَجَاءَ صَبِيٌّ مِنْ صِبْيَانِهِ فَنَاوَلَهُ وَرْدَةً فَقَبَّلَهَا وَوَضَعَهَا عَلَى عَيْنَيْهِ ثُمَّ نَاوَلَنِيهَا وَ قَالَ:

يَا أَبَا هَاشِمٍ! مَنْ تَنَاوَلَ وَرْدَةً أَوْ رَيْحَانَةً فَقَبَّلَهَا وَ وَضَعَهَا عَلَى عَيْنَيْهِ ثُمَّ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْأَئِمَّةِ كَتَبَ اللهُ لَهُ الْحَسَنَاتِ مِثْلَ رَمْلِ عَالِجٍ وَ مَحَا عَنْهُ مِنَ السَّيِّئَاتِ مِثْلَ ذَلِكَ.

---

۴ ـ یونس بن یعقوب گوید:

خدمت امام صادق عليه السلام شرف‌یاب شدم در حالی که در دست ایشان تشتی پر از گل بود.

۵ ـ ابو هاشم جعفری گوید:

خدمت امام هادی عليه السلام شرف‌یاب شدم. یکی از کودکان آن حضرت آمد وگل سرخی به آن حضرت عليه السلام تعارف نمود. حضرت آن را بوسید و روی چشم‌های خود نهاد، سپس آن را به من تعارف نمود و فرمود:

ای ابوهاشم! هر کس گل سرخ و یا هر گلی بردارد و آن را ببوسد و روی چشمان خود قرار دهد، سپس بر محمّد و آل محمّد عليهم السلام صلوات بفرستد، خداوند به اندازه ریگ‌های توده ریگی برای او حسنه می‌نویسد و به همان اندازه گناهان او را پاک می‌کند.

(٦٤)

بَابُ سَعَةِ الْمَنْزِلِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مِنَ السَّعَادَةِ سَعَةُ الْمَنْزِلِ.

٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَّادٍ قَالَ:

إِنَّ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام اشْتَرَى دَاراً وَ أَمَرَ مَوْلًى لَهُ أَنْ يَتَحَوَّلَ إِلَيْهَا وَ قَالَ: إِنَّ مَنْزِلَكَ ضَيِّقٌ.

فَقَالَ: قَدْ أَحْدَثَ هَذِهِ الدَّارَ أَبِي.

فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام: إِنْ كَانَ أَبُوكَ أَحْمَقَ يَنْبَغِي أَنْ تَكُونَ مِثْلَهُ.

بخش شصت و چهارم

خانهٔ وسیع

١ ـ هشام بن حکم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

خانهٔ وسیع مایهٔ سعادت زندگی است.

٢ ـ معمّر بن خلّاد گوید: امام رضا عليه السلام خانه‌ای خرید و به یکی از وابستگان خود گفت: خانه‌ات محقر و تنگ است، بیا به این خانه‌ای که من خریده‌ام نقل مکان نما.

آن مرد گفت: پدرم این خانه را ساخته است.

امام رضا عليه السلام فرمود: اگر پدرت حماقت کرده باشد، شایسته است که تو نیز حماقت کنی؟

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ مُطَرِّفٍ مَوْلَى مَعْنٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

ثَلَاثَةٌ لِلْمُؤْمِنِ فِيهَا رَاحَةٌ: دَارٌ وَاسِعَةٌ تُوَارِي عَوْرَتَهُ وَ سُوءَ حَالِهِ مِنَ النَّاسِ وَ امْرَأَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ ابْنَةٌ أَوْ أُخْتٌ يُخْرِجُهَا مِنْ مَنْزِلِهِ إِمَّا بِمَوْتٍ أَوْ بِتَزَوُّجٍ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ رُشَيْدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَشِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام يَقُولُ:

الْعَيْشُ السَّعَةُ فِي الْمَنَازِلِ وَ الْفَضْلُ فِي الْخَدَمِ.

٥ ـ عَنْهُ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ سَعِيدٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام سُئِلَ عَنْ فَضْلِ عَيْشِ الدُّنْيَا قَالَ:

سَعَةُ الْمَنْزِلِ وَ كَثْرَةُ الْمُحِبِّينَ.

---

۳ ـ مطرّف مولی مَعْن گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

راحتی مؤمن در سه چیز است: خانه وسیعی که ضعف‌ها وبدحالی‌اش را از مردم بپوشاند، زن صالحه‌ای که او را بر امر دنیا وآخرت یاری کند ودختر یا خواهری که یا با مرگ و یا با ازدواج از خانه بیرون بفرستد.

۴ ـ بشیر گوید: از امام کاظم عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

عیش و خوشی در وسیع بودن خانه‌ها و زیاد بودن خدمتکاران است.

۵ ـ راویان متعددی گویند: از امام کاظم عليه السلام درباره خوبی زندگی دنیایی سؤال شد. فرمود: وسیع بودن منزل و زیاد بودن دوستداران است.

٦ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلَادِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

مِنْ شَقَاءِ الْعَيْشِ ضِيقُ الْمَنْزِلِ.

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ الْمَسْكَنُ الْوَاسِعُ.

٨ ـ وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ:

شَكَا رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ إِلَى رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله أَنَّ الدُّورَ قَدِ اكْتَنَفَتْهُ.

فَقَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله:

ارْفَعْ صَوْتَكَ مَا اسْتَطَعْتَ وَ سَلِ اللهَ أَنْ يُوَسِّعَ عَلَيْكَ.

---

۶ ـ علی بن ابی مغیره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

خانهٔ تنگ و محقر زندگی را سخت و دشوار می‌سازد.

۷ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: از سعادت و نیک بختی مرد مسلمان داشتن خانه وسیع است.

۸ ـ با همین سند آمده است که حضرتش فرمود:

روزی مردی انصاری به رسول خدا صلى الله عليه وآله از بدی خانه و تنگی آن شکوه کرد.

پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: آن‌چه در توان داری صدایت را بلند کن و از خداوند بخواه که خانه‌ات را وسیع کند.

(٦٥)

بَابُ تَزْوِيقِ الْبُيُوتِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله:

أَتَانِي جَبْرَئِيلُ وَ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ! إِنَّ رَبَّكَ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَ يَنْهَى عَنْ تَزْوِيقِ الْبُيُوتِ.

قَالَ أَبُو بَصِيرٍ فَقُلْتُ: مَا تَزْوِيقُ الْبُيُوتِ؟

فَقَالَ: تَصَاوِيرُ التَّمَاثِيلِ.

٢ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله:

بخش شصت و پنجم

تزيين خانه

۱ ـ ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل عليه السلام نزدم آمد وگفت: ای محمّد! به راستی که پروردگارت به تو سلام می‌رساند و از تزیین خانه‌ها نهی می‌کند.

ابوبصیر گوید: عرض کردم: تزیین خانه‌ها چیست؟

فرمود: تزیین با عکس‌ها و تمثال‌هاست.

۲ ـ محمّد بن مروان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

إِنَّ جَبْرَئِيلَ عليه السلام أَتَانِي فَقَالَ: إِنَّا مَعَاشِرَ الْمَلَائِكَةِ لَا نَدْخُلُ بَيْتاً فِيهِ كَلْبٌ وَ لَا تِمْثَالُ جَسَدٍ وَ لَا إِنَاءٌ يُبَالُ فِيهِ.

٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ جَبْرَئِيلَ عليه السلام قَالَ:

إِنَّا لَا نَدْخُلُ بَيْتاً فِيهِ صُورَةٌ وَ لَا كَلْبٌ يَعْنِي صُورَةَ الْإِنْسَانِ وَ لَا بَيْتاً فِيهِ تَمَاثِيلُ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ مَثَّلَ تِمْثَالاً كُلِّفَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ يَنْفُخَ فِيهِ الرُّوحَ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْمُثَنَّى عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ عَلِيّاً عليه السلام كَرِهَ الصُّورَةَ فِي الْبُيُوتِ.

به راستی که جبرئیل پیش من آمد وگفت: همانا ما گروه فرشتگان در خانه‌ای که در آن سگ وعکس بدن وظرفی که در آن ادرار می‌شود، وارد نمی‌شویم.

۳ ـ ابو بصیر نظیر این روایت را از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند.

۴ ـ راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس عکس صورتی را نقش کند در روز قیامت مکلّف می‌شود که در آن روح بدمد.

۵ ـ مثنّی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

به راستی که حضرت علی علیه السلام عکس صورت نقش شده در خانه‌ها را مکروه می‌شمرد.

٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْوِسَادَةِ وَ الْبِسَاطِ يَكُونُ فِيهِ التَّمَاثِيلُ.

فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ يَكُونُ فِي الْبَيْتِ.

قُلْتُ: التَّمَاثِيلُ؟

فَقَالَ: كُلُّ شَيْءٍ يُوطَأُ فَلَا بَأْسَ بِهِ.

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ وَ عَبْدِاللهِ ابْنَيْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللهِ عزّ وجلّ: ﴿يَعْمَلُونَ لَهُ مٰا يَشٰاءُ مِنْ مَحٰارِيبَ وَ تَمٰاثِيلَ﴾ فَقَالَ:

وَ اللهِ، مَا هِيَ تَمَاثِيلَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ لَكِنَّهَا الشَّجَرُ وَ شِبْهُهُ.

٨ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ زُرَارَةَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

---

۶ ـ ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر بر روی فرش و پتو صورت آدمی منقّش باشد، چه حکمی دارد؟

فرمود: مانعی ندارد که در خانه مورد استفاده قرار بگیرد.

من گفتم: نقش صورت آن اشکالی ندارد؟

فرمود: هر نقشی که در زیر پا قرار بگیرد اشکالی ندارد.

۷ ـ ابوالعباس گوید: امام صادق عليه السلام درباره آیه شریفه «جنیان آن چه را که سلیمان عليه السلام می‌خواست؛ از محراب‌ها و عکس‌ها انجام می‌دادند»، فرمود:

به خدا قسم! آن تصویر مردان و زنان نبود؛ بلکه تصویر درخت و امثال آن بود.

۸ ـ زرارة بن اعین گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

لَا بَأْسَ بِأَنْ يَكُونَ التَّمَاثِيلُ فِي الْبُيُوتِ إِذَا غُيِّرَتْ رُءُوسُهَا مِنْهَا وَ تُرِكَ مَا سِوَى ذَلِكَ.

۹ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْعَمْرَكِيِّ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الدَّارِ وَ الْحُجْرَةِ فِيهَا التَّمَاثِيلُ أَ يُصَلَّى فِيهَا؟

فَقَالَ: لَا تُصَلِّ فِيهَا وَ فِيهَا شَيْءٌ يَسْتَقْبِلُكَ إِلَّا أَنْ لَا تَجِدَ بُدّاً فَتَقْطَعَ رُءُوسَهَا وَ إِلَّا فَلَا تُصَلِّ فِيهَا.

۱۰ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمِيثَمِيِّ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُنْذِرِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

ثَلَاثَةٌ مُعَذَّبُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: رَجُلٌ كَذَبَ فِي رُؤْيَاهُ يُكَلَّفُ أَنْ يَعْقِدَ بَيْنَ شَعِيرَتَيْنِ وَ لَيْسَ بِعَاقِدٍ بَيْنَهُمَا وَ رَجُلٌ صَوَّرَ تَمَاثِيلَ يُكَلَّفُ أَنْ يَنْفُخَ فِيهَا وَ لَيْسَ بِنَافِخٍ.

پرده‌ای که صورت آدمی بر آن منقّش باشد اشکالی ندارد، با این شرط که قسمت سر وصورت محو شود ومابقی برجا بماند.

۹ ـ علی بن جعفر عليه السلام گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: آیا در خانه واتاقی که عکس صورت در آن است، می‌شود نماز خواند؟

فرمود: نماز نخوان در حالی که در آن اتاق وخانه عکس صورتی روبه رویت باشد مگر آن که چاره‌ای نیابی؛ پس سر آن عکس را قطع وخراب کن وصورت آن را به هم بزن. وگرنه در آن نماز نخوان.

۱۰ ـ حسین بن منذر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

سه نفر در روز قیامت معذّب‌اند: شخصی که خواب دروغین تعریف می‌کند تکلیف می‌شود که دو تار موی را به هم گره بزند، اما او نمی‌تواند آنها را گره بزند. شخصی که عکس‌هایی را تصویر کرده است تکلیف می‌شود که در آن عکس‌ها روح بدمد واو نمی‌تواند روح بدمد.

۱۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

بَعَثَنِي رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله فِي هَدْمِ الْقُبُورِ وَ كَسْرِ الصُّوَرِ.

۱۲ ـ حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ جَبْرَئِيلُ عليه السلام:

يَا رَسُولَ اللهِ! إِنَّا لَا نَدْخُلُ بَيْتاً فِيهِ صُورَةُ إِنْسَانٍ وَ لَا بَيْتاً يُبَالُ فِيهِ وَ لَا بَيْتاً فِيهِ كَلْبٌ.

۱۳ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ يَحْيَى الْكِنْدِيِّ عَنْ أَبِيهِ وَ كَانَ صَاحِبَ مِطْهَرَةِ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: قَالَ جَبْرَئِيلُ عليه السلام:

إِنَّا لَا نَدْخُلُ بَيْتاً فِيهِ تِمْثَالٌ لَا يُوطَأُ.

---

۱۱ ـ ابن قدّاح گويد: امام صادق عليه السلام فرمود: اميرمؤمنان على عليه السلام فرمود:

پيامبر خدا صلى الله عليه وآله مرا در پى خراب كردن قبرها و شكستن عكس‌ها فرستاد.

۱۲ ـ عمرو بن خالد نظير روايت دوم همين بخش را از امام باقر عليه السلام نقل مى‌كند.

۱۳ ـ يحيى كندى ـ كه آب وضوى اميرمؤمنان على عليه السلام را آماده مى‌ساخت ـ گويد: اميرمؤمنان على عليه السلام فرمود: پيامبر صلى الله عليه وآله فرمود: جبرئيل عليه السلام گفت:

به راستى كه ما به خانه‌اى كه در آن عكس صورتى كه لگد مال نمى‌شود، وارد نمى‌شويم.

(٦٦)
الْحَدِيثُ مُخْتَصَرٌ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

بَعَثَنِي رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله إِلَى الْمَدِينَةِ فَقَالَ:

لَا تَدَعْ صُورَةً إِلَّا مَحَوْتَهَا وَ لَا قَبْراً إِلَّا سَوَّيْتَهُ وَ لَا كَلْباً إِلَّا قَتَلْتَهُ.

(٦٧)
بَابُ تَشْيِيدِ الْبِنَاءِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ الْفَضْلِ النَّوْفَلِيِّ عَنْ زِيَادِ بْنِ عَمْرٍو الْجُعْفِيِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

بخش شصت و ششم
حدیثی کوتاه

۱ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله مرا به مدینه فرستاد وفرمود: هیچ عکسی را وامگذار مگر آن که آن را خراب کنی، هیچ قبری را وامگذار مگر آن که آن را هموار وصاف گردانی وهیچ سگی را وامگذار مگر آن که آن را به قتل برسانی.

بخش شصت و هفتم
بنای مرتفع

۱ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِنَّ اللهَ ﷻ وَكَّلَ مَلَكاً بِالْبِنَاءِ يَقُولُ لِمَنْ رَفَعَ سَقْفاً فَوْقَ ثَمَانِيَةِ أَذْرُعٍ: أَيْنَ تُرِيدُ يَا فَاسِقُ؟!

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ وَ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا كَانَ سَمْكُ الْبَيْتِ فَوْقَ سَبْعَةِ أَذْرُعٍ ـ أَوْ قَالَ: ثَمَانِيَةِ أَذْرُعٍ ـ فَكَانَ مَا فَوْقَ السَّبْعِ وَ الثَّمَانِ الْأَذْرُعِ مُحْتَضَراً.

وَ قَالَ بَعْضُهُمْ: مَسْكُوناً.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ وَ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: شَكَا إِلَيْهِ رَجُلٌ عَبَثَ أَهْلِ الْأَرْضِ بِأَهْلِ بَيْتِهِ وَ بِعِيَالِهِ.

فَقَالَ: كَمْ سَقْفُ بَيْتِكَ؟

فَقَالَ: عَشَرَةُ أَذْرُعٍ.

به راستی که خدای متعال فرشته‌ای را به هر ساختمان موکّل نموده است که به کسی که سقفی را بیشتر از هشت ذرع بالا ببرد می‌گوید: «ای فاسق! کجا می‌خواهی بروی».

۲ ـ هشام بن حکم و دیگران گویند: امام صادق عليه السلام فرمود:

اگر ارتفاع خانه از هشت ذراع (۴ متر) تجاوز کند، فضای فوقانی آن قرارگاه پریان خواهد بود.

۳ ـ ابان بن عثمان گوید: مردی به امام صادق عليه السلام شکایت نمود که موجودات زمینی (مانند جن و...) با اهل بیت و خانواده‌اش بازی می‌کنند.

فرمود: سقف خانه‌ات چه اندازه است؟

عرض کرد: ده ذرع.

فَقَالَ: اذْرَعْ ثَمَانِيَةَ أَذْرُعٍ ثُمَّ اكْتُبْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ فِيمَا بَيْنَ الثَّمَانِيَةِ إِلَى الْعَشَرَةِ كَمَا تَدُورُ فَإِنَّ كُلَّ بَيْتٍ سَمْكُهُ أَكْثَرُ مِنْ ثَمَانِيَةِ أَذْرُعٍ فَهُوَ مُحْتَضَرٌ تَحْضُرُهُ الْجِنُّ يَكُونُ فِيهِ مَسْكَنُهُ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ يُونُسَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ فِي سَمْكِ الْبَيْتِ:

إِذَا رُفِعَ ثَمَانِيَةَ أَذْرُعٍ كَانَ مَسْكُوناً فَإِذَا زَادَ عَلَى ثَمَانِيَةٍ فَلْيُكْتَبْ عَلَى رَأْسِ الثَّمَانِ آيَةُ الْكُرْسِيِّ.

٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ حُمْرَانَ قَالَ: شَكَا رَجُلٌ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام وَ قَالَ: أَخْرَجَتْنَا الْجِنُّ عَنْ مَنَازِلِنَا.

فَقَالَ: اجْعَلُوا سُقُوفَ بُيُوتِكُمْ سَبْعَةَ أَذْرُعٍ وَ اجْعَلُوا الْحَمَامَ فِي أَكْنَافِ الدَّارِ.

قَالَ الرَّجُلُ: فَفَعَلْنَا ذَلِكَ فَمَا رَأَيْنَا شَيْئاً نَكْرَهُهُ بَعْدَ ذَلِكَ.

فرمود: هشت ذرع، ذرع کن، سپس بین ذرع هشتم تا دهم، همان طور که گرداگرد منزل دور می‌زنی آیة الکرسی بنویس؛ زیرا هر خانه‌ای که سقف آن بیشتر از هشت ذرع باشد، آن اقامت‌گاهی برای جنیان خواهد بود که در آن حاضر می‌شوند ومسکن می‌گزینند.

۴ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام درباره سقف خانه فرمود:

هنگامی که تا هشت ذرع بالا رود، محل سکونت است. پس هنگامی که از هشت ذرع بیشتر شود، باید بر سر ذرع هشتم آیة الکرسی نوشته شود.

۵ ـ حمزة بن حمران گوید: مردی به امام باقر عليه السلام شکایت نمود وگفت: جنیان ما را از خانه‌های‌مان بیرون کرده‌اند.

فرمود: سقف خانه‌های خود را هفت ذرع بسازید ودر کنار خانه کبوتر نگه داری کنید.

آن مرد گوید: ما به دستور آن حضرت عمل کردیم وبعد از آن چیز ناپسندی مشاهده ننمودیم.

٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زُرَارَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

ابْنِ بَيْتَكَ سَبْعَةَ أَذْرُعٍ فَمَا كَانَ فَوْقَ ذَلِكَ سَكَنَهُ الشَّيَاطِينُ إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيْسَتْ فِي السَّمَاءِ وَ لَا فِي الْأَرْضِ وَ إِنَّمَا تَسْكُنُ الْهَوَاءَ.

٧ ـ عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ وَ مُحَسِّنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا كَانَ الْبَيْتُ فَوْقَ ثَمَانِيَةِ أَذْرُعٍ فَاكْتُبْ فِي أَعْلَاهُ آيَةَ الْكُرْسِيِّ.

(٦٨)

بَابُ تَحْجِيرِ السُّطُوحِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

---

۶ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

خانه‌ات را هفت ذرع بساز؛ آن چه که بیشتر از هفت ذرع باشد، شیطان‌ها در آن سکونت می‌کنند. به راستی که شیطان‌ها نه در آسمان هستند و نه در زمین؛ بلکه آنها در هوا سکونت دارند.

۷ ـ محمّد بن اسماعیل گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه ارتفاع خانه فراتر از هشت ذرع باشد، در بالای آن آیة الکرسی بنویس.

بخش شصت و هشتم

نرده کشی

۱ ـ هشام بن حکم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

نَهَى رَسُولُ اللهِ ﷺ أَنْ يُبَاتَ عَلَى سَطْحٍ غَيْرِ مُحَجَّرٍ.

٢ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَهْلِ بْنِ الْيَسَعِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ:

مَنْ بَاتَ عَلَى سَطْحٍ غَيْرِ مُحَجَّرٍ فَأَصَابَهُ شَيْءٌ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ.

٣ ـ عَنْهُ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام أَنَّهُ كَرِهَ أَنْ يَبِيتَ الرَّجُلُ عَلَى سَطْحٍ لَيْسَتْ عَلَيْهِ حُجْرَةٌ وَ الرَّجُلُ وَ الْمَرْأَةُ فِي ذَلِكَ سَوَاءٌ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام أَنَّهُ كَرِهَ الْبَيْتُوتَةَ لِلرَّجُلِ عَلَى سَطْحٍ وَحْدَهُ أَوْ عَلَى سَطْحٍ لَيْسَتْ عَلَيْهِ حُجْرَةٌ وَ الرَّجُلُ وَ الْمَرْأَةُ فِيهِ بِمَنْزِلَةٍ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ وَ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فِي السَّطْحِ يُبَاتُ عَلَيْهِ وَ هُوَ غَيْرُ مُحَجَّرٍ قَالَ:

رسول خدا ﷺ از خوابیدن در پشت بام بی‌دیوار نهی فرمود.

۲ ـ سهل بن یسع گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا ﷺ فرمود:

هر کس روی بامی که دیوار ندارد بخوابد وبلا وآفتی به او برسد، جز خودش را سرزنش نکند.

۳ ـ محمّد بن مسلم گوید:

امام صادق عليه السلام کراهت داشت که در پشت بام بی‌حفاظ بخوابند ودر این حکم، زن ومرد یکسانند.

۴ ـ محمّد بن مسلم گوید:

امام صادق عليه السلام کراهت داشت که انسان تنها در پشت بام بخوابد، یا در پشت بامی بخوابد که دیوار و حفاظ نداشته باشد.

۵ ـ محمّد بن ابو حمزه ودیگران گویند:

از امام صادق عليه السلام پرسیدند: اگر ایوانی بدون دیوار باشد وانسان در آن جا بخوابد چه حکمی دارد؟ فرمود:

يُجْزِيهِ أَنْ يَكُونَ مِقْدَارُ ارْتِفَاعِ الْحَائِطِ ذِرَاعَيْنِ.

٦ ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام عَنِ السَّطْحِ يُنَامُ عَلَيْهِ بِغَيْرِ حُجْرَةٍ.

قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله عَنْ ذَلِكَ.

فَسَأَلْتُهُ عَنْ ثَلَاثَةِ حِيطَانٍ.

فَقَالَ: لَا إِلَّا أَرْبَعَةً.

قُلْتُ: كَمْ طُولُ الْحَائِطِ؟

قَالَ: أَقْصَرُهُ ذِرَاعٌ وَ شِبْرٌ.

(٦٩)
بَابُ النَّوَادِرِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ السَّيَّارِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي شَيْخٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

اگر دیوار اطراف ایوان به اندازهٔ یک متر برسد کفایت می‌کند.

۶ ـ عیص بن قاسم گوید: از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: در پشت بامی که دیوار ندارد می‌توان خوابید؟

فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله از خوابیدن در پشت‌بام بی‌دیوار نهی فرمود.

گفتم: اگر از سه جانب دیوار و حفاظ داشته باشد، کافی است؟

فرمود: نه، باید از چهار طرف حصار داشته باشد.

گفتم: ارتفاع دیوار تا چه حد کافی است؟

فرمود: کمترین حد ارتفاع سه وجب (۸۰ سانتی متر) است.

بخش شصت و نهم
چند روایت نکته‌دار

۱ ـ راوی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

مِنْ مُرِّ الْعَيْشِ النُّقْلَةُ مِنْ دَارٍ إِلَى دَارٍ وَ أَكْلُ خُبْزِ الشِّرَى.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ كَسَبَ مَالاً مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ سَلَّطَ اللهُ عَلَيْهِ الْبِنَاءَ وَ الْمَاءَ وَ الطِّينَ.

٣ ـ ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام وَ قَدْ بَنَى بِمِنًى بِنَاءً ثُمَّ هَدَمَهُ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللهِ عزّوجلّ: ﴿**وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لٰكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ**﴾ قَالَ:

تَنَقُّضُ الْجُدُرِ تَسْبِيحُهَا.

٥ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

از سختی زندگی، انتقال از یک خانه به خانه دیگر و خوردن نان خشکیده است.

۲ ـ هشام بن حکم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کس مالی را از غیر راه حلال به دست آورد، خداوند ساختمان، آب و خاک را بر او مسلّط می‌کند.

۳ ـ حسین بن عثمان گوید:

امام کاظم عليه السلام را دیدم که در مِنا ساختمانی ساخته بود و آن گاه آن را خراب نمود.

۴ ـ داوود رقّی گوید: از امام صادق عليه السلام درباره فرموده خداوند: «وهیچ چیز نیست مگر آن که تسبیح حمد خداوند می‌گویند اما شما تسبیح آنان را متوجه نمی‌شوید» سؤال کردم.

فرمود: تَرَک برداشتن دیوارها که صدایی از آن شنیده می‌شود تسبیح آن است.

۵ ـ اسحاق بن عمّار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اكْنُسُوا أَفْنِيَتَكُمْ وَ لَا تَشَبَّهُوا بِالْيَهُودِ.

٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

لَا تُؤْوُوا التُّرَابَ خَلْفَ الْبَابِ فَإِنَّهُ مَأْوَى الشَّيَاطِينِ.

٧ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ حُمَيْدٍ الصَّيْرَفِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

كُلُّ بِنَاءٍ لَيْسَ بِكَفَافٍ فَهُوَ وَبَالٌ عَلَى صَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

٨ ـ عَنْهُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

كَنْسُ الْبَيْتِ يَنْفِي الْفَقْرَ.

٩ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

نَهَى رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله أَنْ يَدْخُلَ بَيْتاً مُظْلِماً إِلَّا بِمِصْبَاحٍ.

فضای اطراف خانه را جاروب کنید و مانند یهودیان نباشید.

۶ ـ یعقوب بن سالم در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام علی عليه السلام فرمود:

خاکروبه را پشت درب قرار ندهید؛ زیرا آن، پناه‌گاه شیاطین است.

۷ ـ حمید صیرفی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر خانه‌ای که اضافه بر نیاز باشد، روز قیامت وبال گردن صاحبش خواهد بود.

۸ ـ راوی گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

جاروب کشیدن خانه، فقر و ناداری را می‌راند.

۹ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى الله عليه و آله نهی نمود که بدون چراغ وارد خانه تاریک شوند.

۱۰ ـ عَنْهُ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُعَلَّى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْخَطَّابِ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

شَكَتْ أَسَافِلُ الْحِيطَانِ إِلَى اللهِ عزّوجلّ مِنْ ثِقْلِ أَعَالِيهَا فَأَوْحَى اللهُ عزّوجلّ إِلَيْهَا: يَحْمِلُ بَعْضُكُمْ بَعْضاً.

۱۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِاللهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله:

بَيْتُ الشَّيَاطِينِ مِنْ بُيُوتِكُمْ بَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ.

۱۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام عَنْ إِغْلَاقِ الْأَبْوَابِ وَ إِيكَاءِ الْأَوَانِي وَ إِطْفَاءِ السِّرَاجِ.

فَقَالَ: أَغْلِقْ بَابَكَ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَفْتَحُ بَاباً وَ أَطْفِ السِّرَاجَ مِنَ الْفُوَيْسِقَةِ وَ هِيَ الْفَأْرَةُ لَا تُحْرِقْ بَيْتَكَ وَ أَوْكِ الْإِنَاءَ.

---

۱۰ ـ ابراهیم بن خطّاب در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

قسمت‌های پایین دیوارها به خداوند از سنگین بودن قسمت‌های بالایی شکایت نمودند. خداوند به آنها وحی نمود: بعضی از شما بعضی دیگر را تحمّل کند.

۱۱ ـ پدر بزرگ عیسی بن عبدالله گوید: امیرمؤمنان علی عليه‌السلام فرمود: پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

خانه شیاطین در خانه‌های شما، همان خانه عنکبوت است.

۱۲ ـ سماعه گوید: از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: به هنگام خوابیدن، بستن درب خانه، سرپوش نهادن بر ظرف غذا و خاموش کردن مشعل لازم است؟

فرمود: درب خانه را قفل کن که شیطان قفل را نمی‌گشاید، چراغ نفتی و مشعل روغنی را خاموش کن تا فاسقک، یعنی موش خانگی، خانه را به آتش نکشاند و بر ظرف غذا سرپوش بگذار که شیطان نتواند به غذا دستبرد بزند.

وَ رُوِيَ: أَنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَكْشِفُ مُخَمَّراً يَعْنِي مُغَطًّى.

١٣ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ الرِّضَا عليه السلام:

إِسْرَاجُ السِّرَاجِ قَبْلَ أَنْ تَغِيبَ الشَّمْسُ يَنْفِي الْفَقْرَ.

١٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله إِذَا خَرَجَ فِي الصَّيْفِ مِنَ الْبَيْتِ خَرَجَ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَدْخُلَ فِي الشِّتَاءِ مِنَ الْبَرْدِ دَخَلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ.

وَ رُوِيَ أَيْضاً: كَانَ دُخُولُهُ وَ خُرُوجُهُ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ.

١٥ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللهِ قَالَ: رَوَى أَبُو هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيُّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ عليه السلام قَالَ:

در روایت دیگری آمده است: به راستی شیطان نمی‌تواند ظرف سرپوشیده‌ای را باز کند.

۱۳ ـ ابو علی اشعری در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

چراغ روشن کردن پیش از آن که خورشید غروب کند، فقر و ناداری را می‌راند.

۱۴ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى الله عليه و آله هرگاه در تابستان از خانه بیرون می‌رفت، روز پنج شنبه بیرون می‌رفت. و هرگاه می‌خواست برگردد در زمستان به خاطر سرما در روز جمعه به خانه وارد می‌شد.

هم چنین روایت شده است که آمدن و بیرون رفتن آن حضرت صلى الله عليه و آله در شب جمعه بود.

۱۵ ـ ابو هاشم جعفری گوید: امام هادی عليه السلام فرمود:

إِنَّ اللهَ ﷻ جَعَلَ مِنْ أَرْضِهِ بِقَاعاً تُسَمَّى الْمَرْحُومَاتِ أَحَبَّ أَنْ يُدْعَى فِيهَا فَيُجِيبَ وَ إِنَّ اللهَ ﷻ جَعَلَ مِنْ أَرْضِهِ بِقَاعاً تُسَمَّى الْمُنْتَقِمَاتِ فَإِذَا كَسَبَ الرَّجُلُ مَالاً مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ سَلَّطَ اللهُ عَلَيْهِ بُقْعَةً مِنْهَا فَأَنْفَقَهُ فِيهَا.

(۷۰)

بَابُ كَرَاهِيَةِ أَنْ يَبِيتَ الْإِنْسَانُ وَحْدَهُ وَ الْخِصَالِ الْمَنْهِيِّ عَنْهَا لِعِلَّةٍ مَخُوفَةٍ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: نَزَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام فَقَالَ:

يَا مَيْمُونُ! مَنْ يَرْقُدُ مَعَكَ بِاللَّيْلِ؟ أَ مَعَكَ غُلَامٌ؟

قُلْتُ: لَا.

قَالَ: فَلَا تَنَمْ وَحْدَكَ؛ فَإِنَّ أَجْرَأَ مَا يَكُونُ الشَّيْطَانُ عَلَى الْإِنْسَانِ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ.

به راستی که خداوند متعال زمین‌هایی به نام «مرحومات» قرار داده است که دوست دارد در آن مکان‌ها از او حاجت بخواهند و او اجابت کند. و همانا خداوند متعال زمین‌هایی به نام «منقمات» قرار داده است. پس هرگاه شخصی مالی را از راه حرام به دست بیاورد، خداوند یکی از آن زمین‌ها را بر او مسلط می‌کند که آن شخص مالش را در آن خرج کند و به هدر دهد.

بخش هفتادم
کراهت تنها خوابیدن

۱ ـ قدّاح گوید: به خدمت امام باقر عليه‌السلام رفتم، حضرت فرمود: ای میمون! در شب چه کسی با تو می‌خوابد؟ آیا غلامی همراهت داری؟

عرض کردم: نه.

فرمود: به تنهایی نخواب، چرا که شیطان بیشترین جرأت را هنگامی بر انسان دارد که تنها باشد.

۲ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام قَالَ:

مَنْ تَخَلَّى عَلَى قَبْرٍ أَوْ بَالَ قَائِماً أَوْ بَالَ فِي مَاءٍ قَائِماً أَوْ مَشَى فِي حِذَاءٍ وَاحِدٍ أَوْ شَرِبَ قَائِماً أَوْ خَلَا فِي بَيْتٍ وَحْدَهُ وَ بَاتَ عَلَى غَمَرٍ فَأَصَابَهُ شَيْءٌ مِنَ الشَّيْطَانِ لَمْ يَدَعْهُ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللهُ وَ أَسْرَعُ مَا يَكُونُ الشَّيْطَانُ إِلَى الْإِنْسَانِ وَ هُوَ عَلَى بَعْضِ هَذِهِ الْحَالَاتِ، فَإِنَّ رَسُولَ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله خَرَجَ فِي سَرِيَّةٍ فَأَتَى وَادِيَ مَجَنَّةٍ فَنَادَى أَصْحَابَهُ:

أَلَا لِيَأْخُذْ كُلُّ رَجُلٍ مِنْكُمْ بِيَدِ صَاحِبِهِ وَ لَا يَدْخُلَنَّ رَجُلٌ وَحْدَهُ وَ لَا يَمْضِي رَجُلٌ وَحْدَهُ.

قَالَ: فَتَقَدَّمَ رَجُلٌ وَحْدَهُ فَانْتَهَى إِلَيْهِ وَ قَدْ صُرِعَ.

فَأُخْبِرَ بِذَلِكَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله فَأَخَذَ بِإِبْهَامِهِ فَغَمَزَهَا ثُمَّ قَالَ: بِسْمِ اللهِ اخْرُجْ خَبِيثُ أَنَا رَسُولُ اللهِ.

قَالَ: فَقَامَ.

---

۲ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام باقر عليه‌السلام فرمود:

هر کس روی قبری قضای حاجت کند، یا ایستاده ادرار نماید، یا ایستاده در آب ادرار کند، یا با یک لنگه کفش راه برود، یا ایستاده آب بنوشد، یا تنها در خانه‌ای بماند، یا با دستان آلوده به چربی گوشت بخوابد و آفتی از شیطان به او برسد، او را رها نخواهد کرد، مگر این که خداوند اراده کند و سریع‌ترین حالتی که شیطان به انسان آسیب می‌رساند حالتی است که انسان در یکی از این موارد قرار داشته باشد. پس به راستی که پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در یکی از جنگ‌ها خارج شد و به منطقه‌ای رسید که در آن جنّیان بودند. آن گاه به یاران خود ندا داد: آگاه باشید! هر کدام از شما باید دست رفیق خود را بگیرد و هیچ کس به تنهایی وارد نشود و تنهایی از این جا نگذرد.

پس مردی به تنهایی وارد شد و دچار صرع شد.

این خبر را به پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله گزارش دادند، حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله انگشت ابهام او را گرفت و آن را فشرد سپس فرمود: بسم الله، بیرون رو ای حیله‌گر! من پیامبر خدا هستم.

پس آن مرد بهبود یافت و برخاست.

٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانٍ الْأَحْمَرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ:

إِنَّ الشَّيْطَانَ أَشَدَّ مَا يَهُمُّ بِالْإِنْسَانِ حِينَ يَكُونُ وَحْدَهُ خَالِياً لَا أَرَى أَنْ يَرْقُدَ وَحْدَهُ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَبِيتُ فِي بَيْتٍ وَحْدَهُ.

فَقَالَ: إِنِّي لَأَكْرَهُ ذَلِكَ وَ إِنِ اضْطُرَّ إِلَى ذَلِكَ فَلَا بَأْسَ وَ لَكِنْ يُكْثِرُ ذِكْرَ اللهِ فِي مَنَامِهِ مَا اسْتَطَاعَ.

٥ ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام أَنَّهُ كَرِهَ أَنْ يَنَامَ فِي بَيْتٍ لَيْسَ عَلَيْهِ بَابٌ وَ لَا سِتْرٌ.

٦ ـ وَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ:

إِنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله كَرِهَ أَنْ يَدْخُلَ بَيْتاً مُظْلِماً إِلَّا بِسِرَاجٍ.

---

۳ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

به راستی که شدیدترین زمانی که شیطان به انسان توجّه می‌کند تا به او آسیب برساند، زمانی است که انسان تنها باشد. من روا نمی‌بینم که انسان تنهایی بخوابد.

۴ ـ سماعة بن مهران گوید: از امام صادق عليه السلام درباره کسی که تنها در خانه‌ای می‌خوابد پرسیدم.

فرمود: به راستی که من این عمل را مکروه می‌شمارم واگر به این کار ناچار شود ایرادی ندارد. اما تا جایی که می‌تواند در رختخوابش نام خدا را به زبان آورد.

۵ ـ طلحة بن زید گوید: امام صادق عليه السلام مکروه می‌شمرد که در خانه‌ای که نه درب دارد و نه پوششی، بخوابند.

۶ ـ به همین سند گوید: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله مکروه می‌داشت که بدون چراغ وارد خانه تاریک شوند.

۷ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِيهِ مَيْمُونٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ لِمُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ: أَيْنَ نَزَلْتَ؟

قَالَ: فِي مَكَانِ كَذَا وَ كَذَا.

قَالَ: مَعَكَ أَحَدٌ؟

قَالَ: لَا.

قَالَ: لَا تَكُنْ وَحْدَكَ تَحَوَّلْ عَنْهُ يَا مَيْمُونُ! فَإِنَّ الشَّيْطَانَ أَجْرَأُ مَا يَكُونُ عَلَى الْإِنْسَانِ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ.

۸ ـ سَهْلٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام أَنَّهُ قَالَ:

---

۷ ـ میمون گوید: امام باقر عليه السلام به محمّد بن سلیمان فرمود: در کجا اسکان یافته‌ای؟

عرض کرد: در فلان مکان.

فرمود: کسی همراهت است؟

عرض کرد: نه.

فرمود: ای میمون! تنها نباش؛ از تنهایی کناره گیر! زیرا بیشترین جرأت را شیطان هنگامی بر انسان دارد که تنها باشد.

۸ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام (باقر عليه السلام یا امام صادق عليه السلام) فرمود:

لَا تَشْرَبْ وَ أَنْتَ قَائِمٌ وَ لَا تَبُلْ فِي مَاءٍ نَقِيعٍ وَ لَا تَطُفْ بِقَبْرٍ وَ لَا تَخْلُ فِي بَيْتٍ وَحْدَكَ وَ لَا تَمْشِ فِي نَعْلٍ وَاحِدٍ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ أَسْرَعَ مَا يَكُونُ إِلَى الْعَبْدِ إِذَا كَانَ عَلَى بَعْضِ هَذِهِ الْأَحْوَالِ.

وَ قَالَ: إِنَّهُ مَا أَصَابَ أَحَداً شَيْءٌ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ فَكَادَ أَنْ يُفَارِقَهُ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللهُ ﷻ.

۹ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الشَّيْطَانَ أَشَدَّ مَا يَهُمُّ بِالْإِنْسَانِ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ فَلَا تَبِيتَنَّ وَحْدَكَ وَ لَا تُسَافِرَنَّ وَحْدَكَ.

۱۰ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الدِّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام قَالَ:

در حالی که ایستاده‌ای آب ننوش، در آب راکد ادرار نکن، روی قبر غائط نکن، در خانه‌ای تنها نباش، با یک لنگ کفش راه نرو؛ چرا که سریع‌ترین زمانی که شیطان به انسان آسیب می‌رساند، هنگامی است که انسان در یکی از این حالت‌ها قرار داشته باشد.

و فرمود: به راستی که ممکن نیست که آفتی که در یکی از این حالت به انسان برسد، نزدیک است که از بین برود، مگر آن که خداوند بخواهد.

۹ ـ حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

به راستی سخت‌ترین زمانی که شیطان به انسان توجّه دارد زمانی است که او تنها باشد؛ پس تنها نخوابید و تنها مسافرت نکنید.

۱۰ ـ ابراهیم بن عبدالحمید گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

ثَلَاثَةٌ يُتَخَوَّفُ مِنْهَا الْجُنُونُ التَّغَوُّطُ بَيْنَ الْقُبُورِ وَ الْمَشْيُ فِي خُفٍّ وَاحِدٍ وَ الرَّجُلُ يَنَامُ وَحْدَهُ.

وَ هَذِهِ الْأَشْيَاءُ إِنَّمَا كُرِهَتْ لِهَذِهِ الْعِلَّةِ وَ لَيْسَتْ هِيَ بِحَرَامٍ.

تَمَّ كِتَابُ الزِّيِّ وَ التَّجَمُّلِ وَ الْمُرُوءَةِ وَ يَتْلُوهُ كِتَابُ الدَّوَاجِنِ بِعَوْنِ اللهِ تَعَالَى شَأْنُهُ.

سه چیز است که از آنها بیم دیوانگی می‌رود: دفع مدفوع در بین قبرها، راه رفتن با یک لنگه کفش و شخصی که تنهایی می‌خوابد.

این امور بدین جهت مکروه شده است؛ ولی حرام نیستند.

پایان کتاب احکام پوشش، خودآرایی و جوانمردی و در پی آن به یاری خداوند متعال کتاب دام‌ها و دام پروری خواهد آمد.

كِتَابُ الدَّوَاجِنِ

كتاب

دام‌ها و دام‌پروری

(۱)
بَابُ ارْتِبَاطِ الدَّابَّةِ وَ الْمَرْكُوبِ

۱ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنِ ابْنِ طَيْفُورٍ الْمُتَطَبِّبِ قَالَ: سَأَلَنِي أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام: أَيَّ شَيْءٍ تَرْكَبُ؟

قُلْتُ: حِمَاراً.

فَقَالَ: بِكَم ابْتَعْتَهُ؟

قُلْتُ: بِثَلَاثَةَ عَشَرَ دِينَاراً.

فَقَالَ: إِنَّ هَذَا هُوَ السَّرَفُ أَنْ تَشْتَرِيَ حِمَاراً بِثَلَاثَةَ عَشَرَ دِينَاراً وَ تَدَعَ بِرْذَوْناً.

قُلْتُ: يَا سَيِّدِي! إِنَّ مَئُونَةَ الْبِرْذَوْنِ أَكْثَرُ مِنْ مَئُونَةِ الْحِمَارِ.

قَالَ: فَقَالَ: إِنَّ الَّذِي يَمُونُ الْحِمَارَ يَمُونُ الْبِرْذَوْنَ. أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ مَنِ ارْتَبَطَ دَابَّةً مُتَوَقِّعاً بِهِ أَمْرَنَا وَ يَغِيظُ بِهِ عَدُوَّنَا وَ هُوَ مَنْسُوبٌ إِلَيْنَا أَدَرَّ اللهُ رِزْقَهُ وَ شَرَحَ صَدْرَهُ وَ بَلَّغَهُ أَمَلَهُ وَ كَانَ عَوْناً عَلَى حَوَائِجِهِ؟!

بخش یکم
نگه داری چارپا و حیوان سواری

۱ ـ ابن طیفور متطبّب گوید: امام کاظم عليه السلام از من پرسید: سوار چه حیوانی می‌شوی؟

گفتم: درازگوش.

فرمود: آن را به چه قیمتی خریدی؟

گفتم: به سیزده دینار.

فرمود: به راستی که این اسراف است که درازگوشی را به سیزده دینار بخری و اسب تاتاری را واگذاری.

گفتم: سرورم! هزینه نگه‌داری اسب تاتاری بیشتر از هزینه نگه‌داری دراز گوش است.

فرمود: همانا کسی که هزینه نگهداری دراز گوش را می‌پردازد، هزینه نگهداری اسب تاتاری را نیز می‌پردازد. مگر نمی‌دانی کسی که چارپایی را نگه‌داری کند که با آن چارپا منتظر امر قیام ما باشد و با آن به دشمن ما خشم بورزد در حالی که منسوب به ما باشد، خداوند رزق و روزی‌اش را جاری می‌کند، سینه‌اش را فراخ می‌نماید، آرزویش را به سرانجام می‌رساند و یاور او در نیازهایش باشد.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ جُنْدَبٍ قَالَ: حَدَّثَنِي رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

تِسْعَةُ أَعْشَارِ الرِّزْقِ مَعَ صَاحِبِ الدَّابَّةِ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

أَهْدَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام إِلَى رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله أَرْبَعَةَ أَفْرَاسٍ مِنَ الْيَمَنِ.

فَقَالَ: سَمِّهَا لِي.

فَقَالَ: هِيَ أَلْوَانٌ مُخْتَلِفَةٌ.

قَالَ: فَفِيهَا وَضَحٌ؟

فَقَالَ: نَعَمْ فِيهَا أَشْقَرُ بِهِ وَضَحٌ.

قَالَ: فَأَمْسِكْهُ عَلَيَّ.

قَالَ: وَ فِيهَا كُمَيْتَانِ أَوْضَحَانِ.

---

۲ ـ یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

نُه دهم روزی همراه صاحب چارپا است.

۳ ـ سلیمان جعفری گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی عليه السلام به پیامبر خدا صلى الله عليه وآله چهار اسب یمنی هدیه داد.

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: ای علی! آنها را برایم توصیف کن.

عرض کرد: آن اسب‌ها در رنگ‌های مختلفی هستند.

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: آیا در آنها سفیدی است؟

علی مرتضی عليه السلام عرض کرد: یک اسب قرمز رنگ است که در آن سفیدی است.

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: پس آن را برایم نگه دار.

علی مرتضی عليه السلام عرض کرد: ودر آنها دو اسب سرخ مایل به سیاه است که در آنها سفیدی است.

فَقَالَ: أَعْطِهِمَا ابْنَيْكَ.

قَالَ: وَ الرَّابِعُ أَدْهَمُ بَهِيمٌ.

قَالَ: بِعْهُ وَ اسْتَخْلِفْ بِهِ نَفَقَةً لِعِيَالِكَ إِنَّمَا يُمْنُ الْخَيْلِ فِي ذَوَاتِ الْأَوْضَاحِ.

قَالَ: وَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه‌السلام يَقُولُ:

كَرِهْنَا الْبَهِيمَ مِنَ الدَّوَابِّ كُلِّهَا إِلَّا الْحِمَارَ وَ الْبَغْلَ وَ كَرِهْتُ شِيَةَ الْأَوْضَاحِ فِي الْحِمَارِ وَ الْبَغْلِ الْأَلْوَنِ وَ كَرِهْتُ الْقُرْحَ فِي الْبَغْلِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ بِهِ غُرَّةٌ سَائِلَةٌ وَ لَا أَشْتَهِيهَا عَلَى حَالٍ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِئَابٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام:

اشْتَرِ دَابَّةً فَإِنَّ مَنْفَعَتَهَا لَكَ وَ رِزْقَهَا عَلَى اللهِ عزّوجلّ.

٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام:

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: آنها را به پسرانت ببخش.

علی مرتضی علیه‌السلام عرض کرد: چهارمین اسب نیز ادهم خالص (سیاهی مایل به سفیدی) است.

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: آن را بفروش و با آن نفقه‌ای برای خانواده‌ات به جای گذار. به راستی که میمنت و شگون اسب‌ها در اسب‌هایی است که لکه سفید دارند.

سلیمان گوید: هم چنین امام کاظم علیه‌السلام فرمود:

ما چارپایانی را که رنگ خالص دارند ناپسند می‌داریم جز دراز گوش و استر. من درازگوش سفید رنگ و استر را ـ هر رنگی که باشد ـ که دارای لکه‌های مختلف هستند ناپسند می‌دارم. و سفیدی در پیشانی استر را ناپسندی دارم، جز این که سفیدی تا بینی‌اش باشد و به درازگوش و استری که سفیدی دارند علاقه ندارم.

۴ ـ علی بن رئاب گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمود:

برای سواری، چارپا تهیه کن که منافع آن برای توست و روزی آن برعهدهٔ خداوند است.

۵ ـ داوود رقی گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمود:

مَنِ اشْتَرَى دَابَّةً كَانَ لَهُ ظَهْرُهَا وَ عَلَى اللهِ رِزْقُهَا.

٦ ـ سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

اتَّخِذْ حِمَاراً يَحْمِلْ رَحْلَكَ، فَإِنَّ رِزْقَهُ عَلَى اللهِ.

قَالَ: فَاتَّخَذْتُ حِمَاراً وَ كُنْتُ أَنَا وَ يُوسُفُ أَخِي إِذَا تَمَّتِ السَّنَةُ حَسَبْنَا نَفَقَاتِنَا فَنَعْلَمُ مِقْدَارَهَا فَحَسَبْنَا بَعْدَ شِرَاءِ الْحِمَارِ نَفَقَاتِنَا فَإِذَا هِيَ كَمَا كَانَتْ فِي كُلِّ عَامٍ لَمْ تَزِدْ شَيْئاً.

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مِنْ سَعَادَةِ الْمُؤْمِنِ دَابَّةٌ يَرْكَبُهَا فِي حَوَائِجِهِ وَ يَقْضِي عَلَيْهَا حُقُوقَ إِخْوَانِهِ.

٨ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله:

هر کس چارپایی بخرد، چارپا از آنِ او و روزی آن برعهده خداوند است.

۶ ـ یونس بن یعقوب گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود:

درازگوشی تهیه کن تا اثاث تو را حمل کند؛ زیرا روزی آن برعهده خداوند است.

یونس گوید: من درازگوشی خریدم و من و برادرم یوسف، هنگامی که سال به پایان رسید هزینه خود را حساب کردیم و مقدار آن را به دست آوردیم. آن گاه هزینه خود را پس از خرید درازگوش حساب کردیم و دیدیم هزینه‌های ما مانند هر ساله بود و چیزی اضافه نشده بود.

۷ ـ محمّد بن مروان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

از سعادت مؤمن این است که چارپایی داشته باشد که برای انجام کارهایش سوارش گردد و بر روی آن، حقوق برادرانش را به جا آورد.

۸ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه و آله فرمود:

مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ الْمَرْكَبُ الْهَنِيءُ.

۹ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ وَ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ زِيَادٍ الْقَنْدِيِّ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

اتَّخِذُوا الدَّابَّةَ، فَإِنَّهَا زَيْنٌ وَ تُقْضَى عَلَيْهَا الْحَوَائِجُ وَ رِزْقُهَا عَلَى اللهِ جَلَّ ذِكْرُهُ.

قَالَ وَ حَدَّثَنِي بِهِ عَمَّارُ بْنُ الْمُبَارَكِ وَ زَادَ فِيهِ: وَ تَلْقَى عَلَيْهَا إِخْوَانَكَ.

وَ رُوِيَ أَنَّهُ قَالَ: عَجَبٌ لِصَاحِبِ الدَّابَّةِ كَيْفَ تَفُوتُهُ الْحَاجَةُ.

۱۰ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلَادِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

مِنْ شَقَاءِ الْعَيْشِ الْمَرْكَبُ السَّوْءُ.

از سعادت مرد مسلمان داشتن مرکب رام و خوش سوار است.

۹ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

چارپا تهیّه کنید؛ چرا که آن زینت است، به وسیله آن، نیازها انجام می‌شوند و روزی آن بر عهدهٔ خداوند است.

عبدالله بن سنان گوید: عمّار بن مبارک این حدیث را برایم نقل نمود و افزود:

امام عليه السلام فرمود: و روی آن برادرانت را ملاقات می‌کنی.

و روایت شده است که ایشان فرمود: عجیب است برای صاحب چارپا که چگونه نیازش فوت شود!

۱۰ ـ علی بن مغیره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

از سختی زندگی، داشتن مرکب بد است.

(۲)
بَابُ نَوَادِرَ فِي الدَّوَابِّ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: لِلدَّابَّةِ عَلَى صَاحِبِهَا سِتَّةُ حُقُوقٍ: لَا يُحَمِّلُهَا فَوْقَ طَاقَتِهَا وَ لَا يَتَّخِذُ ظَهْرَهَا مَجَالِسَ يَتَحَدَّثُ عَلَيْهَا وَ يَبْدَأُ بِعَلْفِهَا إِذَا نَزَلَ وَ لَا يَسِمُهَا وَ لَا يَضْرِبُهَا فِي وَجْهِهَا فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ وَ يَعْرِضُ عَلَيْهَا الْمَاءَ إِذَا مَرَّ بِهِ.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ فِيمَا أَظُنُّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

رُئِيَ أَبُو ذَرٍّ رضي الله عنه يَسْقِي حِمَاراً بِالرَّبَذَةِ فَقَالَ لَهُ بَعْضُ النَّاسِ: أَ مَا لَكَ يَا أَبَا ذَرٍّ! مَنْ يَكْفِيكَ سَقْيَ الْحِمَارِ؟

فَقَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ:

بخش دوم
روایت‌های نکته دار درباره چارپایان

۱ ـ سکونی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

چارپا شش حق بر صاحب خود دارد، بیشتر از توانش از آن بار نکشد، پشت آن را محل نشستن قرار ندهد که روی آن سخن گوید، هنگامی که پیاده شد ابتدا علوفه آن را بدهد، بر آن نشانه و داغ نگذارد، به صورتش ضربه نزند؛ زیرا آن تسبیح خداوند می‌گوید و هنگامی که از کنار آب می‌گذرد، به آن آب دهد.

۲ ـ سلیمان بن خالد گوید: گمان می‌کنم امام صادق علیه السلام فرمود:

مشاهده شد که ابوذر رضي الله عنه در ربذه به درازگوشی آب می‌دهد.

بعضی از مردم به او گفتند: آیا کسی را نداری که تو را از آب دادن به دراز گوش بی‌نیاز کند؟!

ابوذر گفت: از پیامبر خدا صلى الله عليه وآله شنیدم که می‌فرمود:

«مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا وَ هِيَ تَسْأَلُ اللهَ كُلَّ صَبَاحٍ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي مَلِيكاً صَالِحاً يُشْبِعُنِي مِنَ الْعَلَفِ وَ يُرْوِينِي مِنَ الْمَاءِ وَ لَا يُكَلِّفُنِي فَوْقَ طَاقَتِي».

فَأَنَا أُحِبُّ أَنْ أَسْقِيَهُ بِنَفْسِي.

۳ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ طَرْخَانَ النَّخَّاسِ قَالَ: مَرَرْتُ بِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام وَ قَدْ نَزَلَ الْحِيرَةَ فَقَالَ لِي: مَا عِلَاجُكَ؟

قُلْتُ: نَخَّاسٌ.

فَقَالَ: أَصِبْ لِي بَغْلَةً فَضْحَاءَ.

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! وَ مَا الْفَضْحَاءُ؟

قَالَ: دَهْمَاءُ بَيْضَاءُ الْبَطْنِ بَيْضَاءُ الْأَفْحَاجِ بَيْضَاءُ الْجَحْفَلَةِ.

قَالَ: فَقُلْتُ: وَ اللهِ! مَا رَأَيْتُ مِثْلَ هَذِهِ الصِّفَةِ.

فَرَجَعْتُ مِنْ عِنْدِهِ فَسَاعَةً دَخَلْتُ الْخَنْدَقَ إِذَا أَنَا غُلَامٌ قَدْ أَشْفَى عَلَى بَغْلَةٍ عَلَى هَذَا الصِّفَةِ فَسَأَلْتُ الْغُلَامَ لِمَنْ هَذِهِ الْبَغْلَةُ؟

«هیچ چارپایی نیست مگر آن که هر صبح از خداوند چنین می‌خواهد: خداوندا! به من صاحبی شایسته عطا کن که از علوفه سیرم کند و از آب سیرابم سازد و بیشتر از توانم مرا تکلیف نکند».

پس دوست دارم که خودم به او آب بدهم.

۳ ـ طَرْخان نخاس گوید: به خدمت امام صادق عليه السلام که در حیره منزل کرده بود شرف‌یاب شدم.

حضرت به من فرمود: شغلت چیست؟

گفتم: مال فروشم.

فرمود: قاطری برایم تهیه کن که اندکی سفید باشد و سفیدی آن شدید نباشد.

گفتم: فدایتان گردم! قاطر اندکی سفید دیگر چیست؟

فرمود: قاطر سیاهی است که شکمش، بین پاهایش و پوزه آن سفید است.

گفتم: به خدا سوگند! چنین قاطری را ندیده‌ام.

از نزد ایشان بازگشتم. در همان ساعتی که وارد خندق شدم دیدم که غلامی سوار بر قاطری به همین صفت بود.

از غلام پرسیدم: این قاطر از آنِ کیست؟

فَقَالَ: لِمَوْلَايَ.
قُلْتُ: يَبِيعُهَا؟
قَالَ: لَا أَدْرِي.
فَتَبِعْتُهُ حَتَّى أَتَيْتُ مَوْلَاهُ فَاشْتَرَيْتُهَا مِنْهُ وَ أَتَيْتُهُ بِهَا.
فَقَالَ: هَذِهِ الصِّفَةُ الَّتِي أَرَدْتُهَا.
قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! ادْعُ اللهَ لِي.
فَقَالَ: أَكْثَرَ اللهُ مَالَكَ وَ وَلَدَكَ.
قَالَ: فَصِرْتُ أَكْثَرَ أَهْلِ الْكُوفَةِ مَالاً وَ وَلَداً.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ:
لَا تَضْرِبُوا الدَّوَابَّ عَلَى وُجُوهِهَا؛ فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ بِحَمْدِ اللهِ.
قَالَ: وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ: لَا تَسِمُوهَا فِي وُجُوهِهَا.

گفت: از آنِ مولای من است.
گفتم: آن را می‌فروشد؟
گفت: نمی‌دانم.
من در پی او رفتم تا این که نزد مولای غلام رسیدم و قاطر را از او خریدم و نزد امام علیه السلام آوردم.
فرمود: این گونه قاطر می‌خواستم.
گفتم: قربانتان گردم! برایم دعا کنید.
فرمود: خداوند مال و فرزندت را فراوان سازد.
طرخان گوید: من بین مردم کوفه بیشترین مال و فرزند را دارا شدم.

۴ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر خدا ﷺ فرمود:
به صورت چارپایان ضربه نزنید؛ زیرا تسبیح خداوند می‌گوید.
و در حدیثی دیگر چنین است: در صورت آنها داغ نگذارید.

۵ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ عُبَيْدِ اللهِ الدِّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

إِذَا عَثَرَتِ الدَّابَّةُ تَحْتَ الرَّجُلِ فَقَالَ لَهَا: تَعَسْتِ؟ تَقُولُ: تَعَسَ أَعْصَانَا لِلرَّبِّ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَعْفَرِيِّ رَفَعَهُ قَالَ: سَأَلْتُ الصَّادِقَ عليه السلام مَتَى أَضْرِبُ دَابَّتِي تَحْتِي؟

فَقَالَ: إِذَا لَمْ تَمْشِ تَحْتَكَ كَمَشْيَتِهَا إِلَى مِذْوَدِهَا.

۷ ـ وَ رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله أَنَّهُ قَالَ:

اضْرِبُوهَا عَلَى النِّفَارِ وَ لَا تَضْرِبُوهَا عَلَى الْعِثَارِ.

۸ ـ حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْخَشَّابِ عَنِ ابْنِ بَقَّاحٍ عَنْ مُعَاذٍ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

لَا تَتَوَرَّكُوا عَلَى الدَّوَابِّ وَ لَا تَتَّخِذُوا ظُهُورَهَا مَجَالِسَ.

---

۵ ـ دُرُست گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

هرگاه چارپا زمین بخورد و شخص سوار آن بگوید: «هلاک گردی!» چارپا می‌گوید: «هلاک گردد آن که بیشتر پروردگارش را معصیت می‌کند!» (یعنی من تو را بیشتر نافرمانی می‌کنم یا تو پروردگارت را؟!)

۶ ـ علی بن ابراهیم جعفری در روایت مرفوعه‌ای گوید:

از امام صادق عليه السلام پرسیدم: چه هنگامی چارپایی را که بر آن سوارم بزنم؟

فرمود: هرگاه تو سوار آن هستی مانند رفتنش به چراگاهش راه نمی‌رود.

۷ ـ از پیامبر صلى الله عليه وآله روایت شده است که فرمود: چارپایان را به جهت سرکشی بزنید و به جهت زمین خوردن نزنید.

۸ ـ عمرو بن جمیع گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

روی یک ران چارپا ننشینید و کمر آنها محل نشستن قرار ندهید.

۹ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِئَابٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه‌السلام يَقُولُ:

مَا بَهِمَتِ الْبَهَائِمُ فَلَمْ تُبْهَمْ عَنْ أَرْبَعَةٍ مَعْرِفَتِهَا بِالرَّبِّ وَ مَعْرِفَتِهَا بِالْمَوْتِ وَ مَعْرِفَتِهَا بِالْأُنْثَى مِنَ الذَّكَرِ وَ مَعْرِفَتِهَا بِالْمَرْعَى عَنِ الْخِصْبِ.

۱۰ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

لِكُلِّ شَيْءٍ حُرْمَةٌ وَ حُرْمَةُ الْبَهَائِمِ فِي وُجُوهِهَا.

۱۱ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ الْحَجَّالِ وَ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

مَهْمَا أُبْهِمَ عَلَى الْبَهَائِمِ مِنْ شَيْءٍ فَلَا يُبْهَمُ عَلَيْهَا أَرْبَعَةُ خِصَالٍ: مَعْرِفَةُ أَنَّ لَهَا خَالِقاً وَ مَعْرِفَةُ طَلَبِ الرِّزْقِ وَ مَعْرِفَةُ الذَّكَرِ مِنَ الْأُنْثَى وَ مَخَافَةُ الْمَوْتِ.

۱۲ ـ سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُّونٍ عَنِ الْأَصَمِّ عَنْ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله:

---

۹ ـ ابو حمزه گوید: امام سجّاد عليه‌السلام فرمود:

هر چقدر که چارپایان تشخیص ندهند، از چهار چیز ناآگاه نیستند: شناختن پروردگار، شناختن مرگ، شناختن تفاوت مؤنث با مذکر و شناختن چراگاه سرسبز.

۱۰ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هر چیزی حرمتی دارد و حرمت چارپایان در صورت آنهاست.

۱۱ ـ راوی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هر اندازه که اشیا بر چارپایان مجهول و مبهم باشد، چهار چیز بر آنان مجهول نیست: شناختن این که خالقی دارد، شناختن طلب رزق و روزی، شناخت مذکر از مؤنث و ترس از مرگ.

۱۲ ـ مسمع بن عبدالملک نظیر بخش دوم روایت هفتم همین بخش را از امام صادق عليه‌السلام از پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل می‌کند.

اضْرِبُوهَا عَلَى النِّفَارِ وَ لَا تَضْرِبُوهَا عَلَى الْعِثَارِ.

۱۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه‌السلام يَقُولُ:

عَلَى كُلِّ مَنْخِرٍ مِنَ الدَّوَابِّ شَيْطَانٌ فَإِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يُلْجِمَهَا فَلْيُسَمِّ اللهَ عزّوجلّ.

۱٤ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِئَابٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما‌السلام قَالَ:

أَيُّمَا دَابَّةٍ اسْتَصْعَبَتْ عَلَى صَاحِبِهَا مِنْ لِجَامٍ وَ نِفَارٍ فَلْيَقْرَأْ فِي أُذُنِهَا أَوْ عَلَيْهَا: ﴿أَفَغَيْرَ دِينِ اللهِ يَبْغُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمٰوٰاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾.

۱٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام:

إِنَّ مِنَ الْحَقِّ أَنْ يَقُولَ الرَّاكِبُ لِلْمَاشِي: الطَّرِيقَ.

وَ فِي نُسْخَةٍ أُخْرَى: إِنَّ مِنَ الْجَوْرِ أَنْ يَقُولَ الرَّاكِبُ لِلْمَاشِي: الطَّرِيقَ.

---

۱۳ ـ یعقوب بن جعفر گوید: از امام کاظم علیه‌السلام شنیدم که می‌فرمود:

بر هر سوراخ بینی چارپایان شیطانی است. پس هرگاه یکی از شما اراده کند آن را لگام زند، باید نام خدای متعال را به زبان آورد.

۱۴ ـ ابوعبیده گوید: (امام باقر علیه‌السلام یا امام صادق علیه‌السلام) فرمود:

هر چارپایانی که کار را بر صاحبش سخت کند؛ هنگام لگام زدن و سرکشی کردن در گوش آن یا روی آن بخواند: ﴿**أَفَغَيْرَ دِينِ ٱللهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي ٱلسَّمَاوَاتِ وَٱلْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ**﴾.

۱۵ ـ هشام بن سالم گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمود:

به راستی که یکی از حقوق این است که سواره به پیاده بگوید: «الطریق»؛ «راه باز کن».

در نسخه دیگری چنین آمده است: به راستی که از جفاها این است که سواره به پیاده بگوید: «الطریق».

١٦ ـ وَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ:
خَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ هُوَ رَاكِبٌ فَمَشَوْا مَعَهُ.
فَقَالَ: أَ لَكُمْ حَاجَةٌ؟
قَالُوا: لَا وَ لَكِنَّا نُحِبُّ أَنْ نَمْشِيَ مَعَكَ.
فَقَالَ لَهُمْ: انْصَرِفُوا! فَإِنَّ مَشْيَ الْمَاشِي مَعَ الرَّاكِبِ مَفْسَدَةٌ لِلرَّاكِبِ وَ مَذَلَّةٌ لِلْمَاشِي.

١٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الدِّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:
إِذَا رَكِبَ الرَّجُلُ الدَّابَّةَ فَسَمَّى رَدِفَهُ مَلَكٌ يَحْفَظُهُ حَتَّى يَنْزِلَ وَ إِذَا رَكِبَ وَ لَمْ يُسَمِّ رَدِفَهُ شَيْطَانٌ فَيَقُولُ لَهُ: تَغَنَّ. فَإِنْ قَالَ لَهُ: لَا أُحْسِنُ قَالَ لَهُ: تَمَنَّ. فَلَا يَزَالُ يَتَمَنَّى حَتَّى يَنْزِلَ.

---

۱۶ ـ هشام گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی عليه السلام خارج شد در حالی که سواره بود. مردم نیز همراه آن حضرت راه می‌رفتند.
حضرت عليه السلام فرمود: آیا حاجتی دارید؟
عرض کردند: نه؛ امّا ما دوست داریم که همراه شما راه برویم.
فرمود: برگردید! زیرا راه رفتن پیاده به همراه سواره، باعث مفسده برای سواره و خواری برای پیاده است.

۱۷ ـ ابراهیم بن عبدالحمید گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:
هرگاه انسان سوار چارپایی شود ونام خداوند را ذکر کند، فرشته‌ای ترک آن سواری شود واز او محافظت می‌کند تا این که او پیاده گردد. وهرگاه سوار شود ونام خدا را نبرد، شیطان ترک آن سوار می‌شود وبه او می‌گوید: «آواز بخوان»، پس اگر شخص به او بگوید: «بلد نیستم» شیطان به او می‌گوید: «آرزو کن»؛ یعنی قصد گناه کن. پس او همین طور آرزو می‌کند تا این که پیاده گردد.

وَ قَالَ مَنْ قَالَ إِذَا رَكِبَ الدَّابَّةَ: بِسْمِ اللهِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ ﴿الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدٰانٰا لِهٰذٰا﴾ الْآيَةَ وَ ﴿سُبْحٰانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنٰا هٰذٰا وَ مٰا كُنّٰا لَهُ مُقْرِنِينَ﴾ حُفِظَتْ لَهُ نَفْسُهُ وَ دَابَّتُهُ حَتَّى يَنْزِلَ.

۱۸ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ أَوْ غَيْرُهُ رَفَعَهُ قَالَ: خَرَجَ عَبْدُ الصَّمَدِ بْنُ عَلِيٍّ وَ مَعَهُ جَمَاعَةٌ فَبَصُرَ بِأَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه‌السلام مُقْبِلاً رَاكِباً بَغْلاً فَقَالَ لِمَنْ مَعَهُ: مَكَانَكُمْ حَتَّى أُضْحِكَكُمْ مِنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ.

فَلَمَّا دَنَا مِنْهُ قَالَ لَهُ: مَا هَذِهِ الدَّابَّةُ الَّتِي لَا تُدْرِكُ عَلَيْهَا الثَّأْرَ وَ لَا تَصْلُحُ عِنْدَ النِّزَالِ؟

فَقَالَ لَهُ أَبُو الْحَسَنِ عليه‌السلام: تَطَأْطَأَتْ عَنْ سُمُوِّ الْخَيْلِ وَ تَجَاوَزَتْ قُمُوءَ الْعَيْرِ وَخَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا.

فَأُفْحِمَ عَبْدُ الصَّمَدِ فَمَا أَحَارَ جَوَاباً.

وهر کس هنگامی که سوار چارپا می‌شود بگوید: «بسم الله لا حول ولا قوّة الّا بالله» ﴿ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي هَدَانَا لِهَٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَآ أَنْ هَدَانَا ٱللَّهُ لَقَدْ جَآءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِٱلْحَقِّ وَنُودُوٓا أَن تِلْكُمُ ٱلْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ ﴿سُبْحَانَ ٱلَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُۥ مُقْرِنِينَ﴾ خودش وچارپایش محافظت می‌شود تا این که پیاده گردد.

۱۸ ـ علی بن ابراهیم راوی دیگری در روایت مرفوعه‌ای گوید: عبدالصمد بن علی به همراه گروهی خارج شد، پس امام کاظم عليه‌السلام را که سوار بر قاطری بود مشاهده کرد. به همراهانش گفت: سر جای خود باشید تا شما را توسط موسی بن جعفر عليه‌السلام بخندانم (نعوذ بالله!).

هنگامی که نزدیک آن حضرت شد به ایشان گفت: این چارپا چیست که نمی‌توان بر روی آن خونخواهی نمود وموقع صلح نیز، خوب وبه درد بخور نیست.

امام عليه‌السلام به او فرمود: استر از سرکشی اسب، آرام‌تر واز زبونی درازگوش، قوی‌تر است. و«بهترین امور، میانه آن است».

پس عبدالصمد درمانده شد وجوابی نداد.

۱۹ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

لَا يَرْتَدِفْ ثَلَاثَةٌ عَلَى دَابَّةٍ فَإِنَّ أَحَدَهُمْ مَلْعُونٌ.

(۳)

بَابُ آلَاتِ الدَّوَابِّ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

السَّرْجُ مَرْكَبٌ مَلْعُونٌ لِلنِّسَاءِ.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنْ جُلُودِ السِّبَاعِ.

---

۱۹ ـ یعقوب بن سالم در روایت مرفوعه‌ای گوید: امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

سه نفر بر یک چارپا سوار نشوند؛ زیرا یکی از آنان مورد لعنت قرار می‌گیرد.

بخش سوم

ساز و برگ چارپا

۱ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

زین، مرکبی است که برای زنان، ملعون است.

۲ ـ سماعه گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدند: پوست درندگان چه حکمی دارد؟

فَقَالَ: ارْكَبُوهَا وَ لَا تَلْبَسُوا شَيْئاً مِنْهَا تُصَلُّونَ فِيهِ.

٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْعَمْرَكِيِّ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ السَّرْجِ وَ اللِّجَامِ فِيهِ الْفِضَّةُ أَ يُرْكَبُ بِهِ؟

فَقَالَ: إِنْ كَانَ مُمَوَّهاً لَا يُقْدَرُ عَلَى نَزْعِهِ فَلَا بَأْسَ وَ إِلَّا فَلَا تَرْكَبْ بِهِ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ: قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله لِعَلِيٍّ عليه السلام:

إِيَّاكَ أَنْ تَرْكَبَ مِيثَرَةً حَمْرَاءَ؛ فَإِنَّهَا مِيثَرَةُ إِبْلِيسَ.

٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي يَحْيَى الْمَدِينِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام:

أَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليهما السلام كَانَ يَرْكَبُ عَلَى قَطِيفَةٍ حَمْرَاءَ.

امام صادق عليه السلام فرمود: بر روی پوست بنشینید وبر زین آن سوار شوید؛ امّا اگر از پوست درندگان، پوستین تهیه شود، با آن نماز نخوانید.

۳ ـ علی بن جعفر عليه السلام برادر امام کاظم عليه السلام گوید:

از ایشان پرسیدم: زین ولگامی که در آن نقره به کار رفته است، می‌توان سوار شد؟

فرمود: اگر نقره طوری به کار رفته باشد که کندن آن ممکن نباشد، ایرادی ندارد وگرنه سوار آن نشو.

۴ ـ حنان بن سدیر گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

پیامبر صلى الله عليه و آله به حضرت علی عليه السلام فرمود:

بپرهیز از این که سوار پالان حریر و دیباج سرخ گردی! زیرا آن، پالان ابلیس است.

۵ ـ ابراهیم بن ابو یحیی مدینی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امام سجّاد عليه السلام سوار بر قطیفه و زیرانداز سرخ می‌شد.

٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُّونٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنْ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَتْ بُرَةُ نَاقَةِ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله مِنْ فِضَّةٍ.

(٤)

بَابُ اتِّخَاذِ الْإِبِلِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليهما السلام كَانَ لَيَبْتَاعُ الرَّاحِلَةَ بِمِائَةِ دِينَارٍ يُكْرِمُ بِهَا نَفْسَهُ.

٢ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ كُنْهَ حُمْلَانِ اللهِ لِلضَّعِيفِ مَا غَالَوْا بِبَهِيمَةٍ.

---

۶ ـ مسمع بن عبدالملک گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

حلقه بینی شتر پیامبر خدا صلى الله عليه وآله از نقره بود.

بخش چهارم
نگهداری شتر

۱ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

به راستی که امام سجاد عليه السلام صد دینار طلا می‌داد و یک شتر نجیب سواری می‌خرید تا عزت و احترام او محفوظ بماند.

۲ ـ صفوان جمّال گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اگر مردم این حقیقت و مفهوم را می‌دانستند که خداوند وسیله سواری شخص ضعیف و بی‌مکنت را فراهم می‌کند، قیمت چارپا را گران نمی‌کردند.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

إِنَّ عَلَى ذِرْوَةِ كُلِّ بَعِيرٍ شَيْطَاناً فَامْتَهِنُوهَا لِأَنْفُسِكُمْ وَ ذَلِّلُوهَا وَ اذْكُرُوا اسْمَ اللهِ فَإِنَّمَا يَحْمِلُ اللهُ عزوجل.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

لَوْ يَعْلَمُ الْحَاجُّ مَا لَهُ مِنَ الْحُمْلَانِ مَا غَالَ أَحَدٌ بِبَعِيرٍ.

٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ سُلَيْمَانَ الرَّحَّالِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ:

مَرَّ بِي أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام وَ أَنَا أَمْشِي عَرْضَ نَاقَتِي فَقَالَ: مَا لَكَ لَا تَرْكَبُ؟

فَقُلْتُ: ضَعُفَتْ نَاقَتِي فَأَرَدْتُ أَنْ أُخَفِّفَ عَنْهَا.

---

۳ ـ غیاث بن ابراهیم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

به راستی که روی کوهان هر شتری شیطانی قرار دارد، پس آن را به خدمتگزاری خود وادارید و آن شیطان آن را ذلیل و خوار گردانید و نام خداوند را ذکر کنید؛ چرا که فقط خداوند حمل می‌کند و حیوان سواری در اختیار خداوند است.

۴ ـ هشام بن حکم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اگر حاجیان بدانند که از سواری بر شتران لاغر چه منقبتی را تحصیل می‌کنند، برای شترهای فربه بهای گرانی نمی‌پرداختند.

۵ ـ عبدالله بن ابی یعفور گوید: امام صادق عليه السلام از کنارم می‌گذشت در حالی که در کنار شترم راه می‌رفتم. به من فرمود: تو را چه شده است که سوار نمی‌شوی؟

عرض کردم: شترم ضعیف شده است و من خواستم که بارش را سبک کنم.

فَقَالَ: رَحِمَكَ اللهُ ارْكَبْ، فَإِنَّ اللهَ يَحْمِلُ عَنِ الضَّعِيفِ وَ الْقَوِيِّ.

٦ ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

نَهَى رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله أَنْ يُتَخَطَّى الْقِطَارُ.

قِيلَ: يَا رَسُولَ اللهِ! وَ لِمَ؟

قَالَ: إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ قِطَارٍ إِلَّا وَ مَا بَيْنَ الْبَعِيرِ إِلَى الْبَعِيرِ شَيْطَانٌ.

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: اشْتَرَيْتُ إِبِلاً وَ أَنَا بِالْمَدِينَةِ مُقِيمٌ فَأَعْجَبَنِي إِعْجَاباً شَدِيداً فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام فَذَكَرْتُهَا لَهُ.

فَقَالَ: مَا لَكَ وَ لِلْإِبِلِ؟ أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّهَا كَثِيرَةُ الْمَصَائِبِ؟!

قَالَ: فَمِنْ إِعْجَابِي بِهَا أَكْرَيْتُهَا وَ بَعَثْتُ بِهَا مَعَ غِلْمَانٍ لِي إِلَى الْكُوفَةِ.

قَالَ: فَسَقَطَتْ كُلُّهَا فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ فَأَخْبَرْتُهُ.

فَقَالَ: ﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾.

فرمود: خداوند تو را رحمت کند! سوار شو؛ زیرا خداوند ضعیف وقوی را حمل می‌کند.

۶ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلى الله عليه و آله نهی نمود که از بین قطار شترها عبور کنند.

عرض کردند: ای پیامبر خدا! چرا؟

فرمود: به راستی که قطار شتری نیست جز این که ما بین شتری تا شتر دیگر، شیطانی قرار دارد.

۷ ـ عمر بن یزید گوید:

در مدینه مقیم بودیم، چند شتر مورد پسندم قرار گرفت وهمهٔ آنها را خریدم. بعد به خدمت امام کاظم عليه السلام شرف‌یاب شدم وماجرای خود را گزارش کردم.

امام کاظم عليه السلام فرمود: تو را با شترداری چه کار است؟ مگر نمی‌دانی که شترداری پر مصیبت است؟

اما من به شترها بسیار خوشبین بودم، از این رو آنها را به کرایه دادم وبا غلامان خودم به کوفه فرستادم، ولی همهٔ آنها از بین رفتند.

بعدها به خدمت امام کاظم عليه السلام رسیدم واز بین رفتن شترها را گزارش کردم.

امام کاظم عليه السلام این آیهٔ قرآن را زمزمه کرد: «آنان که از فرمان خدا سر می‌تابند باید برحذر باشند که بلایی بر سر آنان فرود آید ویا عذاب دردناکی طومار زندگی آنان را درهم پیچد».

۸ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام:

يَا صَفْوَانُ! اشْتَرِ لِي جَمَلاً وَ خُذْهُ أَشْوَهَ، فَإِنَّهُ أَطْوَلُ شَيْءٍ أَعْمَاراً.

فَاشْتَرَيْتُ لَهُ جَمَلاً بِثَمَانِينَ دِرْهَماً فَأَتَيْتُهُ بِهِ.

وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ قَالَ: اشْتَرِ السُّودَ الْقِبَاحَ، فَإِنَّهَا أَطْوَلُ شَيْءٍ أَعْمَاراً.

۹ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام وَ عَنْ أَبِيهِ مَيْمُونٍ قَالَ:

خَرَجْنَا مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام إِلَى أَرْضِ طِيبَةَ وَ مَعَهُ عَمْرُو بْنُ دِينَارٍ وَ أُنَاسٌ مِنْ أَصْحَابِهِ فَأَقَمْنَا بِطِيبَةَ مَا شَاءَ اللهُ وَ رَكِبَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه‌السلام عَلَى جَمَلٍ صَعْبٍ.

فَقَالَ لَهُ عَمْرُو بْنُ دِينَارٍ: مَا أَصْعَبَ بَعِيرَكَ!

---

۸ ـ صفوان جمّال گوید: امام صادق عليه‌السلام به من فرمود:

ای صفوان! یک شتر برای من خریداری کن و باید که بد قیافه باشد که عمر آنها پایدارتر است.

من شتری را به هشتاد درهم خریدم و نزد آن حضرت آوردم.

در روایت دیگری آمده است که آن حضرت فرمود: شتر سیاه و بد قیافه‌ای بخر که عمر آنها پایدارتر است.

۹ ـ ابن قدّاح از امام صادق عليه‌السلام و پدرش میمون نقل می‌کند و می‌گوید:

ما همراه امام باقر عليه‌السلام به مدینه رفتیم در حالی که عمرو بن دینار و عده‌ای از یاران حضرت عليه‌السلام همراه ایشان بودند و تا جایی که خداوند می‌خواست در مدینه ماندیم.

روزی امام باقر عليه‌السلام سوار شتری سرکش شد.

عمرو بن دینار به ایشان عرض کرد: چقدر شتر شما سرکش است!

فَقَالَ: أَ وَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله قَالَ:

إِنَّ عَلَى ذِرْوَةِ كُلِّ بَعِيرٍ شَيْطَاناً فَامْتَهِنُوهَا وَ ذَلِّلُوهَا وَ اذْكُرُوا اسْمَ اللهِ عَلَيْهَا فَإِنَّمَا يَحْمِلُ اللهُ؟!

ثُمَّ دَخَلَ مَكَّةَ وَ دَخَلْنَا مَعَهُ بِغَيْرِ إِحْرَامٍ.

۱۰ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ السِّنْدِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ رَجُلٍ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

إِيَّاكُمْ وَ الْإِبِلَ الْحُمْرَ، فَإِنَّهَا أَقْصَرُ الْإِبِلِ أَعْمَاراً.

۱۱ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ علیه السلام يَقُولُ:

إِنَّ اللهَ عزّ و جلّ اخْتَارَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ شَيْئاً اخْتَارَ مِنَ الْإِبِلِ النَّاقَةَ وَ مِنَ الْغَنَمِ الضَّائِنَةَ.

فرمود: مگر نمی‌دانی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

به راستی که بر کوهان هر شتری، شیطانی است. پس آن را بـه خـدمتگزاری وادارید و خوارش نمایید و نام خداوند را بر آن ذکر کنید؛ زیرا فقط خداوند حمل می‌کند.

سپس امام باقر علیه السلام وارد مکه شد و ما نیز همراه ایشان بدون احرام وارد شدیم.

۱۰ ـ ابن ابی یعفور گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

از شتر سرخ بپرهیزید! چراکه عمر آن از دیگر شتران کوتاه‌تر است.

۱۱ ـ عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

به راستی که خداوند از هر چیزی، یکی را انتخاب نموده است. از شتر، شتر مـاده و از گوسفند، گوسفند نر را برگزیده است.

(۵)
بَابُ الْغَنَمِ

۱ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:
يَا بُنَيَّ! اتَّخِذِ الْغَنَمَ وَ لَا تَتَّخِذِ الْإِبِلَ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله:
نِعْمَ الْمَالُ الشَّاةُ.

۳ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عُبَيْسِ بْنِ هِشَامٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله:
نَظِّفُوا مَرَابِضَهَا وَ امْسَحُوا رُغَامَهَا.

بخش پنجم
گوسفند

۱ ـ اسحاق بن جعفر گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود:
پسرم! گوسفند نگه داری کن، ولی شتر نگه داری نکن.

۲ ـ عمرو بن ابان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: گوسفند، بهترین سرمایه است.

۳ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه و آله فرمود:
طویله گوسفند را تمیز وبینی آن را پاک کنید؛ (یعنی به بینی آن دست بکشید تا احساس راحتی کند).

٤ ـ وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا اتَّخَذَ أَهْلُ بَيْتٍ شَاةً أَتَاهُمُ اللهُ بِرِزْقِهَا وَ زَادَ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَ ارْتَحَلَ الْفَقْرُ عَنْهُمْ مَرْحَلَةً.

فَإِنِ اتَّخَذَ شَاتَيْنِ أَتَاهُمُ اللهُ بِأَرْزَاقِهِمَا وَ زَادَ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَ ارْتَحَلَ الْفَقْرُ عَنْهُمْ مَرْحَلَتَيْنِ.

فَإِنِ اتَّخَذُوا ثَلَاثَةً أَتَاهُمُ اللهُ بِأَرْزَاقِهِمْ وَ ارْتَحَلَ الْفَقْرُ عَنْهُمْ رَأْساً.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَجْلَانَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ:

مَا مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ يَكُونُ عِنْدَهُمْ شَاةٌ لَبُونٌ إِلَّا قُدِّسُوا فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ.

قُلْتُ: وَ كَيْفَ يُقَالُ لَهُمْ؟

قَالَ: يُقَالُ لَهُمْ: بُورِكْتُمْ بُورِكْتُمْ.

---

۴ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه خانواده‌ای یک رأس گوسفند را نگه داری کنند، خداوند روزیِ آن را نزدشان می‌فرستد، رزق و روزی آنان را می‌افزاید و فقر از نزد آنان تا یک منزل مسافت کوچ می‌دهد. پس اگر دو رأس گوسفند نگه داری کنند، خداوند روزیِ آن دو رأس را نزد آنان می‌فرستد، روزی آنان را می‌افزاید و فقر را تا مسافت دو منزل از نزد آنان کوچ می‌دهد. پس اگر سه رأس گوسفند نگه داری کنند، خداوند روزی آنها را نزد آن خانواده می‌فرستد و فقر را به طور کامل از نزد آنان کوچ می‌دهد.

۵ ـ محمّد بن عجلان گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

هیچ خانواده‌ای نیست که نزدشان گوسفند شیرداری باشد، مگر این که در هر روز دو بار تقدیس می‌شوند.

عرض کردم: چگونه به آنان تقدیس گفته می‌شود؟

فرمود: به آنان گفته می‌شود: با برکت گردید! با برکت گردید!

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَارِدٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَكُونُ فِي مَنْزِلِهِ عَنْزٌ حَلُوبٌ إِلَّا قُدِّسَ أَهْلُ ذَلِكَ الْمَنْزِلِ وَ بُورِكَ عَلَيْهِمْ.

فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ قُدِّسُوا وَ بُورِكَ عَلَيْهِمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ.

قَالَ: فَقَالَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا: وَ كَيْفَ يُقَدَّسُونَ؟

قَالَ: يَقِفُ عَلَيْهِمْ مَلَكٌ فِي كُلِّ صَبَاحٍ فَيَقُولُ لَهُمْ: قُدِّسْتُمْ وَ بُورِكَ عَلَيْكُمْ وَ طِبْتُمْ وَ طَابَ إِدَامُكُمْ.

قَالَ: قُلْتُ لَهُ: وَ مَا مَعْنَى قُدِّسْتُمْ؟

قَالَ: طُهِّرْتُمْ.

٧ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله لِعَمَّتِهِ:

---

۶ ـ محمّد بن مارد گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

هیچ مؤمنی در خانه‌اش بز ماده شیردهی نگه داری نمی‌کند مگر آن که اهل آن خانه تقدیس می‌شوند و برکات بر آنان نازل می‌گردد. پس اگر دو رأس بز ماده شیرده داشته باشد، در هر روز دو بار تقدیس می‌شوند و برکات بر آنان نازل می‌گردد.

یکی از یاران ما عرض کرد: چگونه تقدیس می‌شوند؟

فرمود: هر روز فرشته‌ای نزد آنان می‌ایستد و به آنان می‌گوید: تقدیس گردید، برکات بر شما نازل گردد، پاکیزه گردید و خورش شما پاکیزه گردد!»

عرض کردم: معنی «تقدیس گردید» چیست؟

فرمود: یعنی پاکیزه گشتید!

۷ ـ جابر گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله به عمّه خود فرمود:

مَا يَمْنَعُكِ أَنْ تَتَّخِذِي فِي بَيْتِكِ بَرَكَةً؟

قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللهِ! وَ مَا الْبَرَكَةُ؟

قَالَ: شَاةٌ تُحْلَبُ، فَإِنَّهُ مَنْ كَانَ فِي دَارِهِ شَاةٌ تُحْلَبُ أَوْ نَعْجَةٌ أَوْ بَقَرَةٌ تُحْلَبُ فَبَرَكَاتٌ كُلُّهُنَّ.

٨ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام قَالَ:

دَخَلَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله عَلَى أُمِّ سَلَمَةَ فَقَالَ لَهَا: مَا لِي لَا أَرَى فِي بَيْتِكِ الْبَرَكَةَ؟

قَالَتْ: بَلَى وَ الْحَمْدُ لِلّهِ، إِنَّ الْبَرَكَةَ لَفِي بَيْتِي.

فَقَالَ: إِنَّ اللهَ عزّوجلّ أَنْزَلَ ثَلَاثَ بَرَكَاتٍ: الْمَاءَ وَ النَّارَ وَ الشَّاةَ.

٩ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

مَا مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ تَرُوحُ عَلَيْهِمْ ثَلَاثُونَ شَاةً إِلَّا لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تَحْرُسُهُمْ حَتَّى يُصْبِحُوا.

چه چیزی تو را بازمی‌دارد که در خانه‌ات برکتی نگه داری کنی؟!

عرض کرد: ای پیامبر خدا! برکت چیست؟

فرمود: گوسفندی که دوشیده شود؛ همانا کسی که در خانه‌اش یک رأس گوسفند یا میش ماده یا گاوی باشد که دوشیده شود؛ پس همه آنها برکت‌اند.

۸ ـ ابو جارود گوید: امام باقر عليه‌السلام فرمود:

روزی پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نزد ام سلمه عليها‌السلام آمد و به او فرمود: چه شده است که در خانه‌ات برکت نمی‌بینم؟

عرض کرد: آری و «الحمدلله» برکت در خانه‌ام وجود دارد.

فرمود: به راستی که خداوند سه برکت نازل نموده است: آب، آتش و گوسفند.

۹ ـ راوی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هیچ خانواده‌ای نیست که شبانگاهان سی راس گوسفند نزد آنان باز گردند، جز این که همواره فرشتگان از آنان پاسداری می‌دهند تا این که صبح شود.

(٦)

بَابُ سِمَةِ الْمَوَاشِي

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام: أَسِمُ الْغَنَمَ فِي وُجُوهِهَا؟

قَالَ: سِمْهَا فِي آذَانِهَا.

٢ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنْ سِمَةِ الْمَوَاشِي.

فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِهَا إِلَّا فِي الْوُجُوهِ.

بخش ششم

داغ نهادن چارپایان

۱ ـ یونس بن یعقوب گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: با آهن گداخته صورت گوسفندها را علامت بنهم؟

فرمود: فقط گوش گوسفند را می‌توانی داغ کنی.

۲ ـ عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: داغ نهادن دام‌ها و چارپایان چه صورت دارد؟

فرمود: به استثنای صورت مانعی ندارد.

(۷)
بَابُ الْحَمَامِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ وَ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ: الْحَمَامُ مِنْ طُيُورِ الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام.

۲ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى مَوْلَى آلِ سَامٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

إِنَّ أَوَّلَ حَمَامٍ كَانَ بِمَكَّةَ حَمَامٌ لِإِسْمَاعِيلَ عليه السلام.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ أَصْلَ حَمَامِ الْحَرَمِ بَقِيَّةُ حَمَامٍ كَانَ لِإِسْمَاعِيلَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام اتَّخَذَهَا كَانَ يَأْنَسُ بِهَا.

بخش هفتم
کبوتر

۱ ـ معاوية بن وهب گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

کبوتر از پرندگان محبوب پيامبران عليهم السلام است.

۲ ـ عبدالأعلى مولى آل سام گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

نخستين کبوترى که در مکه بود، کبوترى از آنِ حضرت اسماعيل عليه السلام بود.

۳ ـ حفص بن بخترى گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

کبوتران حرم مکه از نسل آن کبوترانى به وجود آمده‌اند که اسماعيل، فرزند ابراهيم خليل عليهما السلام به آنها آب و دانه مى‌داد و با آنها مأنوس بود.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام: يُسْتَحَبُّ أَنْ تَتَّخِذَ طَيْراً مَقْصُوصاً تَأْنَسُ بِهِ مَخَافَةَ الْهَوَامِّ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِذٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام يَقُولُ:

هَذِهِ الْحَمَامُ حَمَامُ الْحَرَمِ هِيَ مِنْ نَسْلِ حَمَامِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عليه‌السلام الَّتِي كَانَتْ لَهُ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِذٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

لَيْسَ مِنْ بَيْتٍ فِيهِ حَمَامٌ إِلَّا لَمْ يُصِبْ أَهْلَ ذَلِكَ الْبَيْتِ آفَةٌ مِنَ الْجِنِّ إِنَّ سُفَهَاءَ الْجِنِّ يَعْبَثُونَ فِي الْبَيْتِ فَيَعْبَثُونَ بِالْحَمَامِ وَ يَتْرُكُونَ الْإِنْسَانَ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عُبَيْدِ اللهِ الدِّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتَ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مستحب است انسان پرنده پر چیده‌ای نگه داری کند و با آن از بیم حشرات گزنده مأنوس شود.

۴ ـ ابو خدیجه گوید: از امام صادق عليه‌السلام شنیدم که می‌فرمود:

این کبوتران ـ کبوتران حرم مکه ـ از نسل کبوتر اسماعیل بن ابراهیم عليهما‌السلام هستند.

۵ ـ ابوخدیجه گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هر خانه‌ای که در آن کبوتر باشد، آسیبی از جنیان به اهل آن خانه نمی‌رسد؛ چرا که جنیان نادان و سفیه در خانه‌ها بازی می‌کنند، پس با کبوتر بازی می‌کنند و انسان را وامی‌گذارند.

۶ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

شَكَا رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ الْوَحْشَةَ فَأَمَرَهُ أَنْ يَتَّخِذَ فِي بَيْتِهِ زَوْجَ حَمَامٍ.

۷ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ الْجَامُورَانِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَنْدَلٍ عَنْ زَيْدٍ الشَّحَّامِ قَالَ: ذُكِرَتِ الْحَمَامُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَقَالَ:

اتَّخِذُوهَا فِي مَنَازِلِكُمْ، فَإِنَّهَا مَحْبُوبَةٌ لَحِقَتْهَا دَعْوَةُ نُوحٍ عليه السلام وَ هِيَ آنَسُ شَيْءٍ فِي الْبُيُوتِ.

۸ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

الْحَمَامُ طَيْرٌ مِنْ طُيُورِ الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام الَّتِي كَانُوا يُمْسِكُونَ فِي بُيُوتِهِمْ وَ لَيْسَ مِنْ بَيْتٍ فِيهِ حَمَامٌ إِلَّا لَمْ تُصِبْ أَهْلَ ذَلِكَ الْبَيْتِ آفَةٌ مِنَ الْجِنِّ إِنَّ سُفَهَاءَ الْجِنِّ يَعْبَثُونَ فِي الْبَيْتِ فَيَعْبَثُونَ بِالْحَمَامِ وَ يَدَعُونَ النَّاسَ.

قَالَ: فَرَأَيْتُ فِي بُيُوتِ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام حَمَاماً لِابْنِهِ إِسْمَاعِيلَ.

شخصی از ترس و وحشت به پیامبر خدا ﷺ شکایت نمود. پیامبر ﷺ به او دستور داد که در خانه‌اش یک جفت کبوتر نگه دارد.

۷ ـ زید شحّام گوید: نزد امام صادق عليه السلام سخن از کبوتر شد.

فرمود: آن را در خانه‌های خود نگه دارید؛ زیرا آن، دوست داشتنی است. دعوت نوح عليه السلام در هنگام طوفان به او رسید. و آن، اُنس گیرنده‌ترین حیوان در خانه‌هاست.

۸ ـ ابو سلمه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

کبوتر، یکی از پرندگان پیامبران عليهم السلام است که در خانه‌های خود نگه می‌داشتند. خانه‌ای که در آن کبوتر باشد به افراد این خانواده آسیبی از جانب جنیّان نخواهد رسید. به راستی که جنیّان نادان در خانه‌ها بازی می‌کنند. از این رو آنان با کبوتر بازی می‌کنند و انسان را رها می‌نمایند.

ابو سلمه گوید: من در خانه امام صادق عليه السلام کبوتری دیدم که از آنِ اسماعیل عليه السلام پسر آن حضرت بود.

۹ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام ـ وَ نَظَرَ إِلَى حَمَامٍ فِي بَيْتِهِ: ـ مَا مِنِ انْتِفَاضٍ يَنْتَفِضُ بِهَا إِلَّا نَفَّرَ اللهُ بِهَا مَنْ دَخَلَ الْبَيْتَ مِنْ عُزْمَةِ أَهْلِ الْأَرْضِ.

۱۰ ـ عَنْهُ عَنِ الْجَامُورَانِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ صَنْدَلٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ قَالَ: كُنْتُ جَالِساً فِي بَيْتِ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَنَظَرْتُ إِلَى حَمَامٍ رَاعِبِيٍّ يُقَرْقِرُ طَوِيلاً.

فَنَظَرَ إِلَيَّ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام فَقَالَ: يَا دَاوُدُ! تَدْرِي مَا يَقُولُ هَذَا الطَّيْرُ؟

قُلْتُ: لَا وَ اللهِ! جُعِلْتُ فِدَاكَ!

قَالَ: يَدْعُو عَلَى قَتَلَةِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَاتَّخِذُوا فِي مَنَازِلِكُمْ.

۱۱ ـ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ يَحْيَى الْأَزْرَقِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

إِنَّ حَفِيفَ أَجْنِحَةِ الْحَمَامِ لَتَطْرُدُ الشَّيَاطِينَ.

---

۹ ـ یعقوب بن جعفر گوید: امام صادق عليه السلام به کبوتری که در خانه ایشان بود نگاه نمود و فرمود:

هیچ حرکتی کبوتر انجام نمی‌دهد مگر آن که خداوند توسط آن، طلسم و چشم زخم مردم را از کسانی که داخل آن خانه می‌شوند دور می‌کند.

۱۰ ـ داوود بن فرقد گوید: من در خانه امام صادق عليه السلام نشسته بودم که کبوتر راعبی را مشاهده کردم که آواز طولانی سر می‌داد.

امام عليه السلام به من نگاه نمود و فرمود: ای داوود! می‌دانی این پرنده چه می‌گوید؟

عرض کردم: قربانتان گردم! نه، به خدا سوگند!

فرمود: بر قاتلان امام حسین عليه السلام نفرین می‌کند؛ پس آن را در خانه‌های خود نگه دارید.

۱۱ ـ یحیی ازرق گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

به راستی که صدای بال زدن کبوتر، شیطان‌ها را دور می‌کند.

۱۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:
إِنَّ اللهَ عزّ وجلّ يَدْفَعُ بِالْحَمَامِ عَنْ هَدَّةِ الدَّارِ.

۱۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:
اتَّخِذُوا الْحَمَامَ الرَّاعِبِيَّةَ فِي بُيُوتِكُمْ، فَإِنَّهَا تَلْعَنُ قَتَلَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليهما السلام وَلَعَنَ اللهُ قَاتِلَهُ.

۱٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ عُثْمَانَ الْأَصْبَهَانِيِّ قَالَ:
اسْتَهْدَانِي إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَأَهْدَيْتُ لَهُ طَيْراً رَاعِبِيّاً.
فَدَخَلَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام فَقَالَ: اجْعَلُوا هَذَا الطَّيْرَ الرَّاعِبِيَّ مَعِي فِي الْبَيْتِ يُؤْنِسُنِي.
قَالَ: وَ قَالَ عُثْمَانُ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام وَ بَيْنَ يَدَيْهِ حَمَامٌ يَفُتُّ لَهُنَّ خُبْزاً.

---

۱۲ ـ سهل بن زیاد در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
به راستی که خداوند متعال به خاطر کبوتر، خراب شدن خانه را برطرف می‌کند.

۱۳ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
در خانه‌های خود کبوتر راعبی نگه دارید؛ زیرا کبوتر راعبی قاتلان حسین بن علی عليهما السلام را لعنت می‌کند و خداوند قاتل آن حضرت را لعنت کند!

۱۴ ـ عثمان اصفهانی گوید: اسماعیل پسر امام صادق عليه السلام از من هدیه خواست. من به او کبوتر راعبی هدیه دادم. امام عليه السلام وارد شد وفرمود: این کبوتر راعبی را همراه من در خانه قرار دهید تا با من اُنس گیرد.

عثمان گوید: من خدمت امام صادق عليه السلام شرف‌یاب شدم در حالی که نزد آن حضرت کبوتری بود که حضرتش برای آن نان خُرد می‌کرد.

۱۵ ـ عَنْهُ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَشْعَثَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَارِقِيِّ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ صَالِحٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَرَأَيْتُ عَلَى فِرَاشِهِ ثَلَاثَ حَمَامَاتٍ خُضْرٍ قَدْ ذَرَّقْنَ عَلَى الْفِرَاشِ فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! هَؤُلَاءِ الْحَمَامُ تَقْذَرُ الْفِرَاشَ.

فَقَالَ: لَا، إِنَّهُ يُسْتَحَبُّ أَنْ تُسْكَنَ فِي الْبَيْتِ.

۱۶ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبَانٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ فِي مَنْزِلِ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله زَوْجُ حَمَامٍ أَحْمَرُ.

۱۷ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ إِبْرَاهِيمَ السِّنْدِيِّ عَنْ يَحْيَى الْأَزْرَقِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

احْتَفَرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام بِئْراً فَرَمَوْا فِيهَا فَأُخْبِرَ بِذَلِكَ فَجَاءَ حَتَّى وَقَفَ عَلَيْهَا فَقَالَ:

لَتَكُفُّنَّ ـ أَوْ لَأُسْكِنَنَّهَا ـ الْحَمَامَ.

---

۱۵ ـ عبدالکریم بن صالح گوید: حضور امام صادق علیه السلام شرف‌یاب شدم. بر روی فرش خانهٔ آن حضرت سه کبوتر سبزرنگ مشاهده نمودم که روی فرش فضله انداخته بودند، عرض کردم: قربانتان گردم! این فرش را کبوترها کثیف کرده‌اند!؟

فرمود: نه، به راستی که مستحب است که کبوتران در خانه اسکان داده شوند.

۱۶ ـ راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

در خانهٔ پیامبر خدا صلى الله عليه وآله یک جفت کبوتر سرخ رنگ بود.

۱۷ ـ یحیی ازرق گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی علیه السلام چاهی کند. در آن چاه مردم توسط جنیان و شیاطین سنگباران می‌شدند. به حضرت گزارش دادند. حضرتش بر سر آن چاه آمد و فرمود: دست نگه می‌دارید یا در این چاه کبوتر سکونت دهم؟!

ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام : إِنَّ حَفِيفَ أَجْنِحَتِهَا تَطْرُدُ الشَّيَاطِينَ .

۱۸ ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ: ذُكِرَ الْحَمَامُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: إِنَّهُ بَلَغَنِي أَنَّ عُمَرَ رَأَى حَمَاماً يَطِيرُ وَ رَجُلٌ تَحْتَهُ يَعْدُو فَقَالَ عُمَرُ: شَيْطَانٌ يَعْدُو تَحْتَهُ شَيْطَانٌ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام : مَا كَانَ إِسْمَاعِيلُ عِنْدَكُمْ؟

فَقِيلَ: صِدِّيقٌ.

فَقَالَ: إِنَّ بَقِيَّةَ حَمَامِ الْحَرَمِ مِنْ حَمَامِ إِسْمَاعِيلَ.

۱۹ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ:

سَأَلَ رَجُلٌ الرِّضَا عليه‌السلام عَنِ الزَّوْجِ مِنَ الْحَمَامِ يُفْرِخُ عِنْدَهُ يَتَزَوَّجُ الطَّيْرُ أُمَّهُ وَ ابْنَتَهُ.

قَالَ: لَا بَأْسَ بِمَا كَانَ بَيْنَ الْبَهَائِمِ.

سپس امام صادق عليه‌السلام فرمود: به راستی که صدای بال زدن کبوتر، شیاطین را می‌راند.

۱۸ ـ راوی گوید: نزد امام صادق عليه‌السلام سخن از کبوتر شد. مردی به آن حضرت گفت: به من خبر رسیده است که عُمَر مشاهده کرد که کبوتری پرواز می‌کند وشخصی در زیر آن می‌دود. عمر گفت: شیطانی است که شیطانی در زیر آن می‌دود.

امام صادق عليه‌السلام فرمود: اسماعیل عليه‌السلام نزد شما چگونه فردی است؟

گفته شد: مورد تصدیق است.

فرمود: به راستی که کبوتران باقی‌مانده حرم مکه، از نسل کبوتر اسماعیل عليه‌السلام هستند.

۱۹ ـ ابن ابی نصر گوید: مردی به امام رضا عليه‌السلام عرض کرد: من یک جفت کبوتر را تربیت کردم و آنها تخم‌گذاری کردند و جوجهٔ خود را پرورش دادند. ولی بعداً جوجهٔ نر با مادرش جفت شد وکبوتر نر با دختر خودش جفت شد. با این جفت‌گیری، گوشت آنها حرام نمی‌شود؟

فرمود: آن‌چه در میان حیوانات و جانوران می‌گذرد اشکالی پدید نمی‌آورد.

(۸)
بَابُ إِرْسَالِ الطَّيْرِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُذَافِرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام عَنِ الطَّيْرِ يُرْسَلُ مِنَ الْبَلَدِ الْبَعِيدِ الَّذِي لَمْ يَرَهُ قَطُّ فَيَأْتِي.

فَقَالَ: يَا ابْنَ عُذَافِرٍ! هُوَ يَأْتِي مَنْزِلَ صَاحِبِهِ مِنْ ثَلَاثِينَ فَرْسَخاً عَلَى مَعْرِفَتِهِ وَحَسَبِهِ فَإِذَا زَادَتْ عَلَى ثَلَاثِينَ فَرْسَخاً جَاءَتْ إِلَى أَرْبَابِهَا بِأَرْزَاقِهَا.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام:
مَا أَتَى مِنْ ثَلَاثِينَ فَرْسَخاً فَبِالْهِدَايَةِ وَ مَا كَانَ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَبِالْأُكُلِ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام الطَّيْرُ يَجِيءُ مِنَ الْمَكَانِ الْبَعِيدِ؟

بخش هشتم
فرستادن پرندگان

۱ ـ محمّد بن عذافر گوید: از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: پرنده‌ای را به ناحیه دور دستی که هرگز آن را ندیده است می‌فرستند و پرنده دوباره بازمی‌گردد. این کار چه‌گونه انجام می‌شود؟

فرمود: ای ابن عذافر! پرنده از سی فرسخی خانه صاحب خود توسط شناخت و محاسبه‌ای که دارد بازمی‌گردد. پس اگر بیشتر از سی فرسخ باشد، توسط خوراک و روزی خود نزد صاحب خود بازمی‌گردد.

۲ ـ راوی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:
آن پرنده‌ای که از سی فرسخی می‌آید، با هدایت و محاسبه است. و آن چه که بیشتر از آن است، با خوراک است.

۳ ـ اسحاق بن عمّار گوید: به امام صادق عليه‌السلام عرض کردم: پرنده از جای دور دست می‌تواند بازگردد؟

قَالَ: إِنَّمَا يَجِيءُ لِرِزْقِهِ.

٤ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمْهُورٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ دَاوُدَ الْحَدَّادِ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ: الْحَمَامُ يُرْسَلْنَ مِنَ الْمَوَاضِعِ الْبَعِيدَةِ فَيَأْتِي وَ يُرْسَلْنَ مِنَ الْمَكَانِ الْقَرِيبِ فَلَا يَأْتِي.

فَقَالَ: إِذَا انْقَطَعَ أُكُلُهُ فَلَا يَأْتِي.

(٩)

بَابُ الدِّيكِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

دِيكٌ أَبْيَضُ أَفْرَقُ يَحْرُسُ دُوَيْرَةَ أَهْلِهِ وَ سَبْعَ دُوَيْرَاتٍ حَوْلَهُ.

فرمود: همانا که به خاطر روزی‌اش بازمی‌گردد.

۴ ـ حریز گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: گاهی کبوتر را به مکان دور دست می‌فرستند و او باز می‌گردد وگاهی به مکانی نزدیک می‌فرستند. اما کبوتر باز نمی‌گردد.

فرمود: هنگامی که خوراکش قطع شود، باز نمی‌گردد.

بخش نهم

خروس

۱ ـ جابر گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

خروس سفید کاکل دار، از خانهٔ صاحبش وهفت خانهٔ اطراف آن محافظت می‌کند.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمَانَ بْنِ رُشَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَخْلَدٍ الْأَهْوَازِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

دِيكٌ أَبْيَضُ أَفْرَقُ يَحْرُسُ دُوَيْرَتَهُ وَ سَبْعَ دُوَيْرَاتٍ حَوْلَهُ وَ لَنَفْضَةٌ مِنْ حَمَامٍ مُنَمَّرَةٍ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِ دُيُوكٍ فُرْقٍ بِيضٍ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ:

ذُكِرَ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام حُسْنُ الطَّاوُسِ.

فَقَالَ: لَا يَزِيدُكَ عَلَى حُسْنِ الدِّيكِ الْأَبْيَضِ شَيْءٌ.

قَالَ: وَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: الدِّيكُ أَحْسَنُ صَوْتاً مِنَ الطَّاوُسِ وَ هُوَ أَعْظَمُ بَرَكَةً؛ يُنَبِّهُكَ فِي مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ وَ إِنَّمَا يَدْعُو الطَّاوُسُ بِالْوَيْلِ لِخَطِيئَةِ الَّتِي ابْتُلِيَ بِهَا.

٤ ـ عَنْهُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام:

الدِّيكُ الْأَبْيَضُ صَدِيقِي وَ صَدِيقُ كُلِّ مُؤْمِنٍ.

---

۲ ـ محمّد بن مَخلد اهوازی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

خروس سفید کاکل‌دار، از خانهٔ صاحب خود و هفت خانهٔ اطراف آن پاسداری می‌کند. و یک حرکت بال زدن کبوتر خالدار برتر از هفت خروس سفید کاکل‌دار است.

۳ ـ یعقوب بن جعفر بن ابراهیم جعفری گوید:

در حضور امام کاظم عليه السلام از زیبایی طاووس سخن به میان آمد.

حضرت فرمود: هیچ پرنده‌ای زیباتر از خروس سفید نخواهی یافت.

یعقوب گوید: هم چنین از ایشان شنیدم که می‌فرمود:

صدای خروس زیباتر از طاووس است و برکتی بیشتر دارد، در اوقات نماز تو را آگاه می‌کند. طاووس فقط به خاطر گناهی که به آن مبتلا شده. ندای «ویل» و بدبختی سر می‌دهد.

۴ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

خروس سفید، دوست من و دوست هر مؤمنی است.

۵ ـ عَنْهُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي شُعَيْبٍ الْمَحَامِلِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: قَالَ:

فِي الدِّيكِ خَمْسُ خِصَالٍ مِنْ خِصَالِ الْأَنْبِيَاءِ: السَّخَاءُ وَ الشَّجَاعَةُ وَ الْقَنَاعَةُ وَالْمَعْرِفَةُ بِأَوْقَاتِ الصَّلَوَاتِ وَ كَثْرَةُ الطَّرُوقَةِ وَ الْغَيْرَةِ.

٦ ـ عَنْهُ وَ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صلوات الله عليه:

صِيَاحُ الدِّيكِ صَلَاتُهُ وَ ضَرْبُهُ بِجَنَاحِهِ رُكُوعُهُ وَ سُجُودُهُ.

(۱۰)

بَابُ الْوَرَشَانِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

---

۵ ـ ابو شعیب محاملی گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

در خروس پنج ویژگی از ویژگی‌های پیامبران عليهم السلام است: سخاوت، شجاعت، قناعت، شناخت اوقات نماز، بسیاری آمیزش و غیرت.

۶ ـ ابن قدّاح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود:

بانگ خروس، نماز آن است و بال زدن آن، رکوع و سجود آن است.

بخش دهم
قُمری

۱ ـ ابوبکر حضرمی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

مَنِ اتَّخَذَ فِي بَيْتِهِ طَيْراً فَلْيَتَّخِذْ وَرَشَاناً فَإِنَّهُ أَكْثَرُ شَيْئاً لِذِكْرِ اللهِ عزّوجلّ وَ أَكْثَرُ تَسْبِيحاً وَ هُوَ طَيْرٌ يُحِبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.

۲ ـ عَنْهُ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ عُثْمَانَ الْأَصْبَهَانِيِّ قَالَ: اسْتَهْدَانِي إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام طَيْراً مِنْ طُيُورِ الْعِرَاقِ فَأَهْدَيْتُ وَرَشَاناً.

فَدَخَلَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام فَرَآهُ فَقَالَ: إِنَّ الْوَرَشَانَ يَقُولُ: بُورِكْتُمْ بُورِكْتُمْ فَأَمْسِكُوهُ.

۳ ـ عَنْهُ عَنِ الْجَامُورَانِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ سَيْفٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام أَنَّهُ نَهَى ابْنَهُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ اتِّخَاذِ الْفَاخِتَةِ وَ قَالَ:

إِنْ كُنْتَ لَا بُدَّ مُتَّخِذاً فَاتَّخِذْ وَرَشَاناً؛ فَإِنَّهُ كَثِيرُ الذِّكْرِ لِلهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى.

هر کس می‌خواهد در خانه‌اش پرنده‌ای نگه دارد، باید قُمری نگه دارد؛ زیرا در بین پرندگان بیشترین ذکر خداوند و بیشترین تسبیح را می‌گوید، و آن، پرنده‌ای است که ما اهل بیت علیهم‌السلام را دوست دارد.

۲ ـ عثمان اصفهانی گوید: اسماعیل علیه‌السلام پسر امام صادق علیه‌السلام پرنده‌ای از پرندگان عراق را به عنوان هدیه از من خواست. من به ایشان قُمری هدیه دادم.

پس امام صادق علیه‌السلام داخل شد و آن را مشاهده نمود و فرمود: قُمری می‌گوید: «مبارک گردید! مبارک گردید!» پس آن را نگه دارید.

۳ ـ ابوبصیر گوید: امام صادق علیه‌السلام پسر خود اسماعیل را از نگه‌داری فاخته نهی نمود و فرمود:

اگر ناگزیر می‌خواهی پرنده‌ای نگه داری کنی، از قُمری نگه‌داری کن؛ زیرا بسیار ذکر خداوند متعال می‌گوید.

(۱۱)

بَابُ الْفَاخِتَةِ وَ الصُّلْصُلِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

كَانَتْ فِي دَارِ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام فَاخِتَةٌ فَسَمِعَهَا يَوْماً وَ هِيَ تَصِيحُ فَقَالَ لَهُمْ: أَتَدْرُونَ مَا تَقُولُ هَذِهِ الْفَاخِتَةُ؟

قَالُوا: لَا.

قَالَ: تَقُولُ: فَقَدْتُكُمْ فَقَدْتُكُمْ.

ثُمَّ قَالَ: لَنَفْقِدَنَّهَا قَبْلَ أَنْ تَفْقِدَنَا. ثُمَّ أَمَرَ بِهَا فَذُبِحَتْ.

بخش یازدهم
فاخته و صُلصُل [۱]

۱ ـ راوی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

در خانه امام باقر عليه‌السلام فاخته‌ای بود. حضرت در حالی که فاخته بانگ می‌زد به آن گوش فرا داد، فرمود: آیا می‌دانید این فاخته چه می‌گوید؟

عرض کردند: نه.

فرمود: می‌گوید: «شما را نابود گردانم! شما را نابود گردانم!»

سپس فرمود: پیش از آن که با نفرینش ما را نابود کند، آن را نابود سازید.

آن گاه دستور به کشتن آن فرمود و آن را ذبح کردند.

---

۱ ـ نام پرنده‌ای و یا گونه‌ای از فاخته است.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ عُثْمَانَ الْأَصْبَهَانِيِّ قَالَ:

أَهْدَيْتُ إِلَى إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام صُلْصُلاً. فَدَخَلَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام فَلَمَّا رَآهَا قَالَ:

هَذَا الطَّيْرَ الْمَشُومَ أَخْرِجُوهُ، فَإِنَّهُ يَقُولُ: «فَقَدْتُكُمْ فَقَدْتُكُمْ» فَافْقِدُوهُ قَبْلَ أَنْ يَفْقِدَكُمْ.

۳ ـ عَنْهُ عَنِ الْجَامُورَانِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَقَالَ لِي: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! اذْهَبْ بِنَا إِلَى إِسْمَاعِيلَ نَعُودُهُ وَكَانَ شَاكِياً.

---

۲ ـ عثمان اصفهانی گوید: به اسماعیل پسر امام صادق عليه السلام صُلصُل هدیه دادم. وقتی امام صادق عليه السلام داخل شد و آن را مشاهد نمود، فرمود:

این پرنده بد یُمن است، آن را بیرون کنید؛ چرا که می‌گوید: «شما را نابود گردانم! شما را نابود گردانم!». پس قبل از این که شما را نابود کند آن را نابود کنید.

۳ ـ ابوبصیر گوید: به حضور امام صادق عليه السلام شرف‌یاب شدم. حضرت به من فرمود: ای ابا محمّد! اسماعیل بیمار است با ما بیا نزد اسماعیل برویم تا از او عیادت کنیم.

فَقُمْنَا وَ دَخَلْنَا عَلَى إِسْمَاعِيلَ فَإِذَا فِي مَنْزِلِهِ فَاخِتَةٌ فِي قَفَصٍ تَصِيحُ.
فَقَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام: يَا بُنَيَّ مَا يَدْعُوكَ إِلَى إِمْسَاكِ هَذِهِ الْفَاخِتَةِ؟ أَ وَ مَا عَلِمْتَ أَنَّهَا مَشُومَةٌ؟! أَ وَ مَا تَدْرِي مَا تَقُولُ؟
قَالَ إِسْمَاعِيلُ: لَا.
قَالَ: إِنَّمَا تَدْعُو عَلَى أَرْبَابِهَا فَتَقُولُ: «فَقَدْتُكُمْ فَقَدْتُكُمْ» فَأَخْرِجُوهُ.

(۱۲)

بَابُ الْكِلَابِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:
يُكْرَهُ أَنْ يَكُونَ فِي دَارِ الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ الْكَلْبُ.

برخاستیم و بر اسماعیل وارد شدیم. در این هنگام فاخته‌ای در قفس بود و بانگ می‌زد.
حضرت فرمود: پسرم! چه چیزی تو را بر نگه داشتن این فاخته واداشته است؟! آیا نمی‌دانی که آن بد یُمن است؟! آیا نمی‌دانی که چه می‌گوید؟!
عرض کرد: نه.
فرمود: بر صاحب خود نفرین می‌کند و می‌گوید: «شما را نابود گردانم! شما را نابود گردانم!» آن را بیرون کنید.

بخش دوازدهم
نگه داری سگ

۱ ـ حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
مکروه است که در خانه شخص مسلمان، سگ باشد.

٢ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

مَا مِنْ أَحَدٍ يَتَّخِذُ كَلْباً إِلَّا نَقَصَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ عَمَلِ صَاحِبِهِ قِيرَاطٌ.

٣ ـ عَنْهُ عَنْ عُثْمَانَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْكَلْبِ نُمْسِكُهُ فِي الدَّارِ؟

قَالَ: لَا.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُوسُفَ بْنِ عَقِيلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

لَا خَيْرَ فِي الْكِلَابِ إِلَّا كَلْبَ صَيْدٍ أَوْ كَلْبَ مَاشِيَةٍ.

٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ جَرَّاحٍ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ:

---

۲ ـ زراره گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کسی که در خانه‌ای از سگی نگه داری کند، در هر روز به اندازه یک قیراط از عملش کم می‌گردد.

۳ ـ سماعه گوید: از امام علیه السلام پرسیدم: می‌توانم در خانه‌ام سگ نگه داری کنم؟

فرمود: نه.

۴ ـ محمّد بن قیس گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

جز سگ شکاری یا سگ نگهبانی خیری در سگ‌ها نیست.

۵ ـ جرّاح مدائنی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

لَا تُمْسِكْ كَلْبَ الصَّيْدِ فِي الدَّارِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ بَابٌ.

٦ ـ عَنْهُ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ كَلْبِ الصَّيْدِ يُمْسَكُ فِي الدَّارِ قَالَ:

إِذَا كَانَ يُغْلَقُ دُونَهُ الْبَابُ فَلَا بَأْسَ.

٧ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ:

الْكِلَابُ السُّودُ الْبَهِيمُ مِنَ الْجِنِّ.

٨ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثُّمَالِيِّ قَالَ:

سگ شکاریت را در خانه‌ات جای مده، مگر آن که در را بر روی او قفل کنی.

۶ ـ سماعه گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: می‌توانم سگ شکاری خود را در منزل جای بدهم؟

فرمود: در صورتی که در را بر روی او قفل کنی، مانعی ندارد.

۷ ـ زراره گوید: امام (باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام) فرمود:

سگ‌های سیاه خالص، از جنّیان هستند.

۸ ـ ابوحمزهٔ ثمالی گوید:

كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فِيما بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةِ إِذَا الْتَفَتَ عَنْ يَسَارِهِ فَإِذَا كَلْبٌ أَسْوَدُ بَهِيمٌ فَقَالَ: مَا لَكَ! قَبَّحَكَ اللهُ مَا أَشَدَّ مُسَارَعَتَكَ! وَ إِذَا هُوَ شَبِيهٌ بِالطَّائِرِ.

فَقُلْتُ: مَا هَذَا؟ جُعِلْتُ فِدَاكَ!

فَقَالَ: هَذَا غُثَيْمٌ بَرِيدُ الْجِنِّ مَاتَ هِشَامٌ السَّاعَةَ وَ هُوَ يَطِيرُ يَنْعَاهُ فِي كُلِّ بَلْدَةٍ.

۹ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُّونٍ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنْ مِسْمَعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ صلى الله عليه و آله قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله:

الْكِلَابُ مِنْ ضَعَفَةِ الْجِنِّ فَإِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمُ الطَّعَامَ وَ شَيْءٌ مِنْهَا بَيْنَ يَدَيْهِ فَلْيُطْعِمْهُ أَوْ لِيَطْرُدْهُ، فَإِنَّ لَهَا أَنْفُسَ سَوْءٍ.

۱۰ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ سَالِمِ بْنِ أَبِي سَلَمَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: سُئِلَ عَنِ الْكِلَابِ.

من در راه مکه و مدینه همراه امام صادق عليه السلام بودم. در این هنگام حضرت به سمت چپ خود که سگ سیاه تندی بود توجه نمود. آن گاه فرمود: تو را چه شده است؟! خداوند تو را زشت کند! چقدر سرعت تو زیاد است! و آن سگ مانند پرنده بود.

گفتم: قربانتان گردم! این چیست؟

فرمود: این غُثیم پیک جنیان است. در همین ساعت هشام مُرد و این سگ پرواز می‌کند و خبر مرگ هشام را در هر شهری پخش می‌کند.

۹ ـ مسمع گوید: امام صادق صلى الله عليه و آله فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه و آله فرمود:

سگ‌ها از جنیان ضعیف هستند. هنگامی که یکی از شما غذا می‌خورد و در مقابلش باشد، به آن غذا دهد و یا دورش کند؛ زیرا سگ‌ها نَفَس بدی دارند.

۱۰ ـ سالم بن ابو سلمه گوید: از امام صادق عليه السلام در باره سگ‌ها پرسیدند.

فَقَالَ: كُلُّ أَسْوَدَ بَهِيمٌ وَ كُلُّ أَحْمَرَ بَهِيمٌ وَ كُلُّ أَبْيَضَ بَهِيمٌ فَذَلِكَ خَلْقٌ مِنَ الْكِلَابِ مِنَ الْجِنِّ وَ مَا كَانَ أَبْلَقَ فَهُوَ مَسْخٌ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ.

۱۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام: أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله رَخَّصَ لِأَهْلِ الْقَاصِيَةِ فِي كَلْبٍ يَتَّخِذُونَهُ.

۱۲ ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنِ الْكَلْبِ السَّلُوقِيِّ.

قَالَ: إِذَا مَسِسْتَهُ فَاغْسِلْ يَدَكَ.

(۱۳)

بَابُ التَّحْرِيشِ بَيْنَ الْبَهَائِمِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ التَّحْرِيشِ بَيْنَ الْبَهَائِمِ.

فرمود: هر سگ سیاه خالص، هر قرمز خالص وهر سفید خالص، خلقی از سگ‌ها از جنیان هستند. وآن سگی که رنگش مخلوط وخال‌دار است، مسخ شده‌ای از جنّیان وآدمیان است.

۱۱ ـ سکونی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مردم قاصیه اجازه داد که سگ گله‌داری کنند.

۱۲ ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام صادق علیه السلام در باره سگ تازی پرسیدم.

فرمود: هرگاه به آن دست زدی، دستت را بشوی.

بخش سیزدهم

ایجاد جنگ بین چارپایان

۱ ـ ابوالعباس گوید: از امام صادق علیه السلام دربارهٔ ایجاد جنگ بین چارپایان پرسیدم.

فَقَالَ: كُلُّهُ مَكْرُوهٌ إِلَّا الْكَلْبَ.

۲ ـ عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانٍ عَنْ مِسْمَعٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام: عَنِ التَّحْرِيشِ بَيْنَ الْبَهَائِمِ فَقَالَ:

أَكْرَهُ ذَلِكَ إِلَّا الْكِلَابَ.

تَمَّ كِتَابُ الدَّوَاجِنِ مِنَ الْكَافِي وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ أَوَّلاً وَ آخِراً وَ يَتْلُوهُ كِتَابُ الْوَصَايَا إِنْ شَاءَ اللهُ.

فرمود: جز بین سگ‌های، ایجاد و تشویش جنگ بین چارپایان مکروه است.

۲ ـ مسمع نظیر این روایت را از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند.

پایان کتاب دام‌ها و دام پروری از کتاب کافی، سپاس در آغاز و پایان از آنِ خداوند است. ان شاء الله در پی این، کتاب وصیت خواهد آمد.